

پژوهشی درباره زیباترین درودها

محمد و آل محمد

سید کاظم ارفع



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهشی درباره زیباترین درودها بر محمد و آل محمد علیهم السلام

نویسنده:

کاظم ارفع

ناشر چاپی:

پیام عدالت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
پژوهشی درباره زیباترین درودها بر محمد و آل محمد علیهم السلام	۱۲
مشخصات کتاب	۱۲
اشاره	۱۲
مقدمه: آفتاب آمد دلیل آفتاب	۲۲
معصوم اول	۲۶
اشاره	۲۶
بحث عصمت	۲۷
تبیین حلال و حرام الهی	۲۹
تعلیم کتاب آسمانی	۳۰
برپا کننده نماز	۳۲
پرداخت کننده زکات	۳۶
دعوت کننده به دین خدا	۳۸
وعده و وعید چه تفاوتی دارند	۴۱
اولین واسطه فیض الهی	۴۴
برکات وجودی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم	۴۶
تغییر وضع اقتصادی مردم	۴۸
برچیده شدن بساط کفر و بت پرستی	۵۰
بهترین درودها بر محمد و آل او	۵۵
معصوم دوم	۵۹
اشاره	۵۹
عنوان امیرالمومنین فقط برای علی بن ابی طالب علیه السلام	۶۰
برادر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم	۶۳
دوست خاص و برگزیده و وزیر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم	۶۴

۶۸	در اختیار گیرنده علم پیامبر
۷۰	جایگاه اسرار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم
۷۲	باب حکمت پیامبر
۷۵	دعوت کننده به شریعت پیامبر
۷۶	جانشین پیامبر در بین امت
۷۷	زداینده غم و غصه از چهره پیامبر
۷۹	شکونده کافران و به خاک مالنده بینی ناپاکان
۸۱	او همانند هارون نزد موسی برای پیامبر بود
۸۸	معصوم سوم
۸۸	اشاره
۸۹	صدیقه علیها السلام
۹۳	فاطمه علیها السلام
۹۶	زکیه علیها السلام
۹۹	خدا می داند که چقدر رسول خدا فاطمه را دوست می داشت
۱۰۳	مادر یازده امام
۱۰۵	بهترین زنان عالم
۱۰۷	ظالمان بر حقوق فاطمه علیها السلام
۱۱۳	دفاع فاطمه از فدک و حق خود
۱۱۷	خونخواه خون فرزندان حضرت زهرا علیها السلام
۱۱۸	مادر معصومین و همسر امیرالمومنین علیهم السلام
۱۲۰	مقام کریمه ای که در عرش الهی دارد
۱۲۲	درود بر مادر فاطمه حضرت خدیجه علیها السلام
۱۲۹	معصوم چهارم و پنجم
۱۲۹	اشاره
۱۳۱	حسن و حسین علیهما السلام
۱۳۳	نورین نیرین

و اینک امام حسن علیه السلام	۱۳۷
امین الله	۱۳۹
مظلوم اهل بیت علیهم السلام	۱۴۲
شهادت امام حسن علیه السلام	۱۴۶
آخرین موعظه حضرت	۱۴۷
از جنازه مطهرش نیز دست برداشتند	۱۴۹
امام پاکیزه و هدایتگر و هدایت شده	۱۴۹
معصوم پنجم	۱۵۵
اشاره	۱۵۵
نهضت آزادی بخش امام حسین علیه السلام	۱۵۶
عشق و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به حسین بن علی علیه السلام	۱۶۱
شهید مظلوم	۱۶۳
خداوند منتقم خون حسین علیه السلام است	۱۶۵
مهم ترین آثار قیام حضرت حسین علیه السلام	۱۶۶
وجه شباهت عصر امام حسین علیه السلام و عصر ظهور	۱۷۰
وفای به عهد سید الشهداء علیه السلام	۱۷۱
مرتبه بالای یقین	۱۷۳
برترین عبادت	۱۷۵
لعنت و نفرین بر قاتلان حسین علیه السلام	۱۷۷
پدر و مادرم فدای حسین علیه السلام	۱۷۹
لعنت و نفریت به اسارت درآوردگان اهل بیت حسین علیه السلام	۱۸۱
چهارده معصوم به طور کلی مفهوم پرهیزکاریند	۱۸۲
حسین علیه السلام باب هدایت عروه الوثقی و حجت بر اهل دنیا است	۱۸۴
معصوم ششم	۱۹۰
اشاره	۱۹۰
سید عابدان	۱۹۱

مخلص خدا	۱۹۴
نقش ائمه طاهرين عليهم السلام هدايت محوري است	۲۰۰
امام سجاد عليه السلام برای خدا انتخاب شده است	۲۰۳
هادی و مهدی است	۲۰۷
ارزش دهنده به ذکر صلوات بر محمد و آل محمد عليهم السلام	۲۰۹
معصوم هفتم	۲۱۲
اشاره	۲۱۲
نسب از دو امام دارد	۲۱۳
شکافنده علم	۲۱۴
رهبر هدايت در هستی و پيشرو اهل تقوا	۲۲۲
برگزیده ممتاز	۲۲۵
پرچمدار بندگان و مرکز نور شهرها	۲۲۶
مترجم وحی الهی	۲۳۱
ائمه مفترض الطاعه هستند	۲۳۴
معصوم هشتم	۲۴۰
اشاره	۲۴۰
صادق آل محمد عليهم السلام	۲۴۱
خزانه دار علوم	۲۴۲
تنها دو امام گفتند: سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي	۲۴۴
نور آشکار	۲۴۷
دعوت کننده به حق	۲۴۸
توضیح بیشتر نور آشکار	۲۵۲
شرح مبسوط معدن کلمه اللهم امام صادق عليه السلام	۲۵۷
معصوم نهم	۳۱۹
اشاره	۳۱۹
موسی بن جعفر عليه السلام امين و موتمن	۳۲۰

۳۲۴	نیکوکار و با وفا
۳۲۸	پاک و پاک روش
۳۳۲	نور مبین
۳۳۶	صابر در برابر آزارها
۳۴۰	حافظ امانت پدران
۳۴۵	عبد مطیع پروردگار
۳۴۸	معصوم دهم
۳۴۸	اشاره
۳۴۹	چهار امامی که نامشان علی بود
۳۵۰	چرا نامش رضا علیه السلام شد
۳۵۱	ارزش مقام رضامندی
۳۵۴	فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام
۳۵۷	کوتاه ترین زیارت اما ...
۳۵۸	قیام کننده به فرمان حق تعالی
۳۵۸	آنچه بر حضرت در مدینه و در سفر به مرو و طوس گذشت
۳۷۸	او دعوت کرد مردم را با حکومت و موعظه نیکو
۳۸۲	معصوم یازدهم
۳۸۲	اشاره
۳۸۳	چهار محمد علیهم السلام
۳۸۴	امام نوجوان
۳۸۷	نشان پرهیزکاری
۳۸۸	مولانا الجواد علیه السلام
۳۸۸	نور هدایت
۳۹۲	کانون وفا، امین وحی
۳۹۲	حکم حد برای دزد
۳۹۴	رهایی مردم از حیرت و سرگردانی توسط امام جواد علیه السلام

خطبه به یاد ماندنی جواد الائمه علیه السلام	۳۹۶
مناظرات قاطع حضرت	۳۹۸
ارشاد طالبان هدایت و تزکیه کسانی که طالب بودند	۴۰۱
همسرش بلای جانش شد	۴۰۳
معصوم دوازدهم	۴۰۴
اشاره	۴۰۴
علی بن محمد وصی اوصیاء	۴۰۵
محل تولد امام هادی علیه السلام	۴۰۶
جنايات متوکل عباسی	۴۰۶
امام پرهیزکاران و حجت بر همه مخلوقات	۴۰۸
با روزهای هفته دشمنی نکنید	۴۱۱
اهل ایمان از پرتو نور وجودش بهره ها بردند	۴۱۳
جامعه کبیره دائره المعارف شیعه یادگار امام هادی علیه السلام	۴۱۴
جود و بخشش امام هادی علیه السلام	۴۱۹
حرمت شرابخواری	۴۲۲
تاثیر کلام امام علیه السلام	۴۲۴
دعوت مردم به بندگی خدا و ترک گناه	۴۲۵
پاسخ مبسوط امام علیه السلام به مردم اهواز	۴۲۶
معصوم سیزدهم	۴۳۲
صلوات بر خود	۴۳۲
تصریح به امامت امام حسن عسکری علیه السلام	۴۳۳
خطاب هایی که در زیارت آن بزرگوار به حضرت داریم	۴۳۴
زمین بدون امام معصوم فرو می ریزد	۴۳۹
سفر حضرت به جرجان	۴۴۰
نیکوکار و پرهیزکار	۴۴۱
صادق و با وفا و خازن علم خدا	۴۴۴

- متولی حکومت الهی ۴۴۶
- موعظه های درس آموز حضرت ۴۴۷
- بالاترین درودها بر امام حسن عسکری علیه السلام ۴۵۰
- معصوم چهاردهم ۴۵۲
- اشاره ۴۵۲
- سلام بر حضرت بقیه الله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۴۵۳
- یاد مهدی علیه السلام برای انسان ایجاد سنخیت می کند ۴۵۴
- چرا او بقیه الله است؟ ۴۵۶
- در دولت کریمه اش اسلام جهان شمول می شود ۴۵۸
- خدایا مهدی را یاری کن ۴۶۳
- امتیاز یاران امام عصر روحی له الفداء ۴۶۴
- پدر می گوید خدایا ما را نیز جزو یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار ده ۴۶۶
- امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرآن را از مهجوری و احکام را از تعطیلی در می آورد ۴۶۸
- صبوری در عصر غیبت ۴۷۲
- درباره مرکز ۴۷۶

مشخصات کتاب

سرشناسه: ارفع، سید کاظم، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور: پژوهشی درباره ی زیباترین درودها بر محمد و آل محمد علیهم السلام/ سید کاظم ارفع.

مشخصات نشر: تهران: پیام عدالت، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۴۳۴ ص.

شابک: ۲۰۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۱۵۲-۲۶۷-۶

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: چهارده معصوم

موضوع: چهارده معصوم -- فضایل

موضوع: چهارده معصوم -- احادیث

رده بندی کنگره: BP۳۶/الف۴پ۴ ۱۳۹۲ ۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۱۸۷۳۳

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

آفتاب آمد دلیل آفتاب:

مقدمه کتاب حاضر را با عنوان فوق آغاز کردم زیرا که معصوم بزرگواری چون امام حسن عسکری علیه السلام روش صلوات بر معصومین علیهم السلام را به ما آموزش می دهد قبل از هر چیز لازم است درباره سند این مجموعه نورانی گفته شود که شیخ ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی بن الحسن الطوسی مشهور به شیخ الطایفه شیخ طوسی متولد ۳۸۵ و متوفی ۴۶۰ هجری قمری در کتابگرانقدر مصباح المتعجد خود ص ۳۹۹ اینگونه نقل می کند:

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ الشَّيْبَانِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَابِدُ بِالِدَالِيهِ لَفْظًا قَالَ سَأَلْتُ مَوْلَايَ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي مَنْزِلِهِ بِسَرٍّ مَنْ رَأَى سَنَّهُ خَمْسٍ وَخَمْسِينَ وَ مِائَتَيْنِ أَنْ يُمْلِيَ عَلَيَّ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَ أَوْصِيَائِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ أَحْضَرْتُ مَعِيَ قُرْطَاسًا كَثِيرًا فَأَمْلَى عَلَيَّ مِنْ غَيْرِ كِتَابٍ

گروهی از اصحاب ما خبر دادند از ابی المفضل شیبانی که گفت: ابو محمد

عبدالله بن محمد عابد بدالیه از لفظ خود حدیث کرد و گفت از مولای خود امام حسن عسکری علیه السلام در منزل آن حضرت در شهر سامرا سال دویست و پنجاه و پنج درخواست کردم که دیکته کند برای من کلمه کلمه کیفیت صلوات فرستادن بر پیغمبر و اوصیاء آن حضرت صلوات الله علیهم را و من باخود کاغذهای زیادی را برده بودم.

امام حسن عسکری علیه السلام درخواست مرا پذیرفت و بدون آنکه به کتابی مراجعه کند این چهارده صلوات بر معصومین علیهم السلام را برایم دیکته فرمود.

ضمناً مرحوم محدث قمی در قسمت های پایانی مفاتیح الجنان این صلوات را با همین مدرک نقل کرده است.

بی تردید این صلوات از جمله دعاهایی است که منقول واقع شده تا آنجا که بعضی از ارادتمندان به اهل بیت علیهم السلام از وجود چنین دعایی اظهار بی اطلاعی می کنند و یا اصلاً تا به حال آن را نخوانده اند.

اینک از شما خوانندگان محترم درخواست می نمایم ابتدا به نکات ذیل توجه ویژه نموده و سپس به مطالعه کتاب اقدام نمایید.

۱- آن که در قالب صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام جایگاه رفیع و با عظمت ایشان در آفرینش تبیین گردیده است.

۲- در اکثر درودها این موضوع ثابت شده اگر کسی پایگاهی را می خواهد که به حلال و حرامی که خداوند تبارک و تعالی به عنوان قانون زندگی بشر تنظیم کرده آشنا شود فقط باید به گفتار و رفتار معصومین علیهم السلام توجه نماید.

۳- امام حسن عسکری علیه السلام در فرازهایی از درودها راه ورود به مفاهیم قرآن و درک معالم و تفسیر و تاویل آن را از طریق چهارده معصوم بیان می فرماید.

۴- نکته دیگر این که اهل بیت علیهم السلام زندگی همراه با عزت و اقتدار را در برابر دشمنان به ما آموخته و روش دشمن ستیزی و مبارزه با استکبار را خیلی روشن برایمان ترسیم کرده اند.

۵- عباراتی در این چهارده صلوات به چشم می خورد که در دعاها و زیارت های دیگر دیده نمی شود به عنوان مثال اگر شما تحقیق کنید و تمام کتابهای مربوطه را مورد بررسی قرار دهید نمی توانید در قالب صلوات بر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام تا این حد جامع و کامل در معرفی شخصیت آن حضرت پیدا کنید. در حدود هفت خط اکثر فضائل و حوادث عمر شریف آن گرامی در آن گنجانده شده و هر جمله آن می تواند مطلع یک سخنرانی کامل و جامع قرار گیرد.

۶- از ویژگی های دیگر این مجموعه اهداف بلند انسان ساز و تربیتی چهارده معصوم علیه السلام است که در ژرفای عبارات درود بر آن انوار طیبه ملاحظه می گردد.

۷- نکته قابل دقت دیگر واسطه بودن این ذوات مقدسه برای رسیدن به خداوند تبارک و تعالی است با چنین تعبیرهایی بَابُ اللَّهِ، بَابُ الْهُدَى، عَرُوهُ الْوَثْقَى، الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ، مَعْدِنُ كَلَامِ اللَّهِ، خَازِنَ عِلْمِ اللَّهِ، نَاصِرِ دِينِ اللَّهِ.

۸- یکی از مسایل مهم روز شبه هایی است که دشمنان شیعه درباره جانشینان رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در نوشته ها و سایت ها و رسانه هایشان اشاعه می دهند امام حسن عسکری علیه السلام در این درودها به نوعی اکثر شبهات را پاسخ داده است.

۹- در هر کدام از صلوات ها چند شاخص از همان امام و معصوم نقل شده که حکایت از این می کند معصومین ما علیهم السلام با این که همه نور واحدی بودند اما در عین حال هر کدام خصائص مخصوص به خود را داشته اند.

۱۰- در پایان اگر بخواهیم یک جمع بندی درستی کنیم باید بگوییم این صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام جامعه کبیره دومی است که امام یازدهم علیه السلام بعد از پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام در شکل صلوات برای امت اسلام ارائه داده است.

رجب ۱۴۳۳ برابر با خرداد ۱۳۹۱

سید کاظم ارفع

ص: ۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلَ وَخَيَّكَ وَبَلَّغَ رِسَالَتِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَعَلَّمَ كِتَابَكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَدَعَا إِلَى دِينِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَأَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَيَّرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَأَهْلَكَتَ بِهِ الْفِرَاعِنَةَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أضعَفْتَ بِهِ الْأَمْوَالَ وَأَحْرَزْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ وَكَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَرَحِمْتَ بِهِ الْأَنَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَذْيَانِ وَأَعَزَّزْتَ بِهِ الْإِيمَانَ

وَتَبَرَّزْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا

بسم الله الرحمن الرحيم

صلوات بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلْتَ وَحْيَكَ وَبَلَّغَ رِسَالَاتِكَ

خدایا درود فرصت بر محمد همچنان که به دوش کشید وحیت را و رسانید پیام هایت را.

دو کار مهم پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله وسلم در جملات فوق جای گرفته یکی تحمل و حمل وحی و دیگر ابلاغ به مردم.

وقتی بحث عصمت آن حضرت مطرح می شود باید چهار مسئله برای ما مورد توجه قرار گیرد:

۱- رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم معصوم در گرفتن وحی و فهم آن و ۲- معصوم در حفظ و نگهداری آن و ۳- معصوم در کم و زیاد نکردن و عین آنچه را به وی وحی شده برساند و ۴- معصوم است در ابلاغ و قصور نکردن در رساندن وحی.

هدف از این کار اتمام حجت به بندگان خداست و گرفتن عذر و بهانه از آنها چنانکه امیرمومنان علی علیه السلام درباره نقش تربیتی پیامبران الهی می فرمود:

بَعَثَ اللَّهُ رَسُولَهُ بِمَا خَصَّهُمْ بِهِ مِنْ وَحْيِهِ، وَجَعَلَهُمْ حُجَّةً لَهُ عَلَى خَلْقِهِ، لِئَلَّا تَجِبَ الْحُجَّةُ لَهُمْ بِتَرْكِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِمْ، فَدَعَاهُمْ بِلسَانِ الصِّدْقِ إِلَى سَبِيلِ الْحَقِّ (۱)

پروردگار پیامبران را فرستاد و وحی خویش را به آنها اختصاص داد و ایشان را حجت خود بر مخلوقاتش نمود تا هیچ عذر و بهانه ای نماند و انبیاء مردم را به زبانی صادق به راه پروردگار دعوت کردند.

وحی حقیقی است که خداوند گاهی در قالب شرع و معارف دینی به انبیاء آموزش و القاء نموده و گاهی به شکل های گوناگون و سایر موجودات حتی بر جمادات القا فرموده است.

وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا (۲) و در هر آسمانی کار آن را وحی فرمود.

گاهی وحی بر حیوانات شد. وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا (۳)

پروردگارت به زنبور عسل وحی کرد که از کوه ها منزل انتخاب کند.

و گاهی وحی بر غیر انبیاء افتاده مثل وَأَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّ مُوسَى أَنْ أَرْضِعِيهِ (۴) و به مادر موسی وحی کردیم که فرزندت را شیر ده.

طریقه وحی برای بشر نیز در قرآن آمده است: وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بَأْذَنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ (۵)

امکان ندارد خدا با هیچ انسانی سخن بگوید جز به وسیله وحی یا از پشت حجابی با از راه فرستادن رسولی. در این هنگام فرستاده الهی به فرمان خداوند آنچه را که می خواهد وحی می کند که او برتر و حکیم است. از متن آیه شریفه فهمیدیم که پیامبران در نوع گرفتن وحی متفاوت هستند و یا یک پیامبر به انواع ذکر شده در آیه به وی وحی می شود.

زراره از امام باقر علیه السلام نقل می کند که آن گرامی فرمود: پیامبران بر چند دسته تقسیم

ص: ۱۷

۱- خطبه ۱۴۴

۲- فصلت ۱۲

۳- نحل ۶۸

۴- قصص ۷

۵- شوری ۵۱

می شوند آنهایی که به طور مستقیم صدای حق را می شنوند و منظور حق تعالی را می فهمند. آنانی که در عالم رویا فرمان الهی را دریافت میکنند مثل یوسف و ابراهیم. آن هایی که آورنده وحی را می بینند. کسانی که به قلبشان القاء می شود. (۱)

پس از این گفت و گوی کوتاه درباره مسئله وحی باز گردیم به فراز اول صلوات بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم که عرض می کنیم خدایا درود فرست بر پیامبرت که بار وحی را به دوش کشید و به طور صحیح و کامل آن به مردم ابلاغ کرد و چیزی را فروگذار ننمود. حتی قل هایی که صدر و یا بین آیات آمده یا اینکه خطاب مستقیم به شخص پیامبر است ولی جهت حفظ امانت عین آنچه که نازل شده در دسترس انسان ها گذاشت.

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ حَلَالُكَ وَحَرَّمَ حَرَامُكَ

و درود فرست بر محمد همچنان که حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا.

یکی دیگر از موارد مهمی که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم به آن همت گماشت و تمام تلاش خود را کرد تبیین حلال خدا و حرام خدا برای مردم بود تا تکلیف خود را در برابر احکام خدا بدانند. در این راستا آن حضرت اهل مسامحه و مدافعت نبود و چقدر برای ایشان سخت بود مردمی که سال ها به کارهای حرام انس گرفته بودند و زندگی جاهلی داشتند آنها از رفتارهایشان منفعل کند وعادات دیرینه را از سر آنها بیندازد و باید گفت یکی از معجزات غیرقابل انکار پیامبر همین بود چنانکه امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: رِيَاضِهِ الْجَاهِلِ وَ رَدُّ الْمُعْتَادِ عَنْ عَادَتِهِ كَالْمَعْجَزِ (۲)

نادان را دانا ساختن و معتاد را ترک اعتیاد دادن همانند معجزه است.

امیرالمومنین علی علیه السلام شمه ای از وضع عرب قبل از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را اینگونه بیان می فرماید:

وَأَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَيَّ شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ

و شما ای گروه عرب قبل از بعثت آن حضرت بدترین عقاید را داشتید و در بدترین جایگاه زندگی

ص: ۱۸

۱- تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۱۶۶

۲- تحف العقول ص ۴۸۹

می کردید. در ادامه فرمود: محل سکونت شما بین سنگلاخ ها و مارهای پرزهری بود که از صداها فرار نمی کردند. آب آشامیدنی شما لجن و تیره و غذایان زبر و خشن بود خون یکدیگر را می ریختید و با خویشاوندان قطع رابطه می کردید. بت ها را همه جا نصب کرده بودید و **وَالْآثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ (۱)** و همه خطا بین شما رواج داشت. از همین جمله پایانی خطبه تو خود حدیث مفصل بخوان و بدان که آن ملت چگونه در حرام غوطه ور بودند.

وَعَلَّمَ كِتَابَكَ

درود بر پیامبرت که کتابت را به مردم آموخت.

خداوند تبارک و تعالی به موضوع تعلیم کتاب آسمانی یعنی قرآن مجید توسط پیامبرش چندین بار اشاره فرموده و به نوعی فلسفه بعثت حضرت را بر شمرده است.

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲)

خداوند بر اهل ایمان منت گذاشت که از بین آنها پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات الهی را برای آنها بخواند و پاکشان کند و کتاب و حکمت بیاموزد گرچه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

نعمت وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم آنقدر باارزش است خداوندی که نعمت هایش حساب و اندازه ندارد وقتی به علت بعثت آن حضرت می رسد می فرماید: خداوند بر اهل ایمان منت گذاشت که بین آنها پیامبری را با آن ویژگی ها مبعوث کرد که یکی از آنها تعلیم کتاب بود.

سخن اینجاست که دایره و وسعت تعلیم کتاب برای اهل ایمان تا چه حد بود. آیا فقط آموزش روخوانی قرآن بود و یا فهم ظاهر آیات و یا تعلیم کتاب فراتر از این

ص: ۱۹

حرف ها بوده. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم اول مبین و مفسر قرآن بوده و خداوند او را مامور کرده که آیات قرآن را برای آحاد جامعه تبیین و تشریح کند.

آن هایی که مدعی هستند قرآن و ظاهرش ما را بس است با آیات متشابه چه می کنند و چگونه به خود اجازه می دهند با نص صریح قرآن مخالفت کنند زیرا که خداوند در دو جای سوره مبارکه نمل به طور آشکار از پیامبرش می خواهد که به بیان و تشریح آیات شریفه قرآن پردازد.

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۱)

و این قرآن را به تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را به ایشان نازل شده بیان کنی شاید اندیشه کنند.

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲)

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند برای آنها روشن کنی که قرآن مایه هدایت و رحمت برای مردم باایمان است.

پس تعلیم پیامبر توسط کتاب آسمانی همراه با تفسیر و تشریح بوده و خود بسیاری آیات کلی قرآن را به افعال و اعمال خود به فروع و جزء و جزء ارائه داده است مثلاً قرآن می فرماید: اَقِمِ الصَّلَاةَ (۳) نماز را بر پا دار اما کیفیت و نوع خواندن نماز با بیان نفرموده است ولی رسول الله در تبیین آیه فرمود: صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي (۴) همان طور که می بینید من نماز می خوانم شما نیز بخوانید و بعد طریقه خواندن نماز های یومیه و سایر نمازهای واجب و مستحب را برای همگان تشریح نمود.

ص: ۲۰

۱- نمل ۴۴ و ۶۴

۲- نحل ۶۴

۳- هود ۱۱۴ و اسراء ۷۸ و طه ۱۴ و عنکبوت ۱۴۵

۴- صحیح بخار ج ۱ ص ۱۶۲، بحار الانوار ج ۸۵ ص ۲۷۹

با قرآن در کل فرموده:

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (۱)

و برای خدا حج این خانه بر همه مردم در صورتی که توانایی رسیدن به آنجا را دارند واجب است. و در جای دیگر فرمود:

الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ (۲) حج در ماه های معین است و هر که حج بر او واجب شد آمیزش جنسی و گناه و مجادله را باید ترک کند.

ملاحظه می فرمایید تمامی مناسک حج از طریقه احرام بستن و نیت و تلبیه و طواف های خانه کعبه و رکعات نماز طواف و حضور در مسعی و هفت دور سعی بین صفا و مروه و بقیه اعمال حج در عرفات و منی و غیره هیچ کدام در قرآن به آنها اشاره نشده جز آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به ریز مسائل پرداخته و به مردم آموزش داده است.

سومین عمل بزرگ اسلامی که عبارت از روزه باشد با آن همه آداب و مسائلی که در باب مبطلات آن وجود دارد و سایر خصوصیات جز یکی و دو مورد بقیه را باید در بیان و تبعیت از پیامبر عظیم الشان جستجو کرد. لازم است در همین جا اضافه کنم آنهایی که ایراد می گیرند چرا نام ائمه طاهرین در قرآن نیامده ولی کلیت امامت و فضائل آن گرامیان در آیات الولایه بیان شده پاسخ می دهیم مسئله امامت و ائمه طاهرین علیهم السلام هم مثل نماز و حج و روزه از زبان مفسر قرآن رسول مکرّم اسلام به امر پروردگار متعال در مثل غدیر خم و سایر ایام با اسم و لقب و کنیه تعیین گردیده است و یک امر ثابت شده است و خیلی صریح در روایات اهل سنت و شیعه موجود می باشد.

و صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ

و درود فرست بر محمد همچنان که نماز را برپا داشت.

اقامه نماز برای حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم مربوط می شود به قبل از بعثت و جایگاه

ص: ۲۱

عبادت حضرت کوه و غاز حرا بود همان جایی که برای نخستین بار مورد خطاب الهی قرار گرفت و با کلمه اقرء بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ بخوان به نام پروردگارت همان که خلق همه چیز کرد.

بعد از بعثت نیز در برپایی نماز چنان اسرار داشت که آیه نازل شد طه مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى (۱) طاهها ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج افتی.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید: يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ای جامه به خویشتن فرو پیچیده به پاخیز شب را مگر اندکی

بر پیامبر نازل شد آن حضرت تمام شب را به نماز و عبادت می پرداخت تا جایی که پاهایش ورم کرد به طوری که موقع نماز خواندن یک پایش را بلند می کرد و یکی را روی زمین می گذاشت پس جبرئیل بر آن حضرت فرمود آمد و گفت: طه یعنی هر دو پایت را به زمین بگذار ای محمد

ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که به رنج افتی. (۲)

نماز نور دیده پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود و حضرتش به نماز عشق می ورزید و آن را محبوب می داشت.

تعبیر خود حضرت این بود: جَعَلَ اللَّهُ جِلَّ ثَنَاوَهُ قَرَهُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ حَبَّبَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَ إِلَيَّ الظَّمَانِ الْمَاءَ وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ وَ إِنَّ الظَّمَانَ إِذَا شَرِبَ رَوِيَ وَ أَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ (۳)

خداوند جل ثناوه نور دیده مرا در نماز قرار داد و نماز را محبوب من گردانید همچنان که غذا را محبوب گرسنه و آب را محبوب تشنه. با این تفاوت که گرسنه هر گاه غذا بخورد سیر می شود و تشنه هرگاه آب بنوشد سیراب می گردد اما من از نماز سیر نمی شوم.

قضاوت امیرالمومنین علی علیه السلام درباره برپایی نماز توسط رسول مکرم اسلام

ص: ۲۲

۱- طه ۱ و ۲

۲- تفسیر المیزان ج ۱۴ ص ۱۲۶

۳- مکارم الاخلاق ج ۲ ص ۳۶۶

خیلی عجیب است:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَا يُوْثِرُ عَلَى الصَّلَاةِ عَشَاءً وَلَا غَيْرَهُ وَكَانَ إِذَا دَخَلَ وَقْتُهَا كَانَهُ لَا يُعْرِفُ أَهْلًا وَلَا حَمِيمًا (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شام و غیر شام را بر نماز مقدم نمی داشت و چون وقت نماز می رسید گویی نه خانواده ای می شناسد و نه رفیق شفیقی.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم همان طور که بنیان گذار نمازها در اسلام بود برپا کننده نماز جماعت نیز بود امام صادق علیه السلام میفرماید: اولین نماز جماعتی که خوانده شد به این صورت بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام در حال نماز بود که ابوطالب و جعفر بر او گذشتند پس ابوطالب به جعفر گفت پسرم کنار پسر عمویت نماز بخوان چون رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم وجود جعفر را در کنار خود حس کرد برای امامت نماز جلوتر رفت و ابوطالب با خوشحالی برگشت.... این اولین نمازی بود که در آن روز به جماعت خوانده شد. (۲)

رسول خدا به خاطر برپایی نماز شب به مقام محمود یعنی مقام شفاعت رسید. وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا (۳)

و پاسی از شب را بیدار بمان تا برای نافلة ای باشد امید که پروردگارت تو را به مقامی محمود برانگیزد.

انس بن مالک می گوید روزی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را دیدم در حالی که رو در روی علی بن ابی طالب علیه السلام بود این آیه را تلاوت می کرد

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدُ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا سپس فرمود یا علی خداوند شفاعت را برای اهل توحید از امت من از آن من قرار داد اما دشمنان تو و فرزندان از آن محروم می باشند. (۴)

امام صادق علیه السلام فرمود: علیکم بصلاته اللَّيْلِ فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ (۵)

ص: ۲۳

۱- تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۷۸

۲- بحار ج ۳۵ ص ۲۸

۳- اسراء ۷۹

۴- تفسیر برهان ج ۲ ص ۴۳۸

۵- علل الشرايع ص ۳۶۲

بر شما باد برپایی نماز شب که آن سنت پیامبر شماس.

از مجموع این فصل اهمیت نماز و آثار نورانی آن در حد اختصار بیان شد پس ای دوستان از خداوند تبارک و تعالی عاجزانه طلب کنیم اولاً ما را به نماز اول وقت و به جماعت و در مسجد موفق بدارد و ثانیاً از حضرت باری تعالی طلب نماییم که توفیق انجام شرایط کمال نماز را نیز پیدا کنیم و به این حقیقت دست یابیم که اقامه کننده نماز باشیم چون فرق است بین خواندن و اقامه در اقامه و برپایی نماز تمام شرایط کمال و آبرو دادن به نماز و حفظ ارزش هایی که برای نماز مترتب است نهفته است.

در زیارت وارث که صفوان جمال از امام صادق علیه السلام نقل میکند و از زیارات معتبر حضرت سیدالشهداء حسین بن علی علیهم السلام است از جمله خطابه هایی که به حضرتش داریم این است أَشْهَدُ أَنْكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ (۱) شهادت می دهم که تو نماز را برپا داشتی.

برپایی نماز امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا زنده کردن نماز بود و هشدار به دوستدارانش که همه عرض ادب ها و اظهار ارادت ها و عزاداری ها به جای خود توجه داشته باشید که من در آن شرایط نماز را به موقعش اقامه کردم و نگذاشتم به تاخیر افتد.

مرحوم سیدبن طاووس می نویسد:

وَ حَضَرَتْ صَلَاةُ الظُّهْرِ فَأَمَرَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ زَهْرِينَ الْقَيْنِ وَ سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَنْفِيَّ أَنْ يَتَّقِدُ مَا أَمَامَهُ بِنِصْفٍ مَنْ تَخَلَّفَ مَعَهُ ثُمَّ صَلَّى بِهِمْ صَلَاةُ الْخَوْفِ سَرَانِجَامَ رُوزِ عَاشُورَا بِه نِیمِہ خُودِر سَید ہنگام ظہر بود امام حسین علیہ السلام بہ زہیر بن قین و سعید بن عبد اللہ حنفی دستور داد کہ مقابلش بایستند تا آن حضرت علیہ السلام بتواند با بقیہ اصحاب نماز را بہ صورت نماز خوف بہ جای آورد.

ص: ۲۴

در هنگام نماز تیری به سمت امام حسین علیه السلام پرتاب شد سعید بن عبدالله خود را سپر حضرت نمود و آن را به جان خرید و به همین صورت تیرهایی را که از سوی دشمن پرتاب می شدند می گرفت تا آن که رمقی برایش باقی نماند بر زمین افتاد و می گفت بار خدایا این قوم را لعنت کن همانگونه که قوم عاد و ثمود را لعنت نمودی.

بار الها سلام مرا به پیامبرت برسان و به آن حضرت بگو که در راه یاری جگر گوشه اش حسین چه زخم هایی بر من وارد شد زیرا من در راه یاری خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هدفی جز تحصیل رضا و خشنودی تو نداشتم.

سعید بن عبدالله پس از گفتن این کلام در حالی که سیزده پیکان تیر و زخم های فراوان نیزه و شمشیر در بدنش دیده می شد به شهادت رسید. رضوان الله علیه. (۱)

جا دارد در قسمت پایانی این بحث نامی هم از سوید بن عمرو بن ابی مطاع برده شود که جزو شهدای کربلاست و آخرین شهید کربلا بوده و طبق فرمایش سید بن طاووس کان شریفاً کثیر الصلوه او مرد شریفی بود و بسیار نماز می خواند.

آری سوید بن عمرو همانند شیر ژیان جنگید و در برابر سختی ها صبر کرد تا آن که از کثرت زخم توانی برایش باقی نماند و میان شهیدان افتاد او به همین صورت بی هیچ حرکت بر روی زمین افتاده بود تا این که از مردم شنید که می گفتند حسین علیه السلام کشته شد با شنیدن این سخن با سختی برخاست و از کفش خود خنجرى در آورد و شروع به جنگ با لشکر ابن سعد نمود تا آن که او نیز به شهادت نایل آمد. رضوان الله علیه (۲)

وَ آتَى الزَّكَاةَ

درود بر پیامبرت که زکات را پرداخت نمود.

همیشه چه در آیات کریمه قرآن و چه در روایات و دعاهاى نقل شده از

ص: ۲۵

معصومین علیهم السلام در کنار اقامه نماز پرداخت زکات مطرح است و این نشان جدا نبودن این دو از یکدیگر و تساوی اهمیت نماز و زکات است.

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ (۱) و نماز را بر پای دارید و زکات را بپردازید.

امام رضا علیه السلام از شدت مقارنت بی نماز و زکات می فرماید که: فَمَنْ صَلَّى وَلَمْ يَزَكْ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ (۲) پس کسی که نماز بخواند و زکات ندهد نمازش پذیرفته نشود.

متأسفانه یکی از احکام تعطیل شده اسلام همین مسئله زکات است که خشم و غضب خدا را همراه خواهد داشت چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند نامش بلند باد چیزی سخت تر از زکات بر این امت واجب نکرد و عموم آنان جز در این مورد هلاک نشوند. (۳)

مواردی که از نظر فقهاء اسلام زکات بر آنها واجب می شود عبارت است از: گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، شتر، گاو، گوسند و بعضی از فقهاء معتقدند مال التجاره را نیز بنابر احتیاط باید زکات داد درباره این قسمت آخر نظر این است اگر مال حداقل به اندازه ۱۵ مثقال طلای مسکوک یا ۱۰۵ مثقال نقره مسکوک قیمت داشته باشد هر سال زکات آن یک چهارم است. (۴)

نپرداختن زکات از جرم های سنگین است که در بعضی روایات حکم قتل دارند و بعضی در حکم کافران محسوب می شوند.

امام صادق علیه السلام درباره کسی که زکات نمی دهد فرمود: إِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَخَذَ مَنَعَ الزَّكَاةَ فَضَرَّتْ عُنُقَهُ (۵) هرگاه قائم علیه السلام ظهور کند کسی را که زکات ندهد دستگیر کند و او را به قتل می رساند.

در جای دیگر فرمود: مَنْ مَنَعَ قَيْرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْلِمَتْ إِنْ شَاءَ يَهُودِيَّانِ إِنْ شَاءَ

ص: ۲۶

۱- بقره ۱۱۰

۲- مشکاه الانوار ص ۴۶

۳- امالی طوسی ص ۶۹۳

۴- توضیح المسائل آیه الله سیستانی ص ۳۰۵

۵- بحار ج ۹۶ ص ۵۰

نَصْرَانِيًّا^(۱) هر که به اندازه و وزن چهار دانه جو از زکات را نپردازد گو بمیرد خواهد یهودی یا نصرانی.

خداوند درباره مانعین زکات می فرماید: ذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ^(۲)

کسانی که زکات نمی دهند ایشان به آخرت کافرند.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سوال شد منظور از کلام خدا چیست که می فرماید: وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ^(۳) وای بر مشرکان آنان که زکات نمی دهند حضرت فرمود: خداوند مشرکان را مورد عتاب قرار نمی دهد. مگر نشنیده ای این سخن او را فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ^(۴) الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ^(۵) وای بر نمازگزاران آنان که در نماز خود غافلند آنان که خودنمایی می کنند و ماعون را نمی پردازند؟ بدانید که ماعون همان زکات است. سپس فرمود سوگند به آن که جان محمد در دست اوست هیچ کس در چیزی از زکات مال خود به خدا خیانت نکرد مگر آن که مشرک به خداست.^(۶)

وَدَعَا إِلَى دِينِكَ

درود بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم که مردم را به دینت دعوت کرد.

دعوت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم به دین خدا در سه مرحله انجام گرفت نخست مخفیانه و با دو نفر یعنی امیرالمومنین علی علیه السلام و خدیجه بنت خویلد علیهم السلام و بعد دعوت از عشریه و فامیل و مرحله سوم دعوت کافه و همه مردم عالم بود.

خداوند از مردم خواست که دعوت او را برای زندگی بهتر و حیات پاکیزه بپذیرند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ^(۷)

ص: ۲۷

۱- ثواب الاعمال ص ۲۸۱

۲- فصلت ۷۶

۳- فصلت ۷۶

۴- ماعون ۸ تا ۵

۵- بحار ج ۹۶ ص ۲۹

۶- انفال ۲۴

ای اهل ایمان هنگامی که خدا و رسول شما را دعوت می کنند برای زندگی بهتر و نیکبختی استجابت کنید. جهان شمولی پیامبر هم از آیات قرآن استخراج می شود و هم از رفتار حضرت که دعوت او دعوت عام و بین المللی بود

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ (۱)

ما تو را جز برای همه مردم جهان نفرستادیم.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا (۲)

بگو ای مردم من برای همگی شما از جانب خداوند پیام آوردم.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ (۳)

ما تو را جز بری رحمت جهانیان نفرستادیم.

پیامبر در بعضی گفتارهایی که داشت جهان شمولی خود را ابراز می فرمود: أَنَا رَسُولٌ مِّنْ أَدْرَكْتَ حَيًّا وَمَنْ يُؤَلِّدْ بَعْدِي (۴)

من پیامبر همه کسانی هستم که در زمان زنده بودنم آنان را درک میکنم و بعد از وفات من به دنیا می آیند. أَرْسَلْتُ إِلَيَّ النَّاسُ كَافَةً وَبِي خَتَمَ النَّبِيِّونَ (۵)

من برای تمامی مردم مبعوث به رسالت شدم و به من پیامبری پایان می پذیرد و امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی شریعت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم عنایت فرمود و او را برای همگان اعم از سفید و سیاه و جن و انسان مبعوث به رسالت نمود. (۶)

یکی از کارهایی که حضرت به عنوان دعوت عام داشت نامه هایی است که از پادشاهان و رهبران اقوام و کشورها در عصر خود به اسلام عزیز ارسال نمود.

عکس العمل دریافت کنندگان نامه و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم متفاوت بود بعضی مثل نجاشی پادشاه حبشه نامه آن حضرت را گرفت و بر دیدگان خود نهاد و برای ابراز

ص: ۲۸

۱- سبا ۲۸

۲- اعراف ۱۵۸

۳- انبیاء ۱۰۷

۴- بحار ج ۱۶ ص ۳۳۱ و ۳۳۲

۵- بحار ج ۱۶ ص ۳۳۱ و ۳۳۲

۶- بحار ج ۱۶ ص ۳۳۱ و ۳۳۲

تواضع از تخت فرو آمد و روی زمین نشست و اسلام آورد و شهادتین بر زبان جاری کرد. (۱)

و بعضی مثل هرقل قیصر روم از ترس جاننش و برای حفظ تاج و تختش که مبادا مسیحیان بر علیه او بشورند دعوت پیامبر را پذیرفت. (۲)

و از همه گستاخ تر خسرو پرویز بود که چون نامه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را گرفت در نهایت بی ادبی نامه را پاره کرد وقتی خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رسید فرمود پروردگارا پادشاهی او را پاره کن و همین هم شد شیرویه پسر خسرو بر وی چیره شد و خسرو را به قتل رساند. (۳)

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَ أَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ

و درود بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم که وعده هایت را تصدیق کرد و از وعیدهای بیمناک گردید. خداوند تبارک و تعالی در سراسر قرآن شریف یک سری وعده دارد و یک سری وعید.

وعده هایش به نعمت های دنیوی و آخرتی است و مژده ها و بشارت هایی است که به اهل ایمان و تقوا داده و ثواب هایی که برایشان در نظر گرفته است.

وعیدهای الهی هم شامل خبرهای بیم دهنده و عذاب های گوناگون است که برای گنهکاران و کافران و منافقین در نظر گرفته است.

با دسته بندی آیات کریمه قرآن به راحتی می توان دانست که کدام آیه وعده الهی است و کدام آیه وعید حق تعالی است به عنوان مثال این آیات جزو آیات وعده خداوند است.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۴)

ص: ۲۹

۱- الطبقات الكبرى ج ۱ ص ۲۵۸ ص ۲۶۰

۲- الطبقات الكبرى ج ۱ ص ۲۵۸ ص ۲۶۰

۳- الطبقات الكبرى ج ۱ ص ۲۵۸ ص ۲۶۰

۴- لقمان ۹۸

آنانی که ایمان آورده و کارهای پسندیده کرده اند بر آنها باغ های پر نعمت خواهد بود برای همیشه در آن می مانند وعده الهی حق است و او مقتدر و حکیم است.

و این آیات جزو وعیدهای پروردگار است:

درست دو ایه قبل از آیات فوق خداوند می فرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشَّرُهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۱)

بعضی از مردم خریدار سخنان بیهوده هستند تا مردم را بدون آگاهی از راه خدا منحرف سازند و آیات الهی را به مسخره گیرند برای اینها عذاب خوار کننده ای خواهد بود.

وقتی آیات ما برای وی تلاوت می شود از روی تکبر اعراض می کند مثل آن که هیچ چیز نشنیده و مثل آن که گوش هایش سنگین است. او را به عذاب دردناک بشارت ده.

خداوند تبارک و تعالی صفات جمالیه دارد که جلوات صفات جمالیه الهیه را باید در آیات وعده او جستجو کرد و صفات جلالیه دارد که باید در آیات وعید او این صفات را پیدا نمود. با این حال صفات جمالیه اش که همان رحمت و اسعه اوست بر صفات جلالیه اش که قهر و غضب اوست غلبه دارد.

خود می فرماید: عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ (۲)

عذاب من هر که را خواهم شامل می شود و رحمت من در برگیرنده تمامی موجودات است.

هدهد پرنده ای بود در خدمت حضرت سلیمان پیامبر علیه السلام سلیمان جویای

ص: ۳۰

پرنده‌گان شد و گفت:

لَا أَرَى الْهُدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِثِينَ لَأَعَذِّبَنَّ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۱)

چرا هد هد را نمی بینم؟ مگر او غایب است او را عذابی سخت خواهم کرد و یا سرش را می برم و یا باید برای غیبتش دلیل قانع کننده ای بیاورد.

ملاحظه می فرمایید پیامبر خدا چه عکس العملی با یک پرنده غایب دارد ولی خداوند تبارک و تعالی با همه قصورها و گناهان و نافرمانی های بندگان روزی را از آنها دریغ نمی کند و فوراً آنها را به سزای اعمالشان نمی رساند و به آنها فرصت می دهد تا توبه کنند و از پدر و مادر به انسان مهربان تر است.

دوبار جمله اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ در سوره یوسف آمده یکی از زبان یعقوب و دیگری از زبان یوسف. یعقوب وقتی فرزندان را روانه مصر می کند می گوید: قَالَ اللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۲) خداوند بهترین نگهبان و نگهدارنده است و از مهربان ترین مهربانان است و یوسف خطاب به برادران می گوید: لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (۳) امروز هیچ سرزنشی بر شما نیست. خداوند شما را می بخشد زیرا که مهربان ترین مهربانان است.

امام سجاد علیه السلام در مناجات های خود به ما می آموزد که خدا را به جود و کرمش و رحمت و اسعه اش بخوانیم باشد که مشمول عفو و آمرزش پروردگار مهربان قرار گیریم.

يَا جَمِيلَ السَّيِّئَاتِ اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ إِلَيْكَ وَ تَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ وَ تَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَ لَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي وَ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي وَ كَفِّرْ خَطِيئَتِي بِمَنِّكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۴)

ای نیکو پرده پوش بر گناهان جود و رحمت نامنتهای تو را شفیع قرار می دهم و

ص: ۳۱

۱- نمل ۲۰ و ۲۱

۲- یوسف ۶۴ و ۹۲

۳- یوسف ۶۴ و ۹۲

۴- مناجات التائبین در مفاتیح الجنان محدث قمی.

به جناب تو و مهربانیت و به درگاہت توسل می جویم. پس دعایم را مستجاب کن و از امیدوی که به لطف تو دارم محروم مگردان توبه ام قبول فرما و خطاهایم به کرم و رحمت محو گردان ای مهربان ترین مهربانان.

و صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِالدُّنُوبِ وَ سَتَرْتَ بِهِنَّ الْعُيُوبَ وَ فَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ

و درود فرست بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم همان گونه بندگان گنهکارت را به خاطر او می بخشی و عیب هایشان را می پوشانی و رفع گرفتاری هایشان را می نمایی.

اولین معصوم و اولین واسطه فیض جهان خلقت وجود نازنین رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است همان بزرگواری که به یمن وجود نازینش چه انسان هایی مشمول لطف و مرحمت پروردگار قرار گرفته و خواهند گرفت و بعد از گرایش به دین او و عمل و به دستوراتش پاک و پاکیزه خواهند شد و خدای ستارالعیوب عیب هایشان را نادیده خواهد گرفت و گشایش در کارشان ایجاد خواهد کرد.

وجود پیامبر آن قدر نزد خداوند عزیز بود که تا ایشان بودند خداوند خود فرمود شما مردم خطاکار را عذاب نمی کنم.

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (۱)

ولی خداوند تا مادامی که تو در بین آنها هستی عذابشان نمی کند و نیز تا مادامی که از خدا طلب آمرزش کنند آنان را عذاب نخواهد کرد.

و حتی این اختیار را به پیامبر رحمت داد که برای گنهکاران استغفار کند تا خداوند از سر تقصیرشان بگذرد.

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا (۲)

و اگر آنها هنگامی که به خود ستم نمودند پیش تو می آمدند و از خداوند طلب بخشش می نمودند پیامبر برای آنها طلب بخشش می نمود در این موقع خداوند

ص: ۳۲

را تو پذیر و مهربان می یافتید.

بر همین اساس در دعا و زیارت روز شنبه که متعلق به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است عرض میکنیم

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا إِلَهِي فَقَدْ أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْفِرْهَا لِي (۱)

پروردگارا تو خود فرموده ای اگر آنها هنگامی که بر خود ستم می کنند آمدند نزد تو پس آمرزش طلبیدند از خدا و آمرزش طلبید پیامبر حتما خداوند را توبه پذیر خواهند یافت. پروردگارا من هم آمدم پیش پیغمبرت استغفارکنان و توبه کنان از گناهانم پس بر محمد و آل او درود فرست و از گناهانم در گذر.

خدای ستارالعیوب و کشاف الکروب به احترام حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم عیوب بندگان گنهکار نادم و پشیمانانش را می پوشاند و رفع هم و غم از آنها میکند.

یکی از اشکال هایی که مخالفین بر ما می گیرند این است که پرا برای طلب مغفرت الهی پیامبر و ائمه معصومین را واسطه قرار می دهید و ما را متهم به شرک می کنند.

پاسخ را خداوند به این آدم های کج اندیش داده که می شود نزد رسول خدا رفت و درخواست آمرزش کرد که نزد خدا واسطه شود و برای پیروان گنهکارش طلب مغفرت نماید چنانکه فرزندان یعقوب بنابر صراحت آیه شریفه از پدر برای خطاهایی که مرتکب شدند درخواست استغفار کردند و یعقوب نگفت این کار شرک است و درخواست فرزندانش را پذیرفت.

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ (۲)

ص: ۳۳

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- یوسف ۹۷ و ۹۸

گفتند پدر جان از خدا بخواه که ما را ببخشد چرا که ما خطاکار بودیم گفت به زودی از پروردگار برای شما طلب آمرزش می کنم زیرا که او بخشنده و مهربان است. برای ارتباط با پروردگار تهیه وسیله چه مانعی دارد چنانکه گاهی عبادات و مناجات ها و تلاوت آیات کریمه قرآن می توانند وسیله ارتباطی ما با خداوند باشند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (۱)

شما که ایمان دارید از خدا بترسید و با وسیله به او تقرب جوئید.

از ابن شهر آشوب نقل شده که امیرالمومنین علی علیه السلام در ذیل آیه شریفه فرموده است: اَنَا وَسَيِّلَتُهُ مِنْ وَسِيلَةِ تَقَرُّبٍ بِهِ خُدا هستم. (۲)

در پایان زیارت جامعه کبیره هم عرض می کنیم: اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَحِدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَتْمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتَهُمْ شُفَعَائِي (۳)

پروردگارا اگر من شفیعیان و واسطه هایی نزدیکتر به تو از محمد و اهل بیت گرامش که ائمه طاهرین و نیک هستند سراغ داشتم آنها را شفیع و وسیله خویش قرار می دادم.

و صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَ كَشَفْتَ بِهِ الْعَمَاءَ وَ أَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَ نَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ

و درود فرست بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم همان گونه که به وجود شریف او بدبختی ها را رفع کردی و تیرگی و غمگینی ها را برطرف نمودی و دعاها را مستجاب فرمودی و مردم را از بلاها نجات بخشیدی.

برکات وجودی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم یکی و دو تا نیست و ما قادر به احصاء و شمارش آنها نمی باشیم. یکبار مردی از امیرالمومنین علی علیه السلام درخواست کرد تا از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برایش خلیات و آثارش را بیان کند. امام علیه السلام فرمود: تو نعمت های دنیا را بشمار تا من نیز آثار وجودی آن حضرت را برایت بشمارم عرض کرد چگونه ممکن است

ص: ۳۴

نعمت های دنیا را احصاء کرد با اینکه خداوند در قرآن می فرماید: **وَإِنْ تَعِدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا** اگر بخواهید نعمت های خدا را شماره کنید نمی توانید.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: خداوند تمام نعمت های دنیا را قلیل و کم می داند و می فرماید: **قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ** بگو متاع دنیا اندک است ولی درباره پیامبرش قضاوت می کند و می فرماید: **انْكَ لِعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ** تو را خوئی بسیار بزرگ است اینک تو چیزی که قلیل است نمی توانی بشماری من چگونه چیزی که خداوند عظیم و بزرگ شمرده شمارش کنم. (۱)

در فراز از صلوات فوق این حقیقت روشن شد که شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم باعث شد که بارهای سنگین از دوش مردم برداشته شود و یک دین سهل و مطابق طاقبت بشری تا قیامت برای همه انسان ها ارائه داده شود.

وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (۲)

پیامبری که تکلیف سخت و زنجیرهای گران را از آنها برمیدارد.

چنان که ایمان آورندگان به آن بزرگوار طبق بیان قرآن نیز اینگونه دعا می کنند:

رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۳)

پروردگارا اگر ما فراموش کردیم یا خطا نمودیم ما را مواخذه مکن خداوندا بار تکلیف سنگین بر دوش ما قرار مده آن گونه که بر پیشینیان ما قرار دادی.

پروردگارا چیزی که ما را تاب تحمل آن نیست بر ما مقرر مفرما. ما را ببخش و ما را بیامرزه به ما رحم کن که تو مولای مایی پس ما را برای غلبه بر مردم کافر یاری فرما.

ص: ۳۵

۱- وقایع الایام ج ۳ ص ۲۵

۲- اعراف ۱۵۷

۳- بقره ۲۸۶

با مراجعه به تاریخ از صدر اسلام تا به امروز که بیش از چهارده قرن می گذرد و مشاهده می کنیم که به برکت وجود نازنین پیامبران خداوند عذابی را که برای امت های گذشته آورد و به طور کلی نسل آنان را منقرض نمود برای امت اسلام به وجود نیاورد با اینکه در بین زمامداران غاصب و بنی امیه و بنی عباس بزرگترین ظلم ها و جنایت ها بر مردم انجام گرفت و امامان معصوم همگی یا مسموم شدند و یا مقتول و حادثه عظیمی چون کربلا به وجود آمد اما باز خدای مهربان این ملت مسلمان را ریشه کن نکرد و همه اش به خطر گل روی حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بود که در صلوات بر حضرت گفتیم: وَ نَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ خداوند! به علت و برای احترام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم ملت مسلمان را از بلاء رهایی بخشیدی.

و اگر بنا بود خداوند عذاب امت های پیشین را بر این امت تجویز کند باید مثل قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین با آنها برخورد می کرد.

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱)

آیا داستان آنانی را که قبل از ایشان بوده اند نشنیده اید: داستان قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و شهرهای ویران شده که پیامبرانشان با دلایل روشن به سویشان آمدند و خداوند نمی خواست که به آنها ستم کند بلکه آنها به خویش ستم کردند.

وَصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَأَهْلَكْتَ بِهِ الْفِرَاعِنَةَ

و درود فرست بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم همان طور که به وجود مبارک او بر بندگان رحمت کردی و به توسط او شهرها را آباد نمودی و پشت جباران و ستمگران را

شکستی و فرعون های زمان را هلاک نمودی.

چقدر انسان ها در پرتو پیامبر عظیم الشان اسلام مشمول رحمت الهی شدند. انسان هایی که اگر نور محمدی بر آنها نمی تابید و عطر محمدی بر مشامشان نمی خورد در جهل مرکب می ماندند و جاهل و نادان می مردند و یک راست راهی دوزخ می شدند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم غریق نجات بزرگ تاریخ بشریت تا قیامت فیضش ادامه دارد و با معجزه بزرگش یعنی قرآن مجید و سنت و گفتار نورانش گمراهان را در مسیر صراط مستقیم دین خدا قرار داده و می دهد و هر کس را در این طریق قرار می دهد زیر سایه رحمت و اسعه الهیه قرار می گیرد.

وَ أَحْيَتْ بِهِ الْبِلَادَ خداوند به خاطر رسول مکرم اسلام شهرها را زنده و حیات تازه بخشید چیزی که بیگانگان از اسلام نیز بدان اعتراف میکنند پیشرو بودن اسلام در ایجاد تمدن و پاکیزه نگاهداشتن محیط زیست بوده است.

سلسله قوانین وضع شده توسط آن حضرت نظافت و طهارت و چگونه زیستی را در خانه و کاشانه و محل عبور مرور مردم و آبادانی شهرها به ارمغان آورده است.

اسلام عزیز چیزی را برای احیاء شهرها فروگذار نکرده و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برای پاکیزگی و نظم در شهرها سفارشات لازم را فرموده است:

إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ يُحِبُّ الطَّيِّبَ نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ (۱)

خداوند پاک است و شخص پاک را دوست دارد پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد.

نعمان بن بشیر می گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم عملاً نظم در کار را به مردم آموزش می داد مثلاً صفوف نماز را طوری منظم می کرد که گویی تیرها را در تیردان مرتب می کند تا آن که دید ما از او غافل شده ایم. سپس روزی برای نماز بیرون آمد و

ص: ۳۷

خواست تکبیره الاحرام بگوید که دید مردی سینه اش را جلو آورده است فرمود: ای بندگان خدا صفوف خود را منظم کنید و گرنه خداوند شما را از هم روگردان می کند. (دچار اختلاف می شوید) (۱)

أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمَ مَا يَأْتِي وَالْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَدَوَاءَ دَائِكُمْ وَنَظْمَ مَا بَيْنَكُمْ. (۲)

بدانید که در قرآن علم آینده و سخن از گذشته و دواي درد شما و باعث نظم و ساماندهی میان شماست.

دکتر گوستاولوبون فرانسوی در دیباچه کتاب خود به نام تمدن اسلام و عرب می نویسد علت این که به تمدن عرب و اسلام شروع می کنیم این است که دایره آن نسبت به سایر تمدن ها وسیع تر و کامل تر می باشد خاصه در تکامل بشری عوامل و اسبابی که از آن بحث نموده ایم اثر آنها در این تمدن بیش تر ظاهر و هویداست علاوه بر این تاریخ تمدن مزبور بسیار دلچسب و اطلاع و شناسایی اهالی کشور ما از آن خیلی کم و محدود است. (۳)

با خواندن کتاب هایی از این قبیل که از زبان بیگانگان از اسلام نقل شده به این نتیجه می رسیم که اگر در دعا و صلوات بر شخص رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم عرض می کنیم که أَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ پروردگارا به توسط پیامبرت شهرها آباد شد مطلب گزافی گفته نشده و حتی تمدن دیگران و پیشرفت های علمی آنها مرهون اسلام و رهبر بزرگ آن ختمی مرتبت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم است.

مطلب بعدی شکسته شدن پشت جباران و دیکتاتورها و نابودی فرعون ها توسط آن حضرت است.

در عصری که بعثت آغاز شد و اسلام طلوع کرد در مصر و قاهره افریقا در

ص: ۳۸

۱- تنبیه الخواطر ج ۲ ص ۲۶۷

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۵۸

۳- تمدن اسلام و عرب ص ۳

خاورمیانه و ایران و خاور دور و قاره اروپا همه سردمداران و روسای حکومت‌ها جبار و دیکتاتور و از فراعنه بودند خروش و صدای اسلام و قوانین مترقی آن پایه‌های حکومت همه آنان را متزلزل کرد و اکثر کشورها در فاصله نیم قرن به فتح اسلام و مسلمین در آمدند یک پرچم اسلام در اتلانتیک و دیگری در هندوستان به اهتزاز در آمد و هم اینک بعد از گذشت قرن‌ها شاهدیم که اسلام در پنجاه و چهار کشور دین رسمی و در کشورهای اروپایی و آمریکا و آسیا مسلمانان رو به فزونی هستند و طبق پیش‌بینی کارشناسان غربی بعد از گذشت چندین سال اکثریت ساکنین کشورهای غربی مسلمان خواهند شد و مسیحیت در اقلیت قرار خواهند گرفت.

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَضَعَفْتَ بِهِنَّ الْأَمْوَالَ وَأَحْرَزْتَ بِهِنَّ الْأَهْوَالَ وَكَسَرْتَ بِهِنَّ الْأَصْنَامَ وَرَحِمْتَ بِهِنَّ الْأَنَامَ

و درود فرست بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم همان طور که به خاطر وجود پربرکت او اموال و ثروت‌ها را فزونی بخشیدی و وضع اقتصادی مردم رو به بهبودی رفت و به توسط آن حضرت دارایی‌ها را از تلف شدن حفظ کردی و بت‌ها را به دست او شکستی و به خاطر او به بندگان خود رحم نمودی.

قوانین جامع و کامل اقتصادی اسلام باعث شد مردم فقیر و تهیدست ساکنین مناطق تحت سیطره اسلام به مال و منال دنیا برسند و در ابعاد مختلف رو به تعالی روند.

در بخش کشاورزی دام‌داری استخراج معادن و استفاده از منابع دریایی دین محمدی صلی الله علیه و آله وسلم با نظرات کارشناسانه خود توانست مسلمین را از فقر و فلاکت‌رهایی بخشد و روز به روز وضع اقتصادی‌شان بهتر شود.

و این از الطاف الهی بوده که پیامبر اسلام باید از نقطه‌ای به ظاهر خشک و گرمسیر برخیزد اما مردم عصرش خبر نداشته باشند که زیر پایشان طلای سیاه و چه

ثروت هنگفتی نهفته دارند و با استخراج آن چه گسترشی در اقتصاد پیدا می کنند و با یک نگرش کوتاه خواهیم دید که اکثر منابع زیرزمینی از نفت و گاز و معادن ارزشمند در همین نقطه و اطراف آن جایی است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم رسالتش را آغاز فرمود

یکی دیگر از آثار وجودی آن گرامی اضمحلال و نابودی بت ها بود بت پرستی و خرافه پرستی در مرکز خانه خدا در اوج خود بود فقط ۳۶۰ بت به خانه کعبه آویزان بود که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم چون جد بزرگوارش ابراهیم خلیل علیه لاسلام همه را پایین کشید و شکست و به هر چه بت پرستی و خرافه پرستی بود خاتمه داد.

بت شکنی پیامبر هم در بعد فرهنگی بود و هم در بعد فیزیکی یعنی ابتدا با تبلیغ و هدایت مردم حجاز اعتقادات بت پرستانه و خرافی گرای آنها را شکست و بعد از آن که ابهت و عظمت خدایان قلابی در هم ریخت اقدام فیزیکی کرد و با یاری امیرالمومنین علی علیه السلام اصنام را نابود کردند. امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید: همان شی که پیامبر خدا به من فرمان داد که در بسترش بخوابم و از مکه هجرت کرد مرا با خود نزد بت ها برد و فرمود: بنشین پس من کنار کعبه نشستم سپس پیامبر خدا از شانه های من بالا رفت و فرمود برخیز من او را بلند کردم و چون ضعفم را در زیر خود دید فرمود بنشین پس نشستم و او را پایین آوردم.

پیامبر خدا برای من نشست و به من فرمود ای علی تو از شانه های من بالا برو و من هم بالا رفتم سپس پیامبر خدا مرا بلند کرد و چنان پنداشتم که اگر بخواهم به آسمان دست می یابم.

روی کعبه رفتم و پیامبر خدا کنار رفت تا من بت بزرگ آنان قریش را که از مس بود و با میخ های آهنین به سقف کعبه محکم شده بود بپندازم پس پیامبر خدا به من فرمود چاره ای برایش بیندیش و من دست به کار شدم و در کار آن بودم و پیامبر خدا می فرمود دوباره دوباره.

پس من پیوسته در آن کار بودم تا موفق شدم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود آن را در هم بکوب و من آن را در هم کوبیده شکستم و پایین آمدم. (۱)

و نیز در روایت است که علی علیه السلام فرمود یکی از بت ها را پرتاب کردم که مانند شیشه خرد شد سپس فرمود آمدم و من و پیامبر خدا از یکدیگر سبقت می جستیم تا در خانه ها پنهان شویم مبادا کسی ما را ببیند. (۲)

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَأَعَزَّزْتَ بِهِ الْإِيمَانَ وَتَبَرَّزْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ (۳)

خدایا درود فرست بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم همان طور که او را مبعوث کردی به بهتر دین ها و عزیز گرداندی به توسط او ایمان را و بت ها را توسط او قطعه قطعه کردی و به وسیله او به بیت الحرام و کعبه عظمت بخشیدی.

همه ادیان آسمانی خوب بودند اما اسلام بهترین و کامل ترین آنها بود برای برتری دین محمدی صلی الله علیه و اله وسلم همین بس که فرسودگی بدان راه ندارد تا پایان جهان با طراوت و تازه و قابل اجرا و استفاده است.

هر آنچه که انسان از نظر علمی سیاسی روابط اجتماعی و خانوادگی و فرهنگی بدان نیاز دارد مطابق با زمان و مکان زیست انسان دین رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم پاسخگوست و در هیچ زمینه کم نگذاشته است.

به همین جهت است که خداوند می فرماید. مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ (۴) ما چیزی را در این کتاب از قلم نینداخته ایم.

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (۵)

و قرآن را که بیان کننده هر چیز است و هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمین است بر تو نازل کردیم.

ص: ۴۱

۱- مسند ابن حنبل ج ۱ ص ۱۸۳

۲- مسند ابن حنبل ج ۱ ص ۱۸۳

۳- انعام ۳۸

۴- نحل ۸۹

۵- نحل ۸۹

وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (۱) و هیچ تر و خشکی نیست جز آنکه در کتاب آشکار ثبت است.

از امام صادق علیه السلام سوال شد چه سری است که قرآن هر چه بیشتر خوانده و بحث شود بر تازگی و طراوت آن افزوده می شود؟

حضرت فرمود: لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لَزْمَانَ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۲)

چون خدای تبارک و تعالی آن را تنها برای زمان خاص و مردمی خاص قرار نداده است از این رو در هر زمانی و برای هر مردی تا روز قیامت تازه و با طراوت است در سه جای قرآن یک مضمون تکرار شده و آن نشان اهمیت مطلب است و آن ظهور و برتری اسلام بر سایر ادیان است. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ (۳) خداوند کسی است که رسولش را فرستاد برای هدایت بشر با دین حق تا این دین بر همه ادیان غالب آید.

وَاعَزَزَتْ بِهِ الْإِيمَانَ وَعَزِيزَ گرداندی به توسط حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم ایمان را ایمان به خدا و رسالت و امامت و معاد و فروع دین از غربت بیرون آمد و کار بیست و سه ساله پیامبر این نتیجه بزرگ را دارد که ایمان و اهلش عزیز و گرمی شوند و غبار غم و تنهایی از چهره آنها زدوده گردد.

غیر از این که در سراسر قرآن کریم خداوند بهاء و ارزش به ایمان و مومن داده شخص پیامبر در سیره و رفتار خویش ارزش و منزلت ایمان و کسانی که از این سرمایه بزرگ بهره مند بودند سربلند کرد و اقتدار بخشید.

خمیر مایه ایمان به طور فطری در نهاد همه انسان ها بوده و هست ولی عامل شکوفایی و رشد و تعالی آن وجود مبارک انبیاء و اوصیاء بودند و در راس همه آنها

ص: ۴۲

۱- انعام ۵۹

۲- بحار ج ۹۲ ص ۱۵

۳- توبه ۳۳ و فتح ۲۸ و صف ۹

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بود امیرالمومنین علی علیه السلام درباره نقش رسول خدا در تقویت ایمان مردم فرمود:

فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ، وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ (۱)

خداوند تبارک و تعالی حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را به حق برانگیخت تا بندگانش را از عبادت و بندگی بت ها به عبادت باری تعالی و ادار سازد و از فرمانبری شیطان به فرمانبری از پروردگار ترغیب نماید.

و تَبَرَّزَتْ بِهِ الْأَوْثَانُ وَ عَظُمَتْ بِهِ الْعَبِيَّتُ الْحَرَامُ: خداوندا به توسط پیامبرت بت ها را قطعه قطعه کردی و بیت الحرام و کعبه را عظمت بخشیدی

یک روز خداوند به حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام دستور داد خانه اش را از لوث خبث و آلودگی ها تطهیر کنند. وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (۲)

و با ابراهیم و اسماعیل پیمان بستیم که خانه ما را برای طواف کنندگان و معتکفین و رکوع و سجودکنندگان پاکیزه نمایند.

روز دیگر به پیامبر خاتم حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم امر کرد که به کمک علی بن ابی طالب علیه لاسلام خانه اش را از لوث بت ها و خدایان قلابی تطهیر نماید و چنین کرد.

وَ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا

در پایان صلوات بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم امام حسن عسکری علیه السلام عرض می کند خدایا بر محمد و اهل بیت طاهرین و آن نیکان درود و نیز سلامی مخصوص فرست.

این جمله هم برگرفته از کلام خدا است که فرمود: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ

ص: ۴۳

عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۱)

خدا و فرشتگان او بر پیامبر درود می فرستند ای اهل ایمان شما نیز بر او درود فرستید و با احترام بر او سلام مخصوص فرستید.

طبق فرمایش امام صادق علیه السلام صلوات بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم اذعان و اعتراف به عهدی است که در عالم ذر با پروردگار خویش درباره توحید و نبوت و ولایت داشته ایم: مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ فَمَعْنَاهُ أَنِّي أَنَا عَلَى الْمِيثَاقِ وَالْوَفَاءِ الَّذِي قَبِلْتُ حِينَ قَوْلِهِ تَعَالَى السَّتُّ بَرِكَم (۲)

هر کس بر حضرت محمد درود فرستد یعنی اینکه من بر پیمانی که روز الست بسته ام پایدار و وفادار مانده ام.

از همان بزرگوار سوال شد چگونه بر محمد و آلش درود فرستیم؟ فرمود بگویید.

صَلِّمَاتُ اللَّهِ وَصَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَأَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ وَجَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتِهِ (۳)

درود خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولان و همه خلق خدا بر محمد و آل محمد و سلام بر او و اهل بیت او و رحمت و برکات الهی بر آنها باد.

هشدار به آنانی که آل و اهل بیت را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم جدا می کنند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هر کس بگوید: صَلِّمَاتُ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ خداوند تبارک و تعالی می فرماید: صَلِّمَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ فليكثر من ذلك درود بر تو باد بیشتر این ذکر را بازگو کن و هر کس بگوید: صَلِّمَاتُ اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ بر حضرت محمد درود فرستد و بر آلش نفرستد. لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَرِيحُهَا يُوحِيْدُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسَمِائَةِ عَامٍ بوى بهشت را که از مسیر پانصد سال راه استشمام می شود نتواند بویید. (۴)

ص: ۴۴

۱- احزاب ۵۶

۲- بصائر الدرجات ص ۱۵۹

۳- معانی الاخبار ص ۳۶۸

۴- وسایل الشیعه ج ۶ ص ۱۲۲۹

در بیان دیگر فرمود اگر کسی بر من درود فرستد و بر اهل بیت من درود نفرستد بین او و آسمان هفتاد حجاب به وجود می آید و پروردگار در جوابش می فرماید لَا لَبِیکَ وَ لَا سَعْدِیکَ ای فرشتگان من دعایش را بالا نبرید مگر آنکه عترت پیامبر را به حضرتش ملحق کند. (۱)

و نیز فرمود: الصلوه عَلَیَّ وَ عَلَیَّ أَهْلِ بَیْتِی تَذْهَبُ بِالنِّفَاقِ (۲)

درود بر من و اهل بیت من نفاق را از بین می برد.

ص: ۴۵

۱- امالی صدوق ص ۳۴۵

۲- وسایل ج ۴ ص ۱۲۱۱

صلوات بر اميرالمومنين على عليه السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَصَفِيِّهِ وَوَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدَّاعِي إِلَى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الْكُرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكَفْرِ وَ مُرْغِمِ الْفَجْرِ الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنْ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ :

عنوان امیرالمومنین برای علی بن ابی طالب علیه السلام نخستین بار طبق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از ناحیه پروردگار متعال داده شده و این منصب خاص اوست و هیچ کس حتی امامان معصوم را نباید با این لقب خواند.

مردی خدمت امام علی علیه السلام آمد و عرض کرد به شما امیرالمومنین می گویند چه کسی شما را امیر مردم قرار داده است؟ فرمود خداوند مرا امیر بر آنها قرار داده است مرد عرب خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رفت و عرض کرد آیا علی راست می گوید که خدا او را امیر قرار داده است؟

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خشمگین شد و فرمود: به راستی چنین است که علی به ولایت الهی امیر بر مردم شده خداوند این ولایت را در آسمان ها منعقد کرده و فرشتگان را بر آن گواه گرفته که علی خلیفه و حجت خدا و امام مسلمانان است اطاعت از او همراه با اطاعت از خداست و نافرمانی از او همراه با نافرمانی خداست. (۱)

ص: ۴۸

در روایت دیگر آمده که ابن عباس می گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ أَنْتَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ اميرالمومنين (۱)

انس بن مالک می گوید ما نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بودیم که ناگاه پیامبر فرمود: أَلَا نَ يَدْخُلُ سَيِّدُ الْمُسْلِمِينَ وَ اميرالمومنين هم اینک آقای مسلمانان و اميرالمومنين به جمع ما حاضر می شود. إِذَا طَلَعَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۲) در همان موقع علی بن ابی طالب علیه السلام در جمع ما حضور یافت.

پس به چه حقی افراد غاصب و نالایق این سمت را به خود انتصاب دادند و مردم احمق و نادان امثال یزید بن معاویه و منصور دوانیقی و همانند آنها را اميرالمومنين می دانستند؟!

امام هادی علیه السلام در زیارت امیرمومنان علیه السلام در روز غدیر اینگونه جد بزرگوارش را خطاب می کند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اميرالمومنين عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ صَابِراً وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِباً

سلام بر تو ای امیر مومنان پرستش کردی خدا را از روی اخلاص و پیکار کردی در راه خدا بردبارانه و بذل جان کردی به حساب خدا.

امام صادق علیه السلام می فرمود کسی در روز غدیر هر ساعتی که خواست دو رکعت نماز بخواند بهتر است که نزدیک ظهر باشد که آن ساعتی است که علی علیه السلام به امامت و امیری بر مومنین منصوب شد هر که چنین کند همانند کسی است که در آن روز در مراسم معرفی علی علیه السلام حضور پیدا کرده است. (۳)

امامان معصوم ما آنقدر در برابر اميرالمومنين جد بزرگوارشان خاضع بودند که قبول امیری و ولایت آن حضرت را جزو افتخارات خود می دانستند.

ص: ۴۹

۱- بحار ج ۳۸ ص ۱۰۰

۲- بحار ج ۳۸ ص ۱۰۰. ج ۹۷ ص ۳۵۹

۳- هدیه غدیر ص ۹۹

امام صادق علیه السلام می فرمود:

وَلَايَتِي لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ وَلَادَتِي مِنْهُ لِأَنَّ وَلَايَتِي لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ فَزُضْ وَوَلَادَتِي مِنْهُ فَضْلٌ (۱)

ولایت من نسبت به جدم علی بن ابیطالب علیه السلام نزد من محبوب تر از ولادت من از آن بزرگوار است. به این دلیل که ولایت من نسبت به ایشان واجب است و ولادت من از ایشان فضیلت است.

ابان از سلیم چنین نقل می کند: در زمان خلافت عمر نزد ابوذر رفتم در حالی که او مریض بود در همان لحظه عمر نیز برای عیادت ابوذر وارد شد امیرالمومنین علی علیه السلام و سلمان و مقداد نیز حاضر بودند و ابوذر در حال وصیت کردن به حضرت علی علیه السلام بود و حضرت علی علیه السلام وصیت را نوشت و شهادت می گرفت. هنگامی که عمر خارج شد مردی که از اهل و خویشان ابوذر از پسر عموهایش از قبیله بنی غفار بود گفت: چرا به عمر وصیت نکردی؟ ابوذر گفت من به امیرالمومنین حقیقی وصیت کرده ام وقتی که ما چهل نفر از عرب و چهل نفر از عجم بودیم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به ما امر کردند که علی علیه السلام جانشین ایشان است آنگاه ما شهادت دادیم که او امیرمومنان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است. (۲)

در روایت آمده که امام صادق علیه السلام فرمود: هر جا که خداوند خطاب یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا دارد امیر آن آمنو و ایمان آورندگان علی بن ابی طالب علیه السلام است. (۳)

انس بن مالک می گوید پیامبر خدا به من فرمود برایم آب وضو بیاور پس وضو گرفت و برخاست و دو رکعت نماز گذارد. سپس فرمود ای انس نخستین کسی که از این در داخل می شود امیرمومنان و پیشوای شریفان رو سپید و سرور مومنان علی است. (۴)

روایت فوق شبیه روایتی است که همین راوی نقل شد البته از طریق کتب روایی

ص: ۵۰

۱- بحار ج ۲ ص ۲۹۹

۲- اسرار خاندان محمد صلی الله علیه و آله وسلم ص ۲۲۷

۳- معانی الاخبار ص ۶۲

۴- تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۳۰۳

شیعه مثل بحار و امالی صدوق.

جابر بن یزید جعفی می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم فدایت شوم چرا امیرمومنان امیر مومنان نامیده شد؟ فرمود چون برایشان دانش می آورد آیا قرآن نشنیده ای: **وَنَمِيرُ أَهْلَنَا** و ما برای خانواده مان آذوقه می آوریم. (۱)

آذوقه ای امیرمومنان برای اهل ایمان می آورد خوراک روح است و آن علم و دانش است چنانکه در تفسیر آیه شریفه **فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَيَّ طَعَامِهِ** از امام باقر و امام صادق هر دو نقل شده **عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ فَمَنْ يَأْخُذُهُ** (۲) اینکه قرآن می فرماید پس انسان نظر کند به آذوقه و خوراک خود علمی است که فرا می گیرد و از چه کسی فرا می گیرد.

آخِي نَبِيكَ:

خداوندا درود فرست بر برادر پیامبرت.

امتیازات و فضائل امیرالمومنین علی علیه السلام منحصر به فرد است ممکن است در بعضی مواقع رسول خدا به حضرت جبرئیل علیه السلام فرشته مقرب پروردگار و یا انبیاء خطاب برادر کرده باشد اما در بین اصحاب خود چنین خطابی از ناحیه رسول خدا اختصاص به علی بن ابیطالب علیه السلام دارد.

از فریقین نقل شده رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در هنگام دعا و نیایش عرض می کرد خدایا همان گونه که برادرم موسی گفت می گویم خدایا برای من یآوری از خاندانم قرار ده علی برادرم را پشتم را با او محکم بدار و او را در کارم شریک گردان تا فراوان تسبیح کنیم و به ذکر ت پرورازیم که توبه ما بینایی. (۳)

در جای دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دعا کرد که ای سرور و خدای من از تو می خواهم که برایم یآوری از خاندانم قرار دهی که بازویم را بدان قوی کن. پس علی را یاور و برادر

ص: ۵۱

۱- معانی الاخبار ص ۶۳

۲- محاسن ج ۱ ص ۳۴۷

۳- تاریخ دمشق ج ۴۲ ص ۵۲. فضائل الخمسه ج ۲ ص ۶۷۸

من قرار ده و شجاعت را در دل او بنه و هیئتش را در دل دشمن بیفکن. (۱)

در ذیل آیه شریفه إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (۲)

مومنان به تحقیق برادرانند میان برادران خویش را اصلاح کنید ابن عباس روایت می کند که وقتی این آیه نازل شد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بین مسلمین اخوت را قرار داد بین ابی بکر و عمر و بین عثمان و عبدالرحمان و بین فلان و فلان حتی اخابین أَصْحَابِهِ أَجْمَعِهِمْ عَلَى قَدَرٍ مَنَازِلِهِمْ ثُمَّ قَالَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْتَ أَخِي وَأَنَا أَخُوكَ (۳) و بالاخره بین همه اصحاب چنین کرد و آنگاه خطاب به علی بن ابیطالب علیه السلام نمود و فرمود تو برادر منی و من برادر تو هستم.

وَوَلِيُّهُ وَصَفِيُّهُ وَوَزِيرُهُ:

خدایا درود فرست بر امیرالمومنین علی علیه السلام که دوست خاص و برگزیده و وصی و وزیر پیامبرت بود.

علاقه شدید رسول خدا به امیرالمومنین علی علیه السلام زبانزد خاص و عام بود و همه خوب می دانستند که چقدر علی بن ابی طالب علیه السلام مورد لطف ویژه پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم بوده است.

امیرالمومنین می فرماید: شبی تب کردم و تا صبح نخوابیدم. پس پیامبر خدا نیز بیدار ماند و آن شب را در میان من و مصلايش گذراند. مقداری نماز می خواند و سپس نزد من می آمد و از احوالم جویا می شد و مرا می نگرست و کارش این بود تا صبح شد. پس چون نماز صبح با اصحابش خواند فرمود خدایا علی را شفا ده و عافیت بخش که شب را به خاطر بیماری او بیدار ماندم. (۴)

ابن ابی الحدید می نویسد چون علی علیه السلام با عمرو به مبارزه پرداخت پیامبر خدا پیوسته دستانش بالا بود و با چشمانی فرو بسته سر به آسمان داشت و پروردگارش

ص: ۵۲

۱- ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۹۷. امالی صدوق ص ۷۳

۲- حجرات ۱۰

۳- تفسیر برهان ج ۴ ص ۲۰۷

۴- احتجاج ج ۱ ص ۲۶۹

را می خواند و چنین می گفت خدایا در جنگ بدر عبیده را از من گرفتی و در جنگ احد حمزه را پس امروز علی را برایم حفظ فرما پروردگارا مرا تنها مگذار هر چند که تو بهترین بازمانده ای. (۱)

امیرالمومنین برگزیده پیامبر و وصی و وزیر او بود.

علی بن ابی طالب علیه السلام به امر پروردگار توسط رسول مکرم اسلام به عنوان وصلی و جانشین پیامبر برگزیده شد و بهترین دلیل حادثه بزرگ غدیر خم است که خیلی صریح خداوند تبارک و تعالی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را مامور به نصب خلافت بدون فاصله خویش می نماید و به او می فرماید که اگر در ابلاغ آن کوتاهی کنی رسالت را ابلاغ ننموده ای. (۲)

به گفته حافظ عبدالعزيز غماری دانشمند معاصر سنی حدیث غدیر در بالاترین درجات تواتر است و کسی به جز جاهل و منافق آن را انکار نمی کند. (۳)

در بین عده ای از افراطی ها اینگونه شایع است که مسئله غدیر فقط برای آن بوده که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به مردم بگوید که هر که من او را دوست هستم علی نیز دوست اوست. و موضوع انتخاب و برگزیده نمودن علی علیه السلام به عنوان خلیفه بعد از خود و وصی و جانشین نبوده است.

از این آقایان می پرسیم چرا کلام رسول خدا را با کلام پروردگار در قرآن تفسیر نمی کنید.

وقتی خداوند می فرماید: النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ (۴)

رسول خدا بر اهل ایمان از خود آنان ولایت بیشتر دارد.

یا خداوند می فرماید: اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (۵)

خداوند سرپرست آنی است که ایمان آورده اند آنها را از تاریکی ها به عالم

ص: ۵۳

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۹ ص ۶۱. بحار ج ۳۹ ص ۳

۲- مائده ۶۷

۳- مجله الغدیر چاپ بیروت شماره ۹۸

۴- احزاب ۶

۵- بقره ۲۵۷

و یا می فرماید: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (۱)

سرپرست شما فقط خدا و رسول و کسانی هستند که ایمان آورده اند و نماز را بر پا داشته و در حال رکوع زکات می دهند.

با مراجعه به این آیات این نتیجه به دست می آید که ولی به معنای سرپرست و صاحب ولایت است و در روز غدیر آن اجتماع عظیم به همین منظور تشکیل شد تا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به مردم تفهیم کند که هر کس من سرپرست اویم علی نیز سرپرست اوست. مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ

اگر به زعم این کسانی که ولی را به معنای دوست می گیرند بر فرض که درست باشد چرا در بین همه اصحابی که همراه حضرت بودند پیامبر فقط علی علیه السلام را برگزید آیا این خود ارجحیت و برتری امیرالمومنین علی علیه السلام را بر سایرین نمی رساند.

نکته دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در روز غدیر خم سه اصل اعتقادی را قبل از معرفی و نصب امیرالمومنین علیه السلام از مردم اعتراف گرفت و بعد اصل چهارم را بیان کرد.

فرمود: أَلَسِيتُمْ تَشْهَدُونَ أَنَّ لِمَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ؟ آیا شما شهادت ندادید که خداوند یکی است و غیر از او خدایی نیست و محمد بنده و رسول اوست و بهشت و جهنم و جهان آخرت حق است؟

وقتی از آن سه اصل اعتراف گرفت بعد فرمود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ یعنی این اصل چهارم مثل سه اصول گذشته مهم و جزء اصول عقاید محسوب می شود.

و بعد از نزول آیه شریفه اکمال دین الیوم أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضَيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (۱) امروز دین شما را برایتان کامل کردم و نعمتم را برایتان تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما پذیرفتم. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ أَكْمَالِ الدِّينِ وَ إِيْتِمَامِ النِّعْمَةِ وَ رِضَايَ الرَّبِّ بِرِسَالَتِي وَ الْوَلَايَةَ لِأَعْلَى مِنْ بَعْدِي خدایا بزرگ است بر کامل کردن دین و تمام نمودن نعمت و الله اکبر از رضایت پروردگار به رسالت من و ولایت برای علی بعد از من. (۲)

چون خداوند فرموده بود که اگر ابلاغ نکنی رسالت را ابلاغ نکردی پیامبر خوشحال است که خداوند برسالتش رضایت داده است.

حرف حقیر این است که باید برای ترویج و گفت و گوی در حقانیت و اثبات آنچه را در غدیر اتفاق افتاده دوره سال تحت هر مناسبتی از غدیر سخن گفت و یا دو خاطره اش را زنده نگهداشت تا نسل جوان ما و بلکه جوانان دنیای اسلام بفهمند و بدانند چه ظلمی در حق امیرالمومنین علی علیه السلام شده و چگونه حضور در کشورهای اسلامی عالمان و رهبران حکومت های اسلامی مسئله غدیر را مغفول نگهداشته و چیزی از آن نمی گویند.

چنانکه در گذشته نمی گذاشتند حقیقت غدیر برای مردم مکشوف شود. ابوحنیفه به مجلسی که درباره غدیر صحبت بود وارد شد وقتی متوجه شد گفت به اصحاب خود گفته ام در برابر شیعیان به حدیث غدیر اقرار نکنید که شما را محکوم می کنند.

میثم بن حبیب صیرفی که در آن مجلس بود متغیر شد و گفت چرا به آن اقرار نمی کنید؟ آیا این مطلب نزد تو ثابت نیست؟ ابوحنیفه گفت ثابت است و خود آن را روایت کرده ام میثم گفت پس چرا به آن اقرار نمی کنید..... در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آن را فرموده و درباره اش خطا به ایراد کرده؟ آنگاه ما دلسوزتر از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم باشیم و

ص: ۵۵

به خاطر گفته این و آن از نقلش چشم ببوشیم؟! (۱)

و مُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ :

پروردگارا درود فرست بر امیرالمومنین که در اختیار گیرند علم پیامبرت بود.

رسول خدا همه آنچه را از علوم بود به ودیعت در اختیار امیرالمومنین علی علیه السلام قرار داد امام علی علیه السلام می فرمود:
إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَمِمَّا كَانَ وَمِمَّا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلُّ بَابٍ مِنْهَا يَفْتَحُ أَلْفَ بَابٍ فَذَلِكَ
أَلْفُ أَلْفِ بَابٍ حَتَّى عَلِمْتُ عِلْمَ الْمَنَائَا وَالْبَلَايَا وَفَضَلَ الْخِطَابِ (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هزار باب از حلال و حرام و از آنچه در گذشته بوده و آنچه تا قیامت رخ خواهد داد به
من آموخت که از هر باب آن هزار باب گشوده می شود یعنی هزار هزار باب چندان که دانش خواب ها و بلایا و داوری
قاطعانه را فرا گرفتم.

در جای دیگر حضرت می فرماید: لَقَدْ فُتِحَتْ لِي السُّبُلُ وَ عَلِمْتُ الْأَنْسَابَ وَ أُجِرِي لِي السَّحَابُ وَ عَلِمْتُ الْمَنَائَا وَالْبَلَايَا وَ فَضِيلَ
الْخِطَابِ (۳)

راه ها برای من بازگشته و نسب ها به من آموخته شده و ابرها برای من به حرکت در آمده اند و دانش خواب ها و بلایا و
داوری قاطعانه را آموخته ام.

و نیز فرمود: به خدا سوگند هیچ آیه ای نازل نشد مگر آن که من دانستم درباره چه چیز و در کجا و درباره چه کسی نازل
شده است پروردگارم به من دلی خردمند و زبانی رسا و پیرسان بخشید. (۴)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درباره علم و دانش امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ
الْعِلْمَ فَلْيَقْتَسِمْهُ مِنْ عَلِيٍّ (۵)

من شهر دانشم و علی به منزله در آن هر کس دانش طلب می کند باید از علی علیه السلام فرا گیرد.

ص: ۵۶

۱- سیری در صحیحین ص ۳۱۱

۲- خصال ص ۶۴۶

۳- خصال ص ۴۱۴

۴- کنز العمال ۳۶۴۰۴

خود حضرت می فرماید از علومى که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم به من آموخت سینه ام لبریز است و اگر کسی را بیابم که بتواند آن علوم را درک کند در اختیارش خواهم گذاشت. (۱)

و نیز فرمود: سلونى قبل ان تفقدونى از من برسید پیش از آنکه مرا از دست دهید. اگر از یکایک آیه های قرآن پرسید پاسختان خواهم گرفت از هنگام نزول آن و از اینکه درباره چه کسی نازل شده و هم از ناسخ و منسوخ و خاص و عام و محکم و متشابه و مکى و مدنى آیه ها خبر مى توانم داد. (۲)

ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام از پدرش از جدش علیهم السلام روایت کرده که چون آیه کل شیى أُخْصِيَنَّاهُ فِى إِمَامٍ مُّبِينٍ نازل شد ابوبکر و عمر از محل خود برخاستند و گفتند ای رسول خدا آیا مراد از امام مبین تورات است؟ رسول خدا فرمود نه گفتند آیا مراد انجیل است؟ فرمود نه گفتند مراد قرآن است؟ فرمود نه پس از این امیرالمومنین علیه السلام وارد شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: هُوَ هَذَا إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِى أُخْصِىَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِيهِ عِلْمُ كُلِّ شَيْءٍ (۳)

این است آن امام مبین این است آن امامی که خداوند تبارک و تعالی در او علم هر چیز را قرار داده است.

خود حضرت بر حسب نقل ابن عباس فرمود: أَنَا وَ اللَّهُ الْإِمَامُ الْمُبِينُ آيِنَ الْحَقِّ مِنَ الْبَاطِلِ وَ رَثَقَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ (۴)

به خدا سوگند منم امام مبین که بین حق از باطل را جدایی می اندازم و این را از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم ارث برده ام.

وَ مَوْضِعِ سِرِّهِ

خدایا درود فرست بر امیرالمومنین که جایگاه اسرار و رسالت بود.

امیرالمومنین علی علیه السلام اسراری از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرا گرفته بود که هیچ کس جز

ص: ۵۷

۱- خصال صدوق ج ۲ ص ۱۷۵

۲- ارشاد مفید ص ۱۵

۳- غایه المراد ص ۵۱۶. معانى الاخبار ص ۹۵

۴- تفسیر المیزان ج ۱۷ ص ۷۲

خداوند تبارک و تعالی و پیامبر و او از آن اسرار مطلع نبودند.

امیرالمومنین علی علیه السلام میفرمود: خداوند بزرگترین فرشته از فرشتگانش را از وقتی که رسول صلی الله علیه و آله وسلم از شیر گرفته شده بود هم نشین آن حضرت گردانید تا او را شب و روز به راه بزرگواری ها و مکارم اخلاق جهان سیر دهد و من پی او می رفتم و هر روز از آن اخلاق پرچمی و نشانه ای می افراشت و به من امر می کرد تا از حضرتش پیروی کنم و به ایشان در فراگیری آنها اقتدا نمایم. (۱)

امیرالمومنین در بیماری پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هیچ گاه از او جدا نمی شد جز به ضرورت.

یکبار چون برای کاری بیرون رفت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اندکی بهبود یافت و علی علیه السلام را ندید پس در حالی که همسرانش پیرامونش بودند فرمود برادر و همراه را برایم فرا بخوانید و دوباره بی حال گشته ساکت شد.

پی عایشه گفت: ابوبکر را نزدش بیاورید پس فرا خوانده شد و بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وارد گشت و بالای سر حضرت نشست چون پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چشمانش را گشود و او را دید از او رو گردانید و ابوبکر برخاست و گفت اگر با من کاری داشت مرا از آن آگاه می کرد.

هنگامی که ابوبکر بیرون رفت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گفته اش را تکرار کرد و فرمود برادر و همراه را برایم فرا بخوانید پس حفصه گفت عمر را برایش فرا بخوانید پس فرا خواندند و حاضر شد و چون پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم او را دید از وی نیز رو گردانید و او هم باز گشت.

سپس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: برادر و همراه را برایم فرا بخوانید پس ام سلمه گفت علی علیه السلام را برایش بیاورید که او جز علی علیه السلام را نمی خواهد.

امیرمومنان فرا خوانده شد و چون به او نزدیک شد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اشاره ای به او کرد پس علی علیه السلام خم شد و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مدت زیادی با او نجوا کرد سپس برخاست

ص: ۵۸

و در کناری نشست تا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به خواب رفت.

مردم به او گفتند ای ابوالحسن چه چیزی با تو در میان نهاد؟ فرمود هزار باب علم به من آموخت که هر کدامش هزار باب را برمیگشود و مرا به چیزی وصیت کرد که اگر خدا بخواهد بدان اقدام می کنم. (۱) و در یک کلام وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: لِكُلِّ نَبِيٍّ صَاحِبٌ سِرٍّ وَ صَاحِبٌ سَرٍّ عَلِيٌّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ (۲) برای هر پیامبری صاحب سری است و صاحب سر من علی بن ابیطالب علیه السلام است.

وَ بَابُ حَكْمَتِهِ:

همان طور که امیرالمومنین علی علیه السلام باب شهر علم پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود باب حکمتش نیز بود.

مقام حکمت به تعبیر قرآن خیر کثیر است و همه کس را نسزد که به این منزلت برسد خداوند درباره حضرت لقمان علیه السلام می فرماید که: وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ (۳) به تحقیق ما به لقمان رتبه حکمت عطا کردیم.

وَ مَنْ يُوْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا (۴) و هر که حکمت آموخت و یا حکمت به او داده شد خوبی فراوان و خیر کثیر را یافته است

حالا- صحبت اینجاست که سرچشمه تمام حکمت ها از روز الست تا پایان جهان و حتی جهان آخرت در قلب مقدس رسول مکرم اسلام است و باب ورود به آن حکمت ها شخص امیرالمومنین علی علیه السلام است.

چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَ عَلِيٌّ بِأَبْهَا (۵)

من خانه حکمتم و علی در آن است.

همه رفتارها و منش های علی علیه السلام حکیمانه بود ولی در بخش قضاوت های حضرت خیلی دقیق حکمت را از آن گرامی احساس میکنیم و این همه را از

ص: ۵۹

۱- الارشاد ج ۱ ص ۱۸۵

۲- ینابیع الموده ص ۸۵

۳- لقمان ۱۲

۴- بقره ۲۶۹

۵- کنز العمال ۳۲۸۸۹

دارالحکمه یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم دریافت کرده بود.

در آن هنگام که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم علی علیه السلام را جهت آموزش احکام و بیان حلال و حرام برای قاضیان یمن فرستاد عرض کرد یا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم مرا برای قضاوت می فرستی در حالی که جوان هستم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود نزدیک من بیا حضرت دست بر سینه امیرالمومنین علی علیه السلام گذاشت و عرض کرد: **اللَّهُمَّ اهْدِ قَلْبَهُ وَ تَبَّتْ لِسَانُهُ** خداوندا قلب علی را هدایت کن و زبان او را ثابت بدار.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: دیگر بعد از آن در مقام قضاوت کردن بین دو نفر هرگز شک نکردم. (۱)

در زمان حکومت حضرت کودکی متولد شد که دارای دو سر و دو سینه بود و قسمت پایین بدن به هم چسبیده از علی علیه السلام پرسیدند به این بچه چگونه سهم ارث دهند آیا ارث دو نفر را می برد یا یک نفر؟

فرمود صبر کنید به خواب رود آنگاه صدا کنید اگر هر دو سر با هم بیدار شدند ارث یک نفر را می برد و اگر یکی بیدار شد و آن دیگری هنوز در خواب بود ارث دو نفر را می برند. (۲)

اگر بیست و پنج سال سکوت کرد و مردم را به حال خودشان گذاشت تا آن سه نفر جای پیامبر بنشینند براساس حکمتش بود و آن زمان هم که هجوم آوردند و با اصرار با حضرتش بیعت کردند باز حکیمانه پذیرفت بدون آنکه چشم داشتی به ریاست و اموال بیت المال داشته باشد و سیره اش در مقابله با سه جنگی که بر او تحمیل کردند جمل و صفین و نهروان نیز از روی حکمت بود و اگر اسلام جوان بعد از آن همه تاخت و تازهای شرورانه منافقین امروز به دست ما رسیده و پایدار مانده مرهون افکار و رفتار حکیمانه آن بزرگوار بوده است.

وَ النَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَ الدَّاعِي إِلَى شَرِّعَتِهِ:

ص: ۶۰

۱- ارشاد مفید ص ۹۳

۲- ارشاد مفید ص ۹۳

خداوندا درود فرست بر امیرالمومنین علی علیه السلام که گویای دلیل قاطع پیامبرت بود و مردم را به شریعت او دعوت می کرد.

یک مقایسه کوتاه بین حکومت سه خلیفه با حکومت امیرالمومنین علی علیه السلام به خوبی روشن خواهد شد که چه بدعتها و خود رایی ها در عصر آن سه خلیفه انجام گرفت و برعکس مولا علی علیه السلام هر آنچه سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بود به اجرا در آورد و لذا وقتی هم که با اصرار خلافت ظاهری را بر حضرت تحمیل کردند فرمود: من به سیره و روش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم عمل خواهم کرد. برای اطلاعات بیشتر بهتر است خواننده گرامی خطبه سوم نهج البلاغه به نام خطبه (شقشقیه) را مرور کند هم از گله های امیرالمومنین علی علیه السلام از آنانکه در گذشته بر مسند خلافت نشستند آشنا شود و هم از علت پذیرش خلافت ظاهری حضرت مطلع گردد و ما در این نقطه از گفت و گو به یک فراز از آن خطبه اکتفا می کنیم:

وَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ، وَ بَرَاءَ النَّسِيمَةِ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِذْ لَا يُقَارُّوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَعَبِ مَظْلُومٍ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَيَقِيَتْ آخِرُهَا بِكَاءِ سِائِلِهَا، وَ لَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْزَهْدَ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنَزٍ (۱)

آگاه باشید سوگند به خدای که میان دانه را شکافت و انسان را خلق نمود اگر حاضر نمی شدند آن جمعیت بسیار که حجت تمام شود و نبود عهدی که خدا تعالی از علماء و دانایان گرفته تا راضی نشوند بر سیری ظالم از ظلم و گرسنه ماندن مظلوم از ستم او هر آینه ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن می انداختم و آب می دادم آخر خلافت را به کاسه اول آن و فهمیده اید که این دنیای شما نزد من خوارتر است از عطسه بز ماده است.

و این را اضافه میکنیم که قبول خلافت حضرت طبق فرمایش خود حضرت

ص: ۶۱

برای اقامه دلایل قاطع نبوی در زمینه اسلام و ترویج شریعت مقدس آن حضرت بوده است.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا-الْتِمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فَضُولِ الْخُطَامِ، وَ لَكِنْ لِنُرْدَ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، وَ نُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْتِيَ مِنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ (۱).

پروردگارا تو به آن چه بر ما گذشته آگاهی و تو می دانی که همه آنها نه به خاطر رسیدن به حکومت بود و نه برای زیاده طلبی در امر دنیا بلکه تصمیم گرفتم نشانه های دین را در جای خودش قرار دهم و شهرها را اصلاح کنم تا مردم ستمدیده به نوایی برسند و در امنیت قرار گیرند و احکام تعطیل شده ات به اجرا در آیند.

به راستی چرا امیرالمومنین به خدای خویش عرضه می دارد که پروردگارا تو شاهی که برای احکام تعطیل شده ات قبول خلافت کردم چه شد که احکام اسلام به تعطیلی کشیده شد مرحوم سید شریف الدین در کتاب شریف النص و الاجتهاد صدها مورد از بدعت های خلفاء و غاصبین حقوق اهل بیت علیهم السلام را به رشته تحریر در آورده که همگی جای این سوال را از این آقایان دارد که چگونه به خود اجازه دادند در احکام قطعی اسلام و سنت نبوی دست درازی کنند و در کمال وقاحت حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال و بر دین خدا اموری را بدون استناد به وحی و سنت جزو دین خدا قرار دهند.

على عليه السلام الدَّاعِي عَلَى شَرِيعَتِهِ بود تمام همت خود را گذاشته بود که اسلام نبوی را ترویج کند چنانکه خود می فرمود: إِنِّي لَعَلِّي أَقَامَهُ حَجَّجَ اللَّهُ أَقَاوِلَ وَ عَلَى نَصِيرَةٍ دِينِهِ أُجَاهِدُ وَ أَقَاتِلُ (۲) همانا من برای برپایی حجت های خدا سخن می گویم و برای یاری دین خدا جهاد و پیکار می کنم.

ص: ۶۲

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۳۱

۲- غررالحکم ۳۷۷۷

رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم درباره اش فرمود:

إِنْ تَوَلَّوْا عَلَيَّا تَجِدُوهُ هَادِيًا مَهْدِيًّا يَسْلُكُ بِكُمْ الطَّرِيقَ الْمُسْتَقِيمَ (۱)

اگر علی را به ولایت و سرپرستی گیرید خواهید دید که رهنما و رهیافته است و شما را به راه راست می برد.

آنگاه که از موضوع فرمانروایی یا خلافت نزد رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم سخن به میان آمد فرمود: أَنْ وَلَّيْتُمُوهَا عَلَيَّا وَحَدَّثُمُوهُ هَادِيًا مَهْدِيًّا يَسْلُكُ بِكُمْ عَلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ (۲)

اگر آن را به علی سپارید خواهید دید که رهنما و رهیافته است و شما را در راه راست می برد.

وَ خَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ :

پروردگارا بر امیرالمومنین علی علیه السلام درود فرست که جانشین رسالت بود در بین امت او. خلافت بلافصل علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جزو اعتقادات محکم و مستدل ماست و برای اثبات این حقیقت شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بارها به مناسبت های مختلف اذعان و بازگو فرموده که علی جان تو بعد از من جانشین من هستی و اسناد و روایات از طریق اهل سنت درباره این مسئله مهم اعتقادی از اسناد و روایاتی که شیعیان در اختیار دارند بیشتر است و اینجا جا دارد از امثال مولف کتاب گرانقدر الغدير مرحوم علامی امینی یاد کنم که هر آنچه در احتجاج و اقامه دلیل بر خلافت بلافصل علی علیه السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آورده از کتابهای مورد قبول و معتبر اهل سنت است و آن بزرگوار با نبود امکانات امروزی برای تحقیق و تفحص خون دل ها خورده و رنج هایی را در سفرهایش متحمل شده تا ثابت کند که همه علماء و محدثین اهل سنت متفق القول هستند که وَ خَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ جانشین بر حق رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم علی علیه السلام بوده است و بس و لا غیر.

ص: ۶۳

۱- کنز العمال ۳۲۹۶۶

۲- تاریخ دمشق ج ۲ ص ۶۹

در این مقال به سه روایت نقل شده از فریقین اکتفا می کنیم:

إِنَّ أَخِي وَ وَصِيَّيَّ وَ وَزِيرِي وَ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَقْضِي دَيْنِي وَ يُنْجِزُ مَوْعِدِي يَا بَنِي هَاشِمٍ (۱)

ای بنی هاشم همانا برادر من وصی من و وزیر من و جانشین من در میان خانواده ام علی بن ابی طالب است. او دین مرا می پردزد و وعده ام را به کار می بندد.

اتاتنی جبرئیلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ (يَقْرَأُكَ السَّلَامَ وَ) يَقُولُ لَكَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَصِيكَ وَ خَلِيفَتَكَ عَلَيَّ أَهْلَكَ وَ اَمَتَكَ (۲)

جبرئیل نزد من آمد و گفت ای محمد پروردگارت (به تو سلام می رساند و) می گوید همانا علی بن ابیطالب وصی و جانشین تو در میان خانواده ات و امت تو می باشد.

مُشِيرًا إِلَيَّ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ هَذَا أَخِي وَ وَصِيَّيَّ وَ خَلِيفَتِي فِيكُمْ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِيعُوا (۳)

یک بار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام اشاره فرمود این برادر و وصی و جانشین من در میان شماست فرمانش را بشنوید و اطاعتش کنید.

وَ مُفَرِّجِ الْكُرْبِ عَنْ وَجْهِهِ:

خدایا درود فرست بر علی بن ابیطالب علیه السلام که زداینده غم و غصه از چهره پیامبرت بود.

بیشترین شادی را مولایمان علی علیه السلام در جبهه های جنگ و جانفشانی هایش برای پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم به ارمغان می آورد. آن حضرت خود را سپر بلای رسول خدا کرده بود و در مواقع خطر خطرپذیری می کرد تا جان حبیبش رسول مکرم اسلام را حفظ کند.

ص: ۶۴

۱- امالی طوسی ص ۶۰۲

۲- امالی مفید ص ۱۶۸

۳- کنز العمال ۳۶۴۱۹

به نمونه هایی از حرکات شادی آفرین و رفع اندوه از چهره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در تاریخ زندگانی علی علیه السلام اشاره داشته باشیم.

۱- شب هجرت: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاهِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ (۱)

و از مردم کسی است که جان خود را در طلب رضایت پروردگار به معرض فروش می نهد و خداوند به بندگانش مهربان است.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام پیشنهاد کرد که آن شب هجرت در بستر وی بخوابد علی پرسید: اگر چنین کنم شما سالم خواهید ماند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم پاسخ مثبت داد علی علیه السلام با آمادگی کشته شدن در بامداد و به هنگام رویارویی با مشرکان از این پیشنهاد استقبال کرد و برای موهبت بزرگ سجده شکر به جا آورد. (۲)

آری پس از این حرکت خداوند آیه فوق را برای جاودانه کردن این کار بزرگ و ایشار حضرت نازل فرمود که از نظرتان گذشت.

۲- جنگ بدر: علی علیه السلام در جنگ بدر پرچم پیرومند سپاه اسلام را در دست داشت چون شب بدر شد پیامبر خدا فرمود چه کسی برای ما آب می آورد؟ پس مردم پا پس کشیدند ولی علی علیه السلام برخاست و مشکی به زیر بغل گرفت به چاه تاریکی در آمد و از آن پایین رفت پس خدای محمد صلی الله علیه و آله وسلم به جبرئیل و میکائیل و اسرافیل وحی کرد که برای یاری محمد صلی الله علیه و آله وسلم و گروهش آماده شوید پس از آسمان فرود آمدند و همه ای داشتند که شنونده را می ترساند پس چون رو به روی چاه رسیدند همگی و از روی بزرگداشت و احترام به او سلام دادند. (۳)

در همین جنگ بود که طبق بیان امام باقر علیه السلام فرشته ای به نام رضوان در آسمان نداد داد: لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا قَتِي إِلَّا عَلِيٌّ شَمَشِيرِي جز ذوالفقار و جوان مردی جز علی نیست.

ص: ۶۵

۱- بقره ۲۰۷

۲- امالی طوسی ص ۴۶۵

۳- فضائل الصحابه ج ۲ ص ۶۱۳

۳-جنگ احد: در این جنگ سپاه اسلام به خاطر تخلف عده ای سودجو به شدت آسیب دید و در هم شکست و همه به جز امیرالمومنین که پروانه وار شمع وجود پیامبر خدا را در میان داشت و تنی چند فرار را بر قرار ترجیح دادند و پیامبر خدا را در میان نبرد تنها گذاشتند. علی علیه السلام پرچم اصلی جنگ را در دست داشت و در این نبرد جبرئیل شهادت و پیکار علی علیه السلام را ستود و ندای ملکوتی لَا سَيْفَ إِلَّا ذَوَالْفَقَارِ وَلَا فِتْنَى إِلَّا عَلَيَّ مثل جنگ بدر در فضا پیچید.(۱)

در این جنگ بیش از نود زخم بر پیکر مولا علی علیه السلام وارد شد تا باعث شد سپاه کفر صحنه را ترک کند و در حفاظت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم کوشید.(۲)

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در پایان این جنگ فرمود علی از من است و من از اویم جبرئیل گفت و من هم از شمایم ای پیامبر خدا.(۳)

جنگ خندق: اری علی علیه السلام مُفَرِّجَ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ زداینده اندوه از چهره پیامبر خدا بود. در جنگ خندق کاری کرد کارستان که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم عبارتی قابل تأمل و دقت درباره اش گفت که هر شیعه مکتب علوی را به وجد می آورد.

ضَرْبُهُ عَلَيَّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ ضَرِبْتُ لَعِي بِهِ عَمْرُوبْنُ عَبْدِود در جنگ خندق از عبادت همه عبادت کنندگان دو عالم و انس و جن برتر است.(۴)

جنگ خیبر: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در روز فتح خیبر فرمود: فردا پرچم را به دست مردی می سپارم که خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و پیامبرش هم او را دوست دارند. حمله کننده ای پی در پی است و نه هیچ گاه گریزنده باز نمی گردد تا خداوند به دست او فتح کند.(۵)

قَاصِمِ الْكَفَرَةِ وَ مُزْغِمِ الْفَجَرَةِ

ص: ۶۶

۱- کافی ج ۸ ص ۱۱۰

۲- تاریخ طبری ج ۲ ص ۵۲۷

۳- فضائل الصحابه ج ۲ ص ۶۵۷

۴- تاریخ بغداد ج ۱۳ ص ۱۹. الطرائف ص ۵۱۹

۵- کافی ج ۸ ص ۳۵۱. امالی طوسی ص ۳۸۰

الها بر علی بن ابی طالب درود فرست که شکننده کافران و به خاک مالنده بینی ناپاکان و فاجران بود. برای نمونه کفره و فجره هایی که به دست پر قدرت ید اللهی علی علیه السلام به جهنم واصل شدند مرور می کنیم.

امام علی علیه السلام می فرماید: در جنگ بدر ولید بن عتبه را از پای در آوردم و نیز حنظله بن ابی سفیان به من روی آورد و چون به من نزدیک شد با شمشیر ضربه ای به او زدم که چشمانش از کاسه سر بیرون زد و بی جان به زمین افتاد. کافران علی علیه السلام را مرگ سرخ می نامیدند. این نام را در جنگ بدر به او دادند به دلیل بزرگی ضربه ها و جراحاتی که بر آن وارد ساخت. (۱)

راویان شیعه و سنی هر دو نام های مشرکانی را که امیرمومنان در بدر کشت ثبت کرده اند و نقل هر دو گروه با هم موافق و همخوان است و آنها ۳۵ مردی بودند که علی به تنهایی آنها را هلاک کرده است. (۲)

در جنگ احد براساس گزارش ابن اسحاق ۲۲ تن از مشرکان کشته شدند که دوازده نفر از آنان را امیرالمومنین علی علیه السلام به خاک هلاکت افکند. (۳)

در جنگ خندق بزرگ کافران عمرو بن عبدود به میدان امام علی علیه السلام به سوی او رفت و به نزدیکش رسید و شعری خواند عمرو به او گفت تو کیستی؟ فرمود من علی هستم گفت پسر عبد مناف؟ فرمود من پسر ابوطالبم گفت جز تو ای برادرزاده کسی از عموهایت به میدان بیاید که از تو بزرگتر باشد چرا که من خوش ندارم خون تو را بریزم علی علیه السلام فرمود اما به خدا سوگند من بدم نمی آید که خون تو را بریزم.

عمرو خشمناک شد و از سب فرود آمد و شمشیرش را چون شعله آتش بیرون کشید و خشمگینانه به علی علیه السلام حمله کرد و علی علیه السلام هم با سپرش از او

ص: ۶۷

۱- مناقب آل ابی طالب ج ۲ ص ۶۸

۲- سیره النبویه ابن هشام ج ۲ ص ۳۶۵. الارشاد ج ۱ ص ۷۰

۳- الارشاد ج ۱ ص ۹۱

استقبال کرد عمرو با شمشیر ضربه ای بر او وارد کرد که سپر را درید و شمشیر در آن فرو رفت و به سر علی علیه السلام رسید و آن را زخمی کرد و علی علیه السلام هم ضربه ای به رگ گردن او زد پس افتاد و گرد و غبار برخاست و پیامبر خدا تکبیر شنید پس دانست که علی علیه السلام او را کشته است. (۱)

در جنگ خیبر پس از گشودن بسیاری از دژها حارث رزم آور مغرور یهودی که نهره هایش به هنگام نبرد لرزه بر اندام ها می افکند با ضربت سهمگین علی علیه السلام بر خاک افتاد و مرحب که کسی توان رویارویی با او را نداشت با شمشیر مولا دو نیم گشت. (۲)

کفره و فجره هایی هم بودند که در چهره نفاق به جنگ علی علیه السلام آمدند در همان حدود پنج سال حکومتداری امیرالمومنین علی علیه السلام که حضرت آنها را کشت و در جمل و صفین و نهروان به دوزخ واصل نمود.

الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلِهِ هَارُونُ مِنْ مُوسَى :

خداوندا درود فرست بر علی علیه السلام همان کسی که تو او را برای پیامبرت به منزله هارون برادر موسی علیها السلام قرار دادی.

نقش هارون برادر موسی برای این پیامبر اولوالعزم چه بود؟ پاسخ را از قرآن دریافت می کنیم حضرت موسی علیه السلام در آن هنگام که ماموریت یافت تا به سوی فرعون رود و به وی خطاب شد. اذْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ بِرُوْهُ سَوٰی فِرْعَوْنَ که طغیان کرده است. گفت: رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي اخْلُ عُنُقَهُ مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي اَشْدُدْ بِهِ أَزْرِي وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي (۳)

پروردگارا سینه ام را گشاده کن کارم را آسان فرما گره از زبانم باز کن تا سخن مرا بفهمد از خانواده ام یک نفر را وزیر و یاورم قرار ده برادرم هارون به وسیله او

ص: ۶۸

۱- السنن الکبری ج ۹ ص ۲۲۳

۲- السیره النبویه ابن هشام ج ۳ ص ۳۴۲

۳- طه ۲۴ تا ۳۲

پشتم را محکم کن او را شریک کارم قرار ده.

ملاحظه می فرمایید حضرت موسی در ضمن دعاهايش کسی را از خداوند طلب م یکنند که وزیر و یاورش باشد تا به وسیله او پشتم محکم شود شریک در کارش باشد.

رسول خدا هم به امر پروردگار امیرالمومنین علی علیه السلام را به منزله هارون برادر موسی برای خود قرار داد که تمام آن ویژگی ها را جز مقام نبوت داشت.

حدیث منزلت از احادیث متواتر و مورد قبول فریقین است که فقط حدود صد سند از علماء اهل سنت درباره این حدیث نقل شده است. (۱)

در احتجاجی که امام حسن مجتبی علیه السلام بر علیه معاویه کرد و خطبه گرایی ایراد نمود به این حدیث منزلت نیز اشاره فرمود:

وَقَدْ سَجَعْتُ هَذِهِ الْأَمَّةَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ ذَلِكَ لِأَبِي إِنَّهُ مِنِّي يَمْنُزِلُهُ هَارُونُ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي (۲)

این مردم از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدند که درباره پدرم امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود که وی به مانند هارون برادر موسی برای من است جز آنکه پیامبری بعد از من وجود ندارد با یک نگرش به مسئولیت هارون در برابر حضرت موسی خواهیم فهمید که حدیث نبوی چه منظوری را تعقیب میکند یعنی تمام نقش هایی که هارون در حضور و غیاب حضرت موسی علیه السلام داشت علی علیه السلام نیز در حضور و غیبت پیامبر عظیم الشان اسلام داشت. البته ناگفته نماند یک وجه شباهت تاریخی هم وجود دارد که قابل تأمل است و آن اینکه در غیبت حضرت موسی علیه السلام مردم دور سامری جمع شدند و به گوساله پرستی روی آوردند و هارون هر چه دلیل و حجت اقامه کرد به حرفش گوش ندادند و پس از ارتحال رسول مکرم صلی الله علیه و آله وسلم نیز سامری زمان و منافقین از فرصت استفاده کرده و در سقیفه جمع شدند و تمام دلایل روشن و نصوص وارده در خلافت بلافصل مولای متقیان را نادیده و ناشنیده گرفتند و

ص: ۶۹

۱- غایه المرام ص ۲۰۲

۲- بحار ج ۱۰ ص ۱۴۳

درست در همان ایامی که وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مشغول به تغسیل و تکفین و دفن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود به خلیفه تراشی مشغول شدند و از این نظر هم بین هارون برادر موسی علیه السلام با علی علیه السلام و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم تشابه به چشم می خورد.

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم سوار بر مرکب حرکت می کرد در حالی که علی بن ابیطالب علیه لاسلام پیاده راه می رفت پیامبر فرمود یا ابالحسن یا تو هم سوار بر مرکب حرکت کن و یا اینکه از آمدن با من منصرف گردیده و با من همراه نباش زیرا که خداوند بزرگ مرا فرمان داده که هر وقت تو سواره بودی من نیز سوار شوم و هر وقت تو پیاده بودی من نیز پیاده باشم و اگر تو نشستی من بنشینم مگر لازمه حدی از حدود الهی تو را ناچار به قیام کند. خداوند مرا به کرامتی آراسته نکرد مگر آنکه مثل آن را به تو عنایت فرمود. پروردگار مرا به نبوت و رسالت اختصاص داد و تو را ولی من در این زمینه نمود. یا علی: در حدود و سخت ترین امور الهی قیام خواهی کرد. به آن خدایی که محمد را به حق به مقام نبوت رسانید کسی که تو را انکار کند به من ایمان نخواهد آورد و کسی که منکر فضائل تو باشد اقرار به من نمی کند و کسی که به تو کفر ورزد به من ایمان ندارد. یا علی: فضل تو از فضل من است و فضل من از فضل خداست فضل خدا پیامبر شماسست رحمت خدا ولایت علی بن ابیطالب است و شادمانی شیعیان به نبوت و ولایت بهتر است از آنچه را که مخالفان آنها از مال و اولاد در دنیا جمع کرده اند. (۱)

در قسمت پایانی صلوات بر امیرالمومنین علی علیه السلام امام حسن عسکری علیه السلام همان دعایی را که جد بزرگوارش روز غدیر خم در حق دوستدارن علی علیه السلام و همان نفرینی که در حق دشمنانش کرد بیان می نماید:

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاةَ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصِرْ مَنْ نَصِيرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ الْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ

ص: ۷۰

أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ :

پروردگارا دوست بدار هر که علی علیه السلام را دوست می دارد و دشمن بدار هر که با علی علیه السلام دشمنی می کند خدایا هر که علی علیه السلام را یاری می کند یاریش کن و هر که در مقام خوار کردن حضرتش می باشد خوارش کن. الها بر کسانی که بر آن گرامی طرح دشمنی می ریزند از اولین و آخرین لعن فرست. درود فرست بر علی علیه السلام بالا-ترین درودهایی را که بر هر یک از اوصیاء پیامبرانت فرستادی ای پروردگار جهانیان. ابی هارون عبدی از ابی سعید خدری روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم روزی که مردم را به غدیر خم فرا خواند دستور داد خس و خاشاک زیر درخت را به کلی جاروب کردند این جریان روز پنجشنبه واقع شد که مردم را به سوی علی علیه السلام خواند و بازویش را گرفت و بلندش کرد تا بدانجا که مردم سپیدی زیر بغلش را دیدند و هنوز متفرق نشده بودند که این آیه نازل شد:

الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

و آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: الله اکبر که خدا دین را کامل ساخت و نعمت را تمام کرد و پروردگار به رسالت من و ولایت علی علیه السلام رضایت داد و سپس فرمود:

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ

آنگاه حسان بن ثابت گفت ای رسول خدا اجازه می فرمایی که شعرهایی بگویم؟

فرمود بگو که خدا آن را بر زبانت الهام می نماید.

حسان بن ثابت برخاست و گفت ای بزرگان قریش به دنبال بیانات رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در باب ولایت می گویم که:

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيُّهُمْ *** بِخُمْ فَاسْمَعِ بِالرُّسُولِ مُنَادِيًا

يَقُولُ فَمَنْ مَوْلَاكُمْ وَ لِيَكُم ؟ *** فَقَالُوا كَم يَبْدُو اِهْنَاكَ التَّغَامِيَا

الْهَكَ مَوْلَانَا وَ أَنْتَ وَ لَيْنَا *** وَ لَمْ تَزِمْنَا فِي الْوَلَايَةِ عَاصِيَا

فَقَالَ لَهُ: قُمْ يَا عَلِيُّ؟ فَإِنِّي ***رضيتك من بعدى إماماً و هادياً

فَمَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَلِيُّهُ ***فكونوا له أنصار صدق موالياً

هناك دعا اللهم؟ وَال وَلِيُّهُ ***وَ كُن لِلَّذِي عَادَا عَلِيًّا مُعَادِيًّا(۱)

در روز غدیر پیغمبرشان ایشان را ندا کرد در خم و چقدر خوب ندای پیامبر را می شنیدند که من مولا و ولی شما هستم آری مردم خود را به کوری نزدند و گفتند ندای تو مولای ما و تو سرپرست مائی و هرگز این خلق از امر تو سرپیچی ندارند آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به علی گفت برخیز که من پسندیدم تو بعد از من امام و راهنما باشی پس هر کس من مولایش بوده ام این شخص سرپرست اوست پس شما یاران و دوستداران او باشید در اینجا دعا کرد خدایا دوست او را دوست دار و هر کس با علی دشمنی ورزد دشمن بدار.

در ادامه خوب است بخشی از دعاهایی که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم درباره امیرالمومنین علی علیه السلام کرده مرور کنیم:

خدایا همان گونه که برادرم موسی گفت می گویم خدایا برای من یآوری از خاندانم قرار ده علی برادرم را پشتم را به او محکم بدار و او را در کارم شریک گردان تا فراوان تسبیح کنیم و به ذکر ت پروریم که تو به ما بینائی. (۲)

ای سرور و خدای من از تو می خواهم که برایم یآوری از خاندانم قرا ردهی که بازویم را بدان قوی کنی پس علی را یاور و برادر من قرار ده و شجاعت را در دل او بنه و هیبتش را در دل دشمن افکن. (۳)

خدایا قلب علی را از علم و فهم و نور و حلم و حکمت و ایمان پر ساز و دانایش کن و او را حفظ کن و از یادش مبر. (۴)

خدایا قلب علی را هدایت نما و سینه اش را گشاده کن و زبانش را استوار بدار و

ص: ۷۲

۱- الغدير ج ۱ ص ۲۳۲

۲- فضائل الصحابه ج ۲ ص ۶۷۸

۳- امالی صدوق ص ۷۳

۴- سليم بن قيس اسرار آل محمد ج ۲ ص ۶۲۵

او را از گرما و سرما محافظت فرما. (۱)

خدایا علی را بیمارز خدایا حق را بر مدار او بچرخان هر جا که بگردد. (۲)

خدایا علی را یاری کن و به او عزت بخش و بر او مهر بورز و او را نصرت ده خدایا هر کس او را دوست می دارد دوستش بدار و هر کس با او دشمنی میکند دشمنش بدار. (۳)

علی علیه السلام می فرماید بیمار شدم و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بر من وارد شد در حالی که می گفتم خدایا اگر اجلم سر رسیده راحتم کن و اگر هنوز مانده مرا شفا بده یا عافیت بخش و اگر بلاست شکیبایی ام بده پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود چه گفتی؟ برایش تکرار کردم پس با دستش بر جای درد کشید و سپس گفت خدایا او را شفا بده و عافیت بخش پس از آن دیگر به درد مبتلا نشدم. (۴)

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید چیزی را می گویم که پیش از این به کسی نگفته ام روزی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خواستم که برای من آمرزش بخواهد فرمود می کنم پس برخاست و نماز گزارد و چون دستانش را به دعا بلند کرد گوش فرا دادم شنیدم که می فرماید خدایا به حق علی نزد تو علی را بیمارز.

گفتم ای پیامبر خدا یعنی چه؟ فرمود ایا نزد خدا کسی گرامی تر از تو هست که با او به خدا شفاعت جویم؟ (۵)

عبدالله بن حارث می گوید به علی بن ابیطالب علیه السلام گفتم مرا از بالاترین منزلت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آگاه کن گفت باشد روزی خوابیده بودم و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نزد می خواند. چون از نمازش فارغ شد گفت ای علی هیچ خیری از خدای متعال نخواستم مگر آنکه مانندش را برای تو خواستم و از هیچ شری به خدا پناه نبردم جز آن که برای تو از آن پناه خواستم. (۶)

ص: ۷۳

۱- عیون اخبارالرضا علیه السلام ج ۲ ص ۶۰

۲- سنن ترمذی ج ۵ ص ۶۲۳

۳- کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۱۰

۴- مسند ابن حنبل ج ۱ ص ۲۷۱

۵- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۲۰ ص ۳۱۶

۶- ذخائر العقبی ص ۱۱۵

صلوات بر سیده نساء العالمین فاطمه علیها السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقِ فَاطِمَةَ الزَّكِيِّ حَبِيبِهِ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَ أُمَّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصِيفِيائِكَ الَّتِي انْتَجَبَتْهَا وَ فَضَّلَتْهَا وَ اخْتَرَتْهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا وَ كُنِ النَّائِرَ اللَّهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ الْأَئِمَّةِ الْهُدَى وَ حَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ وَ الْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمِّهَا صِبْ لَاهُ تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تُقَرِّ بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا وَ أَيْلُغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ :

خدایا درود فرست بر حضرت صدیقه علیها السلام.

راغب اصفهانی می گوید: وَالصَّدِيقُ مَنْ كَثُرَ مِنْهُ الصَّدَقَ وَقِيلَ بَلْ يُقَالُ لِمَنْ لَا يَكْذِبُ قَطُّ وَقِيلَ بَلْ لِمَنْ صَدَقَ بِقَوْلِهِ وَاعْتَقَادِهِ وَحَقَّقَ صَدَقَهُ بِفِعْلِهِ (۱)

صدیق به کسی می گویند که راستی از او فراوان دیده شده باشد و عده ای گفتند صدیق به کسی می گویند که هیچ گاه دروغ نگفته باشد و جمعی گفتند صدیق به کسی گویند که در گفتار و اعتقاد صادق باشد و این صداقت را در عمل محقق بخشد.

خداوند برای مقام صدق ارزش فوق العاده ای قایل است و این مدال افتخار را بر افراد شایسته آن داده مثلاً درباره حضرت ابراهیم علیه السلام می فرماید:

وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا (۲)

یاد کن در کتاب خود داستان ابراهیم را که او صدیق و پیامبر بود.

ص: ۷۶

۱- مفردات راغب ص ۲۷۷

۲- مریم ۴۱

درست شبیه همین عبارت را درباره حضرت ادریس علیه السلام می فرماید:

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا (۱)

یاد کن در کتاب خود ادریس را که او صدیق و پیامبر بود.

درباره حضرت مریم علیها السلام هم می فرماید:

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ (۲)

مسیح پسر مریم جز فرستاده خدا نبود و پیش از او فرستادگان دیگری از طرف پروردگار آمدند و مادر او زنی صدیقه بسیار راستگو بود.

یوسف پیامبر علیه السلام در بین مردم زمانش و هم زندانی هایش به صدیق شهرت داشت: يُوسُفَ أَخِيهَا الصِّدِّيقُ (۳) یوسف ای مرد صدیق.

خداوند تبارک و تعالی از همه اهل ایمان می خواهد که قرین صادقین باشند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (۴)

شما که ایمان دارید از خدا بترسید و قرین صادقین باشد از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سوال شد منظور از صادقین در آیه کیانند؟ فَقَالَ هُمْ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ وَ ذُرِّيَّتُهُمُ الطَّاهِرِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (۵)

فرمود ایشان علی و فاطمه و حسن و حسین و فرزندان پاکیزه آنها هستند تا روز قیامت.

ملاحظه فرمودید وجود نازنین حضرت زهرا علیها السلام جزو نامبردگان پدر بزرگوارش به عنوان صادقین می باشد چنانکه در روایت یونس بن ظبیان از امام جعفر صادق علیه السلام آمده که حضرت نه اسم از جانب خداوند برای حضرت زهرا علیها السلام می شمرد که دومین آنها الصدیقه است. (۶)

فاطمه علیها السلام غیر از صداقت در گفتار صداقت در رفتار را در حد اعلا داشت.

ص: ۷۷

۱- مریم ۵۶

۲- مائده ۷۵

۳- یوسف ۴۶

۴- توبه ۱۱۹

۵- تفسیر صافی ص ۲۴۳

۶- بحار ج ۴۳ ص ۱۰. مناقب ج ۳ ص ۳۴۹

به ویژه در شوهرداری و سرپرستی فرزندان و تعلیم و تربیت آنها او وقتی به زندگی زناشویی تن داد که نه سال و سه ماه بیشتر نداشت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از همان روزهای نخستین زندگی کارها را تقسیم کرد و فرمود کار بیرون خانه با علی بن ابی طالب علیه السلام و کارهای داخل خانه با فاطمه علیها السلام:

فَقَالَتْ فَاطِمَةُ فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ الشُّوْرِ إِلَّا اللَّهُ بِكَفَانِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَحْمِلَ رِقَابَ الرِّجَالِ (۱)

فاطمه علیها السلام سلام می فرماید خدا می داند که من چقدر از این مطلب خوشحال شدم که کارهای خارج خانه به عهده من نیفتاد تا مجبور شوم با مردها برخورد داشته باشم.

این هم یک نمونه دیگر از صداقت در رفتار فاطمه علیها السلام جابر بن عبدالله انصاری علیه الرحمه چنین نقل می کند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فاطمه را دید که لباس کم ارزشی پوشیده و با دستش آسیاب می کند و بچه اش را در دامن نهاده شیر می دهد از دیدن این منظره اشکش جاری شد و فرمود دختر عزیزم سختی و مرارت دنیا را بچش تا به شیرینی نعمت های آخرت نایل گردی. عرض کرد یا رسول الله خدا را بر نعمت هایش سپاس می گویم آنگاه این آیه نازل شد. وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى (۲)

خدا در قیامت آنقدر به تو عطا می کند که راضی شوی. (۳)

صداقت را درباره فاطمه علیها السلام از زبان امیرالمومنین علی علیه السلام بشنویم:

به خدا قسم بعد از ازدواج با فاطمه علیها السلام تا هنگام مرگ او هرگز کاری نکردم که فاطمه غصبناک شود و فاطمه هم هیچ گاه مرا خشمناک نمود و از دستوراتم سرپیچی نکرد و لَقَدْ كُنْتَ أَنْظَرُ إِلَيْهَا فَتَنْجِلِي عَنِّي الْغُومَ وَالْأَحْزَانَ بنظرتی إِلَيْهَا (۴)

و هر گاه به خانه می آمدم و به زهرا علیها السلام نگاه می کردم تمام غم و غصه هایم برطرف می شد.

ص: ۷۸

۱- بحار ج ۴۳ ص ۷

۲- الضحی ۵

۳- بحار ج ۴۳ ص ۸۶

۴- مناقب خوارزمی ص ۲۵۶

خدایا درود فرست بر کسی که فاطمه بود.

از مشهورترین اسامی حضرت زهرا علیها السلام فاطمه است که دارای معانی متفاوتی است وجه تسمیه آن بزرگوار به این نام را باید از لابلای کلمات نورانی معصومین علیهم السلام استخراج کرد. لازم است بدون مقدمه وارد این بحث نشویم و ابتدا درباره اهمیت نامگذاری فرزندان شمه ای گفتگو داشته باشیم. امروزه کسانی که صاحب فرزند می شوند یکی از دغدغه هایشان اسمی است که برای فرزند و نوزاد خویش انتخاب می کنند بعضی دنبال نام باستانی و ملی می گردند بعضی سراغ بیگانگان از اسلام رفته و اسماء خارجی روی فرزندان می گذارند و بعضی تفعل به قرآن می زنند و بدون آنکه مناسبت را در نظر بگیرند کلمه ای از قرآن را روی فرزند می گذارند و بعضی اسماء معنادار و پرمحتوا را برمیگزینند و گروهی هم نام های خاندان عصمت و طهارت را زنده نگهداشته و مقید هستند چه دختر و چه پسر از اسماء اهل بیت علیهم السلام و محمد و آل او استفاده نمایند و استناد می کنند به جامعه کبیره آن زیارت نامه ارزشمند که خطاب به ائمه طاهرين علیهم السلام عرض می کنیم اسماؤکم فی الْأَسْمَاءِفَمَا أَجَلِيَّ اسْمَائِکم(۱) اسامی شما در بین اسامی است.... و چقدر نام های شما با حلاوت و شیرین است.

یکبار به امام صادق علیه السلام عرض شد: أَنَا نُسَمِّي بِاسْمَائِکُمْ وَ أَسْمَاءِ آبَائِکُمْ فَيَفْعَلُنَا ذَلِكَ فَقَالَ إِي وَ اللَّهِ(۲) ما فرزندان خود را به اسماء شما و پدرانتان نامگذاری می کنیم آیا این عمل برای ما در پیشگاه پروردگار فایده ای دارد؟ امام صادق علیه السلام فرمود آری قسم به پروردگار این کار نفع معنوی دارد.

با این مقدمه فکر می کنم راه صواب مشخص شده باشد که بهترین گزینه کدام است.

ص: ۷۹

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- بحار ج ۲۳ ص ۱۲۲

اما فاطمه در لغت یعنی بریدن و قطع کردن این صیغه که بر وزن فاعل است معنی مفعولی می دهد و به معنی بریده و جدا شده است. سوال فاطمه از چه چیز جدا شده است؟ امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ اللَّهَ فَطَمَهَا وَذَرَّيَتَهَا مِنَ النَّارِ (۱)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که فرمود نام دخترم فاطمه شد چون که خداوند او و فرزندان او را از آتش جدا می نماید.

در بیانی دیگر آمده که جبرئیل علیه السلام درباره معنای فاطمه به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم پاسخ داد: سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ فِي الْأَرْضِ لِأَنَّهُ فَطَمَتْ شَيْعَتَهَا مِنَ النَّارِ (۲)

نام او را در زمین فاطمه گفتند زیرا که خداوند شیعیان او را از آتش دوزخ جدا می کند.

معنای دیگری هم طبق روایت یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام شده است:

امام علیه السلام به یونس فرمود: أَتَدْرِي أَيُّ شَيْءٍ تَفْسِيرُ فَاطِمَةَ قُلْتُ أَخْبَرَنِي يَا سَيِّدِي قَالَ فَطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ (۳)

آیا می دانی تفسیر فاطمه چیست؟ گفت برایم توضیح دهید ای آقای من فرمود یعنی او از شر و بدی ها بریده شده است.

مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی از امام باقر علیه السلام درباره معنای فاطمه می آورد و خود به شرح و توضیح آن می پردازد.

لَمَّا وَلَدَتْ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيَّ مَلَكٌ فَأَنْطَقَ بِهِ لِسَانٌ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَمَّاَهَا فَاطِمَةَ ثُمَّ قَالَ تَعَالَى إِنَّي فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ وَفَطَمْتُكَ عَنِ الطَّمْثِ ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَاللَّهِ لَقَدْ فَطَمَهَا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِالْعِلْمِ وَعَنِ الطَّمْثِ بِالْمِثَاقِ (۴)

زمانی که حضرت فاطمه علیها السلام متولد شد خداوند به فرشته ای وحی فرستاد تا بر زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نامه فاطمه را جاری کند و نامش را فاطمه بگذارد سپس پروردگار فرمود ای فاطمه من تو را به علم آراستم و تو را از پلیدی و ناپاکی جدا

ص: ۸۰

۱- بحار ج ۴۳ ص ۱۸ و ص ۱۴

۲- بحار ج ۴۳ ص ۱۸ و ص ۱۴

۳- بحار ج ۴۳ ص ۱۸ و ص ۱۴

۴- بحار ج ۴۳ ص ۱۳

ساختم. سپس امام باقر علیه السلام می فرماید سو گند به پروردگار خداوند تبارک و تعالی حضرت فاطمه علیها السلام را به علم آراست و از پلیدی دورش ساخت.

امام شرحی که مرحوم مجلسی داده این است که می گوید: فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ یعنی تو را چنان از علم پر کردم تا به حالت استغناء و بی نیازی رسیدی و اگر خداوند می فرماید وَفُطِمْتُ عَنِ الطَّمْثِ یعنی تو را به سبب علم از جهل دور ساختم از بدو خلقت و فطرت تو را عالم به علوم ربانی نمودم و بعد علامه ادامه می دهد که طَمْتُ کنایه از اخلاق و افعال زشت است یا منظور پلیدی های جسمانی و روحانی است. امام باقر علیه السلام از پدران خویش روایت می کند که بدین جهت نام دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را فاطمه نامیدند چون از هر آلودگی و پلیدی پاکیزه بود و هیچ گاه در دوران عمرش خون حیض و نفاس و استحاضه ندید. (۱)

محمد بن مسلم ثقفی می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود حضرت فاطمه علیها السلام اینگونه فُطِمْتُ هِيَ وَ شِيعَتُهَا مِنَ النَّارِ در کنار درب جهنم توقف می کند. وقتی روز قیامت می شود بر پیشانی همه افراد نوشته مومن یا کافر. خداوند به کسی که گناهان بسیاری کرده اما دوستدار حضرت فاطمه علیها السلام است امر می کند به سوی آتش برود. ناگاه حضرت فاطمه می بیند که بر پیشانی وی نوشته شد دوستدار فاطمه عرضه می دارد پروردگار من و آقای من نامم را فاطمه نهادی و وعده دادی که هر که من و ذریه من را دوست بدارد از آتش جدا کنی. وعده تو حق است و تو تخلف از وعده ات نمی فرمایی در این لحظه خداوند می فرماید راست گفתי ای فاطمه من تو را فاطمه نامیدم و هر که تو را دوست بدارد و به ذریه ات ارادت داشته باشد وعده دادم از آتش جدا کنم و وعده من حق است و من تخلف از وعده ام نمی کنم. من به بنده ام امر کردم به طرف آتش برود تا تو از او شفاعت کنی و من هم شفاعت تو را بپذیرم تا مقام منزلت تو را به فرشتگانم و پیامبرانم و همه کسانی که در

ص: ۸۱

این عالم هستند در نزد خودم نشان دهم بنابراین هر کس را بین پیشانیش مومن یافتی او را داخل بهشت کن. (۱)

الزَّكِيَّة:

خدایا درود فرست بر بانویی که پاک روش بود.

فاطمه عليها السلام مثل همه پیامبران و ائمه طاهرين خلقت و خلق پاکیزه داشت نه با اکتساب و تعلیم بلکه به عنایت پروردگار و چون نقطه مرکزی آیه تطهیر بود اراده و مشیت الهی بر این تعلق گرفته بود در عین حالی که خلقت بشری داشت و می توانست خطا کند نمی کرد و زکيه ماند خواهید گفت می شود خداوند کسی را مزکی و پاکیزه خلق کند؟ پاسخ قرآنی داریم که می شود.

وقتی خداوند فرمود و ما روح خود را به سوی او فرستادیم که شبیه انسانی کامل در برابرش نمایان شد. مریم گفت: أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا (۲)

من فرستاده پروردگار توام تا پسری پاکیزه بر تو ببخشم.

یا درباره حضرت یحیی از تزکیه لدنی و عنایت و لطف خدا در حق وی می فرماید:

وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا وَحَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا (۳)

و در حالی که طفل بود به او مقام نبوت دادیم از جانب خود به او مهربانی و پاکیزگی دادیم و او پرهیزکار بود.

اعتقاد ما بر این است که حضرت زهرا عليها السلام زکيه از جانب خداوند متعال است از اسماء وارده در روایات درباره حضرت زهرا عليها السلام یکی همین زکيه است که در روایت یونس بن ظبیان از امام صادق علیه السلام به عنوان پنجمین نام شریف آن گرامی آمده است. (۴)

لازم است خارج از مبحث بالا عرض کنم که بحث تزکیه نفس برای ما اکتسابی

ص: ۸۲

۱- بحار ج ۴۳ ص ۱۵

۲- مریم آیات ۱۷ تا ۱۹ و ۱۲ و ۱۳

۳- مریم آیات ۱۷ تا ۱۹ و ۱۲ و ۱۳

۴- بحار ج ۴۳ ص ۱۰

است و در اثر مداومت و پشتکار می توان به اندازه ظرف وجودی خویش به این مقام نایل شد که نتیجه اش رستگاری و نیکبختی دنیا و آخرت است.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۱) به تحقیق رستگار شد هر که خود را تزکیه کرد و شبیه همین آیه در سوره اعلی آمده. قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى (۲)

خداوند تبارک و تعالی هم توصیه می فرماید که خود را تزکیه کنید و هم بی نیازی خود را از تزکیه انسان ها بیان می فرماید. یعنی تزکیه نفس سودی دارد که نصیب خودتان می شود.

وَمَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ (۳)

و هر که راه تزکیه را پیش گیرد نتیجه اش نصیب خودش خواهد شد و بازگشت همه به سوی خداوند است.

وقتی کسی همت کند هر آنچه رذیله اخلاقی است از صفحه دل پاک کند بی شک از کدوری در می آید و با صفا می شود. آب کدر پس از آنکه در تصفیه خانه قرار می گیرد و املاح اضافی آن گرفته می شود صاف و قابل شرب می گردد. روح و دل انسان نیز چنین است زیرا که زنگارها و الودگی های گناهان حتی مکروهات آن را مکدر می کند ولی جای امیدواری هست که در اثر توبه واقعی و جبران گذشته با اعمال صالحه خسارت های به وجود آمده را برطرف کرد و این یعنی تزکیه نفس.

تزکیه نفس چیز غیرممکن نیست فقط مقداری مداومت و همت می خواهد و اگر کسی بهانه بیاورد در واقع با اراده خود راه خطا را برگزیده است.

امیر مومنان علی علیه السلام می فرماید: أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ قَدَّرَ عَلَى أَنْ يُزِيلَ النَّقْصَ مِنْ نَفْسِهِ فَلَمْ يَفْعَلْ (۴)

ناتوان ترین مردم کسی است که قادر باشد از نفس خود رفع نواقص نماید ولی

ص: ۸۳

۱- شمس ۹

۲- اعلی ۱۴

۳- فاطر ۱۸

۴- غررالحکم ص ۱۹۵

کوتاهی در امر کند.

پاک و صافی شو و از چاه طبیعت بدرآی *** که صفایی ندهد آب تراب آلوده

راه های عملی تزکیه نفس در کتاب های اخلاق فراوان آمده ولی در این جا فقط به یک حدیث نبوی صلی الله علیه و آله وسلم بسنده می کنیم که اگر کسی خواست کلیتی را برای تزکیه خویش دریافت کند به ژرفای این حدیث نورانی بیشتر بنماید:

إِنَّ الثُّورَ إِذَا دَخَلَ الْقَلْبَ انْفَسَخَ وَ انْشَرَخَ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ لَكَ عَلَامَةٌ يُعَرَّفُ بِهَا فَقَالَ التَّجَافَى عَنْ دَارِ الْغَرَرِ وَالْإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَالِاسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نُزُولِهِ (۱)

چون بنده را نور حق در دل افتد دل او گشاده و فراخ گردد گفتند ای رسول خدا نشان آن چیست فرمودند از دنیا و دوستی او دور شود و به کار آخرت مشغول و خود را آماده مرگ کند قبل از آنکه فرا برسد.

سه نکته مهم در حدیث که عامل تزکیه و تطهیر نفس است ۱- ترک دوستی و محبت به دنیاست که طبق فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و امام علی علیه السلام و امام صادق علیه السلام علاقه به دنیا راس هر خطا و معصیت و فتنه هاست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم حُبُّ الدُّنْيَا أَضَلُّ كُلِّ مَعْصِيَةٍ وَ أَوَّلُ كُلِّ ذَنْبٍ (۲)

دنیا دوستی ریشه هر معصیت و آغاز هر گناهی است.

امام علی علیه السلام حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَ أَضَلُّ الْمَحَنِ (۳)

دنیا دوستی منشا فتنه ها و ریشه محنت هاست.

امام صادق علیه السلام رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا (۴)

منشا هر گناهی دنیا دوستی است.

ص: ۸۴

۱- منهاج العابدین ص ۴

۲- تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۲۲

۳- غررالحکم ۴۸۷

۴- کافی ج ۲ ص ۳۱۵

خدا می داند که چقدر رسول خدا فاطمه را دوست می داشت

۲- پرداخت به کار آخرت مومن برای تزکیه نفس و مزکی شدن نیاز به کارهای آخرتی دارد و باید تمام همت خود برای چیزهایی که به درد آخرتش می خورد مصروف بدارد این وعده مولایمان علی علیه السلام است که فرمود:

مَنْ جَعَلَ كُلَّ هَمِّهِ لآخرته ظَفَرَ بِالْمَأْمُولِ (۱)

کسی که تمام هم خود را مصروف آخرتش کند به این آرزو یعنی آخرت خوب خواهد رسید.

۳- کسی خود را آماده مرگ می کند قبل از آنکه به سراغش آید یعنی این روحیه نیاز به مقدمه اصلاح نفس دارد تا تزکیه به وجود نیاید و زنگارها از صفحه دل زدوده نشود این آمادگی ایجاد نخواهد شد و لذا کسی مستعد مرگ است که خاطرش جمع است که خود را تصفیه و پالایش کرده و رذایل را از درون بیرون ریخته و با یک دنیا صفای باطن به ملاقات پروردگار می شود و الا طبق فرمایش امام علی علیه السلام کيف يَعْمَلُ لِلاخره الْمَشْغُولُ بِالدُّنْيَا (۲) کسی که سرگرم دنیا است چگونه می تواند بر آخرت کار کند و مستعد برای جهان دیگر باشد.

در این قسمت چه زیباست از روح مقدس زکیه دو عالم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام استمداد بطلبیم و عرضه بداریم بانویی که اسوه ی مردان نیز هستی از خداوند تبارک و تعالی بخواه توفیق تزکیه نفس و مزکی شدن را نیز به ما عنایت فرماید چرا که شما خاندان مستجاب الدعوه و آبرومند در خانه خدایید شاید به دعای شما بزرگواران فضل پروردگار متعال شامل حالمان شود و در این باقیمانده از عمر به پاکیزه کردن ضمیر خود اقدام عاجل کنیم. انشالله.

حَبِيبِهِ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ:

خدایا درود فرست بر محبوبه محبوبت و پیامبرت.

خدا می داند که رسول گرامی اسلام چقدر فاطمه علیها السلام را دوست می داشت آنقدر این معصومه مورد علاقه پدر بود که هر وقت می خواست به سفر برود ابتدا به سراغ

ص: ۸۵

۱- غررالحکم ۸۵۱۲ و ۶۹۷۶

۲- غررالحکم ۸۵۱۲ و ۶۹۷۶

فاطمه علیها السلام می رفت و مدتی نزد او می نشست و هنگامی که از سفر بر میگشت نیز اولین کسی را که دیدار می کرد دخترش زهرا علیها السلام بود و می فرمود:

فداها أبوها پدرش به فدای او باد. (۱)

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: فاطمه بُضِعَ مِنْهُ مَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَاءَ فَقَدْ سَاءَ نِي فاطمه أَعَزُّ النَّاسِ عَلَيَّ (۲)

فاطمه پاره تن من است هر کس او را مسرور کند من را مسرور کرده و هر که به وی بدی کند به من بد کرده فاطمه عزیزترین مردم است نزد من.

این روایت را عایشه نقل می کند که: إِنَّهُ مَا كَانَ مِنَ الرِّجَالِ أَحَبُّ إِلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَا مِنَ النِّسَاءِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ (۳)

به تحقیق هیچ کس از بین مردان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم محبوب تر از علی علیه السلام نبود و هیچ کس در بین زنان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم محبوب تر از فاطمه علیها السلام نبود.

یک بار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خطاب به علی علیه السلام درباره محبوبه اش فرمود: يَا عَلِيُّ إِنَّ فاطمه بُضِعَ مِنْهُ وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ ثَمَرُهُ فَوَادِي (۴)

ای علی به تحقیق فاطمه پاره تن من و نور چشم من و ثمره قلب من است.

در جای دیگر اضافه بر بیانات فوق فرمود: وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيَّ (۵)

فاطمه آنچنان روحی است که در وجود من است.

شدت علاقه رسول خدا نسبت به حضرت زهرا را می توان در این خطاب جست جو کرد که پدر به دختر خطاب مادر و یا ام به معنای بنیان و اساس داشته است.

امام صادق از امام باقر علیه السلام نقل می کند که: أَنَّ فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ كَانَتْ تَكْنِي أُمَّ أَبِيهَا (۶)

به تحقیق که فاطمه علیها السلام کنیه اش ام اییها بود و به این نام خوانده می شد.

ص: ۸۶

۳- بحار ج ۴۳ ص ۲۳

۴- امالی صدوق ص ۴۸۶ و ص ۱۱۲

۵- امالی صدوق ص ۴۸۶ و ص ۱۱۲

۶- بحار ج ۴۳ ص ۱۹

ابن عباس می گوید یک بار عایشه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم وارد شد و دید که پیامبر زهرایش را می بوسد گفت آیا او را دوست می داری؟ فرمود:

أَمَّا وَاللَّهِ لَوْ عَلِمْتُ حُبِّي لَهَا لَا زِدْتُ لَهَا حُبًّا بَدَانِ أَكْرَ سَوَكَنْدَ بِهِ بِرُورْدِ گَارِ مِی دَانَسْتِی کِه مَن چَقْدَرِ فَاطْمَه رَا دُوسْتِ مِی دَارَمِ مَحَبَّتِ تُو نِیْزَ بِه اَوْ زِیَادِ مِی شَد. فَاطْمَه مَن نَظْفَه اَش بِرِگَرَفْتَه اَز مِیوَه بَهْشْتِی اَسْت و لَذَا فَإِذَا أَشْفَقْتُ إِلَيَّ الْجَنَّةَ شَمِمْتُ رَائِحَةَ فَاطْمَه عَلَیْهَا السَّلَامُ (۱) هَر وَقْتُ مَشْتَاقِ بَهْشْتِ مِی شُوم بُوِی بَهْشْتِ رَا اَز فَاطْمَه اَم اَسْتَشْمَامِ مِی کَنَم.

عایشه اعتراف می کند که ندیدم کسی جز فاطمه از نظر کلام و بیان حدیث شبیه ترین به رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم باشد. هر وقت فاطمه بر پیامبر وارد می شد تمام قد در برابرش می ایستاد به او خیر مقدم می گفت و دست او را می بوسید و فاطمه را سر جای خود می نشاند. (۲) هنگامی که این آیه شریفه نازل شد که لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا (۳)

صدا کردن پیامبر را بین خودتان مانند صدا کردن همدیگر قرار ندهید.

یعنی با القاب و احترام مثل یا رسول الله یا نبی الله و امثال آن. امام صادق علیه السلام می فرماید: حضرت زهرا علیها السلام نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را با القاب و احترام خاص صدا می زد تا به فرمان الهی عمل کند. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بر فاطمه وارد شد و فرمود:

يَا فَاطْمَةُ أَنْتَ لَمْ تَنْزِلِي فِيكَ وَلَا فِي أَهْلِكَ وَلَا فِي نَسْلِكَ أَنْتَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ إِنَّمَا نَزَلْتُ فِي أَهْلِ الْجَفَاءِ وَالْغُلَظَةِ مِنْ قُرَيْشٍ أَصْحَابِ الْبَدَخِ وَالْكِبْرِ قَوْلِي يَا أَبَتُ فَإِنَّهَا أَحْيَى لِلْقَلْبِ وَأَرْضِي لِلرَّبِّ (۴)

فاطمه جان این آیه درباره تو و خانواده ات و فرزندان نازل نشده تو از منی و من از توام بلکه این آیه درباره اهل جفا و غلظت و سخت دل از قریش که اصحاب

ص: ۸۷

۱- علل الشرایع ج ۱ ص ۱۸۳ کنزالدقائق ج ۵ ص ۴۴۸

۲- بحار ج ۴۳، ۲۵

۳- نور ۶۳

۴- بحار ج ۴۳ ص ۳۳

کبر و نخوتند نازل شده است.

فاطمه جان تو به من بگویی پدرجان قلبم را زنده می کند و پروردگار را راضی می نماید یک بار علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام در برابر رسول خدا نشسته بودند علی علیه السلام عرض کرد:

أَيْنَا أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنَا أَوْ هِيَ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ هِيَ أَحَبُّ إِلَيَّ وَ أَنْتَ أَعَزُّ عَلَيَّ مِنْهَا (۱)

کدام یک ما نزد تو محبوب تریم من یا فاطمه؟ فرمود فاطمه محبوب تر است نزد من و تو عزیزتر از وی هستی برای من.

ابوسعید خدری می گوید حضرت زهرا علیها السلام عزیزترین مردم نزد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بود یک روز پیامبر بر فاطمه وارد شد در حالی که مشغول نماز بود در بین نماز کلام و صدای رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را شنید. نماز را به پایان رساند و از محل نماز و مصلاهی خود خارج شد سپس به آن حضرت سلام کرد در این بین رسول خدا دستی بر سر فاطمه علیها السلام کشید و فرمود: يَا بَنِيهِ كَيْفَ أُمْسَيْتَ رَحِمَكَ اللَّهُ عَشِيْنَا غَفَرَ اللَّهُ لَكَ (۲)

دخترم چگونه شب را به سر نمودی خداوند تو را رحمت کند در این شب که بر ما گذشت خداوند تو را مشمول غفران خویش قرار داد.

وَأُمُّ أَحَبَّائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ :

خدایا بر مادر محبوبانت و برگزیدگان درود فرست.

زهرا اطهر علیها السلام تنها مادر یازده امام معصوم علیها السلام نبود بلکه مادر تمامی سادات در طول تاریخ است و هر دختر و پسر سید و سیده حق دارد بانوی عظمای دو جهان را مادر خطاب کند.

حضرت زهرا علیها السلام ریشه و بنیان هستی است وقتی زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که از نظر رتبه و منزلت قابل مقایسه با آن بزرگوار نیستند ام البنین خوانده می شوند. النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ (۳) رسول خدا بر اهل ایمان از خود

ص: ۸۸

۱- بحار ج ۴۳ ص ۳۸

۲- بحار ج ۴۳ ص ۴۰

۳- احزاب ۶

آنان سزاوارتر است و زنان پیامبر مادران آنها محسوب می شوند.

به طریق اولی هر ارادتمندی به حضرت زهرا علیه السلام حق دارد پاره تن پیامبر و تنها دختر آن حضرت را مادر خطاب کند.

لازم به ذکر است که علی رغم آنکه امثال عاص بن وائل ها و کافران بعد از مرگ ابراهیم پسر پیامبر حضرتش را ابتر یعنی بدون عقبه و فرزند خواندند خداوند سوره کوثر را نازل کرد و به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم مژده کوثر داد و فرمود که: **إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَيِّرْ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ** ما به تو خیر فراوان دادیم بنابراین برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن که دشمن تو مقطوع النسل و بی دنباله است.

کوثر همان فاطمه بود که خیر فراوان بود و از برکت وجود او غیر از یازده امام معصوم علیهم السلام نسل سادات که طبق آمار تقریبی در سال ۱۳۹۰ نزدیک به هشتاد میلیون هستند اضافه بر اینکه عده زیادی از فرزندان فاطمه علیها السلام در سراسر جهان هستند که خود از سیادت خود بی خبرند در حالی که از ذریه آن حضرت می باشند.

و باز اضافه بر اینکه مرحوم سید مرتضی علم الهدی شاگرد شیخ مفید قائل بود آنانی که مادرشان سید است نیز سیدند و حتی می توان به آنها سهم سادات داد و ناگفته نماند با شهادت محسن بن علی علیها السلام که با سکوت جبت و ضربه طاغوت کشته شد از تولد یک سوم از نسل فاطمه و سادات ممانعت به عمل آمد.

اگر ام را از این محدوده خارج کنیم به قول راغب اصفهانی به ریشه واصل هر موجودی اطلاق می شود.

يُقَالُ لِكُلِّ مَا كَانَ أَصْلًا لَوْجُودِ شَيْءٍ أَوْ تَرْبِيَّتِهِ أَوْ إِصْلَاحِهِ أَوْ مَبْدَأِهِ أَمْ (۱)

به هر چیزی که اصل و ریشه بر وجود چیزی یا در تربیت و اصلاح آن دخالت داشته و یا باعث وجود آن شود ام گفته می شود.

الَّتِي انْتَجَبَتْهَا وَفَضَّلَتْهَا وَاخْتَرَتْهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

ص: ۸۹

خدایا درود فرست بر فاطمه ای که او را برگزیدی و بر او برتری بخشیدی و وی را بر زنان عالم امتیاز دادی.

درباره حضرت مریم علیها السلام خداوند می فرماید:

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (۱)

و فرشتگان گفتند ای مریم خدا تو را برگزیده و پاک کرده و بر زنان زمانه برتری داده است.

جلال الدین سیوطی در تفسیر خود ذیل آیه شریفه دو روایت نقل می کند:

ابن ابی شیبیه و ابن جریر از فاطمه علیها السلام روایت کرده اند که گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به من فرمود: أَنْتَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ لَا مَرْيَمَ الْبُتُولُ (۲) تویی سیده زنان اهل بهشت نه مریم بتول.

ابن عساکر از طریق مقاتل از ضحاک از ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که فرمود چهار زن سیده زنان زمان خودشان بودند مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم و خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله وسلم وَ أَفْضَلُهُنَّ عَالِمًا فَاطِمَةُ وَ بِالْأَوَّلِينَ وَ بِالْآخِرِينَ آنها از حیث دوران فاطمه است.

ابن عباس نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: وَ أَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ (۳)

و اما دخترم فاطمه علیها السلام به تحقیق سیده زنان عالم است از اول خلقت تا آخر خلقت.

امام صادق علیه السلام در ضمن نقل مطالبی در ادامه می فرماید که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ إِنَّهَا لَتَقُومُ فِي مِحْرَابِهَا فَيُسَلَّمُ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ وَ يُنَادُونَهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ

ص: ۹۰

۱- آل عمران ۴۲

۲- در المنثور سیوطی ج ۲ ص ۲۳

۳- مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۵۹

الملائكة مَرِيَمَ فَيَقُولُونَ يَا فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (۱)

فاطمه سیده زنان عالم است از اول خلقت تا آخر خلقت و به تحقیق وقتی حضرت زهرا علیها السلام در محراب عبادت خود می ایستاد هفتاد هزار فرشتگان مقرب الهی بر او سلام می کردند و وی را همان طور ندا می دادند که برای مریم ندا دادند و می گفتند ای فاطمه علیها السلام خدا تو را برگزیده و پاک کرده و بر همه زنان عالم تو را برتری داده است.

همان گرامی در جای دیگر می فرماید یک شب که حضرت زهرا مورد چنین خطابی از ناحیه فرشتگان قرار گرفت به فرشتگان فرمود:

أَلَيْسَتْ الْمَفْضَلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرِيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَرِيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِهَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ عَالَمِكِ وَ عَالَمِهَا وَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ (۲)

آیا این مریم بنت عمران نیست که مقام برترین زنان عالم را داراست؟ فرشتگان پاسخ دادند مریم برترین زنان در زمان خود بود ولی خداوند عزوجل تو را برترین زنان عالم خود و عالم مریم و برترین زنان اول خلقت تا آخر خلقت قرار داده است.

از جمله احتجاجات امیرالمومنین علی علیه السلام با معاویه این بود که مَنَّا خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ مِنْكُمْ حَمَالَةُ الْحَطَبِ (۳) بهترین زنان عالم از ماست و حماله الحطب یعنی زن ابولهب ام جمیل که مورد ملامت پروردگار در قرآن قرار گرفته از شماست.

و در پایان این قسمت جا دارد که دعایی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره خاندان خود کرده از نظر بگذرانیم و متوجه شویم چقدر حضرت زهرا علیها السلام و شوهر و فرزندان او مورد سفارش و احترام پیامبر عظیم الشان اسلام بودند.

إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي وَ زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ابْنَتِي

ص: ۹۱

۱- مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۵۹

۲- بحار ج ۴۳ ص ۷۸

۳- بحار ج ۱۴ ص ۲۰۶

وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهَا السَّلَامُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَلَدَايَ مَنْ وَالَاهُم فَقَدْ وَالَانِي وَمَنْ بَرَّهُمْ فَقَدْ بَرَّنِي وَصَلَّ اللَّهُ مَنْ وَصَلَهُمْ وَقَطَعَ اللَّهُ مَنْ قَطَعَهُمْ وَنَصَرَ اللَّهُ مَنْ أَعْيَانَهُمْ وَخَذَلَ اللَّهُ مَنْ خَذَلَهُمُ اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ ثَقُلَ وَ أَهْلُ بَيْتِ فَعَلِيٍّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ أَهْلُ بَيْتِي وَ ثَقَلِي فَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرُّجْسَ وَ طَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً(۱)

علی بن ابی طالب وصی و جانشین من است همسرش فاطمه سیده زنان عالم است که دختر من است حسن و حسین دو آقای جوانان اهل بهشتند که دو پسرانم هستند.

هر کس آنها را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که با آنها دشمنی ورزد با من دشمنی کرده هر که با آنها مخالفت کند بامن مخالفت کرده و هر که بر آنها جفا روا دارد به من جفا کرده و هر که بر آنها نیکی کند به من نیکی کرده خدا یا صله کنندگان به آنها صله شان محکم کن و هر که با آنها قطع می کند نابودش کن و هر که آنان را یاری می رساند کمکشان کن و هر که آنان را خوار می نماید خوارش فرما. پروردگارا اگر هر کدام از پیامبرانت ثقل دارند ثل من اهل بیت من علی فاطمه و حسن و حسین هستند پس رجس و پلیدی را از آنها دور ساز و پاک و پاکیزه شان قرار ده.

اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا :

خدایا از کسانی که بر او ظلم کردند و حقش را ضایع نمودند انتقام بگیر.

قبل از ورود به اینکه چه ظلمی بر آن گرامی کردند و چه حقی از ایشان ضایع نمودند لازم است بدانیم که همه ظالمان و حق کشان نسبت به حضرت زهرا علیها السلام بارها و بارها سفارش مودت و احترام بر او عترت پیامبر را از دو لب رسول الله و گاهی آیات شریفه قرآن شنیده بودند و با این حال ظلم و تعدی را به فرزندان رسول

ص: ۹۲

خدا صلی الله علیه و آله وسلم را پایه گذاری کردند.

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (۱)

بگو من از شما مزد رسالت نمی خواهم جز مودت نسبت به خویشاوندانم.

ابن عباس می گوید همین که این آیه نازل شد عده ای گفتند یا رسول الله منظور ایه کیانند که خداوند ما را امر به مودت بر آنها نموده؟ فرمود علی و فاطمه و فرزندان آنها. (۲)

مرحوم طبرسی در مجمع البیان می نویسد از طریق صحیح از حسن بن علی علیه السلام روایت شده که برای مردم خطبه خواند و ضمن خطبه فرمود:

أَنَا مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ افْتَرَضَ اللَّهُ مَوَدَّتَهُمْ عَلَيَّ كُلِّ مُسْلِمٍ فَقَالَ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى (۳)

من از آن خاندان هستم که خداوند مودت و دوستی آنان را به هر مسلمانی واجب کرده می فرماید ای پیامبر بگو من از شما مزد رسالت نمی خواهم جز مودت نسبت به خویشاوندانم.

حسین بن سعید می گوید محضر امام باقر علیه السلام نشسته بودم به من فرمود خداوند متعال می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى (۴)

پروردگار امر می کند به عدل و احسان و بخشیدن حق خویشاوندان امام علیه السلام فرمود: الْعَدْلُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ وَالْإِحْسَانُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذِي الْقُرْبَى فاطمه علیها السَّلَام (۵)

منظور از عدل در آیه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و احسان علی بن ابی طالب علیه السلام و خویشاوند فاطمه علیها السلام است.

آیا ظالمان به حقوق فاطمه علیها السلام بارها روایت ذیل را از پیامبر شنیده بودند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ

ص: ۹۳

۳- همان

۴- نحل ۹۰

۵- تفسیر فرات کوفی ج ۱ ص ۳۱۹. بحار ج ۲۴ ص ۱۹۰

لغضبِكَ وَ يُرْضِي لِرِضَاكَ (۱) ای فاطمه به تحقیق خداوند به غضب تو غضبناک می شود و به رضایت تو راضی می گردد.

شیعه و سنی نقل کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: إِنَّمَا فَاطِمَةُ بُضْعِهِ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبْتُهَا فَقَدْ أَغْضَبَنِي (۲)

به تحقیق فاطمه پاره تن من است هر که او را غضبناک کند بی شک مرا غضبناک کرده است.

فَقَالَ عُمَرُ: سَمِعْتُ الثَّقَةَ مِنَ الصَّحَابَةِ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ فَاطِمَةُ بُضْعِهِ مِنِّي يُرْضِينِي مَا أَرْضَاهَا وَ يُسْخِطُنِي مَا أَسْخَطَهَا فَوَاللَّهِ إِنِّي لَحَقِيقٌ أَنَّ أَطْلُبَ رِضَى رَسُولِ اللَّهِ وَ رِضَاهُ وَ رِضَاهَا فِي رِضَى وَلَدِهَا (۳)

عمر می گوید از اصحاب مورد وثوق شنیدم که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود فاطمه پاره تن من است هر کس فاطمه را راضی کند مرا راضی کرده و هر که او را خشمناک نماید مرا خشمناک ساخته قسم به پروردگار بر خود لازم دانستم که رضایت رسول خدا را طلب کنم چون رضایت پیامبر و رضایت حضرت زهرا در رضایت فرزند زهراست.

از طریق اهل سنت نقل شده که

خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَقَدْ أَخَذَ بِيَدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَقَالَ مَنْ عَرَفَ هَذِهِ فَقَدْ عَرَفَهَا وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهَا فَهِيَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ هِيَ بُضْعُهُ مِنِّي وَ هِيَ قَلْبِي الَّذِي بَيْنَ جَنْبَيَّ فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهُ (۴)

یک بار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از منزل خارج شد در حالی دست حضرت زهرا علیه السلام را در دست داشت فرمود هر کس این شخص را می شناسد که شناخته هر که نمی شناسد این فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله وسلم است و او پاره تن من و او قلب من است بنابراین هر که او را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر که مرا اذیت نماید خدا را اذیت کرده است.

پس از بررسی کوتاه درباره جایگاه حضرت زهرا علیها السلام نزد خدا و رسول او این سوال مطرح است پس چرا به محض آنکه پیامبر خدا رحلت نمود اذیت ها و آزارها

ص: ۹۴

۱- احتجاج ج ۲ ص ۲۵۴

۲- بحار ج ۴۳ ص ۳۹

۳- همان

۴- بحار ج ۴۳ ص ۸۰ به نقل از تفسیر ثعلبی و مجاهد.

نسبت به این بانوی بزرگوار و شوهر و فرزندانش آغاز شد.

امام حسن عسکری علیه السلام در بخش درود بر حضرت فاطمه علیها السلام از خداوند درخواست می کند بار پروردگار تو انتقام ظالمان به حقوق حضرت زهرا و غاصبین حقش را بگیر. مگر چه ظلمی درباره ایشان شد و چه حقی از ایشان ضایع گردید که امام یازدهم علیه السلام مطالبه آن را از خداوند مسئلت می جوید؟

همه می دانیم که با ارتحال پیامبر عظیم الشان اسلام در حالی که مولای متقیان امیرالمومنین علیه السلام مشغول تغسیل و تکفین و تدفین آن حضرت بود و هنوز بدن مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم روی زمین بود عده ای در سقیفه بنی ساعده جمع شدند تا برای رسول خدا جانشین تعیین کنند وقایع سقیفه از زبان سلمان فارسی رحمه الله:

بان بن عیاش از سلیم بن قیس نقل می کند که گفت از سلمان فارسی شنیدم که چنین گفت هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از دنیا رفت و مردم آنچه می خواستند کردند ابوبکر و عمر و ابوعبیده ی جراح نزد مردم آمدند و با انصار به مخاصمه برخاستند و آنان را با حجت و دلیل علی علیه السلام را محکوم کردند و چنین گفتند ای گروه انصار قریش از شما به امر خلافت سزاوارترند زیرا پیامبر از قریش است و مهاجرین از شما بهترند زیرا خداوند در کتابش ابتدا آنان را ذکر کرده و ایشان را فضیلت داده است پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هم فرموده است امامان از قریش اند.

سلمان فارسی می گوید کار مردم را به علی علیه السلام در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را غسل می داد خبر دادم و گفتم ابوبکر هم اکنون بر فراز منبر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قرار گرفته و مردم به این راضی نمی شوند که با یک دست با او بیعت کنند بلکه با هر دو دست راست و چپ با او بیعت می کنند.

علی علیه السلام فرمود ای سلمان آیا می دانی اول کسی که با او بر منبر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بیعت کرد که بود؟ عرض کردم نه ولی او را در سقیفه بنی ساعده دیدم هنگامی که انصار محکوم شدند و اولین کسانی که با او بیعت کردند مغیر بن شعبه و سپس بشیر بن سعید و بعد ابوعبیده جراح و بعد عمر بن خطاب و سپس سالم مولی ابی

حذیفه و معاذ بن جبل بودند فرمود درباره اینان از تو سوال نکردم آیا دانستی هنگامی که از منبر بالا رفت اول کسی که با او بیعت کرد که بود؟ عرض کردم نه ولی پیرمرد سالخورده ای که بر عصایش تکیه کرده بود دیدم که بین دو چشمانش جای سجده ای بود که پینه آن بسیار بریده شده بود او به عنوان اولین نفر از منبر بالا رفت و تعظیمی کرد و در حالی که می گریست گفت سپاس خدایی را که مرا نمیرانید تا تو را در این مکان دیدم دست را برای بیعت باز کن ابوبکر هم دستش را دراز کرد و با او بیعت کرد سپس گفت روزی است مثل روز آدم و بعد از منبر پایین آمد و از مسجد خارج شد.

علی علیه السلام فرمود ای سلمان می دانی او که بود؟ عرض کردم نه ولی گفتارش مرا ناراحت کرد گویی مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را با شماتت و مسخره یاد می کرد فرمود او ابلیس بود خدا او را لعنت کند. (۱)

برای بیعت گرفتن از علی علیه السلام نقشه حمله به خانه حضرت زهرا علیها السلام به چه صورت طراحی شد؟ ابوبکر قنفذ را نزد امیرالمومنین علی علیه السلام فرستاد و عده ای کمک نیز به همراهش قرار داد او آمد تا در خانه حضرت و اجازه ورود خواست ولی حضرت به آنان اجازه نداد اصحاب قنفذ به نزد ابوبکر و عمر برگشتند در حالی که آنان در مسجد نشسته بودند و مردم اطراف آن دو بودند و گفتند: به ما اجازه داده نشد عمر گفت بروید اگر به شما اجازه داد وارد شوید و گرنه بدون اجازه وارد شوید.

آنها آمدند و اجازه خواستند حضرت زهرا علیها السلام فرمود به شما اجازه نمی دهم بدون اجازه وارد خانه من شوید. همراهان او برگشتند ولی خود قنفذ ملعون آنجا ماند آنان به ابوبکر و عمر گفتند فاطمه چنین گفت و ما از اینکه بدون اجازه وارد خانه اش شویم خودداری کردیم عمر عصبانی شد و گفت ما را با زنان چه کار است.

ص: ۹۶

سپس به مردمی که اطرافش بودند دستور داد تا هیزم بیاورند آنان هیزم برداشتند و خود عمر نیز همراه آنان هیزم برداشت و آنها را اطراف خانه علی و فاطمه و فرزندانش علیهم السلام قرار دادند سپس عمر ندا کرد به طوری که علی و فاطمه علیها السلام بشنوند و گفت به خدا قسم ای علی باید خارج شوی و با خلیفه پیامبر بیعت کنی و گرنه خانه را با خودتان به آتش می کشم.

عمر آتش طلبید و آن را بر در خانه شعله ور ساخت و سپس در را فشار داد و باز کرد و داخل شد حضرت زهرا علیها السلام در مقابل او در آمد و فریاد زد **يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ** عمر شمشیر را در حالی که در غلافش بود بلند کرد و به پهلوی حضرت زهرا علیها السلام زد آن حضرت ناله کرد **يَا أَبَتَاهُ** عمر تازیانه را بلند کرد و به بازوی حضرت زد آن حضرت صدا زد یا رسول الله ابوبکر و عمر با بازماندگان چه بد رفتاری کردند. (۱)

این هم در روایت آمده که عمر با پایش به در زد در شکست و فاطمه پشت در تحت فشار قرار گرفت و پهلویش شکست و میخ در به سینه حضرت وارد شد و خون جاری گشت در همین لحظات فرزند در رحم حضرت در اثر فشار در سقط شد و حضرت فریاد برآورد **يَا فَضَّةُ فَخَذْنِي فَقَدْ وَاللَّهِ قُتِلَ مَا فِي إِحْشَانِي** (۲) ای فضه مرا دریاب که به خدا سوگند فرزند در رحم کشته شد.

بعد این حادثه دلخراش و جانکاه غصب فدک انجام گرفت که امام حسن عسکری علیه السلام با کنایه و اشاره بدان پرداخته است خدایا انتقام از کسانی که بر حضرتش ظلم روا داشتند بگیر و بعد عرض می کند **وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا اسْتِخْفَافَ حَقِّ حَضْرَتِ زَهْرَا عَلِيهَا السَّلَامُ غَصَبَ فَدَكِّ** بود.

وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ (۳) فَاتِ ذَالِوْبَى حَقَّهُ (۴)

حق خویشاوند را به او بده همان طور که ملاحظه کردید این امریه از جانب

ص: ۹۷

۱- الهجوم علی بیت فاطمه ص ۱۱۹ و ۱۲۰

۲- الکوکب الدری ص ۱۹۴

۳- اسراء ۲۶

۴- روم ۳۸

پروردگار در قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دوباره تکرار شده و نشان اهمیت آن است.

ابان بن تغلب می گوید به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فدک را در اختیار حضرت فاطمه علیها السلام گذاشت بعد از آنکه این آیه نازل شد ابان ادامه می دهد پیامبر فدک را به فاطمه عطا کرد قَالَ بَلِ اللَّهُ أَعْطَاهَا (۱)

فرمود بلکه خداوند به او عطا کرد.

در روایتی دیگر عبدالرحمان از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود همین که آیه شریفه وَ آتِ ذَاقِرْبِی حَقَّه را نازل کرد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم به جبرئیل فرمود: مسکین را دانستم ولی ذوی القربی چه کسانی هستند؟ گفت ایشان اقربای تو می باشند.

در این موقع پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم امام حسن و امام حسین و حضرت فاطمه علیهم السلام را دعوت کرد و فرمود:

إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ أَعْطِيَكُمْ مَا أَفَاءَ عَلَيَّ قَالَ أَعْطَيْتُكُمْ فَدَكَا (۲)

پروردگارم مرا رمان داده تا از آنچه بهره برده ام به شما بدهم و اینک فدک را به شما می بخشم.

در اینجا برای اینکه خواننده گرامی بداند که فدک به امر پروردگار به حضرت زهرا علیها السلام بخشیده شده و ارتباط با ارث ندارد و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در زمان زنده بودنش آن را به نام فاطمه علیها السلام نموده و تا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در قید حیات بود کارگران حضرت زهرا در آن باغات کار می کردند و حضرت زهرا علیها السلام منافعش را در اختیار فقراء مدینه می گذاشت و بعد از رحلت رسول خدا با جعل حدیث الْأَنْبِيَاءِ لَا يُورَثُ پیامبران از خود ارث نمی گذارند فدک را غصب کردند ما به استدال شخص حضرت زهرا در خطبه آتشین فدک به اش اکتفا می کنیم.

ای مسلمانان ایا ارثم ستانده می شود؟ ای پسر ابی قحافه: آیا در کتاب خدا نوشته شده که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟ به تحقیق افترا می

ص: ۹۸

۱- برهان ج ۲ ص ۴۱۵

۲- تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۸۷

بزرگ آورده ای آیا دانسته و از روی عمد کتاب خدا را رها کرده و پشت سر افکندید آنجا که می فرماید: وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ (۱) و سلیمان از داوود ارث برد. و نیز در آنجا که از خبر یحیی و ذکریا گزارش می دهد می فرماید: فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرْثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ (۲) از جانب خودت به من جانشینی ببخشای که از من و از آل یعقوب ارث ببرد پس آیا خدای متعال شما را به آیه ای مخصوص گردانیده است که پدرم را از آن خارج فرموده است یا می گوئید من و پدرم اهل دو دین می باشیم و از هم ارث نمی بریم؟ آیا من و پدرم پیر و یک دین نمی باشیم یا که شما خصوص و عموم قرآن را از پدرم و پسر عمومیم بهتر می دانید.... ابوبکر در پاسخ گفت خدا راست گفت و رسول خدا راست گفت و دخترش راست گفت تو معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمتی و پایه دین و حقیقت برهان و حجتی. سخن درست تو را رد نمی کنم و خطابه ات را ناپسند نمی شمرم این جماعت مسلمانان در میان من و تو حکم می باشند. زمامداری را اینان برگردن من افکندند و من به اتفاق کلمه ایشان آن را پذیرا شدم نه به زور و استبداد متوسل شدم و نه چیزی را به خود اختصاص دادم و هم اکنون آنان بر این مطلب شاهدند.

در پاورقی این قسمت از کتاب شرح خطبه فدک آمده: واضح است که مرادش از جماعت مسلمین همان چند نفر حزب و دارو دسته اوست که با نیرنگ و دغل خلافت را به یکدیگر تعارف کردند و آخر الامر با ابوبکر بیعت کردند و مخالفان را لگدکوب کردند چنانکه سعد بن عبادہ در زیر پاها لگد شد و فریاد برآورد که مرا کشتید عمر گفت بکشیدش که خدایش بکشد قیس پسر سعد برخاست و ریش عمر بگرفت و گفت ای پسر صهاک حبشیه که در روز جنگ ترسو و فرارکننده هستی و در روز امنیت در میان جماعت شیر می شوی اگر یک موی از پدرم کم شود یک دندان سالم در دهانت نمی گذارم. (۳)

ص: ۹۹

۱- نمل ۱۶

۲- مریم ۷۶

۳- شرح خطبه فدک ص ۵۲

حضرت زهرا علیها السلام در ادامه خطبه رو به مردم کرده فرمود ای جماعت که به سوی سخن باطل شتابانید و بر کار زشت زیانبار چشم پوشی می کنید آیا در قرآن تدبیر نمی کنید یا که بر دل ها قفل ها زده شده است (۱)

نه چنین نیست بلکه بر دل‌هایتان به رفتار زشتان زنگ گرفته است پس گوش و چشمتان بسته است و چه بد تاویل کردید به خدا قسم حملش را سنگین و عاقبتش را وخیم خواهید یافت آن روز که پرده کنار رود و آنچه پشت حجاب است نمایان گردد و برای شما از جانب خدا آنچه گمانش نداشتید آشکار گردد و در آنجا باطل جویان زیانمند گردند. (۲)

آنگاه حضرت زهرا علیها السلام رو به قبر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم کرد و اشعاری سرود که ترجمه اش چنین است:

همانا بعد از تو ای پدر خبرها شد و فتنه‌هایی رو نمود که اگر تو حاضر می بودی این چنین فتنه بزرگ نمی شد. تو را به تحقیق از دست دادیم آنچنان که زمین کشت بی باران شود و کار امت مختل گشت پس بنگرشان که از راه منحرف شدند و هر خویشاوندی نزد خدا نسبت به خویشاوندش قرب و منزلتی دارد و بر دورها تقدم دارد تنها خویشاوندی ما نسبت به پیامبر رعایت نمی شود مردانی زمزمه‌های ناهنجار و کینه‌های دلشان را آشکار نمودند زمانی که تو از دست رفتی و خاک گور بین ما و تو حایل گردید.

مردمی با چهره‌های کریه و عبوس با ما مواجه شدند و به ما اهانت شد آنگاه که تو برفتی و همه روی زمین از ما ربوده شد و تو ماه تابان و نور فروزانی بودی که از فروغت استفاده می شد و کتاب‌ها و نامه‌های آسمانی از سوی خدای عزیز بر تو نازل می گشت و جبرئیل امین با آیات الهی به ما انس می بخشید و اینک تو از دست شدی و همه خوبی‌ها پس پرده شد.

ای کاش که مرگ پیش از تو به ما می رسید آن زمان که تو درگذشتی و توده‌های

ص: ۱۰۰

۱- سوره محمد صلی الله علیه و آله وسلم ۲۴

۲- غافر ۷۸

خاک بین ما و تو حایل گشت همانا به مصیبتی ضربه خوردیم که هیچ غمزه از عرب و عجم مثل آن را ندید.

وَ كُنِ النَّائِرُ اللَّهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا:

خداوندا خوانخواه خون فرزندان حضرت زهرا علیها السلام باش.

اول منتقم خون فرزندان شهید فاطمه علیها السلام از محسن شهید تا امامان معصوم علیهم السلام و همه سادات و کسانی که از نسل او بودند خداوند تبارک و تعالی است و این انتقام باید به دست فرزند فاطمه علیها السلام حضرت بقیه الله امام عصر روحی له الفداء انجام گیرد و اگر کسی فکر کند امثال مختارها توانستند انتقام خون بعضی از شهدا از نسل زهرا علیها السلام را مثل حضرت سید الشهداء علیه السلام و شهدای کربلا بگیرند در اشتباه است چون منتقم حقیقی امام زمان علیه السلام است و لذا هر صبح جمعه در دعای ندبه عرض می کنیم. اَنْ يَّالطَّالِبِ بِدَمِ الْمُقْتَبُولِ بِكَرْبَلَا كَجَاسْتِ اَنْ اَقَائِي كَهْ اَنْتَقَامِ خُونِ كَشْتِهْ كَرْبَلَا رَا بِكَغِيرِد.

به آیه شریفه توجه کنید: وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَشْرَفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا(۱)

هر که به ستم کشته شود ولی وی را تسلطی داده ایم اما در کشتن زیاده روی نکنید که او نصرت یافته است.

ذیل آیه فوق به دو روایت از امام باقر و امام صادق علیه السلام که در واقع به تفسیر و تاویل آیه پرداخته اند توجه فرمایید:

سلام بن مستنیر از امام باقر علیه السلام در تفسیر کلام خدا وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا روایت نموده که فرمود:

هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَتَلَ مَظْلُومًا وَ نَحْنُ اَوْلِيَآوَهُ وَ الْقَائِمُ مِنَّا وَ اِذَا قَامَ مَا نَ طَلَبَ بِنَا اِ الْحُسَيْنِ(۲)

او حسین بن علی علیه السلام است که مظلومانه به شهادت رسید و ولی او مائیم و قائم

ص: ۱۰۱

ما و در هنگامه قیام قائم است که او مطالبه خون حضرت حسین علیه السلام را می نماید امام صادق علیه السلام میفرمود: ولی دم قائم آل محمد علیه السلام است که انتقام خون حسین علیه السلام را خواهد گرفت و اگر تمایل اهل زمین را بکشد اسراف در قتل نکرده است و اینکه خداوند می فرماید در کشتن زیاده روی نکنید یعنی به گونه ای نباشید که چیزی را ایجاد کنید و در آن اسراف کنید و آنگاه فرمود:

وَاللَّهُ ذَارِي قَتْلَهُ الْحُسَيْنِ بِفَعَالِ آبَائِهَا (۱)

قسم به پروردگار حضرت قائم علیه السلام فرزندان قاتلین حضرت حسین علیه السلام را می کشد زیرا که به عمل پدرانشان راضی هستند.

بیان دیگری را می توان در این خصوص ارائه داد که انتقام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فرهنگی و دینی است یعنی جاهلیت و جمودی که بنی امیه و مانند آنها به وجود آوردند و باعث شدند مردم در جهل مرکب بمانند و دست به ظلم و جنایت بزنند و امثال حسین بن علی علیه السلام که برای بیرون آوردن مردم از فقر آگاهی و بصیرت و گمراهی بود قیام کرد بکشند. امام زمان علیه السلام می آید و بساط ظلم و جهل را بر می چیند و عدالت را جهانی می کند و دین خدا را بر کل کره زمین حاکم می کند و به این صورت از خون مقدس سیدالشهداء و همه امامان معصوم و شهید انتقام می گیرد. البته در این بین اکثر عدالتخواهان عالم و مردم زجر کشیده که عمری دنبال دادرس و فریادرس بوده اند بدون خونریزی دعوت آن بزرگوار را استجابت م یکنند و اینجا مستکبرین و خودخواهان هستند که به دست امام عصر روحی له الفداء و سربازان حضرتش به قتل می رسند.

اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ الْأَنْثَمَةِ الْهُدَى وَ حَلِيلَةَ صَاحِبِ اللُّوَاءِ:

خدایا درود فرست بر حضرت زهرا علیها السلام همان طور که او را مادر امامان هدایت بشر و همسر صاحب لواء یعنی امیرالمومنین علی علیه السلام قرار دادی.

ص: ۱۰۲

صاحب لواء تنها کفو حضرت فاطمه علیها السلام بود و این عنوان برگرفته از کلام رسول خداست که در جنگ ها شخص امیرالمومنین علی علیه السلام صاحب لواء یعنی پرچمدار جبهه معرفی می کرد و می دانست تنها اوست که تا پای جان می ایستد و صف شکن است و هرگز پشت به دشمن نمی کند چنانکه در جنگ خیبر وقتی دیگران را فرستاد و ترسیدند و برگشتند فرمود:

لَيْسَتْ هَذِهِ الرَّايَةُ لِمَنْ حَمَلَهَا جَيْثُونِي بَعْلِي بْنِ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱) پرچم از اینان نبود علی را برایم بیاورید درباره کفویت بین حضرت زهرا و علی علیهما السلام امام صادق علیه السلام می فرمود:

لَوْلَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ امِيرَالمومنين لَمْ يَكُنْ لِفَاطِمَةَ كَفُو عَلِيٍّ وَجِهَ الْأَرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ (۲)

اگر خداوند تبارک و تعالی امیرالمومنین علی علیه السلام را خلق نمی کرد از حضرت آدم تا آخرین انسان روی زمین کسی همتا و کفو فاطمه علیها السلام نبود.

اصولا ازدواج حضرت زهرا با علی علیه السلام از جانب پروردگار تعیین شده بود و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیز مامور به اجرای آن بود به همین دلیل همه خواستگاران پاسخ رد شنیدند و به آنهایی که داوطلب ازدواج با حضرت فاطمه علیها السلام بودند از ناحیه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم جواب داده می شد که اَنْتَظِرُ اَمْرَ اللَّهِ فِيهَا درباره او منتظر فرمان خدایم.

و بالاخره انتظار سرآمد و پیامبر فرمود:

آتَانِي مَلِكٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ أَنِّي قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ ابْنَتَكَ مِنْ عَبِي بْنِ أَبِيطَالِبٍ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلَى فَزَوَّجْهَا مِنْهُ فِي الْأَرْضِ (۳)

فرشته ای به نزد من آمد و گفت ای محمد صلی الله علیه و آله وسلم خداوند تو را سلام می رساند و می گوید من دختری فاطمه را در آسمان ها به همسری علی بن ابیطالب درآوردم

ص: ۱۰۳

۱- ارشاد مفید ص ۵۷

۲- بحار ج ۴۳ ص ۱۰۷

۳- احقاق الحق ج ۶ ص ۶۱۶ و ۶۱۷

تو هم در زمین این کار را سرانجام بده.

در حدیث دیگر نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ اتَّخِذَكَ صِهْرًا (۱) ای علی خداوند مرا امر کرده که تو را به دامادی خود انتخاب کنم آن روزی هم که علی علیه السلام به خواستگاری حضرت زهرا علیها السلام آمد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از حضرت استقبال کرد و وقتی با دخترش در میان گذاشت فاطمه سر به زیر انداخت و چیزی نگفت ولی آثار ناراحتی در چهره اش مثل خواستگارهای قبلی دیده نمی شد که رسول الله از جا برخاست و فرمود: اللَّهُ أَكْبَرُ سَكَوتَهَا إِقْرَأْهَا اللَّهُ أَكْبَرُ سَكَوتِ فَاطِمَةَ نَشَانَهُ رِضَايَتِ وَ پذیرش اوست فَاتَاهُ جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ زَوِّجْهَا عَلِيَّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ رَضِيَ بِهَا لَهُ وَ رَضِيَ لَهَا (۲) جبرئیل نازل شد و گفت ای محمد فاطمه را به عقد علی بن ابیطالب در آور زیرا که خداوند به این ازدواج راضی است.

وَ الْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلِكِ الْأَعْلَى :

خدایا درود فرست بر کسی که در مراتب بالا و آسمان ها و عرش الهی دارای مقامی بس شریف و بزرگ است.

کریمه نزد ملاء اعلى را می توان در بعضی از روایات جستجو کرد به عنوان مثال در حدیث شریف کساء که خداوند به فرشتگانش مباحثات می کند از خلق خمسه طیبه و به ویژه در هنگام معرفی آنها که فاطمه علیها السلام را نقطه مرکزی قرار می دهد و میفرماید: هُمْ فَاطِمَةٌ وَ أَبْنَاهَا وَ بَغْلُهَا وَ بَنِيهَا این اجتماع تشکیل شده از فاطمه و پدر فاطمه و شوهر فاطمه و پسران فاطمه است. یا در هنگامی که حضرت زهرا علیها السلام به نماز و عبادت می ایستاد از ملاء اعلا چنین خطابی به فرشتگان داده می شد:

يَا مَلَائِكَتِي انْظُرُوا إِلَيَّ أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةٍ إِمَائِي قَائِمَةٌ بَيْنَ يَدَيَّ تَزَعِدُ فَرَايَضَهُمَا مِنْ خِيَفَتِي وَ قَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَيَّ عِبَادَتِي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ

ص: ۱۰۴

۱- احقاق الحق ج ۶ ص ۶۱۶ و ۶۱۷

۲- بحار ج ۴۳ ص ۹۳ و ۱۷۲

ای فرشتگان من بنده و کنیز مرا ببینید چطور در مقابل من به نماز ایستاده همان که سیده کنیزان من است. اعضای بدنش از خوف من می لرزد و غرق در عبادت است و ببینید چگونه دلش را به عبادت ما سپرده ای ملائکه گواه باشید که شیعیانش را از عذاب دوزخ در امان خواهم داد.

منزلت حضرت زهرا علیها السلام در پیشگاه پروردگار و نزد آسمانیان وصف ناکردنی است جایگاه و رتبه آن حضرت از زبان پدر بزرگوارش در صحنه قیامت بیش تر روشن می شود.

مثل آن است که دارم می بینم دخترم فاطمه را که به محض ورود به صحنه قیامت در هاله ای از نور قرار دارد. سمت راستش هفتاد هزار فرشته سمت چپش نیز هفتاد هزار فرشته و مقابلش نیز هفتاد هزار فرشته و پشت سرش هفتاد هزار فرشته او را همراهی می کنند او باعث می شود که زنان با ایمان امت به بهشت روند. بنابراین هر زنی که نمازهای پنج گانه اش را بخواند و روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و حج بیت الله الحرام را برود و زکات مالش را بدهد و اطاعت از شوهرش کند و علی علیه السلام را بعد از من سرپرست و مولای خود بداند به شفاعت دخترم فاطمه وارد بهشت خواهد شد. (۱)

آری فاطمه علیها السلام طبق فرمایش امام حسن عسکری علیه السلام الکریمه عِنْدَ الْمَلَأِ الْعَلِیِّ او کریمه ای است که به ملاء اعلی وصل است و لذا انعقاد نطفه اونیز از بهشت و عالم بالا نشأت گرفته است. چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بعد از بیانات مبسوطی درباره شب معراج و عالم بالا می فرماید:

ثُمَّ تَقْدَمْتُ أَمَامِي فَإِذَا أَنَا بِرُطَبِ الْأَيْنِ مِنَ الزُّيْدِ وَ أَطْيَبِ رَائِحَةٍ مِنَ الْمَسْكِ وَ أَجَلِّي مِنَ الْعَسَلِ فَأَخَذْتُ رُطْبَهُ فَاکَلْتُهَا فَتَحَوَّلَتْ الرُّطْبَةُ نُطْفَةً فِي صُلْبِي فَلَمَّا أَنَّ هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ

ص: ۱۰۵

فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَفَاطِمَةُ حَوْرَاءُ إِنْسِيَّةٌ (۱)

سپس در برابرم روبرو شدم به خرما و رطبی که ملایم تر از کف و از نظر بو معطر از مشک و از نظر طعم شیرین تر از عسل بود یک عدد از آن خرما برداشتم و خوردم و آن میوه بهشتی نطفه ای در صلبم شد. هنگامی که از آسمان به زمین آمدم پس از مواجهه با حضرت خدیجه علیها السلام وی به فاطمه علیها السلام حامله شد پس فاطمه حوریه ای انسی است.

در جای دیگر همان گرامی فرمود: أَنْ فَاطِمَةَ حَوْرِيَةٍ فِي صُورِهِ أَنْسِيَّةٌ (۲) فاطمه حوریه ای است در صورت انسان.

فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمِّهَا صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ:

پروردگارا پس درود بفرست بر فاطمه و بر مادر فاطمه حضرت خدیجه کبری علیها السلام درودی که گرامی بداری با آن خاطر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم را.

درودی که بر حضرت زهرا و مادر بزرگوارش حضرت خدیجه علیها السلام فرستاده می شود سبب خشنودی و گرامی داشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم خواهد شد زیرا که هر دو مورد علاقه شدید رسول الله بودند و حضرت برایشان احترام ویژه قایل بود.

جا دارد در اینجا مقداری از ویژگی های مادر حضرت زهرا همسر رسول خدا حضرت خدیجه گفتگو کنیم که شخصیت این بانوی بزرگ اسلام در بین مسلمانان مغفول مانده و کمتر از سجایای اخلاقی و عظمت روحی وی صحبت می شود.

نخست باید بدانیم که حضرت خدیجه علیها السلام جزو چهار بانوی نمونه تاریخ است و هیچ زنی در عالم به مرز عظمت این چهار بانو راه نیافته است.

از پیامبر روایت شده که اشْتَاقْتُ الْجَنَّةَ إِلَيَّ أَرْبَعٌ مِنَ النِّسَاءِ مَرِيَمَ بِنْتُ عِمْرَانَ

ص: ۱۰۶

۱- علل الشرایع ج ۱ ص ۱۸۳، تفسیر نورالثقلین ج ۳ ص ۱۱۸

۲- بحار ج ۴۳ ص ۷

وَ آسِيَه بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ خَدِيَجَه بِنْتُ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَه بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ (۱)

بهشت مشتاق چهار زن است مریم دختر عمران آسیه دختر مزاحم خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم.

وقتی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بیست و پنج ساله بود در تمام سرزمین حجاز به محمد امین شهرت یافت. خدیجه دختر خویلد که گروهی از خویشاوندان حضرت را برای تجارت به کار گمارده بود پیشنهاد کار و گرفتن مزد دو برابر نسبت به دیگران را به وی داد حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم که از وضع زندگی ابوطالب با خبر بود برای کمک و یاری عمومی مهربانش پیشنهاد خدیجه را پذیرفت. حضرت خدیجه علیها السلام چهل سال از عمرش می گذشت و دوبار شوهر کرده بود. ابوهاله و عنیق مخزونی شوهران فوت شده او بودند ولی از آنجا که ثروت فراوانی داشت خواستگاران زیادی داوطلب ازدواج با او بودند ولی جواب مثبت به هیچ کدام از آنها نمی داد.

خدیجه وقتی امانت راستگویی و جوانمردی خوش رفتاری و خوش کلامی را در حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم دید شیفته ازدواج با او شد و لذا کوشید تا وسایل کار را فراهم سازد.

یک روز به نفیسه که دوست و محرم رازش بود گفت آیا تو می توانی باب صحبت باز کنی و با محمد صلی الله علیه و آله وسلم در زمینه ازدواج با من سخن بگویی؟ نفیسه گفت آری می پذیرم نفیسه پیش آن حضرت رفت و گفت چرا ازدواج نمی کنی او جواب داد شرایط زندگی و امکانات من اجازه نمی دهد. نفیسه گفت اگر زنی باشد که از نظر عفت و پاکدامنی و مسایل مادی جامع و کامل باشد موافقت می کنی؟ فرمود بلی نفیسه گفت آن زن خدیجه است همان کسی که بارها برای او تجارت کرده ای. حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم هک اظهار رضایت از این پیشنهاد می کرد برای کسب اجازه و انجام مراسم خواستگاری عموهای خویش را در جریان گفت و گوهایش با

ص: ۱۰۷

نقیسه گذاشت و سرانجام در مجمعی که اقوام خدیجه و ابوطالب و دیگر بزرگان قریش حاضر بودند مراسم ازدواج انجام گرفت. (۱)

حضرت خدیجه علیها السلام اولین بانویی است که به اسلام مشرف شده و تمام ثروت خود را جهت تبلیغ و اعتلای اسلام عزیز در اختیار شوهر بزرگوارش قرار داده و هماره یار و مددکار رسول خدا در سختی ها و شداید روزگار بوده است.

در آن سه سالی که پیامبر همراه با مسلمین در شعب ابی طالب در تبعید بسر می بردند یک روز حکیم بن حزام بن خویلد مقداری خوراکی برای عمه اش خدیجه با شتری به وسیله غلام خود فرستاد در بین راه ابوجهل با او برخورد کرد مهار شتر را گرفته گفت تو از پیمان سرپیچی کردی اینک تو را در انجمن قریش می برم و رسوایت می کنم. برادر ابوجهل ابوالبختری گفت دست از این مرد بردار مقداری خوردنی از عمه اش پیش او بوده می خواهد برایش بفرستد. (۲)

یکی از افتخارات بزرگ حضرت خدیجه علیه السلام این است که خداوند او را به عنوان حامل بانوی عظمای دو جهان حضرت زهرا علیها السلام برگزید و آن قدر والا مقام بود که توانست حق مادری را نسبت به حضرت زهرا علیها السلام ادا نماید.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در ابطح نشسته بود جبرئیل نازل شد و عرض کرد یا محمد خداوند بزرگ بر تو سلام می رساند و می فرماید چهل شبانه روز از خدیجه کناره گیری کن و به عادت و تهجد مشغول باش پیامبر اکرم براساس دستور خداوند تبارک و تعالی چهل روز به خانه خدیجه نرفت و در آن مدت شب ها به نماز و عبادت می پرداخت و روزها روزه دار بود چون چهل روز بدین منوال سپری شد جبرئیل فرود آمد و غذایی از بهشت آورد و عرض کرد یا محمد خداوند بزرگ بر تو سلام می رساند و فرمان می دهد که از این غذاهای بهشتی تناول کن.

رسول خدا با آن غذاهای روحانی و هدایای بهشتی افطار کرد هنگامی که

ص: ۱۰۸

۱- بحار ج ۱۶ ص ۷۳

۲- ناسخ التواریخ ج ۳ ص ۴۹۳

برخواست تا آماده نماز و عبادت شود جبرئیل نازل شد و عرض کرد ای رسول خدا امشب از نماز مستحبی بگذر و به سوی خانه خدیجه حرکت کن زیرا خداوند اراده نموده که از صلب تو فرزند پاکیزه ای بیافریند. از آن شب که نور فاطمه علیها السلام در صلب پدر به رحم مادر منتقل شد حضرت خدیجه کم کم آثار بارداری را در خویش احساس می کرد و آن بانوی گرامی و فداکار تا حدی از غم و غصه تنهایی بیرون آمد. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرماید یک بار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم وارد بر خانه شد عایشه مشغول گفت و گو با حضرت زهرا علیه السلام بود و عایشه می گفت ای دختر خدیجه چیزی که برتری خدیجه را بر ما داده باشد در مادرت سراغ ندارم و او کدام فضیلت را بر ما دارد؟ او هم مثل ماست پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گفتگوی آنها را و سخنان عایشه را شنید و دید فاطمه اش گریه می کند فرمود ای دختر محمد چه چیز باعث گریه ات شده؟ عرض کرد عایشه نام مادرم خدیجه را برد و منزلت او را پایین آورد پس من اشک ریختم

فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ مَهْ يَا حَمِيرًا فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَارَكَ فِي الْوَدُو دَالْوُلُودِ وَإِنْ خَدِيجَةُ رَحِمَهَا اللَّهُ وَلِدَتْ مِنِّي طَاهِرًا وَهُوَ عَبْدُ اللَّهِ وَهُوَ الْمُطَهَّرُ وَلَعَدَتْ مِنِّي الْقَاسِمَ وَفَاطِمَةَ رَرِيقِهِ وَأُمُّ كَلْثُومَ وَزَيْنَبُ وَأَنْتَ مِمَّنْ أَعْقَمَ اللَّهُ رَحِمَهُ فَلَمْ تَلِدِي شَيْئًا (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خشمناک شد و سپس فرمود ساکت ای حمیرا به درستی که خداوند تبارک و تعالی برکت را در بانوی پر فرزند قرار داده است.

همانا خدیجه که خدایش رحمتش کند از من فرزندانی پاکیزه و عبد خدا و مطهر به دنیا آورد خدیجه از من صاحب فرزندانی چون قاسم و فاطمه و رقیه و ام کلثوم و زینب شد. اما تو کسی هستی که خدا عقیقت کرده و از من هیچ فرزندی به دنیا نیاورده ای.

ص: ۱۰۹

۱- بحار ج ۱۶ ص ۸۰

۲- بحار ج ۱۶ ص ۳

در روایتی دیگر همان بزرگوار می فرماید هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام از دنیا رفت حضرت زهرا علیها السلام اطراف رسول خدا می گردید و عرض می کرد:

يَا أَبَهَ أَيْنَ أُمِّي قَالَتْ فَتَزَلْ جَبْرِئِلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَبُّكَ يَا مَرْكَ أَنْ تَقْرَأَ فَاطِمَةُ السَّلَامُ وَتَقُولَ لَهَا إِنَّ امْكُ فِي بَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ كَعَابِهِ مِنْ ذَهَبٍ وَعُمِيدُهُ يَا قُوَّةَ أَحْمَرَ بَيْنَ آسِيهِ وَ مَرْيَمَ بِنْتُ عِمْرَانَ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ (۱)

پدر جان مادرم کجاست؟ امام صادق علیه السلام فرمود در این حال جبرئیل نازل شد و به پیامبر گفت پروردگارت به تو امر می کند که به فاطمه سلام برسانی و به وی بگویی همانا مادرت در خانه ای زرین و پوشیده از یاقوت سرخ بین آسیه و مریم دختران عمران است در این لحظه حضرت زهرا علیها السلام فرمود خدا سلام است و از او سلام است و به سوی او سلام است.

و تُقَرُّ بِهَا أَعْيُنُ ذُرِّيَّتِهَا وَ أَيْلُغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ :

خداوندا چنان درودی بر حضرت زهرا فرست که باعث روشنائی دیدگان ذریه اش شود و به همه فرزندان آن بزرگوار از جانب من در این ساعت بالاترین تحیت و سلام را ابلاغ فرما. همه خوب می دانیم که حضرت فاطمه علیها السلام چه اندازه مورد احترام و محبت ذیره اش بوده است تا آنجا که در مواقع حساس و گرفتاری ها متوسل به مادر می شدند و از روح بلند فاطمه علیها السلام در پیشگاه پروردگار استمداد می طلبیدند.

چرا که خانه فاطمه دارالمقامه است همه خوبان عالم و دوستان اهل بیت عصمت و طهارت برای نجات و رهایی باید متمسک به زهرا ی مرضیه شوند.

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ

ص: ۱۱۰

و می گویند حمد خدای را که از ما غم و اندوه را برطرف ساخت زیرا که پروردگار ما بخشنده و سپاسگزار است همان خدایی که به فضل خویش ما را در این خانه جاودانه جای داد که در آن رنجی و خستگی و ضعف به سراغ ما نمی آید.

اباذر غفاری می گوید یک روز سلمان و بلال بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم وارد شدند ناگهان سلمان خود را روی قدم های پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم انداخت و شروع کرد به بوسیدن پیامبر از این کار ناراحت شد و فرمود ای سلمان رفتاری که عجم ها با پادشاهانشان دارند با من انجام نده من بنده ای از بندگان خدایم مثل یک عبد غذا می خورم و مثل یک عبد می نشینم.

در این بین سلمان عرض کرد ای مولای من تو را به خدا سوگند می دهم اخباری از فضایل حضرت فاطمه علیها السلام در روز قیامت برایمان بیان بفرماید.

در این لحظه پیامبر با استقبال از این سوال در حالی شادمان شده بود فرمود به آن خدایی که جانم در اختیار اوست دخترم فاطمه در حالی وارد صحنه قیامت می شود که جبرئیل سمت راست او و میکائیل سمت چپ اوست و علی علیه السلام جلوی او و حسن و حسین پشت سر او در حرکتند در این لحظه ندایی از جانب پروردگار متعال بلند می شود.

مَعَاشِرَ الْخَلَائِقِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَ نَكْسُوا رُءُوسَكُمْ هَذِهِ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ زَوْجَهُ عَلِيٌّ أَمَامَكُمْ أُمُّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهَا السَّلَامُ

ای همه مردم چشمان خود را ببندید و سرهای خود را پایین اندازید این فاطمه علیها السلام دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و همسر علی علیه السلام امام شما و مادر حسن و حسین علیها السلام که وارد می شود.

اباذر می گوید پیامبر در ادامه فرمایشاتشان فرمودند حضرت زهرا از پل صراط

ص: ۱۱۱

عبور می کند و وارد بهشت می شود و من نظر کردم به آنچه را که خداوند از کرامت برای فاطمه ام مقرر فرموده است سپس آیات ۳۴ و ۳۵ سوره فاطر را قرائت فرمود و بعد فرمود خداوند به حضرت زهرا وحی می کند یا فاطمه سَلِّیْنِیْ اَعْطَکَ وَ تَمَنِّیْ اَرْضَکَ ای فاطمه از من بخواه تا عطایت کنم و از من تمنا کن تا راضیت نمایم فاطمه علیها السلام عرض می کند خدایا او مرکز منت و برتر از آنی اسالک اَنْ لَا تُعَذِّبَ مُجِبِّیْ وَ مُجِبِّیْ عِثْرَتِیْ بِالنَّارِ از تو می خواهم که دوستانم و دوستان عترتم را به آتش عذاب نکنی خطاب می رسد ای فاطمه به عرت و جلالم سوگند من قبل از خلقت آسمان ها و زمین با خود عهد کردم که لَا أُعَذِّبُ مُحِبِّیْکَ وَ مُجِبِّیْ عِثْرَتِکَ بِالنَّارِ دوستانت و دوستان عترت را عذاب نکنم و به آتش نسوزانم. (۱)

ص: ۱۱۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنَيْ رَسُولِكَ وَسِبْطِي الرَّحْمَةِ وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَوَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عَشْتِ مَظْلُومًا وَمَضِيَّتَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ قَتِيلِ الْكُفَرَةِ وَطَرِيحِ الْفَجَرَةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ مُوقِنًا أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَمَضِيَّتَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى الطَّالِبُ بِثَارِكَ وَمُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّأْيِيدِ

فِي هَلَاكِ عِبْدُوكَ وَإِظْهَارِ دَعْوَتِكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَّيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَيَّدْتَ اللَّهُ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ
الْيَقِينُ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلْتِكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ خَذَلْتِكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ أَلْبَثْتَ عَلَيْكَ وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِمَّنْ أَكْذَبَكَ وَاسْتَخَفَّ
بِحَقِّكَ وَاسْتَحَلَّ دَمِيكَ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَيُّهَا عِبْدُ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ خَاذِلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَأَعْيَنَكَ فَلَمْ
يُجِبْكَ وَلَمْ يَنْصُرْكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَى نِسَاءَكَ أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَمِمَّنْ وَالَاهُمْ وَمَالَاهُمْ وَأَعَانَهُمْ عَلَيْهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأَيْمَةُ
مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَبَابُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ
وَلَكُمْ تَابِعٌ بِذَاتِ نَفْسِي وَشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَمُنْقَلَبِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَ وَلِيِّكَ :

خدایا بر حسن و حسین دو بنده ات و ولیت درود فرست

چیزی که همین ابتدای امر جلب توجه می کند سیره ائمه طاهرین و رسول خدا علیهم السلام است. که همواره دو امام معصوم حسن بن علی و حسین بن علی علیهما السلام را کنار هم نام میبرند و از فضائلشان سخن می گویند و ما این روش را در موارد زیادی سراغ داریم که چه از ناحیه رسول خدا یا امیرالمومنین و حضرت زهرا علیها السلام رعایت شده و حتما حکمت آن رفع شبه ای است که از صدر اسلام در اذهان بوده که امام حسن علیه السلام در رتبه ای نازل تر از امام حسین علیه السلام است و متأسفانه حتی دوستان اهل بیت نسبت به امام مجتبی علیه السلام دیدگاهی برخلاف دیدگاه جد و پدر و مادر و ائمه طاهرین علیهم السلام دارند و به یک طریقی حق امام حسن را در امر امامت ادا نمی کنند و در مقام قضاوت اهل قصورند.

در حالی که پدر بزرگوارشان علی علیه السلام فرمود: ابْنَايَ هَٰذَا إِمَامَانِ قَامَا أَوْ قَعَدَا (۱) این دو فرزند من امام هستند چه برخیزند و قیام کنند و چه بنشینند و سکوت اختیار نمایند. و یا فرمود

أَنْتُمَا إِمَامَانِ بَعْدِي وَ سَيَدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ الْمَعْصُومَانِ

ص: ۱۱۵

شما هر دو امامان بعد از من هستید و دو جوانان اهل بهشتید و دو معصوم می باشید خداوند هر دوی شما را حفظ کند و خداوند دشمنانتان را لعنت کند. بعضی فکر می کنند صلح امام حسن علیه السلام نوعی محافظه کاری بوده در حالی که امام مجتبی علیه السلام به فریاد اسلام و پیروان بر حق اسلام رسید و با پذیرش صلحنامه ای که خود شرایطش را تنظیم فرموده بود تمام نقشه های امثال معاویه را که قصد دفن اسلام و احکام آن را داشتند نقش بر آب کرد و مقدمه قیام برادر خود حضرت حسین علیه السلام را فراهم آورد.

امام حسین علیه السلام اولاً در ده سال امامت برادرش امام حسن علیه السلام با تمام وجود تابع فرمان ها و دستورات برادر بود و کوچکترین مخالفتی و اظهار نظری در برابر امام قبل از خود نمی کرد و ثانیاً در موقعیتی قرار گرفت که اگر دز مان معاویه به ظاهر احکام اسلام عمل می شد و معاویه روحیه محافظه کارانه ای داشت و نمی خواست به این زودی فاتحه اسلام را بخواند اگر چه قصدش همین بود اما یزید فرزندش واقعا مصمم بود که ریشه اسلام را بکند و همه مقدسات را به باد مسخره گرفته بود و می گفت:

لَعَبْتُ هَاشِمَ بِالْمَلِكِ فَلَا خَبْرَ جَاءَ وَلَا وَحْيَ نَزَلَ بَنِي هَاشِمٍ مَا رَأَى بِهَ بَازِيَّ گرفتند تا بر ما حکومت کنند والا نه خبری آمده و نه وحی نازل شده است.

بر همین اساس امام حسین علیه السلام فرمود: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ عَلَيَّ الْإِسْلَامُ وَ السَّلَامُ إِذَا ثَلِيَتْ الْأُمَّةُ بِرَأْعٍ مِثْلِ يَزِيدَ (۲)

انا لله و انا اليه راجعون اگر بنا شود افرادی چون یزید بر مسند حکومت اسلامی بنشینند باید فاتحه اسلام را خواند.

نتیجه آنکه هیچ فرقی بین این دو امام علیها السلام در انجام ماموریتشان وجود ندارد و لذا امام حسن عسکری علیه السلام در آغاز اسلام بر آن دو عرض می کند که پروردگارا بر

حسن و حسین دو بنده ات و ولایت درود فرست.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرماید بین امام حسن و امام حسین علیهما السلام زور آزمایی انجام می گرفت پیامبر می فرمود بارک الله حسنم حضرت زهرا علیها السلام عرض کرد یا رسول الله بزرگتر را بر کوچکتر برگزیدی؟ پیامبر فرمود جبرئیل می گفت بارک الله حسین من هم می گفتم بارک الله حسن. (۱)

امام رضا علیه السلام از پدرانش نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

الْوَلَدِ رِيحَانِهِ وَ رِيحَانَتَايَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ (۲)

فرزند ریحانه است و دو ریحانه من حسن و حسین علیهما السلام هستند.

دو راوی نقل می کنند که رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ وَاضِعًا الْحَسَنَ عَلَيَّ عَاتِقِهِ وَقَالَ مَنْ أَحَبَّنِي فَلْيُحِبَّهُ دِیدم رسول خدا را در حالی که حسن علیه السلام را بر دوش داشت و می فرمود هر که مرا دوست دارد پس این حسن مرا نیز دوست بدارد. رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ حَامِلُ الْحُسَيْنِ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ خدایا من حسین را دوست دارم پس تو نیز او را دوست بدار. (۳)

اباذر غفاری می گفت أَمَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ بِحُبِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَأَحَبَّتُهُمَا وَ أَنَا أُحِبُّ مَنْ يُحِبُّهُمَا لِحُبِّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ إِيَّاهُمَا (۴)

رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم مرا امر به دوستی حسن و حسین علیهما السلام فرمود پس آن دو را دوست دارم و هر که هم آن دو را دوست بدارد دوست دارم به خاطر آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آن دو را دوست می داشت.

در این زمینه روایات فراوانی موجود است که همگی دلالت دارند بر یکسانی محبت و ارادت به امام حسن و امام حسین علیهما السلام پی هیچ گونه تفاوتی از نظر رتبه و مقام والایی بین این دو امام همام وجود ندارد و آن هایی که در گفتار و نوشتار و در مقام قضاوت حق امام حسن که برادر بزرگتر است نادیده می گیرند از مسیر خدا و

ص: ۱۱۷

۱- بحار ج ۴۳ ص ۲۶۳

۲- همان ۲۶۴

۳- هر دو روایت بحار ج ۴۳ ص ۲۶۶ و ۲۶۴.

۴- همان ۲۶۹

رسول و اهل بیت گرامش فاصله گرفته اند و درک و معرفتشان به منزلت امام مجتبی علیه السلام پایین است.

وَ ابْنِی رَسُولِکَ وَ سِبْطِی الرَّحْمَہِ وَ سَيِّدِی شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَیْ أَحَدٍ مِنْ اَوْلَادِ النَّبِیِّیْنَ وَ الْمُؤَسَّلِیْنَ :

خدایا بر دو پسر رسولت و دو نوه پیامبر رحمت و بر دو آقایان جوانان بهشت درود فرست درودی که برتر باشد از درودی که بر همه فرزندان پیامبران و مرسلین فرستادی.

چیزی که برای هیچ یک از فرقه های اسلامی و حتی آنهایی که مبارزات و مخالفت های خود را بر علیه فرزندان پیامبر علنی کردند و تا مرز کشتن و به شهادت رساندن آن بزرگواران پیش رفتند پوشیده نیست این است که امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو جگر گوشه و پاره تن و میوه دل رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بودند و همان طور که روایات را مرور کردیم مورد علاقه شدید پیامبر خدا سوال اینجاست پس چه باعث شد که این مردمی که ادعای اسلامیت داشتند ارج و قرب این عزیزان را نسبت به پیامبرشان نادیده گرفتند و هر کاری از ظلم و ستم و حق کشی بود درباره ایشان به اجرا درآورند؟

البته با مراجعه به تاریخ و اتفاقاتی که در عصر خودمان نیز می افتد به راحتی می توان پاسخ را دریافت کرد.

یک عامل که بسیار تاثیر گذار بوده و هست استفاده از لقمه حرام است که گام به گام سبب عقب ماندگی انسان از درک صحیح از تکلیف و وظیفه می شود و کار را به جایی می رساند که تمام فلز وجود انسان و سلول های خونی و استخوانی و گوشتی انسان از حرام روییده و رشد می کند عاقبت همین انسانی که یک روزی مسلمان درست و حسابی بوده دشمن اهل بیت از آب در می آید تا جایی که حاضر می شود خون پسر پیامبر را بریزد و برای کرده خود طلب جایزه کند و به طور کلی خدا و قیامت را فراموش نماید.

با گذر به واقعه عاشورا از خود می پرسیم به راستی قاتلان امام حسین علیه السلام که بزرگترین جنایت تاریخ را مرتکب شدند چگونه مسلمانانی بودند؟ یا آنهایی که زمینه کشتن امام حسن علیه السلام را فراهم آوردند و با عامل نفوذی خودشان همانند جعده دختر اشعث چرا امام مجتبی علیه السلام را مسموم کردند به یک نتیجه می رسیم که کشتن ولی خدا در اثر حرامخواری انجام گرفت در مورد قاتلان امام حسن علیه السلام کیسه های طلائی معاویه کارساز شد و درباره قاتلان امام حسین علیه السلام پر شدن شکم های یاران یزید از حرام.

امام حسین علیه السلام برای کوفیان یعنی همان هایی که حضرت را بر زعامت بر خود دعوت کرده بودند خطبه می خواند اما آنها سر و صدا می کردند و هلهله سر می دادند و حاضر نبودند تا به کلام امام حسین علیه السلام گوش فرا دهند تا اینکه ولی خدا به آنها فرمود: **وَلَيْكُم مَّا عَلَيْكُم أَنَّ تُنَصِّتُوا إِلَىٰ فِتْنَتِمْ قَوْلِي وَآيَ بَرِّ شَمِّ چَرا ساکت نمی شوید تا حرفم را بشنوید؟ فَقَدْ مُلِئْتُ بِطُونِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ** (۱) خود حضرت علیت را بیان فرمود علت آن است که به تحقیق شکم های شما از حرام پر شده است. اگر کسی بگوید دشمنان امام حسن و امام حسین علیهما السلام هم نماز می خواندند و اهل عبادت بودند باز عرض می کنیم لقمه حرام اثرات معنوی عبادت را هم خنثی می کند و هدفی که بر نماز مترتب است که ممانعت از فحشاء و منکرات به دست نمی آید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: **مَنْ أَكَلَ لَقْمَهُ حَرَامٍ لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً** کسی که لقمه اش حرام است تا چهل روز از او قبول نمی شود و آن را از ارزش می اندازد. **وَلَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوُهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا** تا چهل روز دعایش مستجاب نمی شود و **كُلَّ لَحْمٍ يُبْنَىٰ الْحَرَامُ فَالنَّارُ أُولَىٰ بِهِ** بر گوشت بدنی که از حرام رشد کند به آتش جهنم سزاوارتر است. (۲)

ص: ۱۱۹

۱- بحار ج ۴۵ ص ۸

۲- الدعوات ص ۲۵

در بیانی دیگر حضرت فرمود:

إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱)

هر لقمه ای حرام در شکم بنده ای از بندگان خدا قرار گیرد تمام فرشتگان زمین و آسمان او را لعنت می کنند.

و از همه داغدارتر این است که امیرالمومنین در وصیت خود به امام حسن علیه السلام می فرمود به خدا سوگند به خدا سوگند به خدا سوگند کسی که ذره ای مال حرام بخورد در قیامت از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دور می افتد و از حوض کوثر نمی نوشد و مشمول شفاعت آن حضرت نمی گردد. (۲)

امام حسن عسگری علیه السلام در هنگام درود به امام حسن و امام حسین علیهما السلام سه ویژگی از آن بزرگواران بیان کرد. ۱- پسر پیامبر بودن ۲- نوه های رحمه العالمین بودن و ۳- دو آقای جوانان بهشت. سخن اینجاست آیا آنان که اقدام به ظلم و کشتن این دو امام عزیز کردند نمی دانستند که رسول خدا در عمل و گفتار این حقایق را بیان کرده بود قطعاً شنیده بودند ولی همان عامل حرامخواری آنها را بدان جا سوق داد که تا مرز کشتار آن پاره های تن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم اقدام نمایند.

أَفْضَلَ مَا صِلَّيْتُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ خَدَايَا درودی که برتر باشد از درودی که بر همه فرزندان پیامبران و مرسلین فرستادی.

در بین همه پیامبران و مرسلین و حتی پیامبران اولوالعزم آیا فرزندانانی همانند فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم دو سبط اکبر و اصغر آن حضرت کسی سراغ دارد؟

دو فرزندی که نورین و نیرین و سیدی شباب اهل الجنة باشند و طبق فرمایش امیرالمومنین علیه السلام در روایتی که گذشت امامان و معصومان باشند. این فقط در انحصار بچه های فاطمه و علی علیهما السلام و نوه های رسول گرامی اسلام است.

عبدالله بن مسعود می گوید: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ مَنْ كَانَ يَحِبُّ

ص: ۱۲۰

۱- عده الداعی ص ۱۵۲

۲- ثواب الاعمال ص ۲۸۴

فَلْيُحِبِّ ابْنِي هَذَا فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِحُبِّهِمَا (۱)

از رسول خدا شنیدم که فرمود هر کس می خواهد مرا دوست داشته باشد این دو فرزند مرا دوست بدارد چرا که خداوند مرا امر به محبت به آنها فرموده است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَ وَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ:

خدایا بر حسن فرزند آقای همه انبیاء و وصی امیرالمومنین درود فرست.

از اینجا به بعد صلوات اختصاصی می شود و امام حسن عسکری علیه السلام به طور ویژه ابتدا به درود به امام حسن علیه السلام و خصائص آن حضرت می پردازد و به بعد به طور مستقل درباره حضرت سیدالشهداء و درود بر آن حضرت سخن می گوید.

اینکه امام حسن علیه السلام فرزند برترین پیامبران است هیچ فرقه ای تردید ندارد و قابل قبول همه صاحبان ادیان است البته آن هایی پیروان راستین عیسی و موسی و انبیاء سلف بوده اند. پرونده رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و برتری اش را بر سایر انبیاء را از زبان خودش مرور کنیم:

من شبیه ترین مردم به آدم هستم و ابراهیم در قیافه و اخلاق شبیه ترین مردم به من بود. خداوند از فراز عرض خود ده نام روی من گذاشت و اوصاف مرا بیان کرد و از زبان هر پیامبری که به سوی قومش فرستاد بشارت آمدن مرا داد و نام مرا در تورات آورد و معرفی کرد و نامم را در میان پیروان تورات و انجیل معرفی کرد و کتاب خود را به من آموخت و در آسمان خود بلند مرتبه ام گردانید و از اسماء خود برایم نامی برگزید. مرا محمد نامید و او نامش محمود است... در انجیل مرا احمد نامید. پس من در آسمان محمود و ستوده ام و امت مرا حمدکنندگان قرار داد مرا رسول رحمت نامید و فرمود ای محمد صلی الله علیک من هر پیامبری را به زبان امتش سوی آنها فرستادم اما تو را به سوی همه خلق خود از سفید و سیاه فرستادم و به واسطه رعب و وحشت یاریت کردم که احدی را با این وسیله یاری نکردم...

ص: ۱۲۱

هیچ فردی از امت تو مرا یاد نکند مگر این که در کنار نام من از تو نیز نام برد. پس خوشا به حال تو و امت تو ای محمد(۱)

امام مجتبی علیه السلام فرزند چنین پیامبری است که اوصافش را خداوند متعال بر شمرد و او نیز وصی پدرش امیرالمومنین علی علیه السلام و امام بعد از اوست.

امام باقر علیه السلام میفرمود:

أَنْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ لَمَّا خَضَرَهُ الَّذِي خَضَرَهُ قَالَ لِإِثْنَيْهِ الْحَسَنِ أَذِنَ مِنِّي أَسْرَ إِلَيْكَ مَا أَسْرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَيَّ وَاتَّمَنَكَ عَلَيَّ مَا اتَّمَنَنِي عَلَيْهِ فَفَعَلَ (۲)

چون وفات امیرالمومنین صلوات الله علیه فرا رسید به فرزندش حسن فرمود نزدیک بیا تا رازی را که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم به من گفت به تو بگویم و آنچه را به من امانت سپرد به تو بسپارم سپس این کار را کرد.

سُلَيْمِ بْنِ قَيْسٍ شَهِدْتُ وَصِيَّتُهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حِينَ أَوْصَى إِلَى ابْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَشْهَدُ عَلَيَّ وَصِيَّتِهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مُحَمَّدًا وَ جَمِيعَ وَلَدِهِ وَ رُوسَاءِ شِيعَتِهِ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ ثُمَّ دَفَعَ إِلَيْهِ الْكِتَابَ وَ السَّلَاحَ (۳)

سلیم بن قیس می گوید زمانی که امیرالمومنین علیه السلام به فرزند خود حسن عیبه السلام وصیت می کرد من حاضر بودم او حسین علیه السلام و محمد بن حنفیه و همه فرزندان و سران پیروان خود و خانواده خویش را بر وصیتش گواه گرفت آنگاه کتاب و سلاح را به او تحویل داد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ:

درود بر تو ای پسر رسول خدا و درود بر تو ای فرزند آقای اوصیاء

همه انبیاء بعد از خود وصی و جانشین داشتند ولی هیچ کدام وصی به منزلت و آقایی امام امیرالمومنین علی علیه السلام نداشتند. علی علیه السلام افضل بر اوصیاء همه انبیاء و افضل اوصیاء بعد از خود که فرزندان معصومش باشند نیز هست.

ص: ۱۲۲

۱- علل الشرایع ص ۱۲۷

۲- کافی ج ۱ ص ۲۹۸ و ۲۹۷

۳- کافی ج ۱ ص ۲۹۸ و ۲۹۷

او تنها وصیی است که باب علم النبی است و وارث علوم آن حضرت است. (۱)

او تنها وصیی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برادرش خوانده و فرموده: أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۲)

او تنها وصیی است که رسول خدا درباره اش فرمود: أَنَّ عَلِيًّا لَحْمُهُ مِنْ لَحْمِي وَدَمُهُ مِنْ دَمِي (۳) همانا گوشت علی از گوشت من است و خون او از خون من است.

و نیز فرمود: إِنْ وَصِيَّ وَ مَوْضِعُ سِرِّي وَ خَيْرٌ مَنْ أترك بَعْدِي وَ يُنْجِزُ عِدَّتِي وَ يَقْضِي دِينِي عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ (۴)

همانا وصی من و رازدار من و بهترین بازماندگانم و کسی که وعده ام را به کار می بندد و دینم را ادا می کند علی بن ابی طالب است و نیز فرمود: أَنَّ لِكُلِّ نَبِيٍّ وَصِيًّا وَ وَارِثًا وَ أَنَّ عَلِيًّا وَصِيٌّ وَ وَارِثِي هَر پيامبر وصی و وارثی دارد و علی وصی و وارث من است عرض ما این است که طبق فرمایش امام حسن عسکری علیه السلام سلام بر امام مجتبی علیه السلام که فرزند آقای اوصیاء یعنی امیرالمومنین علی علیه السلام است

أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ:

ای امام حسن علیه السلام شهادت می دهم که تو فرزند امیرالمومنین و امین خدایی و فرزند امین خدایی اول امین خدا شخص محمد صلی الله علیه و آله وسلم بود که حتی مردم کافر و مشرک او را به عنوان محمد امین می شناختند و این لقب را با کمال افتخار به او دادند. از مردم که بگذریم رسول خدا بهترین امانتدار خدا بود و رسالتش را با دقت انجام داد و کلمه و بلکه حرفی را از سخنان پروردگار و حکمی از احکام الهی را کم و زیاد نکرد و هر آنچه را که خداوند به او دستور داده بود به اجرا در آورد.

بعد از پيامبر صلی الله علیه و آله وسلم امین الله وجود مقدس مولا- امیرالمومنین است و بعد هم فرزندان معصوم او که در عبادت فوق امام حسن عسکری علیه السلام این بود شهادت می دهد به اینکه امام مجتبی علیه السلام تو فرزند امیرالمومنین هستی و امین الله و فرزند

ص: ۱۲۳

۱- ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۹۷

۲- تاریخ دمشق ج ۱ ص ۱۲۹

۳- کنز العمال ۳۲۸۸ و ۳۶۴۱۹

۴- همان

مرحوم محدث قمی در بخش زیارت مطلقه امیرالمومنین علی علیه السلام زیارت معتبر و معروفی را به نام زیارت امین الله آورده که خود می گوید در نهایت اعتبار است و در تمام کتاب های زیارات و چند مصباح نقل شده است و بعد می گوید علامه مجلسی رحمه الله علیه فرموده که آن بهترین زیارت است از جهت متن و سند و باید که در جمیع روضات مقدسه بر آن مواظبت نمایند.

بعد مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمه الله علیه می نویسد کیفیت آن چنان است که بسندهای معتبر روایت شده از جابر از امام باقر علیه السلام که امام زین العابدین علیه السلام به زیارت امیرالمومنین علیه السلام آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست و گفت

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ تا آخر زیارت.

زیارت امین الله نسبت به سایر زیارات وارده در مشاهد مشرفه و کنار قبور ائمه طاهرين عليهم السلام کوتاه است اما از مضامین بسیار بلندی برخوردار است و لذا توصیه حقیر همیشه از دوران جوانی و اوان طلبگی در هنگام خداحافظی دوستان و فامیل برای تشرف به کنار مزار یکی از معصومین عليهم السلام به زیارت امین الله بوده چرا که مطمئن هستم توصیه شاق و سختی نیست اضافه بر اینکه زیارت بسیار مجرب و دلچسبی است.

البته حقیر ناقابل خود نیز در تمام تشرف هایم یک زیارت امین الله می خوانم جدای از همه موارد و نیت می کنم این زیارت را می خوانم به نیابت همه کسانی که تاکنون سفارش امین الله را به آنها کرده ام یکبار بالای سر مقدس و ضریح مطهر امام رضا علیه السلام با همان نیت امنی الله می خواندم که ناگاه دیدم دستی بر دوشم گذاشته شد و دوستی گفت شما مشرف هستید من الان داشتم پایین پای حضرت به نیابت از شما امین الله می خواندم.

اینها را عرض کردم که ذوق و شوق خوانندگان گرامی را به تقید خواندن زیارت امین الله در مشاهده مشرفه بیشتر کنم به این امید که همه ما مشمول دعای خیر

امین خدا امیرالمومنین و فرزندان امینش علیهم السلام قرار گیریم.

در زیارت جامعه کبیره خطاب به همه ائمه طاهرین علیهم السلام عرض می کنیم:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّوْبَةِ..... وَ أَتُوبُ إِلَى الْإِيْمَانِ وَ أُمْنَاءَ الرَّحْمَانِ (۱) درود بر شما ای اهل بیت پیامبر..... که درهای ایمان امینان خدای رحمان هستید.

تنها جایی که می توان بدون هیچ دغدغه اعتقادی و خطا اصول اسلام و فروع دین را دریافت کرد اَمْنَاءُ الرَّحْمَانِ هستند که با خطاری آسوده و دور از هر نوع بدعت در مجموعه دین خدا می توان اخذ معارف کرد. بنابراین کسانی که به در خانه غیر اهل بیت رفتند گمراه شدند.

امام علی علیه السلام در توصیف ویژگی های امامان معصوم علیهم السلام می فرمود: لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُضَارِعُ وَ لَا يُضَارِعُ وَ لَا يَتَّبِعُ الْمَطَامِعِ (۲) س

فرمان خدا را برپا ندارد جز کسی که در اجرای حکم خدا باج نمی دهد کوتاه نمی آید و در پی منافع شخصی نمی رود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود خداوند به داود علیه السلام فرمود: حَرَامٌ عَلَيَّ كُلُّ قَلْبٍ عَالِمٍ مُّحِبٍّ لِلشَّهَوَاتِ إِنَّ أَجْعَلُهُ أَمَامًا لِلْمُتَّقِينَ (۳)

بر هر دل دانای شهوت پرستی حرام است که او را پیشوای پرهیزکاران قرار دهم. پس آن ها که سراغ امثال غاصبین حقوق اهل بیت علیهم السلام رفتند همان هایی که جاه طلب و شهوت ریاست و جمع ثروت داشتند قعا گرفتار خطا و اشتباه شدند و سعادت دنیا و آخرت را از دست دادند.

اینها جملاتی است که در جامعه کبیره آمده است:

هَلَمَّكَ مِنْ عِبَادَاتِكَ وَ خَابَ مِنْ جِدِّدِكَ وَ ضَلَّ مِنْ فَرَاقِكَ..... مَنْ خَالَفَكَمُ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَ مَنْ جَحَدَكَ كَافِرٌ وَ مَنْ حَارَبَكَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ (۴)

هر که با شما دشمنی کند هلاک خواهد شد و زیانکار است آنکه شما را انکار کند.

ص: ۱۲۵

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۱۳ ص ۳۱۷

۳- تفسیر نورالثقلین ج ۴ ص ۴۴

۴- مفاتیح الجنان محدث قمی

و هر که از شما جدا شود گمراه گردد... هر که با شما مخالفت کند جایگاهش آتش است و هر که شما را انکار کند کافر است و هر که به جنگ با شما اقدام نماید مشرک است و هر که شما را رد کند جایگاهش در پایین ترین و اعماق جهنم خواهد بود.

عِشَّتْ مَظْلُومًا:

امام حسن عسکری علیه السلام در دنبال سلام ها و درودهایش بر امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید شما مظلومانه زیستی.

گوشه ای از مظلومیت امام مجتبی علیه السلام را می توان در بی وفایی مردم کوفه و نافرمانی از حضرت از ناحیه یاران نزدیکش احساس کرد.

معاویه به بهانه از بین بردن اختلاف و اغتشاش عده ای از سربازان خود را بسیج کرد تا برای جنگ با امام به عراق روند.

امام علیه السلام نیز به حجر بن عدی کندی دستور داد تا فرمانداران و نیز مردم را برای جنگ آماده سازد.

منادی در کوچه های کوفه فریاد زد الصّلموه مردم هم در مسجد جمع شدند امام حسن علیه السلام به منبر رفت و فرمود معاویه به جنگ شما آمده شما نیز به اردوگاه نخیله بروید.

همه ساکت ماندند عدی فرزند حاتم طائی از جابر خاست و گفت ای مردم من پسر حاتم طائی هستم سبحان الله این سکوت مرگبار چیست که شما را فرا گرفته است؟

چرا به امام و پسر پیامبر جواب نمی دهید از غضب خدا بترسید آیا شما از جنگ باک ندارید.

آنگاه رو به امام کرد و گفت گفتار شما را شنیدیم و با جان و دل به فرمانیم.

جمعی آماده شدند امام علیه السلام از آن جمع سپاهیان را به فرماندهی حکم به شهر انبار فرستاد ولی به محض رسیدن به جبهه حکم با معاویه ساخت و به همین ترتیب فرمانده بعدی عبیدالله بن عباس را با ۱۲ هزار نفر به جبهه فرستاد. معاویه با

وعده یک میلیون درهم او را فریقت و او هم شبانه با گروهی از دوستان خود به سوی معاویه گریخت صبح فردا سپاه بی سرپرست ماند. (۱)س

آری یاران امام علیه السلام از هر سو پراکنده شدند و حضرت را تنها گذاشتند با این اوصاف وقتی حضرت خود را تنها دیدند برای حفظ اسلام و جان مسلمین صلحنامه ای را که خود تنظیم فرموده بودند امضاء کردند اما عکس العمل اطرافیان حضرت به قدری زشت و هتاکانه بود که گاهی شرم از نگارش آنها داریم.

امام علیه السلام در حال سخنرانی بود بین حرف های حضرت منافقی از جا برخاست و گفت: کفرو الله الرجل این مرد به خدا سوگند کافر شده که صلحنامه را قبول کرده گوش به حرف هایش ندهید بار دیگر حضرت در خیمه خود مشغول نماز بود که احمق چنان سجاده را از زیر پای حضرت کشید که امام علیه السلام با صورت روی زمین افتاد.

و نیز وقتی حضرت از انعقاد قرارداد صلح باز می گشت مرد نادانی به عنوان اعتراض انتهای عصای خود را زهرآلود کرده بود به ران امام علیه السلام زد و پای حضرت را مجروح ساخت.

این است که امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: عِشْتُ مَظْلُوماً تو مظلوم زیست کردی لازم به ذکر است که این اسم شریف که به دو امام از ائمه طاهرین علیهم السلام اطلاق شده امام دوم و امام یازدهم که بیان کننده صلوات های چهارده گانه است نیز مورد بی لطفی و ظلم قرار گرفته و در ضرب المثل ها و حتی آگهی های تبلیغاتی روز به این نام مقدس جسارت می شود که حقیر از بیان آنها شرم دارم و حتی نقل آنها را بی حرمتی می دانم.

اینجا جای گله هست که چرا در کتاب های روایی ما احادیث ضعیف و غیرواقعی به امام حسن علیه السلام نسبت داده شده و چقدر خوب بود در جمع آوری

ص: ۱۲۷

روایات این نوع احادیث که مثل روز روشن است خلاف واقع است به امام حسن علیه السلام نسبت داده نمی شد و امام معصوم علیه السلام زبانه معرفی نمی کردند.

إِنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهَا السَّلَامُ طَلَّقَ خَمْسِينَ أَمْرًا فَقَامَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْكُوفَةِ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ أَهْلِ الْكُوفَةِ لَا تَنْكُحُوا الْحَسَنَ فَإِنَّهُ رَجُلٌ مُطْلَقٌ (۱)

حسن بن علی علیها السلام پنجاه زن را طلاق داد و علی علیه السلام برخاست و به مردم کوفه هشدار داد که ای مردم کوفه با حسن ازدواج نکنید که او مردی است که زیاد زنانش را طلاق می دهد.

تَزَوَّجَ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعِينَ حَرَّةً وَ مَلِكًا مَائَةً وَ سِتِّينَ أُمَّةً فِي سَائِرِ عُمُرِهِ (۲)

امام حسن علیه السلام با هفتاد زن آزاده ازدواج کرد و صد و شصت کنیز در بقیه عمرش در اختیار داشت.

و اسفاه از مظلومیت امام مجتبی علیه السلام امامی که حتی در بعضی از احادیث مثل نمونه ای از احادیث فوق در حق حضرتش ظلم شده پس چه توقعی است که دشمنان اهل بیت مجعولات و اسرائیلیات را به ظان حضرت یا سایر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت دهند.

عِشْتُ مَظْلُومًا أَقَا شَمَا هَمَّ جَا مَظْلُومٍ وَاقِعَ شَدَى مِنْ طَرَفِي هَمَّ اطْرَافِيَانِ مَعَاوِيَةَ مَرْدَمٍ رَا بَرِ عَلِيهِ شَمَا تَبْلِيغُ كَرْدَه بُوْدَنْد اَمَّا شَمَا بَا بَزْرگَواری و کرامت نفس برخورد کردید.

یک بار حضرت از راهی سواره می گذشت مردی از اهل شما با آن حضرت مصادف شد و بدون مقدمه شروع به ناسزا گفتن نسبت به آن بزرگوار نمود ولی امام علیه السلام هیچ عکس العملی نشان نداد تا اینکه آن مرد هر چه خواست گفت آنگام امام علیه السلام پیش رفته و با تبسم به او فرمود اگر اجازه دهی تو را راضی میکنم چنانچه چیزی بخواهی به تو خواهم داد اگر راه را گم کرده ای من نشانت دهم اگر احتیاج

ص: ۱۲۸

۱- بحار ج ۴۴ ص ۱۷۲

۲- بحار ج ۴۴ ص ۱۷۳

به باربرداری من اسباب و بار تو را به وسیله ای به منزل می رسانم اگر گرسنه ای تو را سیر کنم اگر احتیاج به لباس داری تو را می پوشانم اگر فقری بی نیازت کنم اگر فراری هستی تو را پناه می دهم هر آینه حاجتی داشته باشی بر می آورم چنانچه اسباب و همسفران خود را به خانه ما بیاوری برایت بهتر است زیرا ما اسباب پذیرایی کافی در اختیار می گذاریم.

مرد شامی از شنیدن این سخنان گریه اش گرفت و گفت: أَشْهَدُ اَنْكَ خَلِيفَةُ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ گواهی می دهم که تو خلیفه خدا روی زمینی تو و پدرت ناپسندترین مردم در نزد من بودید اینک محبوبترین خلق در نظرم شدید آنچه به همراه خویش در مسافرت آورده بود به خانه آن حضرت منتقل کرد میهمان ایشان شد تا موقعی که از آن خارج گردید و اعتقاد به ولایت حضرت پیدا کرد.^(۱)

باز هم از عِشْتُ مَظْلُوماً عرض کنم که امام حسن مجتبی علیه السلام در قلم نویسندگان تاریخ و تاریخ نگاران نیز مظلوم واقع شده به عنوان مثال دکتر سعید نفیسی تاریخ نگار و استاد دانشگاه دوران پهلوی وقتی کتابی درباره پادشاهان ایران می نویسد و می رسد به ورود اسلام به ایران و اشاره به زندگی نامه بعضی از ائمه طاهرین علیها السلام می کند و از جمله صلح امام حسن علیه السلام با معاویه در نهایت گستاخی و امام ناشناسی می نویسد جرو قراردادی که امام حسن علیه السلام به معاویه پیشنهاد داد گرفتن سالی چند میلیون دینار حق السکوت بود!!

یعنی همه دعوای مادی بوده و امام برای آنکه معاویه به راحتی بر مسند سلطنت خود بنشیند و بر مردم حکومت کند و از ناحیه امام حسن علیه السلام واکنشی نبیند سالی چند میلیون دینار حق السکوت به آن حضرت بدهد!!

آه از مظلومیت امام مجتبی علیه السلام در همیشه تاریخ مورد هتاک و جسارت واقع شده است.^(۲)

ص: ۱۲۹

۱- مناقب ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۱۹

۲- تاریخ اجتماعی ایران ص ۱۰۰

وَمَضَيْتَ شَهِيدًا:

و شهید در گذشتی: قبل از بحث درباره نوع شهادت امام حسن علیه السلام از خانواده ای پست و پلید بگویم که همگی در کشتن سه امام معصوم علیها السلام مستقیم و غیرمستقیم نقش داشتند. اشعث ابن قیس در شهادت امام علی علیه السلام جعهده دخترش در شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام و پسرش در سپاه عمر سعد و در کشتار شهدای کربلا و امام حسین علیه السلام .

مشهور آن است که شهادت امام حسن علیه السلام ۲۸ صفر سال ۵۰ هجری اتفاق افتاده البته هفتم صفر هم نقل شده است.

شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه نقل می کند چون قرار صلح بین امام حسن علیه السلام و معاویه برقرار شد امام علیه السلام به مدینه رفتند و به ارشاد خلق پرداختند و منتظر فرمان پروردگار ماندند. پس از گذشت ده سال معاویه تصمیم گرفت برای فرزندش یزید بیعت بگیرد و چون این خلاف شرایط صلحنامه و معاهده بود و از طرفی در این مدت ده سال مردم به امام حسن علیه السلام بیشتر گرویدند و اظهار علاقه کردند به همین جهت تصمیم گرفت امام علیه السلام را به شهادت برساند تا با خاطری آسوده ولیعهد خویش را معرفی کند.

برای پادشاه روم مبلغ صد هزار درهم فرستاد و درخواست زهری نمود تا توسط جعهده دختر اشعث به قیس امام علیه السلام را به شهادت برساند و خود ضامن شد که اگر جعهده آن حضرت را مسموم کند او را به عقد یزید پسرش در خواهد آورد. جعهده به طمع رسیدن به مال دنیا و همسری با یزید امام علیه السلام را مسموم نمود.(۱)س

جناده می گوید بر امام حسن علیه السلام در وقت بیماریش که منجر به شهادتش شد وارد شدم در حالی که در برابرش طشتی بود و از دهان مبارکش خون داخل آن طشت می ریخت به خاطر سمی که معاویه به آن حضرت خورانده بود.

ص: ۱۳۰

عرض کردم آقا چرا خود را معالجه نمی کنید یا عبدالله بِمَاذَا أَعَالِجُ الْمَوْتَ ای بنده خدا مرگ را با چه چیز می توان معالجه کرد. جناده می گوید: گفتم إِنْنا لِلَّهِ وَ إِنْنا إِلَيْهِ راجِعُونَ

آن گاه امام علیه السلام به من توجه فرمود و گفت: به خدا سوگند رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با ما عهد کرده است که این نوع شهادت برای هر دوازده امام از فرزندان علی و فاطمه علیها اسلام خواهد بود. مَا مِنَّا إِلَّا مَسِيْمَوْمٌ أَوْ مَقْتُولٌ ما ائمه یا مسموم می شویم و یا مقتول و بعد من عرض کردم ای پسر رسول خدا در این شرایط مرا موعظه ای بفرمایید؟

امام علیه السلام با اینکه لحظه آخر عمر را می گذرانند فرمود الان چه وقت موعظه است فرمود: نَعَمْ اشْتَعِدَّ لِسَفَرِكَ وَ حَصِّلْ زَادَكَ قَبْلَ حُلُولِ اجْلِكَ

ای جناده آری آماده سفر آخرت باش و قبل از آمدن مرگ توشه سفرت را آماده کن ای جناده بدان که تو دنیا را طلب می کنی و مرگ هم تو را می طلبد برای روزی که نیامده در روزی که هستی هم و غم نداشته باش و غصه فردا را مخور بدان که مال و ثروتی را اضافه بر احتیاجت جمع نمی کنی مگر آنکه برای غیر خودت ذخیره می نمایی.

بدان که فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ وَ فِي الشُّبُهَاتِ عِتَابٌ در حلالش حساب و در حرامش عقاب و در شبهاتش سرزنش است پس دنیا را به منزله مرده فرض کن از باب اکل میته به اندازه بخور و نمیر استفاده کن که اگر حلال بود تو زهد در دنیا اختیار کرده ای و اگر حرام باشد چون از باب اکل میته است وزری ندارد و اگر از شبهات باشد عتاب و سرزنش مختصر است.

طوری در دنیا زندگی کن مثل آنکه برای همیشه هستی یعنی امیدوار به زندگی و طوری برای آخرت کار کن که مثل آنکه فردا بناست بمیری. و اگر می خواهی بدون داشتن فامیل و اقربا عزیز باشی و بدون سلطنت هیبت و عظمت داشته باشی از ذلت معصیت به عزت طاعت و فرمانبری از خداوند عزوجل روی آور...

جناده می گوید امام علیه السلام پس از مواعظی دیگر نفسش قطع شد و رنگش تغییر کرد که

من نگران حال آقا شدم در این بین امام حسین علیه السلام و اسود بن ابی الاسود وارد شدند سر و پیشانی حضرت را بوسیدند. حضرت لحظه ای به هوش آمد و صیایش را به امام حسین علیه السلام کرد و به شهادت رسید. (۱)

در روایت دیگری آمده که امام حسن علیه السلام وقتی در حال احتضار قرار گرفت فرمود حسین علیه السلام را باخبر کنید و به ایشان فرمود برادر وقت جدایی فرا رسیده و هنگام ملحق شدن به پروردگارم هستم. برادر به من سم خوراندند بر کبدم اثر گذاشته و می دانم چه کسی به من سم خورانیده و از جانب چه کسی دستور گرفته و من او را در روز قیامت در پیشگاه پروردگار مخاصمه خواهم کرد حسین جان به حقی که بر گردن تو دارم در این باره چیزی مگوی و منتظر باش تا ببینی خداوند چه چیز برایم مقدر فرموده است.

و اگر باعث شهادتم شد چشم پوشی کن و مرا غسل بده و کفنم کن و بر من نماز بخوان و مرا به کنار قبر جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برده و سپس کنار قبر جده ام فاطمه بنت اسد علیها السلام به خاک بسپار و بزودی این مردم فکر می کنند که شما می خواهید مرا کنار قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دفن کنید و لذا با شما مخالفت کرده و مانع از این کار می شوند. تو را به خدا سوگند می دهم که حاضر نیستم قطره خونی در این کار ریخته شود سپس به امام حسین علیه السلام وصیت هایش را درباره خانواده و فرزندان و اموالش فرمود و آنچه را که امیرالمومنین علیه السلام در هنگام شهادت به حضرت وصیت کرده بود به عنوان جانشینی و مقام امامت او نیز به امام حسین علیه السلام منتقل نمود و شیعانش را به جانشینی امام حسین علیه السلام دلالت نمود و او را امام بعد از خود معرفی کرد. هنگامی که حضرت به شهادت رسید امام حسین علیه السلام او را غسل داد و کفن کرد و بر وی نماز خواند و بر تابوت گذارد. همان طور که امام حسن علیه السلام فرموده بود مروان و همراهانش از بنی امیه گمان کردند که امام را می خواهند کنار قبر پیامبر خدا دفن

ص: ۱۳۲

کنند و لذا تجمع کردند و لباس رزم پوشیدند همین که امام حسن علیه السلام با جنازه برادر به طرف قبر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم آمدند تا با پیامبر تجدید عهدی شود. بنی امیه با همراهی عایشه که سوار بر الاغی بود حضور یافتند و عایشه گفت شما می خواهید چه بکنید می خواهید به خانه من وارد شوید در حالی که من دوست ندارم مروان گفت آیا این درست است که عثمان در دورترین نقطه مدینه دفن شود و حسن بن علی کنار رسول خدا دفن گردد. هرگز نباید چنین اتفاقی بیفتد من که اسلحه خود را آماده ساخته ام. نزدیک بود که درگیری بین بنی هاشم و بنی امیه رخ دهد در این لحظه ابن عباس به طرف مروان رفت و گفت برگرد ای مروان به همانجا که آمدی ما تصمیم نداریم که فرزند رسول خدا را کنار قبر جدش دفن کنیم بلکه او را به زیارت جدش آورده ایم و می خواهیم تجدید عهد کند و طبق وصیت خودش عمل می کنیم و او سفارش کرده قطره خونی ریخته نشود و رو به عایشه کرد و گفت وای بر تو یک روز سوار بر الاغ می شوی و یک روز سوار بر شتر شدی می خواهی با این کارها نور خدا را خاموش کنی و با اولیاء خدا جنگ کنی تو هم برگرد به آنجا که بودی. اما بنی امیه جنازه امام حسن علیه السلام را تیرباران کردند تا حدی که هفتاد چوبه تیر بر تابوت حضرت اصابت کرد.

امام حسین علیه السلام هم فرمود به خدا قسم اگر سفارش برادرم حسن علیه السلام نبود که قطره خونی ریخته نشود می دانستم چه کنم که شمشیرهایتان را غلاف کنید به ناچار حضرت سیدالشهدا بدن مطهر برادر را به بقیع آورد و کنار قبر جده اش فاطمه بنت اسد بنی هاشم بن عبد مناف مادر بزرگوار امیرمومنان علی علیه السلام به خاک سپرد. (۱)

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ:

امام حسن عسکری علیه السلام خطاب به امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید شهادت

ص: ۱۳۳

می دهم که تو امام پاکیزه و هدایتگر و هدایت شده ای.

امام حسن علیه السلام جزو پنج تنی است که آیه تطهیر در شانسان نازل شد و از هر رجس و پلیدی منزّه است و از هر گناه و معصیت دور. امام مجتبی علیه السلام در محلی به نام ابواء تنها مشغول نماز بود که زنی زیبا روی وارد شد هنگامی که امام علیه السلام نماز را به پایان رسانید فرمود آیا حاجتی داری؟ عرض کرد آری فرمود حاجت چیست؟ عرض کرد برخیز و از من کام بگیر.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْيَكُ عَنِّي لَا تُحْرِقُنِي بِالنَّارِ وَ نَفْسُكَ فرمود زود از من دور شو من و خودت را گرفتار آتش جهنم نکن.

او که خواست اصرار ورزد امام علیه السلام مشغول به گریه شد و فرمود وای بر تو از من دور شو آنقدر جانگاہ می گریست که زن نیز به گریه افتاد در این بین ناگاه امام حسین علیه السلام وارد شد و دید آن و اشک می ریزند او نیز از گریه برادر به گریه افتاد عده‌ای از اصحاب وارد شدند آنها نیز از گریه حسنین به گریه افتادند صدای ناله و اشک بلند بود که زن فرصت را مناسب دید و از کنار جمعیت بیرون رفت و بعد کم کم مردم متفرق شدند ولی امام حسین علیه السلام تا موقعی که شخص امام حسن علیه السلام شرح ندادند از برادر پرسش نفرمود. تا اینکه دو بزرگوار یک شب در محلی آرمیده بودند ناگاه امام حسن علیه السلام از خواب بیدار شد و شروع به گریه کرد امام حسین علیه السلام عرض کرد چه خوابی دیدی؟ فرمود تا زنده ام برای کسی نقل نکن سپس ادامه داد که در عالم رویا یوسف علیه السلام را دیدم در خواب نیز گریستم. حضرت یوسف در میان جمعیت مردم رو به من کرد و گفت ای برادر که پدر و مادرم فدایت باد چرا گریه می کنی گفتم یاد داستان تو و همسر عزیز مصر زلیخا و گرفتاریهاست زندان رفتن و غم فراق پدرت یعقوب افتادم و تعجب کردم که این همه مشکلات را تحمل کردی به این علت اشک ریختم.

یوسف گفت ای حسن بن علی آیا از داستان خود با زن بدوی در محل ابواء

تعجب نمی کنی. (۱)

الْهَادِي الْمَهْدِيَّ امام حسن عليه السلام هادی و مهدی بود: إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (۲) ای رسول ما تو فقط بیم رسانی و هر گروهی را هادی و راهبری است.

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود:

الْمُنْذِرِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ الْهَادِي اميرالمومنين عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَهُ وَ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فِي كُلِّ زَمَانٍ إِمَامٌ هَادٍ مُبَيَّنٌ

منظور از منذر رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است و هادی امیرالمومنین علی علیه السلام و امامان بعد از او هستند و مقصود از وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ این است که در هر زمان یک امام هدایتگر وجود خواهد داشت.

در بیانی دیگر همان گرامی فرمود: مَا زَالَتِ الْأَرْضُ الْاَوَّلِيَّةُ فِيهَا الْحَجَّةُ يَعْرِفُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ وَ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى سَبِيلِ اللَّهِ (۳)

هیچ وقت از این کره زمین سپری نشد مگر آنکه حجت خدا در آن بوده است.

حجتی که به حلال و حرام الهی آشنا می باشد و مردم را به راه خدا دعوت می کند کار حجت بالغه الهی هدایت و ارشاد خلق است امام علیه السلام در حکم قلب در بدن انسان است با این تفاوت که قلب بر اعضاء بدن و حتی حالات روحی فرماندهی می کند و امام معصوم علیه السلام از جانب پروردگار بر کل اعضاء هستی آسمان ها و زمین و عوالم باطن و ظاهر حکمفرماست و این خداوند است که امام را خلیفه خویش بر کائنات قرار داده است.

در بین شاگردان امام صادق علیه السلام کسی که در علم کلام ورود داشت و نهایت بهره را از حضرت برده بود هشام بن الحکم نوجوان باهوش و خوش ذوق بود.

یک بار امام صادق علیه السلام به وی فرمود ای هشام داستان مناظره ات را با عمرو بن

ص: ۱۳۵

۱- ابن شهر آشوب ج ۴ ص ۱۴

۲- رعد ۷

۳- بحار ج ۴۳ ص ۳

عبید بیان نمی کنی؟ و آیا نمی گویی که چه سوالاتی از او نموده ای؟ هشام گفت فدایت شوم ای پسر رسول خدا من در مقابل شما و در برابر عظمت مقام شما قادر نیستم و حیا می کنم که چیزی بگویم.

حضرت فرمود ای هشام وقتی ما شما را به چیزی امر می کنیم انجام دهید. عرض کرد.

روز جمعه وارد بصره شدم به مسجد رفتم عمرو بن عبید در مسجد نشسته بود و گروه زیادی گرد او حلقه زده بودند و از او پرسش هایی می کردند من در آخر جمعیت میان آنها نشستم هر کس سوالی می کرد من نیز به عمرو رو کرده گفتم ای دانشمند من اهل این شهر نیستم اجازه می دهی سوالی مطرح کنم؟ گفت هر چه می خواهی پرس.

گفتم آیا چشم داری؟ گفت مگر نمی بینی چشم دارم این چه سوالی است؟ گفتم پرسش های من همین گونه است گفت پرس گرچه پرسش هایت احمقانه است. گفتم آیا چشم داری؟ گفت دارم گفتم با آن چه می کنی؟ گفت با آن دیدنی ها را می بینم و رنگ و نوع آنها را تشخیص می دهم.

گفتم آیا شامه و نیروی بویایی داری؟ گفت آری گفتم با آن چه کاری انجام می دهی؟ گفت با آن بوها را استشمام کرده بوی خوب را از بد تشخیص می دهم گفتم آیا زبان داری؟ گفت دارم گفتم با آن چه می کنی؟ گفت با آن سخن می گویم. گفتم آیا گوش داری؟ گفت دارم گفتم با آن چه می کنی؟ گفت صداها را می شنوم و از هم تمیز می دهم.

گفتم آیا دست داری؟ گفت دارم گفتم با آنها چه می کنی؟ گفت با آنها زبری و نرمی چیزها را تشخیص می دهم گفتم آیا پا داری؟ گفت دارم گفتم با آنها چه انجام می دهی؟ گفت به کمک آنها از مکانی به مکان دیگر می روم.

گفتم آیا جز از اینها قلب هم داری؟ گفت دارم گفتم با آن چه می کنی؟ گفت اگر دیگر اعضاء و جوارح من دچار شک و تردید شوند قلب شک و تردید آنها را برطرف می سازد. زیرا روشن است که گاهی حواس پنجگانه انسان به اشتباه می افتد و برای برطرف کردن اشتباه های آنها به قلب مراجعه می نمایم تا آنها را از اشتباه بیرون آورم.

هشام می گوید هنگامی که عمرو این را گفت من هم گفته او را تایید کردم و گفتم آری خدای متعال برای راهنمایی اعضاء و جوارح و حواس انسان و رفع اشتباه و خطای آنها قلب را آفریده است ای دانشمند آیا صحیح است بگوییم خدایی که چشم و گوش و دیگر اعضای انسان را بدون راهنما نگذاشته چنین خدای حکیم و مهربانی مسلمانان را پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بدون راهنما و هادی و امام گذارده تا در نتیجه مردم در شک و تردید و اختلاف ها بمانند و به انحراف و نابودی کشیده شوند؟

آیا هیچ فکر و اندیشه سالمی این مطلب را قبول میکند؟ در اینجا بود که عمرو بن عبید ساکن شد و دیگر هیچ نگفت. (۱)

شاید بعضی پندارند لقب مهدی که در خطاب امام حسن عسکری علیه السلام به امام مجتبی علیه السلام آمده به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص دارد در حالی که این طور نیست تمام دوازده امام مهدی بوده اند.

امام حسین علیه السلام می فرمود:

مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمُ امِيرَالْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ النَّاسِعُ مِنْ وُلْدِي وَ هُمْ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ (۲)

دوازده مهدی از ما هستند اول آنها امیرالمومنین علی بن ابیطالب علیه السلام و آخر آنها نهمین پسر من که قیام بر حق خواهد نمود.

ص: ۱۳۷

۱- بحار ج ۲۳ ص ۶

۲- بحار ج ۵۱ ص ۱۱۵

و در پایان صلوات بر امام حسن مجتبی علیه السلام اینگونه آمده است :

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ بَلِّغْ رُوحَهُ وَ جَسَدَهُ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ

خداوندا بر حسن بن علی علیها السلام درودف رست و بر روح و پیکرش در این ساعت بهترین سلام ها و تحیت ها را فرست.

ص: ۱۳۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ قَتِيلِ الْكَفَرَةِ وَطَرِيحِ الْفَجَرَةِ:

خدایا بر حسین بن علی علیها السلام درود فرست همان که مظلومانه به شهادت رسید و کافران او را کشتند و فاجران بدن مطهرش را در بیابان دفن نکرده رها کردند.

بحث درباره امام حسین علیه السلام و مظلومیت آن حضرت ابعاد گسترده ای دارد که باید از زاویه های گوناگون به آن پرداخته شود.

نخست درباره شخصیت و کاری که او کرد و پیشرو تمام نهضت های آزادی بخش جهان شد گفتگو لازم است. راز ماندگاری حضرت سیدالشهدا علیه السلام اخلاص کامل او بود.

چون مَا عِنْدَكُمْ يُنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ (۱) آنچه مربوط به خود انسان و هواهای خویش می شود از بین رفتنی و آنچه به خاطر خدا انجام می گیرد و نزد خدا می ماند

ص: ۱۳۹

باقی و ماندگار است.

در زیارت اربعین که به طور معتبر از امام صادق علیه السلام نقل شده عبارتی به چشم می خورد که ابتدا درجه اخلاص حضرت را بیان می کند و بعد فلسفه قیامش را .

وَ بَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ (۱)

خدایا حسین علیه السلام خون قلبش را فقط برای تو داد تا بندگان از گمراهی و سرگردانی در گمراهی رهایی بخشد.

از فیک استفاده می شود که درجه اخلاص امام حسین علیه السلام بالاترین مرتبه بود.

هیچ انگیزه و شائبه ای در آن دخالت نداشته فقط و فقط برای خدا این کار را کرده است.

در ذکر سجده زیارت عاشورا می گوئیم:

وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَلُوا مُهْجَتَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ یعنی اصحاب امام حسین علیه السلام خون قلبشان را در راه هدف سیدالشهداء تقدیم داشتند ولی امام حسین علیه السلام به طور مستقیم و بی واسطه فیک برای تو تقدیم کرد. این راز ماندگاری اوست.

حماسه کربلای امام حسین علیه السلام بزرگترین حادثه تاریخی است که برای بشریت رخ داده و در قبل و بعد از آن هیچ مثل و مانندی نداشته و نخواهد داشت. حسین بن علی علیه السلام از آغاز حرکتش از مدینه و ورود به مکه و ناتمام گذاردن حج و حرکت به سوی عراق و کربلا- حقانیت خود و خاندانش را ثابت کرد و در پایان هم با خون مقدسش پای خطبه ها و روشنگری های خویش را امضاء نمود.

به بعضی از نکاتی که حضرت در سخنرانی برای مردم حاضر در مسجد النبی صلی الله علیه و آله وسلم قبل نهضت کربلا داشته توجه کنید ای معاویه به من گفته ای به مصلحت خویش و دین و امت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بیندیش. به خدا قسم کاری بهتر از جهاد علیه تو نمی شناسم. بنابراین هرگاه به انجام آن اقدام کنم مایه تقرب به پروردگار من است.

ص: ۱۴۰

و در صورتی که به انجامش نپردازم از خدا برای حفظ دینم آموزش می طلبم و از او توفیق انجام آنچه او دوست می دارد و می پسندد خواستارم. سپس حضرت می فرماید بدان که خدا را دیوانی است که هر کار کوچک و بزرگ به حساب می کشد و شمارش می کند بدان که خدا فراموش نمی کند که تو به مجرد گمان افراد را می کشی و به محض وارد آمدن اتهامی دستگیر می سازی و پسری را به حکومت نشانده ای که باده می نوشد و سگبازی می کند تو را می بینم که خویشتن به گناه و عذاب در انداخته ای و دینت را تباه کرده ی و رعیت را ضایع ساخته ای.

امام حسین علیه السلام به دنبال مبارزاتش با حکومت فاسق اموی در اجتماع شکوهمند مردم در سرزمین منا طی سخنرانی به طرح مبانی اساسی دین پرداخت و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به مردم و دانشمندان یادآور شد.

فرمود ای مردم از آنچه خدا بدان اولیای خود را پند داده پند گیرید مانند بد گفتن او به دانشمندان یهود آنجا که می فرماید چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود آنان را از گفتار گناه آمیز و خوردن مال حرام نهی نمی کنند؟ چه زشت است عملی که انجام می دادند.

و نیز فرموده است کافران بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی بن مریم لعن و نفرین شدند این به خاطر آن بود که گناه و تجاوز می کردند تا آنجا که فرمود چه بد کاری انجام می دادند.

خداوند آنها را بدین خاطر نکوهش کرده که از ستمکارانی که میان آنها بودند کار زشت و فساد می دیدند و آنها را نهی نمی کردند زیرا در مال آنها طمع داشتند و از قدرت آنان می ترسیدند با اینکه خداوند می فرماید از مردم نترسید و از من بترسید.

سپس امام علیه السلام عالمان را مورد خطاب قرار داده می فرماید شما ای جماعت معروف به دانش و مشهور به خوبی و خیرخواهی. شما در دل مردم مهابتی دارید شرافتمند از شما حساب می برد و ناتوان شما را گمراهی میدارد من می ترسم

عذابی از عذاب های الهی بر شما فرود آید زیرا شماها از کرامت خدا به منزلتی رسیده که بر دیگران برتری یافته اید. بندگان مومن به خدا گرامی داشته نمی شوند ولی شما به خاطر خدا در میان بندگان الهی ارجمندید. این در حالی است که می بینید پیمان های خدا شکسته شده و هیچ هراسی به خود راه نمی دهید.

برای یک نقض عهد پدران خویش بی تابی می کنید با اینکه تعهد رسول خدا خوار و بی مقدار شده کورها و لال ها و زمین گیرها در همه شهرها بی سرپرست مانده و بر آنها ترحم نمی شود شما به اندازه مقام و در خور مسئولیت خویش کار نمی کنید و در مقابل کسی که اقدام می کند خضوع نمی کنید.

بر عکس به سازش و مسامحه با ظالمان خود را آسوده خاطر می دارید با این که خداوند شما را فرمان داده که از کار خلاف باز ایستید و دیگران را نیز تهی کنید اما شما غافلید. مصیبت شما از همه مردم بزرگتر است زیرا در حفظ مقام علما و دانشمندان ناتوان شدید کاش کوشش می کردید.

علت این ناتوانی این است که جریان امور و احکام به دست دانشمندان الهی است که امین بر حلال و حرام اویند ولی این مقام از شما گرفته شده است. بدین جهت که شما از حق منحرف شدید و درباره روش پیامبر با وجود دلیل روشن دچار اختلاف شدید. اگر بر آزارها شکبیا بودید و در راه خدا مشکلات را متحمل می شدید زمام امور الهی به شما بر میگشت و از طرف شما دستور آن صادر می گشت و به سوی شما باز می گشت اما برعکس شما خودتان ستمگران را به جای خویش جای دادید و امور الهی را به آنها وا گذاشتید تا به شبهه کار کنند و به شهوت ها و میل های نفسانی خویش حرکت کنند علت سلطه ستمگران گریز شما از مرگ و خوش بودنتان به زندگی دنیا است که از شما جدا خواهد شد. (۱)

ص: ۱۴۲

امام حسین علیه السلام را چرا امام حسن عسکری علیه السلام قَتِلُ الْکَفَرَه می خواند زیرا که از دین برگشته ها و آنانی که قصد دفن اسلام را داشتند و انکار وحی نمودند اقدام به قتل آن حضرت کردند آیا امام معصوم علیه السلام را جز کافر و ملحد و مرتد می کشد؟!

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم امام شناسان و دشمنانشان را مشرک می داند: فَإِنْ جَهِلَهُ وَ عَادَاهُ فَهُوَ مشرک (۱) هر که او را شناسد و با وی دشمنی کند مشرک است.

در ذیل این آیه شریفه وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شَاءَ فَلْيُکْفِرْ (۲) و بگو این حق از پروردگار شماست هر که خواهد ایمان بیاورد و هر که خواهد منکر شود از امام باقر امام صادق علیه السلام دو روایت نقل شده که فَلْيُکْفِرْ کافر شود چه کسانی هستند.

ابن حمزه از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود جبرئیل به این طریق به پیامبر گفت و بگو این حق از پروردگار شماست هر که خواهد ایمان بیاورد و هر که خواهد کافر شود. أَنَا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ نَاراً (۳)

ما برای ستمگران به حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم آتشی مهیا کرده ایم.

در تفسیر قمی از علی بن ابراهیم در بیان کلام خدا وَ قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّکُمْ از قول امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود این آیه اینگونه نیز نازل شده و بگو این حق از پروردگار شماست یعنی ولایت علی علیه السلام هر کس خواهد ایمان بیاورد و هر که خواهد کافر شود. إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ آلَ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ نَاراً أَحَاطَ بِهِمْ سِرَادِقُهَا (۴) ما برای ستمگران به حقوق آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم آتشی مهیا کرده ایم که سراپرده های آن در میانشان گیرد.

شک نکنید که جبهه عمر سعد و دار و دسته اش اگر چه نماز می خواندند و خود را مسلمان می نامیدند همین که شمشیر بر امام زمان خود کشیدند و جزو قاتلین حضرت حسین علیه السلام محسوب شدند کافر و مشرک گشتند و حسین علیه السلام قَتِلُ

ص: ۱۴۳

۱- بحار ج ۲۳ ص ۸۸

۲- کشف ۲۹

۳- تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۳۲۶

۴- تفسیر برهان ج ۲ ص ۴۶۶

الْكَفْرَةَ است. وَ طَرِيحُ الْفَجْرَةِ بود یعنی بعد از شهادت آن خیشان بدن های نحس خود را به خاک سپردند ولی ابدان طیبه حسین علیه السلام و سایر شهدا کربلا را روی خاک ها گذاردند و رفتند که عاقبت بعد از سه شبانه روز عده ای از قبیله بنی اسد آمدند و بر آن اجساد مطهر که در خون غلطیده بودند نماز گزارند سپس آنها را به همین صورتی که اینک مدفونند دفن نمودند. (۱)

و نیز نقل شده که بر آن ابدان مطهره نماز خواندند و امام حسین علیه السلام را در همین نقطه به خاک سپردند و علی اکبر علیه السلام را پای پا و جای بزرگی را حفر کردند تمامی شهدا از اهل بیت و اصحاب یکجا دفن نمودند و ابوالفضل علیه السلام را در همان نقطه ای که به شهادت رسیده بود به خاک سپردند. (۲)

در جایی آمده همسر زهیر بن قین به غلامش کفنی داد تا اربابش را در بین کشته ها پیدا کند و کفن نماید. چشمش به بدن رها شدن حسین بن علی علیها السلام افتاد گفت آیا سزاوار است که ارباب خود را کفن کنم و بدن امام حسین علیه السلام بدون کفن باشد لا والله نه به خدا قسم این کار را نمی کنم اول امام حسین علیه السلام را دفن کرد سپس با کفنی دیگر ارباب خود را کفن نمود. (۳)

نکته مهم این است که بدن معصوم را باید معصوم نماز بخواند و کفن کند و به خاک سپارد چنانکه امام جواد علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود بدن رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را امیرالمومنین تغسیل و تکفین نمود و نماز خواند و هنگامی که امیرالمومنین به شهادت رسید امام حسن و امام حسین همان روش را انجام دادند و امام حسین درباره امام حسن چنین کرد و بعد از شهادت سیدالشهداء علی بن الحسین زین العابدین علیها السلام همان کاری را کرد که معصومین قبل کردند. (۴)س

و امام رضا علیه السلام رفع شبهه فرمود که آری علی بن الحسین علیه السلام در چنگال عبیدالله بن زیاد بود ولی با اراده الهی بدون آنکه هیچ کس متوجه شود از غل و زنجیر رها

ص: ۱۴۴

۱- لهوف ص ۱۹۷

۲- ارشاد مفید ص ۲۲۷

۳- تذکره الخواص ص ۱۴۵

۴- بحر ج ۲۲ ص ۵۱۳ و بصائر الدرجات ص ۲۲۵

عشق و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به حسین بن علی علیه السلام

شده و به کربلا آمد و در دفن تمامی بدان مطهره و به ویژه بدن مقدس پدر بزرگوارش به طور مستقیم دخالت کرد زیرا که معصوم را باید معصوم نماز بخواند و به خاک سپارد. (۱)

سید بن طاووس می گوید در مورد مسیر امام حسین علیه السلام روایت شده که آن را برگردانده و در سرزمین کربلا در کنار پیکر شریف آن حضرت دفن نمودند و عمل شیعیان هم مطابق همین معناست که ما گفتیم و غیر از آن چیزی که ما نقل کردیم روایات دیگری نیز در این باره آمده است که ما از ذکر آنها خودداری نمودیم. (۲)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ:

همان طور که ملاحظه کردید سه نوع سلام در اینجا مطرح است سلام بر امام حسین سلام بر آنکه پسر رسول خداست و سلام بر آنکه پسر امیرالمومنین است.

سوال اینجاست آیا کسانی که اقدام به وجود آوردن حادثه کربلا نمودند این انتصاب ها را نمی دانستند یا خوب می دانستند ولی کفر و نفاقشان آنها را تا مرحله قتل و کشتار فرزندان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم کشاند.

مگر بارها نشنیده بودند که پیامبر فرموده بود: حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا (۳)

حسین از من و من از حسینم خداوند تبارک و تعالی دوست می دارد هر کس را که حسین را دوست بدارد.

ابوهریره اعتراف می کند که: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ وَ هُوَ حَامِلُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ (۴)

دیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم حضرت حسین علیه السلام را بر دوش خویش نشانده بود و

ص: ۱۴۵

۱- نفس المهموم ص ۳۵۵

۲- لهوف ص ۲۶۵

۳- احقاق الحق ج ۱۱ ص ۲۹۸ و ۳۱۶

۴- همان

می فرمود خداوندا من حسین را دوست دارم تو هم او را دوست بدار.

شخص امام حسین علیه السلام می فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم به من فرمود: يَا بُنَيَّ انْكَ لَكَبْدِي طُوبَى لِمَنْ أَحْبَبَكَ وَ أَحَبَّ ذَرِيَّتَكَ فَالْوَيْلُ لِقَاتِلِكَ (۱)

ای پسر من تو جگر گوشه من هستی خوشا به حال کسی که تو و ذریه ات را دوست بدارد و وای بر احوال کشنده تو باد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در روزهای نخستین ولادت حسین لعیه السلام بین چشمان او را بوسه زد و گریه کرد و می گفت: لَعَنَ اللَّهُ قَوْمًا قَاتَلُواكَ يَا بُنَيَّ يَقُولُهَا ثَلَاثًا پسر عزیزم خدا لعنت کند مردمی را که کشنده تو هستند این را سه بار تکرار کرد.

راوی می گوید عرض کردم پدر و مادرم فدای تو آن مردم چه اشخاصی هستند؟

فرمود: بقیه الباغیه مِنْ بَنِي امیه لَعَنَهُمُ اللَّهُ (۲)

بقیه جمعیت ستمگر از بنی امیه که لعنت خدا بر آنها باد.

ابن عباس می گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در حال بیماری و احتضار بود.

ضَمَّ الْحُسَيْنَ عَ إِلَى صَدْرِهِ يَسِيلُ مِنْ عَرَقِهِ عَلَيْهِ وَ هُوَ يَجُودُ بِنَفْسِهِ وَ يَقُولُ مَا لِي وَ لِيَزِيدَ لَا بَارَكَ اللَّهُ فِيهِ اللَّهُمَّ الْعَنُ يَزِيدَ ثُمَّ غَشِيَ عَلَيْهِ طَوِيلًا وَ أَفَاقَ وَ جَعَلَ يُقْبَلُ الْحُسَيْنَ (۳)

حسین علیه السلام را به سینه چسبانید در حالی که عرق مرگ از او جاری بود و در حال جان کندن و می فرمود من را با یزید چکار خدا و برکتش را از او قطع کند خدایا یزید را لعنت کن سپس از هوش رفت و به طول انجامید وقتی به هوش آمد حسین علیه السلام را بوسه باران کرد.

و این همه و کنش و اظهارات امیرالمومنین علی علیه السلام از قول ابن عباس در رسیدن به آب فرات:

ابن عباس می گوید در جنگ صفین همراه علی علیه السلام بودم همین که به نینوی و شط

ص: ۱۴۶

۱- همان

۲- امالی صدوق ص ۱۱۷

۳- بحار ج ۴۴ ص ۲۵۴

فرات رسیدیم علی علیه السلام با صدای بلند فرمود:

يَا بَنَ عَبَّاسٍ اَتَعْرِفَ هَذَا الْمَوْضِعَ قُلْتُ لَهُ مَا اَعْرِفُهُ يَا اميرالمومنين فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْ عَرَفْتُهُ كَمَعْرِفَتِي لَمْ تَكُن تَجُوزُهُ حَتَّى تَبْكِيَ
کبکائی ای ابن عباس آیا می دانی این جا کجاست؟ عرض کردم ای امیرالمومنین نه نمی دانم امام علیه السلام فرمود اگر تو
هم مثل من می دانستی اینجا کجاست از آن گذر نمی کردی تا مثل من اشک بریزی.

ابن عباس می گوید آن قدر علی علیه السلام گریه کرد که از اشک محاسن شریفش بر سینه اش می ریخت ما نیز با او گریه
کردیم بعد فرمود:

أَوْهٍ أَوْهٍ مَالِي وَ لِأَلِ ابوسفيان مَالِي وَ لِأَلِ حَرْبٍ حَرْبٍ الشَّيْطَانِ وَ أَوْلِيَاءِ الْكُفْرِ صَبْرًا يَا ابا عبد الله فَقَدْ لَقِيَ ابوكَ مِثْلَ الَّذِي تَلَقَّى
مِنْهُمْ (۱)

آه آه مرا با آل ابوسفیان چکار مرا به آل جنگ و ستیز چکار همانا که حزب شیطانند و اولیاء کفرند. ای اباعبدالله شکیبایی کن
می بینی که آنچه بر سر تو خواهد آمد مانندش بر سر پدرت علی آمده است.

أَشْهَدُ مُوقِنًا أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ قُتِلَتْ مَظْلُومًا وَ مَضَيْتَ شَهِيدًا:

امام حسن عسکری فرماید ای حسین شهادت می دهم از روی یقین که تو امین خدا و فرزند امین خدایی مظلومانه کشته شدی
و در گذشتی در حال شهادت.

تا قبل از حادثه عاشورا و کربلا سیدالشهدا حضرت حمزه عموی عزیز پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم معروف بود اما با واقعه
کربلا و نوع شهادت حسین بن علی علیه السلام تا قیامت نام آن عزیز به عنوان سید شهیدان عالم ثبت شد چرا که هیچ یک از
مظلومین عالم و حتی در بین ائمه طاهرین همانند امام حسین علیه السلام به شهادت نرسیدند.

اینک به آنچه مرحوم سید بن طاووس در لهوف آورده اکتفا می کنم باشد که شمه ای از آن مصیبت بزرگ که اعظم مصیب
تاریخ بشر است بازگو شده باشد:

راوی گفت امام حسین علیه السلام همه رمق و توان خویش را در اثر کثرت زخم ها و

ص: ۱۴۷

جراحات از دست داده بود به حدی تیر بر پیکر مبارک اصابت کرده بود که تمام بدن مجروح شده بود در این حال صالح بن وهب مرتی لعنه الله علیه با نیزه چنان بر پهلوی امام زد که امام از روی اسب بر زمین افتاد و گونه راست خویش را بر روی خاک نهاد و پیوسته می گفت:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَيَّ مَلَّةُ رَسُولِ اللَّهِ ثُمَّ قَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

به نام خدا و به یاری خدا و بر آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سپس از روی خاک برخاست.

راوی گفت: حضرت زینب علیها السلام با دیدن این صحنه از خیمه بیرون دوید و فریاد کشید ای وای برادرم ای وای آقاایم ای وای همه اهل بیتم.

لَيْتَ السَّمَاءِ أَطْبَقَتْ عَلَى الْأَرْضِ وَلَيْتَ الْجِبَالِ تَدْكُكَ عَلَى السَّهْلِ ای کاش آسمان ها بر زمین می افتادند ای کاش کوه ها از هم پاشیده و در بیابان ها پراکنده می شدند.

راوی گفت شمر لعنه الله علیه خطاب به لشکر خویش فریاد برآورد چرا منتظر ایستاده اید و کار حسین علیه السلام را تمام نمی کنید؟!

راوی گفت هنگامی که شمر فرمان حمله و کشتن امام علیه السلام را صادر کرد تمامی لشکر به امام هجوم برده و حمله کردند ابتدا زرع بن شریک لعنه الله علیه با شمشیر بر کتف چپ امام زد امام نیز با شمشیر خود زرع را از پای درآورد.

شخص دیگری جلو آمد و با ضربه شمشیر بر دوش مبارک آن امام مظلوم زد شدت ضربه به حدی بود که امام با صورت بر زمین افتاد.

در همین اثناء بود که سنان بن انس نخعی لعنه الله علیه نیزه خویش را در گودی گلوی امام فرو برد و سپس نیزه را خارج ساخت.

عمر بن سعد لعنه الله علیه به مردی که در سمت راستش ایستاده بود روی کرده و گفت وای بر تو از اسب پیاده شو و حسین را خلاص نما.

راوی گفت خولی بن یزید اصبحی لعنه الله علیه پیش دستی نمود و می خواست که قبل از هر کس دیگری سر حضرت را ببرد ولی بدنش لرزید نتوانست.

هلال بن نافع روایت کرده که من در کنار لشکر ابن سعد که خدا او را لعنت کند ایستاده بودم در این حال شخصی فریاد برآورد ای امیر مژده باد بر تو که شمر حسین علیه السلام را کشت.

هلال می گوید من از صف لشکر ابن سعد بیرون آمدم بالا سر حسین علیه السلام ایستادم آن حضرت در حال جان کندن بود به خدا سوگند هرگز کشته به خون آغشته ای را که زیباتر و نورانی تر از او باشد ندیدم من چنان محو نورانیت و زیبایی جمال آن حضرت شدم که نفهمیدم چگونه او را به شهادت رساندند. (۱)

وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى الطَّالِبُ بِثَارِكَ وَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَ التَّأْيِيدِ فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ وَ إِظْهَارِ دَعْوَتِكَ :

و شهادت می دهم که ای حسین خداوند تبارک و تعالی منتقم خون توست و آنچه را که درباره یاری ات وعده داده عمل خواهد کرد و دشمنت را نابود و دعوت ترا را ظاهر می کند.

نکات مهمی در این فراز از صلوات بر حضرت سید الشهداء از زبان امام حسن عسکری علیه السلام نهفته است.

اول آنکه خداوند منتقم خون حسین علیه السلام است و اگر در زیارت عاشورا گفته می شود اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یا ثَارَ اللَّهِ وَ ابْنَ ثَارِهِ به همین معناست ای کسی که خون خدا و فرزند خون خدایی یعنی این خداست که انتقام خون تو و پدرت را از این امت خطا کار خواهد گرفت.

انتقام با ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام می گیرد آن هم نه فقط با کشتن بازماندگان قاتلین کربلا بلکه با برتری یافتن تفکر حسین بر کل جهان و غلبه حق بر باطل.

دوم آنکه خداوند وعده یاریش محقق خواهد شد و آن نصرت و یاری را بعد از گذشت چهارده قرن بر دشمنی می بینیم که در سرتاسر عالم حسین و انگیزه قیامش

ص: ۱۴۹

معرفی شده و آزادیخواهان عالم اعم از مسلمان و غیرمسلمان نهضت عاشورا را گرامی داشته و به بررسی و تحلیل وقایع آن می پردازند و حرکت آن گرامی را الگویی برای نهضت های خود و مبارزه با کفر و ظلم قرار داده و می دهند.

و در مرحله سوم شاهدیم چگونه دشمنان حضرت از صفحه تاریخ محو و نابود شدند و حتی یک قبر به عنوان نیکو داشت بنی امیه باقی نمانده است.

و در بخش چهارم صلوات و عرض ادب به امام حسین علیه السلام شاهدیم که چگونه دعوت امام علیه السلام علنی گشت و از محیط بسته کوفه و شام به بیرون و کل جهان سرایت کرد.

معاویه در مدت چهل سال حکومت بر شام توانسته بود اهل شام را آن چنان که می خواهد به دور از اسلام پرورش دهد.

صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هم نتوانستند در این باره کاری انجام دهند معاویه توانست کاری کند که نگذارد امیرالمومنین علی علیه السلام با نه هزار مرد جنگی به شام برسند و شام را فتح کنند لیکن حضرت سیدالشهدا علیه لاسلام با سر بریده خود و یارانشان شام را فتح کردند و شام دگرگون شد و یزید مجبور شد ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را بعد از اسیری با احترام بسیار به مدینه بازگرداند. مردم در همه شهرهای اسلامی بیدار شدند اولین شورش در مدینه آغاز شد که آن را واقعه حره می نامند دومین شورش در مکه شد. سومین شورش توسط توایین انجام گرفت که چهار هزار نفر بودند بعد هم قیام مختار بود خلاصه شورش ها یکی پس از دیگری بر پا شد تا خلافت بنی امیه سرنگون گردید.

مهمترین آثار قیام حضرت حسین علیه السلام این بود که قداست خلافت جور را شکست و این توهم را که مسلمانان خیال می کردند اطاعت از مثل معاویه و یزید که خود را امیرالمومنین می نامیدند اطاعت از عین دین است و این خلفا را محترم تر از پیامبر خدا می دانستند باطل کرد. حجاج در زمان عبدالملک در خطبه اش گفت:

اخلیفه احدکم أَقْرَبُ عِنْدَهُ أُمُّ رَسُولِهِ عَنِّي : آیا خلیفه خدا نزد شما مقرب تر است.

یا رسول خدا؟! (۱) مقصودش از این سخن آن بود که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم تنها یک پیغام آور از جانب خدا بود در حالی که عبدالملک خلیفه خدا بر روی زمین است.

یکی از نمونه های نصرت الهی و ظاهر کردن دعوت امام حسین علیه السلام این بود که دنیا فهمید آنچه را که از احکام و قوانین در اختیار خلفای جور است ربطی به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم ندارد و با حرکت خود اسلام خالص را شناساند و با کج اندیشی ها مبارزه کرد.

خود می فرمود این نهضت من نه برای سرکشی و طغیان و نه از روی هوای نفس و انگیزه شیطان است نه منظور آن است که فساد کاری کنم و یا بر کسی ستمی روا دارم تنها آنچه مرا به این جنبش عظیم دعوت می کند آن است که کارهای امت جدم را اصلاح کنم و از فساد کاری جلوگیری نمایم و راه امر به معروف و نهی از منکر را در پیش گیرم و روش جد خود رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و پدر خود علی علیه السلام را دنبال نمایم هر کس در مقابل دعوت من سر تسلیم و پذیرش فرود آورد و حق را از من بپذیرد چه بهتر و هر کس هم نپذیرد و عکس العمل نشان دهد باز صبر می کنم و در راه رسیدن به اهداف خود مصیبت ها و ناملایمات را تحمل می کنم. (۲)

الطَّالِبُ بشارک باز این جمله را تکرار کردم تا بیشتر به منتقم خون حسین علیه السلام توجه شود و یک پل ارتباطی بین عاشورا و مهدویت زده شود اگر دقت کرده باشید در دو جای زیارت عاشورا صحبت از انتقام خون حسین علیه لاسلام به دست امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح است.

وَ اَكْرَمَنِي اَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكٍ مَعَ اِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ از خداوند می خواهم به من کرامت کند و روزیم نماید انتقام خونت را همراه با امامی که یآوری شده از خاندان محمد صلی الله علیه و آله وسلم بگیرم.

وَ اَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ اِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ از خدا می خواهم روزیم کند انتقام خون شما را همراه با امام مهدی که هدایتگر و

ص: ۱۵۱

۱- عقد الفرید ج ۵ ص ۲۸۵ و ۲۸۶

۲- نهج الشهاده ص ۲۶۵

گویای حق از خانواده شماست بگیرم.

علت ارتباط امام زمان علیه السلام و امام حسین علیه السلام و به یاد هر دو بزرگوار بودن در همیشه ایام به ویژه در زیارت عاشورا و هنگام یاد حسین بن علی علیه السلام و امام عصر روحی له الفداء اهداف مشترک آن دو عزیز و نازنین است حسین علیه السلام می خواست احکام تعطیل شده اسلام را احیاء کند و بساط ظلم را برچیند و این همان کاری است که امام زمان علیه السلام روزی در کل جهان پیاده خواهد کرد. یک روز امیرالمومنین علیه السلام خطاب به امام حسین علیه السلام فرمود:

التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُظْهِرُ لِلدِّينِ الْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ (۱)

ای حسین نهمین پسر تو همان کسی است که به حق قیام می کند دین خدا را ظاهر می سازد و عدالت را در سطح گیتی گسترش می دهد.

در کتاب های شیعه در روایاتی چند به نخستین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور اشاره شده است از جمله این روایات است زمانی که حضرت مهدی روحی له الفداء ظهور می کند ما بین رکن و مقام می ایستد و چهار ندا سر می دهد و در این پنج ندا خود را به جهانیان معرفی می کند

أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَا الصَّمْصَامُ الْمُنتَقِمُ اِيْ مَرْدَمِ عَالَمٍ مِنْ شَمَشِيرِ اِنْتِقَامٍ كَإِنَّمَا أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطَشَانًا اِيْ مَرْدَمِ عَالَمٍ بِدَانِيْدٍ جَدِّ بَزْرْكَوَارْمِ حُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَا بِا لَب تَشْنَه كَشْتَنْد. أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ طَرَحُوهُ عُرْيَانًا مَرْدَمِ عَالَمٍ بِدَانِيْدٍ كِه بَدَن بَرَهْنَه وَ بِي لِبَاسِ جَدَم رَا رُوِي خَاك هَا اِنْدَاخْتَنْد وَ رَفْتَنْد. إِلَّا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ أَنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ صَعَقُوهُ عُذُوَانَا اِيْ مَرْدَمِ عَالَمٍ بَدَن جَدَم حُسَيْنٍ رَا زِيْر پَا اِيْ سَبَانَ قَرَار دَاَدَنْد. (۲)

امام زمان علیه السلام در این دقایق ظهورش این سخنان را میفرماید تا به مردم دنیا بفهماند که می خواهد انتقام خون حسین علیه السلام را بگیرد.

باز هم از ارتباط نزدیک بین امام حسین علیه السلام و امام زمان علیه السلام عرض کنم که در شب

ص: ۱۵۲

۱- بحار ج ۵۱ ص ۱۰۹

۲- به نقل از کتاب محدث بزرگ شیخ علی یزدی حائری ص ۲۵۱

قدر که شب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و ملائکه و روح بر آن حضرت نازل شده تقدیر امور در اختیار آن حضرت می گذارند پیشوایان معصوم علیهم السلام در تفسیر سوره قدر فرموده اند در این شب فرشتگان مقدرات یک سال را نزد ولی مطلق زمان امام عصر ارواح العالمین له الفداء آورده بر او عرضه و تسلیم می کنند در چنین شبی یاد امام حسین علیه السلام در دل ها زنده می شود چرا که یکی از اعمال مستحبی شب قدر زیارت امام حسین علیه السلام است. (۱)

در دعای ندبه که مختص به امام زمان علیه اسلام است عرض می کنیم *أَيُّنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَا* (۲) کجاست آن آقای که طالب خون بناحق ریخته کشته کربلاست.

از بعضی روایات استفاده می شود روز ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف روز عاشورا است و به طور کلی همان گونه که عرض کردم این دو امام معصوم علیهم السلام اهداف مشترک دارند و امام زمان علیه السلام بالاخره اهداف جد بزرگوارش را در جهان پیاده خواهد کرد.

باز هم می توان به طریقی پلی ارتباطی به نام رجعت بین امام حسین علیه السلام و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برقرار کرد و گذشته از مباحث قرآنی و اتفاقات مستند در اثبات رجعت که بحث هایی را در جای خودش می طلبد امام حسین علیه السلام اولین کسی است که بعد از شهادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا برمی گردد و تشکیل حکومت می دهد و از قاتلین خود انتقام می گیرد.

قطب راوندی و دیگران از جابر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که حضرت حسین علیه السلام در صحرای کربلا پیش از شهادت فرمودند اول کسی که زمین شکافته می شود و از زمین بیرون می آید من خواهم بود و بیرون آمدن من موافق می افتد با بیرون آمدن امیرالمومنین و قیام قائم ما (۳)

عیاشی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که اول کسی که به دنیا برمیگردد حضرت امام حسین علیه السلام است و اصحاب و یزید و اصحاب او پس همه ایشان را

ص: ۱۵۳

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- مفاتیح الجنان محدث قمی

۳- حق یقین ج ۲ ص ۷

بکشد مثل آنکه ایشان را کشتند. (۱)

باز روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده که اول کسی که در رجعت برخواید گشت حضرت امام حسین علیه السلام خواهد بود و آن مقدار حکومت خواهد کرد که از پیری موهای ابروهای او بر روی دیده اش آویخته شود. (۲)

حقیر معتقدم یک وجه شباهت دیگری بین امام حسین علیه السلام و امام عصر روحی له الفداء وجود دارد و آن غربت دین در عصر حسین علیه السلام و در عصر انتظار و قبل از ظهور مولایمان امام زمان علیه السلام است. غربت دین در زمان حضرت حسین علیه السلام تا جایی بود که نوه رسول خدا و یارانش را کشتند و قاتلین از حاکم زمان جایزه گرفتند و روز عاشورا روزی شد که تبرکت به بنی امیه به خاطر کشتن حسین بن علی علیها السلام از آن روز تبرک جستند و شادی کردند.

در عصر غیبت و قبل از ظهور نیز دینداری و تدین آنقدر غریب می شود که اگر کسی بخواید به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم عمل کند مورد مسخره و استهزاء قرار می گیرد و به قول قرآن شریف ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ (۳)

به واسطه رفتار مردم فساد در خشکی و دریا آشکار گردید.

امام حسین علیه السلام درباره عصر انتظار می فرمود: لَهُ عَيْتُهُ يَزْتَدُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَنْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخِرُونَ فَيُودُونَ وَيُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَمَّا الصَّابِرُ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبُ بِمَنْزِلِهِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَسَلَّمَ (۴)

برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غیبتی است که عده ای در آن مدت گرفتار شک و تردید می شوند ولی عده ای دیگر ثابت قدم و پابرجا خواهند ماند.

و بعضی به این گروه مقاوم می گویند به تحقیق کسی که بر اذیت و تکذیب

ص: ۱۵۴

۱- حق یقین ص ۱۱ و ۱۲

۲- حق یقین ص ۱۱ و ۱۲

۳- روم ۴۱

۴- بحار ج ۵۱ ص ۱۲۲

دشمنان در عصر غیبت آن گرامی صبر کند همانند مجاهد مسلحی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم با دشمنان اسلام جنگیده است.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ:

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید شهادت می دهم که ای حسین بن علی علیها السلام به عهدی که با خداوند داشتی وفا کردی.

منظور کدام عهد است؟ وفای به عهد الله امام حسین علیه السلام قابل تأمل و درنگ است این عهد بین امام حسین و خداوند تبارک و تعالی از اسرار است یا برای همه آشکار می باشد باید برگردیم به قبل از عاشورا و بینیم که در لابلای گفتار جد بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و پدر و مادر یعنی امیرالمومنین و حضرت زهرا علیها السلام چه پیش بینی برای حضرت شده بود که حادثه عاشورا را خیلی واضح بیان می کردند و حتی میخواستند که باید او را یاری کنند.

از طریق سنت از مثل انس بن حارث و شیعه نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

إِنَّ ابْنِي هَذَا يَعْنِي الْحُسَيْنَ يُقْتَلُ بِأَرْضٍ مِنَ الْعِرَاقِ فَمَنْ أَدْرَكَ مِنْكُمْ فَلْيَنْصُرْهُ (۱)

این فرزند من یعنی حسین علیه السلام در زمینی از عراق کشته می شود پس هر کس از شما او را درک کرد باید او را یاری کند.

در منزل ثعلبیه امام حسین علیه السلام به مردی کوفی که ظاهراً می خواست ایشان را از رفتن به کوفه به سبب کشته شدن در آنجا منع کند فرمود ای مرد کوفی سر چشمه دانش نزد ماست آیا آنان (مردم) سرنوشت آینده ما را می دانند و ما نمی دانیم این امر ممکن نیست. (۲)

اینگونه پاسخ های صریح به خوبی نشان می دهد که امام حسین علیه السلام با خداوند عهدی دارد که باید وفا کند هر چند این راه به شهادت انجامد. از این رو در برابر اعلام خطر بعضی از به ظاهر دوستان می فرمود: وَاللَّهِ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ خَيْرًا

ص: ۱۵۵

۱- البدایه و النهایه ج ۸ ص ۲۱۷. بحار ج ۴۴ ص ۲۴۷

۲- کافی ج ۱ ص ۳۲۸

مَا أَرَادَ اللَّهُ بِنَا قَتْلَنَا أَمْ ظَفَرْنَا (۱)

به خدا سوگند امیدوارم آنچه خدا درباره ما اراده کرده خیر باشد چه کشته شویم و چه پیروز شویم.

طبق نقل سید بن طاووس امام حسین علیه السلام در شبی که بامدادش می خواست از مکه به سوی کوفه حرکت کند در گفتگو با برادرش محمد بن حنفیه فرمود دیشب در خواب دیدم که رسول صلی الله علیه و آله وسلم به من فرمود: أَخْرِجْ إِلَيَّ الْعِرَاقَ أَنَّ اللَّهَ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا (۲) ای حسین بیرون برو به سوی عراق چون خدا خواسته است تو را کشته ببیند.

حالا تا حدی عبارت وَ أَشْهَدُ أَنْكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ روشن شد و آن وفای به عهدی بود که تا مرز شهادت حضرت حسین علیه السلام پیش رفت.

وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ:

رمز ماندگاری نهضت امام حسین علیه السلام اخلاص و مجاهدت مخلصانه آن حضرت بود کار وقتی برای خدا باشد می ماند چنانکه قرآن بدان اشاره دارد.

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۳)

آنچه مربوط به شما می شود از بین رفتنی است و آنچه نزد خدا می فرستید ماندگار و باقی است و البته به اهل صبر پاداشی خیلی بهتر از آنچه را که انجام داده اند خواهیم داد.

رتبه اخلاص امام حسین علیه السلام بی واسطه است او شده مُخْلِص یعنی مال خدا متعلق به خدا و گزینش شده خدا و لذا بر او خطاب می شود.

يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي

ص: ۱۵۶

۱- طبری تاریخ الامم و الملوک ج ۵ ص ۴۰۵

۲- اللهوف علی قتلی الطفوف ص ۱۲۸

۳- نحل ۹۶

ای صاحب نفس مطمئن به سوی پروردگارت بازگرد در حالی که هم تو از خدا راضی هستی و هم خدا از تو راضی است پس در جمع بندگانم وارد شو. و در بهشتم در آی.

عبادی و جَنَّتِي مختص امثال حسین بن علی علیهما السلام است که همه چیز خود را در اختیار خداوند گذارده و به مرتبه کمال و بالای خلوص رسیده اند و متعلق به خدا شده اند.

کاری که از دست ما بر می آید نسبت به حضرت سید الشهداء علیه السلام آن است که ما نیز از در اخلاص به عزاداری و عرض ادب به ساحت مقدس آن حضرت وارد شویم تا در این رهگذر اجر مخلصین را صاحب شویم. و بدانجا رسیدم که طبق فرمایش امام صادق علیه السلام حضرت حسین علیه السلام در حق ما دعا کند تا مشمول عفو و رحمت پروردگار قرار گیریم. امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی فرمود.... جدم حسین بن علی علیها السلام به خداوند عرض می کند پروردگارا وفا کن به عهدی که با من بسته ای و نظری کند بر زیارت کنندگان خود ایشان را با نام هایشان و نام پدرانشان و نظر می کند به سوی آنهایی که بر او گریه می کنند و برایشان طلب آمرزش کرده و برای پدرانشان نیز طلب استغفار می کند و بعد خطاب به سوگواران خویش می فرماید ای گریه کنندگان بر من اگر بدانید که خدا چه چیزی برای شما مهیا کرده از ثواب ها هر آینه شادی شما زیادتیر از اندوه شما خواهد شد و آن بزرگوار از حق تعالی درخواست می کند که هر گناه و خطا که گریه کننده بر او کرده است بپامزد. (۲)

وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ:

و ای حسین علیه السلام خدا را مخلصانه بندگی کن تا مرگ و شهادت به سراغت آمد.

ص: ۱۵۷

۱- فجر ۲۷ تا ۳۰

۲- منتخب طریحی ج ۲ ص ۱۴۰

اینجا یقین مرتبه کامله آن است یعنی حق یقین جایی که پرده ها کنار می رود و توسط مرگ عالم جدید برزخ آغاز می شود و وعده ها و وعیدهای الهی آشکار می گردد.

باز هم سخن از اخلاص حسین بن علی علیه السلام مطرح است امام حسین علیه السلام خدا را خالصانه بندگی کرد حرکت و قیامش برای رسیدن به منافع دنیایی نبود برای رسیدن به مقام و ریاست نبود چنانکه خود فرمود چیزی را که خیلی شباهت داشت به خطبه پدر بزرگوارش امیرالمومنین علی علیه السلام در خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ إِنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافِسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا اِتِّمَاسَ شَيْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ، وَ لَكِنْ لِنَزْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ، وَ نُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْتِيَ مِنَ الْمُظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ سُنِّكَ وَ أَحْكَامِكَ.....(۱)

خدایا تو می دانی آنچه ما انجام داده ایم از قبیل سخنان و اقدامات بر ضد حاکمان اموی به دلیل رقابت و سبقت جویی در فرمانروایی و افزون خواهی در متاع ناچیز دنیا نبوده است بلکه برای این بوده که نشانه های دینت را به مردم نشان دهیم و اصلاح در سرزمینهایت را آشکار کنیم. می خواهیم بندگان ستم دیده ات در امان باشند و به واجبات و سنت ها و احکامات عمل شود.

با دقت در این جملات بندگی خالصانه حضرت حسین علیه السلام کاملاً روشن می شود و نشان داده می گردد که هیچ شائبه و انگیزه غیر الهی در کار حضرت وجود نداشته

۱- احیای مظاهر و نشانه های اسلام اصیل و ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم

۲- اصلاح و بهبود و وضع مردم سرزمین های اسلامی.

۳- تامین امنیت مردم ستم دیده

۴- فراهم کردن بستری مناسب برای عمل به احکام و واجبات الهی

در جای دیگر به چیزی اشاره می کند که محبوبش پروردگار شدیدا بر آن اصرار

ص: ۱۵۸

دارد و می خواهد همه مردم به آن عبادت بزرگ مشغول باشند و شانه خالی نکنند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّ الْمَعْرُوفَ وَ أَكْرَهُ الْمُنْكَرَ (۱)

خدایا من به معروف اشتیاق دارم و از منکر تنفر دارم.

بر همین اساس در خطابات بعضی از زیارت ها از جمله زیارت وارث به آن حضرت عرض می کنیم

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ أَتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ (۲)

گواهی می دهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی.

امام حسین علیه السلام انگیزه الهی خود را در نامه ای به مردم و شیعیان بصره این طور نوشت: فَإِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَىٰ أَحْيَاءِ مَعَالِمِ الْحَقِّ وَ أَمَانَةِ الْبَدْعِ (۳)

من شما را به زنده کردن نشانه های حق و نابود کردن بدعت ها می خوانم.

در یکی از زیارت های مطلقه امام حسین علیه السلام خطاب به حضرت عرض می کنیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَمَرْتَ بِالْقِسْطِ وَ الْعَدْلِ وَ دَعَوْتَ إِلَيْهِمَا (۴)

شهادت می دهم که تو به عدل و داد امر کردی و مسلمانان را به سوی این دو دعوت نمودی.

اگر کسی بگوید جمله عَبَدْتَ اللَّهَ در این فراز از صلوات بر حضرت حسین علیه السلام چرا به نوع نماز و روزه و حج حضرت اشاره نشده عرض میکنم آیا امر به معروف و نهی از منکر و تلاش برای اقامه عدل و داد و زنده کردن معارف الهی و نابود کردن بدعت ها عبادت محسوب نمی شود؟! به ویژه آنکه همه این کارها را حضرتش خالصانه انجام داد.

عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً امام جواد علیه السلام فرمود:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْإِخْلَاصُ (۵)

ص: ۱۵۹

۱- مقتل خوارزمی ص ۱۸۶

۲- مصباح المتهجد ص ۷۲۰

۳- الاخبار ص ۳۶۴

٤- مفاتيح الجنان محدث قمى

٥- تنبيه الخواطر ج ٢ ص ١٠٩

برترین عبادت اخلاص است.

یا پدر بزرگوارش فرمود:

أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ (۱)

برترین عبادت خالص گرانیدن عمل برای خداست.

عرض می کنم در نماز و روزه و حج و مناجات با پروردگار که از عبادت های عینی و تجسمی است حضرت حسین علیه السلام الگو و اسوه بوده است.

بعد از ظهر روز عرفه که وقوف در صحرای عرفات جزو ارکان حج محسوب می شود طبق نقل محدث قمی رحمه الله علیه امام حسین علیه السلام با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان با نهایت تذلل و خشوع در جانب چپ کوه ایستادند و امام علیه السلام روی مبارک را به سوی کعبه گردانیده و دست ها را برابر صورت گرفته مانند مسکینی که طعام می طلبد دعای عرفه را خوانده است دعایی که یک جهان معارف توحیدی و عشق به پروردگار در آن نهفته است و نشانگر بلندی و اوج شوق و ذوق آن بزرگوار به بندگی کردن به درگاه الهی است.

غروب روز تاسوعا پس از تهدید شمر بن ذی الجوشن امام حسین علیه السلام به حضرت عباس علیه السلام فرمود:

ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَإِنْ اسْتِطَعْتَ أَنْ تُؤَخِّرَهُمْ إِلَى غُدْوَةٍ وَ تَدْفَعَهُمْ عِنْدَ الْعِشِيِّ لَعَلَّنَا نُصَلِّيَ لِرَبِّنَا اللَّيْلَةَ وَ نَدْعُوهُ وَ نَسْتَغْفِرُهُ فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي قَدْ كُنْتُ أَحِبُّ الصَّلَاةَ لَهُ وَ تِلَاوَةَ كِتَابِهِ وَ كَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ (۲)

برگرد و اگر توانستی تا بامداد فردا برای ما مهلت بگیر باشد که ما امشب برای پروردگار خود نماز بخوانیم و دعا کنیم و در پیشگاه او آمرزش بخواهیم خدا می داند که من نماز خواندن و قرآن خواندن و زیاد دعا کردن و استغفار کردن را دوست دارم.

لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ قَتْلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ خَذْلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ أَلَبْتُ عَلَيْكَ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِمَّنْ أَكْذَبَكَ وَ اسْتَحَفَّ بِحَقِّكَ وَ اسْتَحَلَّ دَمَكَ:

ص: ۱۶۰

امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید خدا لعنت کند ملتی را که تو را کشتند و خدا لعنت کند ملتی را که از یاری تو دریغ کردند و خدا لعنت کند ملتی را که بر علیه تو هماهنگ شدند و نزد خدا از هر که تو را تکذیب کرد بیزاری می جویم و نیز از آنها که حق تو را سبک شمردند و خونت را حلال دانستند.

این بخش تبری و بیزاری جستن و لعن و نفرین بر قاتلان حضرت حسین علیه السلام و آن هایی که از یاری کردن آن بزرگوار دریغ کردند تشکیل شده که جزو بخش مهم فروع دین ماست و شاید از اظهار ارادت و دوستی به اهل بیت علیهم السلام مهم تر باشد.

چنانکه در زیارت گرانقدر عاشورا امام محمد باقر علیه السلام لعن و نفرین و بیزاری جستن از ظالمان حقوق اهل بیت علیهم السلام را بر سلام و درود مقدم داشته و این نشانگر اهمیت آن است و حقیر معتقدم کسانی که از لعنت کردن و بیزاری نمودن از همه کسانی که به نوعی در کشتن امام حسین علیه السلام و فرزندان و یاران باوفایش نقش داشتند امتناع کنند و حاضر نباشند بر آنان اظهار تنفر کنند قبل از هر کس مشمول نفرین شخص امام حسین علیه السلام خواهند شد همان طور که ابن حوزة کینه توز شد.

او مردی از قبیله بنی تمیم به نام عبدالله بن حوزة بود که از میان لشکر دشمن بیرون آمد و در مقابل امام حسین علیه السلام ایستاد و گفت ای حسین ای حسین امام فرمود چه می خواهی گفت تو را به آتش دوزخ بشارت باد امام علیه السلام فرمود:

كَلَّا إِنِّي أَقَدَّمُ عَلَى رَبِّ رَحِيمٍ وَ شَفِيعٍ مُطَاعٍ

هرگز چنان نخواهد بود من به سوی پروردگاری مهربان و آن شفيعی که شفاعتش پذیرفته است می روم.

آن گاه امام علیه السلام پرسید این کیست یارانش گفتند این فرزند حوزة است امام فرمود: اللَّهُمَّ إِنِّي النَّارُ پروردگارا او را به سوی آتش ببر ناگاه اسب او بنای چموشی گذاشت و او را به سوی چاله ای کشید و او از روی اسب لغزید و پایش به رکاب گیر کرد و با سر از اسب آویزان شد در این هنگام اسبش رم کرد و او را

می کشید سر او به هر سنگ و تنه درختی می خورد تا به هلاکت رسید. (۱)

سرتاسر زیارت عاشورا غیر از سلام و عرض ادب به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام لعن و نفرین بر پایه گذاران ظلم و جور بر خاندان همت و طهارت و حضرت حسین علیه السلام است. و گفتن عباراتی از این قبیل که خدا لعنت کند آل زیاد و آل مروان و قاطبه بنی امیه را خدا لعنت کند فرزند مرجان ابن زیاد و عمر بن سعد و شمر و همه کسانی که به هر طریقی در کشتن سید الشهداء علیه السلام خود را مجهز نموده و شرکت کردند.

آری زیارت عاشورا بهترین گواه بر بیزاری جستن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام است و عالی ترین نشانه شیعه می باشد بنابراین هر کس با معرفت و اعتقاد به متن محکم و مستدل این زیارت به خواندن آن مداومت ورزد بی شک تولی و تبری را با هم داراست و پیرو راستین خاندان پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله وسلم خواهد بود.

در این زیارت به پدر و پسر و نوه یعنی ابوسفیان و معاویه و یزید به طور صریح لعنت شده و به اول ظالم و دوم ظالم و سوم ظالم و چهارمی که معاویه و پنجمی که یزید باشد نیز لعنت شده و کسی از معاندین و غاصبین حقوق محمد و آل علیهم السلام از قلم نیفتاده است.

بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ خَاذِلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَاعِيَتَكَ فَلَمْ يُجِبْكَ وَ لَمْ يَنْصُرْكَ :

پدر و مادرم فدای تو ای اباعبدالله خدا لعنت کند قاتلت را و خدا لعنت کند دریغ کننده یاریت را خدا لعنت کند کسی که صدای رسای تو را شنید ولی تو را اجابت نکرد و به یاریت نیامد.

امام یازدهم حسن عسکری علیه السلام در این فراز از صلوات بر حسین بن علی علیها السلام می فرماید:

ص: ۱۶۲

پدر و مادرم فدایت ای اباعبدالله یک نکته در این عبارت هست که امام حسن عسکری علیه السلام ما را متوجه به آن می نماید تا یادمان باشد بهترین هدیه برای پدران و مادرانمان خواه زنده باشند و خواه از دنیا رفته باشند یاد و ذکر حضرت سید الشهدا علیه السلام است چنانکه در گوشه ای از زیارت عاشورا عرض می کنیم بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ پِدر و مادرم به فدایت که به راستی بزرگ شد مصیبت تو بر من.

ما عزیزتر از پدر و مادر و قابل احترام بیشتر از آنها سراغ نداریم خداوند آن قدر برای پدر و مادر ارزش گذاشته که بدون فاصله بعد از سفارش بندگی خود سفارش پدر و مادر را می کند و آن را به عنوان یک حکم قطعی و بدون چون و چرای خویش بیان می فرماید: وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (۱)

پروردگار حکم قطعی کرده که غیر او را بندگی نکنند و به پدر و مادر احسان نمایند.

یعنی پدر و مادر در هر رتبه مقامی که باشند نباید فراموش شوند و یکی از موارد احسان به آنها یادشان در مواقع دعا و زیارات است و گاه درخواست عفو و بخشش از جانب پروردگار برای آنهاست. رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ (۲) رَبِّ اغْفِرْ لِي وَ لَوَالِدَيَّ (۳)

یادمان نرود که در همه تشریفایمان به مشاهد مشرفه در اولین درودمان کنار مزار خاندان عصمت و طهارت نیابت از پدر و مادرمان کنیم چرا که آنان سبب شدند مهر و ولای اهل بیت علیهم السلام به کام جانمان بنشیند پس بر ماست که آنان را همیشه شریک اعمال خیر و خوب خویش کنیم.

ص: ۱۶۳

۱- اسرا ۲۳

۲- ابراهیم ۴۱

۳- نوح ۲۸

لعنت و نفریت به اسارت در آورندگان اهل بیت حسین علیه السلام

وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَى نِسَاءَكَ أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَمِمَّنْ وَالَاهُمْ وَمَالَاهُمْ وَأَعَانَهُمْ عَلَيْهِ:

خدا لعنت کند کسانی را که بانوان همراهت را اسیر کردند به خدا قسم از آنان بیزارم و از کسانی که با آنان دوستی و همراهی و کمک کردند بر علیه تو ای حسین بن علی علیها السلام یکی از مصیبت های بزرگ حادثه عاشورا موضوع اسارت بازماندگان و زنان آل رسول صلی الله علیه و آله وسلم بود.

بانوان حرم حسینی را بر شترانی که گلیم پاره ای بر روی آنها بود سوار کردند آنها بر شترانی سوار بودند که نه محملی داشت و نه سایبان آنان را با وجودی که امانت های پیامبران خدا بودند در حالی که صورتشان باز و فاقد نقاب بود و همانند اسرای ترک و روم در بدترین وضعیت و با اسیری و گرفتاری بردند.

شاعری در این باره سروده است که:

يُصَلِّي عَلَى الْمُبْعُوثِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ *** وَيُغْزِي بَنُوهُ إِنَّ ذَا لَجِيبٍ

بسیار جای تعجب است از مردمی که بر پیامبر هاشمی و جانشین او درود می فرستد در حالی که فرزند او را به قتل می رسانند.

و شاعر دیگری سروده:

اترجو أُمِّهِ قَتَلَتْ حُسَيْنًا *** شفاعه جدّه يَوْمَ الْحِسَابِ

آیا گروهی که حسین علیه السلام را به شهادت رسانیدند می توانند امید به شفاعت جد او داشته باشند.

کاروان اسرای اهل بیت علیهم السلام در حالی که ابن سعد پیشاپیش آنها حرکت می کرد به راه خود ادامه داد تا آنکه به نزدیکی شهر کوفه رسیدند کوفیان برای تماشا و دیدن اسراء جمع شدند.

راوی می گوید یکی از زنان ساکن کوفه از بلندی که بر اسیران اشراف داشت سر برآورده و گفت شما اسراء متعلق به کدام خاندان هستید؟!

فَقُلْنَ فَمَنْ اسَارَى آلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ زَنَانِ اسِيرٍ كَفْتُنَد مَا اسِيرَانِ آلِ مُحَمَّدِيم.

زن با شنیدن این کلام از پشت بام پایین آمده سپس هر چه چادر و مقنعه داشت جمع نمود آنها را به اسیران داد تا خود را بپوشانند.

بشرین بن حزیم اسدی گفت آن روز که اسراء از جمله حضرت زینب دختر امیرالمومنین علی علیه السلام را دیدم به خدا سوگند من زنی را دیدم که همه وجودش شرم و حیا بود و در عین حال به گون ای سخنرانی کرد که گویی خطابت را از پدر بزرگوارش علی بن ابیطالب علیه السلام یاد گرفته است.

عناوین خطابه حضرت زینب علیها السلام این بود خاموش شوید ای بی وفایان چشمه اشک هایتان خشک نشود شما سبزه در منجلاب هستید بد توشه ای مهیا کردید بسیار بگریید و کم بخندید بسیار زیانکار شدید آیا می دانید چه خونی را ریختید بدانید که عذاب خدا ننگین تر است.

راوی گفت به خدا سوگند آن روز مردم را دیدم در حالی که سرگشته و حیران مشغول گریه و زاری بودند آنها انگشت پشیمانی و اندوه بر دندان گرفته و می گزیدند.

پیرمردی در کنار من ایستاده بود او را دیدم که به شدت می گریست به حدی که محاسنش خیس شد و در این حال می گفت:

يَا أَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي كَهْوُ لَكُمْ خَيْرُ الْكُهُولِ وَشَبَابُكُمْ خَيْرُ الشَّبَابِ وَنَسَاوُكُمْ خَيْرُ النِّسَاءِ وَنَسْلُكُمْ خَيْرُ النَّسْلِ لَا يُخْزِي وَلَا يُبْزِي (۱)

پدر و مادرم فدایتان شوند که کهنسالان شما بهترین کهنسالان و جوانانتان بهترین جوانان و زنانان بهترین زنان و نسل شما بهترین نسل ماست که نه خوار می شود و نه شکست می پذیرد.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَالْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَبَابُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى

ص: ۱۶۵

و شهادت می دهم که ای حسین علیه السلام به تحقیق تو و امامان معصوم از نسل تو مفهوم پرهیزکاری و درب هدایت و دست آویزهای محکم و دلیل قاطع بر مردم جهانید.

چهارده معصوم علیهم السلام به طور کلی مفهوم پرهیزکاریند. تقوا را به هر معنا بگیریم چه به معنای ترس از خدا و یا پرهیز از لغزش ها و خطاها مصداق کامل و جامعش آن ذوات مقدسه هستند به اعتراف دوست و دشمن یک نقطه ضعف که نشان از بی تقوایی باشد در پرونده هیچ کدام از معصومین دیده نمی شود و اگر بود دشمنان اهل بیت آن را آشکار کرده و در کتاب هایشان می آوردند و جالب است که مدح و ثنای اهل بیت علیهم السلام چه به عنوان حدیث و روایت و چه به نام تاریخ زندگانی آن ها اگر بیشتر از اساتید شیعه نباشد کم تر نیست.

یک نمونه از مفهوم تقوا و غیرت حسینی را در لحظات آخر عمر شریفش ملاحظه کنید:

امام حسین علیه السلام هم بر خویشتن مواظبت داشت که کاری برخلاف رضای خدا انجام ندهد و هم بر خاندانش کوشا بود که عفاف و حرمتشان نشکند.

نسبت به ناموس و حفظ عفاف آنها تا آخرین لحظات کوشید تا اینکه یکی از سپاه یزید به نام صالح بن وهب ضرب ای سهمگین بر پیکر مقدس حسین علیه السلام فرود آورد آن حضرت از نشستن بر روی اسب ناتوان شد و از اسب فرود آمد ولی آنگاه که یورش بی شرمانه دشمن را به خیمه های زنان دید نتوانست بر زمین آرام گیرد از این روی برخاست و به مبارزه پرداخت ولی زخم های فرو نشسته بر پیکرش او را از مبارزه بازداشت و بر زمین نشست و در حالی که جامه خزی بر دوش داشت دژخیمان حلقه را بر او تنگ تر کردند و چنان ضرباتی بر پیکرش فرو نشاندند که از نشستن هم ناتوان شد ولی در همان حال می فرمود:

اَقْصِدُونِي بِنَفْسِي وَ اَتْرَكُونِي حَرَمِي بِرَمْنِ يَورِثُ اَرِيْدَ وَ خَانُوَادَه اَم رَا وَاَدَارِيْدَ. (۱)

در جای دیگر نقل شده که حضرت فریاد برآورد: وِیْلَکُمْ یَا شِیْعَه آلِ اَبِی سَیْفِیَانِ اِنْ لَمْ یَکُنْ لَکُمْ دَیْنٌ وَ کُنْتُمْ لَا تَخَافُوْنَ یَوْمَ الْمَعَادِ فَکُونُوا اَحْرَارًا فِی دُنْیَاکُمْ هَذِهِ وَاَرْجِعُوا اِلَیْ اَحْسَابِکُمْ اَنْ کُنْتُمْ عَرَبًا کَمَا تَزْعُمُوْنَ (۲)

وای بر شما ای پیروان و شیعیان خاندان ابوسفیان اگر دین ندارید و از روز قیامت نیز نمی ترسید حداقل در این دنیا آزاد مرد باشید و اگر آنگونه که گمان دارید عرب هستید پس به اصل و نژاد خویش بازگردید.

وَ بَابُ الْهُدٰی وَ الْعُرُوْه الْوُثْقٰی وَ الْحِجَّه عَلٰی اَهْلِ الدُّنْیَا:

از برکت وجود سیدالشهداء چه انسان هایی که ترک گناه کردند و هدایت یافتند.

بعد از حادثه کربلا تا به امروز هر آنچه هدایت و راهنمایی نسبت به دین خداوند تبارک و تعالی می شود سرچشمه اش باب الهدی یعنی حضرت حسین علیه السلام است چون اگر قیام آن بزرگوار نبود اثری از اسلام و مکتب نبوی صلی الله علیه و آله وسلم نبود و اینکه جد بزرگوارش فرمود: حُسَيْنٌ مِنِّيْ وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ (۳) حسین از من است و من از حسین هستم همین معنا را می رساند یعنی بقاء دین من توسط حسین علیه السلام است.

اَرٰی الْاِسْلَامَ مُحَمَّدِيَّ الْخُذُوْثِ وَ حُسَيْنِيَّ الْبَقَاءِ اسلام توسط رسول مکرم اسلام ایجاد شد و به وسیله امام حسین علیه السلام ابقاء گردید و خود فرمود: اِنْ كَانَ دِيْنٌ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمْ اِلَّا بِقَتْلِیْ یَا سَيُّوْفِ خَذِیْنِیْ اگر دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم نمی ماند مگر به شهادت من پس ای شمشیرها مرا دربرگیرید و مرا قطعه قطعه کنید.

بهترین دستاویز عروه الوثقی حضرت حسین علیه السلام است آنان که زلف خود را با این بزرگوار گره زده اند آبرومند دنیا و آخرتند چون همه آبروها و عزت ها را باید در تشکیلات امام حسین علیه السلام سراغ گرفت.

ص: ۱۶۷

۱- خصائص الحسینیه ص ۹۰

۲- لهوف ص ۱۶۵

۳- بحار ج ۴۳ ص ۲۶۱

البته این حقیقت به تجربه حداقل برای محبان و عاشقان حضرتش ثابت شده که نوکران و خادمان با اخلاص امام حسین علیه السلام چه اندازه وجهه و ارج و قرب در نزد خدا و رسول و علی و فاطمه و ائمه طاهرين عليهم السلام و حتی مردم عادی دارند.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَإِلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ

در این بخش از زیارت عاشورا همان طور که ملاحظه می نمایید از خداوند می خواهیم که نزدش تقرب جوئیم و آبرو کسب کنیم در دنیا و آخرت توسط حضرت سید الشهداء علیه السلام و خطاب به شخص حسین بن علی علیه السلام عرض میکنیم که ای حسین عزیز من به خدا و رسول او و امیرالمومنین و فاطمه و حسن و شما تقریمی جوئیم به خاطر سرمایه بزرگ ولایت و ارادت به شما نتیجه آنکه حسین علیه السلام باب الهدی و عروه الوثقی و دلیل قاطع بر مردم جهانیان است.

امام حسن عسکری علیه السلام در قسمت پایانی صلوات بر حضرت حسین علیه السلام می فرماید:

وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ وَ لَكُمْ تَابِعٌ بِذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ مُنْقَلَبِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي:

شهادت می دهم که به شما ایمان دارم و جایگاهتان را باور دارم و با تمام وجود تابع شما هستم تابعیت در قوانین دینم و عواقب عملم و آنچه در حال تحول و انقلاط است در دنیا و آخرت.

ایمان به اهل بیت و یقین به جایگاه رفیع آنها و تابعیت محض از قوانین و شرایع دینی که آنان مروج آن بودند یعنی رسیدن به کمال و عاقبت بخیر شدن یکی از مواردی که باید در آن منزلت امام حسین علیه السلام را جستجو کرد فضیلت زیارت حضرت است.

امام باقر علیه السلام فرمود شیعیان ما را به زیارت قبر حسین علیه السلام امر کنید زیرا زیارت او

موجب فزونی در رزق و طول عمر و دفع بلایا و ناگواری ها می شود و اگر مردم می دانستند که چه فضیلتی در زیارت مرقد امام حسین علیه السلام است از شوق زیارت می مردند. (۱)

حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کدام از شما همه عمر حج کند و زیارت حسین علیه السلام نرود حقی از حقوق رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را ترک کرده زیرا حق حسین علیه السلام از طرف خدا بر هر مسلمانی واجب است و هر کس به زیارت ایشان نرود تا بمیرد و معتقد است که شیعه ماست شیعه ما نباشد و اگر هم به بهشت رود مهمان بهشتیان خواهد بود. (۲)

همان بزرگوار در جای دیگر فرمود هر کس از قبر امام حسین علیه السلام دور باشد و به پشت بام خانه اش برود و سر به آسمان به طرف قبر مطهر حسین علیه السلام بایستد و بگوید السَّلامُ عَلَیکَ یا ابا عبد الله السَّلامُ عَلَیکَ وَ رَحِمَهُ اللهُ وَ برکاته خداوند ارزش زیارتی را در نامه عملش می نویسد که با اجر حج و عمره برابر باشد و اگر پنج بار این کار را تکرار کند خداوند هر بار همان میزان ثواب را برایش می نویسد و به درستی که خدای تبارک و تعالی قبل از اهل عرفات برای زائران قبر حسین علیه السلام تجلی می نماید حوائج آنان را برآورده می کند گناهانشان را امرزیده و در خواست هایشان را به اجابت مقرون می سازد و سپس متوجه اهل عرفات شده و در مورد آنان نیز این گونه عمل میکند. (۳)

وَ بمنزلتکم مُوقِنٌ در حدیث قدسی آمده که خداوند فرموده است

حسین علیه السلام را کنج بان وحی خویش قرار داده و او را با شهادت کرامت بخشیدم و پایانی بس سعادت برای وی مقرر داشتم اوست برترین شهیدان و درجه اش از همه بالا تر است کلمه تامه خود را همراه او قرار دادم و حجت رسای خویش را نزدش نهادم و به وسیله خاندان او پاداش و کیفر می دهم. (۴)

ص: ۱۶۹

۱- ثواب الاعمال ص ۳۱۹

۲- نفس المهموم ص ۷۲۸

۳- کامل الزیارات ص ۳۲۶

۴- کافی ج ۲ ص ۴۷۲

لَكُمْ تَابِعٌ بِذَاتِ نَفْسِي وَ شَرَايعَ دِينِي اِي حَسِينِ بْنِ عَلِيٍّ مَا تَابِعَ مَرَامٍ وَ مَكْتَبَ شِمَاهُ هَسْتِمٍ وَ تَابِعَ شِمَائِمٍ فِي آنچه كه شَرِيعَتِ وَ قَوَانِينِ دِيْنَمَانِ تَعْيِيْنِ نَمُودِهْ اِسْتِ. هر چه بيشتر در حالات سیدالشهدا علیه السلام دقیق شویم این رمز بر ما آشکارتر می شود كه در امر دین امام حسین علیه السلام بصیرتی خارق العاده و بینشی غیبی داشته است علم و دانش آن بزرگوار از احتجاجاتش با دشمنان اهل بیت به خصوص معاویه و مروان از نامه هایی كه به معاویه نوشته از خطبه هایی كه به مناسبت های مختلف ایراد نموده از دعای عرفه و دعاهاي دیگری كه از آن حضرت در كتاب های شیعه و سنی نقل شده است ظاهر و آشكار می گردد.

نافع بن ازرق رهبر فرقه خوارج به امام حسین علیه السلام عرض كرد خدایی را كه می پرستی برای من توصیف كن.

امام حسین علیه السلام فرمود:

ای نافع هر كس دین خود را بر قیاس بسازد همواره در اشتباه است و در آتش دوزخ به صورت افتد به اعوجاج و كژی كوچ كند گمراه گردد و سخنان نازیبا گوید. ای پسر ازرق من خدایم را وصف می كنم به آنچه او خود را وصف فرموده است او به حواس ادراك نشود و به مردم قیاس نگردهد. نزدیک است اما به چیزی چسبیده نیست دور است اما دوری نجسته او یگانه است و تبعیض تجزیه و ترکیب در او راه ندارند و به نشانه ها شناخته شده و به علامت ها وصف گردیده است غیر از خداوند بزرگ و بلند مرتبه خدایی نیست ابن ازرق گریست و گفت: يَا أَحْسَنَ كَلَامِكَ چقدر نيكو است كلام تو. امام حسین علیه السلام فرمود به من رسیده كه تو بر پدر و مادرم و بر من گواهی به كفر می دهی.

ابن ازرق گفت: أَمَّا وَاللَّهِ يَا حُسَيْنَ لَئِنْ كَانَ ذَلِكَ لَقَدْ كُنْتُ مِنَ الْإِسْلَامِ

ای حسین اگر این ناسزا از من صادر شده به خدا سوگند به یقین شما چراغ اسلام و ستارگان احکام خدایید یعنی مردم باید از انوار علوم و معارف شما روشنی بجویند و در تاریکی ها به ستاره های وجود شما هدایت گردند.

ابن کثیر می گوید امام حسین علیه السلام و ابن زبیر از مدینه به سوی مکه بیرون شدند و در مکه اقامت گزیدند امام حسین علیه السلام مورد توجه مردم قرار گرفت آن ها به سوی او می آمدند در اطراف او می نشستند و سخنش را می شنیدند و از آنچه از او می شنیدند سود می جستند و گفته هایش را ثبت کرده و می نوشتند تا از او روایت کنند. (۲)

به هر تقدیر معرفت و ارادت به حضرت حسین علیه السلام یک ارزش است ارزشی که نمی توان بیان کرد اما معصوم مثل امام صادق علیه السلام برای زوار و ارادتمندان به آن حضرت بیانی دارد که در پایان بحث معصوم پنجم یعنی صلوات بر امام حسین علیه السلام می آورم.

باشد که انشاء الله همه ما مشمول دعاهاى حضرت صادق علیه السلام قرار بگیریم.

بار خدایا تو که ما را به کرامت مخصوص کردی و شفاعت به ما وعده دادی و رضایت و وصیت را خاص ما نمودی و علم گذشته و آینده را به ما عطا کردی و محبت ما را در دل مردم انداختی مرا و برادرانم را و زوار امام حسین علیه السلام را پیامرزی که مال خود را خرج کردند و تن خود را به رنج انداختند برای رغبت در احسان به ما و امید به ثواب نزد تو در دوستی با ما شاد کردن دل پیغمبرت صلی الله علیه و آله وسلم و اجابت دستور ما...

پروردگارا ترحم کن بر این چهره ها که آفتاب آن ها را دگرگون کرده رحم کن بر این چهره ها که بر قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام گردش میکنند رحم کن بر این چشم ها

ص: ۱۷۱

۱- تاریخ دمشق ج ۴ ص ۳۲۳

۲- سمو المعنی ص ۹۷

که برای دلسوزی ما اشک می ریزند رحم کن بر این دل هایی که بی تابند و بر ما می سوزند رحم کن این شیون های بر ما را. بار خدایا من این نفوس و این بدن ها را به تو می سپارم تا روز عطش قیامت که آنان را در سر حوض کوثر به ما رسانی خدایا از آنان راضی باش و خود و خانواده شان را شب و روز نگهدار و همراهی شان کن و از شر هر جبار سرکشی و ستمگر و از گزند شیاطین نهان و آشکار در امانشان بدار و نیازهایشان را برآورد. (۱)

ص: ۱۷۲

۱- نفس المهموم ص ۷۳۴

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ الَّذِي اسْتَخْلَصَ تَهُ لِنَفْسِكَ وَ جَعَلَتْ مِنْهُ أُمَّةً الْهُدَى الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ
يَعْدِلُونَ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ اصْطَفَيْتَهُ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا مَهْدِيًا اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيِّهِ
أَنْبِيَائِكَ حَتَّى يَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ:

امام حسن عسکری علیه السلام عرضه می دارد خدایا بر علی بن الحسین که آقای عبادت کنندگان است درود فرست.

امامان معصوم علیهم اسلام هر کدام خصیصه ای دارند و چیزی که فقط به امام چهارم علی بن الحسین علیه السلام اختصاص دارد و درباره هیچ کدام از معصومین اطلاق نشده القاب سیدالعابدین ، سید الساجدین ، زین العابدین است. زیرا آن حضرت در بندگی و عبادت پروردگار و دعا و مناجات با حضرت حق تعالی ممتاز بود و اغلب مناجات ها و دعاها ی بلند مرتبه با مضامین عالیّه از آن گرامی است. از قبیل مناجات پانزده گانه دعای سحرهای ماه مبارک رمضان معروف به دعای ابوحمزه ثمالی، دعای روزهای ماه مبارک رمضان، دعای عرفه و مجموعه دعاها ی وارده در کتاب شریف صحیفه سجادیّه و ملحقات آن که دعاها ی روزهای هفته از جمله ملحقات صحیفه سجادیّه است و جوشن کبیر که امام سجاد علیه السلام از جد بزرگوارش رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند و دعای شجره النبوه از اعمال مشترک ماه شعبان و ده ها دعای دیگر. س

امام سجاد علیه السلام از زبان جد بزرگوارش اینگونه معرفی شده است.

رسول الله صلى الله عليه و اله وسلم فرمود:

إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُنَادِي مُنَادٍ أَيْنَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ فَكَانِي أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَلَدِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَخْطُرُ بَيْنَ الصُّفُوفِ (۱)

در روز ستاخیز آواز دهنده ای صدا می زند کجاست زین العابدین زیور عبادت کنندگان؟ و من فرزندم علی بن حسین بن علی بن ابیطالب را می بینم که صف ها را می شکافد و پیش می رود.

امام صادق علیه السلام درباره آن حضرت فرمود: علی بن الحسین علیه السلام وقتی زمان نماز فرا می رسید بدنش می لرزید و رنگش تغییر می کرد. (۲)

ابان بن تغلب می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم:

إِنِّي رَأَيْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ فِي الصَّلَاةِ غَشِيَ لَوْنُهُ لَوْ أَنَّ آخِرُ فَقَالَ لِي وَاللَّهِ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ كَانَ يَعْرِفُ الَّذِي يَقُومُ بَيْنَ يَدَيْهِ (۳)

من علی بن الحسین علیه السلام را می دیدم که وقتی به نماز می ایستاد رنگش تغییر می کرد امام صادق علیه السلام به من فرمود سوگند به پروردگار که علی بن الحسین علیه السلام می دانست در برابر چه کسی ایستاده است.

ابوحزمه ثمالی می گوید امام سجاد علیه السلام را دیدم که مشغول نماز بود عبا از دوشش کنار رفت دست به عبا نزد تا نمازش به پایان رسید من از حضرت پرسیدم که چرا عبا را بر دوش استوار نکردید؟ فرمود:

وَيَحْكُ أَتَدْرِي بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ كُنْتُ أَنْعَبِدُ لَا يُقْبَلُ مِنْ صَلَاتِهِ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ مِنْهَا بِقَلْبِهِ (۴)

وای بر تو ایای می دانی در برابر چه کسی ایستاده بودم بنده خدا فقط آن بخش نمازش قبول می شود که حضور قلب داشته باشد.

اباحازم می گوید: مَا رَأَيْتُ هَاشِمًا أَفْضَلَ مِنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

ص: ۱۷۵

۱- بحار ج ۴۶ ص ۳

۲- بحار ج ۴۶ ص ۵۵

۳- علل الشرایع ص ۸۸

يُصَلِّي فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ رَكْعَةٍ حَتَّى خَرَجَ جَبْهَتَهُ وَآثَارِ سُجُودِهِ مِثْلُ كَرَكْرِهِ الْبَعِيرِ (۱)

هیچ هاشمی را ندیدم چون علی بن الحسین علیه السلام باشد چرا که او شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند تا جایی که پیشانی و جای سجده اش برآمده شده بود.

از ویژگی های امام سجاد علیه السلام صوت زیبا و دلربایش بود که هنگام خواندن نماز و دعا و تلاوت قرآن هر رهگذری را مجذوب خویش می کرد و گاهی سقاها از کنار خانه حضرت می گذشتند مدتی می ایستادند تا تلاوت دلربای آن گرامی به پایان برسد. (۲)

اسْتَخْلَصَتْهُ لِنَفْسِكَ:

خدایا امام زین العابدین علیه السلام را خالص گردانیدی برای خودت.

این جمله در عین اختصار و کوتاهی حکایت از اقیانوسی از فضائل و عظمت امام چهارم علیه السلام می کند. برای فهم عبارت فوق کافی است یک مراجعه دقیق به دعاها و نقل شده از آن حضرت و به ویژه زیور آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم یعنی صحیفه سجاده شود تا فهمیده گردد که چگونه خداوند امام سیدالساجدین علیه السلام را به خود اختصاص داده است.

مدت سیزده قرن است که کتاب صحیفه سجاده مونس بزرگان و صالحان و مرجع و ملجا مشاهیر از علماء ربانی و مصنفان بوده و هست.

شیخ اقا بزرگ تهرانی درباره سند محکم صحیفه سجاده می گوید:

الصَّحِيفَةُ الْأُولَى الْمُنْتَهَى سَيَنْدُهَا إِلَى الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ هِيَ مِنَ الْمُتَوَاتِرَاتِ عِنْدَ الْأَصْحَابِ لِاخْتِصَاصِهَا بِالْإِجَازَةِ وَالرَّوَايَةِ فِي كُلِّ طَبَقَةٍ وَ عَصْرِ

صحیفه اولی که سند آن به امام زین العابدین علیه السلام می رسد از متواترات و قطعیات نزد اصحاب است چرا که از ویژگی آن این است که تمام اصحاب از اساتید خود

ص: ۱۷۶

۱- بحار ج ۴۶ ص ۶۷ و ۷۰

۲- بحار ج ۴۶ ص ۶۷ و ۷۰

اجازه نقل آن را در تمام طبقات رجالی و در تمام عصرها گرفته اند.

کتابهای دعا مانند مصباح المتهجد شیخ طوسی سلوک الحزین قطب الدین بن سعید بن هبه الله راوندی، اختیار المصباح سید علی بن حسین بن باقی، اقبال سید رضی الدین علی بن طاووس، زواید الفوائد ابوالقاسم علی بن رضی الدین و البلد الامین ابراهیم بن علی کفعمی و مرحوم علامه مجلسی اول محمدتقی مجلسی همگی صحیفه سجاده را نقل کرده اند.

نام های صحیفه سجاده به خاطر اهمیتی که بعد از قرآن شریف و نهج البلاغه امیرالمومنین علیه السلام دارد به نقل شیخ آقابزرگ تهرانی اخت القرآن انجیل اهل بیت، زیور آل محمد و صحیفه کامله است. یک عالم سنی به نام قندوزی می گوید:

فِي إِيرَادِ بَعْضِ الْأَدْعِيَةِ وَالْمَنَاجَاهِ الَّتِي تَكُونُ فِي الصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ لِلْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ... وَهِيَ زُبُورُ أَهْلِ الْبَيْتِ الطَّيِّبِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

در بیان بعضی دعاها و مناجات هایی که در صحیفه کامله امام زین العابدین علیه السلام آمده.... و آن زیور اهل بیت پاک است.

و علت اینکه آن را صحیفه کامله نامیده اند این است که در نزد طایفه زیدیه از صحیفه نسخه ای هست که کامل نیست بلکه حدود نصف صحیفه موجود می باشد به این جهت به صحیفه موجود در دست شیعیان دوازده امامی صحیفه کامله گفته شده است.

مرحوم علامه شیخ آقابزرگ در کتاب الذریعه حدود پنجاه شرح غیر از ترجمه ها بر صحیفه سجاده نام برده است. (۱)

بعد ازم قدمه فوق درباره اهمیت کتاب شریف صحیفه سجاده توجه به خلوص امام علیه السلام در دعاها و حالت عارفانه و عاشقانه ای که حضرتش با معبود خویش داشته ما را متوجه معنای کلام امام حسن عسکری علیه السلام می کند که چگونه

ص: ۱۷۷

خداوند امام زین العابدین علیه السلام را به خود اختصاص داده است. اسْتَخْلَصَتْهُ لِنَفْسِكَ

چون عبارات دعاهاى صحیفه بیانگر این حقیقت است و در راز و نیاز حضرت به خوبى مى توان این امتیاز را دریافت کرد.

اینک به چند نمونه از انواع نیایش هاى حضرت با حق تعالى در دعاهاى صحیفه توجه کنید:

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمِدَهُ بِهِ أَذْنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ وَ أَكْرَمُ خَلْقَتِهِ عَلَيْهِ وَ أَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ حَمْدًا يَفْضُلُ سَائِرَ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبَّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ

حمد خدای را به مثل حمدی که فرشتگان نزدیک به او و آفریده هاى پرارزش او برايش انجام مى دهند حمدی که بر سایر حمد و ستایش ها برتر باشد همانند برتری پروردگار ما بر همه آفریده هایش.

اللَّهُمَّ فَارْزُقْهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ حَتَّى لَا يُسَاوَى فِي مَنْزِلِهِ، وَلَا يُكَافَأُ فِي مَرْتَبِهِ، وَلَا يُوَازِيَهُ لَدَيْكَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ. وَ عَرِّفْهُ فِي أَهْلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حُسْنِ الشَّفَاعَةِ أَجَلٌ مَا وَعَدْتَهُ يَا نَافِذَ الْعِدَّةِ، يَا وَافِيَ الْقَوْلِ، يَا مُبَدِّلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

خداوندا رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم را به بالا-ترین رتبه و مقام بهشتی نایل فرما تا هیچ کس با او از نظر مقام و رتبه همانند نباشد و هیچ فرشته اى هر چند از مقربین درگاهت باشد و هیچ پیامبر مرسلى با او برابرى نکند.

بارالها شفاعت حضرتش را بیش از آنچه که به وى وعده داده اى شامل حال و دودمان پاکیزه اش و امت مومن او بفرما. اى خدایى که خوش وعده و خوش قول هستى و اى کسى که بدى ها را چندین برابر به خوبى ها تبدیل مى کنى به تحقیق که تویی صاحب فضل و کرم بزرگ.

فَصَلِّ عَلَيْهِمْ وَعَلَى الرُّوحَانِيِّينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَ أَهْلِ الرُّفْهَةِ عِنْدَكَ، وَ حَمَالِ الْغَيْبِ إِلَى رُسُلِكَ، وَ الْمُؤْتَمِنِينَ عَلَى وَحْيِكَ وَ قَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ اخْتَصَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَ أَغْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ بِتَقْدِيرِكَ، وَ أَسَكَنْتَهُمْ بُطُونَ أَطْبَاقِ سَمَاوَاتِكَ

خدایا پس درود فرست بر فرشتگانت و بر روحانین از فرشته هایت و آن هایی که نزد تو ارجمندند و آنان که اخبار غیبی را به پیامبرانت می رسانند و امینان وحی ات می باشند و درود فرست بر انواع فرشتگانی که برای خودت انتخاب کرده ای و آنها را از خوردن و آشامیدن نعمت های خود بی نیازشان کردی و ایشان را در طبقات آسمان ها جا دادی.

اللَّهُمَّ وَ أَتْبَاعِ الرُّسُلِ وَ مُصَدِّقُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ مُعَارَضِهِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمْ بِالتَّكْذِيبِ وَ الْإِشْتِيَاقِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَ زَمَانٍ أُرْسِلَتْ فِيهِ رَسُولًا وَ أَقَمْتَ لِأَهْلِهِ دَلِيلًا مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ أُمَّهِ الْهُدَى، وَ قَادَهُ أَهْلُ التَّقَى، عَلَى جَمِيعِهِمُ السَّلَامَ، فَادْكُرْهُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَ رِضْوَانٍ

خداوندا سلام و درود فرست بر پیروان انبیاء و آن هایی که در باطن ایمان آوردند در همان حالی که معاندین پیغمبران را تکذیب می کردند آنها مشتاقانه با حقیقت ایمان به آنها می گرویدند. بارالها برای مردم هر زمان پیامبرانی فرستادی و بر هر کدام آنها اقامه دلیل کردی از زمان آدم تا حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم که همگی رهبران هدایت و پرهیزکاری بودند بر آنها نیز سلام و درود فرست و آنها را از خود به مغفرت و رضامندی یاد کن.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ قَنَامَنكَ وَ احْفَظْنَا بِكَ وَ اهْدِنَا إِلَيْكَ وَ لَا تُبَاعِدْنَا عَنْكَ أَنْ مَنْ تَقِهَ يَسْلَمْ وَ مَنْ يَهْدِهِ يَعْلَمْ وَ تَقَرَّبِهِ إِلَيْكَ يَغْنَمْ

خداوندا بر محمد و آل او درود فرست ما را پناه ده و ما را به خود حفظ فرما و

به سوی خود هدایت‌مان کن و ما را از خودت دور مفرما زیرا هر که را تو پناه دهی سلامت می ماند و هر که را تو هدایت فرمایی آگاه می شود و هر که را به خویش نزدیک نمایی بی نیاز می گردد.

اللَّهُمَّ يَسِّرْ عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مُتَوَسِّتِنَا، وَ اَمْلَأْ لَنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صِحَافِنَا، وَ لَا تُخْزِنَا عِنْدَهُمْ بِسُوءِ اَعْمَالِنَا. اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِهِ حَظًّا مِنْ عِبَادِكَ، وَ نَصيبًا مِنْ شُكْرِكَ وَ شَاهِدَ صِدْقٍ مِنْ مَلَائِكَتِكَ.

پروردگارا بر دو فرشته با کرامت که نویسنده اعمال هستند زحمات ما را آسان کن و پرونده ما را از کارهای خوب پر کن و پیش آن دو گرامی به خاطر زشتی کارهایمان ما را رسوا مفرما.

پروردگارا در هر ساعتی از ساعات این روز جدید بهره ای از بندگانت و نصیبی از شکرگزاری ات و شاهد صدقی از بین فرشتگانت برایمان قرار ده.

يَا مَنْ تُحَلُّ بِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ يَا مَنْ يُفْتَأُ بِهِ حَيْدُ الشَّدَائِدِ يَا مَنْ يُلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصُّعَابُ وَ تَسَبَّتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ وَ جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ وَ مَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ

ای خدایی که گره های گرفتاری ها به دستش باز می گردد و ای کسی که شدت سختی ها به وسیله او برطرف می شود و ای کسی که رفع گرفتاری ها و رفتن به سوی گشایش با التماس و التجاء به او حاصل می گردد پروردگارا کارهای بسیار سخت به قدرت تو آسان شده و به لطف و کرم توست که وسایل و اسباب هر کار آماده گردیده و به نیروی توست که حکم قطعی برای کارها به جریان افتاده و به اراده توست که همه چیزها به کار افتاده اند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ الْحِرْصِ، وَ سَيِّوَرَةِ الْغَضَبِ، وَ غَلَبَةِ الْحَسَدِ، وَ ضَعْفِ الصَّبْرِ، وَ قَلَّةِ الْقَنَاعَةِ، وَ شَكَاةِ الْخُلُقِ، وَ إِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ، وَ مَلَكَةِ الْحَمِيَّةِ وَ مُتَابَعَةِ وَ

مُخَالَفَهُ الْهُدَى، وَ سِنَهُ الْغُفْلَةَ.

خداوندا به تو پناه می بریم از هیجان حرص و تندی غضب و عصبانیت و مسلط شدن حسد و ضعف صبر و کمی قناعت و بداخلاقی و اصرار در شهوت رانی و تسلط حس قومی گرایی و پیروی از هوای نفس و مخالفت با ارشاد و هدایت دیگران و خواب سنگین غفلت.

اللَّهُمَّ وَ إِنَّكَ مِنَ الضُّعْفِ خَلَقْتَنِي، وَ عَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنِي، وَ مِنْ مَيِّءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنِي، فَلَمَّا حَوَّلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَ لَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ فَأَيَّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَ سَيَّدَدْنَا بِتَسْدِيدِكَ، وَ أَعْيَمَ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا عَمَّا خَالَفَ مَحَبَّتِكَ، وَ لَمَّا تَجَعَّلَ لَشَيْءٍ مِنْ جَوَارِحِنَا نُفُوزًا فِي مَعْصِيَتِكَ.

بارالها به تحقیق ما را ضعیف آفریده ای و بنیان ما را سست گذارده ای و از آبی پست خلقتمان را آغاز کرده ای بنابراین ما را هیچ حرکت و جنبشی نیست مگر به قوت تو و هیچ قوتی نیست مگر به یاری و مدد تو پس با توفیق خودت ما را یاری کن و با راهنمایی هایت ما را به راه راست هدایت فرما و چشم دلمان را به آنچه خلاف رضایت می باشد آشنا و بینا کن و در هیچ عضوی از اعضای ما راه نفوذ معصیت قرار مده.

اللَّهُمَّ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ شَجِمَتْ بِنَا إِذْ شَايَعَنَاهُ عَلَى مَعْصِيَتِكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ لَا تُشِمِّتْهُ بِنَا بَعْدَ تَوَكُّنِا إِلَيْهِ لَكَ، وَ رَغَبَتِنَا عَنْهُ إِلَيْكَ.

خداوندا وقتی از شیطان پیروی کردیم و تو را مخالفت نمودیم شیطان ما را سرزنش کرد پس بر محمد و آل او درود فرست و هنگامی که به خاطر تو او را رها کردیم و روی به درگاہت آوردیم ما را گرفتار بلایا مفرما تا دستاویز سرزنش شیطان بر ما شود.

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِي عَلَيْنَا كَتَبَهُ أَعْمَالُنَا تَوْبَهُ مَقْبُولَةً

لَمَّا تَوَقَّفْنَا بِغَيْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهَا، وَ لَمَّا مَعْصِيَةٍ أَقْتَرَفْنَاهَا. وَ لَمَّا تَكْشِفُ عَنْنَا سِتْرًا سَيَّرْتَهُ عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْيَارَ عِبَادِكَ. إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ، وَ مُسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ.

پروردگارا بر محمد و آل او درود فرست و پایان آنچه دو فرشته نویسنده اعمال برایمان نوشته اند تو به قبول شده ثبت و ضبط فرما که اگر پس از آن لغزش از ما سر زده باشد به حساب نیاوری و بازخواستمان نکنی. الها روزی که به حساب بندگان می رسی ای ستار العیوب همان روزی که اخبار بندگان را آشکار می سازی در مقابل چشمان مردمان اسرارمان را فاش مکن چرا که توبه آنکه می خواندت رحم می کنی و هر که را فریاد کنان صدایت می زند اجابت می نمایی.

يَا غَنِيَّ الْأَغْنِيَاءِ، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَ أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَاقْتَنَّا بِوُسْعِكَ، وَ لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ.

ای بی نیازترین بی نیازان اینک ما بندگان در اختیار تو هستیم و من فقیرترین فقیرانم به سویت آمده ام پس فقر و تهی دستی ما را به وسیله رحمت و اسعه ات جبران کن و با طرد کردنمان از در خانه ات قطع امیدمان مکن.

وَ جَعَلْتَ مِنْهُ أَيْمَةً الْهُدَى الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ :

خداوندا تو حضرت زین العابدین را پدر امامان هدایت قرار دادی همان بزرگوارانی که به حق هدایت می یابند و بدان باز می گردند.

بیان امام حسن عسکری علیه السلام اشاره به آیه سوره مبارکه اعراف است که می فرماید:

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ. (۱)

امام صادق علیه السلام می فرمود منظور آیه از : أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ هُمْ الْأَيْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (۲)

ص: ۱۸۲

ائمه می باشد و یا نیز فرموده است نَحْنُ هُمْ (۱) منظور آیه ما هستیم.

نقش ائمه طاهرین علیهم السلام هدایت محوری است یعنی اگر کسی به سراغ ایشان رفت و امامت و ولایتشان را پذیرفت صراط مستقیم و راه هدایت را طی خواهد کرد والا گرفتار قطاع الطریق های جامعه می شود و عطش طلب دین و معنویت او را با خرافات و موهومات پاسخ خواهند داد. چنانکه ناظر و شاهدیم چه در تاریخ گذشته و چه در عصر ما این دزدان سرگردنه در کمین نشسته اند تا مردم ناآگاه و آن کسانی که در خانه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نیامدند به دام اندازند و یکسری عرفان های کاذب و جعلیات که هیچ پشتوانه عقلانی و وحی ندارند به خوردشان دهند و جالب اینجاست که در بین جذب شدگان به خرافات و بدعت ها افراد تحصیل کرده و با سواد زیاد دیده می شود که جای خالی فطرت خداجویی و گرایش به معنویاتشان را دشمن سودجو با موهومات پر می کند.

در حالی که اگر همین فریب خوردگان مقداری وقت بگذارند و به سراغ قرآن شریف و نهج البلاغه امیرالمومنین علی علیه السلام و صحیفه نورانی سجادیه بروند خواهند دید که چه کلاهی بر سرشان رفته و به خود نهیب می زنند که چرا از این منابع نورانی و علمی و عقلانی و عاطفی برای اشباع غریزه خدادادی خویش استفاده نکرده اند. امیرالمومنین علی علیه السلام روشنگری جالبی درباره بدعتگذاران و پیروان آنها می فرماید:

أَمَّا أَهْلُ الْبِدْعَةِ فَالْمُخَالِفُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ لِكِتَابِهِ وَ رَسُولِهِ الْعَامِلُونَ بِرَأْيِهِمْ وَ أَهْوَائِهِمْ وَ إِنَّ كَثْرًا (۲)

بدعتگذاران کسانی هستند که با فرمان خدا و کتاب او و پیامبرش مخالفت می ورزند و براساس رای و هواهای نفسانی خود عمل کنند هر چند شمارشان بسیار باشد.

ص: ۱۸۳

۱- صافی ص ۲۰۹

۲- کنز العمال ۴۴۲۱۶

رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم در فرمایشات خود به ما سفارش می کند که با این قشر از افراد جامعه که در مقام فریب مردم ناآگاهند و نمی گذارند به منافع الهی و معارف دین دست رسی پیدا کنند و بنیان بدعت را در افکار و عقاید و رفتار آحاد جامعه می گذارند بر خود تند کرده و روی خوش به آنها نشان ندهیم.

إِذَا رَأَيْتُمْ صَاحِبَ بَدْعٍ فَكَفِّهِمْ فِي وَجْهِهِ (۱)

هرگاه بدعتگذاری را دیدید به او رو ترش کنید. مِنْ تَبَسَّمَ فِي وَجْهِ مُبْتَدِعٍ فَقَدْ أَعَانَ عَلَى هَدَمِ دِينِهِ (۲) هر که به روی بدعتگذار لبخند بزند به نابود کردن دین خود کمک کرده است.

مَنْ أَعْرَضَ عَنْ صَاحِبِ بَدْعٍ بُغِضًا لَهُ مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَقِينًا وَ رِضًا (۳)

هر که از روی نفرت و دشمنی از بدعتگذار روی گرداند خداوند دل او را از آرامش و ایمان لبریز سازد.

برگردیم به کلام امام حسن عسکری علیه السلام درباره حضرت زین العابدین علیه السلام و مجموعه ائمه طاهرين عليهم السلام وَ جَعَلَتْ مِنْهُ اَئِمَّةَ الْهُدَى پيشوایان هدایت. یعنی فقط یک گروه ناجی و رستگارند آن هم گروهی که نقشه راه چگونه زیستن را از ائمه طاهرين عليهم صلوات الله فرا گرفته باشند. چون راه حق و فضیلت تنها در سیره و سنت این بزرگواران یافت می شود چنانکه در جامعه کبیره درباره چهارده معصوم عليهم السلام می گوییم:

وَ أَدِلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَ آمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَ طَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ أَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجَسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا
خداوند شما خاندان را راهنمایان به راه خودش برگزید و شما را از هر لغزشی مصون داشت و از هر فتنه ای در امان قرار داد و از هر پلیدی پاکیزتان کرد و ناپاکی را از شما زدود و پاکتان ساخت پاک ساختنی مخصوص.

ص: ۱۸۴

۱- کنز العمال ۱۶۷۶

۲- بحار ج ۴۷ ص ۲۱۷

۳- تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۱۱۶

السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالْأَدِلَاءِ عَلَى مَرْضَاهُ اللَّهُ وَالْمُسَيِّتَةِ فِي أَمْرِ اللَّهِ وَالتَّائِمِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ (۱)

سلام بر دعوت کنندگان به سوی خدا و رهبران بر خوشنودی های خدا و برقرار گشتگان در اجرای فرمان خدا و کاملان در محبت خدا و بی آلایشان و خالصان در یکتاپرستی خدا و آشکار کنندگان امر خدا و نهیش و سلام بر بندگان گرامی پروردگار همان کسانی که از گفتار خدا جلو نیفتند و پیشدستی نکنند و به آنچه خداوند فرمان داده عمل نمایند. رحمت و برکت پروردگار بر آنها باد.

اخْتَرْتُهُ لِنَفْسِكَ وَطَهَّرْتُهُ مِنَ الرَّجْسِ وَاصْطَفَيْتُهُ وَجَعَلْتُهُ هَادِيًا مَهْدِيًا.

خدایا درود فرست بر امام زین العابدین که او را انتخاب کردی برای خودت و پاکش نمودی از هر پلیدی و برگزیدش و او را راهنما و رهیافته قرار دادی.

دو عبارت در کلام امام یازدهم در صلوات بر امام چهارم سیدالسااجدین علیها السلام هست که نشان اوج عبودیت و بندگی زین العابدین علیه السلام است یکی عبارتی که ابتدای صلوات بر حضرت بود اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ او را انتخاب کردی برای خودت.

آری وقتی کسی مخلص شد به مقامی رسیده که حالا دیگر متعلق به خداست و بنده برگزیده شده است و مصداق صاحب نفس مطمئنه است که می شود جزو واردشدگان در جمع بندگان ویژه و متعلق به خدا.

فَاذْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي (۲) پس در جمع بندگانم وارد شو و در بهشتم در آی.

شیطان با همه نیرنگ هایش قدرت تسلط بر بندگان برگزیده خدا آنانی که مخلص شدند ندارد.

وَلَا غَوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ (۳)

ص: ۱۸۵

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- فجر ۲۹ و ۳۰

۳- حجر ۴۰ و ۳۸

همه بندگان تو را می فرییم مگر بندگان مخلصت را.

خداوند وقتی خصائص عده ای از پیامبران و حضرت مریم علیها السلام بر می شمرد وقتی به یادآوری حضرت موسی علیه السلام می رسد می فرماید:

وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (۱)

و یاد کن در کتاب خود داستان موسی را که او بنده ای مخلص و رسول و پیامبر بود.

در داستان حضرت موسی و حضرت شعیب علیها السلام آمده است زمانی که موسی نزد شعب رفت شعیب آماده خوردن شام بود. پس به موسی گفت ای جوان بنشین شام بخور موسی گفت پناه به خدا شعیب گفت چرا؟ مگر گرسنه نیستی؟ موسی گفت چرا اما می ترسم این پاداش آبی باشد که به دخترانت دادم من از خاندانی هستم که اگر همه زمین پر از طلا شود کم ترین کار آخرت را به آن نمی فروشیم. شعیب گفت ای جوان به خدا این پاداش آن کار تو نیست بلکه میهمان نوازی و اطعام رسم و عادت ما و پدران ماست. در این هنگام موسی نشست و شام خورد. (۲)

امام زین العابدین علیه السلام مصداق بارز و روشن بندگان مخلص خدا بود چه در عبادت و چه در خدمت به بندگان خدا.

یکی از دوستان امام سجاد علیه السلام به نام زهری می گوید یک شب سرد و بارانی امام زین العابدین علیه السلام را دیدم که مقداری آرد و هیزم بر پشت مبارک حمل کرده و می رود نگران حضرت شدم و عرض کردم ای فرزند رسول خدا کجا می روید؟ فرمود آهنگ سفر دارم و زاد و توشه بر آن مهیا کرده و به فلان مکان حمل می نمایم. عرض کردم اینک غلام من حاضر است او به جای مشا این بار را بر دوش می کشد امام علیه السلام قبول فرمود عرض کردم اجازه بدهید من برای شما بیاورم. امام علیه السلام فرمود من نفس

ص: ۱۸۶

۱- مریم ۵۱

۲- بحار ج ۱۳ ص ۲۱

خود را باز نمی دارم از چیزی که در این سفر باعث نجات و رستگاری می شود. از تو به حق خداوند تبارک و تعالی خواستارم که دنبال کار خودت برو و مرا به حال خود بگذارد.

زهري می گوید: از محضرش جدا شدم پس از چند روز آن حضرت را زیارت کردم و گفتم ای فرزند رسول خدا چگونه سفری بود که هیچ آثاری ندارد. امام علیه السلام فرمود مراد من از آن سفر مرگ است و آمادگی برای آن به دوری از حرام و انجام کارهای خیر و اعمال شایسته. (۱)

أَخْتَرْتُه لِنَفْسِكَ خدایا امام زین العابدین را برای خودت انتخاب کردی.

فاطمه دختر امیرالمومنین هنگامی که مشاهده کرد حضرت سجاد علیه السلام در اثر عبادت زیاد رنجور و ناتوان شده پیش جابر بن عبدالله انصاری آمد و گفت ای جابر تو از صحابه رسول خدا هستی ما را بر امثال تو حقی است اگر ببینید یکی از ما خود را از بسیاری عبادت و پرستش ناتوان کرده او را یادآوری نمایید تا جان خود را حفظ کند.

علی بن الحسین یادگار برادر سیدالشهداء خود را رنجور نموده پیشانی و زانوان و کف دستهایش از کثرت عبادت پینه بسته است. جابر به خانه آن حضرت آمد در جلوی درب حضرت باقر علیه السلام با چند پسر بچه از بنی هاشم ایستاده بودند. جابر در راه رفتن حضرت باقر علیه السلام دقیق شده گفت: هَذِهِ مَشْيَةُ رَسُولِ اللَّهِ این راه رفتن پیامبر خداست. عرض کرد آقا زاده شما کیستید؟ فرمود من محمد بن علی بن حسینم جابر شروع به گریه کرد و گفت پدرم فدای تو باد نزدیک من بیا آن سرور جلو آمد جابر دکمه های پیراهن امام باقر علیه السلام را باز کرده دست بر سینه اش گذاشت شروع به بوسیدن نمود و صورت بر سینه آن آقا زاده نهاد و گفت:

من از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به تو سلام می رسانم به من فرموده این کارها را بکنم

ص: ۱۸۷

سینه ات را ببوسم و صورت بر آن گذارم.

و نیز فرمود تو زنده می مانی تا یکی از فرزندانم به نام محمد را ببینی او به نحو شایسته ای علم را می شکافد تو زنده می مانی تا نابینا شوی بعد از آن بینا خواهی شد.

سپس جابر ادامه داد که از پدر بزرگوارت برای من اجازه بگیر تا با او ملاقات کنم. امام باقر علیه السلام پیش پدر آمد عرض کرد پیرمردی با من چنین و چنان کرد و فرمود نور دیده من او جابر بن عبدالله انصاری است بگو وارد شود. جابر وارد شد چشمش در محراب به زین العابدین افتاد که عبادت پیکره اش را در هم شکسته علی بن الحسین علیه السلام به احترام جابر از جای حرکت کرد مختصر احوالی از او پرسید و در پهلوی خود جایش داد جابر عرض کرد ای پسر رسول خدا مگر نمی دانی خداوند بهشت را برای شما و دوستانتان خلق کرده جهنم را نیز برای دشمنانتان؟ پس این چه جدیت است که خود را به زحمت انداخته ای؟ فرمود جابر مگر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را ندیده بودی با اینکه خداوند در قرآن نسبت به حضرت فرموده گناه گذشته و آینده تو را از نظر مردم آمرزیدم. پدرم فدای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم باد آنقدر عبادت کرد تا پا و ساق های مبارک ورم نمود عرض کردند شما با این مقام باز این قدر عبادت می کنی فرمود أَفَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا آیا بنده شاکر خدا نباشم.

جابر فهمید گفتارش در آن بزرگوار موثر نیست عرض کرد پس جان خود را حفظ کنید زیرا از خانواده ای هستی که بلا و گرفتاری به واسطه آنها دفع می شود و باران به برکت ایشان نازل می گردد فرمود جابر من از روش دو پدرانم حضرت محمد و علی دست بردار نیستم و پیروی آنها را می کنم تا به دیدارشان نائل گردم.

جابر به کسانی که حضور داشتند گفت به خدا سوگند در اولاد پیامبران کسی را مانند علی بن الحسین علیه السلام نمی بینم مگر یوسف پیامبر با اینکه سوگند به پروردگار فرزندان علی بن الحسین بهتر از فرزندان یوسفند زیرا در میان فرزندان این آقا کسی

است که زمین را پر از عدل و داد می کند با اینکه پر از ظلم و جور شده باشد. (۱)

امام صادق علیه السلام درباره جد بزرگوارش می فرمود:

كَانَ عَلِيُّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ كَأَنَّهُ سَاقُ شَجَرَةٍ لَا يَتَحَرَّكُ مِنْهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا حَرَّكَتِ الرِّيحُ مِنْهُ (۲)

امام علی بن الحسین علیه السلام وقتی به نماز می ایستاد همانند ساقه درخت جز وقتی که نسیم می وزد هیچ حرکتی نداشت.

طاووس یمانی می گوید نیمه شبی داخل حجر اسماعیل کنار کعبه معظمه شدم امام زین العابدین علیه السلام را دیدم که در حال سجده است و کلامی را تکرار می کند:

إِلَّيَّ عَبِيدُكَ بِفَنَائِكَ مَسْكِينُكَ بِفَنَائِكَ فَقِيرُكَ بِفَنَائِكَ

پروردگارا بنده کوچک و دردمند و فقیر توبه آستانه رحمت رو آورده است.

طاووس یمانی می گوید بعد از هر گونه بلا و مرضی که برایم واقع شد چون به نماز ایستادم بعد سر به سجده نهادم و این کلمات را گفتم بهبود یافتم و مشکل من حل شد. (۳)

وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا مَهْدِيًّا

امام حسن عسکری علیه السلام چنین تعبیری را درباره امام حسن مجتبی علیه السلام نیز به کار برد و این حکایت از این می کند که همه ائمه علیهم السلام هم هدایت گرند و هم هدایت شده اند و رهنمودهایشان سراسر الهی است.

حسین اشقر می گوید به هشام بن حکم گفتم معنای کلام شما که می گوید امام حتما باید معصوم باشد کدام است؟ هشام در پاسخ گفت از امام صادق علیه السلام همین سوال را کردم فرمود معصوم کسی است که به کمک پروردگار از جمیع محارم الله بر حذر است چنانکه خداوند بزرگ می فرماید:

وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴)

و هر کس به خدا متمسک شود به راهی راست هدایت شده است.

ص: ۱۸۹

٣- منتهى الامال ص ٢١٤

٤- آل عمران ١٠١

مفضل بن عمر میگوید ثابت ثمالی برای من حدیث کرد که امام سجاد علیه السلام فرمود:

لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ حُجَّتِهِ حِجَابٌ فَلَمَّا لِلَّهِ دُونَ حُجَّتِهِ سِتْرٌ نَحْنُ أَبْوَابُ اللَّهِ وَنَحْنُ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَنَحْنُ عَيْنُهُ عَلَيْهِ وَنَحْنُ تَرَاجِمُهُ وَخِيَهُ وَنَحْنُ أَرْكَانُ تَوْحِيدِهِ وَنَحْنُ مَوْضِعُ سِرِّهِ (۱)

میان خدا و حجت او هیچ گونه حجابی نیست و خدا از حجتش هیچ مستوری ندارد ماییم درهای وجود خداوند ماییم صراط مستقیم ماییم مخزن علم او ماییم تفسیر کننده وحی او ماییم ارکان توحید و محل سر او.

به طور کلی مجوز عبور از پل صراط بر روی جهنم پیروی از هدایت گری های خاندان عصمت و طهارت است و اگر کسی از آن بزرگواران که هم هادی و هم مهدی هستند تبعیت نکند پایش بر پل صراط می لغزد و در آتش خواهد افتاد.

باز مفضل می گوید از امام صادق علیه السلام درباره صراط پرسیدم؟ فرمود صراط مستقیم راه به سوی معرفت خداست و آن دو صراط است یکی صراط در دنیا و یکی در آخرت اما صراط در دنیا امام واجب اطاعه است

مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَ أَقْتَدَى بِهُدَاهُ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّهُ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَى فِي نَارِ جَهَنَّمَ (۲)

کسی که او را بشناسد و از راهنمایی او پیروی کند در آخرت از صراطی که پل دوزخ است عبور خواهد کرد و کسی که او را در دنیا نشناسد در آخرت پایش لغزیده و در آتش دوزخ هلاک می شود.

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ حَتَّى يَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرَّرَ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ:

بارالها پس بر علی بن الحسین درود فرست برتر از درودی که بر هر یک از فرزندان پیامبرانت می فرستی تا آنجا که در دنیا و آخرت دیدگانش را روشن نمایی

ص: ۱۹۰

ای خدایی که تو مقتدر و حکیمی.

از ویژگی های امام سجاد علیه السلام در دعاها و نیایش هایش درود و صلوات پی در پی ای است که بر محمد و آل محمد علیهم السلام می فرستد کمتر دعایی است که از آن وجود مبارک نقل شده باشد و بعد از هر فرازی از دعا صلوات بر محمد و اهل بیت او گفته نشده باشد و این از آموزه های ارزشمند آن امام همام است که به ما آموزش می دهد که دعاها را خودتان در اول و وسط و آخر آنها به ذکر صلوات بر محمد و آل محمد متبرک کنید.

مولایمان امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:

كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٌ حَتَّى يُصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ (۱)

هر دعایی محجوب است تا آن که بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم صلوات فرستاده شود.

امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند:

أَثْقَلُ مَا يُوَضَّعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ (۲)

سنگین ترین عملی که روز قیامت در ترازوی اعمال گذشته می شود درود بر محمد و اهل بیت اوست.

اگر کسی بپرسد به طور کلی درودهای ما آیا نوعی کمال برای محمد و آل نیز هست؟ پاسخ مثبت است چون نامحدود فقط خداست و عمل در عالم برزخ منقطع نیست یعنی اگر مومنی از خود صدقه جاریه ای باغی بگذارد تا مادامی مردم از آن صدقه مثل مسجد مدرسه بیمارستان دارالایتام و کتاب استفاده میکنند خداوند ثوابی برای موسس و بنیان گذار سنت حسنه و صدق جاریه منظور میکند تا قیامت برپا شود.

چنانکه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

مِنْ سَنِّ سَنِّهِ حُسْنِهِ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَ مِثْلُ أُجُورِهِمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْئًا (۳)

ص: ۱۹۱

۱- کنز العمال ۲۲۴۳

۲- بحار ج ۹۴ ص ۴۹

۳- کنز العمال ۴۳۰۷۹

هر که سنت نیکویی بگذارد که پس از مرگش بدان عمل شود هم اجر خودش را دارد و هم به اندازه اجر کسانی که به آن عمل می کنند بی آنکه از اجر ایشان چیزی کم شود. نتیجه می گیریم که قبل از برپایی قیامت فیض برای از دنیا رفتگان جاری است پس هر صلواتی که ما می فرستیم غیر از آنکه سودی نصیب ما می شود رتبه ای بر محمد و آل افزوده می گردد و سیر کمالی آن ذوات مقدسه رو به تعالی می رود چنانکه در هر کجای عالم وقتی یک غیر مسلمان به کیش اسلام در می آید و پیرو حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و آل او می شود فیضی هم برای بنیان گذار اسلام و اهل بیت گرامش منظور می گردد.

مشابه حدیث فوق از امام باقر علیه السلام در موضوع هدایت انسان ها داریم که فرمود:

أَيُّهَا عَبْدُ اللَّهِ سَنَّ سُنَّةَ هَدًى كَانَ لَهُ أَجْرٌ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِذَلِكَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهُمْ شَيْءٌ (۱)

هر بنده ای از بندگان خدا سنت و روشی هدایتگر بگذارد اجرش به اندازه اجر کسانی باشد که بدان عمل می کنند بی آنکه از اجر آنان چیزی کاسته شود.

ص: ۱۹۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ يَا قَرِ الْعِلْمِ وَ إِمَامِ الْهُدَى وَ قَائِدِ أَهْلِ التَّقْوَى وَ الْمُتَجَبِّ مِنْ عِبَادِكَ اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ عَلَمَا
لِعِبَادِكَ وَ مَنَارًا لِبِلَادِكَ وَ مُسْتَوْدَعًا لِحُكْمَتِكَ وَ مُتَزَجِمًا لَوَحْيِكَ وَ أَمْرًا بِطَاعَتِهِ وَ حَذَرًا مِنْ مَعْصِيَتِهِ فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبَّ أَفْضَلَ
مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ أَنْبِيَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أُمَنَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ :

خدایا بر محمد بن علی درود فرست نام اصلی امام پنجم علیه السلام محمد بوده چهار معصوم علیهم السلام دارای این نام هستند حضرت رسول امام پنجم و امام نهم و امام دوازدهم همچنان که نام اصلی چهار امام علی است امام اول و امام چهارم و امام هشتم و امام دهم در دعای فرج خطاب به این بزرگواران عرض می کنیم

يَا مُحَمَّدُ وَيَا عَلِيُّ وَيَا عَلِيُّ وَيَا مُحَمَّدُ اكْفِيَانِي فَاكْفِيَانِي فَاكْفِيَانِي فَاكْفِيَانِي فَاكْفِيَانِي (۱)

ای محمد و علی و ای علی و محمد کفایت کنید که شما کفایت کننده اید یاریم کنید که یاری کننده اید.

درباره روز تولد حضرت سوم صفر سال ۵۷ و اول رجب همان سال نقل شده مرحوم مجلسی اول رجب را تایید می کند.

از امتیازات امام محمد باقر علیه السلام آن است از مادر به امام حسن مجتبی و از پدر به امام حسین علیهما السلام منتسب است چون مادرش دختر امام مجتبی علیه السلام بوده.

ص: ۱۹۴

امام باقر علیه السلام سه سال و شش ماه با جدش امام حسین علیه السلام و سی و چهار سال با پدرش امام علی بن الحسین علیه السلام زندگی کرده و نوزده سال و ده ماه دوره امامتش بوده است.

امام باقر علیه السلام در دوران زندگی پنجاه و هفت ساله خود با چندین نفر از خلفای ستمگر اموی معاویه ۱- معاویه ۲- یزید ۳- مروان بن حکم ۴- عبدالملک مروان ۵- ولید بن عبدالملک ۶- سلیمان بن عبدالملک ۷- عمر بن عبدالعزیز ۸- یزید بن عبدالملک ۹- هشام بن عبدالملک که همین هشام لعنه الله علیه حضرت را مسموم کرد و حضرت در روز دوشنبه هفتم ذالحجه سال صد و چهارده هجری به شهادت رسید و در کنار پدر بزرگوارش امام علی بن الحسین علیه السلام در بقیع به خاک سپرده شد.

بَاقِرِ الْعِلْمِ:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از امام باقر علیه السلام یاد کرد و به جابر بن عبدالله انصاری فرمود:

انک ستدرک رجلاً منی اسمُهُ اسْمِی وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِی یَبْقُرُ الْعِلْمَ بَقْرًا (۱)

ای جابر تو مردی از خاندان مرا درک خواهی کرد که همنام و هم شمایل من است او سرچشمه های علم و دانش را می شکافد.

برای رسیدن به حقیقت فوق لازم است یک سیر مطالعاتی در نظریه های علمی امام باقر علیه السلام درباره انسان از انتخاب همسر تا وضع انسان در جهان قیامت بنماییم.

بنابراین بدون هیچ توضیحی برای شما خواننده عزیز و گرامی به روایات نقل شده از آن حضرت بسنده می کنم.

انتخاب همسر: امام رضا علیه السلام فرمود زنی به امام باقر علیه السلام عرض کرد خدایت نیکو گرداند من زنی تارک دنیا هستم حضرت فرمود منظورت از ترک دنیا چیست؟ عرض کرد نمی خواهم هرگز ازدواج کنم حضرت پرسید چرا؟ عرض س

ص: ۱۹۵

کرد: دنبال کسب فضیلت هستم حضرت فرمود دست بردار اگر در این کار فضیلتی بود فاطمه علیها السلام از تو سزاوارتر به آن بود. هیچ کس نیست که در فضیلت بر او سبقت گیرد. (۱)

لَا شَفِيعَ لِمَرَاهِ أَنْتَحِ عَنْ رَبِّهَا مِنْ رِضَا زَوْجِهَا وَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَامَ عَلَيْهَا امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي رَاضٍ عَنْ ابْنِهِ نَبِيِّكَ اللَّهُمَّ إِنَّهَا قَدْ أُوحِشَتْ فَانْسَهَا (۲)

برای زن نزد پروردگارش شفيعی کارسازتر از خشنودی شوهرش نیست وقتی فاطمه علیها السلام در گذشت امیرالمومنین بالای سر آن بزرگوار برخاست و گفت بار خدایا من از دختر پیامبر تو راضی هستم خدایا او اکنون تنهاست پس تو همدم او باش.

مَا أَفَادَ عَبْدٌ فَائِدَةً خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتَهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ (۳)

بنده مومن سودی بهتر از همسر شایسته به چنگ نیاورده است همسری که شوهرش با دیدن او خوشحال شود و هرگاه از وی دور شود در غیابش نگهبان خود و اموال او باشد.

شیر مادر: به محمد بن مروان فرمود: اسْتَرْضِعْ لَوْلَدِكَ بِلَبَنِ الْحَسَنِ وَ آيَاكَ وَ الْقَبَاحَ فَإِنَّ اللَّبَنَ قَدْ يُعْدِي (۴)

برای شیر دادن به فرزندت از دایه های خوشرو و زیبا استفاده کن و از زنان بد صورت و قبیح بر حذر باش زیرا شیر گاهی صفات و ویژگی های روحی مادر را به فرزند منتقل می کند.

پدران و مادران شایسته: يُحْفَظُ الْأَطْفَالُ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ (۵)

اطفال و کودکان در سایه صلاحیت و شایستگی پدرانشان از انحرافات مصون می ماند.

ص: ۱۹۶

۱- بحار ج ۱۳ ص ۲۱۹

۲- بحار ج ۱۰۳ ص ۲۳۸ و ۲۵۶

۳- بحار ج ۱۰۳ ص ۲۳۸ و ۲۵۶

۴- کافی ج ۶ ص ۴۴

۵- التحفه السنيه ص ۲۲۷

امام باقر علیه السلام به پدرانی که می کوشند غذای حلال برای خانواده خود تهیه کنند می فرماید:

لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ (۱)

در روز قیامت با سیمایی نورانی همانند ماه شب چهارده با خداوند ملاقات خواهند نمود.

در گزینش نام برای فرزندان خطاب به پدرها و مادرها می فرمود: أَصْدَقُ الْأَسْمَاءِ مَا سُمِّيَ بِالْعِبُودِيَةِ وَ أَفْضَلُهَا أَسْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ (۲)

دوست داشتنی ترین اسم ها آن است که حاکی از بندگی خدا باشد و بهترین آنها نام های پیامبران است نام های فرزندان شخص امام محمد باقر عبارت بودند از جعفر ، عبدالله، ابراهیم، علی ، زینب، ام سلمه (۳)

امام علیه السلام سفارش می کرد مسلمانان یکدیگر با نیک ترین نام هایشان صدا بزنید.

سَمُّوهُمْ بِأَحْسَنِ أَسْمَائِهِمْ (۴)

اعتدال در محبت به فرزندان.

محمد بن مسلم می گوید در حضور امام باقر علیه السلام بودم که فرزند خردسالش جعفر بن محمد علیه السلام وارد شد امام علیه السلام فرزندش را به آغوش کشید و به سینه خود چسبانید و با کلمات زیبا و محبت آمیز با او سخن گفت. (۵)

همین بزرگوار در محبت به فرزندان دعوت به اعتدال می کند و می فرماید: شَرُّ الْإِبَاءِ مَنْ دَعَاهُ الْبَرُّ إِلَى الْإِفْرَاطِ (۶)

بدترین پدران آن هایی هستند که در نیکی و محبت به فرزندان زیاده روی کنند. امام باقر علیه السلام خطاب به پدرها و مادرها می فرمود: وقتی فرزند سه ساله شد هفت مرتبه کلمه لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را به او تعلیم بده و سپس رهایش کن تا سه سال

ص: ۱۹۷

۱- وسائل الشیعه ج ۲۱ ص ۱۲۴

۲- مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۴

۳- کشف الغمه ج ۲ ص ۳۶۳

۴- همان

۵- کفایه الاثر ص ۲۵۳

۶- تاریخ یعقوبی ج ۲ ص ۳۲۰

و هفت ماه و بیست روزه شود آنگاه هفت مرتبه کلمه مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ را به او آموزش بده و نیز رهایش کن تا به سن چهار سالگی برسد آنگاه هفت مرتبه کلمه صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ را به او بیاموز تا اینکه پنج سال شود در این موقع از او دست راست و چپش را سوال کن وقتی که شش ساله شد تمام نماز را به او بیاموز و پس از هفت سالگی مقدمات وضو را و در سن نه سالگی وضو و نماز را به طور کامل و با جدیت از او بخواه.

در این هنگام که فرزند تو وضو و نماز را فرا گرفته بدان که پدر و مادر مشمول رحمت و غفران پروردگار قرار گرفته اند انشاء الله. (۱)

به دنبال سخنان تربیت معنوی فرزندان امام باقر علیه السلام به فرزند خود می فرمود:

يَا بُنَيَّ إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِنِعْمِهِ فَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ إِذَا حَزَنَكَ أُمْرٌ فَقُلْ لِمَا حَوَّلَ وَ لِمَا قَوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ إِذَا ابْطَأَنَّكَ الرِّزْقُ فَقُلْ اسْتَغْفِرُ اللَّهَ (۲)

فرزندم هرگاه خداوند به تو نعمتی ارزانی داشت بگو الحمد لله و هرگاه امری و حادثه ای تو را غمگین و ناراحت نمود بگو لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ و زمانی که احساس نمودی روزی تو به کندی و سختی می رسد بگو أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ.

فرزندان شایسته:

امام پنجم علیه السلام می فرمود سه چیز است که خداوند عزوجل درباره هیچ یک از آن ها اجازه مخالفت نداده است برگرداندن امانت به صاحبش نیک باشد یا بد وفای به عهد با نیک و بد و نیکی و اطاعت پدر و مادر نیک باشند یا بد. (۳)

حضرت سفارش می کند بعد مرگ پدر و مادرها فراموششان نکنیم: یک وقت هست که بنده در زمان حیات پدر و مادر خود نسبت به آنان نیکوکار است اما وقتی می میرند نه بدهی آنان را می پردازد و نه برایشان طلب آمرزش می کند در این

ص: ۱۹۸

۱- مکارم الاخلاق ص ۲۵۴

۲- کشف الغمه ج ۲ ص ۳۶۳

۳- بحار ج ۷۴ ص ۵۶

صورت خداوند او را نافرمان قلمداد می کند و یک وقت هم هست که بنده در زمان حیات پدر و مادر خود ناخلف و نافرمان است و به آنان نیکی نمی کند اما وقتی مردند بدهی های آنها را می پردازد و برای ایشان آمرزش می طلبد لذا خداوند عزوجل او را نیکوکار می نویسد.

امام باقر علیه السلام می فرمود از اندرزهای لقمان حکیم به فرزندش این بود که فرزند عزیز کسی که با گنهکار شریک شود راه ناپاکی را از وی یاد می گیرد کسی که مجادله و نزاع را دوست داشته باشد مورد فحش و دشنام واقع می شود کسی که در جایگاه های بدنام قدم بگذارد متهم خواهد شد کسی که با رفیق بد همگام گردد از فساد اخلاق سالم نمی ماند و کسی که مالک زبان خود نباشد سرانجام پشیمان خواهد گشت. (۱)س

امام باقر علیه السلام فرمود: نَظَرُ أَبِي إِلَى رَجُلٍ وَمَعَهُ ابْنُهُ يَمْشِي وَ الْإِبْنُ مَتَكِي عَلَى ذِرَاعِ الْأَبِ قَالَ فَمَا كَلِمَةُ أَبِي مَقْتًا لَهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا (۲)

پدرم حضرت سجاد علیه السلام در رهگذر مردی را دید که با پسر جوانش راه می رود ولی فرزند در حین حرکت به دست پدر تکیه داده است امام سجاد از مشاهده این رفتار برخلاف ادب و بی احترامی فرزند به پدر آنقدر ناراحت و آزرده خاطر گردید که تا آخر عمر با آن پسر وظیفه ناشناس سخن نمی گفت.

روابط خویشاوندی:

صِلْهُ الْأَرْحَامَ تَزَكِي الْأَعْمَالِ وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ وَ تَدْفَعُ الْبَلَوَّ وَ تُيسِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنْسِي ۚ فِي الْأَجَلِ (۳)

صله رحم و روابط خویشاوندی اعمال را پاک میکند دارایی ها را فزونی می بخشد بلا را دفع می نماید کار حساب رسی در قیامت را آسان می کند و مرگ را به تاخیر می اندازد.

ص: ۱۹۹

۱- بحار ج ۵ ص ۳۲۲

۲- مجموعه ورام ج ۲ ص ۲۰۸

۳- کافی ج ۲ ص ۱۵۰

و نیز فرمود:

صَلِّهِ الْأَرْحَامَ تَحْسُنِ الْخُلُقَ وَ تُسَمِّحِ الْكُفَّ وَ تُطَيِّبِ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُنْسِي فِي الْأَجَلِ (۱)

صله رحم خلق و خوی را نیکو دست را بخشنده جان را پاکیزه و روزی را زیاد می کند و اجل را به تاخیر می اندازد.

روابط اجتماعی:

وَ قَدْ سُئِلَ عَنْ أَفْضَلِ الْأَخْلَاقِ الصَّبْرُ وَ السَّمَاحَةُ (۲)

امام باقر علیه السلام در پاسخ به این پرسش که برترین اخلاق و نوع برخورد با آدم ها کدام است فرمود شکیبایی و بخشنده گی.

و نیز فرمود: أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْأَئِمَّةِ وَ الْفَاضِلِينَ مِنْ شِيعَتِنَا التَّقِيهِ وَ اخْذُ النَّفْسِ بِحُقُوقِ الْإِخْوَانِ (۳)

بهترین اخلاق ائمه و شیعیان با فضیلت ما تقیه و ملزم کردن خود به رعایت حقوق برادران است.

و در جای دیگر فرمود از ویژگی های شیعیان علی علیه السلام است که إِذَا غَضِبُوا لَمْ يَظْلُمُوا وَ إِذَا رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا (۴)

در هنگام خشم و عصبانیت ظلم نمی کنند و در موقع خشنودی و رضا زیاده روی نمی نمایند. باز در همین زمینه که نقش مهمی در حسن روابط اجتماعی دارد می فرمود: مِنْ مَلَكِ نَفْسِهِ إِذَا غَضِبَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ (۵)

هر کس در هنگام خشم و غضب مالک نفس خویش باشد خداوند متعال بدن او را بر آتش جهنم حرام خواهد کرد.

آن حضرت می فرمود در تورات موسی علیه السلام نوشته است: يَا مُوسَى امْسِكْ غَضَبَكَ عَمَّنْ مَلَكَتْكَ عَلَيْهِ أَكْفَ عَنْكَ غَضَبِي (۶)

ص: ۲۰۰

۱- کافی ج ۲ ص ۱۵۲

۲- بحار ج ۳۶ ص ۳۵۸

۳- بحار ج ۷۵ ص ۴۱۵

۴- تحف العقول ص ۵۳۴

۵- تفسیر برهان ج ۴ ص ۸۲۸

۶- همان

ای موسی خشم خود را از کسی که تو را بر او مسلط ساخته ام باز گیر تا خشم خود را از تو باز گیرم.

روزی یک نفر مسیحی به آن حضرت جسارت کرده و گفت أَنْتَ بَقَرَةٌ تو گاو هستی امام بدون آنکه خشمگین شود فرمود: لَأَنَا بَاقِرٌ نه من باقرم مسیحی گفت تو پسر آن زن آشپز هستی؟ امام باقر علیه السلام فرمود آری مادرم یک بانوی آشپز بود آن مرد برای آنکه امام را عصبانی کند دوباره گفت تو پسر زن سیاه چرده زنگی و دشمنام گو هستی امام علیه السلام پاسخ داد اگر تو راست می گویی خدا مادرم را بیامرزد و اگر دروغ می گویی خداوند تو را ببخشد. وقتی آن مرد مسیحی بردباری و حلم بی پایان امام را مشاهده کرد با این اهانت ها هرگز خشمگین نشد و کاملاً بر نفس خود مسلط است زبان شهادتین باز کرد و مسلمان شد. (۱)

امام باقر علیه السلام در زمینه روابط اجتماعی و تلاقی دو نفر مسلمان و مومن از مصافحه و دست دادن با یکدیگر می گوید: أَنْ الْمُؤْمِنِ إِذَا صَافَحَ الْمُؤْمِنَ تَفَرَّقَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ (۲)

هرگاه مومن با مومن دست دهد از یکدیگر جدا شوند در حالی که گناهانشان پاک شده باشد. و نیز فرمود: إِذَا صَافَحَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ فَالَّذِي يَلْزُمُ التَّصَافُحَ أَكْثَرُ أَجْرًا مِنَ الَّذِي يَدْعُ أَلَا وَإِنَّ الذُّنُوبَ لِيَتَحَاتَّ فِيمَا بَيْنَهُمْ حَتَّى لَا يُبْقِيَ ذَنْبٌ (۳)

هرگاه مردی با رفیقش دست دهد آن که دستش را نگه دارد اجرش بیشتر است از کسی که رها می کند بدانید که گناهان آنها بریزد تا جایی که گناهی باقی نماند.

اعتقادات: دیدگاه امام محمد باقر علیه السلام درباره اعتقادات راهگشای گم گشته راه هاست که با دقت در فرمایشات حضرت از سرگردانی و گمراهی رهایی یابند: هیچ چیز ثوابش به اندازه گواهی دادن به یگانگی خدا نیست زیرا چیزی با خدای عزوجل برابری نمی کند و هیچ کس در کار او شریکش نیست. (۴)

ص: ۲۰۱

۱- المناقب ج ۴ ص ۲۰۷

۲- خصال صدوق ص ۲۲

۳- کافی ج ۲ ص ۱۸۲

۴- توحید صدوق ص ۱۸

أَحَقُّ خَلْقِ اللَّهِ أَنْ يُسَلَّمَ لِمَا قُضِيَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَنْ عَرَفَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ (۱)

سزاوارترین خلق خدا به گردن نهادن در برابر قضای الهی کسی است که خدای عزوجل را شناخت.

امام باقر علیه السلام درباره نبوت خاصه پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم درباره آیه قُلْ أَيْ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ (۲)

بگو: گواهی چه کسی از همه برتر است بگو خدا میان من و شما گواه است و این قرآن به من وحی شده است فرمود زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در مکه تازه دعوت خود را آغاز کرده بود مشرکان مکه گفتند ای محمد آیا خدا رسولی غیر از تو پیدا نکرد که او را بفرستد؟ ما هیچ کس را نمی بینیم که گفته های تو را تصدیق کند از یهود و نصارا درباره تو پرسیدیم اما آنها گفتند که در کتاب های آنها از تو یاد نشده است بنابراین کسی را بیاور که گواهی دهد تو فرستاده خدا هستی؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنِ خدا میان من و شما گواه است و این قرآن را به من وحی شده است. (۳)

و درباره ولایت و امامت و اوصیاء نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم وقتی ابی خالد کابلی از حضرت درباره تفسیر کلام خدا فامنو بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالتُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا پس ایمان بیاورید به خدا و رسول او و نوری که نازل کرده ایم پرسید فرمود: ای اباخالد سوگند به خدا که منظور از نور، نور الثمه و آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم تا روز قیامت است. قسم به خدا ایشان همان نور الهی هستند که نازل نمود سوگند به خدا که آنها نور خدا در آسمان ها و زمین می باشند و سوگند به خدای اباخالد امام در قلب بندگان مومن درخشنده تر از نور خورشید در روز است. به خدا سوگند که اینها دل های مومنین را نورانی می کنند والبته خداوند نور اهل بیت را از هر که بخواهد محجوب

ص: ۲۰۲

۱- کافی ج ۲ ص ۶۲

۲- انعام ۱۹

۳- بحار ج ۷۸ ص ۲۳۴

می دارد و دل های این افراد را تاریک می کند.

ای اباخالد قسم به خدا تا کسی زمینه قلبش پاکیزه نباشد ما را دوست نخواهد داشت و زیر بار ولایت ما نخواهد رفت و قلب کسی پاکیزه نمی شود مگر آنکه تسلیم ولایت ما اهل بیت شود و هر کس تسلیم ما شد خداوند او را از شدت حساب سلامت می دارد و از فرع بزرگ روز قیامت در امان خواهد بود. (۱)

و درباره مرگ و معاد فرمود: إِذَا أَدْخَلَ الْمُؤْمِنُ قَبْرَهُ نُودِيَ أَلَا إِنَّ أَوَّلَ حَبَائِكُ الْجَنَّةِ وَ حِبَاءَ مَنْ تَبَعَكَ الْمَغْفِرَةُ (۲)

چون مومن در گور خود نهاده شود به او ندا آید هان نخستین هدیه به تو بهشت است و هدیه کسانی که تشییع کرده اند آمرزش.

امام علیه السلام می فرمود هرگاه جنازه ای را تشییع می کنی چنان باش که انگار این تویی که بر دوش ها حمل می شوی و گویی از پروردگارت می خواهی تو را به دنیا بازگرداند تا همچون کسی که زنده است کار کنی زیرا که دنیا در نظر دانایان مانند سایه است. (۳)

بَاقِرِ الْعِلْمِ وَ إِمَامِ الْهُدَى وَ قَائِدِ أَهْلِ التَّقْوَى وَ الْمُتَجَبِّ مِنْ عِبَادِكَ:

امام حسن عسکری علیه السلام دعا می کرد خدایا درود فرست بر محمد بن علی همان که شکافنده علم و رهبر هدایت در هستی و پیشرو اهل تقوا و انتخاب شده از بین بندگان است.

می دانیم که در عصر امام باقر علیه السلام روایات و نشر معارف بیش از زمان پدر و اجدادش رونق داشت شاگردان امام گفته های آن بزرگوار را به ممالک اسلامی منتشر می کردند.

شاگردان امام باقر علیه السلام که بیشترین استفاده را از محضر آن بزرگوار کردند عبارت بودند از جابر بن عبدالله انصاری، ابان بن تغلب، جابر جعفی، محمد بن مسلم،

ص: ۲۰۳

۱- اصول کافی ج ۱ ص ۱۹۴

۲- همان

۳- الزهد ج ۲ ص ۳۷۱

زراره بن اعین، حران بن اعین، عبدالله ابن ابی یعفور، برید عجلّی، سدید صیرفی و کمیت اسدی.

بعضی از این بزرگواران در رتبه علمی و فقهی ای قرار گرفتند که امام باقر علیه السلام اجازه فتوی دادن به آنها داد.

به ابان بن تغلب فرمود: اجلس فی مسجد المدینه و اُفت للناس فإني أُحِبُّ أَنْ يُرَى فِي شِيعَتِي مِثْلَكَ (۱)

در مسجد مدینه بنشین و برای مردمان فتوی بده زیرا دوست دارم در میان شیعیان من مثل تویی مشاهده شود.

بعضی معتقدند چهار نفر حامل علم ائمه علیهم السلام شدند سلمان فارسی جابر بن یزید جعفی، سید حمیری و یونس بن عبدالرحمان.

امام صادق درباره جابر جعفی فرمود همانا او را جابر نامیدند زیرا کمبودهای مومنین را با دانش خویش جبران می کند و اوست دریایی بیکران و باب حاجات در عصر خویش و البته حجت بر خلق از میان حجج الهی وجود امام باقر ابی جعفر علیه السلام است. (۲)

قائِدُ أَهْلِ التَّقْوَى:

همان گونه که قرآن قائد ورهبر اهل تقواست و هدی للمتقین است امامان معصوم از جمله موجود مبارک امام محمد باقر علیه السلام قائد و رهبر اهل تقواست.

امام علیه السلام خود اهل تقوا را اینگونه توصیف می فرماید تقوا پیشگان کم خرج و زحمت ترین مردم دنیایند و کمک کارترین آنان به تو یاد می کنی یاریت می دهند فراموش می کنی به یادت می آورند پیوسته امر خدا را می گویند و همواره امر خدا را به پا می دارند برای دوستی خدا از هر دوستی و محبتی دل کنده اند و به خاطر طاعت پادشاه خویش از دنیا گریخته اند و از صمیم دل به خداوند عزوجل و

ص: ۲۰۴

۱- سفینه البحار ج ۱ ص ۸

۲- سفینه البحار ج ۱ ص ۱۴۲

دوستی و محبت او رو کرده اند و دانسته اند که منظور اصلی هموست چون شان و مرتبی عظیم دارند. (۱)

در جای دیگر امام باقر علیه السلام می فرماید اهل تقوا توانگران واقعی اند اندک دنیا آنان را بی نیاز کرده و کم خرج و زحمت هستند اگر خیر و خوبی را فراموش کنی به یادت می آورند اگر به آن عمل کنی کمکت می کنند شهوت ها و لذت های خود را پشت سرشان انداخته اند و طاعت پروردگارشان را پیش روی خود نهاده اند و به راه خیر و به دوستی دوستان خدا چشم انداخته اند و آنان را دوست می دارند و آنان را ولی خود کرده اند و از ایشان پیروی می کنند. (۲)

امام علیه السلام در تفسیر لباس تقوا که در قرآن آمده وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِك خَيْرٌ ذَلِك مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ (۳)

بهترین لباس لباس تقواست و این از نشانه های قدرت خداست باشد که به خود آید.

چنین می فرماید: فَأَمَّا اللَّبَاسُ فَالْثِيَابُ الَّتِي يَلْبَسُونَ وَإِمَّا الرِّيشَ فَالْمَتَاعُ وَالْمَالُ وَإِمَّا لِبَاسُ التَّقْوَى فَالْعَفَافُ لِأَنَّ الْعَفِيفَ لَا تَبْدُو لَهُ عَوْرَهُ وَأَنْ كَانَ عَارِيًّا مِنَ الثِّيَابِ يَقُولُ: وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِك خَيْرٌ يَقُولُ الْعَفَافُ خَيْرٌ (۴) س

لباس همان جامعه هایی است که می پوشند و ریش کالا و دارایی است و لباس تقوا عفاف و پاکدامنی است زیرا شخصی پاکدامن اگرچه برهنه از لباس باشد عیبی از او آشکار نمی شود ولی آلوده دامن هر چند پوشیده از لباس باشد عیب هایش آشکار است اینکه قرآن می فرماید: وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِك خَيْرٌ می فرماید عفاف و پاکدامنی بهتر است.

برای آنکه قَائِدِ أَهْلِ التَّقْوَى بودن امام باقر علیه السلام بیشتر روشن شود به پیامی که حضرت توسط جابر بن یزید جعفی به شیعیان رساندند باید بیشتر دقت کرد.

ص: ۲۰۵

۱- کافی ج ۲ ص ۱۳۳

۲- بحار ج ۷۸ ص ۱۶۶

۳- اعراف ۲۶

۴- تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۲۶

يَا جَابِرُ بَلِّغْ شَيْعَتِي عَنِ السَّلَامِ وَاعْلَمُهُمْ أَنَّهُ لَمَّا قَرَّابِهِ بَيْنَتَا وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ لَمَّا يُتَقَرَّبُ إِلَيْهِ إِلَّا بِالطَّاعَةِ أَي جابر سلام مرا به شیعیانم برسان و به آنها آگاهی بده که ما اهل بیت با خداوند تبارک و تعالی خویشاوند نیستیم و هیچ کس به او نزدیک نمی شود مگر به انجام طاعات و دستورات او.

يَا جَابِرُ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ أَحَبَّنَا فَهُوَ وَثِقُنَا وَ مَنْ عَصَى اللَّهَ لَمْ يَنْفَعَهُ حُبُّنَا (۱)

یا جابر کسی که اطاعت پروردگار را بنماید و ما را دوست بدارد او به راستی دوست ماست ولی کسی که نافرمانی خداوند را کند دوستی ما برایش سودی نخواهد داشت.

وَ الْمُتَّجِبِ مِنْ عِبَادِكَ:

برگزیده شدگان بین بندگان خداوند شامل همه انبیاء و چهارده معصوم علیهم السلام می شود و این عهدی است که خداوند به همه فرزندان انبیاء و ائمه علیهم السلام اختصاص نداده بلکه از بین چند فرزند پیامبر و یا امام یکی را انتخاب کرده اگر چه بقیه فرزندان با ایمان و اهل تقوا دارای دانش فراوان بوده اند. انتخاب خداوند برای مقام نبوت و امامت براساس خواست ویژه خود بوده هیچ کس و هیچ چیز دخالت در گزینش حضرت حق نداشته است.

به همین علت تعداد آنها و حتی اسامی ایشان قبل از تولد مشخص بوده و در روایات معتبر از طریق رسول مکرم اسلام به امر و اراده الهی منتخبین پروردگار معرفی شده اند.

در یک حدیث طولانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بعد از معرفی جانشین خود علی علیه السلام و جانشینان علی علیه السلام امام حسن و امام حسین علیهما السلام برای سلمان فارسی اینگونه توضیح می دهد که سپس سیدالعابدین علی بن الحسین و بعد فرزندش محمد بن علی باقر علم الاولین و الاخرین از میان انبیاء و مرسلین و سپس پسرش جعفر بن محمد که

ص: ۲۰۶

لسان الله الصادق است و بعد موسی بن جعفر که ملقب به کاظم است و در راه صبر برای خدا غیظ خود را فرو می برد و سپس علی بن موسی الرضا که راضی به امر خداست و بعد محمد بن علی الجواد که برگزیده از بین خلق خداست و بعد علی بن محمد که هدایتگر به سوی خداست و سپس حسن بن علی که ساکت و امین و عسکری است و آنگاه پسرش حجه بن الحسن المهدی الناطق القائم به امرالله امام خواهند بود.(۱)

عبدالعظیم حسنی می گوید به حضور آقام علی بن محمد امام هادی علیه السلام رسیدم چون چشمش به من افتاد فرمود خوش آمدی ای ابوالقاسم تو به راستی دوستدار ماهستی عرض کردم ای پسر رسول خدا می خواهم دینم را به شما عرضه کنم من معتقدم خدای تبارک و تعالی یکی است و محمد بنده و فرستاده او و خاتم پیامبران است و پس از او تا روز قیامت پیامبری نخواهد آمد من معتقدم امام و خلیفه و ولی امر بعد از پیامبر امیرالمومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام است و پس از او حسن و حسین و آنگاه علی بن الحسین و بعد محمد بن علی و پس از او جعفر بن محمد آنگاه موسی بن جعفر و از بعد او علی بن موسی و بعد از او محمد بن علی و سپس شما ای سرور من.

امام هادی علیه السلام فرمود و بعد از من حسن فرزندم امام مردم با جانشین او چه برخوردی خواهند داشت عرض کردم چرا سرورم؟ فرمود زیرا خودش دیده نمی شود و بردن نامش نیز روا نیست تا زمانی که از پس پرده غیب بیرون آید و زمین را پر از عدل و داد کند.(۲)

اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ عَلَمَا لِعِبَادِكَ وَ مَنَارًا لِّلْبِلَادِكْ:

امام حسن عسکری علیه السلام درباره امام محمد باقر علیه السلام از خداوند می خواهد که بر او درود فرستد همانگونه وی را پرچمدار بندگان و مرکز نور شهرهایش قرار داده است.

ص: ۲۰۷

۱- بحار ج ۲۵ ص ۷

۲- بحار ج ۶۹ ص ۱

به طور کلی هر شهر و مردم هر شهری اهل ولایت محمد و آل علیهم السلام باشند. آبادند و از پرتو انوار طیبه آن ذوات مقدسه بهره خواهند شد.

پس بیاییم ما دوستان و شیعیان خوبی برای امام باقر علیه السلام و همه اهل بیت علیهم السلام باشیم تا از الطاف و عنایات آنان برخوردار گردیم. مبدا در اثر گناه و نافرمانی دستورات پروردگار متعال از چشم ایشان بیفتیم و آن بزرگواران از ما روی برگردانند.

امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب خود می فرمود:

أَبْلَغُ مَوَالِينَا عَنَّا السَّلَامَ وَ أَخْبَرُهُمْ أَنَّا لَا تُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِعَمَلٍ أَنَّهُمْ لَنْ يَنَالُوا وَ لَا يَتَنَا إِلَّا بِعَمَلٍ أَوْ وَرَعٍ وَ إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسْرَةً مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَّا غَيْرَهُ (۱)

سلام مرا به دوستانم برسان و به آنها بگو ما نمی توانیم بی نیاز کنیم شما را از طرف پروردگار مگر به عمل و هرگز به ولایت ما نخواهید رسید مگر به پرهیزکاری و عمل پشیمانترین مردم در روز قیامت کسی است که کار خوبی را توصیف نماید و خود برخلاف آن عمل کند.

پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام باید بدانند اگر امام باقر علیه السلام را پرچمدار خودی دانند و باور دارند که امثال آن معصوم بزرگوار باعث نورانیت شهرها و دیارمان می شوند در موقعی این اتفاق می افتد که ما به دستوراتشان و رهنمودهایشان عمل کنیم و کاری نکنیم که آن ها از ما ناراضی باشند امام سجاد علیه السلام می فرماید هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از فتح خیبر بازگشت و وارد مدینه شد زنی یهودی ران مسمومی را بریان کرده به رسم هدیه خدمت آن گرامی آورد.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود نان بیاورید هنوز آن حضرت دست به غذا نبرده بود که مردی به نام براء بن معرور شروع به خوردن کرد امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود براء بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم سبقت مگیر. گفت مثل اینکه شما پیامبر را نسبت بخل می دهی فرمود نه من از نظر احترام و عظمت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم می گویم برای من و تو واحدی

ص: ۲۰۸

جایز نیست که در کار یا سخن و خوراک و یا آب بر پیغمبر پیشی گیرد براء گفت من که آن حضرت را بخیل نمی دانم.

علی علیه السلام فرمود چون این غذا را زنی یهودی آورده وضعش معلوم نیست اگر به دستور پیغمبر بخوری تو را آسیبی نمی رساند ولی بدون اجازه اگر خوردی چنانچه زانی دیدی از جانب خودت می باشد براء این سخنان را می شنید و لقمه را در دهان گذاشته می خورد به واسطه همان لقمه مسموم از دنیا رفت.

امام سجاد علیه السلام در ادامه فرمایشات خود می فرماید وقتی جنازه براء من معرور را آوردند تا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بر او نماز بخواند فرمود علی بن ابیطالب علیه السلام کجاست؟ عرض کردند برای انجام درخواست یکی از مسلمین به قبا رفته فرمود خداوند به من امر کرده که نماز خواندن بر جنازه براء را تاخیر بیندازم تا علی علیه السلام بیاید و از سخنی که براء در حضور پیغمبر خدا به او گفته درگذرد و او را ببخشد و مرگ با سم را خداوند کفاره همان سخن قرار دهد.

عرض کردند براء مردی شوخ بود آن سخن را از روی مزاح گفته نه جدی تا خداوند بر گفته اش او را مواخذه نماید.

فرمود اگر جدی گفته بود خداوند تمام اعمالش را تباه می کرد اگرچه به مقدار فاصله بین زمین و عرش طلا و نقره صدقه داده باشد ولی چون مردی شوخ بود و آن سخن را به شوخی گفت من میل دارم همه بدانید که علی علیه السلام از او در خشم نیست و در حضور شما دو مرتبه او را حلال نماید و از برایش طلب آمرزش کند تا باعث قرب و بلندی درجه او در نزد خدا گردد.

چیزی نگذشت علی علیه السلام حاضر شد جنازه براء را در پیش گرفته گفت خدا رحمت کند براء مردی بسیار با نماز و پیوسته روزه دار بودی و در راه خدا از دنیا رفته است پس از نماز بر او و به خاک سپردن وی در مجلس یادبودش پیامبر فرمود هم اکنون مورد استقبال فرشتگان بهشتی قرار گرفت و همگی به او گفتند:

طوباک طوباک یا رُوحَ الْبَرَاءِ اُنْتَظَرُ عَلَیْکَ رَسُوْلُ اللّٰهِ عِیَّا صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِمَا وَآلِهِمَا

خوشا به حالت خوشا به حالت روح براء پیغمبر انتظار کشید تا علی علیه السلام بیاید و برای طلب آمرزش و رحمت کند. (۱)

وَ مَنَاراً لِّبِلَادِک امام باقر علیه السلام مرکز نور بود برای شهرهای اسلامی بود نور علم و تقوا و عصمت امام کشورهای اسلامی را منور نمود و شاگردان و تربیت یافتگان مکتب آن حضرت در اشاعه فرهنگ ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم نقش بزرگی را اجرا کردند.

محمد بن مسلم فقیه اهل بیت و از یاران صدیق امام باقر و امام صادق علیهما السلام بود امام صادق علیه السلام فرمود اگر برید بن معاویه عجل و ابوبصیر و محمد بن مسلم و زراره نمی بودند آثار پیامبر معارف شیعه از میان می رفت. آنان بر حلال و حرام خدا امین هستند محمد بن مسلم اهل کوفه بود برای بهره گرفتن از دانش بیکران امام باقر علیه السلام به مدینه آمد و چهار سال در مدینه ماند.

عبدالله بن ابی یعفور می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم گاهی از من سوالاتی می شود که پاسخ آن را نمی دانم و به شما نیز دسترسی ندارم چه کنم؟ امام علیه السلام فرمود چرا از محمد بن مسلم نمی پرسی؟ (۲)

یک شب در کوفه زنی به خانه محمد بن مسلم آمد و گفت همسر پسر مرده است و فرزندی زنده در شکم دارد تکلیف ما چیست؟

محمد بن مسلم گفت بنابر آنچه امام محمد باقر علیه السلام فرموده است باید شکم او را بشکافند و بچه را بیرون آورند سپس مرده را دفن کنند آنگاه از زن پرسید مرا از کجا یافتی زن گفت این مساله را از ابوحنیفه پرسیدم به من جواب داد که در این باره چیزی نمی دانم ولی به نزد محمد بن مسلم برو و اگر فتوایی داد مرا آگاه ساز.

روز دیگر محمد بن مسلم در مسجد کوفه ابوحنیفه را دید که در جمع اصحاب خود همان مساله را طرح کرده می خواهد پاسخ را به نام خود به آنان بگوید؟

ص: ۲۱۰

محمد بن مسلم به طعنه سرفه ای کرد و ابوحنیفه دریافت و گفت خدایت پیامرزد بگذار زندگی کنیم. (۱)

محمد بن مسلم سی هزار حدیث از امام باقر علیه السلام و شانزده هزار حدیث از امام صادق علیه السلام حفظ داشت یک روز از امام باقر علیه السلام یک سوال علمی درباره رکود خورشید کرد امام علیه اسلام فرمود: **يَا مُحَمَّدُ مَا أَصْبَرَ جَشْتِكَ وَ أَغْظَمُ مَسْأَلَتِكَ ثُمَّ أَجَابَهُ بَعْدَ ثَلَاثَةِ وَقَالَ إِنَّكَ لِأَهْلٍ لِلْجَوَابِ (۲)**

ای محمد چقدر جئه تو کوچک ست اما سوال هایت بزرگ است سپس بعد از سه روز پاسخ دادند و فرمودند تو سزاوار جواب هستی.

جابر جعفری همان طور که مقداری از احوالاتش را در صفحات قبل بیان کردیم هفتاد هزار حدیث از امام باقر علیه اسلام آموخت همواره هنگام نقل حدیث سخنش را با این جمله آغاز می کرد وصی اوصیا و وارث علم انبیاء محمد بن علی علیه السلام برایم حدیث گفت.

او هجده سال تمام شاگرد فعال و خصوصی امام باقر علیه السلام بود بعد از هجده سال هنگام وداع به امام عرض کرد باز هم روح دانش طلب و تشنه مرا با حدیثی دیگر سیراب سازید.

امام باقر علیه السلام فرمود ای جابر بعد از هجده سال هنوز به دنبال یادگیری هستی؟ جابر عرض کرد مولای من بله من از دریای علم و فضیلت شما هرگز سیراب نمی شوم چرا که شما اقیانوس بی پایان دانش هستید که هیچ گاه به عمق آن نتوان دست یافت. امام وقتی عشق و علاقه وی را بعد از آن همه تحصیل مشاهده کرد باز هم ره توشه ای ماندگار به وی عنایت نمود و این جملات زیبا را در سینه جابر برای شیعیان خود در همه شهرها و در همه زمانها به یادگار نهاد.

ای جابر به شیعیان من سلام برسان و بگو:

مَنْ هَذَا الَّذِي سَأَلَ اللَّهَ فَلَمْ يُعْطِهِ

ص: ۲۱۱

۱- رجال کشی ص ۱۶۲

۲- سفینه البحار ج ۲ ص ۳۳۱

أَوْ تَوَكَّلْ عَلَيْهِ فَلَمْ يَكْفِهِ أَوْ وَثِقَ بِهِ فَلَمْ يُنْجِهِ

کیست که از خداوند متعال درخواست کند و خداوند به او عنایت نکرده باشد یا به او اعتماد کرده و توکل نماید و خداوند او را کفایت نکند.

ای جابر دنیا را همانند خانه اجاره ای فرض کن یا همانند مرکبی که در عالم رویا بر آن سوار می شوی و هنگام بیداری در بستر خود از آن مرکب خبری نیست و کسی به آن اعتنا نمی کند و یا همانند لباسی در نظر بگیر که زمانی می پوشی و آنگاه در می آوری و یا همانند یک لحظه لذت آمیزش جنسی که زود گذر است.

ای جابر دوستی و محبت ما اهل بیت دین و این را با نظم می بخشد و بدون رهبری ما پیروان ادیان گمراه خواهند شد خداوند ما و شما را از آنهایی قرار دهد که از پروردگارشان در نهان می ترسند و از قیامت بیم دارند. (۱)

و مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِكَ وَ مُتَرْجِمًا لَوَحْيِكَ:

امام حسن عسکری علیه السلام در ادامه می فرماید بارالها امام باقر علیه السلام را محل ودیعه حکمت و مترجم وحیت قرار دادی.

دو نکته مهم در این فرمایش هست یکی حکمت الهی و دیگری فهم و درک واقعی وحی.

امام یازدهم دو منزلت برای امام پنجم بیان میکند که حکایت از مقام رفیع آن حضرت می نماید به ودیعه گذاشتن حکمت الهیه نزد آن گرامی و ترجمه و توضیح وحی الهی از ناحیه امام باقر علیه السلام هر دو روشنگر حقیقتی بیکران و وسیع است.

یکی از صفات الهی و اسماء الحسنی الحکیم است دریافت حکمت الهی یعنی فهم حقایق هستی و رسیدن به یک روشنایی باطنی که جهان خارج از خود را در وجود خویش دیدن و سر وجود جام جهان نما شدن و به بیان قرآن نایل شدن به خیر کثیر مختص برگزیدگان الهی است.

ص: ۲۱۲

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا (۱)

حکمت را پروردگار به هر که بخواهد دهد و هر که حکمت به او عطا شد خیر فراوان را یافته است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: إِنَّ اللَّهَ آتَانِي الْقُرْآنَ وَ آتَانِي مِنَ الْحِكْمَةِ مِثْلُ الْقُرْآنِ (۲)

خداوند به من قرآن را عنایت فرمود و نیز حکمت را مثل قرآن عطا کرد.

امام باقر علیه السلام صاحب حکمت و مترجم وحی الهی است بلکه همه چهارده معصوم علیهم السلام چنین اند. آن ها فرودگاه وحی و معدن رحمت و خزانه داران دانش و بالاترین مرتبه علم و ریشه های جوانمردی و پیشروان ملت ها و صاحبان واقعی نعمت ها و عنصرهای نیکان و دعائم اخیار و رهبران سیاسی بندگان و محل های خداشناسی و پایگاه های برکت خدایند و مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمْلُهُ كِتَابِ اللَّهِ (۳) ایشان معادن حکمت های الهی و نگهبانان سر خدا و حاملان کتاب خدایند.

مترجمان وحی یعنی همان راسخون در علم که تنها ایشان بعد از خدا و رسول از تاویل و تفسیر واقعی آیات الهی مطلعند.

وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ (۴)

و تاویل قرآن را جز خدا نداند و آن ها که در دانش ریشه دارند.

از امام باقر علیه السلام در تفسیر این کلام خدا آمده است رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برترین راسخین در علم است زیرا که خداوند جمیع علوم را از تنزیل و تاویل به او آموخته و این ممکن نیست که پروردگار چیزی بر پیامبرش نازل کند و پیغمبرش از تاویل آن بی خبر باشد.

ص: ۲۱۳

۱- بقره ۲۶۹

۲- مجمع البیان ج ۱ ص ۳۸۲

۳- مجمع البیان ج ۱ ص ۳۸۲

۴- آل عمران ۷

وَ اَوْصِاوه مِنْ بَعْدِهِ يَعْلَمُونَهُ كَلَه (۱)

و همچنین جانشینان بعد از او آگاه به کل آن علوم هستند.

در روایت دیگر ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که حضرت فرمود نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ (۲) راسخون در علم و نیز آگاهان از تاویل آیات قرآن ما هستیم.

وقتی امام حسن عسکری علیه السلام اینگونه بر امام باقر علیه السلام درود می فرستد و از خدا می خواهد که بر وی درود فرستد چرا که او مُسْتَوْدَعاً لِحُكْمَتِكَ وَ مُتَرْجِماً لَوْحِيكَ محل ودیعه حکمت و مترجم وحی توست یعنی فقط شخص رسول الله و ائمه طاهرين عليهم السلام هستند که از مبدا وحی مطلعند و از بطن و درون آیات کتاب خدا باخبرند و تفسیر منهای اهل بیت از قرآن شریف رفتن به انحراف و تفسیر به رای است زیرا که طبق فرمایش پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله وسلم لَهُ ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ وَ بَاطِنُهُ عِلْمٌ ظَاهِرُهُ أَنْيَقٌ وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ (۳) برای قرآن ظاهری و باطنی است ظاهرش حکم و باطنش علم ظاهری زیبا و باطنی ژرف دارد. إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ (۴) تنها پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و آله و اهل بیت او که مخاطب اصلی قرآنند می توانند همه حقایق قرآن را درک کنند.

امام باقر علیه السلام همان عبارت فوق را به قتاده بن دعامه اینگونه فرمود:

يَا قَتَادَةَ أَنْتَ فَقِيهٌ أَهْلُ الْبَصْرَةِ فَقَالَ هَكَذَا يَزْعُمُونَ فَقَالَ ابُجَعْفَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَلَّغْنِي أَنْكَ تُفَسِّرُ الْقُرْآنَ فَقَالَ لَهُ قَتَادَةُ نَعَمْ فَقَالَ ابُجَعْفَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْلَمٌ تُفَسِّرُهُ أَمْ بِجَهْلٍ قَالَ لَا بَعْلَمٌ إِلَيَّ أَنْ قَالَ يَا قَتَادَةَ إِنَّمَا يُعْرِفُ الْقُرْآنُ مَنْ خُوطِبَ بِهِ (۵)

ای قتاده تو فقیه بصریان هستی؟ عرض کرد این طور خیال میکنند امام باقر

ص: ۲۱۴

۱- کافی ج ۱ ص ۲۱۳

۲- بحار ج ۲۳ ص ۱۹۹

۳- کافی ج ۲ ص ۵۹۹

۴- مقدمه تفسیر برهان ص ۱۶

۵- کافی ج ۸ ص ۳۱۱

فرمود شنیده ام که تفسیر قرآن می گویی قتاده عرض کرد آری امام باقر علیه السلام فرمود از روی علم تفسیرش می کنی یا از روی ناآگاهی؟ عرض کرد نه از روی علم تا آن جا که فرمود ای قتاده قرآن را در حقیقت کسی می شناسد که مخاطب آن بوده است امیرمومنان علی علیه السلام سفارش می فرمود که اهل بیت علیهم السلام را در بهترین منزلگاه های قرآن فرود آورید.

فَأَنْزَلُوهُمْ بِأَحْسَنِ مَنَازِلِ الْقُرْآنِ (۱)

قطب نمای فهم قرآن اهل بیت عصمت و طهارت اند و برای فهم و درک قرآن باید به این بزرگواران مراجعه کرد این کلام از امام صادق علیه السلام که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ وَلَمَّا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ قُطْبَ الْقُرْآنِ وَقُطْبَ جَمِيعِ الْكُتُبِ عَلَيْهَا يَسْتَدُّ يَرْمَحُكُمُ الْقُرْآنُ وَبِهَا يُوهَبُ الْكُتُبُ وَ يَسْتَبِينُ الْإِيمَانُ (۲)

خداوند ولایت ما اهل بیت را قطب قرآن و قطب همه کتاب های آسمانی قرار داده است که قرآن محکم برگرد آن می چرخد و به وسیله آن ولایت کتاب های الهی عظمت می یابد و ایمان روشن و آشکار می شود.

وَأَمَرْتُ بِطَاعَتِهِ وَحَذَرْتُ مِنْ مَعْصِيَتِهِ :

امام حسن عسکی علیه السلام می فرماید پروردگارا تو بودی که مردم را به اطاعت از امام باقر علیه السلام امر فرمودی و از نافرمانی آن حضرت نهی نمودی.

اینکه همه ائمه علیهم السلام مفترض الطاعه هستند شکی نیست زیرا اولی الامرند و اطاعت اولو الامر جزو فرماندهان محکم الهی است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ (۳)

شما که ایمان دارید خدا را فرمان برید و پیغمبر و صاحبان امر خود را فرمان برید.

ابن باویه از جابر بن عبدالله انصاری روایت می کند وقتی آیه يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

ص: ۲۱۵

۱- نهج البلاغه خطبه ۸۷

۲- تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۵. بحار ج ۹۲ ص ۲۷

۳- نساء ۵۹

آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ نازل شد گفتم ای رسول خدا خدا و رسول را شناختیم اولوالامر که خداوند اطاعتشان را همراه اطاعت تو قرار داده چه کسانی هستند؟

فرمود ای جابر آنان جانشینان منند و پیشوایان مسلمین پس از من اول ایشان علی بن ابیطالب است و پس از وی حسن و حسین و علی بن الحسین و فرزند علی بن الحسین محمد که در تورات به باقر معروف است و تو وی را خواهی دید وقتی دیدی سلام مرا به او برسان و سپس صادق جعفر بن محمد و بعد موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و بعد همنام و هم کنیه من که حجت خدا و بقیه او در روی زمین و نزد بندگان است و فرزند حسن بن علی که خدا به دست وی مشرق و مغرب زمین را خواهد گشود و کسی است که از شیعیان و دوستان خود پنهان خواهد شد به امامت وی کسی پابرجا نخواهد ماند مگر آن کس که خدا قلبش را به ایمان آزموده باشد.

جابر می گوید پرسیدم ای رسول خدا آیا شیعه در غیبت او از وی استفاده خواهد برد فرمود آری سوگند به کسی که مرا به پیامبری فرستاده از نور وی روشنایی می گیرند و از ولایت وی در غیبتش متفع می شوند مانند استفاده مردم از خورشید گرچه ابر آن را بپوشاند. ای جابر این از اسرار مخفی خداوند است و از غیر اهلش پنهان ساز. (۱)

در روایت دیگر حسین بن ابی العلاء می گوید در محضر امام صادق علیه السلام متذکر شدم که قَوْلُنَا فِي الْأَوْصِيَاءِ إِنَّ طَاعَتَهُمْ مَفْتَرَضُهُ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ اطْعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (۲)

اعتقاد ما درباره ائمه طاهرين آن است که اطاعتشان واجب است حضرت صادق علیه السلام فرمود آری ایشان همان کسانی هستند که خداوند درباره ایشان

ص: ۲۱۶

۱- تفسیر برهان ج ۱ ص ۳۸۱

۲- کافی ج ۱ ص ۱۸۷

فرموده خدا را فرمان برید و پیغمبر و صاحبان امر خویش را فرمان برید.

اطاعت محض از ذوات مقدسه معصومین یعنی اطاعت از خدا و رسول و نافرمانی از دستوراتشان یعنی نافرمانی از دستورات خدا و رسول چرا که بزرگواران معصوم و مطهرند و هیچ گاه امر به خلاف نمی کنند.

مرحوم فیض کاشانی در تفسیر صافی از علل الشرایع صدوق در ذیل آیه مورد بحث حدیث جالب و صریحی را نقل می کند:

عَنْ اميرالمومنين عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا طَعَهُ لِمَنْ عَصَى اللَّهَ وَ إِنَّمَا الطَّاعَةُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لَوْلَاهُ الْأَمْرُ إِنَّمَا امرالله بطاعه الرسولِ لِأَنَّهُ مَعْصُومٌ مُطَهَّرٌ لَا يَأْمُرُ بِالْمَعْصِيَةِ وَ إِنَّمَا أَمَرَ بِطَاعَةِ أُولَى الْأَمْرِ لِأَنَّهُمْ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ لَا يَأْمُرُونَ بِمَعْصِيَتِهِ (۱)

از امیرالمومنین علی علیه السلام روایت شده که جایز نیست از شخص گنهکار اطاعت کردن همانا باید از خدا و رسول و ولای امر اطاعت کرد علت اینکه خداوند امر به اطاعت رسول میکند چون معصوم و طاهر است و امر به معصیت نمی کند و نیز جهت آنکه خداوند امر به اطاعت اولی الامر می فرماید زیرا که آنها معصوم و پاکیزه هستند و هرگز امر به گناه نمی کنند.

خداوند طبق فرمایش امام حسن عسکری علیه السلام ما را امر به اطاعت از دستورات امام باقر علیه السلام و نهی از نافرمانی آن حضرت کرده است بنابراین همه کسانی که در عصر امام باقر علیه السلام و یا بعد از ایشان دنبال فرقه های ضاله رفتند و خود را از مرام و افکار حضرت جدا ساختند گرفتار خطای بزرگی شدند و با مراجعه به تاریخ این حقیقت آشکار می گردد که عصر و زمان آن حضرت که فرصت خوبی برای نشر فرهنگ زلال و پاکیزه اسلام بود عده ای به فرقه سازی پرداختند و مذهب تراشی کردند و تفرقه کوچک مسلمین را به یک تفرقه بزرگ تبدیل نموده و مذاهب اربعه را به وجود آوردند و در زمان فرزند آن حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مخالفت خود را

ص: ۲۱۷

به اوج رساندند و شاهدیم که این تفرقه تا به امروز و عصر ما چه ضررهای غیرقابل جبران به اسلام و مسلمین وارد ساخته است.

مِنْ أَتَاكُمْ نَجَا وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَ عَلَيْهِ تَدْلُونَ وَ بِهِ تُؤْمِنُونَ وَ لَهُ تُسَلِّمُونَ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَ إِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ وَ بِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ سِجْدَ مَنْ وَالَاكُمْ وَ هَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَ خَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَ ضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَ فَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ

(۱)

هر که به سراغ شما آمده نجات یافته و هر که نیامده هلاک شده شما به سوی خدا دعوت می کنید و به سوی او دلالت می نمایید و به او ایمان می آورید و در برابر او تسلیم می شوید و به دستور او عمل می کنید و به راه او ارشاد می نمایید و به گفته او حکومت می کنید. خوشبخت شد کسی که به شما ارادت داشت و هلاک شد کسی که با شما دشمنی کرد و زیانکار گشت کسی شما را انکار کرد و گمراه گشت آن کسی که از شما جدا گردید و رستگار شد کسی که به شما متمسک گشت.

وَ قَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ اطاعكم فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عصاكم فَقَدْ عَصَى اللَّهَ (۲)

خداوند اطاعت از شما اهل بیت را مقارن اطاعت خویش قرار داد بنابراین من مطیع شما هستم چرا که هر که شما را اطاعت کند به تحقیق خدا را اطاعت کرده و هر که نافرمانی شما نماید به تحقیق نافرمانی خدا رانموده است.

فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَمَنَّاكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ:

پس درود فرست بر امام باقر علیه السلام ای پروردگارم برترین درودی را که فرستادی بر یکی از نسل های پیامبرانت و برگزیدگان و رسولانت و امینانت ای پروردگار

ص: ۲۱۸

۱- جامعه کبیر مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- جامعه کبیره مفاتیح الجنان محدث قمی

جهانیان امام حسن عسکری علیه السلام در فصل پایانی صلوات خود بر امام باقر علیه السلام بهترین و کامل ترین درودها را از درگاه الهی برای آن حضرت درخواست می کند.

مخفی نماند که در بین همین درودها برتری منزلت و رتبه ائمه طاهرين عليهم السلام كاملا مشهود است. زیرا که مقام عظمای ولایت امامان معصوم عليهم السلام به جز حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم از مقام نبوت همه انبیاء برتر و بالاتر است پیامبران الهی اگر مرتکب ترک اولی شدند ائمه عليهم السلام ترک اولی هم نداشتند و رتبه امامت برتر از رتبه نبوت است چنانکه امثال حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از امتحان بزرگ الهی خداوند او را امام قرار می دهد ولی همین پیامبر بزرگ برای مطمئن شدن به معاد جسمانی از خداوند می خواهد که نوع زنده کردن مردگان را به او نشان دهد. خداوند می فرماید: **أَوَلَمْ تَوْنِمْ قَالِ بَلَىٰ وَ لَكِنْ لِّطَمَئِنَّ قَلْبِي (۱)** پروردگار فرمود آیا ایمان نیاورده ای؟ گفت چرا و لکن برای اطمینان قلبم می خواهم.

اما مولایمان امیرالمومنین علی علیه لاسلام می فرمود: **لَوْ شَكَفَ الْغَطَاءُ مَا أَزْدَدْتُ يَقِينًا (۲)** اگر پرده هم کنار رود بر یقین من چیزی افزوده نشود.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: **يَا عَلِيُّ إِنَّ بِنَا خَتَمَ اللَّهُ الدِّينَ كَمَا بِنَا فَتَحَهُ (۳)** ای علی همانا خداوند به ما دین را ختم کرد همچنان که به ما آن را آغاز کرد.

ص: ۲۱۹

۱- بقره ۲۶۰

۲- غررالحکم ۷۵۶۹

۳- امالی مفید ص ۲۵۱

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ خَازِنِ الْعِلْمِ الدَّاعِي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ النُّورِ الْمُبِينِ اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَ
وَحْيِكَ وَخَازِنَ عِلْمِكَ وَلِسَانَ تَوْحِيدِكَ وَوَلِيَّ أَمْرِكَ وَمُسْتَحْفَظَ دِينِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ
وَ حُجَّجِكَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ:

پروردگارا بر جعفر بن محمد الصادق درود فرست رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود چون فرزندم جعفر بن محمد بن علی بن الحسین علی بن ابیطالب به دنیا آمد فَسَمُّوهُ الصَّادِقَ (۱) او را صادق بنامید.

محمد بن مسلم می گوید در حضور امام باقر علیه السلام بودم که فرزندش جعفر وارد شد در حالی که موی جلوی سرش بلند بود و در دستش ترکه ای بود و با آن بازی می کرد امام باقر علیه السلام او را گرفت و محکم به آغوش چسبانید سپس فرمود پدر و مادرم فدایت که اهل لهو و لعب نیستی آنگاه به من فرمود ای محمد بعد از من این امام توست به او اقتدا کن و از دانش وی بهره بگیر . به خدا سوگند او لَهُوَ الصَّادِقُ الَّذِي وَصَّيْنَاهُ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ إِنَّ شِيعَتَهُ مَنْصُورُونَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (۲)

همان صادقی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره او فرموده است که شیعیان وی در دنیا و آخرت پیروزمندند.

ص: ۲۲۲

۱- بحار ج ۴۷ ص ۸

۲- بحار ج ۴۷ ص ۱۵

حدیث اولی که نقل شد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم علت نامگذاری امام ششم به صادق را این چنین بیان فرمود:

فَإِنَّهُ سَيَكُونُ فِي وُلْدِهِ سَيِّمٌ لَهُ يَدْعَى الْإِمَامَةَ بِغَيْرِ حَقِّهَا وَيُسَمَّى كَذَابًا (۱) زیرا که از فرزندان او کسی همنام وی پیدا شود که بدون استحقاق ادعای امامت کند و او را جعفر کذاب گویند.

یک روز امام باقر علیه السلام با اصحابش جمع بودند امام علیه السلام خطاب به یارانش فرمود: إِذَا افْتَقَدَ تَمُونِي فَاقْتَدُوا بِهَذَا فَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي وَأَشَارَ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۲)

هرگاه مرا از دست دادید به این شخص اقتدا کنید که او امام جانشین بعد از من است و اشاره کرد به امام جعفر صادق علیه السلام

زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب که متأسفانه گروهی او را امام زمان خود دانستند و فرقه سازی کردند و در او متوقف شدند این چنین درباره برادرزاده خویش امام جعفر صادق علیه السلام قضاوت می کند:

فِي كُلِّ زَمَانٍ رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ الْبَيْتِ يَحْتَجُّ اللَّهَ بِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَحُجَّتِهِ زَمَانًا ابْنُ أَخِي جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ لَا يَضِلُّ مَنْ تَبِعَهُ وَلَا يَهْتَدِي مَنْ خَالَفَهُ (۳)

در هر زمانی مردی از اما اهل بیت حجت خدا بر خلق است و حجت زمان ما فرزند برادرم جعفر بن محمد علیه السلام است هر که از او پیروی کند گمراه نشود و هر که با او مخالفت نماید هدایت نخواهد شد.

حَازِنَ الْعِلْمِ:

امام حسن عسکری علیه السلام در هنگام درخواست صلوات از خداوند برای جد بزرگوارش امام صادق علیه السلام می فرماید آن کسی که خزانه دار و مخزن علم است

در بین دوازده امام علیه السلام به خاطر فرصت مناسبی که برای حضرت صادق علیه السلام پیش آمد بیشترین اشاعه علم و معارف توسط آن حضرت انجام گرفت.

ص: ۲۲۳

۱- علل الشرایع ص ۲۳۴

۲- بحار ج ۴۷ ص ۱۵

۳- امالی صدوق ص ۲۴۳

کمال الدین محمد بن طلحه رحمت الله درباره علم امام صادق علیه السلام می گوید او از بزرگان اهل بیت و سادات است علوم مختلف را دارا بود و در عبادت پرتلاش و دائم الذکر و زهدی آشکار داشت زیاد قرآن می خواند در تتبع معانی قرآن کریم نیرومند و از دریای بیکران قرآن جواهر استخراج می کرد. اوقات شبانه روزش را به انواع طاعات تقسیم می کرد و به محاسبه نفس خویش می پرداخت هر که او را می دید به یاد آخرت می افتاد و هر که کلامش را می شنید زاهد در دنیا می شد و هر که پیروی از رهنمودهایش می نمود بهشت را به ارمغان می برد. نور وجود آن حضرت شاهد بود که او از سلاله رسول خداست و پاکیزگی اعمالش تصدیق میکرد که او از ذریه رسالت است.

احادیث بی شماری از او نقل شده و از پرتو وجودش جمع زیادی از بزرگان علمای شناخته شده استفاده کردند. مثل یحیی بن سعید انصاری ابن جریج، مالک بن انس، سفیان ثوری، ابن عیینه، ابی حنیفه، شعبه، ایوب سجستانی و دیگران که همه این نامبردگان در فضائل علمی حضرتش داد سخن دارند و از وجود او شرف یافته اند و از جایگاه علمیش کسب فضیلت کرده اند. (۱)

علامه مصطفی رشدی بن شیخ اسماعیل دمشقی متوفی سال ۱۳۰۹ در کتاب روضه النديه خود می نویسد:

الإمام الصادق عليه السلام كان فارسَ مَيِّدَانِ الْعُلُومِ غَوَاصٍ بَحْرِيٍّ الْمَنْطُوقِ وَ الْمَهْجُومِ نَقَلَ عَنْهُ أَكْثَرُ النَّاسِ عَلَى اخْتِلَافِ مِزَاهِبِهِمْ مِنَ الْعُلُومِ مَسَارَتِ بِهِ الرِّكْبَانِ وَ انْتَشَرَ ذِكْرُهُ فِي سَائِرِ الْأَقْطَارِ وَ الْبُلْدَانِ وَ قَدْ جَمَعَ أَسْمَاءً مَنْ يَرْوِي عَنْهُ فَكَانَا أَرْبَعَةَ آلَافٍ رَجُلٍ (۲)

امام صادق علیه السلام رزمنده میدان علوم بود غواص بود دریای منطق و مفهوم معارف بود اکثر مردم با اختلاف مذاهب و سلیقه هایی که داشتند از علومش نقل کرده اند و به نشر و پخش آنها در شهرها و نقاط مختلف جهان پرداخته اند. تعداد نام هایی که

ص: ۲۲۴

۱- کشف الغمه ج ۲ ص ۳۶۹

۲- احقاق الحق ج ۱۲ ص ۲۱۸

روایان حدیث و درس آموزان مکتب او بوده اند به چهار هزار نفر می رسد.

ابوحنیفه فقط دو سال درک حوزه علمی حضرت را کرد و بعد مدعی زعامت مسلمین شد خود می گوید لَوْلَا السَّنَتَانِ لَهْلَكَ النُّعْمَانِ اِذَا آن دو سال شاگردی من از امام صادق علیه السلام نبود هلاک می شدم و نیز می گوید مَا رَأَيْتُ أَعْلَمَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (۱) هیچ کس را عالم تر از جعفر بن محمد نیافتم.

جابر بن حیان که یکی از مردان بانبوغ روزگار بود و نظیرش در تاریخ کم پیدا می شود و معروف به پدر علم شیمی است اعتراف می کند هر چه دانستم از امام صادق علیه السلام آموختم و در اکثر آثار و رساله هایش می نویسد: قَالَ لِي جَعْفَرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ. أَلْقَى عَلَيَّ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ. حَدَّثَنِي مَوْلَايَ جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ. أَخَذْتُ هَذَا الْعِلْمَ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ أَهْلِ زَمَانِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۲) بزرگترین اثری که از امام صادق علیه السلام برای بشریت سودمند است و تا قیامت قابل استفاده و استناد است احادیث فقهی حضرت است که یکی از پایه های استوار فقه شیعه و محل استفاده و استنباط احکام شرعیه برای فقهای شیعه است.

نصوص صحیحی ای که از آن گرامی نقل شده بهترین و کامل ترین پشتوانه فتوای مجتهدین ماست سراسر کتب اربعه یعنی کافی مرحوم کلینی، من لا یحضره الفقیه مرحوم صدوق، تهذیب الاحکام و الاستبصار مرحوم طوسی و وسائل الشیعه شیخ حر عاملی و سایر کتب روایی لبریز است از روایات و احادیثی که از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده و همگی دلالت صریح درباره مسایل مبتلا به فقهی مردم دارند و در یک کلام یک دوره فقه کامل را باید در سخنان امام ششم علیه الصلاه و السلام جستجو کرد.

در بین ائمه طاهرین علیها السلام تنها دو امام بودند که چنین گفتاری داشتند سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي یکی امیرالمومنین علی علیه السلام و دیگری امام جعفر صادق علیه السلام

ص: ۲۲۵

۱- مناقب ج ۳ ص ۳۶۲

۲- حضرت صادق علیه السلام کمپانی ص ۲۶۲

أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَلَأَنَا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمُ مِنِّْي بِطُرُقِ الْأَرْضِ (۱)

ای مردم پیش از آنکه مرا نیابید آنچه می خواهید از من پرسید که من راه های آسمان را بهتر از راه های زمین می شناسم.

وَحَكِي ابْنُ الْأَخْضَرِ مِنْ صَالِحِ بْنِ أَسْوَدَ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا يَقُولُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَإِنَّهُ لَا يَحْدِثُكُمْ أَحَدٌ بَعْدِي مِثْلَ حَدِيثِي وَ مِنْهُمْ الْعَلَامَةُ الذَّهَبِيُّ فِي تَذَكُّرِهِ الْحَفَاطِ (۲) (۳)

ابن اخضر از صالح بن اسود حکایت می کند که گفت از جعفر بن محمد رضی الله عنهما شنیدم که فرمود ای مردم پیش از آن که مرا نیابید آنچه می خواهید از من پرسید که هیچ کس بعد از من همانند من برای شما حدیث نخواهد گفت.

عالم دیگر سنی مذهب به نام عبدالله بن اسعد بن علی الیافعی الیمانی که در حرمین شریفین یعنی مکه و مدینه می زیست در کتاب تاریخ خود می نویسد: كَانَ جَعْفَرُ الصَّادِقِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَاسِعَ الْعِلْمِ وَافِرَ الْحِلْمِ وَلَهُ مِنَ الْفَضَائِلِ وَالْمَاثِرِ مَا لَا يُحْصَى (۴)

حضرت جعفر صادق علیه السلام در علم به طور گسترده مسلط بود از حلم فراوانی برخوردار و برایش فضائل و آثاری بود که قابل شمارش نمی باشند.

راغب اصفهانی صاحب کتاب مفردات القرآن در کتاب دیگر خود به نام محاضرات الادباء ج ۱ ص ۲۲۳ می گوید: لَيْسَ فِي الْأَرْضِ خُمْسُهُ الشَّرَافِ مِثْلَ مِثْلِهِ كَتَبَ عَنْهُمْ الْحَدِيثُ إِلَّا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمُ الرِّضْوَانُ (۵)

ص: ۲۲۶

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۸۹

۲- احقاق الحق ج ۱۲ ص ۲۲۷ و ص ۲۳۸

۳- ج ۱ ص ۱۶۶

۴- احقاق الحق ج ۱۲ ص ۲۲۷ و ص ۲۳۸

۵- احقاق الحق ج ۱۲ ص ۲۲۷ و ص ۲۳۸

در روی کره زمین پنج نفر از اشراف اهل ادب و نظم در گفتار و تکلم با سجع و قافیه پیدا نمی شوند تا از آنها حدیثی با این خصوصیات نقل شود جز جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب که رضوان خدا بر همگان نشان باد.

یکی از اعتقادات ما نسبت به علوم ائمه طاهرین علیهم السلام لدنی بودن آن است یعنی استاد نداشتند و هر آنچه را که می دانستند از جانب خداوند تبارک و تعالی به آنها افاضه شده بود فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا (۱)

در آن جا بنده ای از بندگان ما را یافتند که رحمتی از جانب خود به او ارزانی داشته و دانشی از نزد خود به او آموخته بودیم. این نوع علم به اراده به افراد خاص چون امامان معصوم تفضل شده است. پیامبر خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود:

عِلْمُ الْبَاطِنِ سِرٌّ مِنْ أَسْرَارِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ حَكْمٌ مِنْ حَكَمِ اللَّهِ يَقْدِفُهُ فِي قُلُوبٍ مَنْ شَاءَ مِنْ عِبَادِهِ (۲)

علم باطنی رازی از رازهای خدای عزوجل و حکمتی از حکمت های خداست و آن را در دل هر کس از بندگان که خواهد می افکند.

دانش درست و علم واقعی را فقط در خانه اهل بیت علیهم السلام که متصل به مرکز خدای العلیم هستند باید سراغ گرفت بقیه مردم حرف ها و ذهنیات خودشان را می زنند و چون نظریه های علمی ایشان متأثر از وحی و گفتار معصومین علیهم السلام نیست اغلب گرفتار خطار می شوند امام باقر علیه السلام تاکید دارند که اگر دنبال علم صحیح هستند به ما مراجعه کنید.

یکبار به سلمه بن کهیل و حکیم بن عتیبه فرمود:

شَرْقًا وَ غَرْبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (۳)

اگر به شرق و غرب بروید هرگز دانش درستی را نخواهید یافت مگر همان

ص: ۲۲۷

۱- کشف ۶۵

۲- کنز العمال ۲۸۸۲

۳- بحار ج ۲ ص ۹۲

چیزی که از ما خاندان صادر شود.

در جای دیگر فرمود:

أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ حَقٌّ وَلَا صَوَابٌ إِلَّا شَيْءٌ أَخَذُوهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ (۱)

بدانید که نزد هیچ یک از مردم مطلب حق و درستی نیست مگر این که برگرفته از چیزی است که آن چیز را از ما خاندان گرفته اند.

و مولا یمان علی علیه السلام فرمود: إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي هَبَطَ بِهِ آدَمُ وَ جَمِيعُ النَّبِيِّينَ إِلَى خَاتَمِ النَّبِيِّينَ فِي عَتَرَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ (۲)

دانشی که آدم و همه پیامبران دیگر تا خاتم پیامبران آوردند در خاندان محمد صلی الله علیه و آله وسلم وجود دارد.

وَ أَشْهَدُ انْكُمْ الْأَئِمَّةَ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدُتُونَ خَزَنَةَ لَعْلَمِهِ وَ مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَ تَرَاخُمَهُ لَوْحِيهِ (۳)

و شهادت می دهم که شما امامان دعوت به راه رشد و تعالی میکنید شما رهیافته اید و دارای مقام عصمت هستید شما خزانه داران علم خدا و محل ودیعه حکمت او هستید و ترجمانانی برای وحیش می باشید.

الدَّاعِي إِلَيْكَ بِالْحَقِّ النُّورِ الْمُبِينِ:

امام حسن عسکری علیه السلام در ادامه صلواتش بر امام صادق علیه السلام عرض می کند پروردگارا درود فرست بر کسی که به حق دعوت کننده به سویت بود و او نور آشکار بود.

همه مدعیان رهبری انسان ها در هر مکتب و مرامی این طور نیست که مردم را به خدا دعوت کنند اکثر حتی در ابعاد معنوی مردم را به خود دعوت می کنند و دنبال قطب و قطب بازی و مرید و مرید بازیند.

ص: ۲۲۸

۱- امالی مفید ص ۹۶

۲- ارشاد مفید ج ۱ ص ۲۳۲

۳- جامعه کبیره مفاتیح الجنان محدث قمی

یکبار در مناظره با شخصی که مروج پر و پا محکم آقایی بود که ترویج افکار سلفی ها را می کرد و او را مراد خود می دانست. او گفت من چهل سال است که یارگیری می کنم تا مجلس اقایم را پروتق کنم و افکار و ایده هایش را ترویج نمایم. بنده عرض کردم پس اعتراف می کنی که چهل سال است که مردم و به ویژه جوانان را به مرادت می خوانی پس دعوت به خدا چه می شود تو برای گرم نگهداشتن مجلس منحرفانه مولایت چهل سال تلاش کردی پس در این بین دعوت به خدا و کسانی که خداوند مهر امامت بر وجودشان زده و از پیش به اشاره پروردگار در زبان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نام و نشانان مشخص گردیده چه می شود؟

الدَّاعِيَ إِلَيْكَ بِالْحَقِّ امام صادق عليه السلام از جمله معصومینی است که مردم را فقط به حق تعالی دعوت می کرد همچنان که جد بزرگوارش رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم داعیاً إِلَى الله بود : يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا (۱)

ای رسول خدا ما تو را فرستاده ایم تا شاهد بر رفتار و بشارت دهنده و بیم رسان باشی و مردم را با اجازه پروردگار به سوی او بخوانی و تو را چراغی درخشان فرستاده ایم به چند نمونه از هزاران مواردی که امام جعفر صادق علیه السلام مردم را به حق و خدا دعوت می کرد توجه کنیم:

لِلرَّجُلِ سَأَلَهُ أَنْ يَعْظُمَهُ أَنْ كَانَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ تَكْفَلَ بِالرَّزْقِ فَاهْتَمَّا مَكَ لِمَاذَا وَإِنْ كَانَ الرِّزْقُ مَقْسُومًا فَالْحِرْصُ لِمَاذَا وَإِنْ كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا فَالْجَمْعُ لِمَاذَا؟ (٢)

به مردی که تقاضای پندی از حضرت صادق علیه السلام کرد فرمود اگر خداوند روزی رساندن را به عهده گرفته است پس غم روزی خوردن تو از بهر چیست؟ و اگر روزی قسمت شده است پس حرص چه معنا دارد؟ و اگر حسابرسی راست است پس جمع کردن مال و ثروت چرا؟

ص: ۲۲۹

۱- احزاب ۴۵ و ۴۶

۲- بحار ج ۷۸ ص ۱۹۰

در جای دیگر می فرمود سخنی از من بشنوید که آن برای شما بهتر از اسبان خاکستری رنگ است که دست و پاهایشان خطوط سیاه دارد هیچ یک از شما سخن بیهوده و نامربوط نگوید و از پر گفتن سخنان مفید هم خودداری ورزد. (۱)

وقتی جابر جعفی از حضرت درخواست اندرز نمود؟ فرمود ای جابر دنیا را مثل مالی بدان که در عالم خواب به دست می آوری و چون بیدار می شوی چیزی از آن با خود نمی یابی. آیا نصیب تو از دنیا چیزی جز همان جامه ای است که می پوشی و کهنه اش می کنی یا همان خوراکی است که می خوری و سپس به آن تبدیل می شود که خود می دانی پس شگفت از مردمی است که اولین های آنان از آخرین هایشان گرفته شده و رفته اند و آنگاه در میان ایشان بانگ رحیل سر داده شده است لیکن همچنان بی خبر سرگرم بازی اند. (۲)

درباره علاج وسواس و رهایی از وسوسه شیطان به ابوبصیر و زراره فرمود کسی که در نماز زیاد شک می کند به شک خود اعتنایی نکند و نمازش را ادامه دهد سپس فرمود با شکستن نماز شیطان پلید را به خودتان عادت ندهید که با این کار او را به طمع اندازید زیرا شیطان خبیث است و بدان چه عادتش دهند عادت می کند پس هر یک از شما که زیاد شک می کند به شک خود اعتنا نکند و نمازش را زیاد نشکند چون اگر چند مرتبه به شک خود اعتنا نکرد دیگر دچار شک نخواهد شد.

زراره می گوید حضرت سپس فرمود: إِنَّمَا يُرِيدُ الْخَبِيثُ أَنْ يُطَاعَ فَإِذَا عُصِيَ لَمْ يَعُدْ إِلَيَّ أَحَدٌ كَمْ (۳) شیطان پلید می خواهد اطاعتش کنید لذا اگر نافرمانی شود دیگر به طرف کسی از شما نمی آید.

در بیانی دیگر برای رهایی از شیطان ذکر لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را توصیه می فرماید که جمیل بن دراج می گوید سفارش امام صادق علیه السلام را عمل کردم هر وقت در دلم

ص: ۲۳۰

۱- امالی طوسی ص ۲۲۵

۲- تنبیه الخواطر ج ۲ ص ۳۰

۳- کافی ج ۱ ص ۳۵۸

چیزی از وسوسه ها و شکیات ذهنی به وجود می آمد می گفتیم لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ آن چیز از دلم بیرون می رفت. (۱)

امام علیه السلام برای آنکه پیروان خود را به سوی خدای یکتا دعوت کند و دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ باشد می فرمود: اَمْتَحِنُوا شَيْعَنَا عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتُهُمْ عَلَيْهَا وَإِلَى أَسْرَارِنَا كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عَنْ عِدُونِنَا وَإِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَاسَاتَتِهِمْ لِإِخْوَانِهِمْ فِيهَا (۲)

شیعیان ما را در نحوی مواظبت کردن بر اوقات نمازشان و حفظ کردن اسرار ما از دشمنانمان و دستگیری از برادرانمان بیازمایید.

و نیز می فرمود: أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ إِذَا دَعَا رَبَّهُ وَهُوَ سَاجِدٌ (۳)

نزدیکترین زمان بنده به پروردگارش زمانی است که در سجده است و پروردگارش را می خواند و همچنین فرمود نزدیکترین زمان بنده به خدای عزوجل هنگامی است که شکمش سبک باشد. (۴)

و نیز فرمود سه نفرند که در روز قیامت نزدیکترین خلق به خدایند تا آنگاه که کار حسابرسی مردم تمام شود مردی که در حال خشم قدرتش او را به ستم کردن بر زیر دستش و ندارد مردی که میان دو نفر حرکت کند و به اندازه جوی به یکی از آن دو نزدیکتر نشود و آزارش به آن دو نرسد و مردی که به سود و زیان خود حق را بگوید. (۵)

و همچنین فرمود از جمله سخنان سری خدای متعال باموسی صلوات الله علیه این بود ای موسی: مَا تَقَرَّبَ إِلَيَّ الْمُتَقَرَّبُونَ بِمِثْلِ الْوَرَعِ عَنْ مَحَارِمِي فَإِنِّي أَمْنَحُهُمْ جَنَّاتٍ عِدْنِي لَا أَشْرَكَ مَعَهُمْ أَحَدًا (۶)

طالبان قرب به من به چیزی مانند پرهیز از حرام هایم به من نزدیک نشدند من

ص: ۲۳۱

۱- کافی ج ۲ ص ۴۲۴

۲- قرب الاسناد ص ۷۸

۳- کافی ج ۳ ص ۳۲۳

۴- کافی ج ۳ ص ۲۶۹

۵- خصال صدوق ص ۸۱

۶- مشکاه الانوار ص ۴۵

بهشت های ماندگار خود را به آنان میبخشم و هیچ کس را شریکشان قرار نمی دهم.

امام صادق علیه السلام پایگاه ارتباط با پروردگار را دل می داند و به همین علت می فرمود: الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ بِالْقُلُوبِ أَبْلَغُ مِنَ الْقَصْدِ إِلَيْهِ بِالْبَدَنِ وَ حَرَكَاتُ الْقُلُوبِ أَبْلَغُ مِنْ حَرَكَاتِ الْأَعْمَالِ (۱)

ره سپردن به سوی خدا با دل ها رساننده تر است تا ره سپردن به سوی او با بدن و حرکت های دل ها رساننده تر به سر منزل مقصود از حرکت های اعمال است.

همان گرامی در معنا و تفسیر قلب سلیم می فرمود: الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يُلْقَى رَبُّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ (۲)

قلب سلیم دلی است که پروردگارش را دیدار کند در حالی که احدی جز خدا در آن دل نباشد و حضرت بر جلا دادن و صیقلی دل ها می فرمود: أَنْ لِلْقُلُوبِ صُدَاءَ النَّحَاسِ فَاجْلُوهَا بِالِاسْتِغْفَارِ (۳)

دل ها نیز همچون مس زنگار می بندد پس آنها را با استغفار جلا و صیقلی دهید.

همان گرامی فرمود: أَنْ قُوَّةَ الْمُؤْمِنِ فِي قَلْبِهِ إِلَّا تَرَوْنَ انْكُمْ تَجِدُونَهُ ضَعِيفَ الْبَدَنِ نَحِيفَ الْجِسْمِ وَ هُوَ يَقُومُ اللَّيْلَ وَ يَصُومُ النَّهَارَ (۴)

همانا نیروی مؤمن در دل اوست مگر نه این است که می بینید بدنی ضعیف و پیکری نحیف دارد و با این حال شب را به عبادت می گذراند و روز روزه می گیرد.

امام علیه السلام راه محبوب خدا شدن را از قول پروردگار این چنین بیان می فرماید:

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَا تَحَبَّبَ إِلَيَّ عَبْدِي بِأَحَبِّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ (۵)

خدای تبارک و تعالی فرموده است بنده ام به چیزی محبوب تر از آنچه بر او

ص: ۲۳۲

۱- مشکاه الانوار ص ۲۵۷

۲- کافی ج ۲ ص ۱۶

۳- عده الداعی ص ۲۴۹

۴- من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۵۶۰

۵- کافی ج ۲ ص ۸۲

فرض کرده ام خود را محبوب من نکرده است.

و درباره برترین عبادت فرمود: أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِذْمَانُ التَّفَكُّرِ فِي اللَّهِ وَ فِي قُدْرَتِهِ (۱)

برترین عبادت اندیشیدن مداوم درباره خدا و قدرت اوست.

و درباره ثمرات واگذار کردن کارها به خدا تبارک و تعالی می فرمود:

الْمُفَوَّضُ أَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ فِي رَاحَةِ الْأَبَدِ وَالْعَيْشِ الدَّائِمِ الرَّغَدِ وَالْمُفَوَّضُ حَقًّا هُوَ الْعَالِي مِنْ كُلِّ هُمٍّ دُونَ اللَّهِ وَالْمُفَوَّضُ لَا يُضِيجُ إِلَّا سَالِمًا مِنْ جَمِيعِ الْأَفَاتِ وَلَا يُمَسِّي إِلَّا مُعَافًى بِدِينِهِ (۲)

کسی که کار خود را به خدا واگذارد در آسایش جاودان و زندگی همیشه خوش است و واگذارنده ای حقیقی کسی است که از هر همت و خواسته ای جز خدا دست شوید. کسی که کارش را به خدا واگذارد شبش را به سلامت ماندن از هر گزند و آفتی به روز رساند و روزش را با دینی سالم به شب آورد.

النُّورُ الْمُبِينُ: امام صادق نور روشن خدا بود.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا (۳)

ای مردم شما را از پروردگارتان برهانی آمده و نوری آشکار به شما نازل کرده ایم.

شخص امام صادق علیه السلام نور در آیه را تاویل به ولایت جد بزرگوارش امیرالمومنین علی علیه السلام فرموده است: النُّورُ ولایه عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۴) البرهان مُحَمَّدٌ وَ النُّورُ عَلِيٌّ (۵) برهان در آیه منظور حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم است و نور امیرالمومنین علی علیه السلام است.

و از آنجا که کلهم نور واحد همه ائمه طاهرين عليهم السلام نور واحدی هستند امام صادق علیه السلام خود نیز نور مبین است.

ص: ۲۳۳

۱- کافی ج ۲ ص ۵۵

۲- بحار ج ۷۱ ص ۱۴۸

۳- نساء ۱۷۴

۴- مجمع البیان ج ۳ ص ۱۴۷

۵- تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲۸۵

و نیز نظر همان امام همان علیه السلام در ذیل وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ (۱)

کسی که خدا نوری به او نداده او را نوری نیست قابل دقت است.

صالح بن سهل می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: مقصود از وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ يَعْنِي إِمَامًا مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ قَالَ مِنْ إِمَامٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَمْشِي بِنُورِهِ كَمَا فِي قَوْلِهِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ حَتَّى يَنْزِلُوا مَنَازِلَهُمْ فِي الْجَنَّةِ (۲)

یعنی امامی از فرزندان فاطمه علیها السلام که چنین شخص از نور امام محروم است تا در روز قیامت به نور وجود او راه برود همان طور که پروردگار می فرماید نور آنان از پیش رو و سمت راست در حرکت است. (۳) همانا اهل ایمان در روز قیامت نورشان از پیش رو و سمت راستشان در حرکت است تا اینکه در خانه هایشان در بهشت جای گیرند.

در روایت دیگری ذیل آیه ۴۰ سوره مبارکه نور آمده است که حکیم و حران می گوید از امام صادق علیه السلام سوال کردم از تفسیر کلام خدا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ فرمود: أَيْ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ إِمَامًا فِي الدُّنْيَا فَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نُورٍ إِمَامٌ يُرْشِدُهُ وَيَتَّبِعُهُ إِلَى الْجَنَّةِ (۴)

هر کس را خدا برای او امامی در دنیا قرار ندهد در آخرت از نور امامی که او را راهنمایی کند و همراهش به بهشت برود محروم خواهد بود

امام صادق علیه السلام گوینده و مفسر آیات شریفه قرآن همان نور مبینی است که فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام در صلوات بر آن حضرت بیان می دارد.

ص: ۲۳۴

۱- نور ۴۰

۲- تفسیر صافی ص ۳۷۹

۳- تحریم ۸

۴- برهان ج ۳ ص ۱۴۱

دوستان خواننده در این عصری که محیط جوامع اسلامی گسترده تر شده و مسلمانان با بیداری اسلامی به وجود آمده بار دیگر بعد از نابودی دیکتاتورهای حاکم بر خود به هم نزدیکتر می شوند احیاء و بازنگری به نقش ولایت و نور ائمه طاهرین علیهم السلام بدون اهانت به هیچ یک از فرق و گروه های اسلامی بسیار ضروری به نظر می رسد.

و به تحقیق نقل مطالبی که بیانگر اصالت شیعه و نشان دهنده فرهنگ غنی خاندان عصمت و طهارت است هیچ تفرقه و شکافی بین تشیع و تسنن همراه ندارد بلکه باعث می شود افراد بی اطلاع به منویات حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بنیان گذار اسلام عزیز نزدیک شوند.

به عنوان مثال معرفی شخصیت علمی و نور معنوی اشکار حضرت صادق علیه السلام و ائمه دیگر علیهم السلام باعث تقریب بین مسلمین خواهد شد به این دلیل که امام صادق علیه السلام به اعتراف رهبران بزرگ اهل سنت مثل ابوحنیفه و مالک بن انس که جزو شاگردان رسمی آن حضرت بوده اند و به این تلمذ و بهره مندی از محضر آن گرامی افتخار می کنند و جایگاه علمی امام صادق علیه السلام را مهر تایید می زنند.

اگر در کنگره هایی که از قبیل کنگره اهل بیت علیهم السلام در کشورهای اسلامی به عظمت علمی و اشراف کامل آن بزرگواران به همه علوم بحث و گفتگو شود بی شک دانش پژوهان بازگشت به منابع و سرمایه های بزرگ اسلام و رهبران مکتب تشیع دست خواهند یافت.

شخص امام صادق علیه السلام برای ارزش گذاری بین شیعیان به آنهایی که بیشتر از محضر علمی اهل بیت علیهم السلام استفاده کرده اند ارج و منزلت می گذارد.

اعْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا بِقَدْرِ مَا يُحْسِنُونَ مِنْ رَوَايَاتِهِمْ عَنَّا فَإِنَّا لَا نَعِيدُ الْفَقْهَ مِنْهُمْ فَقِيهًا حَتَّى يَكُونَ مُحَدِّثًا فَقِيلَ لَهُ أَوَيْكُنَ الْمُؤْمِنُ مُحَدِّثًا قَالَ يَكُونُ مُفْهَمًا

منزلت شیعیان ما را از اندازه روایاتی که از ما می دانند بشناسید ما فقیه آنها را فقیه نشماریم مگر این که محدث باشد عرض شد آیا مومن هم محدث می باشد؟ فرمود مفهم است و مفهم محدث می باشد (محدث کسی است که علوم و اخبار آسمانی به وسیله الهام با صدای فرشته به او می رسد امام شخص فرشته را نمی بیند و مفهم (تفهیم شده) کسی که از طریق رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه علیهم السلام تفسیر و تاویل قرآن به او فهمانده شده باشد و اینک به نظر یکی از تربیت یافتگان مکتب امام جعفر صادق علیه السلام توجه کنید:

مرحوم شهید ثانی رضوان الله علیه در کتاب شریف منیه المرید می نویسد بدان که خدای پاک دانش را علت کلی آفرینش جهان برین و زیرین قرار داده و برای دانش همین شکوه و افتخار کافی است خدای بزرگ در کتاب محکم خود به منظور یادآوری و بصیرت بخشیدن به خردمندان می فرماید:

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا (۲)

خدا آن کسی است که هفت آسمان و همانند آنها زمین را بیافرید فرمان او میان آسمان ها و زمین فراوان است تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست و بر همه چیز احاطه علمی دارد.

همین آیه به تنهایی کافی است که نشان دهد دانش به ویژه دانش توحید که شالوده هر دانشی و مدار هر شناختی است تا چه پایه ارجمند است.

خدای پاک دانش را بالاترین شرافت و نخستین نعمتی قرار داد که بعد از آفرینش فرزند آدم و برآوردن او از تاریکی نیستی به روشنایی هستی به وی عطا فرمود خداوند پاک در نخستین سوره ای که بر پیامبر خود محمد صلی الله علیه و آله وسلم فرو فرستاد

ص: ۲۳۶

می فرماید: اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (۱)

بخوان به نام پروردگارت که بیافرید انسان را از لخته خونی آفرید بخوان و پروردگار تو ارجمندترین است خدایی که با قلم آموزش داد به انسان آنچه نمی دانست بیاموخت بیندیش که چگونه کتاب گرامی و ارجمند خود را که لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ (۲)

نه از پیش روی باطل به او راه یابد نه از پس نازل شده از سوی خدایی حکیم و ستودنی است.

با نعمت هستی بخشیدن آغاز می کند و بلافاصله بعد از آن از نعمت دانش سخن می گوید اگر بعد از نعمت ایجاد مکنّت یا نعمتی بالاتر و بهتر از علم بود بیگمان خداوند بزرگ اختصاصاً از این نعمت یاد نمی کرد. (۳)

حالا باید بیشتر دقت کرد که مرکز و ثل علوم محمد و آل محمد علیهم السلام هستند و نور علمشان جهانگیر و عالمتاب است.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود: إِنَّ الْعِلْمَ الَّذِي هَيَّطَ بِهِ آدَمُ وَ جَمِيعَ مَا فَضَّهِ بِهِ النَّبِيُّونَ إِلَيَّ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ فِي عَتَرَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ (۴)

دانشی که آدم و همه پیامبران دیگر تا خاتم پیامبران آوردند در خاندان محمد صلی الله علیه و آله وسلم وجود دارد.

همان گرامی هشدار می دهد که علم درست و مفید را فقط باید خاندان عصمت و طهارت سراغ گرفت و الا متضرر خواهیم شد.

لَوْ اقْتَبَسْتُمْ الْعِلْمَ مِنْ مَعْدِنِهِ وَ شَرِبْتُمْ الْمَاءَ بِعُدُوْبَتِهِ وَ أَدَّخَرْتُمْ الْخَيْرَ مِنْ مَوْضِعِهِ وَ أَخَذْتُمْ الطَّرِيقَ مِنْ وَاضِعِهِ وَ سَلَكْتُمْ مِنَ الْحَقِّ نَهْجَهُ لَنَهَجَتْ بِكُمْ

ص: ۲۳۷

۱- علق ۱ تا ۵

۲- فصلت ۴۲

۳- منیه المريد ص ۹۳

۴- الارشاد ج ۱ ص ۲۳۲

السُّبُلُ وَ بَدَتْ لَكُمْ الْإِغْلَامُ (۱)

اگر دانش را از معدن آن فرا می گرفتید توجه دارید همان طور که در زیارت جامعه کبیره درباره چهارده معصوم علیهم السلام آمده که اول و اصل و فروع و معدن و جایگاه و مرجع نهایی علم و حلم و هر خیری خواهند بود. وَ رَايَكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ إِنَّ ذَكَرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوَّلُهُ وَ أَصْلُهُ وَ فَرْعُهُ وَ مَعْدَنُهُ وَ مَآوِيَهُ وَ مُنْتَهَاهُ وَ آبٍ رَا مِنْ سِرْجِشْمِهِ زَلَالِشْ مِی نوشیدید خوبی ها را از کانونش می اندوختید و راه روشن را در پیش می گرفتید و جاده حق را می پیمودید بیگمان راه ها بر شما آشکار می شد و نشانه های راه برایتان هویدا می گشت.

اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَ وَحْيِكَ وَ خَازِنَ عِلْمِكَ وَ لِسَانَ تَوْحِيدِكَ وَ وَلِيَّ أَمْرِكَ وَ مُسْتَحْفَظَ دِينِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَ حُجَجِكَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

امام حسن عسکری علیه السلام در قسمت پایانی صلوات بر امام جعفر صادق علیه السلام مطالبی را در شان آن حضرت بیان می فرماید که کلمه به کلمه آن قابل بحث مبسوط و گفت و گوی فراوان است.

خداوندا همچنان که او را معدن کلامت قرار دادی و کانون وحیت و خزانه دار علمت و زبان یکتاپرستیت و متولی حکومت و نگهبان دینت پس درود فرست بر او برترین درودهایی را که فرستادی بر یکی از برگزیدگان و حجت هایت زیرا که تو بسی ستوده و بزرگواری.

جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ:

معدن کلمه الله بودن جایگاه رفیع و بلندی است که جز صاحبان مقام عصمت هیچ کس را ورود به آن سزا نیست.

خداوند تبارک و تعالی بعد از بیان میقات چهل شبه اش با حضرت موسی علیه السلام و

ص: ۲۳۸

گفت و گوهایی که بین پروردگار و آن پیامبر اولوالعزم گذشت می فرماید:

يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي (۱)

ای موسی ما تو را به پیامبری و کلام خویش برای مردم برگزیدیم.

کدام کلام همان کلامی که برتر از آن وجود ندارد چنان که می فرماید:

وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲)

کلام خدا بلندمرتبه است و خداوند مقتدر و حکیم است.

حالا این کَلِمَةُ اللَّهِ که هِيَ الْعُلْيَاست یکی از کانون ها و معادنش وجود مقدس امام جعفر صادق علیه السلام است.

کسانی که داوطلب رسیدن به کلمات نورانی حق تعالی هستند باید در محضر مثل امام صادق علیه السلام زانو بزنند زیرا که ایشان معدن کلام الله می باشند.

بر همین اساس به آن بزرگواران خطاب میکنیم که: كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى (۳) کلام شما نور است . فرمان شما سبب رشد و تعالی است توصیه شما به امر تقواست. و شهادت می دهیم که:

الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمُعْصُمُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِأَمْرِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ أَصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَ ارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَ اخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَ اجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَ أَعَزَّكُمْ بِهَدَاهُ وَ خَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَ اتَّجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَ أَيْدَكُمْ بِرُوحِهِ (۴)

شما اهل بیت و امامانی هستید که مردم را ارشاد می کنید رهیافته و معصومید گرامی مقرب به درگاه الهی پرهیزکار صادق و برگزیده و فرمانبر خدایید. همواره به دستورات خداوند قیام می کنید و بخواستش عمل می نمایید و رستگارانید به کرم پروردگار و برگزیده علم او و مورد رضایت حق تعالی هستید آگاه به علم غیب او و

ص: ۲۳۹

۱- اعراف ۱۴۴

۲- توبه ۴۰

۳- مفاتیح الجنان محدث قمی

۴- مفاتیح الجنان محدث قمی

اختیار شده جهت سر پرورد گارید و برگزیده قدرت حق تعالی هستید. خداوند شما را عزیز کرد با هدایتش و شما را مخصوص نمود به برهانش و برگزید برای نورش و شما را تایید کرد به توسط روحش.

باز گردیم به عبارت مَعْدِنَ کَلَامُکَ با نگرش در ژرفای کلمات نورانی امام صادق علیه السلام به خوبی می توان هر آنچه را که خداوند در کتاب های آسمانش مثل زبور، تورات، انجیل و قرآن و حتی احادیث قدسی بیان فرموده درک و فهم و شرح و تفسیر کلمات الله را در گفتار آن حضرت می توان یافت.

و اینک به فهرست موضوعی کلام امام صادق علیه السلام که برگرفته از کلام الله البته نه تمام کلام الله و تمام کلمات امام صادق علیه السلام توجه بفرماید:

حرف آ:

آب و باران: وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَ كُمْ بِهِ (۱)

و آبی از آسمان برایتان نازل کرد تا بدان شما را پاکیزه کند.

امام صادق علیه السلام می فرمود: الْمَاءُ يُطَهِّرُ وَلَا يُطَهَّرُ (۲)

آب پاک می کند ولی اگر نجس شود چیزی آن را پاک نمی کند.

آبادانی: وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى (۳)

و نیست برای انسان جز آنچه را با سعی و عمل به دست می آورد و البته نتیجه سعی و کوشش او به زودی دیده خواهد شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: اِعْمَلُوا أَقْلِيلاً تَنْعَمُوا كَثِيراً

اندکی کار کنید تا بسیار متنعم شوید.

آبرو: وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ

ص: ۲۴۰

یکدیگر را مورد عیبجویی قرار ندهید و با لقب های زشت همدیگر را نخوانید که بعد از ایمان فسق ها چه زشت هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ أَنْبَأَ مُومِنًا أَنَّ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۲)

هر کس مومنی را با سرزنش هایش بی آبرو کند خداوند او را در دنیا و آخرت بی آبرو و سرزنش می کند.

آخرت: تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (۳)

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فرمود: عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَ لَا فَسَادًا الْعُلُوُّ: الشَّرَفِ وَالْفَسَادُ: النَّسَاءُ (۴) منظور از عُلُو بزرگی و بلند پروازی است و منظور از فسا زنان هستند (لازم به توضیح است که منظور مطلق زنان نیستند بلکه زنانی که ام الفسادند و باعث به گمراهی کشیده شدن مردان می شوند)

آداب معاشرت: خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (۵)

ای رسول ما تو گذشت داشته باش و دعوت به خوبی ها کن و از مردم نادان کناره بگیر.

امام صادق علیه السلام فرمود: ثَلَاثَةٌ لَا تُعْرَفُ إِلَّا فِي لَاهِ مَوَاطِنَ لَا يُعْرَفُ الْحَلِيمُ إِلَّا عِنْدَ الْغَضَبِ وَ لَا الشُّجَاعُ إِلَّا عِنْدَ الْحَرْبِ وَ لَا أَخٌ إِلَّا عِنْدَ الْحَاجَةِ (۶)

سه نفر در سه جا شناخته می شوند بردبار به هنگام خشم شجاع به هنگام جنگ برادر به هنگام نیاز.

آدم و آدمیان: لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنْ

ص: ۲۴۱

۱- حجرات ۱۱

۲- کافی ج ۲ ص ۳۵۶

۳- قصص- ۸۳

۴- تفسیر علی بن ابراهیم ج ۲ ص ۱۴۷

۵- اعراف ۱۹۹

۶- تحف العقول ص ۳۰۲

الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (۱)

ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و در خشکی و دریا مسیرشان دادیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری از آفریده های خویش آنان را برتری کامل دادیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرًّا إِلَيْهَا إِلَّا مَنْ وَالْعَدْلِ وَالْخِصْبُ (۲)

سه چیز است که همه آدم ها به آنها نیاز دارند امنیت عدالت رفاه.

آرامش: هُوَ الَّذِي أُنْزِلَ السَّكِينَةُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ (۳)

خداست که نعمت آرامش و طمانینه را در دل های اهل ایمان قرار می دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود: شِيعَتُنَا الَّذِينَ إِذَا خُلُوْا ذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا (۴)

شیعیان ما کسانی هستند که در خلوت تنهایی خدا را فراوان یاد کنند.

آرزو: ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۵)

آنها را به خودش بگذار تا بخورند و از دنیا بهره ببرند و آرزوها سرگرمشان کند ولی به زودی خواهند فهمید.

امام صادق علیه السلام می فرمود: اعوذبک..... مِنْ أَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ (۶)

خدایا به تو پناه می برم از آرزویی که مانع رسیدن به بهترین کار شود.

آزادگی: وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (۷)

هیچ گاه خدا نمی خواهد که کافران بر اهل ایمان راه سلطه داشته باشند.

امام صادق علیه السلام فرمود: الْمُؤْمِنُ يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا وَلَا يَكُونَ ذَلِيلًا (۸)

مومن شایسته عزت است و نباید خوار و ذلیل باشد.

ص: ۲۴۲

٢- تحف العقول ص ٣٢٠

٣- فتح ٤

٤- كافي ج ٢ ص ٤٩٩

٥- حجر- ٣

٦- بحار ج ٧٨ ص ٩٨

٧- نساء ١٤١

٨- كافي ج ٥ ص ٦٤

آزار و اذیت: وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا (۱)

آنان ک مردان و زنان مومن را بی هیچ گناهی که کرده باشند می آزارند تهمت و گناه آشکاری را به دوش می کشند.

امام صادق علیه السلام فرمود: فَازُوا بِاللَّهِ الْأَبْرَارُ أَنْتَدْرِی مَنْ هُمْ هُمُ الَّذِينَ لَا يُوْذَوْنَ الذَّرَّ (۲)

سوگند به پروردگار که نیکان رستگار شدند آیا می دانید آنها چه کسانی هستند کسانی که آزارشان به مورچه ای نمی رسد.

آزمایش: أَحَسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (۳)

آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم رها می شوند و مورد امتحان و آزمایش قرار نمی گیرند به یقین کسانی را که پیش از ایشان بودند آزمودیم تا خدا آنان را که راست گفته اند معلوم دارد و دروغگویان را نیز معلوم دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: وَاللَّهُ لَتَمَخِصَنَّ وَاللَّهُ لَتَمَيِّزَنَّ وَاللَّهُ لَتَعْرِیْلَنَّ حَتَّى لَا يُبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْإِنْدَرُ (۴)

به خدا سوگند که در بوته آزمایش گداخته می شوید به خدا قسم که از یکدیگر متمایز می شوید به خدا سوگند که غربال می شوید چندان که از شما جز اندک ترین شما باقی نماند.

آسمان: لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۵)

کلید آسمان ها و زمین در اختیار اوست هر کسی را خواهد وسعت روزی داده

ص: ۲۴۳

۱- احزاب- ۵۸

۲- تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۴۶

۳- عنکبوت ۱ و ۲

۴- بحار ج ۵ ص ۲۱۶

۵- شوری ۱۲

و هر کسی را خواهد در تنگنا قرار می دهد زیرا که او به همه چیز آگاه است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا اسْتَبْطَأَتِ الرِّزْقَ فَاکْثِرْ مِنَ الِاسْتِغْفَارِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ فِي كِتَابِهِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ أَنْ كَانَ غَفَّاراً يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً وَ يَمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ يَغْنَى فِي الدُّنْيَا وَ يَجْعَلَ لَكُمْ جَنَّاتٍ (۱) يَغْنَى فِي الْآخِرَةِ (۲)

هرگاه در روزیت تاخیر و تنگی دیدی زیاد استغفار کن زیرا خدای عزوجل در کتاب خود فرموده است از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است تا از آسمان برایتان پی در پی باران فرستد و شما را به اموال و فرزندان مدد کند یعنی در دنیا و برای شما بهشت ها قرار دهد یعنی در آخرت.

آفرینش: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۳)

جن و انسان را خلق نکردیم مگر برای عبادت.

امام صادق علیه السلام فرمود: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَا عِبَادِيَ الصَّادِقِينَ تَتَعَمَّوْا بِعِبَادَتِي فِي الدُّنْيَا فَانْكُمْ تَتَعَمَّوْنَ بِهَا فِي الْآخِرَةِ (۴)

خدای تبارک و تعالی فرموده است ای بندگان راستین من در دنیا به عبادت من متنعّم شوید زیرا که در آخرت به وسیله آن متنعّم می گردید.

آگاهی: وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُلاً (۵)

چیزی که درباره آن آگاهی نداری دنبال مکن زیرا که گوش و چشم و دل همگی مورد مواخذه و سوال قرار خواهند گرفت.

امام صادق علیه السلام فرمود:

حَدِيثٌ فِي حَلَالٍ وَ حَرَامٍ تَأْخُذُهُ مِنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا مِنْ ذَهَبٍ أَوْ فَضَّةٍ (۶)

آگاهی یافتن یک حدیث درباره حلال و حرام از شخصی راستگو برای تو بهتر از دنیا و طلا و نقره آن است.

ص: ۲۴۴

۱- نوح ۱۲

۲- بحار ج ۷۸ ص ۲۰۱

۳- الذاریات ۵۶

۴- کافی ج ۲ ص ۸۳

۵- اسراء - ۳۶

۶- محاسن ج ۱ ص ۳۵۸

آمزش: قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ (۱)

بگو ای بندگانم که بر نفس خویش ظلم کرده اید از رحمت خدا مایوس نباشید زیرا خداوند همه گناهان را می بخشد او خدای بخشنده و مهربان است.

امام صادق علیه السلام فرمود: إِذَا تَابَ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ تَوْبَةً نَصُوحًا أَحَبَّهُ اللَّهُ فَسَتَرَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ (۲)

هرگاه بنده مومن از روی اخلاص توبه کند خداوند دوستش بدارد و در دنیا و آخرت زشتی های او را بپوشاند.

حرف الف:

أَجَلٌ: وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۳)

از تو تقاضای تعجیل در عذاب را می کنند که اگر زمان معین آن نبود و مرگ حتمی آنها فرا نرسیده بود عذاب به سراغ آنان می آمد و ناگهانی آنان را فرا می گرفت در حالی که بی خبر بودند.

امام صادق علیه السلام فرمود: اكثروا ذكر الموت فَإِنَّهُ مَا اكْثَرَ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِنْسَانٌ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا (۴)

مرگ را فراوان یاد کنید زیرا هیچ انسانی مرگ را بسیار یاد نکرد مگر این که به دنیا بی رغبت باشد.

احسان: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (۵)

خداوند به عدل و احسان فرمان می دهد.

ص: ۲۴۵

۱- زمر ۵۳

۲- بحار ج ۶ ص ۲۸

۳- عنکبوت ۵۳

۴- بحار ج ۸۲ ص ۱۶۸

۵- نحل ۹۰

امام صادق علیه السلام فرمود: فَمَا أَحْسَنَ مومنٍ إِلَيَّ مومنٍ وَلَا أَعَانَهُ إِلَّا خَمَشَ وَجْهَهُ إِبْلِيسَ وَقَرَّحَ قَلْبَهُ (۱)

هیچ مومنی به مومن دیگر احسان و کمک نکرد مگر این که با آن کار روی ابلیس را آسیب داده و دلش را جریحه دار کرده است.

اخلاص: أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ (۲)

هان که دین خالص مخصوص خداست.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَلَمْ يُبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ (۳) هر کس حب و بغض خود را به خاطر دین خدا مصرف نکند دین ندارد.

ارزش ها: فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى (۴)

بنابراین از هر کس که از یاد ما روی برگرداند اعراض کن همان که فقط زندگی دنیا را اراده کرده است این اندازه ارزش و درک آنها است.

امام صادق علیه السلام فرمود: ثَلَاثَةٌ يَحْجُزْنَ الْمَرْءَ عَنْ طَلَبِ الْمَعَالِي قَصْرُ أَهْلَمَهُ وَهَلَةُ الْحِيلَةِ وَضَعْفُ الرَّأْيِ (۵)

سه چیز انسان را از رفتن در پی ارزش های عالی و اهداف بلند باز می دارد کوتاهی همت چاره اندیش نبودن و سستی اندیشه.

ازدواج: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۶)

وازن نشانه های الهی است که از جنس خودتان برای شما همسرانی آفرید تا به وسیله آنان آرامش یابید و بین شما مودت و رحمت قرار داد که در این کار نشانه هایی برای اهل تفکر هست.

ص: ۲۴۶

۱- کافی ج ۲ ص ۲۰۷

۲- زمر ۳

۳- جامع السعادات ج ۳ ص ۱۸۴

۴- النجم ۲۹-۳۰

۵- تحف العقول ص ۳۱۸

امام صادق علیه السلام فرمود: رکعتان يُصَلِّيهِمَا مُتَرَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رُكْعَةً يُصَلِّيَهَا غَيْرُ مُتَرَوِّجٍ (۱)

دو رکعت نمازی که شخص ازدواج کند می خواند برتر است از هفتاد رکعت نمازی که ازدواج نکرده می خواند.

استقامت: وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا (۲)

اگر بر این طریق الهی استقامت کنند با آب فراوان سیرابشان کنیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: أَنْ الْمَوْمِنِ أَشَدَّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ إِنَّ زُبْرَ الْحَدِيدِ إِذَا دَخَلَ النَّارَ تَغَيَّرَ وَإِنَّ الْمَوْمِنَ لَوْ قُتِلَ لَمْ يَتَغَيَّرْ فَلَبَّه (۳)

مومن از آهن گداخته شده استوارتر و محکم تر است زیرا آهن وقتی در میان آتش قرار می گیرد تغییر شکل می دهد ولی اگر کشته هم شود هرگز تغییر در اراده و قبلش ایجاد نمی گردد.

اسراف: وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۴)

بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست نمی دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اَذْنَى الْإِسْرَافِ هَرَاقَةُ فَضْلِ الْإِنَاءِ وَابْتِدَالُ ثَوْبِ الصَّوْنِ وَالْقَاءُ النَّوَى (۵)

کم ترین اندازه اسراف دور ریختن ته مانده ظرف غذا و تبدیل لباس بیرون به لباس خانه و دم دستی و دور انداختن هسته های میوه است.

اسلام: وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۶)

هر کس غیر از اسلام دین دیگری برای خود انتخاب کند از او پذیرفته نمی شود و در آخرت از زیانکاران است.

ص: ۲۴۷

۱- بحار ج ۱۰ ص ۲۱۹

۲- جن ۱۶

۳- سفینه البحار ج ۲ ص ۳۷

۴- اعراف ۳۱

۵- بحار ج ۷۵ ص ۳۰۳

۶- آل عمران ۸۵

امام صادق علیه السلام فرمود: أَتَأْفِيهِ الْإِسْلَامَ ثَلَاثُهُ الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالْوَلَايَةُ لَا تَصِحُّ وَاحِدُهُ مِنْهُنَّ إِلَّا بِصَاحِبَتَيْهَا (۱)

پایه های اسلام سه تاست نماز زکات و ولایت هیچ یک از این سه جز با آن دو دیگر درست و پذیرفته نیست.

اعتدال: وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا (۲)

و اینگونه شما را امتی معتدل و میانه رو قرار دادیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَإِنَّ السَّرْفَ يُبْغِضُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ (۳)

میانه روی چیزی است که خدای عزوجل آن را دوست دارد و اسراف امری است که خدای عزوجل از آن نفرت دارد.

اعمال: الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا (۴)

خداوند مرگ و حیات را آفریده است برای اینکه شما را آزمایش کند تا معلوم شود کدام یک از عملتان بهتر است.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه فرمود: لَيْسَ يَغْنَى أَكْثَرُ عَمَلًا لَكِنْ أَصَوْبُكُمْ عَمَلًا (۵)

منظور کار زیاد نیست بلکه مراد این است که خدا شما را بیازماید تا معلوم شود کدام یک از شما به صواب و واقعیت نزدیکتر است.

افسوس: أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتًا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ (۶)

آن هایی عذاب الهی را می بینند می گویند افسوس بر من از آنچه درباره پروردگار کوتاهی کردم.

امام صادق علیه السلام فرمود: أَنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَسْرَةً مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ

ص: ۲۴۸

۱- کافی ج ۲، ۱۸

۲- بقره ۱۴۳

۳- خصال ص ۱۰

۴- ملک ۲

۵- تفسیر صافی ص ۵۳۹

۶- زمر ۵۶

بیشترین افسوس را در روز قیامت کسی می خورد که سخن از عدالت بگوید و خود با دیگران به عدالت رفتار نکند.

اموال: وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ (۲)

اموال یکدیگر را به ناحق مخورید.

امام صادق علیه السلام فرمود: إِنَّ الشَّيْطَانَ يُدِيرُ ابْنَ آدَمَ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَإِذَا أَعْيَاهُ جَنَّمَ لَهُ عِنْدَ الْمَالِ فَأَخَذَ بِرَقَبَتِهِ (۳)

شیطان آدمی را همه جا می گرداند و چون خسته اش کرد در بزنگاه دارایی و اموال برایش کمین می کند و گردنش را می گیرد.

انبیاء: فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اِخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اِخْتَلَفَ فِيهِ (۴)

خداوند پیامبران را برانگیخت تا به مردم مژده دهند و آنها را بترسانند و به آنها کتاب را به حق نازل فرمود تا در بین مردم داوری کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: بَعَثَ اللَّهُ مَائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَارْبَعَهُ وَارْبَعِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ (۵)

خداوند یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر برانگیخت.

اندوه و غم: إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶)

کسانی که می گویند پروردگار ما خداست و در این راه استقامت می کنند هیچ جای ترس و اندوهی برای آنان نخواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَا يَمْنَعُ أَحَدَكُمْ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ غَمٌّ مِنْ غُمُومِ الدُّنْيَا أَنْ يَتَوَضَّأَ ثُمَّ يَدْخُلَ مَسْجِدَهُ فَيَرْكَعَ رَكْعَتَيْنِ فَيَدْعُو اللَّهَ فِيهَا أَمَّا سَمِعْتَ اللَّهَ يَقُولُ

ص: ۲۴۹

۱- امالی طوسی ص ۶۶۳

۲- بقره ۱۸۸

۳- کافی ج ۲ ص ۳۱۵

۴- بقره ۲۱۳

۵- بحار ج ۱۶ ص ۳۵۲

۶- احقاف ۱۳

چه چیز شما را مانع می شود هرگاه غمی از غم های عالم بر دل شما نشست برخیزید وضو بگیرید و در محل عبادت خویش بایستید و دو رکعت نماز بخوانید و سپس دل را به حق متصل کنید و هر چه می خواهید با خدای خود در میان بگذارید آیا نشنیده اید که خداوند می فرماید از روزه و نماز کمک بگیرید.

اندیشه: وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۲)

و در خلقت آسمان ها و زمین می اندیشند و می گویند که پروردگارا تو اینها را بیهوده نیافریده ای.

امام صادق علیه السلام فرمود: الْفَكْرُ مَرَأَةُ الْحَسَنَاتِ وَ كِفَارُهُ السَّيِّئَاتِ (۳)

اندیشه آینه خوبی ها و پوشاننده بدی هاست.

انفاق: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۴)

ای اهل ایمان از آن چه به شما روزی کرده ایم انفاق کنید پیش از آن که روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی.

امام صادق علیه السلام فرمود مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ مَالًا فَلَمْ يَتَصَدَّقْ مِنْهُ بِشَيْءٍ (۵)

ملعون و ملعون است کسی که خداوند مالی به او ببخشد و از آن مال صدقه ای ندهد.

ایمان: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (۶)

ای اهل ایمان به خدا و رسولش ایمان بیاورید.

امام صادق علیه السلام فرمود: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَضَعَ الْإِيمَانَ عَلَى سَبْعَةِ أَشْهُمٍ عَلَى

ص: ۲۵۰

۱- صافی ص ۳۰

۲- آل عمران ۱۹۱

۳- بحار ج ۷۱ ص ۳۲۶

۴- بقره ۲۵۴

۵- بحار ج ۹۶ ص ۱۳۳

۶- نساء ۱۳۶

الْبِرِّ وَ الصَّدَقِ وَ الْيَقِينِ وَ الرِّضَا وَ الْوَفَاءِ وَ الْعِلْمِ وَ الْحِلْمِ (۱)

خداوند ایمان را به هفت بخش تقسیم کرده است نیکوکاری، راستگویی، یقین، خشنودی، وفاداری، دانش و بردباری.

حرف ب:

باطل: بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ (۲)

بلکه ما حق را بر سر باطل می کوبیم تا آن را در هم شکنند و یکباره نابود شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: لَيْسَ مِنْ بَاطِلٍ يَقُومُ بِإِزَاءِ الْحَقِّ إِلَّا غَلَبَ الْحَقُّ الْبَاطِلَ (۳)

هیچ باطلی نیست که در برابر حق بایستد مگر آنکه حق بر باطل چیره شود.

باطن: وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى (۴)

اگر سخن به آشکارا گویی خداوند از ضمیر مخفی و مخفی تر آگاه است.

امام صادق علیه السلام فرمود: السِّرُّ مَا كَتَمْتَهُ فِي نَفْسِكَ وَ أَخْفَى مَا خَطَرَ بِبَالِكَ ثُمَّ أَنْسَيْتَهُ (۵)

سر آن چیزی است که در ضمیرت وجود دارد و آن را پنهان نگاه داری و اخفی آن چیزی است که زمانی به دلت خطور کرده و سپس آن را فراموش کرده ای.

بخل: الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ (۶)

آنان که بخل می ورزند و مردم را به بخل وادار می سازند.

امام صادق علیه السلام فرمود: أَنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَقًّا فَالْبُخْلُ لِمَاذَا (۷)

ص: ۲۵۱

۱- کافی ج ۲ ص ۴۵

۲- انبیاء ۱۸

۳- بحار ج ۵ ص ۳۰۵

۴- طه ۷

۵- بحار ج ۳ ص ۱۲۸

۶- نساء ۳۷

اگر خداوند عزوجل به راستی پاداش و عوض می دهد پس دیگر بخل ورزیدن چرا؟

بدبینی: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ (۱)

ای اهل ایمان از بسیاری گمان ها دوری کنید زیرا که برخی از گمان ها گناه است.

امام صادق علیه السلام فرمود: خُذْ مِنْ حُسْنِ الظَّنِّ بِطَرَفٍ تُرَوِّحُ بِهِ قَلْبَكَ وَ يَرَوِّحُ بِهِ امْرَأُكَ (۲)

از خوش بینی بهره ای بگیر تا با آن دلت آرام گیرد و کارت پیش رود.

بدعت: فِيمَا نَقَضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ (۳)

و به خاطر پیمان شکنی آن ها لعنتشان کردیم و دل هایشان را سخت نمودیم کلمات را از جای خود تغییر دادند.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ دَعَا النَّاسَ إِلَى نَفْسِهِ وَ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَغْلَمُ مِنْهُ فَهُوَ مُبْتَدِعٌ ضَالٌّ (۴)

هر که مردم را به خود فرا خواند حال آن که در میان آنان داناتر و عالم تر از او هست بدعتگذاری گمراه است.

برادری: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ (۵)

به تحقیق که اهل ایمان با هم برادرند بنابراین بین برادران صلح برقرار کنید.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ لَمْ يَزَعْزَعْ فِي الْأَسْتِثْنَاءِ مِنَ الْإِخْوَانِ ابْتُلِيَ بِالْخُسْرَانِ (۶)

هر که خواهان افزون بر شمار برادران و یاران نباشد به زیان گرفتار آید.

بردباری: وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ

ص: ۲۵۲

۱- حجرات ۱۲

۲- بحار ج ۷۸ ص ۲۰۹

۳- مائده ۱۳

۴- تحف العقول ص ۳۷۵

۵- حجرات ۱۰

۶- تحف العقول ص ۳۱۹

و بندگان خدای رحمان آنانی هستند که بی تکبر روی زمین راه می روند و اگر نادانان چیزی به آنها بگویند در جواب سلام می گویند.

امام صادق علیه السلام فرمود: عَلَيْكَ بِالْحِلْمِ فَإِنَّهُ رُكْنُ الْعِلْمِ (۲)

بر تو باد به بردباری که آن رکن دانش است.

برزخ: وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۳)

در پشت سر آنها تا روز قیامت برزخ می باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: الْبَرْزَخُ الْقَبْرُ وَهُوَ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (۴)

برزخ همان قبر است و آن پاداش و کیفر در فاصله میان دنیا و آخرت است.

برکت: وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ (۵)

و اگر ساکنین شهرها ایمان می آوردند و تقوا را پیشه خود می ساختند برکاتی از آسمان و زمین به رویشان می گشودیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَجَعَلَنِي مَبَارَكًا أَيْنَمَا كُنْتُ نَفْعًا (۶)

تفسیر کلام خدا بر زبان حضرت عیسی بن مریم علیها السلام که گفت خداوند مرا با برکت قرار داده هر جا که باشم یعنی بسیار سود رسان قرار داده است.

بغض: مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (۷)

محمد صلی الله علیه و آله وسلم رسول خداست و آنانی که با او هستند با کافران سر سخت و در بین خود مهربانند.

ص: ۲۵۳

۱- فرقان ۶۳

۲- امالی صدوق ص ۴۹۱

۳- مومنون ۱۰۰

۴- نور الثقلین ج ۳ ص ۵۵۳

۵- اعراف ۹۶

۶- کافی ج ۲ ص ۱۶۵

۷- فتح ۲۹

امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ لَمْ يُحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَ لَمْ يُبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ (۱)

هر کس حب و بغض خود را به خاطر دین خدا مصرف نکند دین ندارد.

بهشت: إِنَّ الدِّينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا (۲)

آنان که ایمان آورده و کارهای پسندیده انجام داده اند باغ های فردوس محل فرودشان می باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ضَمِنَ لِلْمُؤْمِنِ ضَمَانًا إِنَّهُ هُوَ أَقْرَبُ لَهُ بِالرَّبُوبِيَّةِ وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ بِالنَّبَوَةِ وَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْإِمَامَةِ وَ أَدَّى مَا اقْتَرَضَ عَلَيْهِ أَنْ سَكَنَهُ فِي جَوَارِهِ (۳)

خداوند تبارک و تعالی به مومن تضمین داده است که اگر به خدایی او و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم و امامت علی علیه السلام اعتراف کند و فرایض او را به جا آورد وی را در جوار خود سکنا دهد.

بیماری: وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ (۴)

هر زمان که بیمار شوم خداست که شفایم بخشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: الْعَافِيَةُ نِعْمَةٌ خُفِّيَتْ إِذَا وَجِدَتْ نُسَيْتٌ وَ إِذَا فُقِدَتْ ذِكْرَتْ (۵)

سلامتی و تندرستی نعمتی است پنهانی وقتی هست فراموش می شود و هنگامی که از دست می رود به یاد می آید و حسرتش خورده می شود.

حرف پ:

پاداش: إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا (۶)

ص: ۲۵۴

۱- جامع السعادات ج ۳ ص ۱۸۴

۲- کهف ۱۰۷ و ۱۰۸

۳- توحید صدوق ص ۱۹

۴- شعراء ۸۰

۵- بحار ج ۸۱ ص ۱۷۲

۶- انسان ۹

ما شما را برای رضای خدا اطعام کردیم هیچ اراده نداریم که از ناحیه شما پاداش و سپاسی برایمان انجام دهید.

امام صادق علیه السلام فرمود: و لکنی أَعْبُدُهُ حُبًّا لَهُ عَزَّوَجَلَّ وَ هِيَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ (۱)

ولی من خدای بزرگ را به خاطر محبتی که به او دارم می پرستم و این گونه عبادت مخصوص آزادگان است.

پروردگار: سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا (۲)

پروردگار منزّه است و از آنچه گویند برتر است برتری بزرگ.

مردی در محضر امام صادق علیه السلام گفت: اللّٰهُ اکبر حضرت فرمود: اللّٰهُ اکبر مِنْ أَىْ شَیْءٍ؟ خدا از چه چیز بزرگتر است؟ در پاسخ گفت: مِنْ کُلِّ شَیْءٍ از همه چیز فرمود تو خدا را محدود کردی عرض کرد چه بگویم؟ فرمود اللّٰهُ اکبر مِنْ أَنْ یُوصَفَ خدا بزرگتر از آن است که توصیف و تعریف شود. (۳)

پرهیزکاری و تقوا: وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ (۴)

از خدا بترسید و پرهیزکاری پیشه کنید و بدانید که خداوند با اهل تقواست.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَقَاهُ (۵)

هر که از خدا پروا کند و تقوا پیشه نماید خداوند او را حفظ نماید.

پیروزی: وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (۶)

پیروزی نیست جز از جانب پروردگار مقتدر و حکیم.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به این پرسش که راه آسایش و رسیدن به پیروزی واقعی چیست؟ فرمود: فِي خِلَافِ الْهُوَى قِيلَ فَمَتَى يَجِدُ عَبْدُ الرَّاحَةِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ أَوَّلِ يَوْمٍ يَصِيرُ فِي الْجَنَّةِ (۷)

در مخالفت با هوس عرض شد پس انسان کی به آسایش و پیروزی دست می یابد؟ فرمود در نخستین روزی که به بهشت می رود.

ص: ۲۵۵

۱- سر الصلواه ص ۱۱۹

۲- اسراء ۴۳

۳- معانی الاخبار ص ۱۲

٤- بقره ١٩٤

٥- بحار ج ٧٠ ص ١٩٩

٦- آل عمران ١٢٦

٧- تحف العقول ص ٣٧٠

پیمان: الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ (۱)

مومنین کسانی هستند که به پیمانشان با پروردگار وفا می کنند و پیمان نمی شکنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: عَدَّةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَبُخْلَفِ اللَّهُ بَدَأَ وَلِمَقَّتِهِ تَعَرَّضَ (۲)

وعده دادن اهل ایمان به برادران خود نذری است که کفاره ندارد پس هر کس در خود تخلف کند با خدا پیمان شکنی کرده و خود را در معرض خشم پروردگار قرار داده است.

حرف ت:

تَبْلِغُ: الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۳)

کسانی که تبلیغ رسالت های الهی را نموده و از خدا می ترسند و جز از او هراسی ندارند و خداوند بر حساب رسی کافی است.

امام صادق علیه السلام فرمود: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ يَحِقُّ عَلَيْهِ نَصِيحَتُهُ (۴)

مومن برادر مومن است حق دارد او را نصیحت کند.

تَرْبِيتُ: قُلْ أَعْيَرَ اللَّهُ أَبْنَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ (۵)

بگو غیر خداوند را مربی بر میگزینید در احلی که او تربیت کننده همه چیز است.

امام صادق علیه السلام فرمود: بر شما باد به تربیت دیگران برای رضای خدا زیرا هرگز خداوند را با عملی بهتر از این کار ملاقات نخواهید کرد. (۶)

ص: ۲۵۶

۱- رعد ۲۰

۲- وسائل الشیعه ج ۸ ص ۲۸۶

۳- احزاب ۳۹

۴- مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۰۱۴۸

۵- انعام ۱۶۴

۶- کافی ج ۲ ص ۲۰۸

ترس: إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً (۱)

و هنگامی که جهاد بر آنها مقرر شد گروهی از آنها از مردم ترسیدند مانند ترس از خدا یا شدیدتر از آن.

امام صادق علیه السلام برای معالجه ترس های بی مورد و رفع آن فرمود:

فَإِذَا دَخَلْتَ مَدِينًا تَخَافُ فَقَرِّءْ هَذِهِ الْآيَةَ رَبِّ أَدْخِلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا (۲)

هرگاه در مکانی وارد شدی و تو را ترس فرا گرفت این آیه را تلاوت کن پروردگارا ورودم را صدق و خروجم را صدق قرار ده و از جانب خودت قدرت و نصرت نصیبم فرما.

تسبیح: وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ (۳)

موجودی نیست مگر به ستایش پروردگار تسبیح گوشت ولی شما تسبیح گفتنشان را نمی فهمید.

امام صادق درباره آیه شریفه فرمود: نَقُصُّ الْجُذْرَ تَسْبِيحَهَا (۴)

در شکستن دیوارها تسبیح گویی آنهاست.

تصدیق: وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا (۵)

آنچه پیامبر برای شما می آورد به کار ببندید و تصدیق کنید و آنچه نهی می کند خودداری نمایید.

امام صادق علیه السلام درباره تصدیق چنین می فرماید برگوش واجب شده است که از گوش دادن به آنچه خدا حرام کرده دوری کند از آنچه خدای عزوجل نهی کرده و شنیدنش بر آن حلال نیست اعراض کند و به آنچه پروردگار ناخشنود و خشمگین می کند گوش ندهد. (۶)

ص: ۲۵۷

۱- نساء ۷۷

۲- ثواب الاعمال ص ۱۹۵

۳- اسراء ۴۴

۴- محاسن ج ۲ ص ۴۶۲

۵- حشر ۷

۶- کافی ج ۲ ص ۳۵

تفرقه: وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ (۱)

این راه راست من است از آن پیروی کنید و از راه های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه خدا منحرف میکنند.

امام صادق علیه السلام می فرمود: اياك وَ النَّمِيمَةِ فَإِنَّهَا تَزْرُعُ الشَّخْنَاءَ فِي قُلُوبِ الرِّجَالِ (۲)

از سخن چینی پرهیز کن زیرا که آن در دل های مردمان تخم کینه و تفرقه و دشمنی می افشاند.

تواضع: إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ (۳)

آنانی که نزد پروردگارت هستند از عبادت او کبر نمی ورزند.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ أَرَادَ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ وَ غِنًى بِلَا مَالٍ وَ هَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَيْ عِزِّ طَاعَتِهِ (۴)

کسی که می خواهد بدون داشتن فامیل در جامعه عزیز باشد آن کس که می خواهد بدون داشتن ثروت و مال غنی و بی نیاز باشد آنکه می خواهد بدون سلطه و قدرت واجد هیبت و ابهت باشد باید از محیط ذلت گناه به فضای نورانی بندگی و طاعت خداوند منتقل گردد.

توبه: تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۵)

ای اهل ایمان همگی به درگاه الهی توبه کنید شاید رستگار شوید.

امام صادق علیه السلام می فرمود توبه ریسمان خدا و سپاه عنایت اوست بنده باید در هر حال بر توبه مداومت ورزد. هر گروهی از بندگان را توبه ای است توبه پیامبران از فاش شدن راز است و توبه برگزیدگان از دم زدن و نفس کشیدن و توبه اولیاء از

ص: ۲۵۸

۱- انعام ۱۵۴

۲- بحار ج ۷۸ ص ۲۰۴

۳- اعراف ۲۰۶

۴- میزان الحکمه ج ۶ ص ۲۹۰

۵- نور ۳۱

رنگارنگی خطورات دل و توبه خاصان از پرداختن به غیر خدا و توبه عوام از گناهان(۱)

توفیق: وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ(۲)

و توفیق من جز به یاری خدا نیست بر او توکل کرده ام و به سوی او بازمیگردم.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَا عَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ جَبْرَائِيلَ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا بِالتَّوْفِيقِ(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم جز با توفیق خداوند ندانست که جبرئیل از جانب خدای عزوجل آمده است.

توکل: قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ(۴)

بگو هرگز جز آنچه خدا خواسته به ما نخواهد رسید اوست مولای ما و البته اهل ایمان در هر حال بر خدا توکل خواهند کرد.

امام صادق علیه السلام فرمود: أَوْجَبَ لِعِبَادِهِ أَنْ يَطْلُبُوا مِنْهُ مَقَاصِدَهُمْ بِالْأَسْبَابِ الَّتِي سَبَّبَهَا لَذَلِكَ وَ أَمَرَهُمْ بِذَلِكَ(۵)

خداوند بر بندگان واجب نموده که خواسته های خود را به وسیله اسباب و راه هایی که برای آن قرار داده از او بخواهند و دستور داده که از وسایل لازم برای رسیدن به هر مقصود کمک بگیرند.

حرف ج:

جوانمردی: وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ(۶)

ص: ۲۵۹

۱- بحار ج ۶ ص ۳۱

۲- هود ۸۸

۳- توحید صدوق ص ۲۴۲

۴- توبه ۵۲

۵- جامع السعادت ج ۳ ص ۲۲۷

۶- حشر ۹

دیگران را بر خود مقدم می دارند هر چند خود نیازمند باشند و آنان که از بخل خویش در امانند رستگارانند.

ابوبصیر می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم کدام صدقه برتر است؟ فرمود:

جُهْدُ الْمُقِلِّ أَمَّا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ يُوْثِرُونَ تُرَى هَا هُنَا فَضْلًا (۱)

آنچه که شخص تنگدست می پردازد مگر نشنیده ای سخن خدای تعالی را که از خود گذشتگی می کنند آیا در اینجا برتری نمی بینی.

جهنم: وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ثُمَّ نُنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًّا (۲)

و هیچ یک از شما نیست مگر این که به جهنم در آید و این حکمی است حتمی از جانب پروردگار تو آنگاه پرهیزکاران را نجات می دهیم و ستمکاران را همچنان به زانو نشسته در آنجا وامیگذاریم

امام صادق علیه السلام فرمود: إِلَّا تَحْمَدُونَ اللَّهَ أَنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَدْعِي كُلَّ يَوْمٍ إِلَى مَنْ يَتَوَلَّوْنَهُ وَفَزَعَنَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَفَزَعْتُمْ أَنْتُمْ إِلَيْنَا (۳)

آیا شکر خدا را به خاطر وجود مبارک ائمه به جا نمی آورید؟

فردای قیامت که می شود هر کس را به سوی رهبر و مولا و مرادش می خوانند ما به رسول الله پناه می بریم و شما هم به ما پناه خواهید برد.

جاودانگی: يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ (۴)

ای مردم زندگانی دنیا کالای ناچیزی بیش نیست ولی آخرت خانه آرامش و همیشگی است.

امام صادق علیه السلام علت جاودانگی مردم را در قیامت اینگونه بیان می فرماید:

دوزخیان از این رو در آتش جاویدانند که در دنیا نیتشان این بود که چنانچه تا ابد زنده بمانند تا ابد خدا را نافرمانی کنند و بهشتیان نیز از این رو در بهشت جاویدانند

ص: ۲۶۰

۱- تفسیر نورالثقلین ج ۵ ص ۲۸۷

۲- مریم ۷۱ و ۷۲

۳- تفسیر برهان ج ۲ ص ۴۳۸

۴- غافر ۳۹

که در دنیا بر این نیت بودند که اگر برای همیشه ماندگار باشند برای همیشه نیز خدا را فرمان برند.

فَبِالْآيَاتِ خُلِدَ هَولَاءُ وَ هَولَاءُ ثُمَّ تَلَاقَوْهُ تَعَالَى قُلْ كُلْ يَعْمَلْ عَلَيَّ شَاكِتَةً قَالَ عَلَيَّ يَتِيَّةٌ (۱)

پس جاودانگی هر دو گروه به سبب نیت هایشان است. آنگاه حضرت این آیه را تلاوت کرد بگو هر کس طبق شاکله خود عمل می کند فرمود یعنی طبق نیت خود.

حرف چ:

چشم: قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ (۲)

به مردان با ایمان بگو دیدگان خود را از نامحرمان ببندند و به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را از نامحرمان ببندند.

امام صادق علیه السلام فرمود هر که نگاهش به زنی بیفتد و چشم خود را به طرف آسمان کند یا آن را بر هم نهد هنوز چشم بر هم نزده خداوند از حورالعین به ازدواج او در آورد. (۳)

حرف ح:

حاجات: رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۴)

پروردگارا مرا ببخش و به من حکومتی ده که بعد از من کسی به آن نایل نشود زیرا که تو بسیار بخشنده ای.

ص: ۲۶۱

۱- کافی ج ۲ ص ۸۵

۲- نور ۳۰ و ۳۱

۳- مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۵۰۵

۴- ص ۳۵

امام صادق علیه السلام فرمود: يَا مَنْ يُعْطَى مِنْ سُئَلِهِ وَ يَا مَنْ يُعْطَى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً (۱)

ای خدایی که عطا می کنی به هر که از تو درخواست میکند و ای آنکه عطا می نمایی به کسانی که از تو درخواست نمی کنند و معرفتی به خدا نداند ولی او از روی مهرورزی و رحمتش عطا می فرماید.

حج: وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَأْكُلَ الْخُبْزَ وَ الْمِلْحَ وَ تَحْجَّ فِي كُلِّ سَنَةٍ فَأَفْعَلْ (۳)

اگر بتوانی که نان و نمک بخوری تا همه ساله به حج بیایی چنین کن.

حسن خلق: فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ (۴)

ای رسول ما مرحمت پروردگار با مردم تو را مهربان و خوش خوی گردانید و اگر تندخو و سخت دل بودی مردم از گرد تو پراکنده می شدند پس تو از لغزش هایشان در گذر و برای آنها طلب مغفرت بنما.

از امام صادق علیه السلام از حدود و اندازه حسن خلق پرسیدند؟ فرمود: تَلِينَ جَنَاحَكَ وَ تُطَيِّبُ كَلَامَكَ وَ تُلْقِي اخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ (۵)

با مردم مهربان و لطف کنی و با آنها پاکیزه سخن گویی و با رویی شادان با آنها روبه رو شوی.

حقوق: فَاتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ (۶)

ص: ۲۶۲

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی در اعمال ماه رجب

۲- آل عمران ۹۷

۳- وافی ج ۲ ص ۵

۴- آل عمران ۱۵۹

۵- کافی ج ۲ ص ۱۰۳

۶- روم ۳۸

حقوق اقوام خود را بده و نیز حقوق درماندگان و در راه ماندگان را که این برای کسانی که رضای خدا را طلب می کنند بهتر است.

امام صادق علیه السلام فرمود: وَاللّٰهُ مَا عُبِدَ اللّٰهُ بِشَيْءٍ اَفْضَلَ مِنْ اَدَاءِ حَقِّ الْمَوْمِنِ (۱)

به خدا قسم خداوند به چیزی برتر از اداد حق مومن عبادت نشده است.

حرف خ:

خانواده: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا (۲)

ای اهل ایمان خودتان و خانواده خود را از آتش جهنم محفوظ دارید.

امام صادق علیه السلام فرمود از خانواده ای که در حقانیت شما تردید دارند زن بگیرید ولی به آن ها زن ندهید زیرا زن تربیت و خلق و خوی مرد را به خود می گیرد و مرد او را تحت تاثیر دین خود قرار می دهد. (۳)

خرافات: وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ (۴)

پیامبر کسی است که تکلیف سخت و زنجیرهای گران را از آنها برمیدارد.

امام صادق علیه السلام درباره خرافه گراها می فرماید شخص کذاب با برهان های روشنی هلاک می شود و پیروانش به وسیله شبهات.

خشیت: مِنْ خَشْيَةِ الرَّحْمَنِ بِالْغَيْبِ وَ جَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ (۵)

کسی که از خدای رحمان در نهان بترسد و با دلی پر انابه در محضر او حاضر شود.

امام صادق علیه السلام فرمود از وحی های خدای تعالی به موسی و هارون همانا دوستان من با خواری و خشوع و ترس که در دل هایشان می روید و بر بدن هایشان

ص: ۲۶۳

۱- بحار ج ۷۴ ص ۲۲۲

۲- تحریم ۶

۳- بحار ج ۱۰۳ ص ۳۷۷

۴- اعراف ۱۵۷

۵- ق ۳۳

آشکار می شود خود را برای من می آریند. (۱)

خصومت و دشمنی: إِلَّا خَلَاءِ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (۲)

در روز قیامت دوستان صمیمی دشمن یکدیگرند مگر اهل تقوا

امام صادق علیه السلام فرمود: المومن يَحْقِدُ مَا دَامَ ي مَجْلِسِهِ فَإِذَا قَامَ ذَهَبَ عَنْهُ الْحِقْدُ (۳)

کینه به دل گرفتن مومن کوتاه است فقط تا وقتی که در مجلس حضور دارد وقتی برمیخیزد و محفل را ترک می کند دیگر کینه به دل ندارد.

خودشناسی: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ (۴)

شما که ایمان دارید به خودتان پردازید خود را بشناسید.

امام صادق علیه السلام فرمود: اخْمِلْ نَفْسَكَ لِنَفْسِكَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَمْ يَحْمِلْكَ غَيْرُكَ (۵)

خودت بار خودت را بر دوش کش و به خود پرداز که اگر چنین نکنی دیگری بار تو را بر نمی دارد.

خویشاوندان: وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ (۶)

خویشاوندان بعضی از آنها بر بعضی دیگر در کتاب خدا برتری و اولویت دارند امام صادق علیه السلام فرمود: الذُّنُوبُ الَّتِي تَعْجَلُ الْفَنَاءَ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ (۷)

از جمله گناهانی که مرگ و نابودی را شتاب می بخشد قطع رحم است.

خیانت و نیرنگ: أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ (۸)

آیا آنانی که نیرنگ های زشت خود را به انجام می رسانند در امان هستند در حالی که ممکن است خداوند آنها را در زمین فرو برد و یا عذاب را از آنجایی که احساس

ص: ۲۶۴

۱- بحار ج ۱۳ ص ۴۹

۲- زخرف ۶۷

۳- کافی ج ۲ ص ۱۰۸

۴- مائده ۱۰۰

۵- کافی ج ۲ ص ۴۵۴

۶- احزاب ۶

۷- بحار ج ۷۴ ص ۹۴

۸- نحل ۴۵

نمی کنند به آنها برساند.

امام صادق علیه السلام می فرمود: أَنْ كَانَ الْعَرْضُ عَلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَقًّا فَالْمَكْرَ لِمَاذَا (۱)

اگر عرضه شدن به محضر پروردگار در روز قیامت حق است پس چه جای خیانت و نیرنگ است.

خیر و نیکی: يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ (۲)

به خیرات و نیکی ها شتابند اینان شایستگانند.

امام صادق علیه السلام فرمود: كَانَ أَبِي يَقُولُ إِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ فَانَكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ (۳)

پدرم امام باقر علیه السلام می فرمود هرگاه برای انجام کار خیری همت کردی شتاب کن که تو نمی دانی بعدا چه اتفاق خواهد افتاد.

حرف د:

دعا و نیایش: قُلْ مَا يَعْجُبُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (۴)

بگو اگر دعائیان نباشد پروردگار من اعتنایی به شما ندارد.

امام صادق علیه السلام می فرمود: عَلَيْكُمْ بِالْدُّعَاءِ فَانَكُمْ لَا تَقْرَبُونَ إِلَيَّ اللَّهُ بِمِثْلِهِ (۵)

بر شما باد به دعا کردن زیرا با هیچ چیز به مانند دعا به خدا نزدیک نمی شوید.

دنیا: اعْلَمُوا أَنَّهَا الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ (۶)

بدانید که زندگی دنیا بازی و سرگرمی و زینت و فخرفروشی بین شما بیش نیست.

امام صادق علیه السلام می فرمود خدایا نه چندان دنیا را بر من زیاد کن که با سرگرم شدن به زیبایی های شگفت آور و فریفته شدن به درخشندگی زیورهای آن از یاد تو

ص: ۲۶۵

۱- بحار ج ۷۵ ص ۲۹۶

۲- آل عمران ۱۱۴

۳- کافی ج ۲ ص ۱۴۴

۴- فرقان ۷۷

۵- بحار ج ۹۳ ص ۳۰۳

۶- حديد ۲۰

بازمانم و نه چندان در تنگنایم قرار ده که رنج آن به کار من برای آخرت لطمه بزند و هم و غم آن سینه ام را پر کند. از دنیا آن اندازه به من ده که از بندگان بدت بی نیاز بمانم و به سبب آن به خشنودی تو دست یابم. (۱)

دین و دینداری: وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ (۲)

و چه کسی از جهت دینداری بهتر از کسی است که به جان تسلیم خدا شده و نیکوکار است.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ عَرَفَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ زَالَتْ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ وَمَنْ دَخَلَ فِي أَمْرِ بِجَهْلٍ خَرَجَ مِنْهُ بِجَهْلٍ (۳)

کسی که دینش را از طریق کتاب خدای عزوجل بشناسد اگر کوه ها از جای خود بجنبند او در دین خود متزلزل نشود و کسی که ندانسته عقیده ای را بپذیرد ندانسته هم از آن خارج شود.

حرف ذ:

ذکر: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (۴)

ای اهل ایمان یاد کنید خدا را و زیاد خدا را یاد نمایید.

امام صادق علیه السلام فرمود: تَسْبِيحُ فَاطِمَةَ الزَّهْرَا عَلَیْهَا السَّلَامُ مِنَ الذِّكْرِ الْكَثِيرِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا (۵)

تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام از جمله همان ذکر کثیر است که خدای عزوجل فرموده است و خدا را بسیار یاد کنید.

ص: ۲۶۶

۱- بحار ج ۱۰۱ ق ۷۳

۲- نساء ۱۲۵

۳- بحار ج ۲۳ ص ۱۰۳

۴- احزاب ۴۱

۵- کافی ج ۲ ص ۵۰۰

رازداری: عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ (۱)

خداوند آگاه به غیب است و کسی بر غیب او آگاه نیست جز پیامبری که مورد رضای او باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: لَا تُطْلِعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلَى مَنْ لَوْ أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ عَدُوَّكَ لَمْ يَضُرَّكَ فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوًّا يَوْمًا مَا (۲)

دوست را از راز خود آگاه مکن مگر بر رازی که اگر دشمن از آن آگاه شود نتواند به تو زیانی رساند زیرا دوست نیز ممکن است که روزی دشمن شود.

راستگویی: طَاعَهُ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ (۳)

راه خدا طاعت و گفتار نیکوست زمانی که انجام امر محقق گشت آنان که بر انجام آن قیام می کنند اگر هنگام عمل نیت را از هر شائبه ای خالص نمایند و با خدا صادق باشند بر آنها از هر چیز بهتر است.

امام صادق علیه السلام می فرمود نماز و روزه اشخاص سبب فریب شما نشود زیرا شخصی که به نماز و روزه عادت کرده اگر بخواهد ترک کند موجب وحشت او می شود. وَلَكِنْ اخْتَبِرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ (۴)

آن ها را آزمایش کنید به راستگویی و امانت داری.

راهنمایی و هدایت: وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (۵)

و هر که انسانی را زنده کند مثل آن است که همه مردم را زنده کرده است امام صادق علیه السلام فرمود:

مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هَدًى فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهَا وَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هَدًى إِلَى

ص: ۲۶۷

۱- جن ۲۶-۲۷

۲- مشکاه الانوار ص ۳۲۳

۳- محمد صلی الله علیه و آله وسلم ۲۱

۴- کافی ج ۲ ص ۳۶۰

۵- مائده ۳۲

ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا (۱)

یعنی کسی که دیگری را از گمراهی به راه راست در آورد مانند این است که او را زنده کرده است و کسی که دیگری را از راه راست به گمراهی می کشاند او را کشته است.

رضامندی: يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَيْدَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۲)

این روزی است که راست گفتن راستگویان سودشان می دهد بهشت ها دارند که در آن جوی ها روان است و در آن جاودانند خدا از آن ها خوشنود است و آنها نیز از خدا خوشنودند و این کامیابی بزرگی است.

امام صادق علیه السلام فرمود: رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الصَّبْرُ وَ الرِّضَا عَنِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ الْعَبْدُ أَوْ كَرِهَ وَلَا بَرِيَّةَ عَنِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ (۳)

شکیبایی و رضامندی نسبت به آنچه خدا می کند خواه خوشایند بنده باشد یا ناخوشایند او در راس عبادت خداست و هیچ بنده ای در پیشامدهای خوشایند و ناخوشایند از خدا خرسند نباشد مگر آن که برایش خیری باشد.

روح: وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي (۴)

از تو درباره روح می پرسند بگو روح از فرمان پروردگار من است.

ابوبصیر می گوید از امام صادق علیه السلام درباره آیه فوق پرسیدم فرمود: الَّتِي فِي الدَّوَابِّ وَالنَّاسِ قُلْتُ وَ مَا هِيَ قَالَ هِيَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مِنَ الْقَدَرَةِ (۵)

روح آن چیزی است که در وجود جنبندها و مردم هست عرض کردم آن چیست فرمود آن از عالم ملکوت و از عالم قدرت است.

ریا: قَوْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (۶)

ص: ۲۶۸

۱- کافی ج ۲ ص ۲۱۰

۲- مائده ۱۱۹

۳- بحار ج ۸۲ ص ۱۳۳

۴- اسراء ۸۵

۵- بحار ج ۱ ص ۴۲

وای بر نمازگزاران که از نماز خویش غافلند همان کسانی که ریا می کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

الرَّجُلُ يَعْمَلُ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ لَا يَطْلُبُ بِهِ وَجَهَ اللَّهِ إِنَّمَا يَطْلُبُ تَرْكِهَ النَّاسِ يَشْتَهِي أَنْ يَسْتَمَعَ بِهِ النَّاسُ فَهُوَ الَّذِي أَشْرَكَ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ (۱)

شخصی کار شایسته ای را انجام میدهد اما نه به خاطر خدا بلکه برای آنکه مردم او را پاک و مقدس بدانند و دوست دارد که عملش به گوش مردم برسد این همان کسی است که در عبادت شرک نموده است.

حرف ز:

زبان: يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲)

روزی زبان ها و دست ها و پاهایشان درباره کارهایی که کرده اند علیه آنان شهادت می دهند.

امام صادق علیه السلام فرمود سخنی را از من بشنوید که از اشتراک خاکستری که دست و پایشان خطوط سیاه دارد برای شما بهتر است هیچ یک از شما بیهوده نگوید و بسیاری از سخنان مفید را هم به زبان نیاورد مگر آنگاه که برایش جایی بیاید زیرا بسا کسی که سخنی نابجا بگوید و با آن سخن بر خود جنایت کند. (۳)

زهد: قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ (۴)

بگو چه کسی زینت هایی که خدا برای بندگانش آفرید و همچنین روزی های پاکیزه را تحریم کرده است؟

امام صادق علیه السلام فرمود زهد آن نیست که زاهد مال را ضایع کند و چیزهای حلال را بر خود حرام کند بلکه زهد در دنیا به این معنی است که به آنچه در اختیار داری بیشتر از آنچه نزد خداوند است اطمینان نداشته باشی. (۵)

ص: ۲۶۹

۱- سفینه البحار ج ۱ ص ۴۹۹

۲- نور ۲۴

۳- بحار ج ۲ ص ۱۳۰

۴- اعراف ۳۲

۵- سفینه البحار ج ۱ ص ۵۶۸

حرف س:

سجده: سِيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ (۱)

در چهره هایشان اثر و نشان سجود است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَطَالَ السُّجُودَ حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَحَدٌ قَالَ الشَّيْطَانُ وَاوِيْلَاهُ أَطَاعُوا وَعَصَيْتُ وَ سَجَدُوا وَ أَتَيْتُ (۲)

هرگاه بنده در جایی که کسی او را نمی بیند سجده طولانی کند شیطان گوید و اوایلا آنان فرمان بردند و من نافرمانی کردم و سجده کردند و من نکردم.

سیر و سفر: قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ (۳)

بگو سیر و سفر کنید روی کره زمین و ببینید خداوند آغاز خلقت موجودات را کرده است.

عمرو بن حرث خدمت امام صادق علیه السلام که در منزل و تفریح گاه برادر خود عبدالله بن محمد تشریف داشت رسید و عرض کرد: جُعِلَتْ فداك مَا حَوْلَكَ إِلَيَّ هَذَا الْمَنْزِلُ ؟ فدایت شوم چه شده که به اینجا آمده اید؟ حضرت فرمود صَلِّبِ النِّزْهَ برای گردش. (۴)

حرف ش:

شتاب: خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأَرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ (۵)

انسان از عجله و شتاب خلق شده و به زودی آیات خود را به شما نشان می دهم بنابراین شتاب نکنید.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خَيْرُكُمْ مِنْ عَرَفَ سُرْعَةَ رِخْلَيْهِ فَتَرَوَدَ لَهَا (۶)

بهترین شما آن کسی است که بداند هر چه سریعتر باید کوچ کرد بنابراین توشه را باید آماده ساخت.

ص: ۲۷۰

۱- فتح ۲۹

۲- ثواب الاعمال ص ۵۶

۳- عنکبوت ۲۰

۴- محاسن ج ۲ ص ۴۶۱

٥- انبياء ٣٧

٦- تنبيه الخواطر ج ٢ ص ١٢٣

شرك: يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (۱)

لقمان گفت فرزندم به خدا شرکت نیاور که به راستی شرکت ستمی بزرگ است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا يَكُونُ الْعَبْدُ مُشْرِكًا حَتَّى يُصَلِّيَ لِغَيْرِ اللَّهِ أَوْ يَذْبَحَ لِغَيْرِ اللَّهِ أَوْ يَدْعُوَ لِغَيْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (۲)

بنده مشرک نباشد مگر آنگاه که برای غیر از خدا نماز خواند یا برای غیر خدا ذبح کند و یا برای غیر خدای عزوجل دعوت کند.

شفاعت: لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۳)

اختیار شفاعت را ندارد مگر کسی که از جانب خدای رحمان پیمانی گرفته باشد.

امام صادق علیه السلام درباره این کلام پروردگار فرمود: إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ بُولَايَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ بَعْدِهِ فَهُوَ الْعَهْدُ عِنْدَ اللَّهِ (۴)

مگر کسانی که به ولایت امیرالمومنین و امامان بعد از او اعتقاد داشته باشند و این همان عهدی است که نزد خدا دارند.

شکر: إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۵)

خداوند صاحب فضل و کرم است نسبت به انسان ها و لکن بیشتر مردم ناسپاسند.

امام صادق علیه السلام فرمود: وَ أَذْنِي الشُّكْرِ رَوِيهِ النِّعْمَةُ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى (۶)

کم تر حد شکر این است که نعمت را از طرف پروردگار بدانی.

شَهَوَاتٍ: زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ (۷)

ص: ۲۷۱

۱- لقمان ۱۳

۲- خصال ۱۳۶

۳- مریم ۸۷

۴- بحار ج ۸ ص ۳۶

۵- بقره ۲۴۳

٦- مصباح الشريعة ص ٢٦

٧- آل عمران ١٤

برای مردم دوست داشتنی ها و شهواتی از زنان و فرزندان و ثروت زیاد از طلا- و نقره و اسب های ممتاز و چهار پایان و زراعت در نظر زیبا می آید و اینها سرمایه های دنیاست و سرانجام خوب پیش خداست.

امام صادق علیه السلام درباره خطر شهوت ثروت و مقام فرمود:

حمله دو گرگ درنده به یک ربه بی چوپان که یکی از اول ربه و دیگری از آخر آن حمله کنند زیانبارتر از شهوت ریاست و ثروت برای دین مسلمان نیست. (۱)

شیطان: وَقُلْ رَبِّ اعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ (۲)

و بگو پروردگارا از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می برم پروردگارا از این که شیاطین نزد من حاضر شوند به تو پناه می برم.

امام صادق علیه السلام فرمود: إِنَّ الشَّيْطَانَ يُدِيرُ ابْنَ آدَمَ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَإِذَا أَعْيَاهُ جَسَمٌ لَهُ عِنْدَ الْمَالِ فَأَخَذَ بِرَقَبَتِهِ (۳)

شیطان آدمی را همه جا می چرخاند و چون او را خسته و درمانده کرد نزدیک ثروت کمین می کند و گردنش را می گیرد.

حرف ص:

صبر: إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (۴)

خدا با صابران است.

امام صادق علیه السلام فرمود: اتَّقُوا اللَّهَ وَاصْبِرُوا فَإِنَّهُ مَنْ لَمْ يَصْبِرْ أَهْلَكَ الْجَزْعَ وَإِنَّمَا هَلَكَ فِي الْجَزْعِ أَنَّهُ إِذَا جَزَعَ لَمْ يُوجَرْ (۵)

از خدا بترسید و صابر باشید زیرا هر که صبر نکند بیتابی کردن او را به هلاکت افکند و به هلاکت افتادن او بر اثر بیتابی به این معناست که اگر بی تابی کند اجر نمی برد.

ص: ۲۷۲

۱- کافی ج ۲ ص ۳۱۵

۲- مومنون ۹۷ و ۹۸

۳- کافی ج ۲ ص ۳۱۵

۴- بقره ۱۵۳

۵- بحار ج ۷۱ ص ۹۵

صلوات بر محمد و آل محمد: إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (۱)

خداوند و فرشتگانش بر حضرت محمد درود و صلوات می فرستند پس ای اهل ایمان شما نیز بر محمد درود و صلوات فرستید و بر وی سلامی کامل و جامع عرضه بدارید.

امام صادق علیه السلام فرمود کسی که حاجتی دارد باید اول صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بعد از آن حاجت خود را بخواهد و در آخر دعا دوباره صلوات بفرستد زیرا خداوند کریم تر از آن است که دو طرف دعا را قبول کند و وسط دعا را قبول نکند و صلوات بر محمد و آل محمد مانع های استجاب دعا را برطرف می کند. (۲)

صراط: مَنْ يَعْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۳)

و هر کس به خدا متمسک شود به راه راست هدایت شده است.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام درباره صراط پرسید؟ حضرت فرمود صراط مستقیم راه به سوی معرفت خداست و آن دو صراط است یکی صراط در دنیا و یکی در آخرت اما صراط در دنیا:

فَهُوَ الْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعَةُ مَنْ عَرَفَهُ فِي الدُّنْيَا وَ اقْتَدَى بِهُدَاهُ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ الَّذِي هُوَ جِسْرُ جَهَنَّمَ فِي الْآخِرَةِ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْهُ فِي الدُّنْيَا زَلَّتْ قَدَمُهُ عَنِ الصِّرَاطِ فِي الْآخِرَةِ فَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ (۴)

امام واجب اطاعه است کسی که او را بشناسد و از راهنمایی او پیروی کند در آخرت از صراطی که پل دوزخ است عبور خواهد کرد و کسی که او را در دنیا نشناسد در آخرت پایش لغزنده و در آتش دوزخ هلاک می شود.

ص: ۲۷۳

۱- احزاب ۵۶

۲- کافی ج ۲ ص ۴۹۲

۳- آل عمران ۱۰۱

۴- معانی الاخبار ص ۳۲

حرف ض:

ضلالت و گمراهی: وَلَمَّا تَبَجَّ الْهُوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ (۱)

از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می کند و آنهايي که از راه خدا منحرف شدند به خاطر آن که روز حساب را فراموش کرده اند عذاب سختی خواهند داشت.

امام صادق علیه السلام راه رهایی از ضلالت و گمراهی را تملک نفس بیان می فرماید:

مِنْ مَلِكٍ نَفْسُهُ إِذَا غَضِبَ وَإِذَا رَغِبَ وَإِذَا رَهَبَ وَإِذَا أَشْتَهَى حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ (۲)

هر کس وقتی خشم می گیرد یا به چیزی رغبت پیدا می کند و یا از چیزی می ترسد خویشتن داری کند خداوند پیکر او را بر آتش حرام گرداند.

حرف ط:

طریقه و روش: إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (۳)

خداوند اوضاع و احوال هیچ جامعه و ملتی را تغییر نمی دهد تا افراد آن جامعه خود را تغییر دهند و افکار و اخلاق خویش را دگرگون سازند.

امام صادق علیه السلام :

عَنَّا السَّلَامَ وَأَخْبَرَهُمْ أَنَا لَا نَغْنَى عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِلَّا بِعَمَلٍ وَأَنْهُمْ لَنْ يَنَالُوا وَلَا يَتَنَا إِلَّا بِعَمَلٍ أَوْ وَرَعٍ وَإِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حَسِرَةً مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَى غَيْرِهِ (۴)

سلام مرا به دوستانمان برسان و به آنها بگو ما نمی توانیم بی نیاز کنیم شما را از طرف پروردگار مگر به عمل و هرگز به ولایت ما نخواهید رسید مگر به پرهیزکاری و عمل پشیمان ترین مردم در روز قیامت کسی است که کار خوبی را چون عدالت

ص: ۲۷۴

توصیف نماید و خود برخلاف آن عمل کند.

حرف ظ:

ظلم: إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱)

راه کسانی که به مردم ظلم می کنند و به غیر حق در روی زمین تجاوز پیشه اند منتهی به جهنم است و برایشان عذاب دردناک خواهد بود.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَا مِنْ مَظْلَمَةٍ أَشَدَّ مِنْ مَظْلَمَةٍ لَا يَجِدُ صَاحِبَهَا عَلَيْهَا عَوْنًا إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (۲)

هیچ ظلمی سخت از آن ظلمی نیست که ستمدیده در قبال آن یاوری جز خدای عزوجل نیاید.

حرف ع:

عدالت: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ (۳)

خداوند به عدالت و احسان به دیگران فرمان می دهد

امام صادق علیه السلام می فرمود: الْعَدْلُ أَحَلَّى مِنَ الْمَاءِ يُصِيبُهُ الظَّمَانُ مَا أَوْسَعَ الْعَدْلُ إِذَا عُدِلَ فِيهِ وَإِنْ قَلَّ (۴)

عدالت شیرین تر از آبی است که انسان تشنه به آن می رسد عدالت هر چند اندک باشد اگر عادلانه صورت گیرد بسی گسترده است.

عقل: لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي صَحَابِ السَّعِيرِ (۵)

جهنمی ها در روز قیامت می گویند اگر حرف حساب را گوش می دادیم و عقل را

ص: ۲۷۵

۱- شوری ۴۲

۲- کافی ج ۲ ص ۳۳۱

۳- نمل ۹۰

۴- کافی ج ۲ ص ۱۴۶

۵- ملک ۱۰

به کار می انداختیم جزو جهنمی ها نبودیم.

امام صادق علیه السلام: إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُزِيلَ مِنْ عَبْدٍ نِعْمَهُ كَانَ أَوَّلُ مَا يُغَيِّرُ مِنْهُ عَقْلَهُ (۱)

هرگاه خداوند بخواهد نعمتی را از بنده ای بگیرد نخستین چیزی که در او تغییر می دهد عقل او است.

علم و عمل: إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (۲)

از بین بندگان الهی فقط علماء خدا ترس و اهل خشیت اند.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ تَعَلَّمَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ عَمِلَ لِلَّهِ دُعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ عَظِيمًا (۳)

هر کس برای خدا دنبال دانش رود و برای خدا کار کند و به خاطر رضای خدا آموزش دهد با احترام خاصی به ملکوت آسمان ها دعوت خواهد شد.

عبادت: يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ (۴)

ای انسان ها عبادت کنید پروردگارتان را همان که شما را آفریده است.

عذاب: وَ يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ (۵)

مردان و زنان منافق و مشرک گرفتار عذاب خواهند شد.

امام صادق علیه السلام فرمود خدای عزوجل به داود علیه السلام فرمود ای داود مومنان راستین را هشدار ده که به اعمال خود مغرور نشوند زیرا بنده ای نیست که به پای حسابش کشم مگر این که عذاب شود.

عفو و بخشش: وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ (۶)

بیخشید و گذشت کنید آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: الْعَفْوُ عِنْدَ الْقَدَرِ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ وَالْمُتَّقِينَ (۷)

ص: ۲۷۶

۱- اختصاص ص ۲۴۵

۲- فاطر ۲۸

۳- امالی طوسی ج ۱ ص ۴۶

۴- بقره ۲۱

٥- فتح ٦

٦- نور ٤٢

٧- سفينه البحار ج ٢ ص ٢٠٧

عفو و گذشت در هنگام قدرت از سنن پیامبران و پرهیزکاران است.

حرف غ:

غفلت: لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَ كَفَبَصْرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٍ (۱)

تو از امروز مرگ و برزخ و قیامت غافل بودی پس ما پرده ات را از برابرت کنار زدیم و امروز چشمانت تیزبین است.

امام صادق علیه السلام فرمود: اَنْ كَانَ الشَّيْطَانُ عَدُوًّا فَالْغَفْلَةُ لِمَاذَا؟ (۲)

اگر شیطان دشمن است پس غفلت چرا؟

غیبت:

وَلَا يَعْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ (۳)

غیبت یکدیگر را نکنید آیا یکی از شما دوست می دارد که گوشت بدن مرده برادر دینی خود را بخورد؟ در حالی که از این کار نفرت دارید.

امام صادق علیه السلام فرمود: لَا تَعْتَبْ فَتَغْتَبَ وَلَا تَحْفَرُ لِأَخِيكَ حَفْرَهُ فَتَقَعَ فِيهَا فَا نَكَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ (۴)

غیبت نکن که از تو غیبت می شود و برای برادرت چاه مکن که خود در آن می افتی زیرا به هر دست بدهی با همان دست پس می گیری.

حرف ف:

فرشتگان: وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ (۵)

و لکن نیکی به آن است که شخص به خدا و روز قیامت و فرشتگان ایمان آورد.

ص: ۲۷۷

۱- ق ۲۴

۲- بحار ج ۷۸ ص ۱۹۰

۳- حجرات ۱۲

۴- بحار ج ۷۵ ص ۲۴۹

۵- بقره ۱۷۷

امام صادق علیه السلام فرمود:

أَنَّ الْمَلَائِكَةَ لَا يَأْكُلُونَ وَلَا يَشْرَبُونَ وَلَا يَنْكَحُونَ وَإِنَّمَا يَعِيشُونَ بِنَسِيمِ الْعَرْشِ (۱)

فرشتگان نه می خورند و نه می آشامند و نه ازدواج می کنند بلکه از نسیم عرض زندگی می کنند.

فطرت: فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲)

این فطرتی است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده و تبدیلی در خلق خدا نیست این است دین استوار.

امام صادق علیه السلام فرمود: فَطَرَهُمْ عَلَى التَّوْحِيدِ (۳)

تفسیر فطرت یعنی خداوند انسان ها براساس فطرت خداپرستی و توحید آفریده است.

حرف ق:

قرآن: وَلَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ (۴)

کسی از تاویل قرآن خبر ندارد جز خداوند تبارک و تعالی و آن هایی که نفوذ در علم کرده اند.

امام صادق علیه السلام فرمود: نَحْنُ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ (۵)

راسخون و نافذین در علم ما اهل بیت علیهم السلام هستیم.

قضا و قدر: إِذَا قُضِيَ أَمْرٌ فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۶)

هرگاه خداوند حکم قطعی خود را صادر کند و به چیزی بگوید موجود شو بدون فاصله موجود خواهد شد.

ص: ۲۷۸

۱- تفسیر قمی ج ۲ ص ۲۰۷

۲- روم ۳۰

۳- بحار ج ۲ ص ۸۷

۴- آل عمران ۷

۵- بحار ج ۹۲ ص ۱۰۷ و ج ۵ ص ۱۷

۶- بقره ۱۱۷

امام صادق علیه السلام فرمود: لَا جَبْرَ وَ لَا تَفْوِيضَ وَ لَكِنْ أَمْرٌ بَيْنَ أَمْرَيْنِ

نه جبر است و نه واگذاری بلکه چیزی بین این دو است بعد حضرت برای مفضل شاگرد خود توضیح دادند برای مثال مردی را می بینی که گناه می کند و تو او را از آن باز می داری اما او نمی پذیرد و تو به حال خود رهایش می کنی و او گناه خود را انجام میدهد پس او به نهی تو اعتنایی نکرده و در نتیجه به حال خود رهایش کرده‌ای نباید گفت که تو او را به گناه دستور داده‌ای. (۱)

حرف ک:

كَاْفِرٌ: وَ مَنْ يَزِدُّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَ هُوَ كَاْفِرٌ فَأُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (۲)

هر کس از دینش برگردد و بمیرد کافر مرده است و ایشانند که اعمالشان نابود خواهد شد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ فَرَائِضَ مُوجِبَاتٍ عَلَى الْعِبَادِ فَمَنْ تَرَكَ فَرِيضَةً مِنَ الْمُوجِبَاتِ فَلَمْ يَعْمَلْ بِهَا وَ جَحَدَهَا كَانَ كَاْفِرًا (۳)

همانا خدای عزوجل فرایضی را بر بندگان واجب ساخته است پس هر کس فریضه‌ای واجب را ترک کند و به آن عمل نکند و منکرش شود کافر است.

كَيْنَةُ تَوْزِي: وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا (۴)

کسانی شهادت به خلاف نمی دهند و هرگاه بالغوی روبرو شدند کینه به دل نمی گیرند و با بزرگواری برخورد می کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: الْمُؤْمِنُ يَحْقُقُ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ فَإِذَا قَامَ ذَهَبَ عَنْهُ الْحَقْدُ (۵)

کینه به دل گرفتن مومن کوتاه است فقط تا وقتی است که در مجلس حضور دارد.

ص: ۲۷۹

۱- بحار ج ۵ ص ۱۷

۲- بقره ۲۱۷

۳- کافی ج ۲ ص ۳۸۷

۴- فرقان ۷۲

۵- کافی ج ۲ ص ۱۰۸

وقتی برمیخیزد و محفل را ترک می کند دیگر کینه به دل ندارد.

حرف ل:

لقمه حرام:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ (۱)

ای اهل ایمان از راه باطل اموال یکدیگر را نخورید.

امام صادق علیه السلام فرمود: كَسْبُ الْحَرَامِ يَبِينُ فِي الذَّرِيَةِ (۲)

درآمد حرام در نسل انسان اثر می گذارد.

حرف م:

محاسبه: اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا (۳)

بخوان نامه عملت را که امروز خودت حسابگر خویش باشی بس است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

أَلَا فَحَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا فَإِنَّ فِي الْقِيَامَةِ خَمْسِينَ مَوْقِفًا كُلُّ مَوْقِفٍ أَلْفُ سَنَةٍ (۴)

آگاه باشید و به حساب خود برسید قبل از آنکه در روز قیامت به حساب شما برسند زیرا که در قیامت پنجاه ایستگاه است و هر ایستگاه هزار سال می باشد.

محبت: الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ (۵)

اهل ایمان سخت و شدید خدا را دوست می دارند.

مفضل از امام صادق علیه السلام از عشق و محبت به خداوند پرسید؟ امام علیه السلام فرمود

قُلُوبٌ خَلَتْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِذَا قَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ (۶)

خداوند تبارک و تعالی دل هایی را که از یاد خدا خالی گردد از محبت خودش تهی می کند و محبت غیر خود را در آنها جایگزین می نماید.

١- نساء ٢٩

٢- کافی ج ٥ ص ١٢٥

٣- اسراء ١٤

٤- بحار ج ١٥ ص ٤٠

٥- بقره ١٦٥

٦- بحار ج ٧٣ ص ١٥٨

مسئولیت: إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (۱)

گوش و چشم و دل همگی مورد مواخذه و سوال قرار خواهند گرفت.

امام صادق علیه السلام در ذیل آیه شریفه ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۲)

و آنگاه در آن روز از نعمت ها بازخواست خواهید شد. فرمود: وَاللَّهِ مَا هُوَ الطَّعَامُ وَالشَّرَابُ وَلَكِنْ لَا يَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (۳)

به خدا سوگند آن نعمتی را که خداوند در روز قیامت از آن می پرسد و مورد مواخذه قرار می دهد غذا و آب نیست بلکه نعمت ولایت ما اهل بیت است.

حرف ن:

نعمت: رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ (۴)

پروردگارا به من توفیق شکر نعمت هایی که به من و پدر و مادرم عنایت فرموده ای بده.

مردی از شیعیان امام جعفر صادق علیه السلام به محضر آن بزرگوار شرفیاب شد و از فقر و تنگدستی خویش شکایت نمود امام علیه السلام فرمود:

أَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَتَدَّعَى الْفَقْرَ وَشِيعَتُنَا كُلُّهُمْ أَغْنَاءُ (۵)

تو از شیعیان ما هستی و ادعای فقر می کنی شیعیان ما همگی از ثروتمندان هستند. ثروت ولایت.

نماز: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوَسْطَى (۶)

از نمازها محافظت کنید و به ویژه از نمازی که وسط قرار گرفته است.

ص: ۲۸۱

۱- اسراء ۳۶

۲- تکاثر ۸

۳- تفسیر برهان ج ۴ ص ۵۰۳

۴- نمل ۱۹

۵- انوار نعمانیه ص ۳۴۹

۶- بقره ۲۳۸

امام صادق علیه السلام فرمود: فَضْلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا (۱)

فضیلت نماز اول وقت بر آخرت و وقت همچون فضیلت آخرت بر دنیاست.

نور: يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ (۲)

می بینی که مردان و زنان با ایمان نورشان از پیش رو و سمت راست و چپ آنها حرکت می کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: طَلَبْتُ نُورَ الْقَلْبِ فَوَجِدْتُهُ فِي التَّفَكُّرِ وَ الْبُكَاءِ وَ طَلَبْتُ الْجَوَازَ عَلَى الصِّرَاطِ فَوَجِدْتُهُ فِي الصَّدَقَةِ وَ طَلَبْتُ نُورَ الْوَجْهِ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ (۳)

نور دل را جستجو کردم و آن را در اندیشیدن و چشم گریان یافتم و گذر از صراط را جستجو کردم و آن را در صدقه دادن پیدا کردم و نورانیت چهره را جستجو کردم و آن را در نماز شب یافتم.

حرف و:

والدين: وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا (۴)

و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را پرستید و به پدر و مادر نیکی کنید.

عمار بن حیان گوید به امام صادق علیه السلام خبر دادم از محبت ها و نیکی های فرزندان اسماعیل نسبت به خودم امام علیه السلام فرمود من فرزندان را دوست می داشتم اینک دوستی من به وی بیشتر گشت.

حرف ه:

هلاکت: وَ لَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا (۵)

ص: ۲۸۲

۱- ثواب الاعمال ص ۵۸

۲- حدید ۱۲

۳- مستدرک الوسائل ج ۱۲ ص ۱۷۳

۴- اسراء ۲۳

۵- یونس ۱۳

پیش از شما بسیاری از امت ها را وقتی ستم کردند هلاکشان کردیم.

امام صادق علیه السلام درباره علت هلاکت انسان می فرماید:

إِنَّ الرَّجُلَ يُذْنِبُ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعَ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ (۱)

همانند گناهی می کند و به سبب آن از نماز شب محروم می شود سرعت تاثیر کار بد در آدمی از سرعت تاثیر کار در گوشت بیشتر است.

هواپرستی:

إِنَّ كَثِيرًا لِّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بَغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ (۲)

بسیاری از مردم از روی نادانی و هوس هایشان دیگران را گمراه می سازند البته پروردگار تو متجاوزین را بهتر می شناسد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اخْذَرُوا أَهْوَاءَ كَمَا تَخْذَرُونَ أَعْدَاءَ كَمْ فَلَيْسَ شَيْءٌ لِلرِّجَالِ مِنْ اتِّبَاعِ أَهْوَائِهِمْ وَحَصَائِدِ أَلْسِنَتِهِمْ (۳)

همانگونه که از دشمنان خود حذر می کنید از هوس هایتان حذر کنید زیرا برای مردان دشمنی بدتر از پیروی از هوس هایشان و حرف های بیهوده و یاوه نیست.

حرف ی:

يَقِين: وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ (۴)

پروردگارت را عبادت کن تا یقین به سراغت آید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

الْمُؤْمِنُ لَهُ قُوَّةٌ فِي دِينٍ وَحَزْمٌ فِي لِينٍ وَإِيمَانٌ فِي يَقِينٍ (۵)

مومن در دین نیرومند است و نرمی را با دوراندیشی توأم کرده است و ایمانی همراه با یقین دارد.

با تبیین کلام امام حسن عسکری علیه السلام درباره جد بزرگوارش امام جعفر

١- كافي ج ٢ ص ٢٧٢

٢- انعام ١١٩

٣- كافي ج ٢ ص ٣٣٦

٤- الحجر ٩٩

٥- بحار ج ٦ ص ٢٧١

صادق علیه السلام که عرضه داشت: مَعِيْدُنْ کَلَامُکَ وَ وَحِیکَ وَ خَازِنُ عِلْمُکَ وَ لِسَانُ تَوْحِیدُکَ پروردگارا امام صادق علیه السلام پایگاه و مرکز کلام تو و وحیت و مخزن علمت و زبان تو حیدت می باشد با مراجعه به کلام وحی و قرآن شریف به طور اختصار یافتیم که امام حسن عسکری علیه السلام هر آنچه را که در خصوص امام صادق علیه السلام فرمودند مطابق با واقع بوده و آن امام بزرگوار چیزی را در تشریح آیات شریفه قرآن فروگذار نفرموده است.

و نیز یافتیم که ایشان وَلِيُّ امْرُکَ وَ مَتَسَحَفُ دِیْنُکَ ولی امر خدا و حافظ دین اوست. پس فَصَلٌ عَلَيْهِ أَفْضَلُ مَا صَلَّیْتَ عَلَیْ أَحَدٍ مِنْ اَصْفِیَائِکَ وَ حُجْجِکَ اَنْکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ.

پس خداوندا بر امام صادق علیه السلام درود فرست برتر از درودی که بر هر کدام از برگزیدگان و حجت هایت فرستادی به تحقیق که تو هستی ستوده و صاحب عظمت و بزرگواری.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْبَرِّ الْوَفِيِّ الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ النُّورِ الْمُبِينِ الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ عَلَى الْأَذَى فِيكَ
 اللَّهُمَّ وَكَمَا بَلَغَ عَنْ آيَاتِهِ مَا اسْتُودِعَ مِنْ أَمْرِكَ وَنَهْيِكَ وَحَمَلَ عَلَى الْمَحَجَّةِ وَكَأَيْدِ أَهْلِ الْعِزَّةِ وَالشَّدَّةِ فِيمَا كَانَ يَلْقَى مِنْ
 جُهَالِ قَوْمِهِ رَبِّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِمَّنْ أَطَاعَكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ:

امام حسن عسکری علیه السلام به معصوم نهم اینگونه درخواست صلوات از خداوند تبارک و تعالی می کند الها بر آنکه امانتدار و کسی امینش دانستی موسی بن جعفر درود فرست. بر کسی از دوست و دشمن تردید نیست که ائمه طاهرین علیهم السلام بهترین امانتدار دین خدا و امین در انجام ماموریت خویش بودند. دوستان که جای خود دارد حتی مخالفین و آنهایی که باعث قتل و آزار آن بزرگواران شدند معترف بودند که ایشان ذره ای از مسئولیتی که بر دوششان گذاشته شده عقب نشینی نمی کنند و هر آنچه را که تکلیف بوده به بهترین وجه ممکن انجام دادند اگر چه باعث شهادتشان شود.

منطق امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام این بود:

قُلِ الْحَقُّ وَ إِنْ كَانَ فِيهِ هَلَاكُكَ فَإِنْ فِيهِ نَجَاتُكَ وَ دَعِ الْبَاطِلَ فَإِنْ كَانَ فِيهِ نَجَاتُكَ فَإِنْ فِيهِ هَلَاكُكَ (۱)

حق را بگو اگر چه باعث هلاکت تو شود که نجات واقعی در حق گویی است و

ص: ۲۸۶

باطل را رها کن اگر چه حمایت از باطل باعث رونق کارت و نجات گردد که در واقع هلاکت را همراه دارد.

حالا امام با چنین سفارشی خود امین و موتمن است یعنی برای حفظ حق و حق مداری شکنجه و زندان را سال ها تحمل می کند ولی زیر بار زور و تزویر هارون الرشید نمی رود و آنچه را که پدران گرامش به امانت در اختیارش گذاشتند حفظ می کند.

این یعنی مقام عصمت که خاص ائمه طاهرين عليهم السلام بوده چون بزرگترین خطا حفظ نکردن امانت است. ابن عباس می گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که فرمود:

أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ تَسْعُهُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ (۱)

من و علی و حسن و حسین و نه فرزند حسین پاکیزگان و معصومون هستند.

برای آنکه معرفت ما نسبت به مقام و منزلت امامان معصوم عليهم السلام بالا رود مطالعه در نصوص و روایاتی که از خود آن گرامیان در باب امامت آمده راه گشای خوبی است به عنوان مثال حدی مبسوطی که مرحوم مجلسی از مولایمان علی علیه السلام نقل می کند گویای این حقیقت است.

امامی که سزای امامت است نشانه هایی دارد نخست آن که معلوم شود او از همه گناهان کوچک و بزرگ مصون است در فتوا دچار لغزش نشود و پاسخ نادرست ندهد گرفتار سهو و فراموشی نگردد و به چیزی از دنیا دل نبندد.

دوم: آن که آگاهترین فرد باشد به حلال و حرام و احکام گوناگون او و اوامر و نواهی اش و هر آنچه مردم به آن نیازمندند و او از آن بی نیاز.

سوم: باید شجاع ترین فرد باشد زیرا او رئیس مومناتی است که روی به سوی او دارند اگر در میدان نبرد از پیشروی باز ماند مومنان نیز با عقب نشینی او عقب می نشینند.

ص: ۲۸۷

چهارم: باید بخشنده ترین افراد باشد هر چند همه مردم زمین بخیل باشند زیرا اگر بخل و آزمندی بر او چیره شود به اموال مسلمانان که در دست اوست آزمند و حریص خواهد شد.

الخَامِسُ الْعَصْمَةُ مِنْ جَمِيعِ الذُّنُوبِ وَ بِذَلِكَ يَتَمَيَّزُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ هُمْ غَيْرُ مَعْصُومِينَ لِأَنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ مَعْصُومًا لَمْ يَوْمَنْ عَلَيْهِ أَنْ يَدْخُلَ فِيمَا يَدْخُلُ النَّاسُ فِيهِ مِنْ مُوَبَقَاتِ الذُّنُوبِ الْمَهْلَكَاتِ وَ الشَّهْوَةِ وَ اللَّذَاتِ (۱)

پاک بودن از همه گناهان با این ویژگی او از پیروان خود که از گناه مصون نیستند متمایز می شود چه اگر او معصوم و پاکدامن نباشد اطمینانی نیست که همچون دیگر مردمان در گرداب گناهان مهلک و شهوات و کامجوی ها نیفتند.

و نیز در توضیح امین و موتمن که درباره امام کاظم علیه السلام آمده بود جد بزرگوارش امام علی علیه السلام فرمود:

حَقُّ عِيِّ الْإِمَامِ أَنْ يَحْكُمَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ أَنْ يُودِيَ الْأَمَانَةَ فَإِذَا فَعَلَ فَحَقُّ عَلَى النَّاسِ أَنْ يَشْتَرِعُوا لَهُ وَ أَنْ يُطِيعُوا وَ إِنْ مَجِبُوا إِذَا دُعُوا (۲)

امام وظیفه دارد براساس کتاب خدا حکومت کند و امانت را ادا نماید. چون چنین کدن مردم وظیفه دارند سخنش بشنوند فرمانش ببرند و هرگاه آنان را فراخواند اجابت کنند.

موسی بن جعفر علیه السلام حتی در زندان پاسخ دوستانش را براساس معیارهای امامت که همان امین و موتمن بودن بود می داد.

به علی بن سوید نوشت که ای علی اما این که نوشته ای معیارهای دینت را از که بگیری معیارهای دینت را هرگز از غیر شیعیان ما نگیر که اگر از شیعیان ما فراتر روی بی گمان دین خود را از خیانتکاران گرفته ای. (۳)

در قسمت نصوص و دلایل بر امامت موسی بن جعفر علیه السلام آمده که عبدالرحمان

ص: ۲۸۸

۱- بحار ج ۲۵ ص ۱۶۴

۲- کنز العمال ۱۴۳۱۳

۳- وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۱۰۹

بن حجاج می گوید به منزل امام جعفر صادق علیه السلام وارد شدم حضرت در اتاق مخصوص نمازش مشغول به دعا بود و عَلِيُّ يَمِينِهِ موسى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَنْ عَلِيٌّ دُعَائِهِ موسى بن جعفر علیه السلام در کنار پدر سمت راست حضرت نشسته بود و هر دعایی که امام صادق علیه السلام می کرد او آمین می گفت.

فَقُلْتُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ قَدْ عَرَفْتُ انْقِطَاعِي إِلَيْكَ وَ خِدْمَتِي لَكَ فَمَنْ وَلِيُّ الْأَمْرِ بَعْدَكَ عَبْدَ الرَّحْمَنِ مِی گوید عرض کردم فدایت شوم دانستم که تو امام منی و در خدمت شما هستم اما ولی امر بعد از شما کیست؟ فرمود: أَنْ مُوسَى قَدْ لَبَسَ الدَّرْعَ فَاسْتَوَتْ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَا أَحْتَاجُ بَعْدَهَا إِلَيَّ شَيْءٌ (۱)

به تحقیق موسی فرزندم لباس امامت را به تن خواهد کرد و او سزاوارتر چنین مقامی است عرض کردم دیگر بعد از این فرمایش هیچ جای نگرانی نیست و نیاز به چیزی نیست.

نص دیگری به روایت محمد بن ولید نقل شده که می گوید از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم که برای گروهی از اصحاب و یاران خاص خود صحبت می کرد و می فرمود:

اسْتَوْصُوا بِمُوسَى ابْنِي خَيْرًا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ وَلَدِي وَ مَنْ أَخْلَفُ مِنْ بَعْدِي وَ هُوَ الْقَائِمُ مَقَامِي وَ الْحَجَّةُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَيَّ كَافَهُ خَلْقِهِ مِنْ بَعْدِي (۲)

شما را سفارش می کنم درباره پسر موسی به نیکی زیرا که او برترین فرزندان من است و او جانشین بعد از من می باشد و مقام امامت را بعد از من در اختیار دارد و اوست حجت خدای عزوجل بر همه مردم و مخلوقات الهی بعد از من.

در نص دیگری بر امامت موسی بن جعفر به نقل از یزید بن اسباط آمده که گفت بر امام صادق علیه السلام در محلی که حضرت از دنیا رفت وارد شدم حضرت به من فرمود: آیا این کودک را می بینی؟ هرگاه دیدی که مردم درباره امامت او اختلاف کردند شهادت بده که من به تو گفتم که حضرت یوسف پیامبر گنااهش نزد برادرانش که

ص: ۲۸۹

۱- بحار ج ۴۸ ص ۱۸ به نقل از ارشاد ص ۳۰۸

۲- ارشاد ص ۳۱۰

باعث شد او را در دل چاه بیاندازند حسادتی بود که به وی داشتند همان زمان که گفت من در عالم رویا دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه برایم سجده کردند و همچنین نسبت به این فرزندم موسی حسادت خواهند کرد بعد امام صادق علیه السلام موسی و عبدالله و اسحاق و محمد و عباس پسران خود را خواست و به آنها فرمود:

هَذَا وَصِيُّ الْأَوْصِيَاءِ وَ عَالِمِ عِلْمِ الْعُلَمَاءِ وَ شَهِيدٌ عَلَى الْأَمْوَاتِ وَ الْأَحْيَاءِ ثُمَّ قَالَ يَا يَزِيدُ سَتَكْتُبُ شَهَادَتَهُمْ وَ يَسْأَلُونَ (۱)

این موسی وصیی از اوصیاء و عالم علم علماء و شاهد بر مردگان و زنده هاست سپس فرمود ای یزید شهادت بقیه پسرانم را بنویس و از آنها بازخواست کن.

جای این گفتگو هست که یکی از فرزندان امام صادق علیه السلام اسماعیل بود که بعد از شهادت حضرت فرقه ای به نام اسماعیلیه به وجود آمد و شش امامی شدند و هم اینکه نیز رهبر این فرقه یک فراماسیون مقیم انگلستان است و مریدان زیادی دارد.

ابوبصیر میگوید محضر امام صادق علیه السلام بودم صحبت از اوصیاء به میان آمد و نامی هم از اسماعیل برده شد.

فَقَالَ لَا وَاللَّهِ يَا ابْنُ مُحَمَّدٍ مَا ذَاكَ إِنِّي نَا مَا هُوَ إِلَّا إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَنْزِلُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود نه به خدا سوگند ای ابامحمد موضوع امامت به ما ارتباطی ندارد. فقط مربوط به خداوند عزوجل است که یکی پس دیگری را به امامت منصوب می کند.

الْبُرِّ الْوَفِيِّ:

امام حسن عسکری علیه السلام عرضه می دارد خدایا درود فرست بر آن امامی که بسی نیکوکار و با وفا بود.

راغب در مفردات در توضیح لغت البر می گوید:

أَيُّ التَّوَشُّعِ فِي فِعْلِ الْخَيْرِ وَ يُنسَبُ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى تَارَهُ نَحْوِ أَنَّهُ هُوَ الْبُرُّ الرَّحِيمُ وَ إِلَيَّ الْعَبْدُ تَارَهُ فَيَقَالُ بَرٌّ

ص: ۲۹۰

الْعَبْدُ رَبَّهُ أَى تَوَسَّعَ فِى طَاعَتِهِ (۱)

بر یعنی زیاد و فراوان کار خیر انجام دادن گاه این صفت به خدا نسبت داده می شود مثل در قرآن آمده خداوند صاحب بر و رحمت است و گاهی به بندگان نسبت داده می شود بر بنده نسبت به خدا یعنی فراوانی اطاعت و بندگی پروردگار.

عرض حقیر این است که امام کاظم علیه السلام هم تجلی صفت بر و رحمت الهی است و هم در طاعت و بندگی خداوند نمونه زمان خود و تمام تاریخ است.

كَانَ أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ فَكَانَ إِذَا قَرَأَ يَحْزَنُ وَ بَكَى السَّامِعُونَ لِنَلَاوَتِهِ وَ كَانَ يَبْكِي مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ حَتَّى تَخْضَلَّ لِحْيَتُهُ بِالذَّمُوعِ (۲)

امام کاظم علیه السلام بهترین صوت را در تلاوت قرآن داشت قرآن را محزون می داند و هر شنونده ای را به گریه می انداخت گاهی آنچنان از خوف و خشیت الهی می گریست که اشک از محاسن شریفش سرازیر می شد.

همواره شب ها را تا به صبح به مناجات و عبادت مشغول بود این دعا را زیاد از حضرت شنیدند:

اللَّهُمَّ انك إِنِّي كُنتُ اسألك أَن تُفَرِّغَنِي لِعِبَادَتِكَ اللَّهُمَّ وَقَدْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ (۳)

بار پروردگارا تو خوب می دانی که من همواره مکان خلوتی را برای عبادت تو طلب میکردم و تو نیز به من عنایت فرمودی پس حمد تو را سزااست.

وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِى سُجُودِهِ قَبِيحَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسِنِ الْعَفْوُ وَ التَّجَاوُزُ مِنْ عِنْدِكَ (۴)

موسی بن جعفر علیه السلام در سجده ها می گفت پروردگارا گناه بنده ات بس قبیح و زشت است و عفو و گذشت هم از جانب تو بس نیکوست.

و گاه می گفت: اللَّهُمَّ إِنِّي اسألك الراحه عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ (۵)

ص: ۲۹۱

۱- مفردات راغب ص ۴۰

۲- بحار ج ۴۸ ص ۱۰۷

۳- بحار ج ۴۸ ص ۱۰۸

۴- همان

۵- همان

پروردگارا از تو راحتی جان کندن و گذشت در هنگام حساب را مسئلت می نمایم.

یک بار هارون الرشید علیه اللعنه کنیزی زیبا روی را به عنوان خدمتکار آن امام همام به زندان فرستاد و در باطن بدین قصد که اگر امام کاظم علیه السلام به او تمایلی نشان داد از این طریق دست به تبلیغاتی علیه آن حضرت بزند.

امام علیه السلام به آورنده دخترک گفت شما به این هدیه ها دل بسته اید و بدان ها می نازید من به این هدیه و امثال آن نیازی ندارم. هارون خشمگین شد و دستور داد که کنیز را به زندان ببر و به امام بگو ما تو را با رضایت خود تو به زندان نیفکنده ایم. یعنی ماندن این کنیز هم بستگی به رضایت تو ندارد.

چیزی نگذشت که جاسوسان که مامور گزارش ارتباطات کنیز با امام بودند به هارون خبر بردند که کنیزک بیشتر اوقات در حال سجده است هارون گفت به خدا سوگند موسی بن جعفر او را افسون کرده است. کنیز را خواست و از او بازخواست کرد اما کنیزک جز نکویی از امام نگفت. هارون به مامور خود دستور داد که کنیز را نزد خویش نگه دارد و با کسی چیزی از این ماجرا نگوید کنیزک پیوسته در عبادت بود تا چند روز پیش از وفات و شهادت امام علیه السلام از دنیا رفت. (۱)

الْبَرُّ الْوَفِيُّ گفتیم که راغب در مفردات بر را برای بندگان خدا فراوانی بندگی و طاعت پروردگار معنا کرد و اگر به معنای مطلق نیکی باشد چه نیکی بالاتر از این که امام موسی بن جعفر علیه السلام با سلوک خود کنیزی را عابده کند و او را متوجه معبودش کرده و به عبادت وادارش نماید.

هشام بن احمر از حالات تعبد و بندگی امام علیه السلام می گوید همراه امام موسی بن جعفر علیه السلام در اطراف مدینه سیر می کردیم که ناگاه امام علیه السلام از مرکب خویش پیاده شد.

ص: ۲۹۲

و به خاک افتاد و سجده ای طولانی کرد وقتی سر از سجده برداشت و سوار بر مرکب شد عرض کردم فدایت شوم چقدر سجده طول کشید فرمود به یاد نعمتی از نعمت های الهی که به من عنایت کرده بود افتادم بر خود واجب دانستم که از خدای خویش تشکر کنم. (۱)

کاخ هارون بر زندان موسی بن جعفر علیه السلام اشراف داشت یکبار به ربیع گفت این لباس که روی زمین قرار گرفته چیست که هر روز در این ساعات مشاهده می کنم ربیع گفت ای امیر این لباس نیست این موسی بن جعفر است که هر روز بعد از طلوع خورشید تا هنگام نماز ظهر در حال سجده است هارون ملعون گفت آری این شخص رهبان بن هاشم است.

ربیع می گوید به هارون گفتم پس چه باعث شده که تو او را در تنگنای زندان قرار دهی؟

گفت : هَيْهَاتَ لَا بُدَّ مِنْ ذَلِكَ هَرَّكَزْ چاره ای جز این ندارم. (۲)

الْوَفَى موسی بن جعفر علیه السلام به چیز وفادار بود؟ به عهدی که خداوند بر عهده حضرتش گذاشته بود و آن انجام درست ماموریت در مقام امامت و رهبری است.

وفا از زیباترین و ارزشمندترین صفات انسانی است. وفا چون گلی معطر و هفت رنگ بر پیشانی سایر ملکوت و صفات پسندیده جلوه گری می نماید.

امام معصوم چون موسی بن جعفر علیه السلام سنبُل و آموزنده صفت وفاست.

مرحله نخست وفا در وجود اما علیه السلام وفاداری به عهد امامت است و مرحله دوم آن وفاداری به تعهداتی است که در قبال حفظ مقام عصمت دارد.

امام علیه السلام بر نفس سرکش لگام زده و مانع طغیان اوست و مراقب است که کوچکترین راه نفوذی برای شیطان و انسان های بدتر از شیطان در سر وجود خویش باز نگذارد. در این مرحله امام در عین قدرت بی مثال علمی و تقوایی و

ص: ۲۹۳

۱- بحار ج ۴۸ ص ۱۱۶

۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۹۵

اعجاز حالت تذلل و بندگی خالصانه اش را در پیشگاه پروردگار حفظ می کند و ثابت و استوار در ادامه ماموریت خویش می ماند.

وفای معصوم از نظر ظاهری هم اینگونه است که بنیان گذار مکتب اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم داشت.

اعجاز حالت تذلل و بندگی خالصانه اش را در پیشگاه پروردگار حفظ می کند و ثابت و استوار در ادامه ماموریت خویش می ماند.

وفای معصوم از نظر ظاهری هم اینگونه است که بنیانگذار مکتب اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم داشت. عبدالله بن سنان می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود پیغمبر اسلام با مردی وعده گذارد که بر سنگی بنشیند تا او بیاید او رفت و آفتاب بالا آمد و هوا گرم شد.

یاران حضرت عرض کردند ای رسول خدا چه می شود اگر از آفتاب به سایه بیایی؟

فرمود: وَعِدَّتُهُ إِلَيَّ هَاهُنَا وَإِنْ لَمْ يَجِئْكَ مِنْهُ إِلَيَّ الْمَحْشَرِ (۱)

من با او در اینجا وعده گذارده ام اگر او نیاید تا قیامت در همین مکان خواهیم ماند.

الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ:

امام حسن عسکری علیه السلام عرضه می دارد خداوندا بر موسی بن جعفر که پاک و پاک روش است درود فرست.

آیه تطهیر در شان اهل بیت علیهم السلام نازل شده و این اراده قطعی الهی بوده که از روز الست این دودمان ظاهر باشند.

ابن مردویه از ابن عباس از طریق اهل سنت نقل شده که گفت:

شَهِدْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْبِيحَهُ أَشْهُرَ يَأْتِي كُلَّ يَوْمٍ بَابَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ وَقْتِ كُلِّ صَلَوةٍ فَيَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتِهِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (۲)

ما نه ماه همه روزه شاهد این جریان بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم هنگام هر نمازی به

ص: ۲۹۴

در خانه علی بن ابیطالب علیه السلام آمد و گفت سلام بر شما اهل بیت و رحمت خدا و برکات او بر شما حق این است که خدا می خواهد ناپاکی از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

در احتجاجات امیرالمومنین علی علیه السلام با ابوبکر است که علی علیه السلام به ابوبکر فرمود تو را به خدا قسم می دهم که آیه تطهیر در شان من و اهل و فرزندان من نازل شده یا درباره تو و اهل بیت تو؟ ابوبکر گفت بلکه درباره تو و اهل بیت شما نازل گردیده سپس فرمود تو را به خدا قسم می دهم که پیغمبر در روز کساء من و اهل بیتم و فرزندانم را دعوت کرد و گفت: أَهْلَ الْبَيْتِ اللَّهُمَّ هَوَاءَ أَهْلِي الْيَكِّ لَا إِلَهَ إِلَّا النَّارُ پروردگارا اینها اهل بیت من به سوی تو هستند و نه به سوی آتش و یا اینکه تو را دعوت نمود؟

ابوبکر گفت بلکه تو اهل و فرزندان تو را دعوت نمود. (۱)

الزّکی موسی بن جعفر علیه السلام پاک روش بود. آن گرامی هم خود تزکیه شده بود و هم مزکی یعنی تزکیه کننده دیگران بود چه انسان هایی که از گناه خویش به خاطر موعظه ها و نفس قدسی امام هفتم علیه السلام دست از گناه کشیدند و به راه راست هدایت شدند.

یک روز امام علیه السلام در شهر بغداد از کنار منزل بشر حافی عبور می کرد صدای ساز و نواز از داخل به گوش می رسید. در این موقع کنیز بشر برای ریختن خاکروبه و زباله از خانه خارج شد. آن حضرت فرمود ای کنیز صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟ جواب داد البته بنده و برده کسی نیست و آزاد است. موسی بن جعفر علیه السلام فرمود راست می گویی اگر بنده می بود از مولای خود ترس داشت.

کنیز وارد منزل شد بشر بر سر سفره شراب نشسته بود علت تاخیر او را پرسید جواب داد شخصی رد می شد از من سوال کرد صاحب این خانه عبد است یا آزاد.

ص: ۲۹۵

پاسخ دادم البته برده کسی نیست گفت آری اگر بنده بود از آقای خود می ترسید.

این سخن چنان در قلب بشر تاثیر کرد که سر از پا نشناخت با پای برهنه از منزل خارج شده خود را به موسی بن جعفر علیه السلام رسانید به دست آن حضرت توبه کرد و از گذشته خود پوزش خواسته با چشم گریان بازگشت. (۱)

نقل شده از آن روز اعمال زشت خود را ترک کرد و از جمله زهاد زمان خویش شد و چون با پای برهنه به دنبال موسی بن جعفر علیه السلام دوید و با این حال توبه کرد او را حافی (پابرهنه) لقب دادند.

صفوان بن مهران کوفی از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیه السلام بود اما مردی شایسته و پرهیزکار بود زندگی خود را از راه کرایه دادن شترهایش تامین می کرد و شترهای زیادی داشت.

صفوان گفت روزی خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شرفیاب شدم آن حضرت به فرمود صفوان تمام کارهای تو پسندیده و نیکو است مگر یکی گفتم فدایت شوم آن کدام است فرمود شترهای خود را به این مرد (هارون الرشید) کرایه می دهی عرض کردم این کرایه را نه از باب حرص و ازدیاد ثروت یا برای صید و شکار و لهو و لعب می دهم چون برای سفر حج می خواست دادم خودم نیز متصدی و مباشر خدمت او نمی شوم غلام هایم همراه آنها هستند.

موسی بن جعفر علیه السلام فرمود آیا پول کرایه تو در عهده او و خانواده اش می ماند.

عرض کردم آری مدیون می شوند تا پس از برگشتن پرداخت کنند فرمود دوست می داری که هارون و خانواده اش زنده باشند تا ساعتی که کرایه تو را پرداخت نکرده اند.

ص: ۲۹۶

جواب دادم بله همین طور است.

امام علیه السلام فرمود کسی بقای ایشان را دوست داشته باشد از جمله آنهاست هر که از ایشان محسوب شود جای او در جهنم خواهد بود.

صفوان گفت پس از فرمایش موسی بن جعفر علیه السلام همه شترهای خود را فروختم این خبر به گوش هارون الرشید رسید. مرا طلب کرد وقتی پیش او رفتم گفت به طوری که شنیده ام شترهای خود را فروخته ای؟ گفتم بلی پیر و ضعیف شده ام خودم نمی توانم متصدی امور آنها باشم غلامان نیز آن طور که باید مراقبت نمی کنند و از عهده این کار بر نمی آیند. هارون گفت هرگز هرگز به اشاره موسی بن جعفر این کار را کرده ای گفتم مرا با موسی بن جعفر علیه السلام چه کار است گفت دروغ می گویی اگر حق همنشینی تو نبود هم اکنون تو را می کشتم. (۱)

روزی امام کاظم علیه السلام بیمار شد طبیب یهودی را آوردند تا معالجه کند امام علیه السلام فرمود کمی صبر کن من دوستی دارم با او مشورت کنم آنگاه روی از طبیب برگردانید و به جانب قبله توجه نمود این بیت شعر را خواند:

أَنْتَ أَمْرَضْتَنِي وَ أَنْتَ طَبِيبِي *** فَتَفَضَّلْ بِنَظَرِهِ يَا حَبِيبِي

وَ اسْقِنِي مِنْ شَرَابٍ وَدَكِّ كَمَا *** ثُمَّ زِدْنِي حُلَاوَهُ التَّقْرِيبِ

خدایا تو مرا بیمار کرده ای و تو نیز طبیب منی به فضل خویش نظری به این بنده بیفکن از شراب دوستی و عشق خود مرا جامی بده و شیرینی مقام قربت را بر آن اضافه نما.

هنوز حضرت این ابیات را تمام نکرده بود که اثر بهبودی در بشره مبارکش ظاهر شد و همان لحظه تمام مرض از او زائل گشت.

طبیب با تحیری عجیب می نگریست پس از مشاهده این پیشامد گفت ای سرور من اول گمان کردم تو بیماری و من طبیب اکنون آشکار شد که من بیمارم و تو

ص: ۲۹۷

طیب از تو خواهش می کنم مرا معالجه کن امام علیه السلام اسلام را بر او عرضه داشت طیب مسلمان شد. (۱)

ملاحظه فرمودید که امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام چگونه مزکی بود و چون غریق نجات از افراد قبل از غرق شدن در ضلالت و گمراهی همیشگی دستگیری می کرد.

النُّورِ الْمُبِينِ:

موسی بن جعفر علیه السلام نوری اشکار بود بلی نور معنوی حضرت را در سیره و رفتار حضرت و کراماتی که از خود نشان داده کاملاً مشهود بود.

شخصی به نام شقیق بلخی می گوید در سال ۱۴۹ برای سفر حج عازم مکه شدم در شهر قادسیه وارد شدم و نگاه به مردم و کثرت جمعیتشان و نوع لباس هایشان افتاد نظرم را جوانی زیباروی جلب کرد که از نظر پوششش با دیگران ممتاز بود و تنها بود پیش خود گفتم این جوان حتماً از صوفی هاست و اراده کرده که خود را بر مردم تحمیل کند سوگند این جوان حتماً از صوفی هاست و اراده کرده که خود را بر مردم تحمیل کند سوگند به خدا که بر او اعتراض خواهم کرد همین که به وی نزدیک شدم و تا مرا مقابل خود دید فرمود ای شقیق اجْتَبُوا کثیراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ از بسیاری گمان ها پرهیز کنید که بعضی از گمان ها گناه است.

و از من جدا شد و مرا ترک کرد پیش خود گفتم عجیب است من پیش خود حرفی زدم و او مرا به اسم صدا زد این شخص حتماً عبد صالح خداست دیگر او را ندیدم تا منزل بعدی در حال نماز بود در حالی بسیار مضطرب بود و اشک می ریخت صبر کردم تا نمازش تمام شود در کنارش نشستم همین که مرا دید فرمود ای شقیق بخوان: وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (۲)

و من نسبت به آن که توبه می کند و ایمان می آورد و کارهای پسندیده انجام می دهد و سپس هدایت می شود بسیار بخشنده هستم.

باز مرا ترک کرد پیش خود گفتم این جوان از انسان های بی بدیل و فوق العاده

ص: ۲۹۸

است که برای دومین بار با سر وجود من حرف زد. وقتی وارد منزلگاه منی در منطقه مکه معظمه شدم کرامتی دیگر از او مشاهده کردم و آن دعایی بود که ایشان به درگاه الهی کرد برای آب دادن به حجاج بر سر چاه خشکیده ای که دیدم آب بالا آمد تا آنجا که حضرت دست دراز کرد و ظرف آب در داخل چاه نمود و همه را سیراب کرد و خود وضو ساخت و چهار رکعت نماز خواند و بعد مقداری از آن آب به من داد نوش جان کردم. به خدا سوگند تا آن روزی آبی لذذتر و پاکیزه تر از نظر طعم و عطر نخورده بودم که مدتی سیرابم کرد و زمانی طولانی میل به هیچ غذایی نداشتم تا اینکه به اتفاق وارد مکه شدیم یکی از شب ها در نیمه های شب دیدم که نمازی در نهایت خشوع می خواند و اشک می ریزد تا فجر صادق شد و نماز صبح را خواند و بعد هفت دور خانه کعبه را طواف کرد. و بعد از خانه خدا خارج شد به دنبالش راه افتادم ناگاه دیدم مردم اطرافش جمع شدند و بر او عرض ادب می کردند و اظهار ارادت می نمودند. به یکی از آنها که به ایشان نزدیک بودند گفتم این جوان کیست؟

فَقَالَ هَذَا مُوسَى بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ فَقُلْتُ قَدْ عَجِبْتُ يَكُونُ هَذِهِ الْعَجَائِبُ وَالشَّوَاهِدُ إِلَّا لِمِثْلِ هَذَا السَّيِّدِ (۱)

گفت ایشان موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند علی بن ابیطالب که رضوان خدا بر همه آنها باد می باشد گفتم پس همه این کرامات و مشاهدات من که مرا به شگفتی واداشت از مثل چنین آقای بودهاست.

الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ :

امام حسن عسکری علیه السلام از خداوند می خواهد که بر امام کاظم علیه السلام که تلاش کننده و کار کننده به حساب خدا بود درود فرستد.

صلوات خدا بر آن امام بزرگواری که تمام کوشش خود را برای هدایت خلق نمود و همه را به حساب خدا گذاشت و با خدا معامله کرد.

ص: ۲۹۹

خداوند به ما نیز توفیق دهد تا از آن امام عزیز بیاموزیم جد و جهد خود را برای رضای پروردگار و به امید فضل او بجا آوریم نه به امید خلق روزگار.

گاه دیده می شود بعضی خیلی اهل کار و تلاشند و از نظر وقت سرمایه گذاری فراوان می کنند و خود را به زحمت می اندازند از خواب و خوراک خود می زنند تا کار مردم را راه بیندازند و یا به در زمینه علم و دانش به مدارج عالیه برسند و یا در انجام فرائض و نوافل جامع ترین عبادات را انجام دهند همه اینها خوب است ولی خوب تر آن است که همراه با اخلاص باشد و غیر خدای متعال در این جد و جهدها دخالت نداشته باشد.

یکی از بزرگان اخلاق به نام ابوحامد می گوید همچنان که اگر عشق خدای عزوجل و آخرت بر جان کسی چیره شود رفتارهای معمولی او نیز رنگ آن را به خود می گیرد و مخلصانه می شود کسی که حب دنیا و برتری و ریاست و به طور کلی محبت غیرخدا بر جانش مستولی گردد نیز همه حرکات و رفتارهای عادی و ویژگی آن را به خود می گیرد و نماز و روزه و سایر عباداتش سالم نمی ماند مگر به ندرت بنابراین برای درمان درد بی اخلاصی باید لذت های نفسانی را درهم شکست و چشم طمع از دنیا برید و یکسره آخرتی شد به طوری که این خوی بر دل چیره شود. در چنین وضعی اخلاص کاری آسان می شود.

چه بسیار اعمالی که انسان برای انجام آنها خود را به رنج و زحمت می اندازد و گمان می برد که برای خدا می کند حال آنکه سعی بیهوده می برد زیرا از آفت آنها بی خبر است. از قول یکی از همین افراد نقل شده که گفت من نمازهای سی سال خود را در مسجد در صف اول جماعت خوانده بودم قضا کردم زیرا یک روز به دلیل دیر آمدن به مسجد تاخیر کردم و در صف دوم جماعت به نماز ایستادم و از این که مردم مرا در صف دوم دیدند خجالت کشیدم. از آن جا فهمیدم که من از این که مردم مرا در صف اول ببینند ناخودآگاه خوشحال می شده ام و آرامش دل پیدا

امام کاظم علیه السلام که طبق بیان امام حسن عسکری علیه السلام الْمُحْتَسِبُ است و به حساب خداوند و برای رضای او تلاش می کرد از قول حضرت مسیح بن مریم علیه السلام روایتی را نقل می فرماید که حضرت مسیح علیه السلام فرمود:

يَا عِبِيدَ السَّوْءِ نَقُّوا الْقَمِيحَ وَ طَيِّبُوهُ وَ أَدِقُّوا طَحْنَهُ تَجِدُوا طَعْمَهُ وَ يَهْنِكُمْ أَكْلُهُ كَذَلِكَ فَأَخْلَصُوا الْإِيمَانَ وَ أَكْمَلُوا تَجِدُوا خَلَوتَهُ وَ يَنْفَعَكُمْ غَيْبُهُ (۲)

ای بندگان بد گندم را پاک و تمیز کنید و خوب آردش نمایید تا طعم آن را بچشید و گوارایتان گردد. همچنین ایمان را خالص و کامل گردانید تا شیرینی آن را بیابید و سرانجامش شما را سود رساند.

امام معصوم چون موسی بن جعفر علیه السلام که جای خود دارد و اصولاً این ذوات مقدسه جدای از خلق خدا از نظر رتبه و مقام هستند انسان های معمولی هم وقتی کار خدایی می کنند و محتسبند یعنی اعمال را به حساب خدا انجام می دهند به درجاتی می رسند که برای دیگران که محروم از این کریمه اند امکان پذیر نیست.

در حدیث قدسی آمده که پروردگار متعال می فرماید:

لَا أَطَّلِعَ عَلَى قَلْبٍ عَبْدٍ فَأَعْلَمَ مِنْهُ حُبَّ الْإِخْلَاصِ لِمَطَاعَتِي لَوْجَهِي وَ ابْتِغَاءِ مَرْضَاتِي إِلَّا تَوَلَّيْتُ تَقْوِيْمَهُ وَ سِيَاسَتَهُ (۳)

هرگاه دل بنده ام را بنگرم و دریابم که از روی اخلاص و برای خشنودی من طاعتم به جا می آورد راستگردانی و تدبیر او را خود به عهده گیرم.

اسحاق بن عمار می گوید بر موسی بن جعفر علیه السلام وارد شدم در این بین مردی از اهل خراسان از امام علیه السلام به امام خطاب کرد که گفتگوی پرنده ای را بیان کند امام علیه السلام فرمود که فلان پرنده می گوید من پیش خود گفتم تاکنون من چنین سخنی را نشنیده بودم. امام علیه السلام به من فرمود این کلام قومی است از اهل چین و نیست سر

ص: ۳۰۱

۱- محجه البيضاء ج ۸ ص ۱۳۱

۲- بحار ج ۷۸ ص ۳۰۶

۳- بحار ج ۸۵ ص ۱۳۶

کلام اهل چین مثل این فرمود آیا تعجب کردی از کلام من؟ گفتم برایم شگفت آور بود فرمود:

اخبرك بِمَا هُوَ أَعْجَبُ مِنْهُ أَنَّ الْإِمَامَ يَعْلَمُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَنَطَقَ كُلِّ ذِي رُوحٍ خَلَقَهُ اللَّهُ وَ مَا يُخْفِي عَلَيَّ الْإِمَامُ شَيْءٌ (۱)

آیا خبر بدم به تو به چیزی که شگفت آورتر است به تحقیق که امام زبان تمام پرندگان و زبان هر صاحب روحی را که خدا آفریده می داند و چیزی برای امام مخفی نیست.

همه علماء ربانی که صاحب کرامات بودند ابتدا به درجه اخلاص نائل شدند بعد خداوند چشمه های جوشان حکمت را از سر وجودشان جاری ساخت.

چنانکه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَزَتْ يَتَابِعُ الْحَكْمَهُ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ (۲)

هیچ بنده ای چهل بامداد برای خدا اخلاص نورزید و کارهایش را برای خدا انجام نداد مگر آن که چشمه های حکمت از دلش به زبانش جاری شد.

امام صادق علیه السلام درباره آثار اخلاص و کار خدایی می فرمود همه اشیاء در برابر مومن خاشعند و از هیبت او می هراسند. سپس فرمود اگر برای خدا اخلاص ورزد خداوند همه چیز حتی گزندگان و درندگان زمین و پرندگان هوا را از او بترساند. (۳)

الصَّابِرِ عَلَى الْأَذَى فَيْكَ:

امام حسن عسکری علیه السلام عرضه می دارد پروردگارا موسی بن جعفر علیه السلام کسی بود که در راه تو بر آزارها و اذیت ها صبوری کرد.

برای درک و فهم بیان امام حسن عسکری کافی است که به وضع امام هفتم علیه السلام در زندان های مختلف و به ویژه آخرین زندان حضرت به کتاب ها مراجعه کنیم و بخوانیم که چه اندازه از ناحیه هارون الرشید ملعون و ایل و تبار منحوس او آقا را مورد شکنجه و اذیت قرار دادند.

قبل از هارون الرشید امام کاظم علیه السلام مدتی در زندان مهدی عباسی در بغداد بود.

ص: ۳۰۲

٢- عيون اخبار الرضا عليه السلام ج ٢ ص ٦٩

٣- بحار ج ٧٠ ص ٢٤٨

و بعد حضرت را آزاد کرد بار دیگر تصمیم گرفت امام را زندانی کند ولی مگر به او مهلت نداد و به هلاکت رسید بعد از مهدی عباسی هارون الرشید امام علیه السلام را بر حسب نقل تا چهارده سال در حبس نگهداشت.

هارون جنایتکار و منافق ابتدا که می خواست موسی بن جعفر علیه السلام را دستگیر کند ابتدا کنار قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آمد و گفت:

پدر و مادرم به فدای تو ای رسول خدا من عذر می خواهم در کاری که اراده کرده ام تصمیم دارم موسی بن جعفر را زندانی کنم برای آنکه می ترسم فتنه بر پا کند و خون های امت تو ریخته شود.

روز بعد به فضل بن ربیع دستور داد امام علیه السلام را دستگیر کند امام در کنار قبر جدش رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم مشغول نماز بود در همان حال نماز آن بزرگوار را گرفتند و کشیدند تا از مسجد بیرون برند. آن حضرت توجهی به قبر جد بزرگوارش خویش کرده و گفت ای رسول خدا به تو شکایت می کنم از این حرکات و رفتاری که بر اهل بیت تو روا می دارند. مردم از هر طرف صدا به ناله و گریه بلند کردند.

امام مظلوم را نزد هارون ملعون بردند ناسزای فراوان به حضرتش گفت و بعد دستور داد و کاروان ترتیب دهند تا مردم ندانند آن حضرت را به کجا می برند یکی را به بصره فرستاد و دیگری را به بغداد. امام علیه السلام را به بصره فرستاد و کاروان یک روز پیش از ترویج روز هفتم ذی الحجه وارد بصره شد و مدت یکسال در آن شهر محبوس بود.

سومین زندان امام کاظم علیه السلام زندان فضل بن ربیع در شهر بغداد بود که حضرت به دستور هارون چند سال در این زندان محبوس بود.

شیخ صدوق رحمه الله روایت می کند که موسی بن جعفر علیه السلام بیش از ده سال در زندان فضل بن ربیع بود و تمام این مدت را به عبادت و سجده های طولانی مشغول بود. آخرین زندان حضرت زندانی بس نامور و تاریک بود که زندان بانس آدمی پست و

جنایتکار بود به نام سندی بن شاهک و همه روزه امام علیه السلام را مورد آزار و شکنجه قرار می داد. (۱)

روایتی را مرحوم مجلسی رحمه الله در بخش احتجاجات امام هفتم علیه السلام نقل می کند که پس از محکومیت هارون و گفتن وی به حضرت که أَحْسَنَتْ يَا مُوسَى اَلَيْتَنَا حَوَائِجَكَ احسنت بر شما ای موسی حاجت هایتان را به ما واگذار کن امام علیه السلام فرمود:

أَوَّلِ حَاجَّتِهِ أَنْ تَأْذَنَ لِابْنِ عَمِّكَ أَنْ يَوْجَعَ إِلَيَّ حَرَمَ حَيْدِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَإِلَيَّ عِيَالِهِ فَقَالَ نَنْظُرُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَرَوِيَ أَنَّهُ لَهُ عِنْدَ السُّنْدِيِّ بْنِ شَاهِكٍ فَرَعَمَ أَنَّهُ تُوفِّيَ عِنْدَهُ (۲)

اولین حاجت آن است که برای پسر عمویت این اجازه را بدهی که برگرد به حرم جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و نزد خانواده اش. هارون گفت ببینیم ان شاء الله چه باید کرد و روایت شده که حضرت را به نزد سندی بن شاهک ملعون فرستاد با این نیت که حضرت را بکشد و او هم همین کار را کرد و امام کاظم علیه السلام را در روز بیست و پنجم ماه رجب سال ۱۸۳ هجری قمری در سن پنجاه و پنج سالگی با خرمای زهر آگین به شهادت رساند.

این زندان آخرین آنقدر مخوف و وحشتناک بود که حضرت قادر به انجام عبادات و نوافل نبود و به همین علت لحن مناجات حضرت عوض شد و می گفت:

يَا سَيِّدِي نَجِّنِي مِنْ حَبْسِ هَارُونَ وَ خَلِّصْنِي مِنْ يَدِهِ يَا مُخَلِّصَ الشَّجَرِ مِنْ بَيْنِ رَمْلِ وَ طِينٍ يَا مُخَلِّصَ اللَّبَنِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ وَ يَا مُخَلِّصَ الْوَلَدِ مِنْ بَيْنِ مَشِيمِهِ وَ رَحِمٍ يَا مُخَلِّصَ النَّارِ مِنَ الْحَدِيدِ وَ الْحَجَرِ يَا مُخَلِّصَ الرُّوحِ مِنْ بَيْنِ الْأَحْشَاءِ وَ الْأَمْعَاءِ خَلِّصْنِي مِنْ يَدِ هَارُونَ (۳)

ای آقای من مرا از زندان هارون و از چنگالش نجات بده ای خدایی که گیاه را از

ص: ۳۰۴

۱- بحار ج ۴۸ ص ۲۰۶

۲- همان ص ۱۲۹

۳- بحار ج ۴۸ ص ۲۱۹

بین آب و گل بیرون می کشی و ای خدایی که شیر را از بین چرک و خون خارج می کنی و ای خدایی که بچه را از شکم مادر رهایی می بخشی و ای خدایی که آتش را از بین آهن و سنگ خارج می کنی و ای خدایی که روح را از کالبد بیرون میبری مرا از چنگال هارون رهایی بخش.

آری بالاخره دعای حضرت مستجاب شد و حضرت به دست سند بن شاهک مسموم شد.

فَحَمَلَ عَلَيَّ نَعْشٍ وَ نُودِيَ عَلَيْهِ هَذَا إِمَامُ الرَّافِضَةِ فَأَعْرِفُوهُ (۱)

بدن حضرت را بر تخته پاره ای گذاردند و جلوی جنازه یکی فریاد می زد این امام رافضیان است او را بشناسید.

امام حسن عسکری علیه السلام در ادامه صلوات بر موسی بن جعفر علیه السلام در پیشگاه پروردگار عرضه می دارد

اللَّهُمَّ وَ كَمَا بَلَغَ عَنْ آيَاتِهِ مَا اسْتُودِعَ مِنْ أَمْرِكَ وَ نَهْيِكَ وَ حَمَلَ عَلَى الْمَحْجَةِ وَ كَابِدَ أَهْلَ الْعِزَّةِ وَ الشَّدَّةِ فِيمَا كَانَ يَلْقَى مِنْ جُهَاَلِ قَوْمِهِ رَبِّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَ أَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِمَّنْ أَطَاعَكَ وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ:

خدایا همچنان که رسانید و ابلاغ کرد از طرف پدران آنچه را که به او سپرده شده بود از امر و نهیت و همچنان که واداشت بر میانه راه و رنج و سختی کشید از اهل کبر و نخوت و سختی کشید از دست مردم نادان زمان خویش. پروردگار من پس درود فرست بر او بهترین و کامل ترین درودهایی را که بر هر کدام از کسانی که تو را بندگی کردند و بندگانت را نصیحت نمودند به درستی که تویی آمرزنده و مهربان.

سه نکته مهم در این بخش صلوات بر حضرت بیشتر جلب توجه می کند. ۱- درستی ماموریت امامت و کوتاهی نکردن در ودایع پدران بزرگوارش ۲- روش اعتدال و میانه روی را تروج فرمود. ۳- از اهل کبر و نخوت و مردم نادان زمان خویش

ص: ۳۰۵

سختی زیادی کشید.

بهترین نشان حفظ امت داری امام علیه السلام تحمل زندان ها و سازش نکردن با حکام جور بود. این امام همام به همه رهبران حکومت های اسلامی بلکه به آحاد مردم دنیا آموخت که در برابر ظلم نباید کوتاه آمد اگر چه منجر به شکنجه و زندان و بی احترامی شود.

امام کاظم علیه السلام برای حفظ میراث اجداد طاهرين خود به مبارزه با سلاطین زمان خویش پرداخت و به ما آموخت که هیچ گاه نباید با ظالم کنار آمد و با او سازش کرد و اگر کسی اعتراف به دوستی و ارادت به موسی بن جعفر علیه السلام می کند باید به رفتار حضرتش نیز اقتدا کند.

امام زین العابدین علیه السلام می فرمود:

إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَيَّ اللَّهُ مَنْ يَقْتَدِيَ بِسُنَّةِ إِمَامٍ وَ لَا يَقْتَدِيَ بِأَعْمَالِهِ (۱)

مبغوض ترین مردم نزد خداوند کسی است که به سنت امامی اقتدا کند و به رفتار و کردارش اقتدا نکند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود سنگ آسیاب اسلام بزودی به چرخش درخواهد آمد پس شما بر محور قرآن بچرخید نزدیک است که قدرت و قرآن با یکدیگر به پیکار برخیزند و از هم جدا شوند. بزودی شاهانی بر شما حاکم شوند که برای شما به گونه ای حکم می کنند و برای خود به گونه ای دیگر. اگر از آنان فرمان برید گمراهتان کنند و اگر نافرمانی کنید شما را بکشند.

گفتند ای پیامبر خدادر چنان روزگاری چه کنی؟ فرمود همچون یاران عیسی باشید که آنها را با اره ها پاره پاره کردند و بر چوبه دار آویخته شدند مردن در راه طاعت خدا بهتر از زندگی کردن در معصیت است. (۲)

ابن ابی الحدید معتزلی مذهب می گوید به عقیده اصحاب ما شورش بر ضد

ص: ۳۰۶

۱- کافی ج ۸ ص ۲۳۴

۲- تفسیر درالمنثور سیوطی ج ۳ ص ۱۲۵

پیشوایان ستمگر واجب است. همچنین از دیدگاه همکشیان ما به آدم فاسق که نه براساس شبهه و خطا بلکه علم و یقین حکومت حق او نیست و او حکومت را به دست می گیرد جایز نیست سکوت کردن و باید به هر که در برابر آنها می ایستد و خود اهل عمل و دین است یاری رساند بلکه باید از قیام کنندگان پشتیبانی کرد. (۱)

نکته دوم که گذشت این بود که موسی بن جعفر علیه السلام اعتدال و میانه روی را ترویج کرد. یکی از آفاتی که جامعه اسلامی را به اعوجاج و انحراف می کشاند آفت خروج از حد اعتدال در تمام زمینه هاست برای اینکه رهبران دینی ما و احکام مذهب بر معیار اعتدال است. اگر در صلوات بر موسی بن جعفر علیه السلام گفته می شود که وَ حُمِّلَ عَلَيَّ الْمَحْجَه یعنی امام علیه السلام مردم را به میانه روی و می داشت این سنت الهی است که راه مستقیم بهترین راه است افراط و تفریط غیر عقلانی و خطرناک است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ (۲)

این دین محکم و متین است بنابراین راه مستقیم آن را با مدارا بپیمایید و تندروی نکنید. دیده شده برخی در مسائل اعتقادی از صراط مستقیم الهی خارج می شوند و برخی در کار و مسایل اقتصادی اهل افراز و تفریط هستند. ایوب بن حر می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که در پاسخ سوال مردمی که از حضرت می پرسید میانه روی و تدبیر زندگی نیمی از کسب است فرمود: لِإِبْلِ هُوَ الْكَسْبُ وَ مِنْ التَّدْبِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ (۳)

نه بلکه تمام کسب است نه نیمه آن و تدبیر در کیفیت زندگی جزء دین محسوب می شود کلیت زندگی انسان مومن باید بر میانه روی باشد تا بتواند بار ایمان را به سلامت به سر منزل مقصود برساند.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود:

الْيَمِينِ وَالشَّمَالِ مُضْلِهِ وَالطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَةُ عَلَيْهَا بَاقِيَ الْكِتَابِ وَ آثَارُ النَّبَوَةِ وَ مِنْهَا مَنَقَذُ السَّنَةِ وَ إِلَيْهَا مَصِيرُ

ص: ۳۰۷

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۵ ص ۷۸

۲- کافی ج ۲ ص ۸۶

۳- بحار ج ۱۵ ص ۱۹۹

راست گرای و چپ گرای هر دو گمراهی است راه میانه راه نیکبختی و سعادت است.

کتاب خدا قرآن و آثار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بدان گواه است سنت و روش رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از همین راه نفوذ می کند و عاقبت کار هم بدان منتهی می شود در هر کاری وقتی افراط شود خستگی می آورد و انسان از آن کار می برد اگر تفریط شود قصور کرده و گنهکار محسوب می گردد.

موسی بن جعفر علیه السلام در همین رابطه می فرمود:

مَا أَفْبَحَ الْفَقْرَ بَعْدَ الْغِنَى وَ أَفْبَحَ الْخَطِيئَةَ بَعْدَ النَّسْكِ وَ أَفْبَحَ مِنْ ذَلِكَ الْعَابِدُ لِلَّهِ ثُمَّ يَتْرَكَ عِبَادَتَهُ (۲)

چقدر زشت است فقیر شدن بعد از ثروتمند بودن و چقدر زشت است گناه کردن بعد از انجام مناسک و از آن زشت تر آن است که کسی عبادت پروردگار را بنماید و بعد آن را ترک کند و کنار بگذارد.

همان بزرگوار درباره اعتدال در کار و مسایل اقتصادی درباره آدم های بیکار و آنانی اصولاً می خواهند با تنبلی و بیکاری زندگی را بگذرانند می فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ الْفَارِغَ (۳)

خداوند با کسی که بیکار باشد دشمن است.

در مقابل همان گرامی تشویق می کند که آدم های بیکار دنبال روزی حلال برونند و مخارج خانواده خویش را تامین کنند.

مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ حِلِّهِ لِيَعُودَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۴)

کسی که روزی خویش را از راه حلال طلب کند تا بدان وسیله مخارج خویش و خانواده خود را اداره نماید مانند کسی است که در راه خدا جهاد نماید.

ص: ۳۰۸

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۶

۲- بحار ج ۱۴ ص ۳۱۰

۳- من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۳۵۷

۴- وسایل الشیعه ج ۲ ص ۵۲۹

و نکته سوم این بود که وَ کَابِدَ أَهْلِ الْعِزَّةِ وَ الشَّهْدَةِ فِيمَا كَانَ يُلْقَى مِنْ جُهَالِ قَوْمِهِ

امام کاظم علیه السلام از اهل کبر و چیرگی رنج و سختی کشید به ویژه از مردم نادانی که پی به شخصیت معنوی آن حضرت نبرده بودند.

بزرگترین شکنجه برای امام معصوم علیه السلام مواجه شدن با مردمی که حرفش را نمی فهمند و یا خود را به نفهمی می زنند امیرالمومنین علی علیه السلام در توصیف جهال و آدم های بی فهم فرمود:

الْجَاهِلُ لَا يُعْرِفُ تَقْصِيرَهُ وَلَا يَقْبَلُ مِنَ النَّصِيحِ لَهُ (۱)

نادان به عیب و تقصیر خود آگاه نیست و نصیحت خیرخواه خود را هم نمی پذیرد.

الْجَاهِلُ لَا يَزِدُّهُ بِالْمَوَاعِظِ لَا يُنْتَفَعُ (۲)

آدم نادان نصیحت بردار نیست و پند و اندر در او کارگر نمی افتد.

مردم معاصر با موسی بن جعفر علیه السلام اگر درک درستی داشتند اجازه نمی دادند به حکومت های جور و ظالم زمان که امام معصومشان سال ها در حبس بسر برد و آنها زندگی عادی و راحت خود را داشته باشند.

خواهید گفت وقتی حاکمی ستمگر بر تمامی امور سیطره پیدا کرد چگونه می توان از امام زمان خود حمایت کرد مبارزان با طاغوت ها در هر عصری پاسخ این سوال را عملاً داده اند و تا مرز شهادت برای حمایت از ولایت جانشانی کرده اند.

امام معصوم که جای خود دارد در بعضی اعصار شاهد بودیم که شیعیان مبارز به خاطر تبعید و حبس مرجع تقلید خود پیا خواستند و تا روزی که آن مرجع به وطن بازنگشته بود برای خود همه نوع خطر را خریدند و دست از مبارزه با طاغوت زمان نکشیدند و بلکه تا آنجا پیش رفتند که طاغوت را به زیر کشیدند و او را مجبور به فرار

ص: ۳۰۹

از کشور نمودند.

ائمہ طاہرین ما علیہم صلوات اللہ از این رنج می بردند کہ مردم ہم عصرشان احساس مسئولیت نمی کردند و نسبت بہ آزار و شکنجہ امامان خود بی تفاوت بودند.

مولایمان علی علیہ السلام دربارہ گروہی از اصحاب خود می فرمود نہ اموالی را در راہ رضای کسی کہ آن اموال را بہ شما عنایت فرمودہ بذل کردید و نہ جان هایی در راہ آن کس کہ جان ها را آفرید بہ خطر انداختید. (۱)

ای مردمی کہ ہر وقت فرمان دادم اطاعت نکردید و ہر گاہ دعوتتان کردم اجابتہ ننمودید اگر شما را مہلت دہم حرف های بیہودہ می زنید و اگر جنگی پیش آید سست و ناتوانید و اگر مردم دور رہبری جمع شوند ملامت می کنید و اگر مجبور بہ کار می شوید فرار را بر قرار ترجیح می دهید. چرا برای گرفتن حق خود تلاش نمی کنید. بالاخرہ یا مرگ یا ذلت برای شماست بہ خدا قسم اگر مرگ من فرا رسد کہ البتہ خواہد رسید بین من و شما جدایی می افتد در حالی کہ از ہمنشینیا شما بیزارم بہ راستی شما چہ نوع آدم هایی ہستید؟ آیا دینی نیست کہ شما را متحد کند و آیا غیرتی نیست کہ شما را بہ جوش آورد.

آیا این تعجب ندارد کہ معاویہ انسان های پست و فرومایہ را می خواند و از او پیروی می کنند بدون اینکه بہ آنها کمک و یا بخشش نماید؟

و من شما را می خوانم کہ یادگار اسلام و باقیماندہ مردم با ایمان گذاشتہ آید بہ شما کمک می نمایم و سہم ہر یک را می بخشم ولی اطاعت نمی کنید و از دور من پراکنده می گردید و بنای مخالفت با مرا می گذارید. (۲)

فَضَّلَ عَلَيْهِ أَفْضَلَ وَ أَكْمَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِّمَّنْ أَطَاعَكَ وَ نَصَحَ لِعِبَادِكَ إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ:

ص: ۳۱۰

۱- نہج البلاغہ خطبہ ۱۱۶

۲- همان خطبہ ۱۷۹

پس پروردگارا بر موسی جعفر بالاترین و کامل ترین درودهایی که بر بندگان که بندگیت کردند و بندگان را نصیحت نمودند بفرست که به تحقیق تو آمرزنده و مهربانی.

امام کاظم علیه السلام هم جزو برترین بندگان مطیع پروردگار بود و بهترین ناصح بندگان حق تعالی. و اصولاً کار انبیاء و اولیاء نصیحت و خیرخواهی برای مردم زمان خود بود.

بر ماست که چون آن بزرگواران ناصح مردم باشیم و سیره و روشن ارزشمند آنان را به عنوان یک وظیفه شرعی ادامه دهیم و نسبت به اعمال زشت هم کیشان خود بی تفاوت نباشیم.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در یک حدیث قدسی از قول پروردگار نقل می کند که فرمود

أَحَبُّ مَا تَعَبَّدَ لِي بِهِ عَبْدِي النَّصِيحُ لِي (۱)

محبوب ترین چیزی که بنده ام به وسیله آن مرا عبادت کرد نصیحت دیگران برای من است.

شاید بعضی بگویند ناصح بودن کار انبیاء و اولیاء و یک قشر خاصی از مومنین است در حالیکه این طور نیست. امام علی و امام صادق علیهما السلام نصیحت کردن را جزو واجبات می شمردند و کسی نباید تارک آن باشد.

امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود: مِنْ وَاجِبِ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَيَّ عِبَادَةُ النَّصِيحَةِ بِمَبْلَغِ جُهِدِهِمْ وَ التَّعَاوُنُ عَلَيَّ أَقَامَهُ الْحَقُّ بَيْنَهُمْ (۲)

از جمله حقوق واجب خداوند بر مردم این است که با تمام توان خود خیرخواهی و نصیحت کنند و در راه بر پا داشتن حق میان خود همکاری نمایند.

و امام صادق علیه السلام می فرمود: يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ (۳)

بر مومن واجب است که در حضور و غیاب مومن خیرخواه و ناصح او باشد.

ص: ۳۱۱

۱- الترغیب و الترهیب ج ۲ ص ۵۷۷

۲- نهج البلاغه خطبه ۲۱۶

۳- کافی ج ۲ ص ۲۰۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَرَضَيْتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ وَقَائِمًا
بِأَمْرِكَ وَنَاصِرًا لِدِينِكَ وَشَهِيدًا عَلَى عِبَادِكَ وَكَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى:

در بین ائمه طاهرين عليها السلام چهار امام نام شريفشان علي است امام اميرالمومنين، امام زين العابدين امام رضا و امام هادي عليها السلام.

نام شريف علي که اولين بار بر اميرمومنان عليه السلام گذاشته شد از جمله نام هايي است که چون نام شريف محمد صلى الله عليه و آله وسلم بر هيچ انساني قبل آنها ناميده نشده بود و منحصر به ايشان است و مهم آن است که اين نام ها را خداوند عَلِيّ اُعلى بر ايشان گذاشته است فاطمه بنت اسد مادر اميرالمومنين علي عليه السلام مي گويد همين که خواستم از خانه کعبه خارج شوم در حالي که نوزادم را در آغوش داشتم

هَتَفَ بِي هَاتِفٌ يَا فَاطِمَةُ سَمِيهِ عَلِيًّا فَهُوَ عَلِيٌّ وَاللَّهُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقُولُ شَقَقْتُ اسْمَهُ مِنْ اسْمِي وَ أَدَّبْتُهُ بِأَدَبِي وَ أَوْقَفْتُهُ عَلَى غَامِضِ عِلْمِي وَ هُوَ الَّذِي يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ فِي بَيْتِي وَ هُوَ الَّذِي يُوْذَنُ فَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِي وَ يُقَدِّسُنِي وَ يَمَجِّدُنِي فَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَ أَطَاعَهُ وَ وَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُ وَ عَصَاهُ(۱)

ص: ۳۱۴

هاتفی از غیب مرا ندا داد که ای فاطمه نام این فرزند را علی بگذار به درستی که منم علی اعلی نام او را از نام خود برگزیدم و او را به آداب خودم ادب نمودم او را به علوم مخفی و مشکلم آگاه ساختم. اوست که بت ها را در خانه من می شکند و همه را به زیر خواهد انداخت اوست که بالای کعبه اولین اذان را خواهد گفت و اوست که مرا به عظمت و مجد و بزرگواری یاد خواهد کرد پس خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد و دستوراتش را اطاعت کند و وای بر کسی که بغض او را در دل داشته باشد و با او مخالفت کند.

امام هشتم معصوم دهم علیه السلام نامش علی است او هم نام و جد بزرگوارش امیرالمومنین و زین العابدین علیهم السلام است. یکی از آرزوهای امام جعفر صادق علیه السلام این بود که زنده باشد و نوه اش امام رضا علیه السلام را زیارت کند. به همین جهت امام کاظم علیه السلام می فرمود پدرم مکرر به من فرمود عالم آل محمد علیهم السلام در صلب توست و ای کاش او را درک می کردم و حتما او هم نام امیرالمومنین علیه السلام است. (۱)

مشهورترین القاب و کنیه امام هشتم رضا است همان طور ه امام حسن عسکری علیه السلام در صلوات بر حضرت چنین گفت:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ وَرَضَيْتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ:

خدایا درود فرست بر علی بن موسی آن بزرگواری که مورد رضایت توست و راضی ساختی با او هر که را خواستی از خلقت.

بزنطی می گوید به امام جواد علیه السلام عرض کردم عده ای از مخالفان شما گمان می کنند که پدر بزرگوار شما را مامون لقب رضا داده است زیرا که آن حضرت به ولایتعهدی رضا داده بود امام جواد علیه السلام فرمود:

كَذَبُوا وَاللَّهِ وَفَجَرُوا بِلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَيِّمَاءُ بِالرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَنَّهُ كَانَ رَضِيَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي سَيِّمَائِهِ وَرَضِيَ لِرَسُولِهِ وَالْأَئِمَّةِ بَعْدِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فِي

أَرْضِيهِ (۱)

به خدا سوگند که دروغ می گویند زیرا که خداوند تبارک و تعالی او را رضا نام گذارد برای آنکه پسندیده و مورد رضای خدا در آسمان بود و رسول الله و امامان علیهم السلام از او راضی بودند و او را برای امامت پسندیدند.

حالا که بحث به اینجا کشید و نام گرانقدر امام هشتم علیه السلام مطرح شد خوب است مقداری درباره رضا بحث شود که در دایره عرفان جایگاه رفیعی دارد.

رضامندی دو مرحله ای است یکی رضایت خدا از بنده و دیگری راضی بودن بنده به داده های خدا و هر آنچه را که برایش تدبیر و تقدیر فرموده است.

این رضایت طرفینی را خداوند در سه جای قرآن تکرار فرموده سوره مائده آیه ۱۱۹ سوره مجادله آیه ۲۲ و سوره البینه آیه ۸ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ خدا از آنها راضی است و آنها نیز از خدا راضیند.

مومن وقتی به مقام رضا می رسید که باور کند که خداوند هر چه برایش تقدیر می کند به نفع اوست و خداوند جز خیر برایش نمی خواهد.

امام صادق علیه السلام می فرمود از جمله سخنان نجوا آمیز خداوند با موسی بن عمران این بود:

ای موسی هیچ مخلوقی نیافریدم که نزد من محبوب تر از بنده مومنم باشد او را به بلا گرفتار می سازم زیرا که این برایش بهتر است و من بهتر می دانم چه چیز بنده ام را می سازد پس باید بر بالای من شکبیا باشد و نعمت هایم را سپاس گزارد و به قضای من خشنود باشد تا او را از صدیقان بارگاه خود بنویسم. (۲)

در بیانی دیگر فرمود:

مَا قُضِيَ اللَّهُ لِمُؤْمِنٍ قِضَاءُ فَرَضِي بِهِ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ فِيمَا يَقْضِي (۳)

خداوند برای مومن هیچ قضایی نراند که از آن راضی باشد مگر این که خدا در

ص: ۳۱۶

۱- بحار ج ۴۹ ص ۴

۲- بحار ج ۸۲ ص ۱۳۰

۳- التمهيد ص ۵۹

آنچه حکم و مقدر فرموده خیر او را قرار دهد.

امام رضا علیه السلام برای روشنگری ما موارد تن به قضای الهی دادن را برشمرد که حتما باید در برابر این تقدیرات سر تسلیم فرود آوریم:

ثَمَانِيه أَشْيَاءَ لَا تَكُونُ إِلَّا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَ قَدَرِهِ النَّوْمُ وَ الْيَقْظَةُ وَ الْقُوَّةُ وَ الضَّعْفُ وَ الصَّحَّةُ وَ الْمَرَضُ وَ الْمَوْتُ وَ الْحَيَاةُ (۱)

هشت چیز است که جز با قضا و قدر خداوند نیست خواب بیداری توانایی ناتوانی سلامتی بیماری مرگ و زندگی.

مقام رضا را کسانی دارند که هر چه خداوند برایشان تقدیر کند اعتراض ندارند و راضی به رضای حضرت او هستند. و به عبارتی برای خداوند تبارک و تعالی تعیین تکلیف نمی کنند.

جابرین عبدالله انصاری به محضر امام باقر علیه السلام شرفیاب شد در آن وقت پیری ضعیف و ناتوان شده بود حضرت از حالش جويا گردید گفت اکنون در حالی هستم که پیری را از جوانی مرض را از سلامتی مرگ را از زنده بودن بهتر می خواهم .

امام علیه السلام فرمود اما من اگر خداوند پیرم کند پیری را می خواهم و اگر جوان جوانی را اگر مریض شدم مرض را و اگر شفا دهد شفا و سلامتی را طالبم اگر بمیراند مرگ را و چنانچه زنده نگه دارد زندگی را می خواهم.

همین که جابر این سخن را شنید صورت آن جناب را بوسیده گفت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درست فرموده که تو زنده می مانی تا ملاقات کنی با یکی از فرزندان من که نام او باقر است علم را می شکافد. (۲)

القاب دیگر امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام طبق نقل مرحوم مجلسی از مناقب عبارت است از

سِرَاجُ اللَّهِ نُورُ الْهُدَى قَرَّةُ عَيْنٍ الْمُؤْمِنِينَ الصَّابِرُ الْوَفِيُّ الصَّدِيقُ (۳)

ص: ۳۱۷

۱- بحار ج ۵ ص ۹۵

۲- جامع السعادات ج ۲ ص ۲۰۲

۳- بحار ج ۴۹ ص ۹

و طبق روایت محمد بن بابویه در دعای توسل که از ائمه طاهرين نقل کرده پنج امام معصوم لقب ابالحسن دارند و از جمله امام رضا عليه السلام .

و آن پنج امام عبارتند از امیرالمومنین، علی بن الحسین ، موسی بن جعفر، علی بن موسی الرضا و علی بن محمد الهادی عليهم السلام. (۱)

درباره امامت حضرت رضا عليه السلام بعد از پدر بزرگوارش مرحوم صدوق رحمه الله از قول محمد بن اسماعیل بن فضل هاشمی نقل می کند که دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ قَدْ اشْتَكَى شَكَايَهُ شَدِيدَةً وَ قُلْتُ لَهُ إِنَّ كَانَ مَا أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ لَا يُرِيَنَاهُ فَإِلَيَّ مِنْ قَالَ إِلَيَّ عَلَيَّ ابْنِي وَ كِتَابَهُ كِتَابِي وَ هُوَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي (۲)

بر ابي الحسن موسی بن جعفر عليه السلام وارد شدم و شکایت شدیدی را از اوضاع و احوال خود به حضرت گفتم و بعد عرض کردم اگر او را نبینم و مسائل گرفتاری هایم را برای چه کسی بازگو کنم؟ فرمود به نزد پسر من علی برو که نوشته او نوشته من است و او وصی من و جانشین بعد از من خواهد بود.

داود رقی می گوید به موسی بن جعفر عليه السلام عرض کرد فدایت شوم

قَدْ كَبِرَ سِنِي فَقَدْتَنِي مِنَ الْإِمَامِ بَعْدَكَ قَالَ فَأَشَارَ إِلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ هَذَا صَاحِبُكُمْ مِنْ بَعْدِي (۳)

من پیر شده ام برای من بیان بفرمایید که امام بعد از شما کیست؟ داود رقی گفت موسی بن جعفر عليه السلام اشاره به ابي الحسن الرضا عليه السلام کرد و فرمود این شخص صاحب شما بعد از من است.

و موسی بن جعفر عليه السلام و در پاسخ سلیمان مروزی هم فرمود:

يَا سُلَيْمَانُ إِنَّ عَلِيًّا ابْنِي وَ وَصِيِّي وَ الْحَجَّةَ عَلَيَّ النَّاسُ بَعْدِي وَ هُوَ أَفْضَلُ وَلَدِي فَإِنْ بَقِيَتْ بَعْدِي

ص: ۳۱۸

۱- مفاتیح الجنان محدث قمی

۲- عیون اخبار الرضا عليه السلام ج ۱ ص ۲۰

۳- همان ص ۲۳

فَاشْهَدْ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ شِيعَتِي وَ أَهْلِ وَلَائَتِي وَ الْمُسْتَخْبِرِينَ عَنْ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي (۱)

ای سلیمان به تحقیق علی پسر من وصی من و حجت بر مردم بعد از من است و او برترین فرزندان من است و اگر تو بعد از من زنده ماندی به این گفتار نزد شیعیانم و اهل ولایت و کسانی که می پرسند جانشین بعد از من کیست شهادت بده.

امام رضا علیه السلام همان طور که در زمان حیاتش حجت و پناهگاه امت اسلام بود در بعد از شهادتش نیز به ویژه برای ملت ایران ملجا و پناه دوستان و ارادتمندان است. بر همین اساس مشهد مقدس مورد توجه تمامی مسلمانان آزاده و با ایمان در سطح جهان بوده و هست و در تمام دوران سال سیل مشتاقان به زیارت حضرت روانه می شوند و همه روزه چه در مناسبت های مذهبی و یا غیره حرم مطهرش از گروه علاقه مندانش پر است.

فضیلت زیارت امام هشتم علیه السلام آنقدر زیاد است که قابل شمارش نیست. خدا می داند که چه اندازه ثواب برای تشریف به حرم مطهر آن بزرگوار برای زائر با اخلاص در نظر گرفته شده است.

برای آنکه به اهمیت زیارت امام رضا علیه السلام بیشتر آگاه شویم خوب است باب ۶۶ کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام تالیف شیخ صدوق علیه الرحمه را انتخاب کنیم و دیدگاه معصومین و شخص امام رضا علیه السلام را درباره زیارت حضرت مورد بررسی قرار دهیم.

حدیث ۱- امام رضا علیه السلام فرمود آگاه باشید که مرا با سم ظالمانه می کشند و در شهر غربت به خاک سپرده خواهم شد هر کس عزم سفر به زیارت من کند دعایش مستجاب خواهد شد و خداوند گناهانش را می آمرزد.

حدیث ۲- باز امام علیه السلام فرمود هر کس من دور قرار گرفته را از نزدیک زیارت کند در روز قیامت در سه جای هولناک او را نجات می دهم یکی موقعی که نامه عمل را

ص: ۳۱۹

به دست راست و یا چپ می دهند یکی کنار پل صراط و سوم در هنگام سنجش اعمال.

حدیث ۳- امام صادق علیه السلام فرمود مردی از فرزندان پسر موسی که هم نام امیرالمومنین علیه السلام به شهر طوس برده می شود و او در خراسان به وسیله سم شهید می شود و در رغبت به خاک سپرده می گردد هر کس عارف به حق او باشد و او را زیارت کند خداوند پاداش مقام شهید را به او خواهد داد.

حدیث ۴- امیرالمومنین علی علیه السلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل می کند که فرمود بزودی پاره ای از تن من در زمین خراسان دفن خواهد شد هر مومنی که او را زیارت کند خداوند بهشت را بر او واجب و بدنش را به آتش دوزخ حرام می کند.

حدیث ۵- امام رضا علیه السلام فرمود در خراسان بقعه ای است که زمانی فرا می رسد محل رفت و آمد فرشتگان قرار می گیرد و تا روز نفخه صور و قیامت عده از فرشتگان پایین می آیند و عده ای بالا می روند. عرض کردند ای پسر رسول خدا این کدام بقعه است؟ فرمود این بقعه در سرزمین طوس و سوگند به پروردگار که این بقعه باغی از باغ های بهشت است هر کس مرا در این بقعه زیارت کند همانند آن است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را زیارت کرده و خداوند برای او ثواب هزار حج و هزار عمره مقبوله می نویسد و من و پدرانم شفیعان او در روز قیامت هستیم.

حدیث ۶- علی بن اسباط می گوید به امام جواد علیه السلام عرض کردم چه چیز نصیب زائر قبر پدر بزرگوار شما می شود در خراسان می شود فرمود به خدا قسم بهشت به خدا قسم بهشت.

حدیث ۷- ابی نصر بزنطی می گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود هر کس از دوستان من در حالی که عارف به حق من باشد مرا زیارت کند خودم روز قیامت از او شفاعت می کنم.

حدیث ۸- امیرالمومنین علی علیه السلام فرمود بزودی فرزندی از فرزندانم در سرزمین طوس با سم ظالمانه به شهادت می رسد اسم او اسم من است و اسم پدرش اسم

فرزند عمران موسی علیه السلام است. آگاه باشید هر کس او را در غربتش زیارت کند خداوند تمامی گناهانش را می بخشد اگر چه به عدد ستارگان و قطرات باران و برگ درختان باشد.

برای توضیح حدیث لازم به ذکر است که فرمایش حضرت شامل گناهی که نیاز به تدارک دارد نمی شود مثل ترک نماز و روزه و حج و خمس و زکارت و حق الناس در روایات دیگر و آیات شریفه قرآن تصریح شده که مثلاً تارک الصلوه در سقر جهنم جا دارد و یا کسی که در صورت استطاعت به حج نرفته در صف یهود و نصاری خواهد بود و آنکه حق الناس به گردن دارد باید دینش را بپردازد تا توبه اش پذیرفته شود.

حدیث ۹- ابی الصلت هروی می گوید محضر امام رضا علیه السلام بودم عده ای از مردم قم به خدمت مولایم رسیدند بر آن حضرت سلام کردند آقا پاسخ سلامشان داد و به آنها خوش آمد گفت سپس به آنها فرمود مرحبا بر شما که حقا شیعیان ما هستید. بزودی شما به سر مزار من در طوس خواهید آمد. بدانید هر که مرا با غسل زیارت کند مثل بچه ای از شکم مادر متولد می شود از همه گناهانش پاک می گردد.

حدیث ۱۰- علی بن مهزیار می گوید به امام جواد علیه السلام عرض کردم فدایت شوم.

زیاره الرضا علیه السلام أفضل أم زیاره أبي عبدالله الحسين عليه السلام فقال زیاره أبي عليه السلام أفضل و ذلك أن اباعبدالله عليه السلام يزوره كل الناس و أبي عليه السلام لا يزوره إلا الخواص من الشيعة

زیارت امام رضا علیه السلام برتر است یا زیارت امام حسین علیه السلام؟

فرمود زیارت پدرم علیه السلام برتر است و این به این علت است که همه مردم به زیارت امام حسین علیه السلام می روند ولی به زیارت پدرم فقط خواص از شیعیان می روند. خواص از شیعه در روایت منظور گروه ناجیه و شیعیان دوازده امامی هستند بنابراین به زیارت امام رضا علیه السلام زیدیه، کیسانیه، فطحیه، اسماعیله و خلاصه

آنهايي که تا موسى بن جعفر عليه السلام را به امامت قبول دارند و قائل به امامت بعد از او يعنى امام رضا و جواد الائمه و امام على النقى و امام حسن عسکرى و امام مهدى عليهم السلام نيستند نمى آيند. ولى به زیارت امام حسين عليه السلام مى روند و هر که از بين شيعیان امامت على بن موسى الرضا عليه السلام را قبول کرده باشد تا امام عصر عليه السلام را نیز قبول دارد. برای اینکه در این قسمت از بحثی که داشتیم سخن ناتمام نماند جا دارد همان طور که مرحوم صدوق رحمه الله درباره کیفیت حضور در مرقد شریف امام هشتم عليه السلام به این نکته اشاره کرده عرض کنیم هنگام خروج از منزل به قصد زیارت امام رضا عليه السلام غسل زیارت کنیم و بگوییم:

اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ لِي قَلْبِي وَ اشْرَحْ لِي صِدْرِي وَ أَجِرْ عَلَيَّ لِسَانِي مِمَّا دَخَلَكَ وَ الثَّنَاءُ عَلَيْكَ فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفَاءً (۱)

در بین زیاراتی برای حضرت رضا عليه السلام نقل شده کوتاه ترین زیارت زیارتی است ابن قولویه از بعض ائمه عليهم السلام روایت کرده که فرمودند چون به نزد قبر امام رضا عليه السلام بروی بگو

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا المَرْتَضَى الامامِ التَّقِيِّ وَ حُجِّتْكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَوةً كَثِيرَةً تَامَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَافَّةً مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ (۲)

در بین عبارات زیارت چیزی از همه بیشتر جلب توجه می کند این جملات است وَ حُجِّتْكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى خدایا درود فرست بر امامی که حجت تو بر روی زمین و زیر زمین است. در تمام زیارتنامه های که برای ائمه طاهرين نقل شده عبارت تحت الثرى فقط در زیارتنامه امام رضا عليه السلام آمده است. شاید به این علت که امام هشتم عليه السلام بازديد زائران خود در عالم برزخ و زیر زمین را پس خواهد داد چنانکه بعضی بزرگانی که مقید به زیارت حضرت و عارف

ص: ۳۲۲

۱- عیون اخبار الرضا ج ۲ از ص ۲۵۴ تا ۲۶۷

۲- مفاتیح الجنان محدث قمی

به حق آن بزرگوار بودند بعد از مرگشان در عالم رویا به کسانی که خوابشان را دیدند همین را گفتند که امام رضا علیه السلام به بازدید ما آمد.

اللَّهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ وَ قَائِمًا بِأَمْرِكَ :

خدایا همان گونه که او را حجت بر خلق و قیام کننده به فرمانت قرار دادی.

امام علیه السلام با این دو ویژگی یعنی حجت خدا بر خلق و برپا کننده دستورات پروردگار انسان ها را به کرامت انسانی و مدارج عالی علمی و تقوایی می رساند.

در طول تاریخ زندگی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دو امتیاز فوق را در تک تک ائمه طاهرين عليهم السلام ملاحظه می کنیم و امام رضا علیه السلام چه دورانی را که در وطن خویش مدینه منوره زندگی می کرد و چه زمانی که مامون الرشید حضرت را به طوس فرا خواند در مسیر سفر و در اقامتش در شهر طوس و قبول اجباری ولایتعهدی لحظه ای از اجرای امر پروردگار قصور نکرد و هر جا به مناسبت مکان و زمان خواسته های پروردگار را به اجرا در آورد.

برای نگرش به این حقیقت خوب است به طور اختصار به زندگی نامه آن بزرگوار در مدینه و بین راه مدینه و طوس و حضورشان در سرزمین خراسان گفتگو شود.

ابن ابی کثیر می گوید هنگامی که موسی بن جعفر علیه السلام به شهادت رسید مردم به در خانه حضرت جمع شدند که تکلیف خود را بعد از او بدانند و جانشین حضرتش را بشناسند. من در آن سال به حج رفته بودم در مدینه با امام رضا علیه السلام برخورد کردم و در دلم گذراندم که تکلیف مردم بعد از موسی بن جعفر علیه السلام چه خواهد شد. أَبَشَرًا مِنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ (۱) آیا یک بشری از ما پیدا می شود که او را پیروی کنیم ناگاه امام رضا علیه السلام نیت دل و خطور آیه را در قلب من خواند و فرمود:

أَنَا وَاللَّهِ الْبَشَرُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تَتَّبِعَنِي فَقُلْتُ مَعَذْرَةَ إِلَهِیَ اللَّهُ وَالْيَكُ فَقَالَ مَغْفُورٌ لَكَ (۲)

ص: ۳۲۳

به خدا سوگند آن بشری که بر تو واجب است از وی پیروی کنی منم عرض کردم از خدا و شما معذرت می خواهم که چنین فکری از سرم گذشت امام علیه السلام فرمود مشمول مغفرت و آمرزش قرار گرفتی

عبدالله مغیره می گوید من جزو گروه واقفیه بودم به حج مشرف شدم وقتی در شهر مقدس مکه بودم چیزی در درونم دغدغه شده بود که مرا ملتزم کرد تا به درگاه الهی کنار کعبه عرض کنم

اللَّهُمَّ قَدْ عَلِمْتَ طَلَبَتِي وَإِرَادَتِي ، فَأَرْشِدْنِي إِلَى خَيْرِ الْأَدْيَانِ .فَوَقَعَ فِي نَفْسِي أَنْ آتَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ، فَأَتَيْتُ الْمَدِينَةَ ، فَوَقَفْتُ بِبَابِهِ ، وَقُلْتُ لِلْغُلَامِ : قُلْ لِمَوْلَاكَ : رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ بِالْبَابِ ، قَالَ : فَسَمِعْتُ نِدَاءَهُ وَهُوَ يَقُولُ : «ادْخُلْ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْمُغِيرَةِ ، ادْخُلْ يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ الْمُغِيرَةِ» .فَدَخَلْتُ ، فَلَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ ، قَالَ لِي : «قَدْ أَجَابَ اللَّهُ دُعَاءَكَ ، وَهَذَاكَ لِدِينِهِ» . فَقُلْتُ : أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّجُهُ اللَّهُ ، وَ أَمِينُهُ عَلَى خَلْقِهِ(۱)

بار پروردگارا تو از درخواست و اراده من آگاهی پس مرا به بهترین دین ها ارشاد کن ناگهان از دلم گذشت که به محضر علی بن موسی الرضا علیه السلام مشرف شوم

به شهر مدینه رفتم به درب خانه حضرت ایستادم به غلام حضرت عرض کردم به مولایت بگو مردی از اهل عراق به در خانه شماست ناگهان از درون خانه ندایی شنیدم که می فرمود بیا داخل ای عبدالله پسر مغیره داخل خانه شدم تا چشم حضرت به من افتاد فرمود خداوند دعایت را مستجاب کرد و به دین خودش تو را راهنمایی نمود و من گفتم شهادت می دهم که تو هستی حجت و امین خداوند بر خلقش.

احمد بن عمر حلال میگوید در شهر مکه با شخصی به نام اخرص برخورد کردم که صحبت از امام رضا علیه السلام می کرد و قصد جان حضرت را داشت و می گفت سوگند به پروردگار که وقتی از مسجد خارج شد او را خواهم کشت در همین لحظات احمد بن عمر حلال می گوید نوشته ای از امام رضا علیه السلام به دستم رسید که با نام خداوند

ص:۳۲۴

آغاز کرده بود و فرموده بود به حقی که برگردن تو دارم اخرس موفق نخواهد شد.

فَإِنَّ اللَّهَ ثِقَتِي وَهُوَ حَسْبِي (۱)

خداوند پناه من است و او مرا کافی است.

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی می گوید من با سه تن از یاران امام علیه السلام در محضرش بودیم پس از ساعتی که خواستیم از محضرش مرخص شویم امام علیه السلام به من فرمود ای احمد تو بنشین همراهان من رفتند و من خدمت امام ماندم و سوالاتی داشتم به عرض رساندم و امام پاسخ می فرمودند تا مقداری از شب گذشت خواستم خداحافظی کنم فرمود نزد ما می مانی؟ عرض کردم هر چه شما بفرمایید اگر بفرمایید بمان می مانم و اگر بفرمایید برو می روم فرمود بمان و این هم رختخواب و به لحافی اشاره فرمود آنگاه امام علیه السلام برخاست و به اتاق خود رفت. من از شوق به سجده افتادم و گفتم سپاس خدای را که حجت خدا وارث علوم پیامبران در میان ما چند نفر که خدمتش شرفیاب شدیم تا این حد به من محبت فرمود.

هنوز در سجده بودم که متوجه شدم امام به اتاق من بازگشته است. برخاستم حضرت دست مرا گرفت و فشرد و فرمود ای احمد امیرمومنان علی علیه السلام به عیادت صعصعه بن صوحان رفت و چون خواست برخیزد فرمود ای صعصعه از اینکه به عیادت تو آمده ام به برادران خود افتخار مکن عیادت من باعث نشود که خود را از آنان برتر بدانی از خدا بترس و پرهیزکار باش برای خدا تواضع و فروتنی کن خدا تو را رفعت بخشد. (۲)

صفوان بن یحیی می گوید در شهر مدینه همراه امام رضا علیه السلام راه می رفتم شخصی نشسته بود به دوستانش گفت هذا إِمَامُ الرَّافِضَةِ این آقا امام را فضیان است به امام علیه السلام عرض کردم که آقا شنیدید که این شخص چه گفت؟ فرمود: نَعَمْ

ص: ۳۲۵

۱- بصائر الدرجات جزء ۵ باب ۱۲

۲- معجم رجال الحديث ج ۲ ص ۲۳۷. بحار ج ۴۹ ص ۴۹

أَنَّهُ مُؤْمِنٌ مُّسْتَكْمِلٌ الْإِيمَانِ بِهِ وَلِيٌّ أَوْ إِيْمَانُشْ كَامِلٌ اسْت.

صفوان میگوید هنگام شب مغازه همان شخص آتش گرفت هر چه داشت سوخت و بقیه اساس او را به سرقت بردند. فردای آن روز دیدم که همان شخص درمانده و مسکین پناه به امام رضا علیه السلام آورده و از حضرت کمک می طلبد امام علیه السلام فرمود: يَا صَفْوَانُ أَمَا إِنَّهُ مُؤْمِنٌ مُّسْتَكْمِلٌ الْإِيمَانِ وَ مَا يُضْلِحُهُ غَيْرُ مَا رَأَيْتُ (۱)

ای صفوان همان طور که گفتم او ایمانش کامل است و چیزی اصلاحش کرد غیر آنچه تو دیدی.

سلیمان جعفری می گوید یکبار محضر امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام بودم خانه حضرت مملو از جمعیت بود هر کس سوالی می کرد و امام علیه السلام بدون فاصله پاسخ می داد پیش خود گفتم این آقا سزاوار است جزو پیامبران باشد. وقتی همه رفتند امام علیه السلام رو به من کرد و فرمود:

يَا سُلَيْمَانُ إِنَّ الْأَئِمَّةَ حُلَمَاءَ عُلَمَاءَ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أُنْبِيَاءَ وَ لَيْسُوا أُنْبِيَاءَ (۲)

ای سلیمان امامان دارای مقام حلم و علمند آدم های نادان فکر میکنند ایشان پیامبرند در حالی که پیامبر نیستند.

خوانندگان گرامی مسائل و اتفاقاتی که برای امام رضا علیه السلام در شهر مدینه افتاده فراوان است و چون بنا بر اختصار است به همین اندازه بسنده کرده و از این به بعد بعضی حوادث بین راه مدینه تا طوس حضرت پرداخته می شود.

مکه اولین شهری بود که امام رضا علیه السلام به آن وارد شد. امیه بن علی روایت می کند امام علیه السلام حضرت جواد علیه السلام را با خود به مکه برد. امام رضا علیه السلام مشغول طواف بود و امام جواد علیه السلام بر دوش موفق غلام آن حضرت بود و او را طواف می داد همین که به حجر اسماعیل رسید از دوش موفق پایین آمد و نشست و غم تمام وجودش را گرفته بود. موفق گفت فدایت شوم برخیز فرمود بر نمی خیزم تا وقتی که خدا

ص: ۳۲۶

۱- الخرائج و الجرائح ص ۲۰۷

۲- مناقب آل ابی طالب ج ۴ ص ۳۳۴

خواهد موفق به محضر امام رضا علیه السلام آمد و حال فرزند آن بزرگوار را به عرض رساند امام علیه السلام نزدیک حضرت جواد علیه السلام آمد و فرمود قُم یا حَبِیبِی برخیز ای حبیب من. عرض کرد بله ای پدر بزرگوار چگونه برخیزم که خانه کعبه را وداعی کردی که دیگر به سوی آن بر نخواهی گشت. سپس به خاطر اطاعت از پدر از جا برخاست و به مدینه مراجعت نمود. (۱)

شهر دوم قادسیه بود که با کوفه پانزده میل فاصله داشت که امام رضا علیه السلام وارد شد بزنی می گوید در این شهر به استقبال امام علیه السلام رفتم و بر آن حضرت سلام کردم و سوالاتی نمودم و پاسخ گرفتم. آنگاه امام علیه السلام عازم بصره شد.

ابن علوان می گوید یک شب خواب دیدم که کسی می گوید رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم وارد بصره شده اند. پرسیدم کجا وارد شده اند. پاسخ دادند در فلان محله وقتی به آن محل رسیدم مشاهده کردم پیامبر نشسته اند و اصحاب اطرافشان گرد آمده و در برابرشان طبقی از خرما است. رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم دست بردند و مثنی خرما به من دادند وقتی آنها را شمردم دوازده عدد بود. وقتی از خواب بیدار شدم اطلاع یافتم که امام رضا علیه السلام به بصره تشریف آورده اند. پرسیدم در کدام محل؟ پاسخ دادند فلان محل یعنی درست همانجا که در خواب دیده بودم برخاستم و خود را به آن محل رساندم چشم به جمال نورانی امام رضا علیه السلام افتاد که در مقابل طبقی از خرما داشتند. آن بزرگوار دوازده عدد خرما به من خوراندند عرض کردم بیشتر عنایت بفرمایید؟ فرمود اگر جدم رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بیشتر می دادند من نیز بیشتر می دادم. (۲)

امام علیه السلام پس از اقامت کوتاهی در بصره به شهر اهواز یعنی مرکز و معروف ترین شهرهای خوزستان وارد شدند ابوهاشم جعفری می گوید رجاء بن ابی ضحاک امام رضا علیه السلام را از طریق اهواز می برد همین که خبر تشرف فرمایی آن حضرت به من رسید به اهواز آمدم و خدمت امام شرفیاب شدم و خودم را معرفی کردم و این

ص: ۳۲۷

۱- مسند امام رضا علیه السلام ج ۱ ص ۵۲

۲- مسند امام رضا علیه السلام ج ۱ ص ۵۵

اولین باری بود که آن بزرگوار را زیارت می کردم. در این زمان اوج گرمای تابستان بود و امام علیه السلام نیز بیمار بودند به من فرمودند طیبی برای ما بیاور. طیبی به خدمتش آوردم. امام علیه السلام گیاهی را برای طیب توصیف کرد. طیب عرض کرد هیچ کس را جز شما سراغ ندارم که این گیاه را بشناسد چگونه بر این گیاه اطلاع پیدا کرده اید؟ این گیاه در این زمان و در این سرزمین موجود نیست امام علیه السلام فرمود پس نیشکر تهیه کن. عرض کرد یافتن نیشکر از آنچه نخست نام بردید دشوارتر است برای آنکه این وقت سال نیشکر موجود نیست.

فرمود این هر دو در سرزمین شما و در همین زمان موجود است. با این همراه شو. اشاره ابوهاشم فرمود و به سوی سد آب بروید و از آن بگذرید خرمنی انباشته می یابید به سوی آن بروید مردی سیاه را خواهید دید از او محل رویدن نیشکر و آن گیاه با پرسید. ابوهاشم می گوید به همان نشانی که امام علیه السلام فرموده بود رفتم و نیشکر تهیه کردیم و به خدمت امام آوردیم و آن حضرت خدای را سپاس گفت طیب از من پرسید این مرد کیست گفتم فرزند سرور پیامبران است گفت از علوم و اسرار پیامبران چیزی نذاو است گفتم آری از این گونه امور از او دیده ام اما پیامبر نیست گفت وصی پیامبر است گفتم آری از اوصیاء پیامبر است.

خبر این واقعه به رجاء بن ضحاک رسید یاران خود را باخبر ساخت و گفت اگر این شخص در این مکان بماند مردم به او روی می آورند به همین جهت فوراً حضرت را از اهواز حرکت داد و کوچ کرد. (۱)

پس از خروج از اهواز به روستای قنطره اربق که یکی از روستاهای رامهرمز است وارد شدند.

جعفر بن محمد نوفلی می گوید خدمت امام رضا علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که آن حضرت در قنطره اربق حضور داشتند. به آن بزرگوار عرض سلام کردم و

ص: ۳۲۸

نشستم و گفتم فدایت شوم عده ای از مردم گمان می کنند که پدر شما هنوز زنده است امام علیه السلام فرمود دروغ می گویند خدا آنها را لعنت کند اگر پدرم زنده بود میراثش تقسیم نمی شد همسرانش ازدواج نمی کردند سوگند به خدا که طعم مرگش را چشید همان طور که علی بن ابیطالب علیه السلام چشید. (۱)

منزل بعد شهر قم بود به محض ورود امام علیه السلام به این شهر مردم قم به استقبال آن حضرت آمدند و با هم نزاع داشتند و از این جهت که هر کدام پیشقدم در ضیافت و پذیرایی از حضرت شوند.

امام رضا علیه السلام سنت جدش رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را در هنگام ورود به مدینه اجرا فرمود: شتر من هر کجا فرود آمد من آنجا وارد می شوم آنگاه شتر آمد و در یک خانه خوابید صاحب آن خانه در شب همان روز خواب دیده بود که حضرت رضا علیه السلام فردا میهمان او خواهد بود. (۲)

نیشابور شهر دیگری است که امام علیه السلام در آن نزول اجلال کردند وقتی حضرت از شهر عبور می کرد در حالی که بر استری خاکستری رنگ سوار بود با بازار و محل تجمع مردم شهر رسید دو نفر که حافظ احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بودند به نام های ابوزرعه و محمد بن اسلم طوسی پس از عرض ادب به ساحت مقدس رضوی گفتند تو را به حق پدران پاکیزه و گذشتگان گرامی خود چهره زیبایت را به ما نشان ده و برای ما روایتی را که از پدران خود و از جدت به یاد داری به رسم یادگار بیان فرما.

پس از خواهش این دو نفر و گروهی دیگر از علماء حضرت رضا علیه السلام مرکب خود را نگاه داشت و سایبان بر محمل را کنار زد و چشم همه عشاق و تماشاگران را به جمال و طلعت زیبای خویش منور ساخت.

ص: ۳۲۹

۱- مسند امام رضا علیه السلام ج ۱ ص ۵۶

۲- منتهی الامال ج ۱ ص ۲۲۰

مردم به محض دیدار آن حضرت دست از ترنج نشناختند گروهی فریاد می زدند گروهی می گریستند و بعضی جامه به تن می دریدند و برخی خود را به خاک افکنده بودند و آنها که نزدیک بودند بوسه بر مرکب و قدم های حضرتش می زدند. مردم به همان حال انقلاب تا روز به نیمه رسیده صدای همه آنقدر زیاد بود که پیشوایان و قاضیان مردم فریاد کشیدند که ای مردم گوش کنید و یاد گیرید و پاره تن رسول الله صلی الله علیه و اله وسلم را اذیت نکنید. یعنی گریستن و صیحه زدن مانع از آن شده که امام علیه السلام حدیث را بیان نماید.

پس از سکوت جمعیت امام علیه السلام لب به سخن باز کرد بیست و چهار هزار قلمدان آماده نوشتن کلمات امام و حدیث پرارزش گرانقدر سلسله الذهب گریزند.

حَدَّثَنَا أَبِي الْعَبِيدُ الصَّالِحُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيٍّ قَاحِدُثِي أَبِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ سَمِعْتُ جِبْرِيلَ يَقُولُ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَأَعْبُدْنِي مِنْ جَاءَ مِنْكُمْ بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِالْإِخْلَاصِ دَخَلَ فِي حِصْنِي وَمَنْ دَخَلَ فِي حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي

پدرم بنده شایسته خدا موسی بن جعفر برایم گفت که پدرش جعفر بن محمد صادق از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن الحسین سید العابدین از پدرش سرور جوانان بهشت حضرت حسین از پدرش علی بن ابیطالب علیه السلام نقل کرد که فرمود از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می فرمود فرشته خدا جبرئیل گفت خدای متعال فرموده است منم خدای یکتا که خدایی جز من نیست مرا بپرستید کسی که با اخلاص گواهی می دهد که خدایی جز الله نیست در قلعه من درآمده و کسی که به قلعه من در آید از عذاب من در امان خواهد بود اسحاق بن راهویه که در جمع نویسندگان حدیث بوده میگوید امام علیه السلام پس از بیانات فوق اندکی با خود راه

پیمود و آنگاه فرمود: بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا یعنی ایمان به یگانگی پروردگار که موجب ایمنی از عذاب الهی می شود شرایطی دارد و پذیرش ولایت و امامت ائمه علیهم السلام از جمله شرایط آن است. (۱)

صدوق رحمه الله می گوید هنگامی که علی بن موسی الرضا وارد نیشابور شد به محله ای به نام فروینی نیز اقامت نمود در آنجا حمامی بود که از چشمه ای جهت شستشو استفاده می شد و آب چشمه بسیار کم شده بود امام علیه السلام با دست مبارک خاک را کنار زد آب بالا زد تا حدی که حوض کنار چشمه را پر کرد. امام داخل حوض شد و غسل کرد و بعد به نماز ظهر ایستاد و مردم همگی از آب حوض استفاده کردند. (۲)

نمونه دیگری از مرحوم محدث قمی شیخ عباس رحمه الله نقل می کند که ابوالصلب روایت کرده که وقتی امام رضا علیه السلام بعد از نیشابور به دو سرخ رسید گفتند ای پسر رسول خدا ظهر شده وقت نماز است امام علیه السلام از مرکب پیاده شدند و آب طلبیدند گفتند آب همراه نداریم پس به دست مبارک خود زمین را کاوید و چنگ زد آنقدر آب جوشید که آن حضرت و هر که با ایشان بود وضو ساختند و اثرش تا امروز باقی است. (۳)

مقصد نهایی حضرت شهر مرو بود یعنی مرکز خلافت و تقریباً پایتخت کشورهای اسلامی مامون به استقبال آن حضرت آمد و از ایشان تجلیل فراوان نمود. اباصلت هروی می گوید مامون به حضرت رضا علیه السلام گفت ای پسر پیامبر خدا من صلاح دیدم که خود را از خلافت عزل کنم و آن را به تو بسپارم و با تو بیعت کنم. حضرت رضا علیه السلام فرمود اگر این خلافت از آن توست و خدا به تو داده است که روا نیست جامه ای را که خدا بر قامت تو پوشانده از تن در آوری و به دیگری دهی و اگر خلافت از آن تو نیست حق نداری آنچه را از آن تو نیست به من واگذاری.

ص: ۳۳۱

۱- عیون خبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۱۳۳. بحار ج ۴۹ ص ۱۲۷

۲- مسند امام رضا علیه السلام ج ۱ ص ۵۸

۳- مفاتیح الجنان محدث قمی

مامون گفت ای فرزند رسول خدا باید این کار را بپذیری امام فرمود من با میل خود هرگز این کار را نمی‌کنم..... تو با این کارت می‌خواهی مردم بگویند علی بن موسی به دنیا پشت نکرده بود بلکه دنیا به او پشت کرده بود مگر نمی‌بینی که چگونه به طمع خلافت ولایتعهدی را پذیرفت؟ مامون در خشم شد و گفت به خدا سوگند اگر ولایتعهدی را نپذیری تو را به پذیرفتن آن مجبور می‌کنم اگر این کار را کردی چه بهتر و گرنه گردنت را می‌زنم.(۱)

مرحوم شیخ مفید رحمه الله می‌فرماید که امام رضا علیه السلام بعد از این تهدید مامون فرمود ولایتعهدی را می‌پذیرم به شرط آن که آموخته‌های و مفتی و قاضی نباشم و کسی را عزل و نصب نکنم و چیزی را تبدیل و تغییر ندهم. مامون همه این شرایط را پذیرفت.(۲)

یاسر خادم می‌گوید پس از این حادثه امام علیه السلام را دیدم دست هایش را به سوی آسمان بلند کرده و می‌گفت خدایا تو می‌دانی که من به ناچار و با اکراه پذیرفتم پس مرا مواخذه مکن همچنان که بنده و پیامبرت یوسف را مواخذه نکردی هنگامی که ولایت مصر را پذیرفت.(۳)

و اینکه به بعضی از ارشادهای حضرت و رسیدن به کلام امام حسن عسکری علیه السلام درباره حضرت رضا علیه السلام که به خداوند عرضه داشت خدایا بر علی بن موسی الرضا درود فرست کما جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقَكَ وَ قَائِمًا بَامْرَكٍ بِيَرْدَايِم.

در گذشته عرض شد که امام رضا علیه السلام حجت بر خلق بودن و بر پایی دستورات الهی را در وطن خویش مدینه و در هجرتش از مدینه به طوس به بهترین وجه ممکن انجام داد و حال به حوادث خراسان و حضورش در شهر مرو و طوس و به طور کلی در عصر ولایتعهدی حضرت پردازیم.

یسع بن حمزه گفت در محضر امام رضا علیه السلام بودم و از ایشان مسائلی را

ص: ۳۳۲

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۱۳۹

۲- ارشاد مفید ص ۲۹۰

۳- امالی صدوق ص ۷۲

می پرسیدم غیر از من جمع زیادی حضور داشتند که آنها نیز مسائل دینی و حلال و حرم می پرسیدند.

در این هنگام مردی بلند قد و گندم گون وارد مجلس شد پس از سلام عرض کرد پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مردی از دوستان شما و پدران و اجدادتان هستم از سفر حج برمیگردم مقداری پول برای بازگشت به وطن همراه داشتم ولی متاسفانه همه را گم کرده ام اینک تقاضا دارم مرا کمکی بفرمایید تا به شهر خود برگردم. البته این را هم بگویم که من ثروتمند و خداوند نعمت را به من ارزانی داشته و صدقه به من نمی رسد.

شما هر چه مرحمت فرمایید در شهر خودم از طرف شما صدقه می دهم. امام علیه السلام فرمود بنشین خدا تو را بپامرزد آنگاه با مردم شروع به صحبت شد تا کم کم متفرق شدند من و سلیمان جعفری با آن مرد و خثیمه باقی ماندیم.

امام علیه السلام فرمودند اجازه می دهید وارد اندرون شوم. سلیمان عرض کرد بفرمایید امام داخل خانه شد پس از ساعتی تشریف آورد و درب اتاق را بست از بالای درب دست مبارک خود را بیرون آورد فرمود خراسانی کیجاست؟ عرض کرد در خدمتم فرمود این دویست دینار را بگیر برای خرج راحت از این پول تبرک جو و از طرف من هم لازم نیست صدقه بدهی هم اکنون خارج شو که نه من تو را ببینم و نه تو مرا ببینی.

خراسانی رفت حضرت رضا علیه السلام درب را باز کرد سلیمان عرض کرد فدایت شوم به او لطف کردی خرج راهش را دادی اما چرا پشت درب پنهان شدید؟

فرمود نخواستم شکستگی و خواری سوال و درخواست را در صورتش مشاهده کنم چون خواسته او را برآورم نشنیده ای سخن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را که فرمود:

الْمُسْتَبْرُ بِالْحَسَنَةِ يَعْدِلُ سَبْعِينَ حُجَّةً وَ الْمَذِيْعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَ الْمُسْتَبْرُ بِهَا مَغْفُورٌ لَهُ كَسَى كَارِ نِيكَ رَا پنهانی انجام دهد پاداشش برابری با هفتاد حج دارد و کسی که آشکارا گناه بکند در پیشگاه پروردگار خوار و مطرود است اما آنکه در

پنهان گناهی از او سرزند آمرزیده می شود.

نشیده ای که پیشینان گفته اند:

مَتَى آتَهُ يَوْمًا لَا طَلَبَ حَاجَّةٍ *** رَجَعْتُ إِلَى أَهْلِي وَوَجْهِي بِمَائِهِ

هرگاه پیش او برای حاجتی می روم به سوی خانواده خود برمیگردم در حالی که آبرویم حفظ شده است. (۱)

یکبار مردی به نام جلودی با سپاه خود به خانه امام رضا علیه السلام حمله کرد امام متوجه حمله او شد. تمام زنان را داخل خانه ای جای داد و خودش بر در خانه ایستاد جلودی گفت من مامورم داخل شوم و تمام اشیاء زنان را غارت کنم امام علیه السلام فرمود من آنچه دارند از آنها می گیرم و برای تو می آورم امام چند بار سوگند خورد و درخواست کرد تا راضی شود. امام علیه السلام داخل تاق شد و آنچه زنان از زیورآلات حتی چادر و پوشش داشتند از آنها گرفت و در اختیار جلودی گذاشت.

روزی دیگر همین شخص را به خاطر جنایاتش پیش مامون آوردند همین که چشم امام رضا علیه السلام به او افتاد به مامون فرمود این پیرمد را بر من ببخش. مامون گفت این همان کسی است که نسبت به دختران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آن جنایات را انجام داده و آنها را غارت نموده است.

جلودی متوجه شد که حضرت رضا علیه السلام با مامون صحبت می کند خیال کرد آن بزرگوار بر ضرر او سخن می گوید و منظورش کشته شدن اوست. رو به مامون کرده گفت یا امیرالمومنین تو را به خدا سوگند سخنان این مرد را درباره من قبول مکن. مامون به حضرت رضا علیه السلام گفت آقا ببینید خودش راضی نیست ما هم به سوگند او احترام می گذاریم و گفته اش را می پذیریم. به جلودی گفت قسم به خدا که سخن امام رضا علیه السلام را درباره ات نمی پذیرم دستور داد او را به قتل رساندند. (۲)

ابراهیم بن عباس می گوید در محضر امام رضا علیه السلام بودیم که یکی از فقهاء حاضر

ص: ۳۳۴

۱- فروع کافی ج ۴ ص ۲۴

۲- الکنی و الالقاب ج ۲ ص ۱۳۶

در مجلس این آیه لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ را اینگونه تفسیر کرد. آن روز از نعمت یعنی آب سرد سوال خواهد شد. امام علیه السلام با صدای بلند فرمود این طور تفسیر می کنید.

هر کسی به یک طریق آیه را معنی می کند یکی میگوید منظور از نعمت آب است دیگری می گوید مراد خوب است عده ای هم می گویند غذای خوش طعم است.

همانا پدرم از پدرش امام صادق علیه السلام نقل کرد که وقتی شبیه این گفتار در محضر ایشان مطرح شد آن حضرت خشمگین شده فرمود خداوند تبارک و تعالی هیچ گاه بندگانش را به خاطر چیزهایی که به آنها تفضل فرموده بازخواست و سوال نخواهد کرد و برای چنین چیزی منت نمی گذارد. این کار از مخلوق هم سزاوار نیست که مثلاً به خاطر آن که به کسی غذایی داده و یا آب سردی نوشانیده منت گذارید.

و لَكِنَّ النَّعِيمَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ مَوَالِئِنَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَنْهُ بَعْدَ التَّوْحِيدِ وَ تَبُوءُهُ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ

ولی نعمت و نعیم عبارت است از دوستی و ولایت ما خاندان که خداوند بعد از توحید و نبوت از آن سوال خواهد کرد زیرا بنده اگر به لوازم ولایت و محبت وفا کرد به نعیم بهشت که زول ندارد می رسد.

امام رضا علیه السلام در ادامه می فرماید پدرم از حضرت صادق و ایشان از امام باقر به همین طریق از علی علیه السلام نقل کردند که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

يَا عَلِيُّ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ بَعْدَ مَوْتِهِ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنْكَ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ وَ جَعَلْتَهُ فَمَنْ أَقَرَّ بِذَلِكَ وَ كَانَ مُعْتَقِدَهُ صَارَ إِلَى النَّعِيمِ الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ

یا علی اولین چیزی که بعد از مرگ از انسان سوال می کنند شهادت به توحید و نبوت و اقرار به ولایت توسست به آن طریقی که خدا قرار داده و من نیز ابلاغ کردم.

بنابراین هر که اعتراف به اینها نمود و اعتقادش نیز چنین بود به سوی نعمتی که هرگز نابودی و زوال ندارد رهسپار خواهد شد. (۱)

مردی از اهالی بلخ گفت در سفر خراسان با امام رضا علیه السلام همراه بودم روزی سفره گسترده بودند و امام علیه السلام همه خدمتگزاران و غلامان حتی سپاهان را بر سر سفره نشاند تا همراه او غذا بخورند. من به امام عرض کردم فدایتان شوم بهتر است اینان بر سفره ای جداگانه بنشینند فرمود ساکت باش پروردگار همه یکی است پدر و مادر همه یکی است و پاداش به اعمال است. (۲)

موسی بن سیار می گوید من همراه امام رضا علیه السلام بودم کنار شهر طوس صدای شیون و ناله ای را شنیدم دنبال صدا رفتم که به جنازه ای برخوردیم در همین حال دیدم مولایم علی بن موسی الرضا علیه السلام از مرکب خویش پیاده شد کنار جنازه نشست و به من فرمود ای موسی بن سیار هر که مشایعت کند جنازه دوستی از دوستان ما را از گناهان خود پاکیزه می شود همانند روزی که از مادر متولد شده است.

همین که جنازه را نزدیک قبر بر زمین نهادند مشاهده کردم که امام علیه السلام به طرف مرده راه افتاد و مردم را کنار زد تا خود را به جنازه رسانید دست مبارک را بر سینه او نهاد و فرمود فلان فرزند فلان تو را به بهشت مژده باد.

بعد از این دیگر وحشت و ترسی برای تو نیست عرض کردم فدایت شوم آیا شما این مرده را می شناسی و حال آنکه تاکنون از این سرزمین گذر نکرده اید؟

امام علیه السلام فرمود ای موسی:

أَمَّا عَلِمْتُ أَنَا مَعَاشِرَ الْمَائِمَةِ تُعْرَضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ شَيْعَتِنَا صَبَاحاً وَ مَسَاءً فَمَا كَانَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلْنَا اللَّهَ تَعَالَى الصَّفْحَ لِصَاحِبِهِ وَ مَا كَانَ مِنَ الْعُلُوسِ لَنَا اللَّهُ الشُّكْرَ لِصَاحِبِهِ (۳)

آیا نمی دانی که اعمال و رفتار شیعیان ما در هر صبح و شام بر ما گروه امامان

ص: ۳۳۶

۱- ینابیع الموده ج ۱ ص ۱۱۱

۲- روضه کافی ج ۸ ص ۲۳۰

۳- مناقب ج ۴ ص ۳۴۱

عرضه می شود اگر تقصیری در رفتار آنها دیدیم از خداوند می خواهیم که از سر تقصیر ایشان درگذرد و اگر کار خوب از آنها مشاهده کردیم از خداوند می خواهیم که به آنها جزای خیر دهد و خدا را سپاس می گذاریم.

و نَاصِرًا لِّدِينِكَ وَ شَهِدًا عَلَى عِبَادِكَ وَ كَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ

امام حسن عسکری علیه السلام در ادامه صلوات بر امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض می کند خدایا درود فرست بر آن کسی که یاور دینت و شاهد بر بندگان بود همان طور که مردم زمان خود را پنهان و آشکار نصیحت می کرد.

امامان ما در نصیحت کردن دیگران و خیرخواهی بر مردم چه در خلوت و چه در آشکار باکی نداشتند درباره پدر بزرگوار حضرت امام کاظم علیه السلام آمده که: فِي كِتَابِهِ إِلَى هَارُونَ الرَّشِيدَ لَمَّا طَلَبَ مِنْهُ الْمَوْعِظَةَ فِي جَوَابِ نَامَةِ اِيْ كِه هَارُونَ الرَّشِيدَ بِرَأْيِ حَضْرَتِ نُوْشْتَه بُوْد وَ دِرْخَوَاسْتِ نَصِيْحَتِ كُرْدَه بُوْد اِمَامِ عَلِيْهِ السَّلَامِ پَاسَخِ دَادَنْدَ مَا مِنْ شَيْءٍ تَرَاهِيْنِكَ اِلَّا وَ فِيْهِ مَوْعِظَةٌ (۱)

هر آنچه را که چشمان تو آن را می بیند موعظه و نصیحتی نهفته است.

امام رضا علیه السلام نیز در این زمینه حقایق را به صراحت بیان می کرد اگر چه به ضررش تمام شود به این مورد توجه کنید:

مامون روزهای دوشنبه و پنجشنبه را اختصاص به رسیدگی به کارهای مردم داده بود در این روزها امام رضا علیه السلام را در طرف راست خود می نشاند.

محمد بن سنان می گوید در یکی از همان روزها من در خدمت علی بن موسی الرضا علیه السلام بودم به مامون گفتند مردی از فقرا و درماندگان دزدی کرده دستور داد او را حاضر کردند همین که چشمش به او افتاد آثار زهد و پارسایی از لباس و جامه اش آشکار بود و اثر سجده در پیشانی او مشاهده می شد.

گفت چه زشت است با این ظاهر شایسته و آثار زهد چنین عمل زشت و دزدی

ص: ۳۳۷

از تو سرزند.

آن مرد جواب داد این کار را من از روز اضطرار انجام داده ام چون حق مرا از خمس و غنیمت ندادی مجبور به دزدی شدم. مامون گفت تو در خمس و غنیمت چه حقی داری جواب داد خداوند خمس را در این آیه به شش قسمت تقسیم کرده است.

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ (۱)

بدانید هر نوع غنیمتی نصیب شما می شود یک پنجم آن از آن خدا و رسول و خویشان رسول و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان می باشد.

در این آیه غنیمت نیز همین شش قسمت موجود است.

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ (۲)

آن چیزهایی که خداوند از ثروت مردم این شهر نصیب پیامبر خویش کرد از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است تا در بین سرمایه داران شما دست به دست نگردهد.

در هر دو آیه سهمی برای کسی که از وطن دور افتاده ابن السبیل و سهمی برای فقرا قرار داده من هم ابن سبیل و هم فقیر تو حق مرا ندادی.

مامون گفت می خواهی با این یاوه سرایی هایت حدی از حدود خدا را درباره دزد ترک کنم.

پاسخ داد اول خودت را پاک کن و حد بر خود جاری نما آنگاه به دیگری پرداز و او را پاک کن و اقامه حد نما.

مامون رو به علی بن موسی الرضا علیه السلام نمود پرسید شما چه می فرمایید.

ص: ۳۳۸

آن جناب فرمود این مرد می گوید تو دزدی کرده ای من هم دزدی نموده ام از پاسخ امام رضا علیه السلام مامون بی اندازه خشمگین شد رو به آن مرد کرده و گفت به خدا قسمت دستت را جدا خواهم کرد مجرم در جواب او گفت چگونه دست مرا قطع می کنی با اینکه بنده من هستی مامون پرسید من از کجا بنده تو شده ام؟

جواب داد زیر مادرت را از بیت المال مسلمین خریداری کرده اند تو بنده هر مسلمانی هستی که در شرق و غرب جهان زندگی میکند مگر آنکه آزادت کنند. زبیده کنیز بود در آشپزخانه هارون الرشید کار می کرد و از بیت المال خریده شده بود و مامون از این کنیز متولد شده بود و من تو را آزاد نکرده ام. از طرفی متصدی خمس شده ای و حق آن پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را نمی دهی و هم حق من و امثال من را مانع شده ای. دیگر اینکه کسی که ناپاک است مانند خود را نمی تواند پاک کند باید شخص پاک دیگری او را تطهیر نماید.

آن کس که بر گردنش حدی است نمی تواند حد خدا بر دیگری جاری نماید مگر اینکه اول بر خود جاری سازد مگر نشنیده ای خداوند می فرماید:

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۱)

مردم را به نیکی وادار می کنید ولی خود را فراموش کرده اید با اینکه کتاب خدا را می خوانید آیا اندیشه و تعقل نمی کنید.

مامون به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد درباره این مرد چه می فرمایید.

امام علیه السلام فرمود خداوند در قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ (۲)

از برای خداست استدلال رسا و محکم این حجت و استدلال همان است که اگر به جاهلی هم برسد آن را با جهلش در می یابد چنانکه عالم نیز به علم و دانش خویش متوجه آن می شود به هر حال دنیا و آخرت با استدلال و برهان استوار است این مرد برای تو خوب استدلال کرد.

ص: ۳۳۹

۱- بقره ۴۴

۲- انعام ۱۴۹

مامون دستور داد او را آزاد کردند و چندی از مردم کناره گرفت و در فکر از بین بردن حضرت رضا علیه السلام بود و بالاخره هم جنایت بزرگی یعنی کشتن امام علیه السلام را انجام داد. (۱)

از نصایح امام رضا علیه السلام در جمع اصحاب خود آمده که فرمود عابد بنی اسرائیل عابد نبود تا اینکه بیست سال خاموشی اختیار می کرد و هرگاه بیست سال دم فرو می بست آنگاه عابد پیشه می شد سپس فرمود حضرت باقر علیه السلام فرمود خیر بی شر باش و برگ بی خار. (۲)

در جای دیگر فرمود هر که به حساب خود رسیدگی کرد سود برد و هر که از آن غفلت ورزید زیان دید و هر که از خدا و عذاب قیامت ترسید ایمن گشت و هر که عبرت گرفت بینا شد و هر که بینا شد فهمیده گشت و هر که فهمیده گشت دانا شد و دوست شخص نادان در رنج است و بهترین مال و دارایی آن است که باعث حفظ آبرو شود و برترین خرد و عقل خودشناسی است. (۳)

و نیز می فرمود:

اقربکم مِنِّی مَجْلِسًا یَوْمَ الْقِیَامَةِ احسنکم خُلُقًا وَ خیرکم لِأَهْلِ (۴)

در قیامت آن کس به من نزدیکتر است که در دنیا خوش اخلاق تر و نسبت به خانواده خود نیکوکارتر باشد.

کَلِمَا أَخَذْتَ الْعِبَادَ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ یَكُونُوا یَعْمَلُونَ أَخَذْتَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ یَكُونُوا یَعْرِفُونَ (۵)

در هر زمان که مردم گناه جدیدی را رایج کنند خداوند تبارک و تعالی بلای جدیدی که تا آن زمان سابقه نداشته بر آن ها وارد می سازد.

و باز فرمود: لَا یَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخَصَالِ خَمْسٍ بُخْلِ شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ (۶)

ص: ۳۴۰

۱- بحار ج ۴۹ ص ۴۸۸

۲- قصص الانبیاء ص ۱۶۰

۳- بحار ج ۷۸ ص ۳۵۲

۴- مسند امام رضا علیه السلام ص ۲۵۷

۵- همان ص ۲۵۹

۶- مسند امام رضا علیه السلام ص ۲۹۹ تا ۳۰۱

ثروت جمع نمی شود مگر به پنج علت بخل شدید، آرزوی طولانی حرص غالب قطع رحم و ندادن حقوق ارحام و انتخاب دنیا بر آخرت.

و نیز فرمود کسی که با فقیری ملاقات کند و طریق سلام کردنش مانند اغنیاء نباشد خداوند را فردای قیامت ملاقات می کند در حالی که بر او غضبناک است. (۱)

و باز فرمود: بِئْسَ الزَّادُ إِلَى الْعِبَادِ الْعُدْوَانِ عَلَى الْعِبَادِ (۲)

دشمنی با بندگان خدا بد توشه ای است بر آخرت.

و نیز فرمود: الْهَدِيه تَذْهَبُ الصِّفَاتُ مِنَ الصُّدُورِ (۳)

هدیه کینه ها را از دل ها می زداید

و توصیه فرمود: لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ مُسْلِمًا (۴)

کسی که به مسلمانی خیانت کند از ما نیست.

امام رساله معروفی دارد که بسیار طولانی درباره آنچه را که یک مسلمان و شیعه باید معتقد باشد و بدان عمل کند تشریح فرموده و در پایان نصیحت می کند که مسلمان واقعی از این چیزها پرهیز کند. گناهان کبیره، کشتن انسان بی گناه، شرابخواری، عاق والدین، فرار از جبهه و جهاد، خوردن مال یتیم، خوردن میته و مردار و همچنین خوردن خون و گوشت خوگ و آنچه را که خوردنش حرام است. رباخواری، قماربازی، کم فروشی، فحاشی و نسبت بد به خوبان دادن، زنا، لواط، شهادت به دروغ، یاس از رحمت پروردگار، خود را در امان دانستن از مکر خدا، کمک به ستمگران و همانند آن ها شدن قسم دروغ ندادن حقوق واجب، کبر، کفر، اسراف، خیانت، کتمان شهادت و ملامتی یعنی چیزی که مثل غناء و ضرب تار و تنبور انسان را از یاد خدا غافل سازد و در نهایت اصرار بر گناهان کوچک (۵)

جای این تذکر هست که اگر امام رضا علیه السلام نصیحت می فرماید و امام حسن عسکری علیه السلام درباره ایشان به خداوند عرض می داد که کَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِي السِّرِّ وَ

ص: ۳۴۱

۱- مسند امام رضا علیه السلام ص ۲۹۹ تا ۳۰۱

۲- مسند امام رضا علیه السلام ص ۲۹۹ تا ۳۰۱

۳- مسند امام رضا علیه السلام ص ۲۹۹ تا ۳۰۱

۴- مسند امام رضا علیه السلام ص ۲۹۹ تا ۳۰۱

۵- تحف العقول ص ۴۱۵

العلانیه امام رضا علیه السلام مردم را در پنهان و آشکار نصیحت می کرد البته اگر گوشی هم برای شنیدن باشد والا

نصیحت همه عالم چو باد در قفس است*** به گوش مردم نادان چو آب در غربال

یعنی باید افراد خود را در معرض موعظه ائمه طاهرین علیهم السلام قرار دهند و اراده کنند که به نصایح ایشان عمل کنند و باور کنند عمل به پند و اندرز امامان علیهم السلام چه اثرات مثبتی در زندگی فردی و اجتماعی ما دارد.

نمونه اش مامون الرشید بود که با اینکه حضرت رضا در پذیرش ولایتعهدی با او شرط کرده بود که هیچ گونه مسئولیتی را قبول نکند و عزل و نصب افراد ننماید ولی مامون الرشید می کوشید برخی کارها را به امام علیه السلام تحمیل کند و تا به حساب خویش آن بزرگوار را مورد خشم مردم قرار دهد.

معمربن خلاء می گوید امام علیه السلام برای من نقل فرمود که مامون به من گفت بعضی از اشخاص مورد تایید خویش را به من معرفی کن تا حکومت شهرهایی که بر من شورش کرده اند به آنان واگذار کنم. به او گفتم اگر به شرایطی که پذیرفتی وفا کنی من هم به عهدم وفا خواهم کرد من در این کار به این شرط وارد شدم که امر و نهی و عزل و نصب نکنم و حتی مشاور هم نباشم.

آن وقت که در مدینه بودم بر مرکبم سوار می شدم و رفت و آمد می نمودم و مردم شهر و دیگران گرفتاری های خود را به من می گفتند و من برآورده می ساختم و آنان و من مثل فامیل با هم انس و صمیمیت داشتیم.

نامه هایم در شهرها مورد احترام و قبول واقع می شد تو نعمتی بش از آنچه خداوند به من عطا کرده است برایم اضافه نکرده ای و هر نعمتی هم بخواهی بیفزایی باز از خداست که به من عطا می شود مامون گفت من به عهدم وفا دارم. (۱)

ص: ۳۴۲

البته عهده‌مان بود که تصمیم به قتل امام علیه السلام گرفت و با حرکات منافقانه خویش نتوانست کینه و عداوت خود را پنهان کند و بالاخره در صدد کشتن امام رضا علیه السلام برآمد و آن حضرت را مسموم ساختم.

وَدَعَا إِلَى سَبِيلِكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ فَصَلَّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صِلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ:

امام حسن عسکری علیه السلام در ادامه صلوات خود بر امام رضا علیه السلام عرضه می دارد پروردگارا درود فرست بر آن کسی که مردم را به راه تو با حکمت و موعظه نیکو دعوت کرد بنابراین درود فرست بر او برترین درودهایی که بر هر یک از اولیاء و نیکان خلقت فرستادی چرا که تو صاحب جود و کرمی.

این فراز از صلوات برگرفته از بخش اول این آیه شریفه است:

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱)

با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به شیوه ای که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار توجه حال کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او به حال راه یافتگان نیز داناتر است.

راغب اصفهانی در مفردات می گوید الحکمه أَصَابَةُ الْحَقِّ بِالْعِلْمِ وَالْعَقْلِ حکمت رسیدن به حق و فضیلت است به کمک علم و عقل عده ای هستند وقتی با آن ها کار علمی و عقلی می کنند حق را در می یابند و معتقد به خدا و رسول و اهل بیت و به طور کلی دین خدا می شوند.

در بین اقشار مختلف جامعه همه افراد قابلیت و شایستگی برخورد علمی و عقلی ندارند و نیز شایسته درک حکمت و رسیدن به مقام حکمت نیستند.

این حرف حقیر نیست این کلام نورانی آقا موسی بن جعفر علیه السلام است که به هشام

ص: ۳۴۳

بن حکم فرمود ای هشام زراعت در زمین مستعد و سهل رشد می کند و نه در زمین غیرمستعد و سخت و همچنین است حکمت که سر و کارش با دل های متواضع و خاضع است و چنین دل هایی را آباد میکند و با دل هایی که متکبر و خودخواه است کاری ندارد و آنها را آباد نمی کند برای اینکه خداوند تواضع را نشان عقل و تکبر را نشانی نادانی قرار داده است. (۱)

شاید بتوان استفاده کرد که امام رضا علیه السلام مردم را به وسیله حکمت به خدا می خواند یعنی گزیده و کوتاه اما پرمغز نصیحت می کرد چنانکه جابر بن سمره می گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در روز جمعه موعظه خود را به درازا نمی کشاند بلکه چند جمله کوتاه بود. (۲)

و شاهد هم دعوت حکیمانه این باشد که صاحب صلوات کامله یعنی امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ وَ مَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ (۳)

هر که برادر خود را پنهانی اندرز دهد او را آراسته است و هر که در برابر دیگران موعظه اش کند او را لکه دار کرده است. موعظه حسن و اندرز نیکو آن اندرزی است که با لحنی مادبانه و محترمانه و مستدل گفته شود چون بعضی موعظه می کنند اما سرکوفت می زنند.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود: نَصَحَكَ بَيْنَ الْمَلَأِ تَقْرِيعٌ (۴)

نصیح کردن در حضور جمع سرکوفت است

اگر به شخصیت افراد احترام بگذاریم و استخدام کلماتمان درست باشد می شود موعظه حسن و این منش را باید از امام رضا علیه السلام آموخت که دَعَا إِلَيَّ سَيْلِكَ بِالْحُكْمِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ

ذکر یابن آدم به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد که من تصمیم دارم که از میان

ص: ۳۴۴

۱- سفینه البحار ج ۱ ص ۲۹۱

۲- سنن ابی دارد.

۳- تحف العقول ص ۳۸۹

۴- غررالحکم ۹۹۶۸

اهل بیت و فامیل خویش بیرون آمده و جدا شوم زیرا که سفیهان در میانشان زیاد شده اند.

امام علیه السلام فرمود این کار را مکن زیرا خداوند تبارک و تعالی به خاطر تو اهل بیت تو را از بلایا حفظ خواهد کرد همان طور که مردم بغداد را از برکت امام کاظم علیه السلام از بلایا حفظ می فرماید. [\(۱\)](#)

ص: ۳۴۵

۱- معجم رجال الحديث ج ۵ ص ۲۷۰

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عَلَمِ التُّقَى وَنُورِ الْهُدَى وَمَعْدِنِ الْوَفَاءِ وَفَرْعِ الْأَزْكِیَاءِ وَخَلِيفَةِ الْأَوْصِيَاءِ وَآمِينَكَ عَلَى
وَخِيِكَ اللَّهُمَّ فَكِّمَاهُ هِدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَاسْتَنْقَذْتَهُ مِنَ الْخَيْرِ وَأَرْشَدْتَهُ بِهِ مِنْ اهْتِدَى وَزَكَّيْتَهُ بِهِ مَنْ تَرَكَى فَصَلِّ عَلَيْهِ
أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَبَقِيَّتِهِ أَوْصِيَائِكَ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى:

پروردگارا بر محمد فرزند علی فرزند موسی درود فرست.

در بخش صلوات بر امام رضا علیه السلام عرض کردیم که چهار علی در بین چهارده معصوم علیهم السلام داریم در اینجا هم عرض می کنیم که چهار محمد نیز جزو چهارده معصومند با این تفاوت که چهارمی را بعضی از بزرگان توصیه کرده اند تا وقت ظهور به این نام برده نشود.

امام رضا علیه السلام درباره چهارمین آنها می فرمود:

بَابِي وَ أُمِّي سَمِيَّ جَدِّي (۱)

پدر و مادرم فدای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که همانم جدم رسول خداست.

مرحوم شیخ مرتضی انصاری بردن نام حضرت را در زمان غیبت مکروه شیخ طوسی حرام و حاجی نوری ذکر آن در مجالس و محافل نیز حرام می دانستند. (۲)

امام جواد علیه السلام نام شریفش محمد است این اسم در هر خانه ای باشد باعث برکت و رونق معنویت برای اهل خانه خواهد بود.

ص: ۳۴۸

۱- بحار ج ۵۱ ص ۱۲۵

۲- نجم الثاقب ص ۴۸

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: مَنْ وُلِدَ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَوْلَاءَ لَمْ يُسَمَّ أَحَدُهُمْ بِاسْمِي فَقَدْ جَفَانِي (۱)

کسی که چهار فرزند بیاورد و هیچ یک را به اسم من نامگذاری نکند به من جفا کرده است. هیچ مانعی ندارد اگر کسی اسم قبیحی بر روی او گذاشته باشند تغییر دهد و از اطرافیان بخواهد او را با نام جدید مثل محمد و علی و حسن و حسین و فاطمه و زهرا و زینب علیهم صلوات الله صدا زنند چنان که بعضی فامیلی خود را عوض می کنند و حتی به ثبت می رسانند.

و جالب است که بدانید تغییر اسماء زشت یکی از حرکت های انقلابی بود که پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله وسلم بعد از طلوع اسلام انجام می داد.

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش نقل نمود که فرمود: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ يُغَيِّرُ الْأَسْمَاءَ الْقَبِيحَةَ فِي الرِّجَالِ وَ الْبَدَانِ (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم اسماء زشت مردم و شهرها را تغییر می داد.

پس اسم شریف معصوم یازدهم و امام نهم محمد بود و القابش تقی جواد ابوجعفر منتخب مرتضی قانع و عالم. (۳)

مشهورترین لقب حضرت جواد علیه السلام است. (۴)

عبدالله بن جعفر می گوید من و صفوان بن یحیی به خدمت امام رضا علیه السلام رسیدیم جواد الاثمه علیه السلام که سه سال از عمرش می گذشت ایستاده بود.

عرض کردیم خدا ما را فدای شما گرداند اگر پناه بر خدا اتفاقی بیفتد چه کسی بعد از شما خواهد بود؟ آن حضرت به امام جواد اشاره کرده فرمود این فرزند. عبدالله بن جعفر می گوید عرض کردیم او با این سن و سال؟ فرمود آری او با همین سن و سال. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى احْتَجَّ بِعِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ ابْنُ سِتِّينَ (۵)

ص: ۳۴۹

۱- کافی ج ۲ ص ۱۹

۲- الحديث ج ۱ ص ۱۹۲

۳- مناقب آل ابیطالب ج ۴ ص ۳۷۹

۴- كشف الغمه ج ۳ ص ۱۸۶

۵- بحار ج ۵ ص ۳۵

خداوند تبارک و تعالی با عیسی دو ساله احتجاج کرد.

شیخ مفید علیه الرحمه می گوید حضرت رضا علیه السلام رحلت فرمود و فرزندی نداشت که ما مطلع باشیم مگر پسرش امام بعدش اباجعفر محمد بن علی جواد الائمه علیه السلام (۱)

کلیم بن عمران می گوید به امام رضا علیه السلام عرض کردم دعا کنید که خداوند به شما فرزندی عنایت فرماید امام در پاسخ می فرمود:

إِنَّمَا أَرْزَقُ وَلَمَدًا وَاحِدًا وَهُوَ يَرِثُنِي خداوند تنها یک فرزند به من عطا می کند که وارث من و امام پس از من خواهد بود. وقتی حضرت جواد علیه السلام متولد شد امام رضا علیه السلام به اصحاب خویش فرمود کسی برای من به دنیا آمد که شبیه موسی بن عمران گشاینده دریاهاست و شبیه عیسی بن مریم که مادری مقدس داشت او نیز مادری طاهره و مطهره دارد. (۲)

در آن هنگام که حضرت جواد علیه السلام به دنیا آمد و در دستان مبارک امام رضا علیه السلام قرار گرفت فرمود: هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ مَوْلُودٌ أَعْظَمُ عَلَى شِيعَتِنَا بَرَكَةً مِنْهُ (۳)

این مولودی است که برای شیعه مولودی مبارکت تر از او به دنیا نیامده است.

عَلِمَ التَّقَى :

خدایا صلوات خود را بر امامی فرست که پرچم و نشانه پرهیزکاری بود.

محمد بن ریان می گوید مامون تلاش می کرد که امام جواد علیه السلام را همانند خود اهل دنیا کند و به لهو و فسوق مایل سازد ولی موفق نشد تا اینکه تصمیم گرفت دخترش را به خانه آن حضرت بفرستد و زفاف واقع شود. دستور داد صد کنیزی که از همه کنیزان زیباتر بودند هر کدام جامی در دست گیرند که در آن جواهری باشد به این هیات او را استقبال کنند کنیزان به آن دستورالعمل رفتار نمودند ولی حضرت جواد علیه السلام کوچکترین اعتنایی به آنها نکرد.

مامون وقتی از این نیرنگ مایوس شد مردی به نام مخارق آوزه خوان را طلبید که

ص: ۳۵۰

۱- ارشاد مفید ص ۲۹۶

۲- بحار ج ۵۰ ص ۱۵

۳- ارشاد مفید ص ۲۹۹

ساز می زد و آواز می خواند و ریش بلندی داشت.

مخارق به مامون اطمینان داد که من حتما امام جواد علیه السلام را به عیش و طرب خواهم کشاند و مایل به دنیایش خواهم نمود مخارق مقابل امام علیه السلام نشست و آواز خود را بلند کرد به طوری که همه اهل خانه دور او جمع شدند و بعد شروع کرد به نواختن.

یک ساعت چنین کرد ولی دید حضرت جواد علیه السلام توجهی به او ندارد حتی سر خود را بلند نکرده که به طرف راست و چپ بنگرد.

پس از آنکه مخارق دست از خواندن و نواختن برداشت امام علیه السلام سر مبارک را بلند کرد و فرمود:

اتَّقِ اللَّهَ يَا ذَا الْعَشْنُونِ قَالَ فَسَقَطَ الْمِضْرَابُ مِنْ يَدِهِ وَالْعُودُ فَلَمْ يَنْتَفِعْ بِيدهَالِي إِنَّ مَاتَ (۱)

از خدا بترس مرد ریش بلند راوی می گوید تا امام علیه السلام این فرمایش را نمودند وسایل ساز و آواز از دست مخارق افتاد و دیگر تا هنگام مرگ نتوانست از دست خود برای اجرای موسیقی استفاده کند. علامه محقق اربلی در کتاب کشف الغمه فی معرفه الائمه در پایان گفت و گوهایش درباره امام جواد الائمه علیه السلام این اشعار را بخشی از مناقب حضرت است نقل می کند:

حَمَادٍ حَمَادٍ لِّلْمُثَنَّى حَمَادٍ *** عَلَيَّ آلاءِ مَوْلَانَا الْجَوَادُ

إِمَامٍ هُدًى لَهُ شُرْفٌ وَ مَجْدٌ *** عَلَا بِهِمَا عَلَيَّ السَّبْعُ الشَّدَادُ

إِمَامٍ هُدًى لَهُ شُرْفٌ وَ مَجْدٌ *** أَقَرَّ بِهِ الْمَوَالِي وَ الْمُعَادِي

تَصَوَّبَ يَدَاهُ بِالْجَدْوَى فَتَغْنَى *** عَنِ الْأَنْوَاءِ فِي السَّنَةِ الْجَمَادِ

يَنْخَلُ جُودٌ كَفِيهِ إِذَا مَا *** جَزَى فِي الْجُودِ مَنَهْلُ الْغَوَادِي

ص: ۳۵۱

بَنَى مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ بَيْتًا *** بَعِيدُ الصَّيْتِ مُرْتَفِعِ الْعِمَادِ

تا آنجا که می گوید:

يُقَدِّمُ حَبْكَمُ دُخْرًا وَ كَنْزًا *** يَعُودُ إِلَيْهِ فِي يَوْمِ الْمَعَادِ

جَزِي يَمْدِيحِ مَجْدِكُمْ لِسَانِي *** فَأَصْبَحَ دِينِي مِنْكُمْ وَعَادِي

فَفِيكُمْ رَغْبَتِي وَ عَلَيَّ هَوَاكُمُ *** مُحَافَظَتِي وَ حَبْكَمُ اعْتِقَادِي

یعنی حمد و سپاس پی در پی گوی بر پروردگار که امام جواد علیه السلام امام و رهنماست آری او را شرافت و بزرگی است که برتر از هفت آسمان است او بیشوای راهنمائیست که در عظمت و مجد او دوست و دشمن معترفند.

از دو دست با کفایت امام جواد علیه السلام باران جود می بارد دو کف با کفایت او هر جوادى را بخیل می نمایاند و کسی نمی تواند به جود او برسد و جواهر نعمت ها از خوان کرمش سرازیرند اوست که با اعمال صالحه اش بنایی ساخته که در اوج بلندی و رقعت است مولای من محبت شما اهل بیت را ذخیره و گنج پنهان کرده ام تا در روز قیامت به من بازگردانده شود.

مدح شما خاندان بر زبانم جاری است و صبح می کنم در حالی که شما را دوست دارم و میل و رغبت من برخواسته شماست و دوستی شما اعتقاد من است.

عَلِمَ التَّقَى وَ نُورِ الْهُدَى:

امام حسن عسکری علیه السلام می فرمود درود خدا بر آنکه پرچم و نشانه تقوا و نور هدایت بود.

امام جواد علیه السلام اگر چه سن کم به مقام امامت نایل شد اما چنان می درخشید که از پرتو وجودش به وسعت آسمان ها و زمین کسب نور می کردند و نور الهدی برای همه موجودات بود.

امامت به طور کلی یعنی نور هدایت چنان که جد بزرگوارش در تفسیر آیه ۸ سوره تغابن می فرماید: **الامامه هِيَ النُّورُ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ**

رَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا (۱) وَقَالَ النُّورُ هُوَ الْإِمَامُ (۲)

امامت نور و روشنائی است همان که خدای عزوجل فرموده به خدا و پیامبر او و نوری که فرو فرستادیم ایمان آورید فرمود نور همان امام است.

و یا امام باقر علیه السلام در تفسیر همین آیه می فرماید: النُّورُ وَاللَّهُ الْأَيْمَةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَيَلَّمَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ به خدا قسم این نور همان امامان از خاندان محمد صلی الله علیه و آله وسلم هستند تا روز قیامت به خدا سوگند ایشان هستند همان نوری که خداوند فرو فرستاده است هم ایشانند به خدا سوگند نور خدا در آسمان ها و زمین به خدا قسم نور امام در دل های مومنان از خورشید درخشان روز تابان تر است. (۳)

صالح بن سهل می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود مقصود از وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ (۴) کسی که خدا نوری بوی نداده او را نوری نیست.

یعنی امامی از فرزندان فاطمه که چنین شخص از نور امام محروم است تا در روز قیامت به نور وجود او راه برود. همان طور که پروردگار می فرماید:

يَوْمَ تُرَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ حَتَّى يَنْزِلُوا أَمْثَالَهُمْ فِي الْجَنَّةِ (۵)

می بینی که مردان و زنان با ایمان نورشان از پیش رو و سمت راست و چپ آن ها حرکت می کند امام علیه السلام در ادامه فرمود تا اینکه وارد می شوند در خانه هایشان در بهشت.

امام جواد علیه السلام از جمله انوار طیبه الهی است با نور امامت باطن افراد را می خواند و در مقام هدایتشان برمی آید.

حسین مکاری می گوید در آن ایام که حضرت جواد علیه السلام در بغداد بود و در نزد

ص: ۳۵۳

۱- تغابن ۸

۲- نور الثقلین ج ۵ ص ۳۴۱

۳- همان

۴- نور ۴۰

۵- تفسیر صافی ص ۳۷۹

خلیفه در نهایت جلالت بود من با خود گفتم که دیگر حضرت جواد علیه السلام به مدینه بر نخواهد گشت چون این خیال در خاطر من گذشت دیدم آن حضرت سر بزر افکند پس سر بلند کرد در حالی که رنگ زرد شده بود فرمود ای حسین نان جو با نمک نیمکوب در حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نزد من بهتر است از آنچه مشاهده کنی. (۱)

علی بن اسباط مصری می گوید چشمم به جمال امام جواد علیه السلام افتاد در حالی که امام علیه السلام طفل بود با دقت به سر و پا و قامتش نگاه می کردم تا شکل و شمایل حضرت را برای مردم مصر تعریف کنم در این موقع امام علیه السلام نشست و فرمود ای علی خداوند در امامت نیز همانند نبوت احتجاج کرده و فرموده است به یحیی در خردسال نبوت دادیم و چون به قوت رسیده و به چهل سالگی رسید. بنابراین جایز است که خداوند حکمت و مقام پیامبری در کودکی به کسی عنایت کند و جایز است که در سن چهل سالگی بدین مقام برساند. (۲)

نمونه سوم مربوط می شود به قاسم بن عبدالرحمان زیدی مذهب که گفت در شهر بغداد گذر می کردم دیدم مردم در حرکت و اضطرابند بعضی می دوند و بعضی بالای بلندی ها می روند و بعضی ایستاده اند پرسیدم چه خبر است گفتند ابن الرضا علیه السلام می آید گفتم به خدا سوگند که من نیز می ایستم و او را مشاهده می کنم ناگاه دیدم که آن حضرت پیدا شد و سوار بر استری بود من با خود گفتم لَعَنَ اللَّهُ أَصْحَابَ الْإِمَامِيَّةِ دور باشند از رحمت خدا گروه امامیه که چگونه معتقدند خداوند این جوان را طاعتش را واجب گردانیده تا این خیال در دل من گذشت امام جواد علیه السلام روی به من کرد و فرمود:

يَا قَاسِمَ بْنَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ أَبْشَرْنَا مِنْكَ وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَ سُعْرٍ (۳)

آیا آدمی از جنس ماست و یگانه است و هیچ کس را ندارد پیروی کنیم در نتیجه در گمراهی و آتش های سوزان خواهیم بود؟

دوباره در دل خود گفتم که او ساحر است این بار امام علیه السلام روی به من کرد فرمود:

ص: ۳۵۴

۱- بحار ج ۵۰ ص ۲۰

۲- بحار ج ۵۰ ص ۴۸

۳- قمر ۲۴

آیا وحی بر او القاء شده است در حالی که در میان ما بهتر و احق از او یافت می شود نه چنین است که وحی مختص به او باشد بلکه او دروغگو است و خو پسند و متکبر می باشد.

وقتی مشاهده کردم امام جواد علیه السلام از افکار و خیالات من خبر می دهد اعتقاد کامل شد و اقرار به امامت او نمودم و اعتراف کردم که او حجت خدا بر خلق خدا می باشد. (۲)

امام جواد علیه السلام نورالهدی بود هر کسی را فراخور حال خودش هدایت می کرد حتی برای هدایت دشمنان چون اجداد طاهرینش نسخه های شفا بخش می نوشت.

بکر بن صالح می گوید داماد من برای امام جواد علیه السلام نامه نوشت که پدری دارم ناصبی و بد سرشت و بسیار لجباز و تند از شما تقاضای دعای خیر در حق خویش دارم و می خواهم بدانم که تکلیف من با چنین پدری چیست آیا او را رسوا کنم و یا اینکه با او مداوا نمایم؟

امام علیه السلام پاسخ دادند که از نوشته ات مطلع شدم و آنچه را درباره پدرت گفתי متوجه گردیدم برای دعا می کنم و تو هم با پدرت مدارا کن که برای تو بهتر است تا اینکه او را رسوا کنی.

پس از هر سختی راحتی هست صابر باش که پایان کار ویژه اهل تقواست. خداوند تبارک و تعالی تو را در ولایت آنهایی که مولای خویش قرار داده ای ثابت بدارد ما و شما در ودیعه الهی هستیم و خدا ودایع و امانات خویش را ضایع نمی کند.

بکر بن صالح می گوید پس از دعای امام علیه السلام قلب پدر دامادم نرم شد تا آنجا که

ص: ۳۵۵

هیچ گاه ندیدم با عقاید او مخالفت نماید. (۱)

امام جواد علیه السلام در یکی دیگر از نسخه های روح بخش خویش برای علی بن مهزیار نوشت ای علی بن مهزیار تو مرا شادمان کردی به آنچه بیان نمودی و همیشه مرا مسرور می نمایی خداوند تو را به بهشت مسرور سازد و راضی شود از تو به رضای من.

ای علی خداوند به تو جزای شایسته دهد و در بهشتش جای دهد و تو را از زبونی دنیا و آخرت بر حذر دارد و با ما محشورت نماید.

از خداوند مسئلت می جویم که تو را از همه اطراف و حالات حفظ کند و من امیدوارم که خداوند بلایا را از تو دفع نماید و من از خداوند تقاضای خیر برایت می نمایم.

نقل شده که علی بن مهزیار پدرش مسیحی بوده و اسلام اختیار کرده و او نیز چنین بوده و پس از قبول اسلام در مقام تفقه و تدبر در دین برآمده تا آنجا که جزء راویان حدیث از امام رضا و امام جواد علیه السلام شده است.

امام جواد علیه السلام به او و کالت در امور را تفویض فرمود همان طور که از طرف امام هادی علیه السلام در بعضی نواحی و کلات داشته است.

امام جواد علیه السلام درباره علی بن مهزیار فرمود از خداوند می خواهم به مقامی بررسی که در روز قیامت خلایق به مقام و منزلت تو غبطه بخورند.

ناگفته نماند که این علی بن مهزیار آن علی بن مهزیار نیست که در زمان غیبت حضرت بقیه الله زندگی می کرده و به ملاقات آن بزرگوار نایل شده است و به احتمال قوی کسی که با امام زمان علیه السلام دیدار کرد فرزند اوست.

در احوالات علی بن مهزیار همان تربیت شده در مکتب امام جواد علیه السلام و کسی که از نور هدایت حضرت کمال استفاده را کرده نوشته اند که وقتی آفتاب طلوع می کرد

ص: ۳۵۶

سر به سجده می گذاشت و تا هزار مومن را دعا نمی کرد سر از سجده بر نمی داشت پیشانیش همانند زانوی شترش پینه بسته بود.

سی و سه کتاب از تالیفات علی بن مهزیار است که بعضی از آنها عبارت است از کتاب الوضوء، کتاب الصلوه، کتاب الزکاه، کتاب الصوم، کتاب التفسیر، کتاب المکاسب، کتاب الدعاء، کتاب فضائل المومنین و کتاب الزاهد.

او در موطن خود اهواز مدفون و قبرش زیارتگاه اهل دل می باشد. (۱)

وَمَعْدِنِ الْوَفَاءِ وَفَرْعِ الْأَزْكِیَاءِ وَخَلِیفَةِ الْأَوْصِیَاءِ وَ أَمِینِكَ عَلَی وَحِیکَ

امام حسن عسکری علیه السلام عرضه می دارد خدایا درود فرست بر کسی که کانون وفا و شاخه ای از پاکیزه گان و جانشین اوصیاء و امین در وحیت بود.

چگونگی وفا در وجود ائمه اطهار علیهم السلام را در نوع ماموریتشان در اجرای دستورات الهی و آنچه را که در حد یک امام معصوم است باید جستجو کرد ما وقتی به سیره و رفتار چون امام جواد علیه السلام که جوان ترین بین امامان بوده و از همه کم سن و سال تر بود و به شهادت رسید نظر می کنیم مشاهده می نماییم که آن بزرگوار در عمر کوتاه خود به آنچه را بر آن مکلف بود وفا کرد و عمل نمود و جایی در تاریخ زندگی حضرت علیه السلام قصور و کوتاهی در انجام وظیفه ملاحظه نمی شود تا آنجا که گاهی منجر به خطر هم برای حضرت جواد علیه السلام شد.

ذرقان رفیق صمیمی احمد بن ابی داود قاضی معتصم عباسی می گوید روزی احمد از پیش معتصم برگشته بود با حالی بسیار خشمگین پرسیدم چرا این قدر عصبانی هستی گفت از دست این سیاه چهره ابوجعفر فرزند علی بن الرضا علیه السلام آرزو داشتم بیست سال پیش از این مرده بودم و امروز را نمی دیدم گفتم مگر چه شده گفت دزدی را پیش خلیفه آوردند اعتراف به دزدی خود میکرد معتصم طریقه تطهیر و حد او را پرسید بیشتر فقها حاضر بودند دستور داد بقیه را نیز

ص: ۳۵۷

احضار کنند محمد بن علی علیه السلام را هم خواست از ما پرسید حد دزد را چگونه باید جاری کرد فَقُلْتُ مَنْ الْكَرْسُوعُ گفتم از میچ دست باید جدا کرد. پرسید به چه دلیل گفتم به دلیل آنکه دست شامل انگشتان و کف تا میچ می شود در آیه تیمم نیز می فرماید فَاَمْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَ اَيْدِيكُمْ بسیاری از علماء در این نظر با من موافقت کرده و تایید نمودند دسته دیگر از دانشمندان گفتند باید دست را از مرفق و آرنج برید. خلیفه پرسید به چه دلیل گفتند به دلیل آیه وضوء و ایدیکم اِلَی الْمِرْفَقِ چون حد دست را خداوند در این آیه تا مرفق معین می کند. برخی نیز فتوی به قطع از شانه دادند و استدال بر این کردند که دست شامل انگشتان تا شانه می شود در این هنگام خلیفه روی به محمد بن علی علیه السلام کرده گفت ای اباجعفر شما چه می گوئید درباره مسئله مورد بحث فرمود علماء گفتار خود را گفتند مرا از نظر دادن معاف دار. گفت شما را به خدا سوگند می دهم نظریه خود را بگوئید. حضرت جواد علیه السلام فرمود اکنون که قسم دادی می گویم این حدود که اهل سنت و علمای حاضر تعیین کردند اشتباه و خطاست. درباره دزد باید انگشتان او را بدون ابهام برید.

پرسید دلیل شما چیست؟ فرمود:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ السُّجُودَ عَلَى سَبْعَةِ أَعْضَاءِ الْوَجْهِ وَ الْيَدَيْنِ وَ الرِّكْبَتَيْنِ وَ الرَّجْلَيْنِ فَإِذَا قُطِعَتْ يَدُ مَنْ الْكَرْسُوعُ أَوْ الْمِرْفَقِ لَمْ يَتَّقْ لَهُ يَسْجُدَ عَلَيْهَا وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود سجده بر هفت محل لازم است انجام شود. پیشانی، دو دست، دو زانو و دو انگشت ابهام پا هرگاه دست را از میچ یا مرفق جدا کنند دیگر دستی برای سجده باقی نمی ماند در صورتی که خداوند در قرآن أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ مواضع سجده اختصاص به خدا دارد. مَا كَانَ لِلَّهِ لَمْ يُقَطَّعْ هر چه برای خدا باشد بریده نمی شود.

معتصم از این حکم شادمان شد و تصدیق کرد و دستور داد انگشتان دزد را طبق نظریه حضرت جواد علیه السلام بریدند.

ذرقان می گوید احمد بن ابی داود سخت افسرده و ناراحت بود که چرا نظریه او را رد شده از حسادت به خود میپسید سه روز پس از این جریان پیش معتصم رفت و گفت ای خلیفه آمده ام تو را نصیحتی بکنم این اندرز به شکرانه محبتی است که به ما داری و می ترسم اگر نگویم کفران نعمت کرده باشم و به آتش جهنم بسوزم پرسید آن نصیحت چیست گفت وقتی شما مجلسی از علماء و فقهاء تشکیل می دهید تا امر مهمی از امور دینی مطرح شود وزراء و امراء صاحب منصبان لشکری و کشوری و خدمتکاران و دربانان حضور دارند مذاکرات این مجالس در خارج مطرح می شود اگر در چنین مجلسی شما رای فقها را رد کنید و رای و گفته محمد بن علی علیه السلام را قبول نمایید کم کم موجب می شود که مردم به او توجه کنند و از بنی عباس منصرف شوند خلافت را از تو گرفته و به او تحویل دهند با اینکه عده ای از مردم هم اکنون به امامت او اعتراف دارند.

معتصم چنان تحت تاثیر حرف های او قرار گرفت که احمد بن ابی داود را دعا کرد و گفت:

جزاك الله عن نصيحتك خيراً روز چهارم دستور داد مقدمات مسموم کردن و کشتن امام جواد علیه السلام را آماده سازند.

(۱)

آری امام جواد علیه السلام معدن وفا بودو در حق گویی خویش تا مرز شهادت وفادار ماند. چون فَرُغَ الازکیاء وَ خلیفه الْأَوْصِيَاءِ وَ امینک عَلَیِّ وَ حیک شایخه ای از پاکیزگان و جانشین اوصیاء و امین وحی الهی بود.

اللَّهُمَّ فَكَمَيَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْخَيْرِ وَ أَرْشَدْتَ بِهِ مِنَ اهْتِدَايَ وَ زَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكَّى فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ

ص: ۳۵۹

وَبَقِيَّةِ أَوْصِيَائِكَ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ:

امام حسن عسکری علیه السلام در ادامه عرضه داشت خدایا همان طور که توسط جواد الائمه علیه السلام مردم را هدایت فرمودی و به وجود ایشان مردم را از حیرت و سرگردانی نجات بخشیدی و توسط او آنکه طالب هدایت بود ارشاد کردی و هر که طالب تزکیه بود پاکیزه اش ساختی پس بر او درود فرست برتر همه درودهایی که بر هر کدام از اولیائت و بازمانده اوصیای فرستادی که تو مقتدر و صاحب حکمتی.

در این قسمت از صلوات بر حضرت جواد علیه السلام نکات بسیار پراهمیت وجود دارد که هر کدام قابل بحث و شرح است.

امام جواد علیه السلام کسی که مردم را از گمراهی رهایی بخشیده و آنها را از سرگردانی نجات داده است.

نقش امامت اصولاً بر این پایه استوار است که مثل نجات غریق آدم هایی که گرفتار گمراهی و ضلالت می شوند راهنمایی کند و آنها را از دو دلی و تردید نسبت به معتقدات دینی به سوی یقین و باور واقعی سوق دهد.

اینها سخنان جد بزرگوارش امیرالمومنین علی علیه السلام درباره نقش امامت است به خاندان پیامبر خود بنگرید و راه آنان را در پیش گیرید و در پی آنها حرکت کنید زیرا آنان هرگز شما را از راه راست منحرف نمی کنند و به هیچ هلاکتی در نمی افکنند. اگر نشستند شما نیز بنشینید و اگر بپا خاستند شما نیز بپاخیزید. (۱)

ماییم درخت نبوت و جایگاه فرود آمدن رسالت و جای آمد و شد فرشتگان و معدن دانش و چشمه های حکمت (۲)

کجایند کسانی که پنداشتند راسخان در علم ایشانند نه ما این پندار آنان دروغ است و ستمی است بر ما به وسیله ما راه هدایت پیموده می شود و دل های کور روشنایی می یابد. (۳)

ص: ۳۶۰

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۷ ص ۸۴ و ۷۶

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۷ ص ۸۴ و ۷۶

۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج ۷ ص ۸۴ و ۷۶

امام صادق علیه السلام درباره وجود پربرکت ائمه طاهرین علیه السلام می فرمود:

جَعَلَهُمُ اللَّهُ حَيَّاهُ لِلْإِسْلَامِ وَ مَصَابِيحَ لِلظُّلَامِ وَ مَفَاتِيحَ لِلْكَلامِ وَ دَعَائِمَ لِلْإِسْلَامِ (۱)

خداوند ائمه را مایه حیات مردمان و چراغ هایی در تاریکی و کلیدهای سخن و ستون های اسلام قرار داد.

همان گرامی فرمود پدران من فرمودند پرچم حق همراه ماست هر که در پی آن آید به ساحل نجات برسد و هر که از آن عقب ماند غرق شود بدانید که به وسیله ما انتقام خون هر مومنی گرفته می شود و به وسیله ما طوق خواری از گردن هایتان برداشته می شود و به وسیله ما باب فتح گشوده شده نه به وسیله شما (۲)

امام باقر علیه السلام در همین زمینه می فرمود:

بدانید که هیچ سخن حق و درستی نزد هیچ کس نیست مگر آن که آن را از ما خاندان گرفته اند و هیچ فردی به حق و عدالت داوری نمی کند مگر آن که کلید و در و آغاز و راه اصلی آن قضاوت امیرمومنان علی بن ابیطالب علیه السلام است. (۳)

و نیز مولایمان علی علیه السلام در نقش امامان فرمود: نَحْنُ النَّمْرِقَةُ الْوَسْطَى الَّتِي يُلْحَقُ بِهَا التَّالِي وَ إِلَيْهَا يَرْجِعُ الْعَالِي (۴)

ما تکیه گاه میان راهیم آن که وامانده خود را به آن رهند و آن که زیاده تاخته به سوی آن برگردد.

امام جواد علیه السلام جزو آن مجموعه ای است که در روایات بدان ها اشاره شد او از جمله امامان و معصومینی است که همه آن ویژگی های امامت را دارا بود.

در یکی از خطبه هایی که امام جواد علیه السلام ایراد فرموده آمده است:

الحمد لله

ص: ۳۶۱

۱- کافی ج ۱ ص ۲۰۴

۲- همان

۳- امالی مفید ص ۹۶

۴- نهج البلاغه شرح ابن ابی الحدید ج ۹ ص ۱۵۲

الَّذِي خَلَقَنَا مِنْ نُورِهِ وَاضْطَفَانَا مِنْ بَرِّيَّتِهِ وَجَعَلَنَا أَمَنَاءَ لِلَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَوَحْيِهِ أَتَيْهَا النَّاسُ أَنَا مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ الرِّضَا ابْنِ مُوسَى الْكَاظمِ بْنِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ بْنِ مُحَمَّدِ الْبَاقِرِ بْنِ عَلِيٍّ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ بْنِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِيطَالِبِ ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَجْمَعِينَ أَفِي مِثْلِي يَشْكُ وَ عَلِيٌّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ عَلِيٌّ جَدِّي يَفْتَرِي وَ عَرَضَ عَلَيَّ الْقَافَهُ إِنِّي وَ اللَّهُ لَأَعْلَمُ مَا فِي سِرِّائِهِمْ وَ خَوَاطِرِهِمْ وَ إِنِّي وَ اللَّهُ لَأَعْلَمُ النَّاسِ أَجْمَعِينَ بِمَا هُمْ إِلَيْهِ صَائِرُونَ أَقُولُ حَقًّا وَ أَظْهَرُ صِدْقًا عِلْمًا قَدْ تَبَّاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَبْلَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ ائِمُّ اللَّهِ لَوْ لَا تَظَاهَرُ الْبَاطِلُ عَلَيْنَا وَ غَوَايَهُ ذُرِّيَّةُ الْكُفْرِ وَ تَوَثُّبُ أَهْلِ الشُّرْكِ وَ الشُّكِّ وَ الشَّقَاقِ عَلَيْنَا لَقُلْتُ قَوْلًا يَعْجَبُ مِنْهُ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ فِيهِ ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ اضْمُتْ كَمَا ضُمْتُ أَبَاوَكْ وَ اضْبِرْ كَمَا صَبَرَ اُولُو الْعِزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَ لَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَانَهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ فَهَلْ يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ (١)

حمد می کنم خدای را که نور ما را از نور خود آفرید و ما را از بین بهترین بندگان برگزید و ما را امینان بر خلق و وحی خویش قرار داد.

ای مردم من محمد فرزند علی الرضا فرزند موسی الکاظم فرزند جعفر الصادق فرزند محمد الباقر فرزند علی سید الساجدین فرزند حسین الشهید فرزند امیرالمومنین علی بن ابیطالب فرزند فاطمه زهرا دختر محمد مصطفی علیهم السلام اجمعین هستم.

آیا درباره مثل من شک می کنید و بر خدای تبارک و تعالی و بر جد بزرگوارم افترا می بندید و از روی حقد و کینه از ما دوری می جوئید.

ص: ۳۶۲

سوگند می خورم به پروردگار که من آگاه ترم از آنچه را که در سر وجود شما و ذهنتان می گذرد من به خدا قسم اعلم از همه مردم به رفتارشان هستم. من جز حق نمی گویم و آنچه اظهار می کنم از روی صداقت و آگاهی است و خداوند این علم و صداقت ما را قبل از آنکه همه موجودات را خلق کند به ما داده و خیرش را نیز رسانده است.

قسم به پروردگار اگر نبود تظاهر و تبلیغات باطل بر علیه ما و نیرنگ های فرزندان کفر بر خلاف ما و تلاش اهل شرکت و شک و تفرقه اندازها بر علیه ما می گفتم سخنانی را که اولین و آخرین از مردم دنیا را به شگفتی وادارد.

در این لحظه ناگاه حضرت دست بر دهان مبارک گذاشت سپس به خود فرمود ای محمد سکوت کن و چیزی مگو همان طور که پدران سکوت کردند و صبر کن همچنان که پیامبران الوالعزم از بین رسولان الهی صبر کردند و درباره این مردم شکاک عجه مکن اینها به زودی به آنچه را که خداوند به آنها وعده داده خواهند رسید و مشاهده خواهند کرد و آیا این مردم فاسق نیستند که هلاک می شوند؟

وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيَرَةِ وَ ارْشَدْتَ بِهِ مَنِ اهْتَدَى وَ زَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكَّى :

امام حسن عسکری علیه السلام سه نقش مهم را در دوران امامت جواد الائمه علیه السلام بیان می کند. ۱- نجات مردم از سرگردانی ۲- ارشاد آنانی که طالب هدایت بودند و تزکیه کسانی که می خواستند پاکیزه شوند.

چه سرگردانی بالاتر از اینکه اشخاص ندانند که امام بعد از امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام کیست آیا امام رضا علیه السلام که فقط یک فرزند دارد آن هم در حالی که نوجوان است می تواند پاسخگوی نیازهای علمی و اعتقادی و فقهی و همه شبهات مردم باشد؟

آری امام جواد علیه السلام در مناظرات و گفت و گوهایش مردم را از سرگردانی رهایی بخشید و با سن کم خود ثابت کرد که امامت یک امر آسمانی و الهی است کوچک و بزرگ ندارد و می تواند با عظمت علم لدنی و خدادادی خویش به مبارزه همه

مدعیان علم و دانش از فرقه های مختلف برود و اینک به یک نمونه از موارد مختلف توجه کنید:

مامون الرشید مجلسی ترتیب داد که در یک طرف امام جواد علیه السلام نشست و یحیی بن اکثم از علما بزرگ مخالفین اهل بیت علیهم السلام در مقابل حضرت نشست.

یحیی بن اکثم به مامون گفت اجازه می دهید از ابوجعفر سوالی بنمایم؟ مامون گفت از خود او اجازه بخواه.

یحیی به امام علیه السلام رو کرد و گفت فدایت شوم اجازه می دهی سوالی مطرح کنم؟ امام علیه السلام فرمود اگر می خواهی بپرس.

یحیی گفت در مورد کسی که در حال احرام شکاری را بکشد چه می فرمایید؟ امام علیه السلام فرمود این مساله صورت های فراوانی دارد آیا در خارج حرم بوده یا در داخل حرم از حرمت این کار اطلاع داشته یا بی اطلاع بوده عمدتاً کشته یا سهواً عبد بوده یا آزاده صغیر بوده یا کبیر بار اول او بوده که چنین کاری کرده یا بار دوم صید پرنده بوده یا غیر پرنده کوچک بوده یا بزرگ کشنده از کار خود پشیمان شده یا قصد تکرار آن را دارد در شب صید کرده یا در روز احرام از او احرام عمره بوده یا احرام حج. یحیی بن اکثم از اینکه امام که در آن هنگام تقریباً نه ساله بود اصل سوال او را چنین عالمانه تشریح کرد متحیر ماند و آثار عجز و شکست در چهره اش پدیدار شد و زبانش به لکنت افتاد چنانکه همه حاضرین قدرت علمی امام شکست یحیی را دریافتند.

مامون از امام جواد علیه السلام تقاضا کرد که خود پاسخ صورت های گوناگون صید در حال احرام را بگوید و امام پذیرفت و به تفصیل به شرح آن پرداخت. مامون با شنیدن پاسخ امام را بسیار تحسین کرد و تقاضا نمود این بار امام علیه السلام از یحیی بن اکثم مساله ای پرسید امام رو به یحیی کرد و فرمود آیا بپرسم؟

یحیی که شکست خورده و مرعوب عظمت علمی امام بود گفت میل شماست

فدایتان شوم اگر بدانم پاسخ می دهم و اگر ندانم از خود شما استفاده می کنم و می آموزم.

امام علیه السلام فرمود بگو چگونه است که مردی در بامداد بر زنی نگاه کرد در حالی که این نگاه کردن بر او حرام بود و هنگامی که آفتاب بالا آمد بر او حلال شد و چون ظهر شد بر او حرام شد و چون عصر در رسید بر او حلال شد و چون آفتاب غروب کرد بر او حرام شد و شب هنگام نماز عشاء بر او حلال شد و نیمه شب بر او حرام شد و چون صبح برآمد بر او حلال شد چرا چنین بود و بر چه جهت بر او حلال می شد و حرام می شد؟

یحیی گفت به خدا قسم پاسخ و چگونگی آن را نمی دانم اگر مایلید خودتان بیان فرمایید تا استفاده کنیم

امام علیه السلام فرمود آن زن کنیز مردی بود مرد نامحرمی در بامداد به او نگاه کرد در این حال این نگاه حرام بود هنگامی که آفتاب بالا آمد آن کنیز را از صاحبش خرید بر او حلال شد و چون ظهر شد کنیز را آزاد ساخت بر او حرام شد هنگام عصر با او ازدواج کرد بر او حلال شد چون آفتاب غروب کرد ظهر نمود ظهر یعنی مرد به زن خود بگوید تو به من یا نسبت به من چون پشت مادرم یا خواهرم یا دخترم هستی که در این صورت باید کفاره ظهر را بدهد تا همسرش بر او مجدداً حلال شود و بر او حرام شد و شب هنگام نماز عشاء کفاره ظهر داد بر او حلال شد و نیمه شب یک بار او را طلاق داد بر او حرام شد و چون صبح برآمد رجوع کرد بر او حلال شد.

مامون شگفت زده به خویشان خود که حاضر بودند رو کرد و گفت آیا در میان شما کسی هست که اینگونه پاسخ چنین مسأله ای را بیان کند یا پاسخ مسئله قبلی را بداند همه گفتند نه به خدا سوگند (۱)

ص: ۳۶۵

ارشاد طالبان هدایت و تزکیه کسانی که طالب بودند

وَأَرْشَدَتْ بِهِ مَنِ اهْتَدَى وَزَكَّيَتْ بِهِ مَنْ تَزَكَّى :

درباره دو جمله من اهتدی و من تزکی باید دقت شود که امامان معصوم علیهم السلام و حتی رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم هدایت و تزکیه افراد را بدون خواست خدا نمی توانستند انجام دهند و دیگر اینکه جبر هم نبوده بلکه افراد اعلان آمادگی می کردند و از خود لیاقت هدایت شدن و تزکیه نشان می دادند آنگاه خداوند توسط این بزرگواران آنان را ارشاد و تزکیه می نمودند.

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ (۱)

ای رسول ما اینگونه نیست که هر کس را تو دوست داشته باشی هدایت کنی موفق خواهی شد بلکه هر که را خدا بخواهد خداوند هدایتش می کند.

برای توضیح آیه فوق باید به این آیه توجه کرد أَفَأَنْتَ تُشْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْى وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲)

ای رسول ما آیا تو می توانی سخت را به آدم ناشنوا برسانی و یا آدم کور دل را هدایت کنی و یا آنکه در گمراهی آشکار گرفتار آمده است؟

پس معلوم می شود که رسول خدا با انفاس قدسیه اش توان هدایت افرادی که خود نمی خواهند هدایت شوند ندارد چه برسد به انسان های معمولی.

بنابراین جبری در کار نیست بلکه باید افراد نفس هدایت پذیر داشته باشند و از خود لیاقت دریافت حق و فضیلت را نشان دهند تا خداوند مهربان به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط انبیاء و ائمه طاهرین علیهم السلام و هر ارشاد کننده با ایمان و متقی آنان را به راه راست راهنمایی کند.

حالا چرا بعضی هدایت نمی شوند این مربوط به خودشان است:

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَمَّا يَهْدِيَ الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعَهُمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْعَاثِلُونَ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي

ص: ۳۶۶

این بدین خاطر است که زندگی دنیا را بر آخرت انتخاب کردند و خداوند مردم کافر را هدایت نمی کند.

همین ها هستند که خداوند بر دل ها و گوش ها و چشم هایشان مهر زده و همین ها مردمی غافلند خواه ناخواه در آخرت اینها زیانکارند.

یکی از راه های ایجاد زمینه هدایت سر سپردگی به خاندان عصمت و طهارت است و به سراغ چون امام جواد علیه السلام رفتن است چون آن بزرگوار ارشاد می کند مَنْ اهْتَدَى تَزْكِيهِ مَيِّ نَمَیْد مَنْ تَزَكَّى كَسَى رَا كَه هِدَايَتٍ پَذِيرِ اسْتِ تَزْكِيهِ مَيِّ كُنْد آنكه را كه تزكیه پذیر است.

جد بزرگوارش امیرالمومنین علی علیه السلام درباره مجموعه معصومین می فرماید:

بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلُمَاءِ وَ تَسْنِمْتُمُ الْعَلْيَاءِ وَ بِنَا انْفَجَرْتُمْ عَنْ السَّرَارِ

در آن هنگام که در تاریکی های جهل و گمراهی به سر می برید به وسیله ما هدایت شدید و مثل کسی که بر روی کوهان شتر سوار باشد به مقام رفیع نایل آمدید و به یاری ما از شب تاریک به بامدادی روشن رسیدید.

آنگاه امیرالمومنین در ادامه می فرماید: وَقَرَّ سَمْعٌ لَمْ يَفْقَهُ الْوَاعِيهِ وَ كَيْفَ يُرَاعِي النَّبَاهَ مِنْ أَصَمَّتُهُ الصَّيْحَةُ(۲)

کر باد گوشه که فریاد حق را نشنود آن کس که بانگ بلند گوش او را کر ساخته چگونه صدای آرام و نرم را تواند شنید.

امام جواد علیه السلام که خود قرآن ناطق است کاری را می کند که قرآن صامت می کند.

وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا(۳)

و از این قرآن آیه ها نازل می کنیم که برای مومنان شفا و رحمت است و ستمگران

ص: ۳۶۷

۱- نحل ۱۰۷ تا ۱۰۹

۲- نهج البلاغه خطبه ۴

۳- اسراء ۸۲

را جز خسارت نمی خزاید.

بعضی که نمی خواهند هدایت شوند و یا تزکیه گردند اگر تمام قرآن را هم بر ایشان بخوانیم و تفسیر و تبیین کنیم باز به راه نمی آیند در حالی که این قرآن اگر بر کوه ها نازل می شد از خوف و خشیت الهی می لرزیدند و از هم می پاچیدند حالا ببینید بعضی دل ها چقدر سخت است که از نظر قساوت سخت تر از سنگ کوه شده اند.

لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (۱)

اگر این قرآن را بر کوه نازل می کردیم می دیدی که از خوف و خشیت الهی فروتن و متلاشی می شد و اینها مثال هایی است که برای مردم می زنیم تا شاید بیندیشند.

نمونه روشن نداشتن لیاقت پندپذیری و اصلاح درون کردن مامون الرشید و برادرش معتصم عباسی و دختر مامون ام الفضل همسر امام علیه السلام بودند که مامون با آن همه مجالست و دیدار با امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام و فرزندش جواد الائمه علیه السلام امام رضا علیه السلام را به شهادت رساند و دخترش ام الفضل به تحریک معتصم امام جواد علیه السلام را شهید کرد.

معتصم زهری برای ام الفضل فرستاد که داخل طعام حضرت بریزد ام الفضل انگور رازقی را زهر آلوده کرد و برای امام علیه السلام آورد و امام به محض تناول اثر زهر را در بدن خویش مشاهده کرد امام علیه السلام فرمود سزای عملت را خواهی دید قسم به خدا به بلایی مبتلا خواهی شد که مرهم پذیر نباشد. (۲)

ص: ۳۶۸

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ وَ إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ وَ خَلْفِ أَيْمَةِ الدِّينِ وَ الْحُجَّهِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشِّرْ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ وَ أَنْذِرْ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ وَ حَذِّرْ بِأَسْكَ وَ ذَكِّرْ بِآيَاتِكَ وَ أَحِلِّ حَلَالَكَ وَ حَرِّمْ حَرَامَكَ وَ بَيِّنْ شَرَائِعَكَ وَ فَرَائِضَكَ وَ حُضِّ عَلَى عِبَادَتِكَ وَ أَمْرِ بِطَاعَتِكَ وَ نَهْيِ عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَ ذُرِّيِّهِ أَنْبِيَائِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْأَوْصِيَاءِ:

امام حسن عسکری علیه السلام عرضه می دارد پروردگارا بر علی بن محمد که وصی اوصیاء بود درود فرست.

امام دهم علیه السلام طبق فرمایش پدر بزرگوارش جواد الائمه علیه السلام وصی و جانشین بعد از خودش بود چنانکه فرمود:

إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي ابْنِي عَلِيٌّ أَمْرُهُ أَمْرِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي وَالْإِمَامَةُ بَعْدَهُ فِي ابْنِهِ الْحَسَنِ (۱)

امام پس از من فرزندم علی است فرمان او فرمان من است سخن او سخن من و اطاعت از او اطاعت از من و پس از او امامت به فرزندش حسن می رسد.

القاب امام دهم علیه السلام طبق نقل مرحوم مجلسی عبارتند از النجیب، الهادی، النقی، العالم، الفقیه، الامین، الموتمن، الطیب، العسکری.

به امام هادی و فرزندش امام حسن عسکری گفتند زیرا که جایی به نام عسکر که در واقع پادگان نظامی بوده محل سکونتشان قرار داشته است.

ص: ۳۷۰

امام هادی علیه السلام متولد محلی به نام صریا در اطراف مدینه الرسول صلی الله علیه و آله وسلم بود که به اجبار حکومت زمان از مدینه به سامراء منتقل گردید. امام هادی علیه السلام بیشترین دوران عمر شریفش را در عصر متوکل عباسی یکی از پست ترین و شقی ترین زمامداران بنی عباس سپری کرد.

بد نیست که بدانید متوکل عباسی یزید وار زندگی می کرد و یزید وار عمل می نمود مجالس او اغلب با لهو و لعب و طرب و عیاشی همراه بود متوکل یکی از مکان های شکنجه اش برای مخالفش تنور آتشین بود.

متوکل برای آموزش دو پسر خود معتز و موید ابن سکیت را انتخاب کرد یک روز از او پرسید که دو پسر من نزد تو بهترند یا حسن و حسین علی بن ابیطالب ابن سکیت گفت قبر غلام علی علیه السلام از دو پسران تو برتر است. متوکل جنایتکار دستور داد زبانش را قطع کردند و بدنش را زیر پای اسب ها قرار دادند به گونه ای که تمام بدنش کوبیده شده و از دنیا رفت.

یکی از کسانی که با متوکل در ارتباط بود آوازه خوانی بود که هنگام شرب خمر آن ملعون برایش آوازه خوانی می کرد یکبار مجلسی ترتیب داد و دستور داد که آوازه خوان معروفش را احضار کنند گفتند به سفر رفته ماه شعبان بود و او به سفر کربلا به قصد توبه و زیارت حضرت سید الشهداء رفته بود در هنگامی که مراجعت کرد یکی از کنیزان خود را نزد متوکل فرستاد متوکل از او پرسید در این ایام کجا رفته بودید گفت با خانم خود به سفر حج رفته بودیم متوکل گفت در ماه شعبان به حج رفته بودید کنیز گفت منظور زیارت قبر امام حسین علیه السلام است که ثواب حج دارد. متوکل از شنیدن این کلام در غضب شد که کار قبر حسین بن علی به جایی رسیده که زیارت او را حج گویند در این موقع دستور داد تا آن خانم کربلا رفته را دستگیر کردند و به زندان انداختند و تمام اموالش را مصادره کردند. آنگاه یکی از یاران خود به نام دیزج که مردی یهودی بود برگزید و به او دستور داد می روی و قبر حسین بن علی را شخم می زنی و به طور کلی تخریب می کنی و هر کس به

زیارت او آمد عقوبت و شکنجه می نمایی.

دیزج با علجه بسیار سر قبر شریف رفت اطرافیانش هیچ کدام جزئت نکردند که اقدام به خراب کردن قبر کنند در نتیجه دیزج یهودی بیل در دست گرفت و اطراف قبر شریف را خراب کرد آنگاه سایر کارگران جرئت یافته اقدام به تخریب تمام قبر نمودند.

در آخر یک درخت سدر نزدیک قبر مطهر بود که برای دوستان اهل بیت نشانی از قبر بود دشمنان متوجه این علامت شدند آن درخت را نیز از ریشه در آوردند.

در روایت آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم سه بار فرموده بود: لَعَنَ اللَّهُ قَاطِعَ السِّدْرَةِ خدا لعنت کند قطع کننده درخت سدر را.

در بعضی موارد نقل شد که متوکل هفده بار خواست که قبر مطهر حسین بن علی علیه السلام محو شود ولی باز مردم علامت گذاری می کردند تا اینکه عضد الدوله دیلمی بنیان عمارت و بقعه و رواق برای نجف و کربلا بنا نمود و دیگر کسی متعرض این قبور مطهر نشد. (۱)

حالا این متوکل ستمکار امام هادی علیه السلام را تحت نظر قرار داده و از وطن خود به نزد خود در محاصره نظامیان در آورده تا مبادا مردم ولایی اطراف او را بگیرند و حکومتش متزلزل شود.

یکبار حضرت به مجلس متوکل وارد شد و نزدیک او نشست متوکل در عمامه آن حضرت دقت کرده دید قماش و پارچه آن بسیار نفیس است از روی اعتراض گفت این عمامه را چند خریده ای؟ فرمود کسی که برای من آورده پانصد درهم نقره خریده است متوکل گفت اسراف کرده ای که عمامه ای به پانصد درهم نقره بر سر بسته ای.

امام هادی علیه السلام فرمود شنیده ام در همین روزها کنیز زیبایی به هزار دینار سرخ

ص: ۳۷۲

خریداری کرده ای؟

متوکل جواب داد صحیح است فرمود من به پانصد درهم عمامه ای گرفته ام برای شریف ترین عضو بدنم تو هزار دینار زر سرخ کنیزی خریده ای برای پست ترین اعضایت انصاف بده اسراف کدامست؟

متوکل بسیار خجل و شرمنده گردید گفت انصاف آن است که ما را در اعتراض نسبت به بنی هاشم صرفه ای نیست. (۱)

عده از منافقین نزد متوکل رفتند و سخن چینی کردند و گفتند در منزل امام هادی علیه السلام اسلحه و نوشته ها و چیزهای دیگر هست که از شیعیان او در قم به او رسیده و او عازم تهاجم بر دولت است. متوکل گروهی را به منزل آن گرامی فرستاد و آنان شبانه به خانه آن حضرت هجوم بردند ولی چیزی به دست نیاوردند آنگاه امام را در اتاقی تنها دیدند که در به روی خود بسته و لباسی پشمین بر تن دارد و بر زمین سنگفرش نشسته و به عبادت خدا و تلاوت قرآن مشغول است.

امام علیه السلام را به همان حال نزد متوکل بردند و به او گفتند در خانه اش خبری نیافتیم و او را رو به قبله دیدیم که قرآن می خواند.

متوکل چون امام را دید عظمت و هیبت امام او را گرفت و بی اختیار آن حضرت را احترام کرد و از حضرت عذرخواهی نمود.

وَ إِمَامِ الْأَتْقِيَاءِ وَ خَلَفِ أَيْمَةِ الدِّينِ وَ الْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ :

امام حسن عسکری علیه السلام عرضه می دارد خدایا درود فرست بر امام پرهیزکاران و جانشین امامان دین و آن کسی که حجت است بر همه مخلوقات.

چرا فقط امام اتقیاء و پرهیزکاران در حالی که امام قلب عالم امکان است و پیشوای همه جهانیان است به احتمال زیاد منظور امام حسن عسکری علیه السلام آن است که این متقین هستند که می توانند از وجود مبارک امام علیه السلام بهره ببرند به همین دلیل

ص: ۳۷۳

در عصر همه ائمه طاهرين عليهم السلام شاهد و ناظر تاريخ زندگاني آن گراميان هستيم که عده ای هر روز امام زمان خود را می دیدند و سخنان گوهر بارشان را می شنیدند اما به امامتشان اعتقاد نداشتند و بلکه امثال متوکل ها در مقام اذیت و آزار و در پایان هم ایشان را به شهادت می رساندند. درباره پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله وسلم وضع نیز این چنین بود.

همسایه دست راست رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم ابولهب و همسر مردم آزارش حماله الحطب بود و همسایه سمت چپ حضرت عقبه بن ابی محیط. هر دو خانواده شرور و رذل بودند جبرئیل بین این دو خانه بارها و بارها بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم نازل می شد و وحی الهی را بر قلب نازنین رسول خدا القاء می کرد و آوای وحی الهی در آن محل طنین انداز بود و هر روز این دو همسایه هم پیامبر را زیارت می کردند و هم سخنانش را می شنیدند. دیدیم هر دو خانواده نه تنها اصلاح نشدند و دست از افکار و رفتار جاهلی خویش برنداشتند بلکه در مقام مبارزه به آن حضرت بودند تا آنجا پیش رفتند که خداوند درباره ابولهب فرمود:

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ (۱)

بریده باد هر دوست ابی لهب و بریده گردید.

ثروتش و آنچه به دست آورد کاری برایش انجام نداد بزودی وارد آتش شعله ور می شود با همسرش که هیزم شکن است و طنابی از لیف خرما به گردن دارد.

آن وقت همین پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آدم های متقی را از دورترین نقطه کره زمین به حجاز جذب کرد و به حضرتش ایمان آوردند صهیب از روم ، بلال از حبشه، اباذر از جنوب لبنان و سلمان از فارس و ایران.

ص: ۳۷۴

بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ملاحظه کنید مخاطبین یازده هزار کلمات قصار و صدها خطبه و نامه های آموزنده مولایمان علی علیه السلام چه کسانی بودند آیا همه از پرتو وجود آن بزرگوار بهره بردند یا اینکه حضرتش فقط امام متقین بود و بی تقواها نه حرف های حضرت را گوش دادند و نه به آن عمل کردند و بلکه به جنگ و ستیز با حضرتش برخاستند و سه جنگ بزرگ را بر آن گرامی تحمیل کردند و نگذاشتند امام علیه السلام صدای رسایش را به جهانیان برساند.

آنکه با تقوا بود اگر بند بند اعضایش را قطع می کردند دست از مرام و راه علی علیه السلام و ارادت به ایشان بر نمی داشت و آنکه بی تقوا بود حق مسلم او را گرفت خانه نشینش کرد و تندروها جنگ جمل و صفین و نهروان را بر علیه او به راه انداختند.

امام هادی علیه السلام امام المتقین است زیرا در عصر ایشان نیز همان وضع ادامه داشت یکی خود را به زحمت می انداخت که به هر قیمت شده خود را به امام برساند و از محضرش کسب فیض کند و دیگری در مقام سعایت و آزار حضرت بر می آمد.

صقر بن ابی دلف گفت در آن هنگام که متوکل عباسی امام هادی علیه السلام را زندانی کرد من نگران شدم برای آن که از حضرت اطلاعی پیدا کنم به سراغ زراقی زندانبان متوکل رفتم همین که چشمش به من افتاد گفت حالت چطور است؟ جواب دادم خوب گفت بنشین من ترسیدم و با خود گفتم اگر این مرد منظورم را از آمدن به اینجا بفهمد چه خواهد شد به همین جهت به او گفتم راه را اشتباه آمده ام.

وقتی مردم از اطرافش پراکنده شدند پرسید برای چه آمده ای گفتم مایل بودم خبری بگیرم گفت شاید آمده ای از آقایت خبر بگیری؟

با تعجب سوال کردم آقا کیست آقایت من متوکل است گفت ساکت باش آقایت حقیقی همان آقایت توست از من مترس با تو هم مذهب هستم.

گفت الحمدلله پرسید میل داری آقایت را ملاقات کنی جواب دادم آری گفت بنشین تا متصدی اخبار و نامه ها از خدمتش خارج شود.

همین که آن مرد بیرون شد به غلامی گفت دست صقر را بگیر ببر در همان اتاقی که آن مرد علوی زندانی است آن دو را با یکدیگر تنها بگذار.

مرا نزدیک اتاقی برد اشاره کرد همین جا است داخل شو دیدم امام علیه السلام بر روی حصیر نشسته در مقابلش قبری کنده اند. سلام کردم دستور داد بنشینم آنگاه پرسید برای چه آمده ای عرض کردم آمدم از شما خبر بگیرم در این حال دوباره چشمم به قبر افتاد گریه ام گرفت آن بزرگوار متوجه شده فرمود صقر ناراحت نباش اینها نمی توانند مرا آزاری برسانند خدای را سپاسگزاری کردم.

عرض کردم آقای من حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده معنی آن را نمی فهمم پرسید کدام حدیث؟ گفتم لَا تَعَادُوا الْأَيَّامَ فَتَعَادِيكُمْ رَوْزَهَا را دشمن ندارید که با شما دشمنی می ورزند.

فرمود ایام ما خانواده هستیم تا آسمان ها و زمین پایدار باشد.

شنبه به نام رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم است یکشنبه امیرالمومنین علی علیه السلام (فاطمه زهرا علیها السلام) دوشنبه امام حسن و امام حسین علیها السلام سه شنبه علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیهم السلام چهارشنبه موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و من هستیم پنجشنبه پسر امام حسن عسکری و جمعه پسر پسر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

جمعیت حق به سوی او حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اجتماع می کنند اوست که زمین را پر از عدل و داد میکند همان طور که از ظلم و جور پر شده است. این است معنی ایام مبادا با آنها در دنیا دشمنی کنید که آنها نیز در آخرت با شما دشمنی خواهند کرد آنگاه فرمود وداع کن و خارج شو که بر تو اطمینان ندارم. (۱)

وَالْحُجَّةُ عَلَى الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ:

ص: ۳۷۶

امام معصوم بر جن و انس و همه موجودات حجت است خداوند مقام خلیفه الهی را بر این بزرگواران عنایت کرده همان طور که بر انبیاء علیهم السلام چنین رتبه ای را عنایت فرموده و برای نمونه به حضرت داود علیه السلام خطاب می کند:

يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ (۱)

ای داود ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم بین مردم به حق قضاوت کن ابوحمزہ ثمالی می گوید برای رسیدن به خدمت امام باقر علیه السلام اجازه خواستم.

به من گفته شد عده ای نزد آن حضرت هستند کمی صبر کن تا بیرون بیایند.

پس از لحظاتی افرادی بیرون آمدند که من آن ها را نشناختم آن حضرت به من اجازه شرفیابی داد.

خدمت رسیدم و عرض کردم فدایت شوم اینک زمان بنی امیه است و از شمشیرهایشان خون می چکد و شما با اینان ملاقت می کنی؟ فرمود:

يَا اباحمزه هولاء وَقَدْ شِيعَتْنَا مِنَ الْجِنَّ جَاوُوا يَسْأَلُونَنَا عَنْ مَعَالِمِ دِينِهِمْ (۲)

ای اباحمزہ آنها هیاتی از جنیان شیعه ما بودن که برای پرسش از مسائل دینی خود آمده بودند.

وقتی گفته می شود حجت بر خلائق شما بر انسان و جن و حیوان و نبات و جماد می شود به این قسمت توجه کنید یک روز متوکل برای کشتن امام هادی علیه السلام به حساب خود نقشه شومی کشید فرمان داد سه راس از درندگان را به محوطه کاخ او بیاورند آنگاه حضرت هادی علیه السلام را به کاخ خود دعوت کرد و چون آن گرامی وارد محوطه کاخ شد دستور داد درب کاخ را ببندند. اما درندگان دور امام می گشتند و نسبت به او اظهار فروتنی می کردند و امام با آستین خویش آنان را نوازش می کرد. سپس امام به بالا نزد متوکل رفت و مدتی با او صحبت کرد و بعد پایین آمد و باز درندگان همان رفتار قبلی را نسبت به امام تکرار کردند تا امام از کاخ خارج شد به

ص: ۳۷۷

۱- ص ۲۶

۲- تفسیر نورالثقلین ج ۵ ص ۴۳۳

متوکل گفتند پسر عموی تو امام هادی علیه السلام با درندگان چنان رفتار کرد که دیدی تو نیز همین کار را بکن.

گفت شما قصد قتل مرا دارید فرمان داد این جریان را فاش نسازند. (۱)

اللَّهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ :

امام حسن عسکری علیه السلام درباره پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام به پیشگاه پروردگار عرضه می دارد خدایا همچنان که او را نوری قرار دادی تا مومنین از وجودش کسب نور کنند.

فرق است بین مومن و مسلمان به هر گوینده لا اله الا الله و محمد رسول الله را می توان اطلاق مسلمان کرد اما مومن به کسی می گویند که دوازده امامی باشد و همه پایه های ایمان را که محکم ترین و کامل ترین آن ها ولایت است باور داشته باشد.

امام باقر علیه السلام در دو روایت به طور صریح به این موضوع اشاره فرموده است.

بَنِي الْإِسْلَامِ عَلَيَّ خُمْسَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ (۲)

اسلام بر پنج پایه استوار است نماز زکات روزه حج و ولایت و برای هیچ چیز به اندازه ولایت فریاد زده نشده است.

بَنِي الْإِسْلَامِ عَلَيَّ خُمْسُهُ أَشْيَاءُ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ قَالَ زُرَّارَةُ فَقُلْتُ وَ أَيْ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ فَقَالَ الْوَلَايَةُ أَفْضَلُ لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهَا وَالْوَالِي هُوَ الدَّلِيلُ عَلَيْهَا (۳)

اسلام بر پنج چیز استوار است نماز زکات حج روزه و ولایت زراره می گوید پرسیدم از میان آنها کدام برتر است فرمود ولایت برتر است زیرا ولایت کلید آنهاست و صاحب ولایت راهنمای به سوی آنها.

ص: ۳۷۸

۱- احقاق الحق ج ۱۲ ص ۴۵۱

۲- احقاق الحق ج ۱۲ ص ۴۵۱

۳- احقاق الحق ج ۱۲ ص ۴۵۱

خوانندگان عزیز حتما عبارت امام حسن عسکری علیه السلام را درباره پدر بزرگوارش متوجه شدند که جَعَلَتْهُ نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ اشاره به همین حقیقت است که آنانی که محروم از پذیرش ولایت ائمه طاهرین علیهم السلام هستند نمی توانند کسب نور از وجود مبارک معصومین علیهم السلام کنند.

یکی از آن انوار طیبه که از امام هادی علیه السلام جهان تشیع را نورانی کرده و پذیرفته گان ولایت را به خود جذب کرده دایرالمعارفی است که به یادگار از امام دهم علیه السلام به یادگار برای ارادتمندان به خاندان عصمت و طهارت باقی مانده است و آن زیارت جامعه کبیره است که در بردارنده عصمت و طهارت صفات و کمالات نورانی چهارده معصوم علیهم السلام است و اگر کسی به هزاران روایت و آیاتی که در شان عترت وارد و نازل شده مراجعت نکند و فقط جامعه کبیره را مورد مطالعه و کتاب مرجع خویش در شناخت مقامات اهل بیت علیهم السلام قرار دهد کافی است که امام شناس واقعی با معرفتی بالا شود.

زیارت جامعه کبیره را مرحوم علامه مجلسی نقل می کند و درباره اهمیت این زیارت می گوید:

أَنَّهَا أَصَحُّ الزِّيَارَاتِ سَنَدًا وَ أَعَمُّهَا مَوْرِدًا وَ أَفْصَحُهَا لَفْظًا وَ أَبْلَغُهَا مَعْنَى وَ أَعْلَاهَا شَأْنًا (۱)

زیارت جامعه کبیره از همه زیارت ها سندش صحیح تر و عمومیت جایگاهش بیشتر و از جهت الفاظ فصیح تر و از لحاظ معانی بلیغ تر و از حیث علو شان عالی تر است.

مرحوم محدث قمی این زیارت پر ارزش را از من لا-یحضر الفقیه و عیون اخبار الرضا علیه السلام اینگونه نقل می کند که موسی بن عبدالله نخعی گفت به محضر امام هادی علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم برای من زیارتی را درباره معصومین علیهم السلام با بلاغت که کامل باشد تعلیم فرمایید که هرگاه خواستم

ص: ۳۷۹

یکی از شما بزرگواران را زیارت کنم بخوانم آنگاه امام مجموعه زیارت موجود را به وی تعلیم دادند. (۱)

برای آنکه پژوهشی کوتاه به بعضی از فرازهای این زیارت جامع داشته باشیم خوب است به بعضی از نکات معرفتی و ولایی این زیارت به ویژه آن بخش هایی را که خطاب به معصومین و مقام و رتبه ایشان می کنیم داشته باشیم:

۱- أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ دُودِمَانِ نَبُوتِ

۲- مَوْضِعُ الرِّسَالَةِ جَايْگَاهِ رِسَالَتِ

۳- مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ مَرْكَزِ رِفْتِ وَ آمَدِ فَرِشْتِگَانِ

۴- مَهْبِطُ الْوَحْيِ فِرُودِگَاهِ وَحْيِ وَ پِیامِ رَمزِیِ پَرُورِدِگَارِ

۵- مَعْدِنُ الرَّحْمَةِ کَانُونِ رَحْمَتِ الهیِ

۶- خُزَّانُ الْعِلْمِ خَزَانَهُ دَارَانِ دَانِشِ

۷- مُنْتَهَى الْجِلْمِ حَدِ اَعْلَایِ بَرْدِبارِیِ

۸- أَصُولُ الْکَرَمِ رِیشَه هَایِ جَوَانمَرْدِیِ

۹- قَادَةُ الْأُمَمِ پِیشروانِ مِلتِ هَا

۱۰- أَوْلِيَاءُ النَّعَمِ صَاحِبَانِ وَاقِعِیِ نَعْمَتِ هَا

۱۱- عَنَاصِرُ الْأَبْرَارِ عَنصرهایِ نِیکانِ

۱۲- دَعَائِمُ الْأَخْيَارِ سَتُونِ هَایِ خُوبانِ

۱۳- سَاسَةُ الْعِبَادِ رَهبرانِ سِیاسِیِ مَرْدَمِ

۱۴- اَرْکَانُ الْبِلَادِ بَنیادِ شَهرها

۱۵- أَبْوَابُ الْإِيْمَانِ درهایِ اِیمانِ

۱۶- أُمَنَاءُ الرَّحْمَنِ امینانِ خدایِ مَهربانِ

۱۷- سَلَالَةُ النَّبِيِّینَ چَکِیده پِیامبرانِ

١- من لا يحضره الفقيه ج ٢ ص ٦٠٩. عيون اخبار الرضا عليه السلام ج ٢ ص ٢٧٧. تهذيب الاحكام شيخ طوسي ج ٦ ص ٩٥

۱۸- صَفْوَةُ الْمُرْسَلِينَ برگزیده رسولان

۱۹- عَتَرَهُ خَيْرُهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ بَرَكَاتِهِ وَ اصل نسل بهترین منتخب پروردگار جهانیان و رحمت خدا و برکات پروردگار

۲۰- مُحَالٌ معرفه الله جایگاه شناخت خدا

۲۱- مَعَادِنِ حُكْمِهِ اللَّهُ کانون های حکمت خدا

۲۲- حِفْظُهُ سِرِّ اللَّهِ حافظان اسرار الهی

۲۳- حَمَلُهُ كِتَابَ اللَّهِ حمل کنندگان کتاب خدا

۲۴- الدَّعَاءُ إِلَى اللَّهِ دعوت کنندگان به سوی خدا

۲۵- الْمُشْتَقَرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ برقرار گشتگان در فرمان خدا

۲۶- وَ الْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ ظاهر کنندگان فرمان خدا

۲۷- بَقِيهِ اللَّهِ بازمانده و ذخیره الهی

۲۸- الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهَيَّدُونَ الْمُعْصُومُونَ الْمَكْرُمُونَ الْمُقَرَّبُونَ امامان ارشاد کننده هدایت شده و هدایت کننده معصوم و گرامی و مقرب در گاه الهی

۲۹- تَرَاجِمِهِ لَوْحِهِ مترجمان وحی الهی

۳۰- طَهْرُكُمْ مِنَ الدَّنَسِ خداوند آیه تطهیر در شان شما نازل کرد و شما را از هر پلیدی پاکیزه کرد

۳۱- بَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ شما جان خود را در راه رضای پروردگار فدا کردید

۳۲- مِيرَاثِ النَّبَوَةِ عندكم میراث نبوت نزد شماست

۳۳- أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَامِ شما هستید راه محکم تر

۳۴- شُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَ شُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ شاهدان در دنیان و شفیعیان در آخرت

۳۵- وَ الْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ محل آزمایش مردم شماست

۳۶- مِنْ أَنْتِيَاكُمْ نَجِيٌّ وَ مَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكٌ هر که نزد شما آمد نجات یافت و هر که نیامد هلاک شد

۳۷- مِنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ هَرَّكَهُ مَنْكَرٌ شَمَا شُودَ كَافِرٌ اسْتَوَى هَرَّكَهُ بِأَشْمَا جَنْكَ كَنْدَ مُشْكِرٌ اسْتَوَى

۳۸- بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتَمُ بِهِ وَجُودُ شَمَا خَدَاوَنْدَ خَلَقَتْ رَا آغَاظَ كَرْدَ وَ بَه وَجُودُ شَمَا پَايَاَن دَهْدَ

۳۹- كَلَامَكُمْ نُورٌ وَ أَمْرَكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى وَ فَعْلُكُمْ الْخَيْرُ وَ عَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ سَخَنَ شَمَا نُورٌ اسْتَوَى
فَرْمَاَنَ شَمَا بَاعَثَ رَشِدٌ وَ تَعَالَى اسْتَوَى سَفَارَشَ شَمَا بَرِ پَرهِيْزَ كَارِي اسْتَوَى كَارَ شَمَا خَيْرٌ اسْتَوَى شِيُوَهَ شَمَا اِحْسَاَنٌ وَ رُوشٌ وَ مَنَشَ شَمَا
كَرَمٌ اسْتَوَى.

۴۰- بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَ نَفْسِي بِدَرَمٍ وَ مَادَرَمٍ وَ خُودَمٍ فَدَايَ شَمَا

به چند جمله در شماره ۳۹ دقت کردید حالا به منش گوینده سخن دقت نمایید:

ابوهاشم جعفری نقل می کند که من در فشار اقتصادی شدیدی قرار گرفتم به محضر امام هادی علیه السلام شرفیاب شدم به
من اجازه فرمود که بنشینم و بعد فرمود ای اباهاشم می خواهی شکر کدام نعمت الهی را به جا آوری گفت متحیر ماندم که در
پاسخ امام چه بگویم.

امام علیه السلام فرمود خداوند تبارک و تعالی به تو روزی ایمان عنایت فرموده بدنت را به آتش جهنم حرام کرده به تو برای
انجام طاعات عافیت و سلامتی داده تو را روزی قناعت داده تا به ابتذال کشیده نشوی.

بعد آن بزرگوار فرمود ابتدا من شروع به صحبت کردم زیرا گمان بردم که می خواهی لب به شکایت بگشایی دستور دادم که
صد دینار برایت بیاورند و تو آن را قبول کن. (۱)

روزی امام هادی علیه السلام برای انجام کاری از سامرا بیرون رفته بود عربی از ایشان جستجو کرد او را به مکان حضرت در
خارج شهر راهنمایی کردند پس از آنکه

ص: ۳۸۲

شرفیاب شد عرض کرد من از اعراب کوفه و از ارادتمندان خانواده شما هستم. قرضی سنگین دارم که کسی جز شما سراغ ندارم بدهی مرا ادا نماید حضرت فرمودند ناراحت نباش و دستور دادند بنشیند آنگاه فرمود من به تو یک راهنمایی می کنم مبادا مخالفت با گفته من کنی. به خط خودم اقرار می کنم که تو مبلغی از من طلبکاری وقتی که به شهر آمدیم به منزل من بیا و تقاضای کار سازی آن مبلغ را بنما هر چه مهلت خواستم تو درستی کن و پول خود را بخواه و در آنچه گفتم کوتاه کن و پول خود را بخواه و در آنچه گفتم کوتاهی کن.

چون حضرت به شهر تشریف بردند مرد عرب وارد مجلس ایشان شد در موقعی که عده ای حضور داشتند در میان آنها بعضی از اطرافیان خلیفه نیز بودند. مرد عرب طلب خود را خواست هر چه حضرت از او تقاضای صبر و تمدید مدت کردند راضی نشد و با درستی درخواست وجه را می کرد عاقبت ایشان از پرداخت فوری پوزش خواستند ولی او نپذیرفت.

اطرافیان خلیفه جریان را به او رساندند این مضیقه مالی و تنگدستی حضرت فرستاد آن بزرگوار عرب را خواستند و تمام پول را در اختیار او گذاشتند فرمودند قرض خود را بده و بقیه را صرف خانواده خویش کن. گفت ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به یک سوم از این مبلغ کار من درست می شد راستی چنین است **اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ** خداوند می داند رسالتش را در چه کسانی قرار دهد. (۱)

فَبَشِّرَ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ وَ أَنْذَرَ بِالْأَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ وَ حَذَرَ بِأَسْكَ:

امام حسن عسکری علیه السلام عرض می کند خدایا امام هادی علیه السلام شخصیتی بود که مردم را به ثواب شایان تو مژده داد و به کیفر دردناک گناهان بیم داد و مردم را از لغزش ها که نتیجه اش سخت گیری تو بر آنها است بر حذر داشت.

ص: ۳۸۳

یکی از کارهای ائمه طاهرين عليهم السلام ايجاد روحیه توازن خوف و رجاء در پيروان مکتب اسلام بود. در گفتار و رفتار نه آن قدر امید کاذب ایجاد می کردند که افراد همه نوع گناهی مرتکب شوند و خود را معاقب و گرفتار عذاب ندانند و نه آنقدر از خوف و ترس از آتش و دوزخ می گفتند که روح یاس بر مردم حاکم شود و خود را محروم از رحمت خدا بدانند.

امام هادی علیه السلام این گونه بودند که هم از نتایج و ثمرهای کارهای پرثواب سخن می گفتند و هم از عذاب دردناک و سختگیری خدا درباره لغزش ها و این حالت است که می تواند شخص را از حد تعادل خارج نکند و بر صراط مستقیم گام بردارد.

امام صادق علیه السلام می فرمود پدرم امام باقر علیه السلام فرمود:

أَنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُّؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نُورَانِ نُورٌ خِيفَهُ وَ نُورٌ رَجَاءٍ لَوْوَزَنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَيَّ هَذَا وَ لَوْوَزَنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَيَّ هَذَا (۱)

در قلب مومن دو نور است نور خوف و نور امید که هر دو با هم مساوی هستند و اگر وزن شوند با هم برابر خواهند بود.

این طبیعی است که هر امیدوار در راه وصول به مطلوب از جهت نرسیدن و مشمول لطف محبوب نشدن خائف و نگران باشد ولی این حالت نباید سبب شود که یاس و نومیدی از رحمت و فضل پروردگار بر ما حاکم گردد.

بنابراین حفظ تعادل و توازن در خوف و رجاء الزامی است و افراط و تفریط در هر دو مورد سیره ائمه طاهرين عليهم السلام نبوده است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می فرمود: أَنَّ هَذَا الدِّينَ مَتَيْنٌ فَأَوْ غَلَوْا فِيهِ بَرَفَقَ (۲)

این دین محکم و قوی است راه مستقیم آن را با مدارا بپیمایید و تندروی نکنید.

مولایمان علی علیه السلام می فرمود:

الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مَضَلَّةٌ، وَالطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ

ص: ۳۸۴

۱- کافی ج ۲ ص ۶۷

۲- کافی ج ۲ ص ۸۶

الْجَادَّةُ، عَلَيْهَا بَاقِيَ الْكِتَابِ وَ آثَارُ التَّبَوُّهِ، وَ مِنْهَا مَنَعُذُ السُّنَّةِ، وَ إِلَيْهَا مَصِيرُ الْعَاقِبَةِ (۱)

راست گرایي و چپ گرایي هر دو گمراهي است راه میانه راه نیکبختی و سعادت است.

کتاب خدا قرآن و آثار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم بدان گواه است سنت و روش رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از همین راه نفوذ می کند و عاقبت کار هم بدان منتهی می شود.

وَ ذَكَرَ بَيِّنَاتِكَ وَ أَحَلَّ حَلَالَكَ وَ حَرَّمَ حَرَامَكَ وَ بَيَّنَّ شَرَائِعَكَ وَ فَرَائِضَكَ:

امام حسن عسکری علیه السلام در ادامه صلوات بر پدر بزرگوارش عرضه می دارد خدایا درود فرست بر آن کسی که آیات تو را یادآور شد و حلالیت را حلال و حرمت را حرام شمرد و شرایع دینت و دستورات را بیان کرد.

راه ائمه علیهم السلام ادامه راه بنیان گذار اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بود همان طور که مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (۲)

و بر پیامبر تکلیفی جز تبلیغ آشکار نیست آن بزرگواران جز تبلیغ و بیان شرایع و دستورات پروردگار تکلیف دیگری نداشتند و همان مسیر را طی کردند و برای رساندن حلال و حرام الهی به مردم از هیچ کس ترس و هراس نداشتند.

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا (۳)

کسانی که رسالت های الهی را به مردم می رسانند و از خدا می ترسند و از احدی غیر خدا هراس ندارند و خدا برای حساب رسی کافی است.

یک بار متوکل عباسی در کمال گستاخی جام شرابی را که در دست به آن حضرت تعارف کرد. شرابخواری از جمله حرام هایی که در تمام ادیان آسمان تحریف نشده درباره حرمت اتفاق نظر بوده است. امام صادق علیه السلام می فرمود:

مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا وَقَدْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّهُ إِذَا اكْمَلُ لَهُ دِينَهُ كَانَ فِيهِ تَحْرِيمُ الْخَمْرِ وَ لَمْ

ص: ۳۸۵

۱- نهج البلاغه خطبه ۱۶

۲- عنکبوت ۱۸

۳- احزاب ۳۹

تَزَلِ الْخَمْرُ حَرَامًا إِنَّ الدِّينَ أَنَّمَا يُحَوَّلُ مِنْ خَصْلَةٍ ثُمَّ أُخْرِي فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ جَمْلَهُ قُطِعَ بِهِمْ بِالنَّاسِ دُونَ الدِّينِ (۱)

خداوند هرگز پیامبری را بر نینگیخت مگر آن که می دانست که چون دین او را کامل کند تحریم شرابخواری نیز در آن است. شراب همیشه حرام بوده است دین از خصلتی به خصلتی دیگر تحول می یابد و اگر از ابتدا کامل بود مردم دین را نمی پذیرفتند.

قرآن هم تصریح در پلیدی آن دارد:

إِنَّمَا الْخَمْرُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ (۲)

به تحقیق شرابخواری کار پلیدی است و از اعمال شیطان است از آن اجتناب کنید.

و رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم خیلی تند با این پدیده شوم برخورد کرده و می فرماید لعنت خدا بر شراب و شراب گیر و آن که درختی را برای تهیه شراب بکارد و شرابخوار و ساقی شراب و شراب فروش و خریدار شراب و کسی که پول شرابفروشی را بخورد و آن را جابجا کند و کسی که شراب برایش حمل شود. (۳)

امام رضا علیه السلام درباره علت تحریم شراب فرمود خداوند شراب را حرام فرمود زیرا شراب تباهی می آورد عقل شرابخواران را دگرگون می کند و آنان را به انکار خدای عزوجل و دروغ و تهمت بستن به او و پیامبرش و می دارد و دیگر اعمالی چون تبهکاری و قتل که از شرابخواران سر می زند. (۴)

عرض کردم که متوکل خبیث و آلوده به گناه در مجلس خود شرابی به امام هادی علیه السلام تعارف کرد.

امام علیه السلام سوگند یاد کرد که گوشت و خون من با چنین چیزی آمیخته نشده است مرا معاف دار و او دست برداشت و گفت شعری بخوان.

ص: ۳۸۶

۱- وسایل الشیعه ج ۱۷ ص ۲۳۷

۲- مائده ۹۰

۳- امالی صدوق ص ۳۴۶

۴- عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۹۸

امام علیه السلام فرمود من شعر کم از بردارم گفت باید بخوانی امام این اشعار را خواند:

بَا تَوًّا عَلَى قَلِيلٍ الْأَجْبَالِ تَحْرُسُهُمْ *** غُلِبَ الرَّجَالِ فَمَا اغْنَتْهُمْ الْقُلُ

بر قله کوهسارها شب را به روز آوردند و مردان نیرومند از آن پاسداری می کردند ولی قله ها نتوانستند آنان را از خطر مرگ برهانند.

وَ اسْتَنْزَلُوا بَعْدَ عَزٍّ عَنْ مَعْقِلِهِمْ *** فَأَوْ دَعَوْا حَفْرًا يَابِسَ مَا نَزَلُوا

پس از عزت از جایگاه های امن به پایین کشیده شدند و در گودال های گورجان دادند گور چه منزل و آرامگاه ناپسندی است.

فَإِذَاهُمْ صَارِخٌ مِنْ بَعْدِ دَفْنِهِمْ *** أَيْنَ الْأَسَاوِرُ وَ التَّيْجَانُ وَ الْحُلُّ

پس از آنکه دست بندها به خاک سپرده شدند فریادگری فریاد برآورد کجاست آن دست بندها و تاج ها و لباس های فاخر؟

أَيْنَ الْوُجُوهُ الَّتِي كَانَتْ مِنْعَمَهُ *** مِنْ دُونِهَا تُضْرَبُ الْأَشْتَارُ وَ الْكَلَل

کجاست آن چهره های به ناز و نعمت پرورده که به احترامشان پرده ها می آویختند.

فَافْضَحِ الْقَبْرُ عَنْهُمْ حِينَ سَأَلْتَهُمْ *** تِلْكَ الْوُجُوهُ عَلَيْهَا الدُّودُ تَنْتَقِلُ

گور به جای ایشان پاسخ داد بر آن چهره ها هم اکنون کرم ها راه می روند.

تأثیر کلام امام هادی علیه السلام چندان بود که متوکل به سختی گریست چنانکه ریشش تر شد و دیگر مجلسیان نیز گریستند و متوکل دستور داد بساط شراب را جمع کنند و آن بزرگوار را با احترام به منزل بازگردانند. (۱)

یکی از مصداق ها عبارت بَيْنَ شَرَايِعِكَ وَ فَرَائِضِكَ این داستان امام هادی علیه السلام است که یک روز متوکل به ابن سکیت گفت از امام هادی علیه السلام این مسائل را سوال کن:

ص: ۳۸۷

۱- چرا خداوند موسی را با عصا مبعوث کرد؟

۲- چرا عیسی را با معجزه شفا دادن مرض برص و زنده کردن مردگان مبعوث نمود؟

۳- چرا محمد صلی الله علیه و آله و سلم را با قرآن و شمشیر مبعوث نمود؟

امام هادی علیه السلام در پاسخ فرمود معجزه موسی از این جهت عصا و ید و بیضاء بود که غالب مردمان زمانش اهل سحر و جادو بودند و او برای اثبات حقانیت خویش و مکتبش چیزی را داشت که بر آنها غالب بود.

عیسی بن مریم علیها السلام نیز مردم زمانش اهل طب و طبابت بودند خداوند تبارک و تعالی قدرت شفا دادن بیماران و زنده کردن مردگان را به او داد تا بر اطباء غالب آید. و پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را با قرآن و شمشیر مبعوث کرد زیرا که اکثر اهل زمانش اهل شعر و شمشیر بودند و به این گونه حجت را بر آنها تمام کرد و برایشان پیروز شد. (۱)

صالح بن سعید می گوید یک روز وارد شهر سامرا شدم و به محضر امام علیه السلام شرفیاب گشتم و عرض کردم این ستمکاران در همه کارها سعی در خاموش کردن نور شما نموده اند و می خواهند که فراموش شوید به همین جهت شما را در چنین مکانی جای داده اند که محل زندگی گدایان و غریبان و اشخاص بی نام و نشان است حضرت فرمود ای پسر سعید هنوز تو در معرفت قدر و منزلت ما در این پایه ای و گمان می کنی که اینها با بلندی شان ما منافات دارد و نمی دانی کسی را که خدا بلند کرد به اینها و این چیزها پست نمی شود.

وَحُضَّ عَلَى عِبَادَتِكَ وَ أَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَ نَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَ ذُرِّيهِ أَنْبِيَائِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ:

امام حسن عسکری علیه السلام در بخش پایانی درود و صلوات بر پدر ارجمندش عرض

ص: ۳۸۸

می کند خدایا بر کسی دورد فرست که مردم را به عبادت تو تشویق کرد و به بندگی و طاعت تو فرمان داد و از انجام گناهان آنها را نهی نمود. پس درودی بر وی فرست که بهترین درودهایی باشد که بر یکی از دوستان و فرزندان پیامبرانت می فرستی ای خدای جهانیان.

امام هادی علیه السلام در عین محدودیت و تحت نظر بودن کار فرهنگی و هدایت مردم به عبادت پروردگار و مانع شدن از نافرمانی خدا در حد ممکن انجام می داد و لحظه ای در این مأموریت الهی کوتاه نمی آمد.

به عنوان مثال مردم اهواز در یک نامه ای از یک مسئله پر بحث اعتقادی که اغلب افراد را گرفتار شبهه می کند یعنی جبر و تفویض پرسش کردند. امام علیه السلام پاسخ مبسوط و جامعی را برایشان مرقوم فرمود که از دید شما خواننده عزیز می گذرد:

از علی بن محمد درود و رحمت بر شما و بر کسانی که پیروی از نشانه های هدایت نمودند.

نامه به دست من رسید و دانستم که چگونه گرفتار اختلاف در دین شده اید و گفته هایتان را درباره جبر و تفویض خواندم و مشاهده کردم که اختلاف در عقیده بین شما جدایی و دشمنی ایجاد کرده است.

سپس ادامه دادند که آگاه باشید که امت اتفاق دارند که قرآن حق است و همه گروه ها به او متمسک شده اند.

اولین خبری که حقانیت و واقعیتش در قرآن تصدیق شده خبری است که از رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده و موافق با کتاب خداست و هیچ یک از گروه ها و فرق اسلامی با آن مخالفتی ندارند و آن همان بیان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است که فرمود من دو چیز را بعد از خود باقی می گذارم کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من باشند.

هر کدام از شما به آن دو متمسک شوید گمراه نخواهید شد و آن دو از هم جدا شدنی نیستند تا در کنار حوض کوثر با من ملاقات کنند. امام هادی علیه السلام می فرماید شواهدی از کتاب خدا در دست است که حدیث فوق

را تایید می کنند مثل:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (۱)

سرپرست شما فقط خداست و پیغمبر او و کسانی که ایمان دارند و کسانی که بر نماز مداومت کنند و در آن حال که رکوع می گذارند زکات دهند هر که با خدا و پیغمبر او و کسانی که ایمان دارند دوستی کند به راستی گروه خدا پیروز است.

و از عامه روایاتی نقل شده که امیرالمومنین علیه السلام بود که در نماز و در حال رکوع انگشتی به عنوان تصدق داد و خداوند از باب سپاسگزاری از او این آیه را نازل فرمود و ما یافتیم در کلمات رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم که درباره امیرالمومنین علیه السلام فرمود مِنْ كُنْتَ مَوْلَاةً فَعَلَيَّْ مَوْلَاةٌ

أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلِهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

عَلَيَّ يَقْضَى دِينِي وَ يُنْجِزُ مَوْعِدِي وَ هُوَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي

خبر اول از صحیح و متفق علیه است که هیچ کس درباره اش اختلاف نکرده و آن نیز موافق کتاب است و وقتی کتاب خدا حدیثی را تصدیق کند بر امت است که اقرار به آن نماید و از آنها گذشته حقایقی از اخبار و روایات از رسول خدا توسط امام باقر و امام صادق علیه السلام نثل شده که اقتدا و پیروی از آنها بر هر مومنی فرض و واجب است و کسانی که زیر بار نروند نوعاً اهل عناد هستند زیرا که گفته های آل رسول صلی الله علیه و آله وسلم متصل به گفته پروردگار است و اذیت و مخالفت با رسول و آلش اذیت خداست.

چنانکه در کتاب خدا می خوانیم:

إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا (۲)

ص: ۳۹۰

کسانی که خدا و پیغمبر او را آزار کنند خدا در دنیا و آخرت لعنتشان کرده و عذابی خفت بار برای ایشان مهیا کرده است.

و از گفته های رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است که:

مَنْ آذَى عَلِيًّا فَقَدْ آذَنِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَمَنْ آذَى اللَّهَ يوشكُ أَنْ يَنْتَقِمَ مِنْهُ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ أَحْبَبَنِي وَمَنْ أَحْبَبَنِي فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ

هر کس علی را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده است و هر که خدا را بیازارد سزای عملش را خواهد دید هر کس علی را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر که دوست بدارد خدا را دوست خواهد داشت.

رسول خدا در روز جنگ خیبر فرمود فردا مردی را به سوی این مردم می فرستم که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست می دارند همان حیدر کرار که هیچ گاه از جنگ فرار نمی کند و بر نمی گردد تا فتح و پیروزی را با خود بیاورد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قبل از حادثه خیبر خبر از فتح و پیروزی علی علیه السلام داد و همان هم شد و فردا علی علیه السلام دشمنان را شکست داد و لقب کرار و غیر فرار را گرفت.

سپس امام هادی علیه السلام مرقوم فرمود:

این مقدمه را نوشتم تا دلیل و گواهی باشد بر آنچه درباره جبر و تفویض به یاری و قوت پروردگار خواهم گفت و با کلام امام صادق علیه السلام شروع به کلام می کنم که فرمود:

لَا جَبْرَ وَلَا تَفْوِیضَ وَلَكِنْ مَنَزِلُهُ بَيْنَ الْأَمْرَيْنِ

نه جبر است و نه تفویض بلکه منزلی بین این دو است.

از امام صادق علیه السلام سوال شد که آیا خداوند تبارک و تعالی بندگان خویش را بر انجام گناهان مجبور نموده؟ فرمود او عادل تر از آن است که بندگان را به انجام گناهان مجبور کند.

عرض کردند آیا خداوند به آنها واگذار نموده که هر چه خواهند انجام دهند؟

فرمود او عزیزترین و چیره تر بر آنهاست از اینکه همه چیز را به آنها واگذار نماید و از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود انسان ها در منزلتبه سه گروه تقسیم می شوند.

اول شخصی که خیال می کند همه امور به او واگذار شده و سلطنت و اقتدار پروردگار را سبک شمرده و در نتیجه نابود خواهد شد.

دوم انسانی که خیال می کند خداوند بزرگ بندگان را مجبور به انجام گناهان نموده و آنها را تکلیف به چیزی کرده که قدرت انجامش را ندارند و در واقع خدا را ظالم در حکمش می دانند این گروه نیز نابودند.

و سومی انسانی که معتقد است که خداوند تبارک و تعالی او را به چیزی تکلیف فرموده که توان انجامش را دارد و به چیزی که توان انجامش را ندارد تکلیف نفرموده بنابراین اگر کار خوبی انجام دهد خدا را به این توفیق شکرگزار است و اگر مرتکب گناه شود استغفار می کند و از خداوند طلب عفو می نماید و این یک مسلمان بالغ و رشد یافته است.

اما آنها که گفتند خداوند بندگان را مجبور به گناه کرده قرآن با این آیات آنها را رد می کند:

وَلَا يَظْلِمُ رَبِّكَ أَحَدًا (۱)

پروردگارت به هیچ کس ظلم نخواهد کرد.

وَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (۲)

و خداوند هیچ گاه به بندگان ظلم نخواهد کرد.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ (۳)

خداوند هیچ گاه به مردم ظلم نمی کند و لکن این مردم هستند که به خود ظلم می کنند و از این آیات فراوان است و اگر کسی فکر کند مجبور به انجام گناهان است

ص: ۳۹۲

۱- کهف ۴۹

۲- حج ۱۰

۳- یونس ۴۴

در واقع گناه را به گردن خدا گذاشته و عقوبت پروردگار را ظلم می داند و کسی که خدا را ظالم بداند قرآن را تکذیب کرده و هر کس قرآن را تکذیب کند به اجماع امت اسلامی کافر خواهد بود.

اما آنها که قایل به تفویض شدند در واقع معتقد به این معنی شده اند که خداوند تبارک و تعالی اختیار امروزی خود را به بندگانش واگذار نموده و آنها را به حال خود گذاشته است دیدگاه ائمه علیهم السلام این است که اگر واقعا پروردگار تمامی امور بندگان را به خودشان واگذارده است عقاب بی معناست و خداوند عاجز است که به بندگان راهنمایی و توفیق بندگی و عبادت بیاموزد و بندگان نباید در انتخاب کفر یا ایمان مورد سوال و مواخذه قرار گیرند.

اما نظر ما این است که خداوند جلیل و عزیز خلق را براساس قدرتش آفرید و توان بندگی را به بندگانش تملیک نمود و به آنچه را که اراده کرد مردم را امر و نهی می نمود بعضی از مردم فرمان او را اطاعت نکردند و با انتخاب خود راه خطا را رفتند و هرگز پروردگار اجازه ناد که آنها هوای نفس و خواهش دل خویش را انتخاب کنند بنابراین هر کس اطاعت فرمان حق را بنماید به رشد و تعالی می رسد و هر کس مخالفت کند گمراه و هلاک خواهد شد و این است معنای لَيْسَ بِجَبْرٍ وَلَا تَفْوِیْضَ.

آنگاه امام هادی علیه السلام به طور مبسوط به باز کردن مسئله جبر و تفویض می پردازد که در این مقال گنجایش و ظرفیت بیان نیست و در آخر می فرماید:

خداوند ما و شما را به گفتار و عمل به آنچه او دوست می دارد و راضی است موفق بدارد و ما و شما را از آنچه را که معصیت و نافرمانی است به لطف و فضلش بر حذر بدارد.

حمد فراوان برای اوست همان طور که سزاوار است و درود خدا بر محمد و آلش و خداوند ما را بس است که خوب و کیلی است. (۱)

ص: ۳۹۳

صلوات بر خود

راوی این صلوات ابومحمد یمنی می گوید همین که امام حسن عسکری علیه السلام از ذکر صلوات بر پدرش فارغ شد و نوبت بر خود آن گرامی رسید ساکت شد.

عرض کردم کیفیت صلوات بر باقی ائمه علیهم السلام را فرمایید فرمود اگر نه این بود که بیان این صلوات از معالم دین است و خدا امر فرموده ما را که به اهلش برسانیم دوست داشتیم که ساکت مانم و لکن چون در مقام دین است بنویس:

و جالب است که حضرت درباره خود بسیار کوتاه سخن راند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَبْرِ التَّقِيِّ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ الثَّوَرِ الْمُضِيِّ ۚ خَازِنِ عِلْمِكَ وَ الْمَذْكُورِ بِتَوْحِيدِكَ وَ وَلِيِّ أَمْرِكَ وَ خَلِيفِ أَيْمِهِ الدِّينِ الْهُدَاهِ الرَّاشِدِينَ وَ الْحُجَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْنَفِيَّائِكَ وَ حُجَجِكَ وَ أَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ:

خدایا صلوات و رحمت خود را بر حسن بن علی بن محمد فرست.

تصریح به امامت امام حسن عسکری علیه السلام از ناحیه پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام به این طریق بود:

اَلْاِمَامُ بَعْدِي الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْاَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا (۱)

امام پس از من حسن است و پس از حسن فرزندش قائم همو که زمین را پر از عدل و داد می کند همچنان که از بیدادگری و ستم پر شده باشد.

روایت دیگری را عبدالعظیم حسنی علیه السلام از امام هادی علیه السلام نقل می کند که فرمود: لِاِمَامٍ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي (۲)
امام بعد از من پسر من حسن است.

روایت سوم را عبدالله بن محمد اصفهانی نقل می کند که امام هادی علیه السلام به من فرمود:

صاحبکم بَعْدِي الَّذِي يُصَلِّي عَلَيَّ قَالَ وَ لَمْ نَعْرِفْ اَبَا مُحَمَّدٍ قَبْلَ ذَلِكَ قَالَ فَخَرَجَ ابومحمد بَعْدَ وَفَاتِهِ فَصَلَّى عَلَيْهِ (۳)

صاحب شما بعد از من کسی است که بر من نماز می خواند محمد اصفهانی می گوید ما امام حسن عسکری علیه السلام را از قبل نمی شناختیم تا اینکه امام هادی علیه السلام از دنیا رفت و دیدیم که امام حسن عسکری علیه السلام بر بدن پدر بزرگوارش نماز خواند.

اسم شریف آن حضرت حسن ، کنیه اش ابومحمد، القابش الزکی، الصامت، الهادی، الرفیق، النقی، العسکری بود.

امام هادی علیه السلام به مادر بافضیلت ایشان که کانت مِنَ الْعَارِفَاتِ الصَّالِحَاتِ از بانوان عارفه و صالحه و نامش سلیل بود فرمود زود است که خداوند به تو حجت خود بر خلق را عطا فرماید و این بانو به امام حسن عسکری علیه السلام حامله شد. (۴)

قبل از پژوهش درباره صلواتی که خود حضرت بر خویش فرستاده خوب

ص: ۳۹۶

۱- کمال الدین ج ۲ ص ۵۵

۲- بحار ج ۵۰ ص ۲۳۹

۳- ارشاد ص ۳۱۵

۴- بحار ج ۵۰ ص ۲۳۶

خطاب هایی که در زیارت آن بزرگوار به حضرت داریم

است به خطاب هایی که مرحوم مجلسی علیه الرحمه از مرحوم سید بن طاووس علیه الرحمه در زیارت آن بزرگوار نقل میکند
بپردازیم تا نسبت که پدیده آورنده و انشاء کننده صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام عرض ادب بیشتری شود و معرفت
ما به مقام شامخ آن گرامی افزون گردد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ الْهَادِيَ الْمُهْتَدِيَّ وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ

درود بر تو ای مولای من ای ابامحمد حسن عسکری فرزند علی هادی و مهتدی و رحمت و برکات الهی بر تو باد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ أَوْلِيَّائِهِ

درود بر تو ای ولی خدا و فرزند اولیاء الهی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَابْنَ حُجَجِهِ

درود بر تو ای حجت خدا و زاده حجت های الهی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ وَابْنَ أَصْفِيَائِهِ

درود بر تو ای برگزیده خدا و زاده برگزیدگان الهی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَابْنَ خُلَفَائِهِ وَأَبَا خَلِيفَتِهِ

درود بر تو ای جانشین خدا و زاده جانشینان پروردگار و پدر جانشین خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

درود بر تو ای پسر آخرین پیامبر الهی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ

درود بر تو ای پسر آقای اوصیاء

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

درود بر تو ای فرزند امیرالمومنین علیه السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

درود بر تو ای فرزند بهترین زنان جهانیان

ص: ۳۹۷

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْأَثَمَةِ الْهَادِينَ

درود بر تو ای پسر امامان هدایتگر

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَوْصِيَاءِ الرَّاشِدِينَ

درود بر تو ای پسر اوصیاء ارشاد کننده

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُتَّقِينَ

درود بر تو ای عصمت اهل تقوا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْفَائِزِينَ

درود بر تو ای امام رستگاران

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رُكْنَ الْمُؤْمِنِينَ

درود بر تو ای رکن اهل ایمان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَرْجَ الْمَلْهُوفِينَ

درود بر تو ای گشاینده گره کار گرفتاران

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ الْمُتَجَبِّينَ

درود بر تو ای وارث پیامبران برگزیده و نجیب

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ عِلْمٍ وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ

درود بر تو ای خزینه دار علم وصی رسول خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي بِحُكْمِ اللَّهِ

درود بر تو ای کسی به حکم خدا مردم را دعوت می کردی

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاطِقُ بِكِتَابِ اللَّهِ

درود بر تو ای کسی که با کتاب خدا بر مردم استدلال می کردی

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ الْحُجَجِ

درود بر تو ای کسی که حجت بودی بر حجت ها

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا هَادِيَ الْأُمَمِ

درود بر تو ای هدایتگر ملت ها

ص: ۳۹۸

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ النِّعَمِ

درود بر تو ای سرپرست نعمت های الهی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْبَةَ الْعِلْمِ

درود بر تو ای کنکاش کننده دانش

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْحِلْمِ

درود بر تو ای کشتی بردباری

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْأَمَامِ الْمُتَنَطَّرِ، الظَّاهِرَ لِلْعَاقِلِ حُجَّتَهُ، وَالثَّابِتَ فِي الْيَقِينِ مَعْرِفَتَهُ، الْمُحْتَجِبَ عَنِ أَعْيُنِ الظَّالِمِينَ، وَالْمُغَيَّبَ عَنْ دَوْلَةِ الْفَاسِقِينَ، وَالْمُعِيدَ رَبُّنَا بِهِ الْأَسْلَامَ جَدِيداً بَعْدَ الْأَنْطِمَاسِ، وَالْقُرْآنَ غَضّاً بَعْدَ الْأَنْدِرَاسِ

درود بر تو ای پدر بزرگوار امامی که انتظارش را می کشیم آنکه حجتش بر اهل خرد آشکار است و معرفتش بر اهل یقین ثابت است و از دید ستمکاران پنهان و از دولت فاسقان غایب و خداوند ما به تو و او اسلام را تجدید حیات میکند بعد از آنکه گرفتار غبار شده و قرآن را از نو بازگو می کند بعد از آنکه مندرس شده است.

أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ

شهادت می دهم ای مولای من که تو نماز را بر پا داشتی و زکات را پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و مردم را به سوی پروردگارت با حکمت و موعظه شایسته دعوت نمودی و خدا را تا پایان عمر و هنگام مرگ خالصانه عبادت نمودی. (۱)

نکته های مهم در این خطاب ها عبارت بود از الْهَادِي، الْمُهْتَدِيْرِيَا، وَلِيَّ اللَّهِ، حُجَّةُ اللَّهِ، صَيفِيُّ اللَّهِ، خَلِيفَةُ اللَّهِ عَصِيَّ مَهْ الْمُتَّقِينَ، إِمَامُ الْفَائِزِينَ، رُكْنُ الْمُؤْمِنِينَ، فَزَج

ص: ۳۹۹

الْمَلْهُوفِينَ، خَازِنُ عِلْمٍ، وَصِي رَسُولُ اللَّهِ، الدَّاعِي بِحُكْمِ اللَّهِ، النَّاطِقُ بِكِتَابِ اللَّهِ، حَاجُّهُ الْحُجَّجِ، هَادِي الْأُمَمِ، وَلِيُّ النَّعَمِ، عَيْبُهُ الْعِلْمِ، سَفِينَةُ الْحِلْمِ.

از مجموع عبارات فوق شان و منزلت امام حسن عسکری علیه السلام در امر امامت و پیشوایی مردم جهان تا حدی روشن می شود و نیز معلوم می گردد که آن حضرت چون اجداد طاهرینش چه اندازه در ارشاد و هدایت خلق نقش داشته است.

به راستی اگر ائمه علیهم السلام نبودند همان طور که در حدیث آمده زمین اهلش را فرو می برد و اثری از مخلوقات الهی باقی نمی ماند و این وجود صاحب عظمت معصومین علیهم السلام بود که باعث ثابت ماندن آسمان ها و زمین شده است.

امام باقر علیه السلام می فرمود:

لَوْ أَنَّ الْإِمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ (۱)

اگر برای لحظه ای وجود امام از زمین برداشته شود زمین ساکنان خود را چنان درهم و پریشان کند که دریا ساکنانش را.

امام صادق علیه السلام در دو بیان می فرماید: لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاحَتْ (۲)

اگر زمین بدون امام می ماند به یقین درهم فرو می ریخت.

مَا تُبْقِي الْأَرْضُ يَوْمًا وَاحِدًا بِغَيْرِ إِمَامٍ مَّا تَفَرَّغَ إِلَيْهِ الْأَمَةُ (۳)

زمین حتی یک روز بدون امامی از ما که امت به او پناه برد باقی نمی ماند.

وجود حجت خدا تا پایان دنیا الزامی است چون بشر بدون حجت الهی جای مواخذه و مجازات ندارد باید حجت خدا باشد و مردم را به راه صواب و صحیح دعوت کند تا عذر و بهانه را از بشریت بگیرد.

امام باقر علیه السلام می فرمود وقتی یکی از شما می خواهد چند فرسنگ راه بپیماید برای خود به دنبال راهنما می گردد و تو به راه های آسمان ناآشناتری تا به راه های زمین پس برای خود به دنبال راهنما باش. (۴)

ص: ۴۰۰

۱- کافی ج ۱ ص ۷۹

۲- همان

۳- بحار ج ۲۳ ص ۴۲

۴- کافی ج ۱ ص ۱۸۴

باز درباره ضرورت وجود امام علیه السلام حضرت صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو إِلَّا وَفِيهَا إِمَامٌ كَيْمَا إِنَّ زَادَ الْمُؤْمِنُونَ شَيْئًا رَدَّهْمُ وَإِنْ نَقَصُوا شَيْئًا أَثَمَهُ لَهُمْ (۱)

زمین هیچ گاه خالی از امام نیست تا اگر مومنان چیزی به دین افزودند آنها را از این کجراهه برگرداند و اگر چیزی کاسند آن را کامل کند.

قطب راوندی علیه الرحمه در کتاب خود آورده است که شخصی به نام جعفر بن شریف جرجانی گفت یک سال به حج مشرف شدم توفیق یافتم به محضر امام حسن عسکری علیه السلام در شهر سامراء مشرف شوم دوستان من اموالی داده بودند که به دست حضرت برسانم و می خواستم که بیرسم این مبالغ را به دست که بدهم امام علیه السلام قبل از پرسش من فرمود آنچه همراه تست بده به دست مبارک خادم ما. پول ها را دادم و عرض کردم شیعیان شما در جرجان به شما سلام رسانیدند فرمود: آیا باز نمی گردی به جرجان؟ عرض کردم بعد از سفر حج باز خواهم گشت فرمود تو به جرجان باز می گردی از امروز تا صد و نود روز دیگر وارد شهر خود می شود سه روز بعد از ورودت روز جمعه است روز اول ماه ربیع الاول اعلان کن که مردم جرجان امام حسن عسکری علیه السلام با شما ملاقات خواهد کرد پس برو به سلامت و زود باشد که به سلامت به وطن خود بازخواهی گشت. به محض ورود خداوند به تو پسری عنایت م یکنند نامش را صلت بگذار و او به رشد می رسد و از دوستان ما خواهد شد.

جعفر بن شریف جرجانی می گوید یکی از دوستانم را برای حضرت تعریف کردم که آدم خیرخواه و ثروتمندی است و به فقرا و مستمندان می رسد امام حسن عسکری علیه السلام در حقش دعا کرد و فرمود او از شیعیان ماست خداوند از گناهان او درگذرد از محضر امام مرخص شدم به حج رفتم و به جرجان باز گشتم درست روز جمعه روز اول ماه ربیع الاول بود همان طور که امام حسن عسکری علیه السلام وعده داده

ص: ۴۰۱

بود به شهر جرجان وارد شد مردم از قبل در خانه من جمع شده بودند سلام کرد جمعیت همه پیش رفتیم دست مبارکش را بوسیدیم فرمود من وعده داده بودم به جرجان بیایم و با شما ملاقات کنم از سامرا تا اینجا آمده ام تا شما تجدید عهد کنم اینک من در اختیار شما هستم هر چه سوال و حاجت دارید بازگو نمایید.

اول کسی که پرسش کرد نصر بن جابر بود. گفت ای پسر رسول خدا پسر من چشمانش کم سو است دعا بفرمایید که دیده او روشن شود و همه جا را ببیند. امام دست مبارک به دیده های او کشید و دیدگانش باز شد و سوی چشمش را به دست آورد.

همین طور هر کسی آمد حاجت و مسئله خود را در محضر امام علیه السلام مطرح کرد و رفع گرفتاری از آن ها نمود تا دیگر کسی نماند که سوال کند و یا حاجت بطلبد و بعد در حق همه شیعیان مقیم جرجان دعای خیر فرمود و به سر مرا بازگشت. (۱)

الْبَرِّ در لغت یعنی التَّوَسُّعُ فِي فِعْلِ الْخَيْرِ وَ يُنْسَبُ ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى تارة نَحْوِ أَنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ (۲) وَ إِلَى الْعَبْدُ تارة فَيُقَالُ بَرَّ الْعَبْدُ رَبَّهُ أَيْ تَوَسَّعَ فِي طَاعَتِهِ فَمَنْ اللَّهُ تَعَالَى الثَّوَابِ وَ مِنَ الْعَبْدِ الطَّاعَةِ (۳)

توسعه دادن در کار خیر و گاهی این وسعت در کار خیر به خدا نسبت داده می شود مثل آنکه در آیه شریفه آمده خداوند است که توسعه در کار خیر می دهد و مهربان است و گاهی به بنده خدا نسبت داده می شود و می گوید بنده به خدا خویش نیکی کرد یعنی توسعه در طاعت و بندگی داد پس از ناحیه خدا می شود.

ص: ۴۰۲

۱- کشف الغمه فی معرفه الائمه ج ۳ ص ۳۰۸

۲- طور ۲۸

۳- راغب ص ۴۰

ثواب دادن و از ناحیه بنده می شود اطاعت خدا و بندگی کردن.

طاعت و بندگی هم دو نوع است گاه در اعتقادات است و گاه در اعمال در اعتقادات پذیرش امام حسن عسکری علیه السلام البر بود یعنی وسعت در کار خیر داشت و کل آفرینش به عنوان خلیفه الله در روی زمین در سیره نیکی و خیر آن حضرت بود دوست و دشمن از ناحیه آن بزرگوار کسب خیر می کردند.

ابوجعفر محمد بن عیسی می گوید یکبار در مسجد زبید واقع در بازار شهر سامرا جوانی را مشاهده کردم که می گفتند هاشمی و از فرزندان موسی بن عیسی است من مشغول نماز شدم وقتی سلام نماز را دادم همان جوان هاشمی رو به من کرد و گفت آیا تو اهل قم هستی یا ساکن رازی می باشی؟ گفتم من قمی هستم ولی هم اکنون در کوفه در جوار مسجد امیرالمومنین علی علیه السلام زندگی می کنم او به من گفت آیا خانه موسی بن عیسی را در کوفه می شناسی گفتم آری گفت من پسر او هستم. گفت پدرم برادرانی دارد و برادر بزرگتر مال فراوانی جمع کرده و برادر کوچکتر محروم از مال دنیا است یک روز برادر کوچکتر تر به خانه برادر بزرگتر رفته و ششصد دینار از او به سرقت برده است برادر بزرگتر می گفت که به محضر امام حسن عسکری علیه السلام مشرف می شوم و از آن حضرت می خواهم که با برادر کوچکتر از روی مهر و لطف صحبت کند شاید مال مرا به من برگرداند زیرا آن امام بزرگوار بیان و کلام شیرینی دارد و می تواند روی او اثر بگذارد.

ولی هنگام سحر منصرف شدم از اینکه به خدمت امام حسن عسکری علیه السلام برسم و گفتم که به سراغ اسباس ترکی هم صحبت جناب سلطان می روم و شکایت را به او می رسانم.

برادر بزرگتر می گوید همین که بر اسباس ترکی وارد شدم دیدم که مشغول قمار بازی است به کناری نشستم و انتظار کشیدم تا بازی تمام شود که ناگاه پیام آور امام حسن عسکری علیه السلام به نزد من آمد و گفت دعوت مولایت را اجابت کن از جا برخاستم و همراه پیام آور به محضر امام علیه السلام مشرف شدم.

امام علیه السلام فرمود چه شد اول شب از ما حاجتی داشتی و در هنگام سحر رایت عوض شد. برخیز و برو که آنچه را برادرت از مالت برده برایت آورده و درباره او شک نکن و با او به نیکی رفتار کن و مقداری هم به او عطا بنما و اگر بنا داری چیزی به او ندهی او را به نزد ما راهنمایی کن تا ما به او کمک کنیم وقتی از خدمت امام علیه السلام مرخص شدم و غلام خویش را ملاقات کردم که خبر از آوردن کیسه پول هایم داد. (۱)

أَلْبَرُّ التَّقَى آری امام حسن عسکری علیه السلام در کار خیر اعظم و بزرگ زمان خویش بود ابوهاشم جعفری می گوید روزی به محضر امام حسن عسکری علیه السلام رسیدم و می خواستم از آن حضرت نقره ای بگیرم و انگشتری بسازم و به آن تبرک بجویم. نشستم و فراموشم شد چون عزم خدا حافظی کردم امام علیه السلام انگشتری به من داد و فرمود نقره می خواستی ما انگشتر دادیم نگین و اجرت ساختن آن را سود کردی. گوارایت باد ای ابوهاشم.

گفتم سرور من گواهی می دهم تو ولی خدا و امام من هستی که اطاعت را جزو دینم می دانم فرمود خدا تو را پیامرزد ای ابوهاشم. (۲)

باز هم از أَلْبَرُّ التَّقَى بخوانید محمد بن علی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام می گوید تهدیست شدیم پدرم گفت با هم خدمت امام حسن عسکری علیه السلام برویم که به جود و بخشش شهرت دارد.

گفتم او را می شناسی؟ گفت نه و او را ندیده ام.

با هم به راه افتادیم در بین راه پدرم گفت چقدر نیازمندیم که برای ما پانصد درهم دستور دهد دویست درهم برای لباس دویست درهم برای پرداخت بدهی و صدر درهم برای مخارج دیگر. من پیش خودم گفتم کاش برای من هم سیصد درهم دستور دهد که با صد درهم آن چارپایی بخرم و صد درهم برای مخارج و صد درهم نیز برای لباس باشد و به شهرهای همدان و قزوین بروم.

ص: ۴۰۴

۱- کمال الدین ج ۲ ص ۱۹۴

۲- کافی ج ۱ ص ۵۱۲. بحار ج ۵۰ ص ۲۵۴

هنگامی که به خانه امام رسیدیم غلام آن حضرت بیرون آمد و گفت علی بن ابراهیم و پسرش وارد شوند و چون وارد شدیم و سلام کردیم به پدرم فرمود ای علی چه شده که تاکنون نزد ما نیامدی؟

پدرم گفت شرم داشتم با این حال شما را ملاقات نمایم. وقتی بیرون آمدیم غلام آن حضرت نزد ما آمد و پدرم کیسه پولی داد و گفت این پانصد درهم است دویست درهم برای لباس دویست درهم برای پرداخت بدهی و صد درهم برای مخارج و به من کیسه دیگری داد و گفت سیصد درهم است صد درهم برای خرید چارپا و صد درهم برای لباس و صد درهم برای مخارج (۱)

بر و نیکی امام حسن عسکری علیه السلام تنها در انفاق و بخشش مالی خلاصه نمی شود او منجی و روح بخش معنوی کسانی بود که در حال غرق شدن و هلاکت بودند. محمد بن اسماعیل می گوید هنگامی که امام حسن عسکری علیه السلام زندانی شد عباسیان و صالح بن علی و دیگر منحرفان از جاده امامت نزد صالح بن وصیف رفتند و گفتند بر حسن عسکری علیه السلام سخت گیر و کوتاه نیا. صالح به ایشان گفت با او چه کنم دو تن از بدترین و شرورترین افرادی که توانستم بیابم بر او گماردم اما آن دو تحت تاثیر امام قرار گرفتند و سخت به عبادت و نماز روی آوردند. (۲)

الصَّادِقِ الْوَفِيِّ النُّورِ الْمُضِيِّ ۚ خَازِنِ عِلْمِكَ:

امام علیه السلام عرض می دارد خدایا بر حسن عسکری درود فرست همانکه صادق و با وفاست و نور تابان است و خزانه دار دانش توست.

اسحاق کندی فیلسوف عراق بود او به تالیف کتابی پرداخت که قرآن دارای تناقض است و برای نوشتن آن چنان سرگرم و مشغول شد که از مردم کناره گرفت و به تنهایی در خانه خویش به این کار مبادرت می ورزید تا اینکه یکی از شاگردان او

ص: ۴۰۵

۱- احقاق الحق ج ۱۲ ص ۴۷۰

۲- بحار ج ۵۰ ص ۳۰۸

به محضر امام حسن عسکری علیه السلام شرفیاب شد امام به او فرمود آیا در میان شما یک مرد رشید و جوانمرد پیدا نمی شود که استاد شما را از این کاری که شروع کرده منصرف سازد؟

عرض کرد ما از شاگردان او هستیم چگونه می توانیم در این کار یا کارهای دیگر بر او اعتراض نماییم.

امام علیه السلام فرمود آیا آنچه بگویم به او می رسانی؟

گفت آری فرمود نزد او برو و با او انس بگیر و او را در کاری که می خواهد انجام دهد یاری نما آنگاه بگو سوالی دارم آیا می توانم از شما بپرسم؟ به تو اجازه سوال می دهد بگو اگر گوینده قرآن نزد تو آید آیا احتمال می دهی که منظور او از گفتارش معانی دیگری غیر آن باشد که تو پنداشته ای؟ خواهد گفت امکان دارد چون او اگر به مطلبی توجه کند می فهمد و درک می کند هنگامی که جواب مثبت داد بگو از کجا اطمینان پیدا کرده ای که مراد و منظور قرآن همان است که تو می گویی؟

شاید گوینده قرآن منظوری غیر از آنچه تو به آن رسیده ای داشته باشد و تو الفاظ و عبارات را در غیر معانی و مراد آن به کار میبری آن مرد نزد اسحاق کندی رفت و به همان ترتیب با او مهربانی کرد تا سرانجام سوال را مطرح نمود کندی از او خواست که سوال خود را تکرار کند و به فکر فرو رفت و آن را بنا بر لغت محتمل بر حسب اندیشه ممکن دانست.

شاگردش را سوگند داد که این سوال از کجا برای تو مطرح شد شاگرد گفت چیزی بود که به خاطر رسید و سوال کردم گفت ممکن نیست تو و افرادی مانند تو به چنین سوالی راه یابند بگو این سوال را از کجا آوردی؟

شاگرد گفت ابو محمد امام حسن عسکری علیه السلام به من چنین فرمان داد.

کندی گفت اینک درست گفתי چنین سوالی جز از آن خاندان نمی تواند بود.

آنگاه آنچه در آن زمینه نوشته بود محو و از بین برد. (۱)

ابی هاشم سوالی از امام علیه السلام کرده درباره آیه شریفه ۳۲ سوره مبارکه فاطر که نمونه ای از نور تابان و خزانه دار دانش الهی است:

آیه شریفه این است: ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُذِنُ اللَّهُ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

آنگاه کتاب را به گروهی از بندگان برگزیده خویش به ارث دادیم که بعضی به خود ظلم کردند و بعضی راه اعتدال را پیش گرفتند و گروهی هم به دستور پروردگار در انجام کارهای خیر از دیگران سبقت گرفتند که این برتری بزرگی است.

امام علیه السلام در پاسخ فرمود هر سه دسته مربوط به آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم می باشند آنکه بر خود ظلم روا داشته کسی است که اقرار به امام ننموده و مقصد کسی است که عارف به مقام امام است و گروه سوم اشخاصی هستند که سبقت در گرفتن فیض و خیرات از امام علیه السلام دارند.

ابی هاشم می گوید من در فکر فرو رفتم که این چه عظمتی است که نصیب امامان علیهم السلام شده و مقداری هم اشک ریختم که وجود مبارک امام حسن عسکری علیه السلام نگاهی به من انداخت و فرمود مسئله بالاتر از آن است که تو فکر می کنی و تو به عظمت شان آل محمد علیهم السلام شکر خدا را به جا آور و از او بخواه که توفیق تمسک جستن به ریسمان ولایتشان را به تو عنایت فرماید زیرا در روز قیامت به همان خوانده خواهی شد زیرا فردای قیامت هر انسانی را با امامش محشور می کنند امیدوارم که به راه خیر مسیر کنی. (۲)

وَالْمَذْكُرِ بِتَوْحِيدِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ وَخَلَفِ أَيْمَةِ الدِّينِ الْهُدَاهِ الرَّاشِدِينَ وَالْحُجَّهَ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَحُجَجِكَ وَأَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ :

ص: ۴۰۷

۱- مناقب ج ۴ ص ۴۲۴

۲- بحار ج ۵۰ ص ۲۵۹

خدایا درود فرست بر آن امامی که به یاد آورنده یکتا پرستی تو و متولی حکومت تو و جانشین امامان دین همان هایی که هدایتگر و ارشاد کننده و حجت تو بر اهل دنیا هستند بنابراین درود فرست. بر او ای خدای بزرگ بالاترین درودهایی که بر هر یک از برگزیدگان و حجت هایت و فرزندان پیامبرانت فرستادی ای خدای جهانیان.

جا دارد در قسمت پایانی درود بر امام حسن عسکری علیه السلام با استفاده از جملات بیاد آورنده یکتایی حق و متولی حکومت باری تعالی و جانشین امامانی که هدایتگر و ارشاد کننده بودند به بخش مواعظ و نصایح آن گرامی پردازیم و در این رهگذر موعظه های درس آموز آن بزرگوار را مطلع کارهای روزمره و زندگی خویش قرار دهیم.

هر آنچه را در ذیل ملاحظه می کنید نقل از جلد ۷۸ باب ۹ ص ۳۷۰ به بعد بحارالانوار مرحوم علامه مجلسی است.

۱- مَنْ رَضِيَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يَقُومَ

هر کس بدون بالانشینی در مجلسی از روی تواضع بنشیند تا مادامی که در آن مجلس نشسته خدوند و فرشتگانش بر او درود می فرستند.

۲- لا شَرَاكَ فِي النَّاسِ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ النَّمْلِ عَلَى الْمَسْحِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلَةِ الْمَظْلَمَةِ

ریا کردن در بین مردم مخفی تر از مورچه سیاهی است که در شب سیاه و تاریک از مکانی به مکان دیگر می رود.

۳- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَقْرَبُ إِلَيَّ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ مِنْ سَوَادِ الْعَيْنِ إِلَيَّ بَيَاضُهَا

جمله بسم الله الرحمن الرحيم به اسم اعظم خداوند نزدیک تر است از

سیاهی پشم به سپیدی آن.

۴- مِنَ التَّوَاضُعِ السَّلَامُ عَلَيَّ كُلِّ مَنْ تَمَرَبَه

از نشانه های تواضع آن است که بر هر که روبرو شدی سلام کنی.

۵- مِنَ الْجَهْلِ الضَّحْكَ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ

از نشانه های نادانی خندیدن بیهوده و دور از تعجب است.

۶- مِنَ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظَّهْرَ جَارٍ إِنْ رَأَى حُسْنَهُ أَخْفَاهَا وَإِنْ رَأَى سَيِّئَهُ أَفْشَاهَا

از چیزهایی که پشت انسان را می شکند داشتن همسایه ای است که وقتی از انسان خوبی می بیند مخفی می کند و وقتی بدی می بیند افشاگری می کند.

۷- لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ

عبادت به زیاد روزه گرفتن و نماز خواندن نیست بلکه عبادت به زیاد فکر کردن در فرمان خداوند است.

۸- لَا تُمَارِ فَيَذْهَبَ بِهَاوَكْ وَلَا تُمَارِخْ فَيَجْتَزِ اعْلِيكَ

دعوا و نزاع مکن که آبرویت می رود و شوخی مکن که بر تو جرات می یابند.

۹- عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صِلَاءُهُ أُحْدِيٌّ وَالْخَمْسِينَ وَ زياره الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخَتُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

علامات مومن پنج چیز است ۱- پنججاه و یک رکعت نماز واجب و مستحب در شب و روز گذاردن ۲- و زیارت اربعین کردن ۳- انگشت بر دست راست کردن ۴- پیشانی را در سجده بر خاک گذاشتن ۵- بسم الله الرحمن الرحيم را بلند گفتن.

۱۰- أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ أَعْيَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ عَلَيَّ الْفَرَائِضَ أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ

ص: ۴۰۹

پرهیزکارترین مردم کسی است که در مواقع شبهه توقف کند عابدترین مردم کسی است که واجبات را به جا آورد زاهدترین مردم کسی است که ترک حرام کند و پرتلاش ترین مردم کسی است که ترک گناهان نماید.

۱۱- أَقَلُّ النَّاسِ رَاحَةَ الْحَقُودُ

در بین مردم اهل کینه و آنانی که زیاد کینه ورزند کم ترین آسایش را دارند

۱۲- لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرَحِ عِنْدَ الْمَحْزُونِ

از ادب دور است اظهار شادمانی در برابر مصیبت دیده و محزون کردن.

۱۳- لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَفْرُوضٍ

هیچ گاه روزی نامشروع تو را از انجام واجبات باز ندارد.

۱۴- لَا يُعْرِفُ النِّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ وَلَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ

شناخت به نعمت الهی ندارد جز آدم شاکر و شکر نعمت را به جا نمی آورد جز عارف.

۱۵- خَيْرُ اخْوَانِكَ مِنْ نَسِي ذَنْبِكَ وَ ذَكَرِ احْسَانِكَ إِلَيْهِ

بهترین برادران ایمانی تو کسی است که لغزشت را فراموش کند و خوبیت را به رخ تو بکشد.

۱۶- مِنْ رَكَبَ ظَهَرَ الْبَاطِلِ نَزَلَ بِهِ دَارَ النَّدَامَةِ

هر کس بر پشت باطل سوار شود او را به جایگاه پشیمانی پیاده خواهد کرد.

۱۷- مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ وَ الْكَرَمُ طَبِيعَتَهُ وَ الْحِلْمُ خَلْقَتَهُ كَثُرَ صَدِيقُهُ وَ الثَّنَاءُ عَلَيْهِ

هر که روشش پرهیزکاری و کرم جزو ذاتش و بردباری سرستش باشد دوستانش زیاد و مدح کننده اش فراوان گردند.

۱۸- أَنْ الْوُصُولَ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ سَفَرٌ لَا يَدْرِكُ إِلَّا بِإِمْتِطَاءِ اللَّيْلِ

اتصال به خداوند عزوجل سفری است که درک نمی شود مگر در شب زنده داری.

۱۹- جَزَاهُ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صَغَرِهِ تَدْعُوا إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ

گستاخی فرزند نسبت به مادر در کودکی باعث می شود که در بزرگی عاق مادر شود.

۲۰- رِيَاضِهِ الْجَاهِلِ وَ رُدُّ الْمُعْتَادِ عَنْ عَادَتِهِ كَالْمُعْجَزِ

نادان را دانا ساختن و معتاد را ترک اعتیاد دادن همانند معجزه است.

فَضَّلَ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَ حُجَّجِكَ وَ أَوْلَادِ رُسُلِكَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ:

بالاترین درودها بر امام حسن عسکری علیه السلام که چنین کلمات پندآموز را برای بشریت بیان فرمود و در خاتمه صلوات بر آن حضرت به دعایی که آن گرامی آموزش دادند بسنده می کنیم.

ابی هشام می گوید بعضی از دوستان امام حسن عسکری علیه السلام برای حضرت نوشتند تا دعایی به آنها بیاموزد. آن گرامی نوشت که اینگونه دعا کنید:

يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ يَا أَبْصَرَ الْمُبْصِرِينَ يَا عَزَّ النَّاظِرِينَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَوْسَعِ لِي فِي رِزْقِي، وَ مُدِّ لِي فِي عُمْرِي، وَ أَمْنُنْ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ، وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي.

ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین بینندگان ای عزت ناظرین ای سریع ترین حسابرس بندگان ای رحیم ترین رحم کنندگان ای محکم ترین حاکمان درود بر محمد و آلش بفرست و روزیم را توسعه ده عمرم را طولانی کن و بر من منت بگذار و رحمت را شامل حالم فرما و مرا از جمله کسانی قرار ده که یاری دینت کنم و مرا

از در خانه ات نران تا دیگران را جایگزین من نماید.

ابوهاشم می گوید در دلم می گفتم خدایا مرا در حزب و زمره خودت قرار بده که ناگاه امام حسن عسکری علیه السلام روی به من نمود و فرمود:

أَنْتَ فِي حِزْبِهِ وَفِي زُمْرَتِهِ إِذْ كُنْتَ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا وَ لِرَسُولِهِ مُصَدِّقًا وَ لِأَوْلِيَائِهِ عَارِفًا وَ لَهُمْ تَابِعًا (۱)

تو در حزب و زمره خدا هستی تا مادامی که به او مومن باشی پیامبرش را تصدیق کنی اولیائش را بشناسی و تبعیت نمایی.

ص: ۴۱۲

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَرْتَ تَهُمَ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ
 أَنْصِرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَأَنْصِرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ
 شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ
 رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصِيرِ وَأَنْصِرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ
 وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدَلاً وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ
 نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامَ وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَاتَّبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَارْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عِدْوِهِمْ مَا
 يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ:

ابْنِي مُحَمَّدٌ وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْحَجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةَ جَاهِلِيَّةٍ أَمَّا إِنْ لَهُ عَيْتُهُ يَحْيَا فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُبْطِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ ثُمَّ يَخْرُجُ فَكَانِي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ تَخْفِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ (۱)

فرزندم محمد اوست امام و حجت پس از من هر که بمیرد و او را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است بدانید که او را غیبتی است که جاهلان درباره آن سرگشته شوند و باطل گرایان به نابودی افتند. کسانی که برای ظهور او زمان تعیین کنند دروغ گویند.

پس از آن غیبت ظهور میکند گویی پرچم های سفید را می بینم که در نجف کوفه بر فراز سر او در اهتزازند.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم خطاب به حضرت زهرا علیها السلام می فرمود: أَبْشِرِي يَا فَاطِمَةُ فَإِنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْكَ (۲)
بشارت باد بر تو ای فاطمه که مهدی از توست.

و نیز فرمود: الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي وَجْهُهُ كَالْكُوكَبِ الدَّرِّيِّ (۳)

مهدی مردی از فرزندان من است که چهره اش چون ستاره تابان است.

امیرالمومنین علیه السلام هم فرمود: الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنَّا مَنْ وَلَدِ فَاطِمَةُ بِمَهْدَيْنَا تَقَطَّعَ الْحُجْبُ فَهُوَ خَاتِمُ الْأَيَّامِ وَ مُنْقِذُ الْأُمَّةِ وَ مُنْتَهَى النُّورِ (۴)

مهدی مردی است از ما از نسل فاطمه با مهدی ما حجت ها تمام می شود او

ص: ۴۱۴

۱- بحار ج ۵۱ ص ۱۶۰

۲- کنز العمال ۳۴۲۰۸ و ۳۸۶۶۶

۳- کنز العمال ۳۴۲۰۸ و ۳۸۶۶۶

۴- نهج السعادة ج ۱ ص ۴۷۲

پایان بخش امامان و نجات بخش امت و منتهای نور است.

در همین ابتدای بحث درباره امام عصر روحی له الفداء از یاد و ذکر آن حضرت عرض کنم که تحت هر عنوان و بهانه ای باید مجالس و محافلمان را مزین به زینت نام و منقب آن شریف کنیم.

در زیارت آل یاسین عرض می کنیم: اللَّهُمَّ كَمَا جُعِلَتْ قَلْبِي بِذِكْرِكَ مَعْمُورًا فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا

خداوندا همان طور که دلم را به یاد او آباد ساختی اسلحه ام را برای یاریش شهره کن. یکی از وظایف ما در عصر غیبت یاد و ذکر امام زمان ارواحنا فداه است. گاه در غالب دعا و گاه در پرداخت صدقه برای حفظ جان حضرت از حوادث آسمانی و زمینی و گاه با نایب شدن از طرف حضرت در انجام مناسک و زیارات در مشاهده مشرفه و گاه با نذر صلوات برای سلامتی حضرت و گاه با حضور در مساجد منتسب به حضرت مثل مسجد سهله و جمکران و هر جایی که به نام آن حضرت ثبت شده و گاه با خواندن نماز استغاثه بر آن گرامی دوستی و عشق خود را به آن سرور ابراز داریم.

کسی که به یاد اوست در واقع او را یکی از شاهدان بر اعمال خود می داند بنابراین این نتیجه را در پی دارد که اطراف گناه نگردد.

آنکه ذکرش مهدی سلام الله علیه است مقید به نماز اول وقت و برپایی فرائض در وقت فضیلت آنهاست چون می داند محبوبش چنین تقیداتی دارد موهبت دیگر ذکر و یاد حضرت رسیدگی به فقرا و بینوایان است چون شخص یاد کننده می داند امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چون اجداد طاهرینش یاور محرومان و سرپرست یتیمان است.

یاد مهدی علیه السلام برای انسان ایجاد سنخیت می کند همان طور که هر کسی با هر چیزی انس بگیرد آرام آرام رنگ و بویش را به خود می گیرد.

مهربانی دو طرفه است مطمئن باشیم هر وقت به یاد حضرتش بودیم اول از

ناحیه آن عزیز اشاره ای شده که توفیق ذکر و یادش بر دل نشسته است.

و حوشا بر احوال کسانی صبح و شام و بین روزشان را با ذکر او سر می کنند و یک روزشان بدون توسل و توجه به ولی نعمتشان تمام نمی شود.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَ لَهُمْ تَطْهِيراً:

خدایا درود فرست بر نماینده خاصیت و فرزند نمایندگان خاصیت آن بزرگوارانی که واجب کردی اطاعتشان و حقشان را و بردی از آنها پلیدی را و پاکشان ساختی پاک ساختن مخصوص.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جزو آخرین معصومین پاک و پاکیزه است که از هر رجس و پلیدی منزّه است او بقیه الله و آخرین ولی خداست. او تمام خواسته های الهی و معنوی اجداد طاهرینش را که اجرا نگردیده به اجرا در خواهد آورد.

همه انبیاء و ائمه علیهم السلام جزو اهدافشان دین گرایی همه انسان ها و بسط عدالت در پهنه گیتی بوده ولی هیچ کدام به خواسته خود نرسیدند زیرا که طاغوت ها و زورمندان و پیروان نادان آنان مانع از این می شدند تا آن بزرگواران به اهدافشان برسند.

مولایمان علی علیه السلام هم که توانست از فرصت به دست آمده به عنوان تشکیل حکومت اسلامی استفاده کند در حکومت کمتر از پنج سال آن حضرت سه جنگ را بر حضرت تحمیل کردند و عاقبت هم آن حضرت را در محراب عبادت به شهادت رساندند بنابراین فقط حضرت بقیه الله ارواحنا فداه تنها کسی است که آرمان جد بزرگوارش که همان گسترش دین خدا و عدالت در جهان است به مرحله عمل خواهد رساند.

دعا می کنیم که اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تَغْزِيهَا الْإِسْلَامُ وَأَهْلِيهِ وَ تُدِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَأَهْلَهُ

خدایا امید و میل داریم هر چه زودتر دولت کریمه مولایمان روحی له الفداء برقرار شود که در آن دولت اسلام و اهلش را عزت بخشی و نفاق و اهلش را خوار کنی.

امیرالمومنین علی علیه السلام درباره فرزندش حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

قَدْ لَبَسَ لِلْحَكَمَةِ جَنَّتَهَا وَ أَخَذَ بِجَمِيعِ أَدْبِهَا بَقِيَهُ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُتَّقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ (۱)

زره حکمت را پوشید و آن را با همه آداب و شرایطش فرا گرفت او باقیمانده حجت های خدا و انتقام گیرنده از دشمنان خویش است در روایت دیگری آمده که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور بانک بر می آورد که:

أَنَا بَقِيَهُ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُتَّقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ (۲)

من باقیمانده خدا در زمینم و از دشمنان پروردگار انتقام می گیرم.

به امام باقر علیه السلام عرض شد آیا به قائم علیه السلام با عنوان امیرالمومنین سلام کنیم؟

فرمود نه این نام را خداوند بر امیرالمومنین علی علیه السلام قرار داده و هیچ کس قبل از ایشان و چه پس از آن حضرت به این نام خوانده نمی شود.

به حضرت عرض شد پس چگونه به ایشان سلام کنی؟ فرمود بگوئید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَهُ اللَّهِ (۳)

خدایا درود فرست بر نماینده خاصیت و فرزند نمایندگانت

آری امام عصر روحی له الفداء یادآور رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه طاهرين عليهم السلام است.

به عبارتی هر چه پیامبر و امامان معصوم در زمینه اسلام و حکومت اسلامی قصد اجرای آن ها را داشتند و دشمنان مانع کارشان شدند او لباس عمل می پوشاند و یاد و نام اجداد و طاهرينش را زنده می کند. او احیاگر تمام قوانین الهی و نبوی است او سیره عملی پدران پاکیزه خود را به طور آشکار پیاده خواهد کرد.

ص: ۴۱۷

در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف علم صحیح در هر خانه ای وارد می شود و کانون های تحصیل و تدریس برای مردان و زنان همه جا تشکیل می گردد تا آنجا که امام باقر علیه السلام فرمود:

توتون الحکمه فی زمانه حتی أن المرئه لتقضى فی بیته بکتاب الله و سننه رسوله صلى الله علیه و آله وسلم (۱)

در دوران حضرت مهدی روحی له الفداء حکمت به شما داده خواهد شد در حدی که زن در خانه خودش نشسته باشد و از روی کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم خدا قضاوت کند.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وعده الهی برای همه امت هاست و حکومتش جهانی است در یکی از سلام های به حضرت آمده السلام علی المهدی الذی وعد الله عزوجل به الامم أن یجمع به الکلم و یلئم به الشعث (۲)

سلام بر آن مهدی که خداوند او را به ملت ها وعده داده تا اتفاق کلمه و وحدت واقعی به وجود آورد و پراکندگی را از میان بردارد.

انتظار موعود منحصرا خواسته مسلمانان و شیعیان نیست بلکه چیزی است که پیروان مکتب های آسمانی و حتی غیر آسمانی امید آن را دارند و این بدان جهت است که همگی به طور فطری خواستار اجرای عدالت و اخلاق هستند و هنوز به این آرزوی درونی خویش نرسیدند.

روایاتی داریم که دلالت بر اهمیت و محوریت اخلاق و کمال یابی واقعی و رشد معنوی و عقلانی انسان ها در دولت مولایمان امام زمان روحی له الفداء دارد.

امام باقر علیه السلام فرمود: إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَقَعَ يَدُهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ اكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ

چون قائم ما قیام کند دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنها را متمرکز ساخته و اخلاقشان را به کمال می رساند.

ص: ۴۱۸

۱- غیبت نعمانی ص ۲۷۹

۲- دعای سرداب مفاتیح الجنان محدث قمی

مرحوم کلینی مشابه به حدیث فوق را از آن حضرت اینگونه نقل می کند

إِذَا قَامَ قَائِمًا وَقَعَ يَدُهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِ عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ هَبَّةُ أَفْهَامِهِمْ (۱)

وقتی قائم ما قیام کند دست عنایتش را بر سر بندگان می نهد و بدین وسیله عقل آنها زیاد شده و فهم شان بالا می رود و کامل می گردد.

قرآن اساسترین هدف بعثت پیامبران و فرستادن کتاب های آسمانی را محقق ساختن عدالت در کل جهان توسط مردم معرفی کرده است یعنی باید یک روزی این خواسته فطری مردم محقق شود و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که موعود مردم است به این خواسته پاسخ مثبت می دهد.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (۲)

به تحقیق که ما پیامبران را با دلایل و روشن فرستادیم و با آن ها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

آیه ای که سه بار در قرآن شریف تکرار شده هنوز تحقق خارجی پیدا نکرده است و عصر ظهور است که این مضمون گرانقدر مصداق پیدا خواهد کرد.

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۳)

خداست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاده تا بر تمامی ادیان برتری پیدا کند گرچه مشرکان کراهت داشته باشند.

شاهد تاریخ طلوع اسلام تا به امروز هستیم که اسلام و دین به حق حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ یعنی غلبه و برتری بر کل ادیان آسمانی و ساخته فکر بشر پیدا نکرده و دین جهانی ملت ها نشده است و این خواسته الهی

ص: ۴۱۹

۱- کافی ج ۱ ص ۲۵

۲- حدید ۲۵

۳- توبه ۳۳ و فتح ۲۸ و صف ۹

فقط در زمان حضرت مهدی علیه السلام انجام خواهد گرفت به گونه ای که جز اسلام هیچ دینی در دنیا مطرح نخواهد بود.

پیش بینی آقا امیرالمومنین علی علیه السلام درباره امام مهدی روحی له الفداء دقیقا همین مطلب بوده که خطاب به فرزندش حضرت حسین علیه السلام فرمود:

التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِكَ يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُظْهَرُ لِلدِّينِ الْبَاطِلِ لِلْعَدْلِ (۱)

ای حسین نهمین پسر تو همان کسی که به حق قیام می کند دین خدا را ظاهر می سازد و عدالت را در سطح گیتی گسترش خواهد داد.

این ها همه حکایت از جهانی شدن دولت کریمه حضرت و گستره حکومت حضرت در سطح کره زمین است. چون کار حضرت ایجاد وحدت کلمه و برجیدن پراکندگی هاست.

أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيُلْمَ بِهِ الشَّعَثَ

او می آید تا اتفاق کلمه و وحدت واقعی به وجود آورد و پراکندگی را از میان بردارد.

مرحوم فیض کاشانی در تفسیر خود روایتی را از امام محمد باقر علیه السلام به این مضمون نقل می کند:

خداوند تبارک و تعالی می دانست که مردم بعد از مرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم متفرق می شوند و گرفتار اختلاف خواهند شد بنابراین آنها را منع کرد از تفرقه و جدایی همان طور که پیشینیان را نهی فرمود و آنگاه امت را امر فرمود که همگی بر ولایت آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین متحد شوند و تفرق را کنار بگذارند. (۲)

از بیان فوق نتیجه می گیریم که وجود مبارک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام پراکندگی های بعد از پیامبر را از میان بر میدارد و همه را تحت لوای ولایت محمد و آل محمد علیهم السلام به وحدت کلمه و اتحاد واقعی می رساند.

ص: ۴۲۰

۱- بحار ج ۵۱ ص ۱۱۲

۲- تفسیر صافی ۹۸

چنان که در ذیل آیه شریفه وحدت باز امام باقر علیه السلام طبق نقل مرحوم صدوق چیزی شبه مطلب فوق را نقل می کند.

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (۱)

همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ هُمْ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ الَّذِي أُمِرَ بِالْإِعْتِصَامِ بِهِ فَقَالَ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (۲)

آل محمد صلوات الله عليهم اجمعین ریسمان خدایی برای بندگان هستند که خداوند به انسان ها امر فرموده بدان ها تمسک جویند.

به راستی چه نعمتی بزرگتر از نعمت وحدت که آرزوی همه انبیاء و اولیاء خدا بوده که با کمال تأسف در هیچ زمانی محقق نشده. امید همه خوبان عالم به این است روزی فرا رسد که همه مردم روی زمین وحدت کلمه پیدا کنند و اختلافات قومی و نژادی و مذهبی را کنار بگذارند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این مژده را داده اند که در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این نعمت بزرگ تحقق یابد.

يَنْتَعِمُ أُمَّتِي فِي زَمَنِ الْمُهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نِعْمِهِ لَمْ يَنْتَعِمُوا قَبْلَهَا قَطُّ (۳)

امت من در زمان مهدی علیه السلام به نعمتی از نعمت ها دست می یابند که پیش از آن در هیچ دوره ای دست نیافته بودند.

به راستی چه نعمتی بالاتر از وحدت در دین و آیین وحدت در سیاست و یکپارچگی ایمانی و اخلاقی همه ملت ها و به ویژه امت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مطهر زمین به اجرای عدالت اجتماعی است در دعای استغاثه به حضرت این اوصاف را برای حضرت می خوانیم وَ مَطَرُ الْأَرْضِ وَ نَاشِرُ الْعَدْلِ

ص: ۴۲۱

۱- آل عمران ۱۰۳

۲- معانی الاخبار ص ۱۳۲

۳- بحار ج ۵۱ ص ۸۳

فِي الطَّوْلِ وَالْعَرْضِ او زمین را از شرک و گناه و فساد و فسق و فجور تطهیر می کند و در طول و عرض زمین نشر عدالت می دهد.

امام رضا علیه السلام در توصیف امام معصوم می فرمود:

الإِمَامُ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ الْمَبْرُءُ عَنِ الْعُيُوبِ (١)

کسی می خواهد کره زمین را از لوٹ بی بندباری ها پاکیزه کند باید خود را پاکیزه باشد بر همین اساس امام رضا علیه السلام می فرماید امام از گناهان پاکیزه و از عیب ها مبرا است.

او ناشر عدالت است و این رمز پیروزی حضرت است چون انسان از درون و نهاد خویش خواهان عدالت است و از ظلم متنفر می باشد. علت اینکه قلب ها به سوی آن گرمی جذب می شود آن است که اولاً قبل از ظهور مردم رنج فراوانی از بی عدالتی ها کشیده اند و ثانیاً به طور محسوس عدالت را در وجود نازنین آن حضرت لمس می کنند و همین باعث ثبات حکومت جهانی او می شود.

امام باقر علیہ السلام می فرمود:

إِذَا قَامَ مَهْدِيُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَسَمَ بِالسُّوِيَةِ وَ عَدَلَ بِالرَّعْتَةِ فَمَنْ أَطَاعَهُ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ (٢)

چون مهدی ما اهل بیت قیام کند مال را به طور مساوی تقسیم می کند و عدالت را در میان مردم اجرا می نماید هر کس از او اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است و هر کس او را نافرمانی کند خدای را نافرمانی کرده است.

و امام صادق عليه السلام فرمود: **أَوَّلَ مَا يُظْهَرُ الْقَائِمُ الْعِزْلُ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يَسْلِمَ صَاحِبُ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرِ الْأَسْوَدَ وَ الطَّوَافَ (۳)**

نخستین چیزی که از عدالت قائم علیه السلام ظاهر می شود این است که منادی ندا می دهد آنانی که طواف مستحبی می کنند محل طواف و حجر الاسود را برای کسانی که طواف واجب می کنند خالی کنند.

ص: ۴۲۲

۱- مسند امام رضا ص ۲۵۷

۲- غیت نعمانی، ص ۱۲۴

۳- بحار ج ۵۲ ص ۳۷۴

نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَالْعُرْضِ خلاصه آن که حضرت او بنا دارد در طول و عرض زمین و به وسعت دایره حکومتش عدالت را پیاده کند.

اللَّهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ :

امام حسن عسکری علیه السلام عرض می کند خدایا مهدی را یاری کن و او را برای نصرت دینت و نصرت اولیاءت و دوستان و شیعیان و انصارش کمک فرما.

امام زمان علیه السلام آنچنان موید از جانب خداست که هیچ کس نمی تواند مانع کارش شود و امام حسن عسکری علیه السلام در واقع به ما می آموزد که این باید جز و خواسته های ما باشد که از خداوند بخواهیم هماره نصرت و مدد غیبی خودش را شامل آن حضرت کند و نیز دوستان و اعوان و انصارش را کمک نماید.

در یکی از دعاهایی که روز جمعه وارد است عرض می کنیم وَ أَيْدُهُ بِالنَّصِيرِ وَ النِّصْرَةَ بِالرُّعْبِ وَ قَوِّ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ يُلْحَقْ بِهَا التَّالِي

خداوندا امام زمان علیه السلام را با یاری خود تایید کن و او را با رعب و ترسی که در دل ها می اندازی پیروزش نما و هر که او را کمک می کند یاری فرما و هر که او را خوار می نماید خوارش کن.

نکته مهم در این قسمت از دعا که مضمون آن در روایات نیز آمده آن است که حضرت مهدی روحی له الفداء منصور به رعب است یعنی برای پیروزی حضرت بر دشمنان نیاز به کارگیری اسلحه های مدرن و خانمان سوز نیست بلکه خداوند تبارک و تعالی چنان ترس و وحشتی از ناحیه آن گرامی در دل ها می اندازد که اکثر مخالفان را وادار به تسلیم در برابر حضرتش می نماید.

از آن گذشته حوادثی قبل از ظهور و هنگام ظهور اتفاق می افتد که پیروزی حضرت را قطعی می سازد.

امام صادق علیه السلام فرمود: ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ نخواهد داد مگر بعد از آنکه دو

سوم مردم از بین می روند محمد بن مسلم و ابوبصیر می گویند عرض کردیم اگر دو سوم مردم از بین بروند که باقی می ماند؟ فرمود: أَمَّا تَرْضَوْنَ أَنْ تَكُونُوا فِي الثُّلُثِ الْبَاقِي (۱)

آیا دوست ندارید که از یک سوم باقیمانده باشید؟

امام سجاد علیه السلام فرمود زمانی که قائم ما قیام کند خداوند آفت را از شیعیان ما بزداید و دل های آنان را چون پاره های آهن سخت و تزلزل ناپذیر کند و هر مرد آنان را قدرت چهل مرد دهد آنان فرمانروا و سالار جهان خواهند شد. (۲)

این حدیثی که نقل می کنم جوانان رزمی کار شیعه بیشتر توجه کنند و اگر در ورزش های رزمی اشتغال دارند قصد خود را قربت کرده برای قهرمانی و گرفتن مدال منحصرا تلاش نکنند بلکه خود را آماده کنند که انشاء الله جزو یاران امام عصر ارواحنا فدا باشند.

امام باقر علیه السلام فرمود: إِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَجَاءَ مَهْدِيُنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ الرَّجُلُ مِنْ شِيعَتِنَا وَ لَيْثٌ وَ أَمْضِي مِنْ سِتَانٍ يَطَأُ عِدُونَنَا بِرِجْلَيْهِ وَ يَضْرِبُهُ بِكَفِيهِ وَ ذَلِكَ عِنْدَ تَزُولِ رَحِمَةِ اللَّهِ وَ فَرَجِهِ عَلَيَّ عَلَيَّ الْعِبَادِ (۳)

هرگاه زمان ما فرا رسد و مهدی ما علیه السلام بیاید شیعه ما از شیر دلیرتر و از سر نیزه برنده تر خواهد بود. دشمنان ما را با ضربه های پای و ضربت های دست از پا در می آورد این هنگامی است که رحمت و گشایش خدا بر بندگان فرود آید.

به امید آن روز که صدای دلنوازش راز مکه و کعبه بشنویم و لیاقت همراهی و ملازمت با حضرتش را پیدا کنیم و مورد عنایت و پذیرش آن گرامی قرار گیریم.

مفضل بن عمر جعفی از امام صادق علیه السلام سوال کرد آقای من حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کجا و چگونه ظهور می کند امام علیه السلام فرمود ای مفضل تنها ظاهر می شود و تنها به خانه خدا می آید و تنها وارد کعبه می شود و آن روز را به تنهایی به شب می رساند چون شب فرا آمد و مردم همه خواب

ص: ۴۲۴

۱- بحار ج ۵۲ ص ۱۱۳

۲- مشکاه الانوار ص ۷۹

۳- بحار ج ۲ ص ۱۹۰

رفتند جبرئیل و میکائیل و صفوف فرشتگان از آسمان نزد او فرود می آیند.

جبرئیل به او می گوید آقای من سخت روا و امرت نافذ است. آن حضرت دست مبارکش بر صورت خود می کشد و می گوید ستایش خدای را که وعده خویش استوار فرمود و زمین را در قبضه ما گذاشت در هر کجای بهشت که بخواهید منزل می گیریم چقدر خوب است اجر و پاداش عمل کنندگان.

در بین رکن و مقام می ایستد و به آواز بلند می گوید ای جماعت نقبا ای خاصان و آنان که شما را خداوند پیش از ظهور برای نصرت من ذخیره کرد از صمیم دل و اطاعت کامل نزد من آیید. صدای مبارک آن حضرت در شرق و غرب عالم به آنها می رسد بعضی از آنها در محراب به عبادت مشغول و بعضی در رختخواب آرمیده اند. به همین یک صدا همه آواز او را می شنوند دعوتش را اجابت کرده و به اندازه یک چشم بر هم زدن به مکه می آیند.

همه آنان پیش او در بین رکن و مقام حاضر می شوند خداوند امر می فرماید نوری از آسمان تا زمین ستون وار کشیده شود و به آن نور همه مومنان که در روی زمین هستند روشنایی می گیرند و نوری از آن به اندرون خانه های مومنان می تابد و دل های آنان به تابش آن نور خرم و خرسند می شود. (۱)

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَ انتصر به.... خدایا یاریش کن و یاری رسان او باش تا دینت را احیا کند و یاری کن با او دوستان و دوستانش و شیعیانش را.

امام باقر علیه السلام فرمود قائم به سبب پیدایش ترس در دل دشمنان پیروی می گردد. و به یاری شدن از ناحیه پروردگار تایید می شود و زمین برای او پیموده می گردد و گنج های زمینی برایش آشکار می شود و فرمانروایی و سلطنت وی شرق و غرب

ص: ۴۲۵

پدر می گوید خدایا ما را نیز جزو یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار ده

جهان را فرا می گیرد و خداوند دین خود را به وسیله او بر تمام مکتب های جهان پیروز می گرداند هر چند مشرکان ناخشنود و مخالف باشند. (۱)

جای بیان این آیه شریفه هست که فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲)

در کارهای خیر از یکدیگر سبقت بگیرید هر کجا باشید خداوند همه شما را حاضر خواهد کرد و او بر همه چیز تواناست.

امام رضا علیه السلام فرمود: وَ ذَالِكَ وَاللَّهِ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا يَجْمَعُ اللَّهُ إِلَيْهِ جَمِيعَ شِيعَتِنَا مِنْ جَمِيعِ الْبَدَانِ (۳)

سوگند به پروردگار هر موقع قائم ما قیام کند خداوند جمیع شیعیان ما را از شهرهای مختلف به سوی او جمع می کند.

وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ :

در پایان این بخش از صلوات بر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به ما یاد می دهد که ضمن دعا برای نصرت و پیروزی حضرت و شیعیانش بر دشمنان درخواست کنیم که خدایا ما را نیز جزو یاوران حضرت قرار بده.

چه کنیم که جزو یاوران حضرت باشیم؟

۱- نخست آنکه یکی از دعاها صبح و شام ما باشد که وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ خدایا ما را جزو اعوان و یاران حضرتش قرار بده

در دعای عهد با حضرت عرض می کنیم: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّائِبِينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ [وَ الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ] وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُشْتَهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ

خدایا مرا از یاران و کمک کنندگان و دفاع کنندگان از او و شتابندگان به سوی او در برآوردن خواسته هایش و فرمان بری از دستوراتش و حامیان حضرتش و

ص: ۴۲۶

۱- بحار ج ۵۲ ص ۱۹۱

۲- بقره ۱۴۸

۳- تفسیر مجمع البیان ج ۱ ص ۲۳۱

پیشروان در ارادت به آن گرامی و شهیدان در رکابش قرار ده.

و در دعایی که روزهای جمعه منحصر به حضرت است عرض میکنیم:

وَ اسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يُجْعَلَ لِي مِنَ الْمُنتَظِرِينَ لَكَ وَ التَّابِعِينَ وَ النَّاصِرِينَ لَكَ عَلَيَّ اْعْدَائِكَ وَ الْمُشْتَهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ اَوْلِيَائِكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَيَّ أَلْ بَيْتِكَ

از خدا می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستد و مرا از جمله منتظران ظهورش قرار دهد و از کسانی که پیرو و یاور تو بر علیه دشمنانت باشم و از آنهایی که توفیق شهادت در رکابت را یابد و از جمله دوستانت گردم. ای مولای من ای صاحب زمان که درود خدا بر تو و آل تو باد.

۲- در زمان غیبت به طور مستمر استغاثه به حضرت داشته باشیم. ثمره این کار آن است که هنگامه حضور احساس بیگانی با آن بزرگوار نداریم و این استغاثه گاه با خواندن دعاهایی چون دعای فرج است چنانکه پس از بردن نام شریف حضرت عرض می کنیم اَلْعُوْثُ اَلْعُوْثُ اَلْعُوْثُ ادرکنی ادرکنی ادرکنی الساعه الساعه الساعه

پناهم ده پناهم ده پناهم ده مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب در همین لحظه در همین لحظه در همین لحظه

در دعای سرداب مقدسه در سامراء هم عرض می کنیم:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدِیْنُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ یَدَیْ صَاحِبِ هَیْذِهِ الْبُقْعَةِ الْعُوْثُ الْعُوْثُ الْعُوْثُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ قَطَعْتُ فِیْ وُضْئَتِکَ الْخُلَّانَ وَ هَجَرْتُ لِزَیَارَتِکَ الْاَوْطَانَ وَ اَخْفَيْتُ اَمْرِیْ عَنْ اَهْلِ الْبُلْدَانِ لِتَکُوْنَ شَفِیْعاً عِنْدَ رَبِّکَ وَ رَبِّیْ وَ اِلٰی اَبَائِکَ وَ مَوَالِیِّ فِیْ حُسْنِ التَّوْفِیْقِ لِیْ وَ اِسْبَاغِ النُّعْمَةِ عَلَیَّ وَ سَوْقِ الْاِحْسَانِ اِلَیَّ

خدایا من معتقد به رجعت در برابر صاحب این بقعه مبارکه هستم پناهم ده

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرآن را از مهجوری و احکام را از تعطیلی در می آورد

پناهام ده پناهام ده ای صاحب زمان. آقا برای وصل تو از دوستانم بریده ام و برای زیارتت ترک وطن کرده ام و مقصودم را مخفی از هموطنانم نمودم تا تو نزد پروردگارت و پروردگارم شفیع باشی و نزد پدرانم و سرورانم در حسن توفیق برای من و شایان شدن نعمت به من و سوق احسان به سویم مدد فرمایی.

و گاه استغاثه به حضرت را با خواندن نماز مخصوص حضرت طبق نقل محدث قمی در مفاتیح الجنان انجام دهیم و گاه با ذکر صلوات و دادن صدقه برای سلامتی حضرت و بالاخره به هر طریق ممکن با حضرتش ارتباط برقرار نماییم.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ اخْفِظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ اخْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ اخْفِظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَيْدِهِ بِالنَّصْرِ وَ انْصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ:

امام حسن عسکری علیه السلام در این قسمت پایانی صلوات بر فرزندش حضرت مهدی علیه السلام چنین دعا می کند:

خدایا مهدی علیه السلام را از هر شری و هر ستمکار و طغیانگری حفظش فرما و نیز از شر همه خلقت و او را از همه طرف محافظت فرما. از او حراست کن و از اینکه به او قصد سوئی شود مانع شو و به توسط او رسالت و آثار رسالت را حفظ نما خدایا توسط او عدالت را ظاهر کن او را با یاریت نصرت ده و هر که او را یاری می کند یاریش فرما و هر که او را خوار می نماید خوارش کن و به وسیله او جباران کافر را

بشکن و به دست او کافران و منافقین را از میان بردار و همین طور همه ملحدین در شرق و غرب عالم در خشکی و دریا را از بین ببر.

پروردگارا توسط او زمین را پر از عدل و داد کن و دین پیامبرت را که صلوات بر او و آتش باد ظاهر ساز و مرا جزو یاران و کمک کنندگان به حضرتش قرار ده و نیز از پیروان و شیعیان حضرتش و بنمایان درباره آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم آنچه آرزو دارند و نیز بنمایان درباره دشمنانش آنچه در حذرند ای مبعود حق آمین.

از مجموع صلوات امام حسن عسکری علیه السلام بر فرزند ارجمندش دو چیز بیشتر مشهود است یکی بت شکنی و طاغوت براندازی حضرت و دوم احیاء دین ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم و به عبارتی اثبات حق و فضیلت در کل کره زمین و برجیدن کفر و الحاد و نفاق و ظلم.

با این بیانات فوراً حدیث متواتر نبوی بر ایمان تداعی می شود که:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِّنِّي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي اسْمُهُ اسْمِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجَوْرًا (۱)

اگر یک روز از عمر دنیا باقی بماند خداوند آن روز را آنقدر طولانی کند تا مردی از من یا از اهل بیت من که هم نام من است بیاید و توسط وی زمین پر از عدل و داد گردد بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

در دعای معرفت که در زمان غیبت وارد است و مرحوم شیخ طوسی رحمه الله در مصباح المتهجد ص ۴۱۱ از اباعمر و العمری نقل نموده عرض می کنیم:

اللَّهُمَّ وَ أَخِي بُولِيكَ الْقِرَانِ وَ أَخِي بِهِ الْقُلُوبِ الْمِيتهِ وَ احْكَمْ بِهِ الْخُدُودَ الْمُعْطَلَةَ وَ الْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّى لَا يُبْقِيَ حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ

خدایا به واسطه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرآن را زنده کن و دل های مرده را حیات بخش و احکام و حدود تعطیل و ترک شده را بر پا کن تا حقى نماند مگر اینکه ظاهر گردد.

ص: ۴۲۹

زنده کردن قرآن به اقامه احکام و حدود تعطیل شده آن است اگر قرآن تنها مورد احترام و تبرک در کارها و قراردادهای اجتماعی ما قرار گیرد ولی واجبات و محرمات و دستورات حیات بخش آن ترک شود همان چیزی است که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم از آن گله داشتند.

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (۱)

پیامبر گفت پروردگارا قوم من قرآن را متروک قرار داده اند.

قرآن احکام قضاء و معاملات قراردادهای اجتماعی و خانوادگی احکام سیاست داخلی و خارجی دارد که به بسیاری از آنها در سطح دنیا و حتی کشورهای اسلامی عمل نمی شود.

مولایمان علی علیه السلام پیش بینی فرمود که زمانی فرا می رسد.

كَانَهُمْ أَتَمَّهُ الْكِتَابَ وَ لَيْسَ الْكِتَابَ إِمَامَهُمْ فَلَمْ يَتَّقْ عِنْدَهُمْ مِنْهُ إِلَّا اسْمُهُ وَ لَا يُعْرِفُونَ إِلَّا خَطَّهُ وَ زَبْرَهُ (۲)

گویی که آنان پیشوایان قرآنند نه قرآن پیشوای آنان پس در میان آنان از قرآن جز نامش چیزی باقی نماند و جز خط و رسمش چیز دیگری از آن شناسند.

مهم عمل به قرآن و تبعیت از دستورات قرآنی است باید فرهنگ قرآن در جامعه اجرایی شود و اگر بنا شود که یک جلد کلام الله مجید به عنوان مثال صدر مهریه عروس خانم قرار بگیرد اما همان روزهای نخستین زندگی و حتی موقع خواندن خطبه عقد رعایت آداب قرآنی نگردد چه احترامی به قرآن گذاشته شده است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در تفسیر آیه شریفه ۱۲۱ سوره بقره که می فرماید: يَتْلُوْنَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ آن را چنان که حق تلاوت آن است تلاوت می کنند فرمود: يَتَّبِعُوْنَهُ حَقَّ اتِّبَاعِهِ (۳)

ص: ۴۳۰

۱- فرقان ۳۰

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۴۷

۳- در المنثور سیوطی ج ۱ ص ۲۷۲

یعنی انچنان که باید و شاید از قرآن پیروی می کنند.

امام جواد علیه السلام در مقام گله می فرمود هر امتی آنگاه که کتاب آسمانی خود را رها کرد و دور افکند خداوند علم آن را از آنان گرفت و آنگاه که دشمنان خود را به دوستی و سرپرستی گرفتند خداوند آن دشمنان را برایشان ولایت و حکومت داد. دور افکندن کتاب به این بود که حروف و کلمات آن را برپا داشتند و معانیش را تحریف کردند کتاب را می خوانند و روایت می کنند اما آن را رعایت نمی نمایند و به کار نمی بندند. نادانان از این که آن را خوب می خوانند و حفظ می کنند خوشحالند و دانایان از این که آن را رعایت نمی کنند و به کار نمی بندند اندوهناکند. (۱)

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرآن را از مهجوری و احکام آن را از تعطیلی در می آورد و در عصر دولت کریمه اش قانون اساسی حکومت قرآن است.

امیرالمومنین علی علیه السلام درباره عصر ظهور حضرت مهدی روحی له الفداء می فرماید:

يَعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى ، وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِ، وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ (۲)

هوای نفس مغلوب هدایت و رستگاری خواهد شد و این در حالی است که مردم هدایت را به هوای نفس تبدیل کرده اند و نیز رای آنها پیرو قرآن می شود و در حالی که تا آن زمان قرآن را تابع رای خود قرار داده اند.

در آن زمان حضرت بقیه الله علیه السلام روش اجرای عدالت را به شما می آموزد و آنچه از قرآن و سنت مرده زنده می نماید.

در دعای ندبه هم می خوانیم:

أَيْنَ الْمَدْخَرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنِ أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَ الشَّرِيعَةِ

ص: ۴۳۱

۱- تنبيه الخواطر ج ۲ ص ۲۳۶

۲- نهج البلاغه خطبه ۱۳۸

أَيْنَ الْمُؤْمَلِ لِإِخْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ

کجاست آن ذخیره الهی برای تازه کردن واجبات و سنت های دین؟

کجاست انتخاب شده برای بازگرداندن کیش و آیین؟

کجاست آن آقایی که آرمان زنده کردن قرآن و حدودش به دست او انجام می گیرد؟

کجاست زنده کننده آثار دین و اهل دین؟

خود حضرت مهدی ارواحنا فداه در دعای قنوت عرض می کند:

يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمَعْيَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَصَبِّرْهُمْ وَانْصُرْنِي عَلَى أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ

ای خدایی که خلف وعده نمی کنی آنچه به من وعده داده ای ادا کن یارانم را گرد هم آور و به آنان استقامت و شکیبایی بده و مرا بر دشمنان و دشمنان پیامبرت پیرو فرما.

از این دعا استفاده می کنیم که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خود نیز برای فرج و پیرویش دعا می کند و برای اصحاب و یاران صدیقش نیز دعا می کند و از خداوند برایشان صبر طلب می نماید.

یک نکته را منتظران حضرت نباید فراموش کنند که انتظار بدون صبر معنا ندارد. انتظار یعنی شکیبایی در برابر تمام ناملازمات جسمی و روحی.

شخص منتظر باید بسوزد و بسازد. غم فراق و اضطراب دل و لحظه شماری کردن برای آمدن مولا و از همه سخت تر حفظ ایمان در آخر الزمان همه و همه لازمه اش صبر است.

رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ عَلَى دِينِهِ مِثْلُ الْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرَةِ بِكَفِهِ (۱)

ص: ۴۳۲

زمانی برای مردم فرا می رسد که اگر کسی بخواهد صابر بر دینش باشد مثل کسی است که جزئی از آتش را کف دست نگهدارد.

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبَّتْ أَقْدَامَنَا (۱)

پروردگارا صبر و استقامت را بر ما فرو ریز و گام های ما را استوار بدار.

حضرت مسیح بن مریم علیها السلام می فرمود:

انکم لا تدرکونن ما تُحِبُّونَ إِلَّا بِصبرکم ما تکرهون (۲)

شما به آنچه دوست دارید نخواهید رسید مگر با صبر در برابر آنچه ناخوش دارید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به اباذر فرمود: فَإِنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكْرَهُ خَيْرًا كَثِيرًا (۳)

به تحقیق در صبر بر آنچه ناخوش داری خیر فراوانی نهفته است.

نتیجه می گیریم که امام عصر روحی له الفداء عالی ترین دعا در حق یاران راستین خویش کرد که گفت:

وَ اجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَ صَبِّهْهُمْ خدایا یارانم را گرد آور و به آنان صبر و شکیبایی ده.

بلی صبر یکی از شاخص های یاران و منتظران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

انتظار آماده باش و تحصیل آمادگی های لازم است برای آنچه که مورد نظر است انتظار آماده باشی در سایه صبر و مقاومت

است در همین زمینه امام صادق علیه السلام فرمود: مِنْ دِينِ الْأَئِمَّةِ أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ (۴)

یکی از نشانه های دین امامان انتظار فرجی است که به صبر حاصل آید.

خداوند به حضرت داود علیه السلام سفارش می فرمود: تَخَلَّقْ بِأَخْلَاقِي وَ إِنِّ مِنْ أَخْلَاقِي إِنِّي أَنَا الصَّبُورُ (۵)

به اخلاق من متخلق شود که همانا من از صابران می باشم.

ص: ۴۳۳

۱- بقره ۲۵۰

۲- مسکن الفواد ص ۴۷

۳- مکارم الاخلاق ج ۲ ص ۳۷۷

۴- بحار ج ۵۲ ص ۱۲۲

شیعیان و پیروان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باید شکیبایی را از شخص حضرت پیاموزند که نزدیک به هزار و سیصد سال است که خود شب و روز برای وقوع حضورش و ظهورش دعا می کند و تمام مصائب و گرفتاری هایی که بر امت اسلام و به ویژه شیعیان آن گرامی وارد شده ناظر و شاهد است و باز صبر می کند تا کی اراده الهی تعلق گیرد و فرمان قیامش را صادر فرماید. به امید آن روز که امر فرجش اصلاح شود و خداوند صبور به خلیفه الله صابر فرمان حضور و ظهور را داده و دوستانش را از انتظار بیرون آورد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱. JAVA

۲. ANDROID

۳. EPUB

۴. CHM

۵. PDF

۶. HTML

۷. CHM

۸. GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱. ANDROID

۲. IOS

۳. WINDOWS PHONE

۴. WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتاهای خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

